عهد جدید

کتابِ

عهدِ جدید

یعنی

انجیلِ مقدّسِ

خداوند ونجات دهندهٔ ما

عیسیٰ مسیح

که از زبان اصلیٔ یونانی ترجمه شده است

و به نفقهٔ جماعتِ مشهور به بریتش وفورِن
بیبَل سوسائیتیٔ دار السّلطنهٔ لندن

Persian New Testament : Reproduced by Photography from
the Edition of 1895.

Printed in Great Britain.

فهرستِ اسفارِ عهدِ جدید

انجیل متی

باب اوّل

١ ٢ کتاب نسب نامهٔ عیسی مسیح بن داود بن ابراهیم * ابراهیم اسحق‌را آورد واسحق
٣ یعقوب‌را آورد و یعقوب یهودا وبرادران اورا آورد * ویهودا فارَص وزارَح‌را
٤ از تامار آورد وفارَص حصْرون‌را آورد وحصْرون اَرام‌را آورد * واَرام
٥ عَمِّیناداب‌را آورد وعَمِّیناداب نَحْشون‌را آورد ونَحْشون شَلْمون‌را آورد * وشَلْمون
بوعَزرا از راحاب آورد وبوعَز عوبیدرا از راعوت آورد وعوبید یَسّارا آورد *
٦ ٧ ویسّا داود پادشاه‌را آورد وداود پادشاه سلیمان‌را از زن اوریّا آورد * وسلیمان
٨ رَحَبْعام‌را آورد ورَحَبْعام اَبِیّارا آورد واَبِیّا آسارا آورد * وآسا یهوشافاط‌را آورد
٩ ویَهوشافاط یورام‌را آورد ویورام عُزیّارا آورد * وعُزیّا یوتام‌را آورد ویوتام
١٠ اَحازرا آورد واَحاز حِزْقیّارا آورد * وحِزْقیّا مَنَسّی‌را آورد ومَنَسّی آمون‌را آورد
١١ وآمون یوشیّارا آورد * ویوشیّا یَکُنْیا وبرادرانشرا در زمان جلای بابِل آورد *
١٢ ١٣ وبعد ازجلای بابل یَکُنْیا سَأَلْتِیئیل‌را آورد وسَأَلْتِیئیل زَرُوبابل‌را آورد * زَرُوبابِل
١٤ اَبِیهودرا آورد واَبِیهود ایلیاقیم‌را آورد وایلیاقیم عازوررا آورد * وعازور صادوق‌را
١٥ آورد وصادوق یاکین‌را آورد و یاکین ایلیَهُودرا آورد * وایلیهود اِیلعازَررا اورد
١٦ وایلعازَر مَتّان‌را آورد ومَتّان یعقوب‌را آورد * و یعقوب یوسف شوهر مریم‌را
١٧ آورد که عیسیٔ مُسَمّیٰ بمسیح از او متولّد شد * پس تمام طبقات از ابراهیم تا داود
چهارده طبقه است واز داود تا جلای بابِل چهارده طبقه واز جلای بابِل تا مسیح
١٨ چهارده طبقه * امّا ولادت عیسی مسیح چنین بود که چون مادرش مریم بیوسف
١٩ نامزد شده بود قبل ازآنکه با هم آیند اورا ازروح القدس حامله یافتند * وشوهرش
یوسف چونکه مرد صالح بود ونخواست اورا عبرت نماید پس اراده نمود اورا نه

۲۰ پنهانی رها کند☆ امّا چون او دراین چیزها تفکّر میکرد ناکاه فرشتهٔ خداوند
درخواب بروی ظاهر شده کفت ای یوسف پسر داود ازکرفتن زن خویش مریم
۲۱ مترس زیراکه آنچه دروی قرار کرفته است از روح القدس است☆ واو پسری
خواهد زائید ونام اورا عیسی خواهی نهاد زیراکه او امّت خویش‌را ازکناهانشان
۲۲ خواهد رهانید☆ واین همه برای آن واقع شد تا کلامیکه خداوند بزبان نبیّ کفته
۲۳ بود تمام کردد☆ که اینك باکره آبستن شده پسری خواهد زائید ونام اورا عمّانوئیل
۲۴ خواهند خواند که تفسیرش این است خدا با ما☆ پس چون یوسف از خواب
بیدار شد چنانکه فرشتهٔ خداوند بدو امر کرده بود بعمل آورد وزن خویشرا کرفت☆
۲۵ وتا پسر نخستین خودرا نه زائید اورا نشناخت واورا عیسی نام نهاد☆

باب دوّم

۱ وچون عیسی درایّام هیرودیس پادشاه دربیت‌لحم یهودیّه تولّد یافت ناکاه
۲ مجوسیٔ چند از مشرق به اُورشلیم آمده کفتند☆ کجاست آن مولودکه پادشاه یهود
۳ است زیراکه ستارهٔ اورا درمشرق دیده ایم وبرای پرستش او آمده ایم☆ امّا
۴ هیرودیس پادشاه چون این‌را شنید مضطرب شد وتمام اُورشلیم با وی☆ پس همهٔ
رؤسای کَهَنه وکاتبان قوم‌را جمع کرده از ایشان پرسید که مسیح کجا باید متولّدشود☆
۵ ۶ بدو کفتند دربیت لحم یهودیّه زیراکه ازنبیّ چنین مکتوب است☆ وتو ای بیت لحم
درزمین یهودا ازسایر سرداران یهودا هرکز کوچکتر نیستی زیراکه ازتو پیشوائی
۷ به ظهور خواهد آمد که قوم من اسرائیل‌را رعایت خواهد نمود☆ آنکاه هیرودیس
۸ مجوسیان‌را درخلوت خوانده وقت ظهور ستاره‌را ازایشان تحقیق کرد☆ پس ایشان‌را
به بیت‌لحم روانه نموده کفت بروید واز احوال آن طفل بتدقیق تفحّص کنید وچون
۹ یافتید مرا خبر دهید تا من نیز آمده اورا پرستش نمایم☆ چون سخن پادشاه‌را شنیدند
روانه شدند که ناکاه آن ستارهٔ که درمشرق دیده بودند پیشروی ایشان میرفت
۱۰ تا فوق آنجائیکه طفل بود رسیده بایستاد☆ وچون ستاره‌را دیدند بی نهایت شاد
۱۱ وخوشحال کشتند☆ وبخانه درآمده طفل‌را با مادرش مریم یافتند وبروی درافتاده
اورا پرستش کردند وذخائر خودرا کشوده هدایای طلا وکندر ومرّ بوی

۱۲ کذرانیدند* وچون درخواب وحی بدیشان دررسید که بنزد هیرودیس بازکشت
۱۳ نکنند پس از راه دیکر بوطن خویش مراجعت کردند* وچون ایشان روانه
شدند ناکاه فرشتهٔ خداوند درخواب بیوسف ظاهر شده کفت برخیز وطفل
ومادرشرا برداشته بمصر فرار کن ودر آنجا باش تا بتو خبر دهم زیراکه هیرودیس
۱٤ طفل‌را جستجو خواهد کرد تا اورا هلاك نماید* پس شبانکاه برخاسته طفل ومادر
۱٥ اورا برداشته بسوی مصر روانه شد* وتا وفات هیرودیس درآنجا بماند تا کلامیکه
۱٦ خداوند ..ان نبیّ کفته بود تمام کردد که از مصر پسر خودرا خواندم* چون
هیرودیس دید که مجوسیان اورا سخریّه نموده‌اند بسیار غضبناك شده فرستاد وجمیع
اطفالیرا که دربیت‌لحم وتمام نواحئ آن بودند از دوساله وکمتر موافق وقتیکه
۱۷ ازمجوسیان تحقیق نموده بود بقتل رسانید* آنکاه کلامیکه بزبان اِرمیای نبیّ کفته
شده بود تمام شد* آوازی در رامه شنیده شد کریه وزاری وماتم عظیم که راحیل
۱۸ برای فرزندان خود کریه میکند وتسلّی نمی پذیرد زیراکه نیستند* امّا چون
هیرودیس وفات یافت ناکاه فرشتهٔ خداوند درمصر بیوسف درخواب ظاهر
۱۹ شده کفت* برخیز وطفل ومادرش‌را برداشته بزمین اسرائیل روانه شو زیرا
۲۰ آنانیکه قصد جان طفل داشتند فوت شدند* پس برخاسته طفل ومادر اورا
۲۱ برداشت وبزمین اسرائیل آمد* امّا چون شنید که اَرْکلاؤس بجای پدر خود
هیرودیس بریهودیه پادشاهی میکند ازرفتن بدان سمت ترسید ودر خواب وحی
۲۲ یافته بنواحئ جلیل برکشت* وآمده در بلدهٔ مسمّی به‌ناصره ساکن شد تا آنچه بزبان
انبیاء کفته شده بود تمام شود که بناصری خوانده خواهد شد*

باب سیّم

۱ ودرآن ایّام یحیئ تعمید دهنده دربیابان یهودیّه ظاهر شد وموعظه کرده میکفت*
۲ ۳ توبه کنید زیرا ملکوت آسمان نزدیکست* زیرا همین است آنکه اشعیای نبیّ ازاو
خبر داده میکوید صدای نداکنندهٔ دربیابان که راه خداوندرا مهیّا سازید وطُرُق
٤ اورا راست نمائید* واین یحیی لباس ازپشم شتر میداشت وکمربند چرمی برکمر
٥ وخوراك او ازملخ وعسل برّی میبود* دراین وقت اُورشلیم وتمام یهودیّه وجمیع

٦ حوالیٔ اُرْدُن نزد او بیرون می آمدند٭ وبکناهان خود اعتراف کرده دراُرْدُنّ
٧ ازوی تعمید میافتند٭ پس چون بسیاری از فریسیان وصدّوقیان‌را دید که بجهه
تعمید وی میآیند بدیشان کفت ای افعی زادکان کِه شمارا اعلام کرد که از غضب
٨ ٩ آینده بکریزید٭ اکنون ثمرهٔ شایستهٔ توبه بیاورید٭ واین سخن‌را بخاطر خود راه
مدهید که پدر ما ابراهیم است زیرا بشما میکویم خدا قادر است که از این سنکها
١٠ فرزندان برای ابراهیم برانکیزاند٭ والحال تیشه برریشهٔ درختان نهاده شده است
١١ پس هر درختی که ثمرهٔ نیکو نیاورد بریده ودرآتش افکنده شود٭ من شمارا به‌آب
بجههٔ توبه تعمید میدهم لکن او که بعد ازمن میآید ازمن تواناتر است که لایق برداشتن
١٢ نعلین او نیستم٭ او شمارا بروح القدس وآتش تعمید خواهد داد٭ او غربال خودرا
دردست دارد وخرمن خودرا نیکو پاك کرده کندم خویش‌را درأنبار ذخیره خواهد
١٣ نمود ولی کاه‌را درآتشی که خاموشی نمی پذیرد خواهد سوزانید٭ آنکاه عیسی
١٤ ازجلیل به اُرْدُنّ نزد یحیی آمد تا ازاو تعمید یابد٭ امّا یحیی اورا منع نموده کفت
١٥ من احتیاج دارم که ازتو تعمید یابم وتو نزد من میائی٭ عیسی درجواب وی کفت
الآن بکذار زیراکه مارا همچنین مناسب است تا تمام عدالت‌را بکمال رسانیم پس
١٦ اورا واکذاشت٭ امّا عیسی چون تعمید یافت فورا ازآب برآمد که درساعت
آسمان بروی کشاده شد وروح خدارا دید که مثل کبوتری نزول کرده بروی میآید٭
١٧ آنکاه خطابی ازآسمان دررسید که اینست پسر حبیب من که ازاو خوشنودم٭

باب چهارم

١ ٢ آنکاه عیسی بدست روح به بیابان برده شد تا ابلیس اورا تجربه نماید٭ وچون
٣ چهل شبانه روز روزه داشت آخر کرسنه کردید٭ پس تجربه کننده نزد او آمده
٤ کفت اکر پسر خدا هستی بکو تا این سنکها نان شود٭ درجواب کفت مکتوب
است انسان نه محض نان زیست میکند بلکه بهر کلمهٔ که ازدهان خدا صادر کردد٭
٥ ٦ آنکاه ابلیس اورا بشهر مقدّس برد وبرکنکرهٔ هیکل برپا داشته٭ بوی کفت اکر
پسر خدا هستی خودرا بزیر انداز زیرا مکتوب است که فرشتکان خودرا دربارهٔ
٧ تو فرمان دهد تا ترا بدستهای خود برکیرند مبادا پایت بسنکی خورد٭ عیسی وبرا

٨ کفت ونیز مکتوب است خداوند خدای خودرا تجربه مکن٭ پس ابلیس اورا
٩ بکوهی بسیار بلند برد وهمهٔ ممالك جهان وجلال آنهارا بدو نشان داده٭ بوی
١٠ کفت اکر افتاده مرا سجده کنی همانا این همه‌را بتو بخشم٭ آنکاه عیسی ویرا کفت
دور شو ای شیطان زیرا مکتوب است که خداوند خدای خودرا سجده کن واورا
١١ فقط عبادت نما٭ درساعت ابلیس اورا رها کرد واینك فرشتکان آمده اورا
١٢ پرستاری مینمودند٭ وچون عیسی شنید که یحیی کرفتار شده است بجلیل روانه
١٣ شد٭ وناصره‌را ترك کرده آمد وبکفرناحوم بکنارهٔ دریا درحدود زبولون ونفتالیم
١٤ ساکن شد٭ تا تمام کردد آنچه بزبان اشعیای نبیّ کفته شده بود٭ که زمین زبولون ١٥
١٦ وزمین نفتالیم راه دریا آنطرف اُرْدُنّ جلیلِ امّتها٭ قومی که درظلمت ساکن بودند
١٧ نوری عظیم دیدند وبرشینندکان دیار موت وسایهٔ آن نوری تابید٭ ازآن هنکام
عیسی بموعظه شروع کرد وکفت توبه کنید زیرا ملکوت آسمان نزدیك است٭
١٨ وچون عیسی بکنارهٔ دریای جلیل میخرامید دو برادر یعنی شمعون مسمّی به پطرس
١٩ وبرادرش اندریاس‌را دید که دامی در دریا میاندازند زیرا صیّاد بودند٭ بدیشان
٢٠ کفت ازعقب من آئید تا شمارا صیّاد مردم کردانم٭ درساعت دامهارا کذارده
٢١ ازعقب او روانه شدند٭ وچون ازآنجا کذشت دو برادر دیکر یعنی یعقوب پسر
زَبْدَی وبرادرش یوحنّارا دید که درکشتی با پدر خویش زبْدَی دامهای خودرا
٢٢ اصلاح میکنند. ایشانرا نیز دعوت نمود٭ درحال کشتی وپدر خودرا ترك کرده
٢٣ ازعقب او روانه شدند٭ وعیسی درتمام جلیل میکشت ودرکنایس ایشان
تعلیم داده به بشارت ملکوت موعظه همی نمود وهر مرض وهر درد قوم‌را شفا
٢٤ میداد٭ واسم او درتمام سوریّه شهرت یافت وجمیع مریضانی که به انواع امراض
ودردها مبتلا بودند ودیوانکان ومصروعان ومفلوجانرا نزد او آوردند وایشانرا
٢٥ شفا بخشید٭ وکروهی بسیار ازجلیل ودیکاپولِس واُورْشلیم ویهودیّه وآنطرف
اُرْدُنّ درعقب او روانه شدند٭

باب پنجم

١ وکروهی بسیار دیده برفراز کوه آمد ووقتیکه اوبنشست شاکردانش نزد او حاضر
٢ ٣ شدند٭ آنکاه دهان خودرا کشوده ایشان‌را تعلیم داد وکفت٭ خوشا بحال

٤ مسکینان در رُوح زیرا ملکوت آسمان ازآن ایشان است* خوشا بحال ماتمیان زیرا
٥ ایشان تسلّی خواهند یافت* خوشا بحال حلیمان زیرا ایشان وارث زمین خواهند
٦ شد* خوشا بحال کرسنکان وتشنکان عدالت زیرا ایشان سیر خواهند شد*
٧ ٨ خوشا بحال رحم کنندکان زیرا برایشان رحم کرده خواهد شد* خوشا بحال پاك
٩ دلان زیرا ایشان خدارا خواهند دید* خوشا بحال صلح کنندکان زیرا ایشان
١٠ پسران خدا خواند؛ خواهند شد* خوشا بحال زحمت کشان برای عدالت زیرا
١١ ملکوت آسمان ازآن ایشان است* خوشحال باشید چون شمارا فُحش کویند وجفا
١٢ رسانند وبخاطر من هر سخن بدی برشما کاذبانه کویند* خوش باشید وشادیٔ عظیم
نمائید زیرا اجر شما درآسمان عظیم است زیراکه بهمین طور برانبیای قبل ازشما جفا
١٣ میرسانیدند* شما نمك جهانید لیکن اکر نمك فاسد کردد بکدام چیز باز نمکین شود
١٤ دیکر مصرفی ندارد جز آنکه بیرون افکند؛ پایمال مردم شود* شما نور عالمید
١٥ شهری که برکوهی بنا شود نتوان پنهان کرد* وچراغ‌را نمی‌افروزند تا آنرا زیرپیمانه
نهند بلکه تا برچراغدان کذارند آنکاه بهمهٔ کسانیکه درخانه باشند روشنائی می
١٦ بخشد* همچنین بکذارید نور شما برمردم بتابد تا اعمال نیکوی شمارا دید؛ پدر شمارا
١٧ که درآسمان است تمجید نمایند* کمان مبرید که آمد؛ام تا توراة یاصحف انبیاءرا
١٨ باطل سازم نیامد؛ ام تا باطل نمایم بلکه تا تمام کنم* زیرا هرآینه بشما میکویم تا آسمان
وزمین زایل نشود همزهٔ یا نقطهٔ ازتوراة هرکز زایل نخواهد شد تا همه واقع شود*
١٩ پس هر که یکی ازین احکام کوچکترین‌را بشکند وبمردم چنین تعلیم دهد در
ملکوت آسمان کمترین شمرده شود امّا هرکه بعمل آورد وتعلیم نماید او درملکوت
٢٠ آسمان بزرك خواند؛ خواهد شد* زیرا بشما میکویم تا عدالت شما برعدالت کاتبان
٢١ وفریسیان افزون نشود بملکوت آسمان هرکز داخل نخواهید شد* شنید؛ اید که
٢٢ باوّلین کفته شد؛ است قتل مکن وهر که قتل کند سزاوار حکم شود* لیکن من
بشما میکویم هر که ببرادر خود بی سبب خشم کیرد مستوجب حکم باشد وهر که
برادر خودرا راقا کوید مستوجب قصاص باشد وهرکه احمق کوید مستحقّ آتش
٢٣ جهنّم بُوَد* پس هرکاه هدیهٔ خودرا بقربانکاه ببری وآنجا بخاطرت آید که برادرت
٢٤ برتو حقّی دارد* هدیهٔ خودرا پیش قربانکاه واکذار ورفته اوّل با برادر خویش

٢٥ صلح نما وبعد آمده هدیهٔ خودرا بگذران ٭ بامدّعیٔ خود مادامیکه با وی در راه
هستی صلح کن مبادا مدّعی ترا بقاضی سپارد وقاضی ترا بداروغه تسلیم کند ودر
٢٦ زندان افکنده شوی ٭ هرآینه بتو میگویم که تا فلس آخررا ادا نکنی هرگز از آنجا
٢٧ ٢٨ بیرون نخواهی آمد ٭ شنیده اید که باوّلین گفته شده است زنا مکن ٭ لیکن من بشما
میگویم هر کس بزنی نظر شهوت اندازد هماندم دردل خود با او زنا کرده است ٭
٢٩ پس اگرچشم راستت ترا بلغزاند قلعش کن واز خود دور انداز زیرا ترا بهتر آنست
٣٠ که عضوی ازاعضایت تباه گردد از آنکه تمام بدنت درجهنّم افکنده شود ٭ واگر
دست راستت ترا بلغزاند قطعش کن واز خود دور انداز زیرا ترا مفیدتر آنست
که عضوی ازاعضای تو نابود شود از آنکه کلّ جسدت دردوزخ افکنده شود ٭
٣١ ٣٢ وگفته شده است هر که اززن خود مفارقت جوید طلاق نامهٔ بدو بدهد ٭ لیکن
من بشما میگویم هرکس بغیر علّت زنا زن خودرا ازخود جدا کند باعث زنا کردن
٣٣ او میباشد وهر که زن مطلّقه‌را نکاح کند زنا کرده باشد ٭ باز شنیده‌اید که باوّلین
٣٤ گفته شده است که قسم دروغ مخور بلکه قسمهای خودرا بخداوند وفاکن ٭ لیکن
٣٥ من بشما میگویم هرگز قسم مخورید نه بآسمان زیراکه عرش خداست ٭ ونه بزمین
٣٦ زیراکه پای انداز اواست ونه بأُورْشلیم زیراکه شهر پادشاه عظیم است ٭ ونه بسر
٣٧ خود قسم یاد کن زیراکه موئی را سفید یا سیاه نمیتوانی کرد ٭ بلکه سخن شما بلی بلی ونی
٣٨ نی باشد زیراکه زیاده براین ازشریر است ٭ شنیده اید که گفته شده است چشمی
٣٩ بچشمی ودندانی بدندانی ٭ لیکن من بشما میگویم با شریر مقاومت مکنید بلکه هرکه
٤٠ برخسارهٔ راست تو طپانچه زند دیگریرا نیز بسوی او بگردان ٭ واگر کسی خواهد با
٤١ تو دعوی کند وقبای ترا بگیرد عبای خودرا نیز بدو واگذار ٭ وهرگاه کسی ترا
٤٢ برای یك میل مجبور سازد دو میل همراه او برو ٭ هر کس ازتو سؤال کند بدو
٤٣ ببخش واز کسیکه قرض ازتو خواهد روی خودرا مگردان ٭ شنیده اید که گفته
٤٤ شده است همسایهٔ خودرا محبّت نما وبا دشمن خود عداوت کن ٭ امّا من بشما میگویم
که دشمنان خودرا محبّت نمائید وبرای لعن کنندگان خود برکت بطلبید وبآنانیکه
ازشما نفرت کنند احسان کنید وبهرکه بشما فحش دهد وجفا رساند دعای خیر کنید ٭
٤٥ تا پدر خودرا که درآسمان است پسران شوید زیراکه آفتاب خودرا بربدان ونیکان

٤٦ طالع میسازد و باران برعادلان وظالمان میباراند٭ زیرا هرکاه آنانیرا محبّت نمائید
٤٧ که شمارا محبّت مینمایند چه اجر دارید آیا باج کیران چنین نمیکنند٭ وهرکاه
برادران خودرا فقط سلام کوئید چه فضیلت دارید ایا باج کیران چنین نمیکنند٭
٤٨ پس شما کامل باشید چنانکه پدر شما که در آسمانست کامل است٭

باب ششم

۱ زنهار عدالت خودرا پیش مردم بجا میاورید تا شمارا به بینند والّا نزد پدر خود
۲ که درآسمان است اجری ندارید٭ پس چون صدقه دهی پیش خود کرّنا منواز
چنانکه ریاکاران درکنایس وبازارها میکنند تا نزد مردم اکرام یابند هرآینه بشما
۳ میکویم اجرخودرا یافته اند٭ بلکه تو چون صدقه دهی دست چپ تو ازآنچه
٤ دست راستت میکند مطّلع نشود٭ تا صدقهٔ تو درنهان باشد وپدر نهان بین تو
٥ ترا آشکارا اجر خواهد داد٭ وچون عبادت کنی مانند ریاکاران مباش زیرا
خوش دارند که درکنایس وکوشههای کوچهها ایستاده نماز کذارند تا مردم ایشانرا
٦ به بینند هرآینه بشما میکویم اجرخودرا تحصیل نموده اند٭ لیکن تو چون عبادت
کنی بحجرهٔ خود داخل شو ودررا بستهپدر خودرا که درنهان است عبادت نما وپدر
۷ نهان بین تو ترا آشکارا جزا خواهد داد٭ وچون عبادت کنید مانند امتّها تکرار
۸ باطل مکنید زیرا ایشان کمان میبرند که بسبب زیاد کفتن مستجاب میشوند٭ پس
مثل ایشان مباشید زیراکه پدر شما حاجات شمارا میداند پیش ازآنکه ازاو سؤال
۹ کنید٭ پس شما باینطور دعا کنید۰ ای پدر ما که درآسمانی۰ نام تو مقدّس باد٭
۱۰ ۱۱ ملکوت تو بیاید۰ ارادهٔ تو چنانکه درآسمان است برزمین نیز کرده شود٭ نان
۱۲ کفاف مارا امروز بما بده٭ وقرضهای مارا ببخش چنانکه ما نیز قرضداران خودرا
۱۳ می بخشیم٭ ومارا درآزمایش میاور بلکه ازشریر مارا رهائی ده زیرا ملکوت وقوّت
١٤ وجلال تا أبد الاباد ازآن تست۰ امین٭ زیرا هرکاه تقصیرات مردمرا بدیشان
١٥ بیامرزید پدر آسمانئ شما شمارا نیز خواهد آمرزید٭ امّا اکر تقصیرهای مردمرا
١٦ نیامرزید پدر شما هم تقصیرهای شمارا نخواهد آمرزید٭ امّا چون روزه دارید مانند
ریاکاران ترشرو مباشید زیراکه صورت خویشرا تغییر میدهند تا درنظر مردم روزه

۱۷ دار نمایند هرآینه بشما میکویم اجرخودرا یافته اند ☆ لیکن تو چون روزه داری سر
۱۸ خودرا تدهین کن وروی خودرا بشوی ☆ تا درنظر مردم روزه‌دار ننمائی بلکه
درحضور پدرت که درنهان است وپدر نهان بین تو ترا آشکارا جزا خواهد داد ☆
۱۹ کنجها برای خود برزمین نیندوزید جائیکه بید وزنك زبان میرساند وجائیکه
۲۰ دزدان نقب میزنند ودزدی مینمایند ☆ بلکه کنجها بجهة خود درآسمان بیندوزید
جائیکه بید وزنك زبان نمیرساند وجائیکه دزدان نقب نمیزنند ودزدی نمیکنند ☆
۲۱ ۲۲ زیرا هرجا کنج تو است دل تو نیز درآنجا خواهد بود ☆ چراغ بدن چشم است پس
۲۳ هرکاه چشمت بسیط باشد تمام بدنت روشن بُوَد ☆ امّا اکر چشم تو فاسد است
تمام جسدت تاریك میباشد پس اکر نوری که درتست ظلمت باشد چه ظلمت
۲٤ عظیمی است ☆ هیچ کس دو آقارا خدمت نمیتواند کرد زیرا یا ازیکی نفرت دارد وبا
دیکری محبّت ویا بیکی میچسپد ودیکررا حقیرمیشمارد ☆ محال است که خدا وممونارا
۲۵ خدمت کنید ☆ بنابرین بشما میکویم ازبهر جان خود اندیشه مکنید که چه خورید یا
چه آشامید ونه برای بدن خود که چه بپوشید آیا جان ازخوراك وبدن ازپوشاك
۲٦ بهتر نیست ☆ مرغان هوارا نظر کنید که نه میکارند ونه می دروند ونه درانبارها
ذخیره میکنند وپدر آسمانیِٔ شما آنهارا میپروراند آیا شما ازآنها بمراتب بهتر نیستید ☆
۲۷ ۲۸ وکیست ازشما که بتفکّر بتواند ذراعی برقامت خود افزاید ☆ وبرای لباس چرا
می اندیشید درسوسنهای چمن تَاَمُّل کنید چه‌کونه نموّ میکنند نه محنت میکشند ونی
۲۹ ریسند ☆ لیکن بشما میکویم سلیمان هم با همهٔ جلال خود چون یکی ازآنها آراسته نشد ☆
۳۰ پس اکر خدا علف صحرارا که امروز هست وفردا درتنور افکنده میشود چنین
۳۱ بپوشاند ای کم ایمانان آیا نه شمارا ازطریق اولی ☆ پس اندیشه مکنید ومکوئید چه
۳۲ بخوریم یا چه بنوشیم یا چه بپوشیم ☆ زیراکه درطلب جمیع این چیزها امّتها میباشند
۳۳ امّا پدر آسمانیِٔ شما میداند که بدین همه چیز احتیاج دارید ☆ لیکن اوّل ملکوت
۳٤ خدا وعدالت اورا بطلبید که اینهمه برای شما مزید خواهد شد ☆ پس دراندیشهٔ
فردا مباشید زیرا فردا اندیشهٔ خودرا خواهد کرد بدیٔ امروز برای امروز
کافیست ☆

باب هفتم

۱ ۲ حکم مکنید تا برشما حکم نشود٭ زیرا بدان طریقیکه حکم کنید برشما نیز حکم
۳ خواهد شد وبدان پیمانهٔ که پیمائید برای شما خواهند پیمود٭ وچونست که خس‌را
۴ درچشم برادر خود می بینی وچوبیکه چشم خود داری نمییابی٭ یا چکونه به
برادر خود می‌کوئی اجازت ده تا خس‌را ازچشمت بیرون کنم واینك چوب در چشم
۵ تست٭ ای ریاکار اوّل چوب‌را ازچشم خود بیرون کن آنکاه نیك خواهی دید
۶ تا خسرا از چشم برادرت بیرون کنی٭ آنچه مقدّس است بسکان مدهید ونه‌مروارید
های خودرا پیش کرازان اندازید مبادا آنهارا پایمال کنند وبرکشته شمارا بدرند٭
۷ سؤآل کنید که بشما داده خواهد شد بطلبید که خواهید یافت بکوبید که برای شما
۸ بازکرده خواهد شد٭ زیرا هرکه سؤآل کند یابد وکسیکه بطلبد دریافت کند
۹ وهرکه بکوبد برای او کشاده خواهد شد٭ وکدام آدمی است ازشما که پسرش
۱۰ ۱۱ نانی ازاو خواهد وسنکی بدو دهد٭ یا اکر ماهی خواهد ماری بدو بخشد٭ پس
هرکاه شما که شریر هستید دادن بخششهای نیکورا باولاد خود میدانید چه قدر زیاده
پدر شما که درآسمان است چیزهای نیکورا بآنانیکه ازاو سؤآل میکنند خواهد
۱۲ بخشید٭ لهذا آنچه خواهید که مردم بشما کنند شما نیز بدیشان همچنان کنید زیرا
۱۳ اینست توراة وصحف انبیاء٭ ازدرِ تنك داخل شوید زیرا فراخ است آن
در ووسیع است آن طریقیکه مؤدّی بهلاکت است وآنانیکه بدان داخل میشوند
۱٤ بسیارند٭ زیرا تنك است آن درودشوار است آنطریقیکه مؤدّی بحیات است
۱۵ ویابندکان آن کم اند٭ امّا ازانبیای کَذَبَه احتراز کنید که بلباس میشها نزد شما می
۱٦ آیند ولی درباطن کرکان درندهٔ میباشند٭ ایشانرا ازمیوهای ایشان خواهید شناخت٭
۱۷ ایا انکوررا ازخار وانجیررا ازخس می‌چینند٭ همچنین هر درخت نیکو میوهٔ نیکو
۱۸ میآورد ودرخت بد میوهٔ بد میآورد٭ نمیتواند درخت خوب میوهٔ بد آوَرَد ونه
۱۹ درخت بد میوهٔ نیکو آوَرَد٭ هر درختیکه میوهٔ نیکو نیاورد بریدهٔ ودر آتش افکندهٔ
۲۰ ۲۱ شود٭ لهذا ازمیوهای ایشان ایشانرا خواهید شناخت٭ نه هرکه مرا خداوند
خداوند کوید داخل ملکوت آسمان کردد بلکه آنکه ارادهٔ پدر مرا که درآسمانست

٢٢ بجا آورد ٭ بسا در آن روز مرا خواهند گفت خداوندا خداوندا آیا بنام تو نبوّت
٢٣ ننمودیم وباسم تو دیوهارا اخراج نکردیم وبنام تو معجزات بسیار ظاهر نساختیم ٭ آنگاه
بایشان صریحًا خواهم گفت که هرگز شمارا نشناختم ٭ ای بدکاران از من دور شوید ٭
٢٤ پس هرکه این سخنان مرا بشنود وآنهارا بجا آرد اورا بمردی دانا تشبیه میکنم که خانهٔ
٢٥ خودرا برسنگ بنا کرد ٭ وباران باریده سیلابها روان گردید وبادها وزیده بدانخانه
٢٦ زورآور شد وخراب نگردید زیراکه برسنگ بنا شده بود ٭ وهرکه این سخنان مرا
٢٧ شنیده بآنها عمل نکرد بمردی نادان ماند که خانهٔ خودرا بر ریگ بنا نهاد ٭ وباران
باریده سیلابها جاری شد وبادها وزیده بدانخانه زور آورد وخراب گردید وخرابئ
٢٨ آن عظیم بود ٭ وچون عیسی این سخنان‌را ختم کرد آن گروه از تعلیم او در حیرت
٢٩ افتادند ٭ زیراکه ایشانرا چون صاحب قدرت تعلیم میداد ونه مثل کاتبان ٭

باب هشتم

١ وچون او از کوه بزیر آمد گروهی بسیار از عقب او روانه شدند ٭ ٢ که ناگاه ابرصی
٣ آمد واورا پرستش نموده گفت ای خداوند اگر بخواهی میتوانی مرا طاهر سازی ٭ عیسی
دست آورده اورا لمس نمود وگفت میخواهم طاهر شو که فورًا برص او طاهر گشت ٭
٤ عیسی بدو گفت زنهار کسی را اطّلاع ندهی بلکه رفته خودرا بکاهن بنما وآن هدیهٔرا
٥ که موسی فرمود بگذران تا بجهة ایشان شهادتی باشد ٭ وچون عیسی وارد
٦ کفرناحوم شد یوزباشئ نزد وی آمد وبدو التماس نموده ٭ گفت ای خداوند خادم
٧ من مفلوج در خانه خوابیده وبشدّت متألّم است ٭ عیسی بدو گفت من آمده اورا
٨ شفا خواهم داد ٭ یوزباشی در جواب گفت خداوندا لایق آن نیم که زیر سقف من
٩ آئی بلکه فقط سخنی بگو وخادم من صحّت خواهد یافت ٭ زیراکه من نیز مردی
زیر حکم هستم وسپاهیانرا زیر دست خود دارم چون بیکی گویم برو میرود وبدیگری
١٠ بیا میآید وبغلام خود فلان کاررا بکن میکند ٭ عیسی چون اینسخن‌را شنید متعجّب
شده بهمراهان خود گفت هرآینه بشما میگویم که چنین ایمانی در اسرائیل هم نیافته‌ام ٭
١١ وبشما میگویم که بسا از مشرق ومغرب آمده در ملکوت آسمان با ابراهیم واسحق
١٢ ویعقوب خواهند نشست ٭ امّا پسران ملکوت بیرون افکنده خواهند شد در ظلمت

۱۳ خارجی جائیکه کریه وفشار دندان باشد٭ پس عیسی به یوزباشی کفت برو
۱٤ بروفق ایمانت ترا عطا شود که در ساعت خادم او صحّت یافت٭ وچون
۱۵ عیسی بخانهٔ پطرس آمد مادرزنِ اورا دید که تب کرده خوابیده است٭ پس دست
اورا لمس کرد وتب اورا رها کرد پس برخاسته بخدمت کذاریٔ ایشان مشغول
۱٦ کشت٭ امّا چون شام شد بسیاری از دیوانکانرا بنزد او آوردند ومحض سخنی
۱۷ ارواح‌را بیرون کرد وهمهٔ مریضان‌را شفا بخشید٭ تا سخنی که بزبان اشعیای نبیّ
۱۸ کفته شده بود تمام کردد که او ضعفهای مارا کرفت ومرضهای مارا برداشت٭
۱۹ چون عیسی جمعی کثیر دور خود دید فرمان داد تا بکنارهٔ دیکر روند٭ آنکاه
۲۰ کاتبی پیش آمده بدو کفت استادا هرجا روی ترا متابعت کنم٭ عیسی بدو کفت
روباهان‌را سوراخها ومرغان هوارا آشیانها است لیکن پسر انسانرا جای سر نهادن
۲۱ نیست٭ ودیکری از شاکردانش بدو کفت خداوندا اوّل مرا رخصت ده تا رفته
۲۲ پدر خودرا دفن کنم٭ عیسی ویرا کفت مرا متابعت کن وبکذار که مردکان مردکان
۲۳ ۲٤ خودرا دفن کنند٭ چون بکشتی سوار شد شاکردانش از عقب او امدند٭ ناکاه
اضطراب عظیمی در دریا پدید آمد بحدّیکه امواج کشتی‌را فرو میکرفت واو در
۲۵ خواب بود٭ پس شاکردان پیش آمده اورا بیدار کرده کفتند خداوندا مارا دریاب
۲٦ که هلاك میشویم٭ بدیشان کفت ای کم ایمانان چرا ترسان هستید٭ آنکاه برخاسته
۲۷ بادها ودریارا نهیب کرد که آرامیٔ کامل پدید آمد٭ امّا آن اشخاص تعجّب نموده
۲۸ کفتند این چکونه مردیست که بادها ودریا نیز اورا اطاعت میکنند٭ وچون
بآن کناره در زمین جَرْجِسیان رسید دو شخص دیوانه از قبرها بیرون شده بدو
۲۹ برخوردند وبحدّی تند خوی بودند که هیچکس از آن‌راه نتوانستی عبور کند٭ در
ساعت فریاد کرده کفتند یا عیسی ابن الله مارا با تو چه کار است مکر در اینجا آمدهٔ
۳۰ تا مارا قبل از وقت عذاب کنی٭ وکلّهٔ کراز بسیاری دور از ایشان میچرید٭
۳۱ دیوها از وی استدعا نموده کفتند هرکاه مارا بیرون کنی درکلّهٔ کرازان مارا بفرست٭
۳۲ ایشان‌را کفت بروید٭ درحال بیرون شده داخل کلّهٔ کرازان کردیدند که في الفور
۳۳ همهٔ آن کرازان از بلندی بدریا جسته در آب هلاك شدند٭ امّا شبانان کریخته
۳٤ بشهر رفتند وتمام آن حادثه وماجرای دیوانکانرا شهرت دادند٭ واینك تمام شهر

برای ملاقات عیسی بیرون آمد چون اورا دیدند التماس نمودند که از حدود ایشان
بیرون رود ٭

باب نهم

١ ٢ پس بکشتی سوار شده عبور کرد وبشهر خویش آمد ٭ ناکاه مفلوجیرا بر بستر
خوابانیده نزد وی آوردند ٭ چون عیسی ایمان ایشانرا دید مفلوجرا کفت ای فرزند
٣ خاطر جمع دار که کناهانت آمرزیده شد ٭ آنکاه بعضی از کاتبان با خود کفتند
٤ این شخص کفر میکوید ٭ عیسی خیالات ایشانرا درك نموده کفت ازبهر چه خیالات
٥ فاسد بخاطر خود راه میدهید ٭ زیرا کدام سهلتر است کفتن اینکه کناهان تو
٦ آمرزیده شد یا کفتن آنکه برخاسته بخرام ٭ لیکن تا بدانید که پسر انسانرا قدرت
آمرزیدن کناهان بر روی زمین هست ٭ آنکاه مفلوجرا کفت برخیز وبستر خودرا
٧ ٨ برداشته بخانهٔ خود روانه شو ٭ در حال برخاسته بخانهٔ خود رفت ٭ وآن کروه
چون این عملرا دیدند متعجّب شده خدائیرا که این نوع قدرت بمردم عطا فرموده
٩ بود تمجید نمودند ٭ چون عیسی از آنجا می کذشت مردیرا مسمی بمتّی به باج کاه
نشسته دید ٭ بدو کفت مرا متابعت کن درحال برخاسته از عقب وی روانه شد ٭
١٠ وواقع شد چون او در خانه بغذا نشسته بود که جمعی از باجکیران وکناهکاران
١١ آمده با عیسی وشاکردانش بنشستند ٭ وفریسیان چون دیدند بشاکردان او کفتند
١٢ چرا استاد شما با باجکیران وکناهکاران غذا میخورد ٭ عیسی چون شنید کفت نه
١٣ تندرستان بلکه مریضان احتیاج بطبیب دارند ٭ لکن رفته اینرا دریافت کنید که
رحمت میخواهم نه قربانی زیرا نیامده‌ام تا عادلانرا بلکه کناهکارانرا بتوبه دعوت نمایم ٭
١٤ آنکاه شاکردان یحیی نزد وی آمده کفتند چونست که ما وفریسیان روزهٔ
١٥ بسیار میداریم لکن شاکردان تو روزه نمیدارند ٭ عیسی بدیشان کفت آیا پسران
خانهٔ عروسی مادامیکه داماد با ایشانست میتوانند ماتم کنند ولکن ایّامی میآید که
١٦ داماد از ایشان کرفته شود درآن هنکام روزه خواهند داشت ٭ وهیچ کس برجامهٔ
کهنه پارهٔ از پارچهٔ نو وصله نمیکند زیراکه آن وصله ازجامه جدا میکردد ودریدکی
١٧ بدترمیشود ٭ و اب نورا در مشکهای کهنه نمیریزند والّا مشکها دریده شده شراب
ریخته ومشکها تبه کردد بلکه شراب نورا در مشکهای نو میریزند تا هر دو محفوظ

١٨ باشد٭ او هنوز این سخنانرا بدیشان میکفت که ناکاه رئیسی آمد واورا پرستش
نموده کفت اکنون دختر من مرده است لکن بیا ودست خودرا بروی کذار که زیست
١٩ خواهد کرد٭ پس عیسی به‌اتّفاق شاکردان خود برخاسته از عقب او روانه شد٭
واینك زنی که مدّت دوازده سال بمرض استحاضه مبتلا میبود از عقب او آمده
٢٠ دامن ردای اورا لمس نمود٭ زیرا با خود کفته بود اکر محض ردایشرا لمس کنم
٢١ هرآینه شفا یابم٭ عیسی برکشته نظر بروی انداخته کفت ای دختر خاطر جمع
٢٢ باش زیراکه ایمانت تراشفاداده است٭ درساعت آن زن رستکار کردید٭ وچون
٢٣ عیسی بخانهٔ رئیس درآمد نوحه‌کران وکروهی از شورش کنندکانرا دیده٭ بدیشان
٢٤ کفت راه دهید زیرا دختر نمرده بلکه درخوابست٭ ایشان بروی سخریّه کردند٭ امّا
٢٥ چون آن کروه بیرون شدند داخل شده دست آندخترزا کرفت که در ساعت
٢٦ ٢٧ برخاست٭ واین کار در تمام آن مرزوبوم شهرت یافت٭ وچون عیسی ازآن
مکان میرفت دوکور فریادکنان در عقب او افتاده کفتند پسر داودا برما ترحّم
٢٨ کن٭ وچون بخانه درآمد آن دوکور نزد او آمدند٭ عیسی بدیشان کفت آیا ایمان
٢٩ دارید که اینکاررا میتوانم کرد٭ کفتندش بلی خداوندا٭ در ساعت چشمان ایشانرا
٣٠ لمس کرده کفت بروفق ایمانتان بشما بشود٭ در حال چشمانشان باز شد وعیسی
٣١ ایشانرا بتأکید فرمود که زنهار کسی اطّلاع نیابد٭ امّا ایشان بیرون رفته اورا در
٣٢ تمام آن نواحی شهرت دادند٭ وهنکامیکه ایشان بیرون میرفتند ناکاه دیوانهٔ کنك‌را
٣٣ نزد او آوردند٭ وچون دیو بیرون شد کنك کویا کردید وهمه در تعجّب شده
٣٤ کفتند در اسرائیل چنین امر هرکز دیده نشده بود٭ لیکن فریسیان کفتند بواسطهٔ
٣٥ رئیس دیوها دیوهارا بیرون میکند٭ وعیسی در همهٔ شهرها ودهات کشته درکنایس
ایشان تعلیم داده به بشارت ملکوت موعظه مینمود وهر مرض ورنج مردمرا شفا
٣٦ میداد٭ وچون جمعی کثیر دید دلش برایشان بسوخت زیراکه مانند کوسفندان
٣٧ بی شبان پریشان حال وپراکنده بودند٭ آنکاه بشاکردان خود کفت حصاد
فراوانست لیکن عَمَلَه کم پس از صاحب حصاد استدعا نمائید تا عَمَلَه در حصاد
خود بفرستد٭

باب دهم

۱ ودوازده شاکرد خودرا طلبیده ایشانرا بر ارواح پلید قدرت دادکه آنهارا بیرون
۲ کنند وهر بیماری ورنجی را شفا دهند * ونامهای دوازده رسول اینست اوّل شمعون
۳ معروف به پطرس وبرادرش اندریاس * یعقوب بن زَبْدَی وبرادرش یوحنّا * فیلپس
۴ وبرتولما * توما ومتّیٔ باجکیر * یعقوب بن حلفی ولبیٔ معروف بهتدّی * شمعون قانوی
۵ ویهودای اسخریوطی که اورا تسلیم نمود * این دوازده را عیسی فرستاده بدیشان
۶ وصیّت کرده کفت ازراه امّتها مروید ودر بلدی از سامریان داخل مشوید * بلکه
۷ نزد کوسفندان کم شدهٔ اسرائیل بروید * وچون میروید موعظه کرده کوئید که
۸ ملکوت آسمان نزدیك است * بیمارانرا شفا دهید ابرصانرا طاهر سازید مردکانرا
۹ زنده کنید دیوهارا بیرون نمائید مفت یافتهاید مفت بدهید * طلا یا نقره یا مس
۱۰ درکمرهای خود ذخیره مکنید * وبرای سفر توشهدان یا دو پیراهن یا کفشها یا
۱۱ عصا برندارید زیراکه مزدور مستحقّ خوراك خود است * ودر هرشهری یا قریهٔ
که داخل شوید بپرسید که در آنجا کِه لیاقت دارد پس در آنجا بمانید تا بیرون
۱۲ ۱۳ روید * وچون بخانهٔ درآئید برآن سلام نمائید * پس اکرخانه لایق باشد سلام
۱۴ شما برآن واقع خواهد شد واکر نالایق بُوَد سلام شما بشما خواهد برکشت * وهرکه
شمارا قبول نکند یا بسخن شما کوش ندهد ازآنخانه یا شهر بیرون شده خاك پایهای
۱۵ خودرا برافشانید * هرآینه بشما میکوم که در روز جزا حالت زمین سدوم وغموره
۱۶ از آن شهر سهلتر خواهد بود * هان من شمارا مانند کوسفندان درمیان کرکان
۱۷ میفرستم پس مثل مارها هوشیار وچون کبوتران ساده باشید * امّا از مردم برحذر
باشید زیراکه شمارا بمجلسها تسلیم خواهند کرد ودرکنائس خود شمارا تازیانه خواهند
۱۸ زد * ودر حضور حکّام وسلاطین شمارا بخاطرمن خواهند برد تا برایشان وبرامّتها
۱۹ شهادتی شود * امّا چون شمارا تسلیم کنند اندیشه مکنید که چکونه یا چه بکوئید
۲۰ زیرا در همانساعت بشما عطا خواهد شد که چه باید کفت * زیرا کوینده شما نیستید
۲۱ بلکه روح پدر شما در شما کوینده است * وبرادر برادررا وپدر فرزندرا بموت
تسلیم خواهند کرد وفرزندان بر والدین خود برخاسته ایشانرا بقتل خواهند رسانید

٢٢ وبجهة اسم من جمیع مردم ازشما نفرت خواهند کرد لیکن هرکه تا بآخر صبر کُند
٢٣ نجات یابد ٭ ووقتیکه در یك شهر بر شما جفا کنند بدیکری فرار کنید زیرا هراینه
٢٤ بشما میکویم تا پسر انسان نیاید از همهٔ شهرهای اسرائیل نخواهید پرداخت ٭ شاکرد
٢٥ ازمعلّم خود افضل نیست ونه غلام ازآقایش برتر ٭ کافیست شاکردرا که چون
استاد خویش کردد وغلامرا که چون آقای خود شود ٭ پس اکر صاحب خانه‌را
٢٦ بَعْلْزَبُول خواندند چه‌قدر زیادتر اهل خانه‌اش‌را ٭ لهذا از ایشان مترسید زیرا
٢٧ چیزی مستور نیست که مکشوف نکردد ونه مجهولی که معلوم نشود ٭ آنچه در
تاریکی بشما میکویم در روشنائی بکوئید وآنچه در کوش شنوید بر بامها موعظه کنید ٭
٢٨ واز قاتلان جسم که قادر برکشتن روح نیند بیم مکنید بلکه از او بترسید که قادر
٢٩ است برهلاك کردن روح وجسم‌را نیز در جهنّم ٭ آیا دو کنجشك بیك فلس
٣٠ فروخته نمیشود وحال آنکه یکی ازآنها جز بحکم پدر شما بزمین نمی افتد ٭ لیکن
٣١ همهٔ مویهای سر شما نیز شمرده شده است ٭ پس ترسان مباشید زیرا شما از کنجشکان
٣٢ بسیار افضل هستید ٭ پس هرکه مرا پیش مردم اقرار کند من نیز در حضور پدر
٣٣ خود که در اسمانست اورا اقرار خواهم کرد ٭ امّا هرکه مرا پیش مردم انکار نماید
٣٤ من هم در حضور پدر خود که در آسمانست اورا انکار خواهم نمود ٭ کمان مبرید
که آمده ام تا سلامتی بر زمین بکذارم نیامده ام تا سلامتی بکذارم بلکه شمشیررا ٭
٣٥ زیراکه آمده ام تا مردرا از پدر خود ودخترا از مادر خویش وعروس‌را از مادر
٣٦ ٣٧ شوهرش جدا سازم ٭ ودشمنان شخص اهل خانهٔ او خواهند بود ٭ وهرکه پدر یا
مادررا بیش ازمن دوست دارد لایق من نباشد وهرکه پسر یا دخترا ازمن
٣٨ زیاده دوست دارد لایق من نباشد ٭ وهرکه صلیب خودرا بر نداشته از عقب
٣٩ من نیاید لایق من نباشد ٭ هرکه جان خودرا در یابد آنرا هلاك سازد وهرکه جان
٤٠ خودرا بخاطر من هلاك کرد آنرا خواهد در یافت ٭ هرکه شمارا قبول کند مرا قبول
٤١ کرده وکسیکه مرا قبول کرده فرستندهٔ مرا قبول کرده باشد ٭ وآنکه نبیّ‌را باسم
نبیّ پزیرد اجرت نبیّ یابد وهرکه عادلیرا باسم عادلی پذیرفت مزد عادلرا خواهد
٤٢ یافت ٭ وهرکه یکی از این صغاررا کاسهٔ ازآب سردرا محض نام شاکرد نوشاند
هرآینه بشما میکویم اجر خودرا ضایع نخواهد ساخت ٭

باب یازدهم

١ وچون عیسی این وصیّترا با دوازده شاکرد خود به اتمام رسانید ازآنجا روانه
٢ شد تا در شهرهای ایشان تعلیم دهد وموعظه نماید ٭ وچون یحیی در زندان اعمال
٣ مسیحرا شنید دو نفراز شاکردان خودرا فرستاده ٭ بدو کفت آیا آن آینده توئی یا
٤ منتظر دیکری باشیم ٭ عیسی در جواب ایشان کفت بروید ویحیی را از آنچه شنیده
٥ ودیده اید اطّلاع دهید ٭ که کوران بینا میکردند ولنکان برفتار میآیند وابرصان
٦ طاهر وکران شنوا ومردکان زنده میشوند وفقیران بشارت می شنوند ٭ وخوشا بحال
٧ کسیکه در من نلغزد ٭ وچون ایشان میرفتند عیسی با آنجماعت در بارهٔ یحیی آغاز
سخن کرد که بجهة دیدن چه چیز به بیابان رفته بودید آیا نیٔرا که از باد در جنبش
٨ است ٭ بلکه بجهة دیدن چه چیز بیرون شدید آیا مردیرا که لباس فاخر در بر
٩ دارد اینك آنانیکه رخت فاخر میپوشند در خانههای پادشاهان میباشند ٭ لیکن
١٠ بجهة دیدن چه چیز بیرون رفتید آیا نبیّٔرا بلی بشما میکویم از نبیّ افضلیرا ٭ زیرا
همانست آنکه در بارهٔ او مکتوب است اینك من رسول خودرا پیش روی تو
١١ میفرستم تا راه ترا پیش روی تو مهیّا سازد ٭ هرآینه بشما میکویم که از اولاد زنان
بزرکتری از یحییٔ تعمید دهنده برنخاست لیکن کوچکتر در ملکوت آسمان از وی
١٢ بزرك تر است ٭ واز ایّام یحییٔ تعمید دهنده تا الآن ملکوت آسمان مجبور میشود
١٣ وجبّاران آنرا بزور میربایند ٭ زیرا جمیع انبیاء وتوراة تا یحیی اخبار مینمودند ٭
١٤ ١٥ واکر خواهید قبول کنید همانست الیاس که باید بیاید ٭ هرکه کوش شنوا دارد
١٦ بشنود ٭ لیکن اینطائفهرا بچه چیز تشبیه نمایم اطفالیرا مانند که در کوچهها نشسته
١٧ رفیقان خویشرا صدا زده ٭ میکویند برای شما نی نواختیم رقص نکردید نوحه کری
١٨ کردیم سینه نزدید ٭ زیراکه یحیی آمد نه میخورد ونمیآشامید میکویند دیو دارد ٭
١٩ پسر انسان آمد که میخورَد ومینوشد میکویند اینك مردی پرخور ومیکسار ودوست
باجکیران وکناهکاران است لیکن حکمت از فرزندان خود تصدیق کرده شده
٢٠ است ٭ انکاه شروع بملامت نمود بر آنشهرهائیکه اکثر از معجزات وی در آنها
٢١ ظاهر شد زیراکه توبه نکرده بودند ٭ وای بر تو ای خورزین وای بر تو ای

بیت‌صیدا زیرا اگر معجزاتی که در شما ظاهر گشت در صور وصیدون ظاهر میشد
۲۲ هرآینه مدّتی در پلاس وخاکستر توبه مینمودند ٭ لیکن بشما میگویم که در روزِ جزا
۲۳ حالت صور وصیدون از شما سهلتر خواهد بود ٭ وتو ای کفرناحوم که تا بفلك
سر افراشتهٔ بجهنّم سرنگون خواهی شد زیرا هرگاه معجزاتی که در تو پدید آمد در سدوم
۲٤ ظاهر میشد هرآینه تا امروز باقی میماند ٭ لیکن بشما میگویم که در روزِ جزا حالت
۲٥ زمین سدوم از تو سهلتر خواهد بود ٭ در آنوقت عیسی توجّه نموده گفت ای پدر
مالك آسمان وزمین ترا ستایش میکنم که این اموررا از دانایان وخردمندان پنهان
۲٦ داشتی وبکودکان مکشوف فرمودی ٭ بلی ای پدر زیراکه همچنین منظور نظر تو
۲۷ بود ٭ پدر همه چیزرا بمن سپرده است وکسی پسررا نمیشناسد بجز پدر ونه پدررا
۲۸ هیچکس میشناسد غیر از پسر وکسیکه پسر بخواهد بدو مکشوف سازد ٭ بیائید نزد
۲۹ من ای تمام زحمت کشان وگران باران ومن شمارا آرامی خواهم بخشید ٭ یوغ مرا
برخود گیرید وازمن تعلیم یابید زیراکه حلیم وافتاده دل میباشم ودر نفوس خود
۳۰ آرامی خواهید یافت ٭ زیرا یوغ من خفیف است وبار من سبك ٭

باب دوازدهم

۱ درآن زمان عیسی در روز سبت از میان کشت زارها میگذشت وشاگردانش
۲ چون گرسنه بودند بچیدن وخوردن خوشه‌ها آغاز کردند ٭ اما فریسیان چون
اینرا دیدند بدو گفتند اینك شاگردان تو عملی میکنند که کردن آن در سبت جایز
۳ نیست ٭ ایشانرا گفت مگر نخوانده اید آنچه داود ورفیقانش کردند وقتیکه گرسنه
٤ بودند ٭ چه طور بخانهٔ خدا درآمده نانهای تقدّمه‌را خورد که خوردن آن بر او
٥ ورفیقانش حلال نبود بلکه برکاهنان فقط ٭ یا در توراة نخوانده اید که در
٦ روزهای سبت کَهَنه در هیکل سبت‌را حرمت نمیدارند وبی گناه هستند ٭ لیکن
۷ بشما میگویم که در اینجا شخصی بزرگتر از هیکل است ٭ واگر این معنی‌را درك
۸ میکردید که رحمت میخواهم نه قربانی بیگناهانرا مذمّت نمی نمودید ٭ زیراکه پسر
۹ ۱۰ انسان مالك روز سبت نیز است ٭ واز آنجا رفته بکنیسهٔ ایشان درآمد ٭ که ناگاه
شخص دست خشکی حاضر بود پس از وی پرسیده گفتند آیا در روز سبت شفا دادن

۱۱ جایز است یا نه تا ادّعائی براو وارد آورند ✲ وی بایشان کفت کیست از شما که
یك کوسفند داشته باشد وهرکاه آن در روز سبت بحفرهٔ افتد اورا نخواهد کرفت
۱۲ وبیرون آورد ✲ پس چه قدر انسان از کوسفند افضلست بنابرین در سبتها نیکوئی
۱۳ کردن رواست ✲ آنکاه آن مردرا کفت دست خودرا دراز کن پس دراز کرده
۱٤ مانند دیکری صحیح کردید ✲ امّا فریسیان بیرون رفته براو شوری نمودند که چه طور
۱۵ اورا هلاك كنند ✲ عیسی این‌را درك نموده از آنجا روانه شد وکروهی بسیار از
۱٦ عقب او آمدند پس جمیع ایشانرا شفا بخشید ✲ وایشانرا قدغن فرمود که اورا
۱۷ شهرت ندهند ✲ تا تمام کردد کلامیکه بزبان اشعیای نبیّ کفته شده بود ✲
۱۸ اینك بندهٔ من که اورا برکزیدم وحبیب من که خاطرم از وی خورسند است روح
۱۹ خودرا بروی خواهم نهاد تا انصافرا برامّتها اشتهار نماید ✲ نزاع وفغان نخواهد
۲۰ کرد وکسی آواز اورا در کوچه‌ها نخواهد شنید ✲ نیٔ خورد شده‌را نخواهد شکست
۲۱ وفتیلهٔ نیم سوخته‌را خاموش نخواهد کرد تا آنکه انصافرا بنصرت برآورد ✲ وبنام
۲۲ او امّتها امید خواهند داشت ✲ آنکاه دیوانهٔ کور وکنك‌را نزد او آوردند
۲۳ واورا شفا داد چنانکه آن کور وکنك کویا وبینا شد ✲ وتمام آن کروه در حیرت
۲٤ افتاده کفتند آیا این شخص پسر داود نیست ✲ لیکن فریسیان شنیده کفتند اینشخص
۲۵ دیوهارا بیرون نمیکند مکر بیاریٔ بَعْلْزَبول رئیس دیوها ✲ عیسی خیالات ایشانرا
درك نموده بدیشان کفت هر مملکتی که بر خود منقسم کردد ویران شود وهر شهری
۲٦ یا خانهٔ که بر خود منقسم کردد برقرار نماند ✲ لهذا اکر شیطان شیطانرا بیرون
۲۷ کند هرآینه بخلاف خود منقسم کردد پس چکونه سلطنتش پایدار ماند ✲ واکر من
بوساطت بَعْلْزَبول دیوهارا بیرون میکنم پسران شما آنهارا بیاریٔ که بیرون میکنند
۲۸ ازاینجهة ایشان بر شما داوری خواهند کرد ✲ لیکن هرکاه من بروح خدا دیوهارا
۲۹ اخراج میکنم هرآینه ملکوت خدا بر شما رسیده است ✲ وچکونه کسی بتواند در
خانهٔ شخصی زورآور درآید واسباب اورا غارت کند مکر آنکه اوّل آن زورآوررا
۳۰ به بندد وپس خانهٔ اورا تاراج کند ✲ هرکه با من نیست بر خلاف منست وهرکه
۳۱ با من جمع نکند پراکنده سازد ✲ ازین رو شمارا میکویم هر نوع کناه وکفر از انسان
۳۲ آمرزیده میشود لیکن کفر بروح القدس از انسان عفو نخواهد شد ✲ وهرکه بر

خلاف پسر انسان سخنی کوید آمرزیده شود امّا کسیکه بر خلاف روح‌القدس کوید
۳۲ در این عالم ودر عالم آینده هرکز آمرزیده نخواهد شد ٭ یا درخت‌را نیکو کردانید
ومیوه‌اش‌را نیکو یا درخت‌را فاسد سازید ومیوه‌اش‌را فاسد زیراکه درخت از
۳۴ میوه‌اش شناخته میشود ٭ ای افعی زادکان چکونه میتوانید سخن نیکو کفت وحال
۳۵ آنکه بد هستید زیراکه زبان از زیادتئ دل سخن میکوید ٭ مرد نیکو از خزانهٔ نیکوی
دل خود چیزهای خوب بر می آورد ومرد بد از خزانهٔ بد چیزهای بد بیرون
۳۶ میآورد ٭ لیکن بشما میکویم که هر سخن باطل که مردم کویند حساب آنرا در روز
۳۷ داوری خواهند داد ٭ زیراکه از سخنان خود عادل شمرده خواهی شد واز سخنهای
۳۸ تو بر تو حکم خواهد شد ٭ آنکاه بعضی از کاتبان وفریسیان در جواب او کفتند
۳۹ ای استاد میخواهیم از تو آیتی بینیم ٭ او در جواب ایشان کفت فرقهٔ شریر وزناکار
۴۰ آیتی میطلبند وبدیشان جز آیت یونس نبیّ داده نخواهد شد ٭ زیرا همچنانکه
یونس سه شبانه روز در شکم ماهی ماند پسر انسان نیز سه شبانه روز در شکم زمین
۴۱ خواهد بود ٭ مردمان نِینَوی در روز داوری با این طایفه برخاسته بر ایشان حکم
خواهند کرد زیراکه بموعظهٔ یونس توبه کردند واینك بزرکتری از یونس در اینجا
۴۲ است ٭ مَلِکَهٔ جنوب در روز داوری با این فرقه برخاسته بر ایشان حکم خواهد
کرد زیراکه از اقصای زمین آمد تا حکمت سلیمانرا بشنود واینك شخصی بزرکتر
۴۳ از سلیمان در اینجا است ٭ ووقتیکه روح پلید از آدمی بیرون آید در طلب راحت
۴۴ بجایهای بی آب کردش میکند ونمی یابد ٭ پس میکوید بخانهٔ خود که از آن بیرون
۴۵ آمدم بر میکردم وچون آید آنرا خالی وجاروب شده وآراسته می بیند ٭ آنکاه
میرود وهفت روح دیکر بدتر از خودرا برداشته میآورد وداخل کشته ساکن آنجا
میشوند وانجام آنشخص بدتر از آغازش میشود همچنین باین فرقهٔ شریر خواهد شد ٭
۴۶ او با آنجماعت هنوز سخن میکفت که ناکاه مادر وبرادرانش در طلب کفتکوی وی
۴۷ بیرون ایستاده بودند ٭ وشخصی ویرا کفت اینك مادر تو وبرادرانت بیرون ایستاده
۴۸ میخواهند با تو سخن کویند ٭ در جواب قایل کفت کیست مادر من وبرادرانم کیانند ٭
۴۹ ودست خودرا بسوی شاکردان خود دراز کرده کفت اینانند مادر من وبرادرانم ٭
۵۰ زیرا هرکه ارادهٔ پدر مرا که در آسمانست بجا آوَرَد همان برادر وخواهر ومادر منست ٭

باب سیزدهم

۱ ودر همانروز عیسی از خانه بیرون آمده بکنارهٔ دریا نشست وکروهی بسیار بروی
۲ جمع آمدند بقسمیکه او بکشتی سوار شده قرار کرفت وتمامیٔ آن کروه بر ساحل
۳ ایستادند ٭ ومعانیٔ بسیار بمَثَلها برای ایشان کفت ٭ وقتی برزکری بجهة پاشیدنِ تخم
۴ بیرونشد ٭ وچون تخم میپاشید قدری در راه افتاد ومُرغان آمده آنرا خوردند ٭
۵ وبعضی بر سنکلاخ جائیکه خاك زیاد نداشت افتاده بزودی سبز شد چونکه
۶ زمین عمق نداشت ٭ وچون آفتاب برآمد بسوخت وچون ریشه نداشت خشکید ٭
۷ ۸ وبعضی درمیان خارها ریخته شد وخارها نموّ کرده آنرا خفه نمود ٭ وبرخی در
۹ زمین نیکو کاشته شده بار آورد بعضی صد وبعضی شصت وبعضی سی ٭ هرکه کوش
۱۰ شنوا دارد بشنود ٭ آنکاه شاکردانش آمده بوی کفتند از چه جهت با اینها بمَثَلها
۱۱ سخن میرانی ٭ در جواب ایشان کفت دانستن اَسرار ملکوت آسمان بشما عطا شده
۱۲ است لیکن بدیشان عطا نشده ٭ زیرا هرکه دارد بدو داده شود وافزونی یابد امّا
۱۳ کسیکه ندارد آنچه دارد هم از او کرفته خواهد شد ٭ از اینجهة با اینها بمَثَلها سخن
۱۴ میکویم که نکرانند ونمی بینند وشنوا هستند ونمیشنوند ونمیفهمند ٭ ودر حقّ ایشان
نبوّت اشعیاء تمام میشود که میکوید بسمع خواهید شنید ونخواهید فهمید ونظر کرده
۱۵ خواهید نکریست ونخواهید دید ٭ زیرا قلب این قوم سنکین شده وبکوشها بسنکینی
شنیده‌اند وچشمان خودرا برهم نهاده اند مبادا بچشمها به بینند وبکوشها بشنوند
۱۶ وبدلها بفهمند وبازکشت کنند ومن ایشانرا شفا دهم ٭ لیکن خوشا بحال چشمان شما
۱۷ زیراکه می بینند وکوشهای شما زیراکه میشنوند ٭ زیرا هرآینه بشما میکویم بسا انبیاء
وعادلان خواستند که آنچه شما می بینید به بینند وندیدند وآنچه میشنوید بشنوند
۱۸ ۱۹ ونشنیدند ٭ پس شما مَثَل برزکررا بشنوید ٭ کسیکه کلمهٔ ملکوترا شنیده آنرا نفهمید
شریر میآید وآنچه در دل او کاشته شده‌است میرباید همانست آنکه در راه کاشته
۲۰ شده‌است ٭ وآنکه بر سنکلاخ ریخته شد اوست که کلام‌را شنیده فی الفور بخوشنودی
۲۱ قبول میکند ٭ ولکن ریشهٔ درخود ندارد بلکه فانی است وهرکاه سختیٔ یا صدمهٔ
۲۲ بسبب کلام براو وارد آید در ساعت لغزش میخورد ٭ وآنکه درمیان خارها

ریخته شد آنستکه کلامرا بشنود واندیشهٔ اینجهان وغرور دولت کلامرا خفه کند
۲۳ وبی ثمر کردد٭ وآنکه در زمین نیکو کاشته شد آنستکه کلامرا شنیده آنرا میفهمد
۲٤ وبارآور شده بعضی صد وبعضی شصت وبعضی سی ثمر میآورد٭ ومَثَلی دیکر
بجهة ایشان آورده کفت ملکوت آسمان مردیرا ماند که تخم نیکو در زمین خود
۲۵ کاشت٭ وچون مردم در خواب بودند دشمنش آمده درمیان کندم کرکاس
۲٦ ریخته برفت٭ ووقتیکه کندم روئید وخوشه برآوود کرکاس نیز ظاهر شد٭
۲۷ پس نوکران صاحب خانه آمده بوی عرض کردند ای آقا مکر تخم نیکو در زمین
۲۸ خویش نکاشتهٔ پس ازکجا کرکاس بهم رسانید٭ ایشانرا فرمود این کار دشمن است.
۲۹ عرض کردند آیا میخواهی برویم آنهارا جمع کنیم٭ فرمود نی مبادا وقت جمع کردن
۳۰ کرکاس کندمرا با آنها برکنید٭ بکذارید که هر دو تا وقت حصاد باهم نموّ کنند
ودر موسم حصاد دروکرانرا خواهم کفت که اوّل کرکاسهارا جمع کرده آنهارا برای
۳۱ سوختن بافهها به بندید اما کندمرا در انبار من ذخیره کنید٭ بار دیکر مَثَلی برای
ایشان زده کفت ملکوت آسمان مثل دانهٔ خردلی است که شخصی کرفته در مزرعهٔ
۳۲ خویش کاشت٭ وهر چند از سایر دانهها کوچکتر است ولی چون نموّ کند
بزرکترین بقول است ودرختی میشود چنانکه مرغان هوا آمده در شاخههایش
۳۳ آشیانه میکیرند٭ ومثلی دیکر برای ایشان کفت که ملکوت آسمان خمیرمایهٔرا
۳٤ ماند که زنی آنرا کرفته در سه کیل خمیر پنهان کرد تا تمام مخمّر کشت٭ همهٔ اینمعانیرا
۳۵ عیسی با آنکروه بمَثَلها کفت وبدون مثل بدیشان هیچ نکفت٭ تا تمام کردد
کلامیکه بزبان نبیّ کفته شد دهان خودرا بمثلها باز میکنم وبچیزهای مخفی شدهٔ
۳٦ از بنای عالم تنطّق خواهم کرد٭ آنکاه عیسی آنکروهرا مرخّص کرده داخل
خانه کشت وشاکردانش نزد وی آمده کفتند مَثَل کرکاس مزرعهرا بجهة ما شرح
۳۷ ۳۸ فرما٭ در جواب ایشان کفت آنکه بذر نیکو میکارد پسر انسانست٭ ومزرعه
۳۹ اینجهانست وتخم نیکو ابنای ملکوت وکرکاسها پسران شریرند٭ ودشمنی که آنهارا
٤۰ کاشت ابلیس است وموسم حصاد عاقبت اینعالم ودروندکان فرشتکانند٭ پس
همچنان که کرکاسهارا جمع کرده در آتش میسوزانند هماطور در عاقبت اینعالم
٤۱ خواهد شد٭ که پسر انسان ملائکهٔ خودرا فرستاده همهٔ لغزش دهندکان وبدکارانرا

٤٢ جمع خواهند کرد ☆ وایشانرا به تنور آتش خواهند انداخت جائیکه کریه وفشار
٤٣ دندان بُوَد ☆ آنگاه عادلان در ملکوت پدر خود مثل آفتاب درخشان خواهند
٤٤ شد هرکه کوش شنوا دارد بشنود ☆ وملکوت آسمان کنجی را ماند مخفی شدهٔ در
زمین که شخصی آنرا یافته پنهان نمود واز خوشئ آن رفته آنچه داشت فروخت وآن
٤٥ زمینرا خرید ☆ باز ملکوت آسمان تاجربرا ماند که جویای مرواریدهای خوب
٤٦ باشد ☆ وچون یك مروارید کرانبها یافت رفت ومایملك خودرا فروخته آنرا
٤٧ خرید ☆ ایضًا ملکوت آسمان مثل دامیست که بدریا افکنده شود واز هر جنسی
٤٨ بآن در آید ☆ وچون پر شود بکناره‌اش کشند ونشسته خوبهارا در ظروف جمع
٤٩ کنند وبدهارا دور اندازند ☆ بدینطور در آخر اینعالم خواهد شد ☆ فرشتکان
٥٠ بیرون آمده طالحین‌را ازمیان صالحین جدا کرده ☆ ایشانرا در تنور آتش خواهند
٥١ انداخت جائیکه کریه وفشار دندان میباشد ☆ عیسی ایشانرا کفت آیا همهٔ این
٥٢ امورا فهمیده اید کفتندش بلی خداوندا ☆ بایشان کفت بنابراین هر کاتبي که
درملکوت آسمان تعلیم یافته است مثل صاحب خانه ایست که ازخزانهٔ خویش
٥٣ چیزهای نو وکهنه بیرون میآورد ☆ وچون عیسی این مثلهارا به اتمام رسانید
٥٤ ازآن موضع روانه شد ☆ وچون بوطن خویش آمد ایشانرا درکنیسهٔ ایشان تعلیم
داد بقسمیکه متعجّب شده کفتند ازکجا اینشخص چنین حکمت ومعجزات‌را بهم رسانید ☆
٥٥ آیا این پسر نجّار نمیباشد وآیا مادرش مریم نامی نیست وبرادرانش یعقوب ویوسف
٥٦ وشمعون ویهودا ☆ وهمهٔ خواهرانش نزد ما نمیباشند پس اینهمه‌را ازکجا بهم رسانید ☆
٥٧ ودر بارهٔ او لغزش خوردند لیکن عیسی بدیشان کفت نبیّ بیحرمت نباشد مکر
٥٨ دروطن وخانهٔ خویش ☆ وبسبب بی ایمانئ ایشان معجزهٔ بسیار درآنجا ظاهر نساخت ☆

باب چهاردهم

۱ ۲ درآن هنکام هَیرودیسِ تِیتَرارْخ چون شهرت عیسی‌را شنید ☆ بخادمان خود
کفت این است یحیئ تعمید دهنده که ازمردکان برخاسته است وازین جهة معجزات
۳ ازاو صادر میکردد ☆ زیرا که هَیرودیس یحیی‌را بخاطر هیرودیا زن برادر خود
٤ فِیلِپُّس کرفته دربند نهاده ودر زندان انداخته بود ☆ چونکه یحیی بدو همیکفت

٥ نکاه داشتن وی برتو حلال نیست ٭ و وقتیکه قصد قتل او کرد از مردم ترسید
٦ زیراکه اورا نبیّ میدانسنند ٭ امّا چون بزم میلاد هیرودیس‌را میآراستند دختر
٧ هیرودیا درمجلس رقص کرده هیرودیس‌را شاد نمود ٭ ازاین رو قسم خورده وعدهٔ
٨ داد که آنچه خواهد بدو بدهد ٭ واو از ترغیب مادر خود کفت که سر یحیئ
٩ تعمید دهنده‌را الآن درطبقی بمن عنایت فرما ٭ آنکاه پادشاه برنجید لیکن بجهة
١٠ پاس قسم وخاطر همنشینان خود فرمود که بدهند ٭ وفرستاده سر یحیی‌را درزندان
١١ ازتن جدا کرد ٭ وسر اورا درطشتی کذارده بدختر تسلیم نمودند واو آنرا نزد
١٢ مادر خود برد ٭ پس شاکردانش آمده جسد اورا برداشته بخاك سپردند ورفته
١٣ عیسی‌را اطّلاع دادند ٭ وچون عیسی اینرا شنید بکشتی سوار شده از آنجا
بویرانهٔ بخلوت رفت وچون مردم شنیدند از شهرها براه خشکی از عقب وی
١٤ روانه شدند ٭ پس عیسی بیرون آمده کروهی بسیار دیده برایشان رحم فرمود وبیماران
١٥ ایشانرا شفا داد ٭ ودر وقت عصر شاکردانش نزد وی آمده کفتند این موضع
ویرانه است ووقت الآن کذشته پس اینکروه‌را مرخّص فرما تا بدهات رفته بجهة
١٦ خود غذا بخرند ٭ عیسی ایشانرا کفت احتیاج برفتن ندارند شما ایشانرا غذا
١٧ ١٨ دهید ٭ بدو کفتند دراینجا جز پنج نان ودو ماهی نداریم ٭ کفت آنهارا اینجا بنزد
١٩ من بیاورید ٭ وبدان جماعت فرمود تا برسبزه نشستند وپنج نان ودو ماهی‌را کرفته
بسوی آسمان نکریسته برکت داد ونانرا پاره کرده بشاکردان سپرد وشاکردان بدان
٢٠ جماعت ٭ وهمه خورده سیر شدند واز پاره‌های باقی مانده دوازده سبد پر کرده
٢١ برداشتند ٭ وخورندکان سوای زنان واطفال قریب به پنج هزار مرد بودند ٭
٢٢ بیدرنك عیسی شاکردان خودرا اصرار نمود تا بکشتی سوار شده پیش از وی بکنارهٔ
٢٣ دیکر روانه شوند تا آنکروه‌را رخصت دهد ٭ وچون مردم‌را روانه نمود بخلوت
٢٤ برای عبادت برفراز کوهی برآمد ووقت شام درآنجا تنها بود ٭ امّا کشتی درآنوقت
٢٥ درمیان دریا بسبب باد مخالف که میوزید به امواج کرفتار بود ٭ ودر پاس چهارم
٢٦ ازشب عیسی بردریا خرامیده بسوی ایشان روانه کردید ٭ اما چون شاکردان اورا
بردریا خرامان دیدند مضطرب شده کفتند که خیالی است واز خوف فریاد
٢٧ برآوردند ٭ امّا عیسی ایشانرا بی تأمّل خطاب کرده کفت خاطرجمع دارید منم

۲۸ ترسان مباشید * پطرس درجواب او کفت خداوندا اکر توئی مرا بفرما تا برروی
۲۹ آب نزد تو ایم * کفت بیاء درساعت پطرس ازکشتی فرود شده برروی آب روانه
۳۰ شد تا نزد عیسی آید * لیکن چون بادرا شدید دید ترسان کشت ومشرف بغرق
۳۱ شده فریاد برآورده کفت خداوندا مرا درباب * عیسی بیدرنك دست آورده اورا
۳۲ بکرفت وکفت ای کم ایمان چرا شكّ آوردی * وچون بکشتی سوار شدند باد
۳۳ ساکن کردید * پس اهل کشتی آمده اورا پرستش کرده کفتند في الحقیقة تو پسر
۳۴ ۳۵ خدا هستی * آنکاه عبور کرده بزمین جَنِیسَرَه آمدند * واهل آنموضع اورا
۳۶ شناخته بهمکیٔ آن نواحی فرستاده همهٔ بیمارانرا نزد او آوردند * وازاو اجازت
خواستند که محض دامن ردایشرا لمس کنند وهرکه لمس کرد صحّت کامل یافت *

باب پانزدهم

۱ ۲ آنکاه کاتبان وفریسیان اُورْشلیم نزد عیسی آمده کفتند * چونستکه شاکردان تو
۳ ازتقلید مشایخ تجاوز مینمایند زیرا هرکاه نان میخورند دست خودرا نمیشویند * او
۴ درجواب ایشان کفت شما نیز بتقلید خویش ازحکم خدا چرا تجاوز میکنید * زیرا
خدا حکم داده است که مادر وپدر خودرا حرمت دار وهرکه پدر یا مادررا
۵ دشنام دهد البتّه هلاك کردد * لیکن شما میکوئید هرکه پدر یا مادر خودرا کوید
۶ آنچه ازمن بتو نفع رسد هدیه ایست * وپدر یا مادر خودرا بعد ازآن احترام
۷ نمی نماید * پس بتقلید خود حکم خدارا باطل نموده اید * ای ریاکاران اشعیاء دربارهٔ
۸ شما نیکو نبوّت نموده است که کفت * این قوم بزبانهای خود بمن تقرّب میجویند
۹ وبلبهای خویش مرا تمجید مینمایند لیکن دلشان ازمن دوراست * پس عبادت
۱۰ مرا عبث میکنند زیرا که احکام مردمرا بمنزلهٔ فرایض تعلیم میدهند * وآنجماعترا
۱۱ خوانده بدیشان کفت کوش داده بفهمید * نه آنچه بدهان فرو میرود انسانرا نجس
۱۲ میسازد بلکه آنچه ازدهان بیرون میآید انسانرا نجس میکرداند * آنکاه شاکردان
وی آمده کفتند آیا میدانی که فریسیان چون اینسخنرا شنیدند مکروهش داشتند *
۱۳ ۱۴ او درجواب کفت هر نهالی که پدر آسمانیٔ من نکاشته باشد کنده شود * ایشانرا
واکذارید کوران راه نمایان کورانند وهرکاه کور کوررا راهنما شود هردو درچاه

۱۵ ۱۶ افتند * پطرس درجواب او کفت این مَثَلرا برای ما شرح فرما * عیسی کفت
۱۷ آیا شما نیز تا بحال بی‌ادراك هستید * یا هنوز نیافته اید که آنچه ازدهان فرو میرود
۱۸ داخل شکم میکردد ودر مبرز افکنده میشود * لیکن آنچه از دهان برآید ازدل
۱۹ صادر میکردد واین چیزها است که انسانرا نجس میسازد * زیرا که ازدل برمیآید
۲۰ خیالات بد وقتلها وزناها وفسقها ودزدیها وشهادات دروغ وکفرها * اینها است
که انسانرا نجس میسازد لیکن خوردن بدستهای ناشسته انسانرا نجس نمیکرداند *
۲۱ ۲۲ پس عیسی ازآنجا بیرون شده بدیار صُور وصَیدون رفت * ناکاه زن کنعانیّهٔ
ازآنحدود بیرون آمده فریاد کنان ویرا کفت خداوندا پسر داودا برمن رحم کن
۲۳ زیرا دختر من سخت دیوانه است * لیکن هیچ جوابش نداد تا شاکردان او پیش
۲۴ آمده خواهش نمودند که اورا مرخّص فرمای زیرا درعقب ما شورش میکند * او
درجواب کفت فرستاده نشده‌ام مکر بجهة کوسفندان کم شدهٔ خاندان اسرائیل *
۲۵ ۲۶ پس انزن آمده اورا پرستش کرده کفت خداوندا مرا یاری کن * درجواب کفت
۲۷ که نان فرزندانرا کرفتن ونزد سکان انداختن جایز نیست * عرض کرد بلی
۲۸ خداوندا زیرا سکان نیز از پاره‌های افتادهٔ سفرهٔ آقایان خویش میخورند * آنکاه
عیسی درجواب او کفت ای زن ایمان تو عظیم است ترا برحسب خواهش تو
۲۹ بشود که درهمان ساعت دخترش شفا یافت * عیسی ازآنجا حرکت کرده
۳۰ بکنارهٔ دریای جلیل آمد وبرفراز کوه برآمده آنجا بنشست * وکروهی بسیار لنکان
وکوران وکنکان وشلّان وجمعی ازدیکرانرا با خود برداشته نزد او آمدند
۳۱ وایشانرا برپایهای عیسی افکندند وایشانرا شفا داد * بقسمیکه آنجماعت چون
کنکانرا کویا وشلّانرا تندرست ولنکانرا خرامان وکورانرا بینا دیدند متعجّب شده
۳۲ خدای اسرائیلرا تمجید کردند * عیسی شاکردان خودرا پیش طلبیده کفت مرا
برانجماعت دل بسوخت زیرا که الحال سه روز است که با من میباشند وهیچ چیز
برای خوراك ندارند ونمیخواهم ایشانرا کرسنه برکردانم مبادا درراه ضعف کنند *
۳۳ شاکردانش باو کفتند ازکجا دربیابان مارا آنقدر نان باشد که چنین انبوه‌را سیر کند *
۳۴ عیسی ایشانرا کفت چند نان دارید کفتند هفت نان وقدری از ماهیان کوچك *
۳۵ ۳۶ پس مردمرا فرمود تا برزمین بنشینند * وآن هفت نان وماهیانرا کرفته شکر نمود

۳۷ وپاره کرده بشاکردان خود داد وشاکردان بآنجماعت* وهمه خورده سیر شدند
۳۸ واز خوردههای باقی مانده هفت زنبیل پر برداشتند* وخورندکان سوای زنان
۳۹ واطفال چهار هزار مرد بودند* پس آنکروهرا رخصت داد وبکشتی سوار شده
بحدود مَجْدَل آمد*

باب شانزدهم

۱ آنکاه فریسیان وصدّوقیان نزد او آمده از روی امتحان از وی خواستند که آیتی
۲ آسمانی برای ایشان ظاهر سازد* ایشانرا جواب داد که دروقت عصر میکوئید
۳ هوا خوش خواهد بود زیرا آسمان سرخ است* وصبحکاهان میکوئید امروز هوا بد
خواهد شد زیرا که آسمان سرخ وکرفته است ای ریاکاران میدانید صورت آسمانرا
٤ تمیز دهید امّا علامات زمانهارا نمیتوانید* فرقهٔ شریر زناکار آیتی میطلبند وآیتی
بدیشان عطا نخواهد شد جز آیت یونس نبیّ پس ایشانرا رها کرده روانه شد*
٥ وشاکردانش چون بدانطرف میرفتند فراموش کردند که نان بردارند*
٦ عیسی ایشانرا کفت آکاه باشید که ازخمیرمایهٔ فریسیان وصدّوقیان احتیاط کنید*
۷ پس ایشان درخود تفکّر نموده کفتند از آنست که نان برنداشتهایم* عیسی اینرا
۸ درك نموده بدیشان کفت ای سست ایمانان چرا درخود تفکّر میکنید از آنجهة که
۹ نان نیاورده اید* آیا هنوز نفهمیده ویاد نیاورده اید آن پنج نان وپنج هزار نفر
۱۰ وچند سبدیرا که برداشتید* ونه آن هفت نان وچهار هزار نفر وچند زنبیلیرا که
۱۱ برداشتید* پس چرا نفهمیدید که دربارهٔ نان شمارا نکفتم که ازخمیرمایهٔ فریسیان
۱۲ وصدّوقیان احتیاط کنید* آنکاه دریافتند که نه ازخمیرمایهٔ نان بلکه از تعلیم
۱۳ فریسیان وصدّوقیان حکم به احتیاط فرموده است* وهنکامیکه عیسی بنواحیٔ
قیصریّهٔ فِیلِپُّس آمد از شاکردان خود پرسیده کفت مردم مراکه پسر انسانم چه
١٤ شخص میکویند* کفتند بعضی یحییٔ تعمید دهنده وبعضی الیاس وبعضی اِرْمیاء یا
١٥ یکی ازانبیاء* ایشانرا کفت شما مرا کِه میدانید* شمعون پطرس درجواب کفت
١٦
۱۷ که توئی مسیح پسر خدای زنده* عیسی درجواب وی کفت خوشا بحال تو ای
شمعون بن یونا زیرا جسم وخون اینرا برتو کشف نکرده بلکه پدر من که
۱۸ درآسمانست* ومن نیز ترا میکویم که توئی پطرس وبرین صخره کلیسای خودرا بنا

۱۹ میکنم وابواب جهنّم برآن استیلا نخواهد یافت * وکلیدهای ملکوت آسمانرا بتو
میسپارم وآنچه برزمین ببندی درآسمان بسته کردد وآنچه درزمین کشائی درآسمان
۲۰ کشاده شود * آنکاه شاکردان خودرا قدغن فرمود که بهیچکس نکویند که او مسیح
۲۱ است * واز آنزمان عیسی بشاکردان خود خبر دادن آغاز کرد که رفتن او باورشلیم
وزحمت بسیار کشیدن از مشایخ ورؤسای کَهَنَه وکاتبان وکشته شدن ودر روز سیم
۲۲ برخاستن ضروریست * وپطرس اورا کرفته شروع کرد بمنع نمودن وکفت حاشا
۲۳ از تو ای خداوند که این برتو هرکز واقع نخواهد شد * امّا او برکشته پطرس‌را
کفت دور شو ازمن ای شیطان زیرا که باعث لغزش من میباشی زیرا نه امور الهی‌را
۲٤ بلکه امور انسانی‌را تفکّر میکنی * آنکاه عیسی بشاکردان خود کفت اکر کسی
خواهد متابعت من کند باید خودرا انکار کرده وصلیب خودرا برداشته از عقب
۲۵ من آید * زیرا هرکس بخواهد جان خودرا برهاند آنرا هلاك سازد امّا هرکه جان
۲٦ خودرا بخاطر من هلاك كند آنرا دریابد * زیرا شخص‌را چه سود دارد که تمام
دنیارا ببرد وجان خودرا ببازد یا اینکه آدمی چه چیزرا فدای جان خود خواهد
۲۷ ساخت * زیرا که پسر انسان خواهد آمد درجلال پدر خویش به اتّفاق ملائکهٔ
۲۸ خود ودرآنوقت هرکسیرا موافق اعمالش جزا خواهد داد * هرآینه بشما میکویم
که بعضی در اینجا حاضرند که تا پسر انسانرا نه بینند که در ملکوت خود میاید
ذائقهٔ موت‌را نخواهند چشید *

باب هفدهم

۱ وبعد از شش روز عیسی پطرس ویعقوب وبرادرش یوحنّارا برداشته ایشانرا
۲ درخلوت بکوهی بلند برد * ودر نظر ایشان هیئت او متبدّل کشت وچهره‌اش
۳ چون خورشید درخشنده وجامه‌اش چون نور سفید کردید * که ناکاه موسی
٤ والیاس برایشان ظاهر شده با او کفتکو میکردند * امّا پطرس بعیسی متوجّه شده
کفت که خداوندا بودن ما دراینجا نیکو است اکر بخواهی سه سایبان دراینجا بسازیم
۵ یکی برای تو ویکی بجهة موسی ودیکری برای الیاس * وهنوز سخن برزبانش بود
که ناکاه ابری درخشنده برایشان سایه افکند واینك آوازی ازابر دررسید که اینست
٦ پسر حبیب من که ازوی خوشنودم اورا بشنوید * وچون شاکردان این‌را شنیدند

۷ بروی درافتاده بی‌نهایت ترسان شدند* عیسی نزدیك آمده ایشانرا لمس نمود
۸ وکفت برخیزید وترسان مباشید* وچشمان خودرا کشوده هیچکسرا جز عیسی تنها
۹ ندیدند* وچون ایشان ازکوه بزیر میآمدند عیسی ایشانرا قدغن فرمود که تا پسر
۱۰ انسان از مردکان برنخیزد زنهار این رؤیارا بکسی باز نکوئید* شاکردانش ازاو
۱۱ پرسیده کفتند پس کاتبان چرا میکویند که میباید الیاس اوّل آید* او درجواب
۱۲ کفت البتّه الیاس میآید وتمام چیزهارا اصلاح خواهد نمود* لیکن بشما میکویم که
الحال الیاس آمده است واورا نشناختند بلکه آنچه خواستند با وی کردند بهمانطور
۱۳ پسر انسان نیز از ایشان زحمت خواهد دید* آنکاه شاکردان دریافتند که دربارهٔ
۱۴ یحییٰ تعمید دهنده بدیشان سخن میکفت* وچون بنزد جماعت رسیدند شخصی پیش
۱۵ آمده نزد وی زانو زده عرض کرد* خداوندا برپسر من رحم کن زیرا مصروع
۱۶ وبشدّت متألّم است چنانکه بارها درآتش ومکرّرًا درآب میافتد* واورا نزد
۱۷ شاکردان تو آوردم نتوانستند اورا شفا دهند* عیسی درجواب کفت ای فرقهٔ
بی‌ایمان کج رفتار تا بکی با شما باشم وتا چند متحمّل شما کردم اورا نزد من آورید*
۱۸ پس عیسی اورا نهیب داده دیو ازوی بیرون شد ودر ساعت آن پسر شفا یافت*
۱۹ امّا شاکردان نزد عیسی آمده در خلوت ازاو پرسیدند چرا ما نتوانستیم اورا بیرون
۲۰ کنیم* عیسی ایشانرا کفت بسبب بی‌ایمانیٔ شما زیرا هرآینه بشما میکویم اکر ایمانِ
بقدر دانهٔ خردلی میداشتید بدین کوه میکفتید از اینجا بدآنجا منتقل شو البتّه منتقل
۲۱ میشد وهیچ امری برشما محال نمیبود* لیکن این جنس جز بدعا وروزه بیرون
۲۲ نمیرود* وچون ایشان درجلیل میکشتند عیسی بدیشان کفت پسر انسان
۲۳ بدست مردم تسلیم کرده خواهد شد* واورا خواهند کشت ودر روز سیّم خواهد
۲۴ برخاست پس بسیار محزون شدند* وچون ایشان وارد کفرناحوم شدند
۲۵ محصّلان دو درهم نزد پطرس آمده کفتند آیا استادِ شما دو درهمرا نمیدهد* کفت
بلی وچون بخانه درآمده عیسی براو سبقت نموده کفت ای شمعون چه کمان داری
پادشاهان جهان ازچه کسان عشر وجزیه میکیرند ازفرزندان خویش یا ازبیکانکان*
۲۶ ۲۷ پطرس بوی کفت از بیکانکان* عیسی بدو کفت پس یقینًا پسران آزادند* لیکن
مبادا که ایشانرا برنجانیم بکنارهٔ دریا رفته قلّابی بینداز واوّل ماهی که بیرون میآید

کرفته ودهانش‌را باز کرده مبلغ چهار درهم خواهی یافت آنرا برداشته برای من
وخود بدیشان بده *

باب هجدهم

۱ درهمانساعت شاکردان نزد عیسی آمده کفتند چه کس درملکوت آسمان بزرکتر
۲ ۳ است * آنکاه عیسی طفلی طلب نموده درمیان ایشان برپا داشت * وکفت هرآینه
بشما میکویم تا بازکشت نکنید ومثل طفل کوچك نشوید هرکز داخل ملکوت آسمان
۴ نخواهید شد * پس هرکه مثل این بچهٔ کوچك خودرا فروتن سازد همان درملکوت
۵ آسمان بزرکتر است * وکسیکه چنین طفلی‌را باسم من قبول کند مرا پذیرفته است *
۶ وهرکه یکی از این صغاررا که بمن ایمان دارند لغزش دهد اورا بهتر میبود که سنك
۷ آسیائی برکردنش آویخته درقعر دریا غرق میشد * وای براینجهان بسبب لغزشها
۸ زیرا که لابدّ است از وقوع لغزشها لیکن وای برکسیکه سبب لغزش باشد * پس
اکر دستت یا پایت ترا بلغزاند آنرا قطع کرده ازخود دور انداز زیرا ترا بهتر است
که لنك یا شلّ داخل حیات شوی از آنکه با دو دست یا دو پا درنار جاودانی
۹ افکنده شوی * واکر چشمت ترا لغزش دهد آنرا قلع کرده ازخود دور انداز زیرا
ترا بهتر است با یك چشم وارد حیات شوی ازاینکه با دو چشم درآتش جهنّم افکنده
۱۰ شوی * زنهار یکی ازاین صغاررا حقیر مشمارید زیرا شمارا میکویم که ملائکهٔ ایشان
۱۱ دائمًا درآسمان روی پدر مرا که درآسمانست می بینند * زیرا که پسر انسان آمده است
۱۲ تا کُم شده‌را نجات بخشند * شما چه کمان میبرید اکر کسی‌را صد کوسفند باشد ویکی
ازآنها کم شود آیا آن نود ونُه‌را بکوهسار نمیکذارد وبجستجوی آن کم شده نمیرود *
۱۳ واکر اتّفاقًا آنرا دریابد هرآینه بشما میکویم برآن یکی بیشتر شادی میکند از آن نود
۱۴ ونُه که کم نشده اند * همچنین ارادهٔ پدر شما که درآسمانست این نیست که یکی ازاین
۱۵ کوچکان هلاك کردد * واکر برادرت بتو کناه کرده باشد برو واورا میان
خود واو درخلوت الزام کن هرکاه سخن ترا کوش کرفت برادر خودرا دریافتی *
۱۶ واکر نشنود یك یا دو نفر دیکر با خود بردار تا از زبان دو یا سه شاهد هرسخنی
۱۷ ثابت شود * واکر سخن ایشانرا ردّ کند بکلیسا بکو واکر کلیسارا قبول نکند درنزد
۱۸ تو مثل خارجی یا باجکیر باشد * هرآینه بشما میکویم آنچه برزمین بندید درآسمان

۱۹ بسته شده باشد وآنچه برزمین کشائید درآسمان کشوده شده باشد* باز بشما میکویم
هرکاه دو نفر از شما درزمین دربارهٔ هرچه که بخواهند متّفق شوند هرآینه ازجانب
۲۰ پدر من که درآسمانست برای ایشان کرده خواهد شد* زیرا جائیکه دو یا سه نفر
۲۱ باسم من جمع شوند آنجا درمیان ایشان حاضرم* آنکاه پطرس نزد او آمده
کفت خداوندا چند مرتبه برادرم بمن خطا ورزد میباید اورا آمرزید آیا تا هفت
۲۲ مرتبه* عیسی بدو کفت ترا نمیکویم تا هفت مرتبه بلکه تا هفتاد هفت مرتبه*
۲۳ از آنجهة ملکوت آسمان پادشاهی‌را ماند که با غلامان خود ارادهٔ محاسبه داشت*
۲۴ وچون شروع بحساب نمود شخصی‌را نزد او آوردند که ده هزار قنطار باو بدهکار
۲۵ بود* وچون چیزی نداشت که ادا نماید آقایش امر کرد که اورا با زن وفرزندان
۲۶ وتمام مایملك او فروخته طلب‌را وصول کنند* پس آن غلام رو بزمین نهاده اورا
۲۷ پرستش نمود وکفت ای آقا مرا مهلت ده تا همه‌را بتو ادا کنم* آنکاه آقای آن
۲۸ غلام بروی ترحّم نموده اورا رها کرد وقرض اورا بخشید* لیکن چون آن غلام
بیرون رفت یکی از همقطاران خودرا یافت که ازاو صد دینار طلب داشت اورا
۲۹ بکرفت وکلویشرا فشرده کفت طلب مرا ادا کن* پس ان همقطار برپایهای او افتاده
۳۰ التماس نموده کفت مرا مهلت ده تا همه‌را بتو ردّ کنم* امّا او قبول نکرد بلکه رفته
۳۱ اورا درزندان انداخت تا قرض‌را ادا کند* چون همقطاران وی این وقائع‌را
۳۲ دیدند بسیار غمکین شده رفتند وآنچه شده بود باقای خود باز کفتند* آنکاه مولایش
اورا طلبیده کفت ای غلام شریر آیا تمام آن قرض‌را محض خواهش تو بتو نبخشیدم*
۳۳ ۳۴ پس آیا ترا نیز لازم نبود که برهمقطار خود رحم کنیّ چنانکه من برتو رحم کردم* پس
۳۵ مولای او درغضب شده اورا بجلاّدان سپرد تا تمام قرض‌را بدهد* بهمین طور پدر
آسمانیٔ من نیز با شما عمل خواهد نمود اکر هر یکی ازشما برادر خودرا ازدل نبخشد*

باب نوزدهم

۱ وچون عیسی این سخنانرا به اتمام رسانید ازجلیل روانه شده بحدود یهودیّه ازآنطرف
۲ ۳ اُرْدُنّ آمد* وکروهی بسیار ازعقب او آمدند وایشانرا درآنجا شفا بخشید* پس
فریسیان امدند تا اورا امتحان کنند وکفتند آیا جایز است مرد زن خودرا بهر علّتی

۴ طلاق دهد ✲ او درجواب ایشان کفت مکر نخوانده اید که خالق درابتداء ایشانرا
۵ مرد وزن آفرید ✲ وکفت ازاینجهة مرد پدر ومادر خودرا رها کرده بزن خویش
۶ بپیوندد وهر دو یك تن خواهند شد ✲ بنابرین بعد ازآن دو نیستند بلکه یك تن
۷ هستند پس آنچه‌را خدا پیوست انسان جدا نسازد ✲ بوی کفتند پس ازبهر چه
۸ موسی امر فرمود که زن‌را طلاقنامه دهند وجدا کنند ✲ ایشانرا کفت موسی بسبب
سنکدلیٔ شما شمارا اجازت داد که زنان خودرا طلاق دهید لیکن ازابتداء چنین
۹ نبود ✲ وبشما میکویم هرکه زن خودرا بغیر علّت زنا طلاق دهد ودیکریرا نکاح کند
۱۰ زانی است وهرکه زن مطلّقهٔ‌را نکاح کند زنا کند ✲ شاکردانش بدو کفتند اکر
۱۱ حکم شوهر با زن چنین باشد نکاح نکردن بهتر است ✲ ایشانرا کفت تمامیٔ خلق
۱۲ اینکلام‌را نمی پذیرند مکر بکسانیکه عطا شده است ✲ زیراکه خصی‌ها میباشند که
ازشکم مادر چنین متولّد شدند وخصی‌ها هستند که ازمردم خصی شده‌اند وخصی‌ها
میباشند که بجهة ملکوت خدا خودرا خصی نموده اند۰ آنکه توانائی قبول دارد
۱۳ بپذیرد ✲ آنکاه چند بچهٔ کوچك‌را نزد او آوردند تا دستهای خودرا برایشان
۱۴ نهاده دعا کند امّا شاکردان ایشانرا نهیب دادند ✲ عیسی کفت بچه‌های کوچکرا
بکذارید وازآمدن نزد من ایشانرا منع مکنید زیرا ملکوت آسمان ازمثل اینها
۱۵ ۱۶ است ✲ ودستهای خودرا برایشان کذارده ازآنجا روانه شد ✲ ناکاه شخصی
۱۷ آمده ویرا کفت ای استادِ نیکو چه عمل نیکو کنم تا حیات جاودانی یابم ✲ ویرا
کفت ازچه سبب مرا نیکو کفتی وحال انکه کسی نیکو نیست جز خدا فقط لیکن
۱۸ اکر بخواهی داخل حیات شوی احکامرا نکاه دار ✲ بدو کفت کدام احکام۰
۱۹ عیسی کفت قتل مکن۰ زنا مکن۰ دزدی مکن۰ شهادت دروغ مده ✲ وپدر ومادر
۲۰ خودرا حرمت دار وهمسایهٔ خودرا مثل نفس خود دوست دار ✲ جوان وی‌را
۲۱ کفت همهٔ اینهارا ازطفولیّت نکاه داشته ام دیکر مرا چه ناقص است ✲ عیسی بدو
کفت اکر بخواهی کامل شوی رفته ما یملك خودرا بفروش وبفقراء بده که درآسمان
۲۲ کنجی خواهی داشت وآمده مرا متابعت نما ✲ چون جوان اینسخن‌را شنید دل تنك
۲۳ شده برفت زیراکه مال بسیار داشت ✲ عیسی بشاکردان خود کفت هرآینه بشما
۲۴ میکویم که شخص دولتمند بملکوت آسمان بدشواری داخل میشود ✲ وباز شمارا

میکویم که کذشتن شتر ازسوراخ سوزن آسانتر است ازدخول شخص دولتمند
۲۵ درملکوت خدا٭ شاکردان چون شنیدند بغایت متحیّر کشته کفتند پس که میتواند
۲۶ نجات یابد٭ عیسی متوجهٔ ایشان شده کفت نزد انسان این محالست لیکن نزد
۲۷ خدا همه چیز ممکن است٭ آنکاه پطرس درجواب کفت اینك ما همهٔ چیزهارا
۲۸ ترك کرده ترا متابعت میکنیم پس مارا چه خواهد بود٭ عیسی ایشانرا کفت
هرآینه بشما میکویم شما که مرا متابعت نموده اید درمعاد وقتیکه پسر انسان برکرسئ
جلال خود نشیند شما نیز بدوازده کرسی نشسته بردوازده سبط اسرائیل داوری
۲۹ خواهید نمود٭ وهرکه بخاطر اسم من خانه‌ها یا برادران یا خواهران یا پدر یا مادر
یا زن یا فرزندان یا زمینهارا ترك کرد صد چندان خواهد یافت ووارث حیات
۳۰ جاودانی خواهد کشت٭ لیکن بسا اوّلین که آخرین میکردند وآخرین اوّلین٭

باب بیستم

۱ زیرا ملکوت آسمان صاحب‌خانهٔرا ماند که بامدادان بیرون رفت تا عَمَلَه
۲ بجهة تاکستان خود بمزد بکیرد٭ پس با عَمَلَه روزی یك دینار قرار داده ایشانرا
۳ بتاکستان خود فرستاد٭ وقریب بساعت سیّم بیرون رفته بعضی دیکررا در بازار
۴ بیکار ایستاده دید٭ ایشانرا نیز کفت شما هم بتاکستان بروید وآنچه حقّ شما است
۵ ۶ بشما میدهم پس رفتند٭ باز قریب بساعت ششم ونهم رفته همچنین کرد٭ وقریب
بساعت یازدهم رفته چند نفر دیکر بیکار ایستاده یافت ایشانرا کفت ازبهر چه تمامئ
۷ روز دراینجا بیکار ایستاده اید٭ کفتندش هیچکس مارا بمزد نکرفت٭ بدیشان
۸ کفت شما نیز بتاکستان بروید وحقّ خویشرا خواهید یافت٭ وچون وقت شام
رسید صاحب تاکستان بناظر خود کفت مزدورانرا طلبیده ازآخرین کرفته تا اوّلین
۹ ۱۰ مزد ایشانرا ادا کن٭ پس یازده ساعتیان آمده هر نفری دیناری یافتند٭ واوّلین
آمده کمان بردندکه بیشتر خواهند یافت ولی ایشان نیز هر نفری دیناری یافتند٭
۱۱ ۱۲ امّا چون کرفتند بصاحب‌خانه شکایت نموده٭ کفتند که این آخرین یکساعت کار
کردند وایشانرا با ما که متحمّل سختی وحرارت روز کردیده ایم مساوی ساختهٔ٭
۱۳ اودرجواب یکی ازایشان کفت ای رفیق بر تو ظلمی نکردم مکر بدیناری با من قرار

١٤ ١٥ ندادی * حقّ خودرا کرفته برو * میخواهم بدین آخری مثل تو دهم * آیا مرا جایز
نیست که ازمال خود آنچه خواهم بکنم مکر چشم تو بداست ازآنرو که من نیکو
١٦ هستم * بنابرین اوّلین آخرین وآخرین اوّلین خواهند شد زیرا خوانده شدکان
١٧ بسیارند وبرکزیدکان کم * وچون عیسی باُورْشلیم میرفت دوازده شاکرد
١٨ خودرا دراثنای راه بخلوت طلبیده بدیشان کفت * اینك بسوی اُورْشلیم میرویم
وپسر انسان بروٴسای کَهَنَه وکاتبان تسلیم کرده خواهد شد وحکم قتل اورا خواهند
١٩ داد * واورا به‌امّتها خواهند سپرد تا اورا استهزاءٔ کنند وتازیانه زنند ومصلوب
٢٠ نمایند ودر روز سیّم خواهد برخاست * آنکاه مادر دو پسر زَبْدَی با پسران
٢١ خود نزد وی آمده وپرستش نموده ازاو چیزی درخواست کرد * بدو کفت چه
خواهش داری * کفت بفرما تا این دو پسر من درملکوت تو یکی بردست راست
٢٢ ودیکری بردست چپ تو بنشینند * عیسی درجواب کفت نمیدانید چه میخواهید
آیا میتوانید ازآن کاسهٔ که من مینوشم بنوشید وتعمیدیرا که من مییابم بیابید بدو کفتند
٢٣ میتوانیم * ایشانرا کفت البتّه ازکاسهٔ من خواهید نوشید وتعمیدیرا که من مییابم
خواهید یافت لیکن نشستن بدست راست وچپ من ازآن من نیست که بدهم مکر
٢٤ بکسانیکه ازجانب پدرم برای ایشان مهیّا شده است * امّا چون آن ده شاکرد
٢٥ شنیدند برآن دوبرادر بدل رنجیدند * عیسی ایشانرا پیش طلبیده کفت آکاه هستید
٢٦ که حکّام امّتها برایشان سروری میکنند وروٴسا برایشان مسلّطند * لیکن درمیان
شما چنین نخواهد بود بلکه هرکه درمیان شما میخواهد بزرك کردد خادم شما باشد *
٢٧ ٢٨ وهرکه میخواهد درمیان شما مقدّم بُوَد غلام شما باشد * چنانکه پسر انسان نیامد تا
مخدوم شود بلکه تا خدمت کند وجان خودرا درراه بسیاری فدا سازد *
٢٩ ٣٠ وهنکامیکه ازاَرِیحا بیرون میرفتند کروهی بسیار ازعقب اومیآمدند * که ناکاه
دو مرد کور کنار راه نشسته چون شنیدند که عیسی درکذر است فریاد کرده کفتند
٣١ خداوندا پسر داودا برما ترحّم کن * وهرچند خلق ایشانرا نهیب میدادند که
خاموش شوند بیشتر فریادکنان میکفتند خداوندا پسر داودا برما ترحّم فرما *
٣٢ ٣٣ پس عیسی ایستاده باآواز بلند کفت چه میخواهید برای شما کنم * بوی کفتند

۳۴ خداوندا اینکه چشمان ما بازکردد ☆ پس عیسی ترحّم نموده چشمان ایشانرا لمس
نمود که درساعت بینا کشته ازعقب او روانه شدند ☆

باب بیست ویکم

۱ وچون نزدیك باُورشلیم رسیده وارد بیت فاجی نزد کوه زیتون شدند آنکاه
۲ عیسی دو نفر ازشاکردان خودرا فرستاده ☆ بدیشان کفت درین قریهٔ که پیش
روی شما است بروید ودر حال الاغی باکرّهاش بسته خواهید یافت آنهارا بازکرده
۳ نزد من آورید ☆ وهرکاه کسی بشما سخنی کوید بکوئید خداوند بدینها احتیاج دارد
٤ که فی الفور آنهارا خواهد فرستاد ☆ واین همه واقع شد تا سخنی که نبیّ کفته است
٥ تمام شود ☆ که دختر صَهْیُون‌را کوئید اینك پادشاه تو نزد تو میآید با فروتنی
٦ وسواره برحمار وبرکُرّهٔ الاغ ☆ پس شاکردان رفته آنچه عیسی بدیشان امرفرمود
۷ بعمل آوردند ☆ والاغ‌را باکُرّه آورده رخت خودرا برآنها انداختند واو برآنها
۸ سوار شد ☆ وکروهی بسیار رختهای خودرا در راه کسترانیدند وجمعی ازدرختان
۹ شاخه‌ها بریده درراه میکستردند ☆ وجمعی ازپیش وپس او رفته فریاد کنان میکفتند
هوشیعانا پسر داودا مبارك باد کسیکه باسم خداوند میآید هوشیعانا دراعلی علّیین ☆
۱۰ ۱۱ وچون وارد اُورشلیم شد تمام شهر باشوب آمده میکفتند این کیست ☆ آنکروه
۱۲ کفتند اینست عیسیٔ نبیّ ازناصرهٔ جلیل ☆ پس عیسی داخل هیکل خدا کشته
جمیع کسانیرا که درهیکل خرید وفروش میکردند بیرون نمود وتختهای صرّافان
۱۳ وکرسیهای کبوتر فروشانرا واژکون ساخت ☆ وایشانرا کفت مکتوب است که
۱٤ خانهٔ من خانهٔ دعا نامیده میشود لیکن شما مغارهٔ دزدانش ساخته‌اید ☆ وکوران
۱٥ وشلّان درهیکل نزد او آمدند وایشانرا شفا بخشید ☆ امّا رؤسای کَهَنه وکاتبان
چون عجائیکه ازاو صادر میکشت وکودکانرا که درهیکل فریاد برآورده هوشیعانا
۱٦ پسر داودا میکفتند دیدند غضبناك کشته ☆ بوی کفتند نمیشنوی آنچه اینها میکویند
عیسی بدیشان کفت بلی مکر نخوانده اید اینکه ازدهان کودکان وشیر خوارکان
۱۷ حمدرا مهیّا ساختی ☆ پس ایشانرا واکذارده ازشهر بسوی بیت‌عَنْیَا رفته درآنجا
۱۸ ۱۹ شب‌را بسر برد ☆ بامدادان چون بشهر مراجعت میکرد کرسنه شد ☆ ودرکنارهٔ

راه یك درخت انجیر دیده نزد آن آمد وجز برك برآن هیچ نیافت پس آنرا کفت
۲۰ ازاین به بعد میوه تا بأبد برتو نشود که درساعت درخت انجیر خشکید* چون
شاکردانش اینرا دیدند متعجّب شده کفتند چه بسیار زود درخت انجیر خشك شده
۲۱ است* عیسی درجواب ایشان کفت هرآینه بشما میکویم اکر ایمان میداشتید وشكّ
نمینمودید نه همین‌را که بدرخت انجیر شد میکردید بلکه هرکاه بدین کوه میکفتید
۲۲ منتقل شده بدریا افکنده شو چنین میشد* وهرآنچه با ایمان بدعا طلب کنید خواهید
۲۳ یافت* وچون بهیکل درآمده تعلیم میداد رؤسای کَهَنَه ومشایخ قوم نزد او
آمده کفتند بچه قدرت این اعمال‌را مینمائی وکیست که این قدرت‌را بتو داده است*
۲۴ عیسی درجواب ایشان کفت من نیز ازشما سخنی میپرسم اکر آنرا بمن کوئید من هم
۲۵ بشما کویم که این اعمالرا بچه قدرت مینمایم* تعمید یحیی ازکجا بود ازآسمان یا
ازانسان* ایشان با خود تفکّر کرده کفتند که اکر کوئیم ازآسمان بود هرآینه کوید
۲۶ پس چرا بوی ایمان نیاوردید* واکر کوئیم ازانسان بود ازمردم میترسیم زیرا همه
۲۷ یحیی‌را نبیّ میدانند* پس درجواب عیسی کفتند نمیدانیم بدیشان کفت من هم شمارا
۲۸ نمیکویم که بچه قدرت این کارهارا میکنم* لیکن چه کمان دارید شخصی‌را دو پسر
بود نزد نخستین آمده کفت ای فرزند امروز بتاکستان من رفته بکار مشغول شو*
۲۹ درجواب کفت نخواهم رفت امّا بعد پشیمان کشته برفت* وبدوّمین نیز همچنین
۳۰
۳۱ کفت او درجواب کفت ای آقا من میروم ولی نرفت* کدام یك ازاین دو
خواهش پدررا بجا آورد کفتند اوّلی* عیسی بدیشان کفت هرآینه بشما میکویم که
۳۲ باجکیران وفاحشه‌ها قبل ازشما داخل ملکوت خدا میکردند* زانرو که یحیی
ازراه عدالت نزد شما آمد وبدو ایمان نیاوردید امّا باجکیران وفاحشه‌ها بدو ایمان
۳۳ آوردند وشما چون دیدید آخر هم پشیمان نشدید تا بدو ایمان آورید* ومَثَلی
دیکر بشنوید صاحب‌خانهٔ بود که تاکستانی غرس نموده خطیرهٔ کردش کشید
وچَرْخُشتی درآن کَنْد وبرجی بنا نمود پس آنرا بدهقانان سپرده عازم سفر شد*
۳۴ وچون موسم میوه نزدیك شد غلامان خودرا نزد دهقانان فرستاد تا میوه‌های اورا
۳۵ بردارند* امّا دهقانان غلامانشرا کرفته بعضی‌را زدند وبعضی‌را کشتند وبعضی‌را
۳۶ سنکسار نمودند* باز غلامان دیکر بیشتر ازاوّلین فرستاده بدیشان نیز بهمانطور

۳۷ سلوك نمودند٭ بالأخره پسر خودرا نزد ایشان فرستاده کفت پسر مرا حرمت
۳۸ خواهند داشت ٭ امّا دهقانان چون پسررا دیدند با خود کفتند این وارث است
۳۹ بیائید اورا بکشیم ومیراثش‌را ببریم ٭ آنکاه اورا کرفته بیرون تاکستان افکنده
٤٠ ٤١ کشتند ٭ پس چون مالكِ تاکستان آید بآن دهقانان چه خواهد کرد ٭ کفتند البتّه
آن بدکارانرا بسختی هلاك خواهد کرد وباغرا بباغبانان دیکر خواهد سپرد که
٤٢ میوهایشرا در موسم بدو دهند ٭ عیسی بدیشان کفت مکر در کتب هرکز نخوانده
اید اینکه سنکیرا که معمارانش ردّ نمودند همان سر زاویه شده است ٭ این از جانب
٤٣ خداوند آمد ودر نظر ما عجیب است ٭ از اینجهة شمارا میکویم که ملکوت خدا از
٤٤ شما کرفته شده به امّتی که میوه‌اش‌را بیاورند عطا خواهد شد ٭ وهرکه برآن سنك
٤٥ افتد منکسر شود واکر آن برکسی افتد نرمش سازد ٭ وچون رؤسای کَهَنَه
٤٦ وفریسیان مَثَلهایشرا شنیدند دریافتند که دربارهٔ ایشان میکوید ٭ وچون خواستند
اورا کرفتار کنند از مردم ترسیدند زیراکه اورا نبیّ میدانستند ٭

باب بیست ودوّم

۱ ۲ وعیسی توجّه نموده باز بمَثَلها ایشانرا خطاب کرده کفت ٭ ملکوت آسمان
۳ پادشاهی‌را ماند که برای پسر خویش عروسی کرد ٭ وغلامان خودرا فرستاد تا
٤ دعوت شدکانرا بعروسی بخوانند ونخواستند بیایند ٭ باز غلامان دیکر روانه نموده
فرمود دعوت شدکانرا بکوئید که اینك خوان خودرا حاضر ساخته‌ام وکاوان
٥ وپرواریهای من کشته شده وهمه چیز آماده است بعروسی بیائید ٭ ولی ایشان
بی‌اعتنائی نموده راه خودرا کرفتند یکی بمزرعهٔ خود ودیکری بتجارت خویش رفت ٭
٦ ٧ ودیکران غلامان اورا کرفته دشنام داده کشتند ٭ پادشاه چون شنید غضب نموده
۸ لشکریان خودرا فرستاده آن قاتلانرا بقتل رسانید وشهر ایشانرا بسوخت ٭ آنکاه
غلامان خودرا فرمود عروسی حاضر است لیکن دعوت شدکان لیاقت نداشتند ٭
۹ ۱۰ الآن بشوارع عامّه بروید وهرکرا بیابید بعروسی بطلبید ٭ پس آن غلامان بسر
راهها رفته نیك وبد هرکرا یافتند جمع کردند چنانکه خانهٔ عروسی از مجلسیان
۱۱ مملوّ کشت ٭ آنکاه پادشاه بجهة دیدن اهل مجلس داخل شده شخصی را درآنجا دید که

۱۲ جامهٔ عروسی در بر ندارد* بدو کفت ای عزیز چه طور در اینجا آمدی وحال آنکه
۱۳ جامهٔ عروسی در برنداری او خاموش شد* آنکاه پادشاه خادمان خودرا فرمود
این شخصرا دست و پا بسته بر دارید و در ظلمت خارجی اندازید جائیکه کریه
۱۴ ۱۵ وفشار دندان باشد* زیرا طلبیدکان بسیارند و برکزیدکان کم* پس فریسیان
۱۶ رفته شوری نمودند که چه طور اورا در کفتکو کرفتار سازند* وشاکردان خودرا
با هیرودیان نزد وی فرستاده کفتند استادا میدانیم که صادق هستی وطریق خدارا
۱۷ براستی تعلیم مینمائی وازکسی باك نداری زیرا که بظاهر خلق نمینکری* پس بما بکو
۱۸ رای تو چیست آیا جزیه دادن بقیصر رواست یانه* عیسی شرارت ایشانرا درك
۱۹ کرده کفت ای ریاکاران چرا مرا تجربه میکنید* سِکّهٔ جزیه‌را بمن بنمائید ایشان
۲۰ دیناری نزد وی آوردند* بدیشان کفت این صورت ورقم از آن کیست*
۲۱ بدو کفتند از آن قیصر• بدیشان کفت مال قیصررا بقیصر ادا کنید ومال خدارا
۲۲ ۲۳ بخدا* چون ایشان شنیدند متعجّب شدند واورا واکذارده برفتند* ودر
۲۴ همانروز صدّوقیان که منکر قیامت هستند نزد او آمده سؤال نموده* کفتند ای
استاد موسی کفت اکر کسی بی اولاد بمیرد میباید برادرش زن اورا نکاح کند تا
۲۵ نسلی برای برادر خود پیدا نماید* باری درمیان ما هفت برادر بودند که اوّل
۲۶ زنی کرفته بمرد وچون اولادی نداشت زنرا به برادر خود ترك کرد* وهمچنین
۲۷ ۲۸ دوّمین وسوّمین تا هفتمین* وآخر از همه آن زن نیز مرد* پس او در قیامت
۲۹ زن کدام یك از آن هفت خواهد بود زیرا که همه اورا داشتند* عیسی درجواب
۳۰ ایشان کفت کمراه هستید از این روکه کتاب وقوّت خدارا در نیافته اید* زیرا که
در قیامت نه نکاح میکنند ونه نکاح کرده میشوند بلکه مثل ملائکهٔ خدا در آسمان
۳۱ میباشند* امّا در بارهٔ قیامت مردکان آیا نخوانده اید کلامیرا که خدا بشما کفته
۳۲ است* من هستم خدای ابراهیم وخدای اسحق وخدای یعقوب• خدا خدای
۳۳ مردکان نیست بلکه خدای زندکانست* وآنکروه چون شنیدند از تعلیم وی
۳۴ متحیّر شدند* امّا چون فریسیان شنیدند که صدّوقیانرا مجاب نموده است با هم
۳۵ جمع شدند* ویکی از ایشان که فقیه بود از وی بطریق امتحان سؤال کرده کفت*
۳۶ ۳۷ ای استاد کدام حکم در شریعت بزرکتر است* عیسی ویرا کفت اینکه خداوند

۳۸ خدای خودرا بهمهٔ دل وتمامئ نفس وتمامئ فکر خود محبّت نما * اینست حکم اوّل
۳۹ ۴۰ واعظم * ودوّم مثل آنست یعنی همسایهٔ خودرا مثل خود محبّت نما * بدین دو حکم
۴۱ تمام توراة وصحف انبیاء متعلّق است * وچون فریسیان جمع بودند عیسی از ایشان
۴۲ پرسیده * کفت در بارهٔ مسیح چه کمان میبرید او پسر کیست بدو کفتند پسر داود *
۴۳ ایشانرا کفت پس چه طور داود در روح اورا خداوند میخواند چنانکه میکوید *
۴۴ خداوند بخداوند من کفت بدست راست من بنشین تا دشمنان ترا پای انداز تو
۴۵ ۴۶ سازم * پس هرکاه داود اورا خداوند میخواند چکونه پسرش میباشد * وهیچکس
قدرت جواب وی هرکز نداشت ونه کسی از آنروز دیکر جرأت سؤآل کردن ازاو نمود *

باب بیست وسیّم

۱ ۲ آنکاه عیسی آنجماعت وشاکردان خودرا خطاب کرده * کفت کاتبان وفریسیان
۳ برکرسئ موسی نشسته اند * پس آنچه بشما کویند نکاه دارید وبجا آورید لیکن
۴ مثل اعمال ایشان مکنید زیرا میکویند ونمیکنند * زیرا بارهای کران ودشواررا
میبندند وبردوش مردم مینهند وخود نمیخواهند آنهارا بیك انکشت حرکت دهند *
۵ وهمهٔ کارهای خودرا میکنند تا مردم ایشانرا به بینند * حمایلهای خودرا عریض
۶ ودامنهای قبای خودرا پهن میسازند * وبالا نشستن در ضیافتها وکرسیهای صدر
۷ درکنایسرا دوست میدارند * وتعظیم درکوچه‌هارا واینکه مردم ایشانرا آقا آقا
۸ بخوانند * لیکن شما آقا خوانده مشوید زیرا استاد شما یکیست یعنی مسیح وجمیع شما
۹ برادرانید * وهیچکس را برزمین پدر خود مخوانید زیرا پدر شما یکیست که در
۱۰ ۱۱ آسمانست * وپیشوا خوانده مشوید زیرا پیشوای شما یکی است یعنی مسیح * وهرکه
۱۲ از شما بزرکتر باشد خادم شما بُوَد * وهرکه خودرا بلند کند پست کردد وهرکه
۱۳ خودرا فروتن سازد سرافراز کردد * وای برشما ای کاتبان وفریسیان ریاکار که
درِ ملکوت آسمانرا بروی مردم می‌بندید زیرا خود داخل آن نمیشوید وداخل
۱۴ شوندکانرا از دخول مانع میشوید * وای برشما ای کاتبان وفریسیان ریاکار زیرا
خانه‌های بیوه‌زنانرا می بلعید واز روی ریا نمازرا طویل میکنید از آنرو عذاب
۱۵ شدیدتر خواهید یافت * وای برشما ای کاتبان وفریسیان ریاکار زیراکه برّ وبحررا

میکردید تا مریدی پیدا کنید وچون پیدا شد اورا دو مرتبه پست‌تر از خود پسر
۱۶ جهنّم میسازید* وای برشما ای راهنمایان کورکه میکوئید هرکه بهیکل قسم خورد
۱۷ باکی نیست لیکن هرکه بطلای هیکل قسم خورد باید وفا کند* ای نادانان
۱۸ ونابینایان آیا کدام افضل است طلا یا هیکلی که طلارا مقدّس میسازد* وهرکه
بمذبح قسم خورد باکی نیست لیکن هرکه بهدیهٔ که برآنست قسم خورد باید اداکند*
۱۹ ای جهّال وکوران کدام افضل است هدیه یا مذبح که هدیه‌را تقدیس مینماید*
۲۰ ۲۱ پس هرکه بمذبح قسم خورد بآن وبهر چه برآنست قسم خورده است* وهرکه
۲۲ بهیکل قسم خورد بآن وبه اوکه درآن ساکنست قسم خورده است* وهرکه بآسمان
۲۳ قسم خورد بکرسیٔ خدا وبه اوکه برآن نشسته است قسم خورده باشد* وای برشما
ای کاتبان وفریسیان ریاکارکه نعناع وثبت وزیره‌را عشر میدهید واعظم احکام
شریعت یعنی عدالت ورحمت وایمانرا ترک کرده اید* میبایست آنهارا بجا آورده اینهارا
۲۴ نیز ترک نکرده باشید* ای رهنمایان کورکه پشه‌را صافی میکنید وشتررا فرو
۲۵ میبرید* وای برشما ای کاتبان وفریسیان ریاکار از آنروکه بیرون پیاله وبشقابرا
۲۶ پاک مینمائید ودرون آنها مملوّ از جبر وظلم است* ای فریسیٔ کور اوّل درون پیاله
۲۷ وبشقابرا طاهر ساز تا بیرونش نیز طاهر شود* وای برشما ای کاتبان وفریسیان
ریاکارکه چون قبور سفید شده میباشید که از بیرون نیکو مینماید لیکن درون آنها
۲۸ ازاستخوانهای مردکان وسایر نجاسات پراست* همچنین شما نیز ظاهرًا بمردم عادل
۲۹ مینمائید لیکن باطنا از ریاکاری وشرارت مملوّ هستید* وای برشما ای کاتبان
وفریسیان ریاکارکه قبرهای انبیاءرا بنا میکنید ومدفنهای صادقانرا زینت میدهید*
۳۰ ومیکوئید اکر در ایّام پدران خود میبودیم در ریختن خون انبیاء با ایشان
۳۱ شریک نمیشدیم* پس برخود شهادت میدهید که فرزندان قاتلان انبیاء هستید*
۳۲ ۳۳ پس شما پیمانهٔ پدران خودرا لبریز کنید* ای ماران وافعی زادکان چکونه از
۳۴ عذاب جهنّم فرار خواهید کرد* لهذا الحال انبیاء وحکماء وکاتبان نزد شما
میفرستم وبعضی‌را خواهید کشت وبه‌دار خواهید کشید وبعضی‌را در کنایس خود
۳۵ تازیانه زده از شهر بشهر خواهید راند* تا همهٔ خونهای صادقان که بر زمین ریخته
شد برشما وارد آید* ازخون هابیل صدیق تا خون زکریّا ابن برخیا که اورا درمیان

٣٦ هیکل ومذبح کشتید٭ هرآینه بشما میکویم که این همه بر این طایفه خواهد آمد٭
٣٧ ای اُورشلیم اُورشلیم قاتل انبیاء وسنکسار کنندهٔ مرسلان خود چند مرتبه خواستم
فرزندان ترا جمع کنم مثل مرغی که جوجه‌های خودرا زیر بال خود جمع میکند
٣٨ ٣٩ ونخواستید٭ اینك خانهٔ شما برای شما ویران کذارده میشود٭ زیرا بشما میکویم
از این پس مرا نخواهید دید تا بکوئید مبارك است او که بنام خداوند میآید٭

باب بیست وچهارم

١ پس عیسی ازهیکل بیرون شده برفت وشاکردانش پیش آمدند تا عمارتهای هیکل را
٢ بدو نشان دهند٭ عیسی ایشانرا کفت آیا همهٔ این چیزهارا نمی بینید هرآینه بشما میکویم
٣ در اینجا سنکی بر سنکی کذارده نخواهد شد که بزیر افکنده نشود٭ وچون بکوه
زیتون نشسته بود شاکردانش در خلوت نزد وی آمده کفتند بما بکو که این امور کی
٤ واقع میشود ونشان آمدن تو وانقضای عالم چیست٭ عیسی در جواب ایشان
٥ کفت زنهار کسی شمارا کمراه نکند٭ زانروکه بسا بنام من آمده خواهند کفت که
٦ من مسیح هستم وبسیاریرا کمراه خواهند کرد٭ وجنکها واخبار جنکهارا خواهید شنید
زنهار مضطرب مشوید زیرا که وقوع این همه لازمست لیکن انتهاء هنوز نیست٭
٧ زیرا قومی با قومی ومملکتی با مملکتی مقاومت خواهند نمود وقحطیها ووباها وزلزلها
٨ ٩ در جایها پدید آید٭ امّا همهٔ اینها آغاز دردهای زه است٭ آنکاه شمارا بمصیبت
١٠ سپرده خواهند کشت وجمیع امتها بجهة اسم من از شما نفرت کنند٭ ودر آنزمان
١١ بسیاری لغزش خورده یکدیکررا تسلیم کنند واز یکدیکر نفرت کیرند٭ وبسا
١٢ انبیاءِ کَذَبه ظاهر شده بسیاریرا کمراه کنند٭ وبجهة افزونیٔ کناه محبّت بسیاری سرد
١٣ ١٤ خواهد شد٭ لیکن هرکه تا به انتهاء صبر کند نجات یابد٭ وباین بشارتِ ملکوت
در تمام عالم موعظه خواهد شد تا برجمیع امتّها شهادتی شود آنکاه انتهاء خواهد
١٥ رسید٭ پس چون مکروهِ ویرانی‌را که بزبان دانیال نبیّ کفته شده است در مقام
١٦ مقدّس برپا شده بینید هرکه خوانَد دریافت کند٭ آنکاه هرکه دریهودیّه باشد
١٧ بکوهستان بکریزد٭ وهرکه بربام باشد بجهة برداشتن چیزی از خانه بزیر نیاید٭
١٨ ١٩ وهرکه در مزرعه است بجهة برداشتن رخت خود برنکردد٭ لیکن وای برآبستنان

٢٠ وشیردهندکان درآن ایّام٭ پس دعا کنید تا فرار شما در زمستان یا در سبت
٢١ نشود٭ زیرا که درآنزمان چنان مصیبت عظیمی ظاهر میشودکه از ابتداء عالم تا
٢٢ کنون نشده ونخواهد شد٭ واکر آن ایّام کوتاه نشدی هیچ بشری نجات نیافتی لیکن
٢٣ بخاطر برکزیدکان آنروزها کوتاه خواهد شد٭ آنکاه اکر کسی بشما کوید اینك
٢٤ مسیح در اینجا یا درآنجا است باور مکنید٭ زیرا که مسیحان کاذب وانبیاء کَذَبَه
ظاهر شده علامات ومعجزات عظیمه چنان خواهند نمودکه اکر ممکن بودی
٢٥ ٢٦ برکزیدکانرا نیز کمراه کردندی٭ اینك شمارا پیش خبر دادم٭ پس اکر شمارا
٢٧ کویند اینك در صحراست بیرون مروید یا آنکه در خلوتست باور مکنید٭ زیرا
همچنانکه برق از مشرق ساطع شده تا بمغرب ظاهر میشود ظهور پسر انسان نیز چنین
٢٨ ٢٩ خواهد شد٭ وهرجاکه مرداری باشد کرکسان درآنجا جمع شوند٭ وفورا بعداز
مصیبتِ آن أیّام آفتاب تاریك کردد وماه نور خودرا ندهد وستارکان از آسمان
٣٠ فرو ریزند وقوّتهای افلاك متزلزل کردد٭ آنکاه علامت پسر انسان در آسمان
پدید کردد ودرآنوقت جمیع طوایف زمین سینه زنی کنند وپسر انسانرا بینند که
٣١ برابرهای آسمان باقوّت وجلال عظیم میآید٭ وفرشتکان خودرا با صور بلند آواز
فرستاده برکزیدکان اورا از بادهای اربعه از کران تا بکران فلك فراهم خواهند
٣٢ آورد٭ پس از درخت انجیر مثلش را فرا کیرید که چون شاخه‌اش نازك شده برکها
٣٣ میاورد میفهمید که تابستان نزدیك است٭ همچنین شما نیز چون این همه‌را بینید
٣٤ بفهمید که نزدیك بلکه بردر است٭ هرآینه بشما میکویم تا این همه واقع نشود این
٣٥ طایفه نخواهد کذشت٭ آسمان وزمین زایل خواهد شد لیکن سخنان من هرکز
٣٦ زایل نخواهد شد٭ امّا ازآنروز وساعت هیچکس اطّلاع ندارد حَتَّی ملائکهٔ آسمان جز
٣٧ پدر من وبس٭ لیکن چنانکه ایّام نوح بود ظهور پسرانسان نیزچنان خواهد بود٭
٣٨ زیرا همچنانکه درایّام قبل از طوفان میخوردند ومیآشامیدند ونکاح میکردند ومنکوحه
٣٩ میشدند تا روزیکه نوح داخل کشتی کشت٭ ونفهمیدند تا طوفان آمده همه‌را
٤٠ ببرد همچنین ظهور پسر انسان نیز خواهد بود٭ آنکاه دو نفریکه درمزرعهٔ میباشند
٤١ یکی کرفته ودیکری واکذارده شود٭ ودو زن که دستآس میکنند یکی کرفته
٤٢ ودیکری رها شود٭ پس بیدار باشید زیرا که نمیدانند در کدام ساعت خداوند

٤٣ شما میآید* لیکن اینرا بدانید که اکر صاحب خانه میدانست درچه پاس از شب
٤٤ دزد میآید بیدار میماند ونمیکذاشت که بخانه‌اش نقب زند* لهذا شما نیز حاضر
٤٥ باشید زیرا در ساعتی که کمان نبرید پسر انسان میآید* پس آن غلام امین ودانا
کیست که آقایش اورا براهل خانهٔ خود بکمارد تا ایشانرا در وقت معیّن خوراك
٤٦ دهد* خوشا بحال آن غلامیکه چون آقایش آید اورا در چنین کار مشغول یابد*
٤٧ ٤٨ هرآینه بشما میکویم که اورا بر تمام مایملك خود خواهد کماشت* لیکن هرکاه آن
٤٩ غلام شریر با خود کوید که آقای من در آمدن تأخیر مینماید* وشروع کند بزدن
٥٠ همقطاران خود وخوردن ونوشیدن با میکساران* هرآینه آقای آن غلام آید
٥١ در روزی که منتظر نباشد ودر ساعتیکه نداند* واورا دو پاره کرده نصیبش‌را
با ریاکاران قرار دهد در مکانیکه کریه وفشار دندان خواهد بود*

باب بیست وپنجم

١ در آنزمان ملکوت آسمان مثل ده باکره خواهد بود که مشعلهای خودرا برداشته
٢ به‌استقبال داماد بیرون رفتند* واز ایشان پنج دانا وپنج نادان بودند*
٣ ٤ امّا نادانان مشعلهای خودرا برداشته هیچ روغن با خود نبردند* لیکن دانایان
٥ روغن در ظروف خود با مشعلهای خویش برداشتند* وچون آمدن داماد بطول
٦ انجامید همه پینکی زده خفتند* ودر نصف شب صدائی بلند شد که اینك داماد
٧ میآید به‌استقبال وی بشتابید* پس تمامیٔ آن باکره‌ها برخاسته مشعلهای خودرا
٨ اصلاح نمودند* ونادانان دانایانرا کفتند ازروغن خود بما دهید زیرا مشعلهای
٩ ما خاموش میشود* امّا دانایان درجواب کفتند نمیشود مبادا ما وشمارا کفاف
١٠ ندهد بلکه نزد فروشندکان رفته برای خود بخرید* ودرحینیکه ایشان بجهة خرید
میرفتند داماد برسید وآنانیکه حاضر بودند با وی بعروسی داخل شده در بسته
١١ کردید* بعد ازآن باکره‌های دیکر نیز آمده کفتند خداوندا برای ما باز کن*
١٢ ١٣ او درجواب کفت هرآینه بشما میکویم شمارا نمیشناسم* پس بیدار باشید زیراکه
١٤ آنروز وساعت‌را نمیدانید* زیرا چنانکه مردی عازم سفر شده غلامان خودرا
١٥ طلبید واموال خودرا بدیشان سپرد* یکیرا پنج قنطار ودیکریرا دو وسیّمی را یك

١٦ داد. هریك‌را بحسب استعدادش ویدرنك متوجهٔ سفر شد* پس آنکه پنج قنطار
١٧ یافته بود رفته وبا آنها تجارت نموده پنج قنطار دیکر سود کرد* وهمچنین صاحب
١٨ دو قنطار نیز دو قنطار دیکر سود کرفت* امّا آنکه یك قنطار کرفته بود رفته
١٩ زمین‌را کند ونقد آقای خودرا پنهان نمود* وبعد ازمدّت مدیدی آقای ان
٢٠ غلامان آمده ازایشان حساب خواست* پس آنکه پنج قنطار یافته بود پیش آمده
پنج قنطار دیکر آورده کفت خداوندا پنج قنطار بمن سپردی اینك پنج قنطار دیکر
٢١ سود کردم* آقای او بوی کفت آفرین ای غلام نیك متدیّن بر چیزهای اندك
امین بودی ترا بر چیزهای بسیار خواهم کماشت بشادیٔ خداوند خود داخل شو*
٢٢ وصاحب دو قنطار نیز آمده کفت ای آقا دو قنطار تسلیم من نمودی اینك دو
٢٣ قنطار دیکر سود یافته‌ام* آقایش ویرا کفت آفرین ای غلام نیكِ متدیّن بر
چیزهای کم امین بودی ترا بر چیزهای بسیار میکمارم در خوشیٔ خداوند خود داخل
٢٤ شو* پس آنکه یك قنطار کرفته بود پیش آمده کفت ای آقا چون ترا میشناختم
که مرد درشت خوئی میباشی از جائی که نکاشتهٔ میدروی واز جائیکه نیفشاندهٔ
٢٥ جمع میکنی* پس ترسان شده رفتم وقنطار ترا زیرزمین نهفتم. اینك مال تو موجود
٢٦ است* آقایش در جواب وی کفت ای غلام شریر بیکاره دانستهٔ که ازجائیکه
٢٧ نکاشته ام میدروم وازمکانیکه نپاشیده ام جمع میکنم* ازهمین جهة ترا میبایست نقد
٢٨ مرا بصرّافان بدهی تا وقتیکه بیایم مال خودرا با سود بیابم* الحال آن قنطاررا ازاو
٢٩ کرفته بصاحب ده قنطار بدهید* زیرا بهرکه دارد داده شود وافزونی یابد واز
٣٠ آنکه ندارد آنچه دارد نیز کرفته شود* وآن غلام بی نفع‌را در ظلمت خارجی
٣١ اندازید جائیکه کریه وفشار دندان خواهد بود* امّا چون پسر انسان در
جلال خود با جمیع ملائکهٔ مقدّس خویش آید آنکاه برکرسیٔ جلال خود خواهد
٣٢ نشست* وجمیع امّتها در حضور او جمع شوند وآنهارا ازهمدیکر جدا میکند
٣٣ بقسمیکه شبان میشهارا ازبزها جدا میکند* ومیشهارا بر دست راست وبزهارا
٣٤ برچپ خود قرار دهد* آنکاه پادشاه به‌اصحاب طرف راست کوید بیائید ای
برکت یافتکان از پدر من وملکوتی‌را که ازابتدای عالم برای شما آماده شده است
٣٥ بمیراث کیرید* زیرا چون کرسنه بودم مرا طعام دادید. تشنه بودم سیرابم نمودید

٣٦ غریب بودم مرا جا دادید٭ عریان بودم مرا پوشانیدید٭ مریض بودم عیادتم
٣٧ کردید٭ در حبس بودم دیدن من آمدید٭ آنکاه عادلان پاسخ کویند ای خداوند
٣٨ کی کرسنهات دیدیم تا طعامت دهیم یا تشنهات یافتیم تا سیرابت نمائیم٭ یاکی ترا
٣٩ غریب یافتیم تا ترا جا دهیم یا عریان تا بپوشانیم٭ وکی ترا مریض یا محبوس یافتیم
٤٠ تا عیادتت کنیم٭ پادشاه در جواب ایشان کوید هرآینه بشما میکویم آنچه بیکی از این
٤١ برادران کوچك ترین من کردید بمن کرده اید٭ پس اصحاب طرف چپرا کوید
ای ملعونان از من دور شوید در آتش جاودانی که برای ابلیس وفرشتکان او مهیّا
٤٢ شده است٭ زیرا کرسنه بودم مرا خوراك ندادید٭ تشنه بودم مرا آب ندادید٭
٤٣ غریب بودم مرا جا ندادید٭ عریان بودم مرا نپوشانیدید٭ مریض ومحبوس بودم عیادتم
٤٤ ننمودید٭ پس ایشان نیز بپاسخ کویند بخداوند کی ترا کرسنه یا تشنه یا غریب یا
٤٥ برهنه یا مریض یا محبوس دیده خدمتت نکردیم٭ آنکاه در جواب ایشان کوید
٤٦ هرآینه بشما میکویم آنچه بیکی ازین کوچکان نکردید بمن نکرده اید٭ وایشان در
عذاب جاودانی خواهند رفت امّا عادلان در حیات جاودانی٭

باب بیست وششم

١ وچون عیسی همهٔ این سخنانرا باتمام رسانید بشاکردان خود کفت٭ میدانید که
٢
بعد ازدو روز عید فصح است که پسر انسان تسلیم کرده میشود تا مصلوب کردد٭
٣ آنکاه رؤساء کَهَنَه وکاتبان ومشایخ قوم در دیوانخانهٔ رئیس کَهَنَه که قیافا نام
٤ داشت جمع شده٭ شوری نمودند تا عیسیرا بحیله کرفتار ساخته بقتل رسانند٭
٥ امّا کفتند نه در وقت عید مبادا آشوبی در قوم برپا شود٭ وهنکامیکه عیسی
٦
٧ در بیت‌عَنْیا در خانهٔ شمعون ابرص شد٭ زنی با شیشهٔ عطر کرانبها نزد او آمده
٨ چون بنشست برسر وی ریخت٭ امّا شاکردانش چون اینرا دیدند غضب نموده
٩ کفتند چرا این اسراف شده است٭ زیرا ممکن بود اینعطر بقیمت کران فروخته
١٠ وبفقراء داده شود٭ عیسی اینرا درك کرده بدیشان کفت چرا بدین زن زحمت
١١ میدهید زیرا کار نیکو بمن کرده است٭ زیراکه فقرارا همیشه نزد خود دارید
١٢ اما مرا همیشه ندارید٭ واین زن که این عطررا بر بدنم مالید بجههٔ دفن من کرده

١٣ است * هرآینه بشما میکویم هرجائیکه در تمام عالم بدین بشارت موعظه کرده شود
١٤ کار این زن نیز بجهة یادکاری او مذکور خواهد شد * آنکاه یکی ازآن دوازده
١٥ که یهودای اسخریوطی مسمّی بود نزد رؤسای کَهَنه رفته * کفت مرا چند خواهید
١٦ داد تا اورا بشما تسلیم کنم ایشان سی پارهٔ نقره با وی قرار دادند * وازآن وقت
١٧ در صدد فرصت شد تا اورا بدیشان تسلیم کند * پس در روز اوّل عید فطیر
١٨ شاکردان نزد عیسی آمده کفتند کجا میخواهی فصحرا آماده کنیم تا بخوری * کفت
بشهر نزد فلان کس رفته بدو کوئید استاد میکوید وقت من نزدیك شد وفصحرا
١٩ در خانهٔ تو با شاکردان خود صرف مینمایم * شاکردان چنانکه عیسی ایشانرا امر
٢٠ فرمود کردند وفصحرا مهیّا ساختند * چون وقت شام رسید با آن دوازده
٢١ بنشست * و وقتیکه ایشان غذا میخوردند او کفت هرآینه بشما میکویم که یکی ازشما
٢٢ مرا تسلیم میکند * پس بغایت غمکین شده هریك از ایشان بوی سخن آغاز کردند
٢٣ که خداوندا آیا من آنم * او در جواب کفت آنکه دست با من در قاب فرو برد
٢٤ همانکس مرا تسلیم نماید * هرآینه پسر انسان بهمانطور که در بارهٔ او مکتوبست
رحلت میکند لیکن وای بر آنکسیکه پسر انسان بدست او تسلیم شود آنشخصرا
٢٥ بهتر بودی که تولّد نیافتی * ویهودا که تسلیم کنندهٔ وی بود بجواب کفت ای
٢٦ استاد آیا من آنم * بوی کفت تو خود کفتی * وچون ایشان غذا میخوردند عیسی
نانرا کرفته برکت داد وپاره کرده بشاکردان داد وکفت بکیرید وبخورید اینست
٢٧ بدن من * وپیاله‌را کرفته شکر نمود وبدیشان داده کفت همهٔ شما ازین بنوشید *
٢٨ زیراکه اینست خون من در عهد جدید که در راه بسیاری بجهة آمرزش کناهان
٢٩ ریخته میشود * امّا بشما میکویم که بعد ازین از میوهٔ مَوْ دیکر نخواهم نوشید تا روزیکه
٣٠ آنرا با شما در ملکوت پدر خود تازه آشامم * پس تسبیح خواندند وبسوی کوه
٣١ زیتون روانه شدند * آنکاه عیسی بدیشان کفت همهٔ شما امشب در بارهٔ من
لغزش میخورید چنانکه مکتوبست که شبانرا میزنم وکوسفندان کله پراکنده میشوند *
٣٢ ٣٣ لیکن بعد از برخاستنم پیش از شما بجلیل خواهم رفت * پطرس در جواب وی
٣٤ کفت هرکاه همه در بارهٔ تو لغزش خورند من هرکز نخورم * عیسی بوی کفت
هرآینه بتو میکویم که در همین شب قبل از بانك زدن خروس سه مرتبه مرا انکار

٣٥ خواهی کرد * پطرس بوی کفت هرکاه مردنم با تو لازم شود هرکز ترا انکار نکنم
٣٦ وسایر شاکردان نیز همچنان کفتند * آنکاه عیسی با ایشان بموضعی که مسمّی
بجتسیمانی بود رسیده بشاکردان خود کفت در اینجا بنشینید تا من رفته در آنجا دعا
٣٧ کنم * وپطرس ودو پسر زَبْدِیرا برداشته بی‌نهایت غمکین ودردناك شد *
٣٨ پس بدیشان کفت نفس من از غایت الم مشرف بموت شده است در اینجا مانده با
٣٩ من بیدار باشید * پس قدری پیش رفته بروی در افتاد ودعا کرده کفت ای
پدر من اکر ممکن باشد این پیاله از من بکذرد لیکن نه بخواهش من بلکه بارادهٔ تو *
٤٠ ونزد شاکردان خود آمده ایشانرا در خواب یافت وبه پطرس کفت آیا همچنین
٤١ نمیتوانستید یکساعت با من بیدار باشید * بیدار باشید ودعا کنید تا در معرض
٤٢ آزمایش نیفتید روح راغبست لیکن جسم ناتوان * وبار دیکر رفته باز دعا نموده
کفت ای پدر من اکر ممکن نباشد که این پیاله بدون نوشیدن ازمن بکذرد آنچه
٤٣ ارادهٔ تست بشود * وآمده باز ایشانرا در خواب یافت زیرا که چشمان ایشان
٤٤ سنکین شده بود * پس ایشانرا ترك کرده رفت ودفعهٔ سیّم بهمان کلام دعا
٤٥ کرد * آنکاه نزد شاکردان آمده بدیشان کفت ما بقی‌را بخوابید واستراحت کنید •
٤٦ الحال ساعت رسیده است که پسر انسان بدست کناهکاران تسلیم شود * برخیزید
٤٧ برویم اینك تسلیم کنندهٔ من نزدیکست * وهنوز سخن میکفت که ناکاه یهودا که
یکی ازآن دوازده بود با جمعی کثیر با شمشیرها وچوبها از جانب رؤساء کَهَنَه
٤٨ ومشایخ قوم آمدند * وتسلیم کنندهٔ او بدیشان نشانی داده کفته بود هرکه‌را بوسه
٤٩ زنم همان است اورا محکم بکیرید * درساعت نزد عیسی آمده کفت سلام یا سیّدی
٥٠ واورا بوسید * عیسی ویرا کفت ای رفیق از بهر چه آمدی • آنکاه پیش آمده
٥١ دست برعیسی انداخته اورا کرفتند * وناکاه یکی ازهمراهان عیسی دست آورده
شمشیر خودرا ازغلاف کشیده برغلام رئیس کَهَنَه زد وکوشش‌را ازتن جدا کرد *
٥٢ آنکاه عیسی ویرا کفت شمشیر خودرا غلاف کن زیرا هرکه شمشیر کیرد بشمشیر
٥٣ هلاك کردد * آیا کمان میبری که نمیتوانم الحال از پدر خود درخواست کنم که
٥٤ زیاده ازدوازده فوج از ملائکه برای من حاضر سازد * لیکن در این صورت
٥٥ کتب چکونه تمام کردد که همچنین میبایست بشود * در آنساعت بآنکروه کفت

کویا بر دزد بجهة کرفتن من با تیغها وچوبها بیرون آمدید• هرروز با شما در
٥٦ هیکل نشسته تعلیم میدادم ومرا نکرفتید☆ لیکن این همه شد تا کتب انبیاء تمام
٥٧ شود درآنوقت جمیع شاکردان اورا واکذارده بکریختند☆ وآنانیکه عیسی را
کرفته بودند اورا نزد قیافا رئیس کَهَنَه جائیکه کاتبان ومشایخ جمع بودند بردند☆
٥٨ امّا پطرس ازدور درعقب او آمده بخانهٔ رئیس کَهَنَه درآمد وبا خادمان بنشست
٥٩ تا انجام کاررا به بیند☆ پس رؤسای کَهَنَه ومشایخ وتمامیٔ اهل شوری طلب شهادت
٦٠ دروغ بر عیسی میکردند تا اورا بقتل رسانند☆ لیکن نیافتند با آنکه چند شاهد
٦١ دروغ پیش آمدند هیچ نیافتند• آخر دو نفر آمده☆ کفتند اینشخص کفت میتوانم
٦٢ هیکل خدارا خراب کنم ودر سه روزش بنا نمایم☆ پس رئیس کَهَنَه برخاسته بدو
٦٣ کفت هیچ جواب نمیدهی چیست که اینها بر تو شهادت میدهند☆ اما عیسی
خاموش ماند تا آنکه رئیس کَهَنَه روی بوی کرده کفت ترا بخدای حیّ قسم میدهم
٦٤ مارا بکوی که تو مسیح پسر خدا هستی یا نه☆ عیسی بوی کفت تو کفتی ونیز شمارا
میکویم بعد ازاین پسر انسانرا خواهید دید که بردست راست قوّت نشسته برابرهای
٦٥ آسمان میاید☆ درساعت رئیس کَهَنَه رختِ خودرا چاك زده کفت کفر کفت•
٦٦ دیکر مارا چه حاجت بشهود است• الحال کفرش‌را شنیدید☆ چه مصلحت
٦٧ می بینید• ایشان در جواب کفتند مستوجب قتل است☆ آنکاه آب دهان
٦٨ بررویش انداخته اورا طپانچه میزدند وبعضی سیلی زده☆ میکفتند ای مسیح بما
٦٩ نبوّت کن کیست که ترا زده است☆ امّا پطرس در ایوان بیرون نشسته بود که
٧٠ ناکاه کنیزکی نزد وی آمده کفت تو هم با عیسیٔ جلیلی بودی☆ او رو بروی همه
٧١ انکار نموده کفت نمیدانم چه میکوئی☆ وچون بدهلیز بیرون رفت کنیزی دیکر
٧٢ اورا دیده بحاضرین کفت این شخص نیز از رفقای عیسیٔ ناصری است☆ باز قسم
٧٣ خورده انکار نمود که این مردرا نمیشناسم☆ بعد ازچندی آنانیکه ایستاده بودند پیش
آمده پطرس‌را کفتند البتّه تو هم ازاینها هستی زیراکه لهجهٔ تو بر تو دلالت مینماید☆
٧٤ پس آغاز لعن کردن وقسم خوردن نمود که اینشخص‌را نمیشناسم ودر ساعت خروس
٧٥ بانك زد☆ آنکاه پطرس سخن عیسی‌را بیاد آورد که کفته بود قبل ازبانك زدن
خروس سه مرتبه مرا انکار خواهی کرد پس بیرون رفته زار زار بکریست☆

باب بیست وهفتم

۱ وچون صبح شد همهٔ رؤسای کَهَنَه ومشایخ قوم برعیسی شوری کردند که اورا
۲ هلاك سازند* پس اورا بند نهاده بردند وبه پنطیوس پیلاطس والی تسلیم
۳ نمودند* درآن هنکام چون یهودای تسلیم کنندهٔ او دید که بر او فتوی دادند
۴ پشیمان شده سی پارهٔ نقره‌را برؤسای کَهَنَه ومشایخ ردّ کرده* کفت کناه کردم که
۵ خون بیکناهیرا تسلیم نمودم* کفتند مارا چه خود دانی* پس آن نقره‌را در هیکل
۶ انداخته روانه شد ورفته خودرا خفه نمود* امّا رؤسای کَهَنَه نقره‌را برداشته
۷ کفتند انداختن این در بیت‌المال جایز نیست زیرا خونبها است* پس شوری
۸ نموده بآن مبلغ مزرعهٔ کوزه کررا بجهة مقبرهٔ غرباء خریدند* ازآنجهه آن مزرعه
۹ تا امروز بحَقْلُ الدَّم مشهور است* آنکاه سخنی که بزبانِ اِرْمِیای نبیّ کفته شده بود
تمام کشت که سی پارهٔ نقره‌را برداشتند بهای آن قیمت کرده شدهٔ که بعضی از بنی
۱۰ اسرائیل بر او قیمت کذاردند* وآنهارا بجهة مزرعهٔ کوزه‌کر دادند چنانکه
۱۱ خداوند بمن کفت* امّا عیسی در حضور والی ایستاده بود پس والی از او پرسیده
۱۲ کفت آیا تو پادشاه یهود هستی* عیسی بدو کفت تو میکوئی* وچون رؤسای
۱۳ کَهَنَه ومشایخ از او شکایت میکردند هیچ جواب نمیداد* پس پیلاطس ویرا
۱۴ کفت نمیشنوی چه قدر بر تو شهادت میدهند* امّا در جواب وی یك سخن
۱۵ هم نکفت بقسمیکه والی بسیار متعجّب شد* ودر هر عیدی رسم والی این بود که
۱۶ یك زندانی هرکه‌را میخواستند برای جماعت آزاد میکرد* ودر آنوقت زندانیٔ
۱۷ مشهور بَرْاَبَّا نام داشتند* پس چون مردم جمع شدند پیلاطس ایشانرا کفت که‌را
۱۸ میخواهید برای شما آزاد کنم براَبّا یاعیسیٔ مشهور بمسیح‌را* زیرا که دانست اورا
۱۹ ازحسد تسلیم کرده بودند* چون بر مسند نشسته بود زنش نزد او فرستاده کفت
با این مرد عادل ترا کاری نباشد زیرا که امروز در خواب در بارهٔ او زحمت بسیار
۲۰ بردم* امّا رؤسای کَهَنَه ومشایخْ قوم‌را بر این ترغیب نمودند که بَرْاَبّارا بخواهند
۲۱ وعیسی‌را هلاك سازند* پس والی بدیشان متوجّه شده کفت کدام یك از این
۲۲ دو نفررا میخواهید بجهة شما رها کنم کفتند براَبّا را* پیلاطس بدیشان کفت پس

۲۳ با عیسئ مشهور بمسیح چکنم جمیعًا کفتند مصلوب شود ٭ والی کفت چرا چه بدی
۲۴ کرده است ◦ ایشان بیشتر فریاد زده کفتند مصلوب شود ٭ چون پیلاطس دید
که ثمری ندارد بلکه آشوب زیاده میکردد آب طلبیده پیش مردم دست خودرا
۲۵ شسته کفت من بریّ هستم از خون اینشخص عادل شما به بینید ٭ تمام قوم در
۲۶ جواب کفتند خون او برما وفرزندان ما باد ٭ آنکاه بَرْاَبّارا برای ایشان آزاد
۲۷ کرد وعیسیرا تازیانه زده سپرد تا اورا مصلوب کنند ٭ آنکاه سپاهیان والی عیسیرا
۲۸ بدیوانخانه برده تمامئ فوجرا کرد وی فراهم آوردند ٭ واورا عریان ساخته لباس
۲۹ قرمزی بدو پوشانیدند ٭ وتاجی ازخار بافته برسرش کذاردند ونیٔ بدست راست
او دادند وپیش وی زانو زده استهزاء کنان اورا میکفتند سلام ای پادشاه یهود ٭
۳۰ ۳۱ وآب دهن بروی افکنده نیرا کرفته برسرش میزدند ٭ وبعد از آنکه اورا استهزاء
کرده بودند آن لباسرا از وی کنده جامهٔ خودشرا پوشانیدند واورا بجهة مصلوب
۳۲ نمودن بیرون بردند ٭ وچون بیرون میرفتند شخصی قیروانیٔ شمعون نامرا یافته
۳۳ اورا بجهة بردن صلیب مجبور کردند ٭ وچون بموضعی که بجُلْجُتا یعنی کاسهٔ سرمسمّی
۳۴ بود رسیدند ٭ سرکهٔ ممزوج بمرّ بجهة نوشیدن بدو دادند ◦ امّا چون چشید نخواست
۳۵ که بنوشد ٭ پس اورا مصلوب نموده رخت اورا تقسیم نمودند وبر آنها قرعه
انداختند تا آنچه بزبان نبیّ کفته شده بود تمام شود که رخت مرا درمیان خود تقسیم
۳۶ ۳۷ کردند وبر لباس من قرعه انداختند ٭ ودر آنجا بنکاهبانیٔ او نشستند ٭ وتقصیر
۳۸ نامهٔ اورا نوشته بالای سرش آویختند که اینست عیسی پادشاه یهود ٭ آنکاه دو
۳۹ دزد یکی بردست راست ودیکری برچپش با وی مصلوب شدند ٭ وراهکذران
۴۰ سرهای خودرا جنبانیده کفر کویان ٭ میکفتند ای کسیکه هیکلرا خراب میکنی
ودرسه روز آنرا میسازی خودرا نجات ده ◦ اکر پسر خدا هستی از صلیب فرود
۴۱ ۴۲ بیا ٭ همچنین نیز رؤسای کَهَنَه با کاتبان ومشایخ استهزاء کنان میکفتند ٭ دیکرانرا
نجات داد امّا نمیتواند خودرا برهاند اکر پادشاه اسرائیل است اکنون از صلیب
۴۳ فرود آید تا بدو ایمان آوریم ٭ برخدا توکّل نمود اکنون اورا نجات دهد اکر بدو
۴۴ رغبت دارد زیرا کفت پسر خدا هستم ٭ وهمچنین آن دو دزد نیز که با وی مصلوب
۴۵ بودند اورا دشنام میدادند ٭ واز ساعت ششم تا ساعت نهم تاریکی تمام زمینرا فرو

٤٦ کرفت ✡ ونزدیك بساعت نهم عیسی بآواز بلند صدا زده کفت ایلی ایلی لَمَا سَبَقْتَنِی
٤٧ یعنی الهی الهی مرا چرا ترك کردی ✡ امّا بعضی از حاضرین چون اینرا شنیدند
٤٨ کفتند که او الیاس‌را میخواند ✡ در ساعت یکی ازان میان دویده اسفنجی را کرفت
٤٩ وآنرا پُراز سرکه کرده بر سر نیٔ کذارد ونزد او داشت تا بنوشد ✡ ودیکران
٥٠ کفتند بکذار تا ببینیم که آیا الیاس میآید اورا برهاند ✡ عیسی باز بآواز بلند صیحه
٥١ زده روح‌را تسلیم نمود ✡ که ناکاه پردهٔ هیکل از سر تا پا دو پاره شد وزمین
٥٢ متزلزل وسنکها شکافته کردید ✡ وقبرها کشاده شد وبسیاری از بدنهای مقدّسین
٥٣ که آرامیده بودند برخاستند ✡ وبعد از برخاستن وی از قبور بر آمده بشهر مقدّس
٥٤ رفتند وبر بسیاری ظاهر شدند ✡ امّا یوزباشی ورفقایش که عیسی‌را نکاهبانی
میکردند چون زلزله واین وقایع‌را دیدند بی نهایت ترسان شده کفتند فی الواقع
٥٥ اینشخص پسر خدا بود ✡ ودر آنجا زنان بسیاری که از جلیل در عقب عیسی آمده
٥٦ بودند تا اورا خدمت کنند از دور نظاره میکردند ✡ که از آنجمله مریم مَجْدَلِیّه بود
٥٧ ومریم مادر یعقوب ویوشاء ومادر پسران زَبْدَی ✡ امّا چون وقت عصر
رسید شخصی دولتمند از اهل رامه یوسف نام که او نیز از شاکردان عیسی بود آمد ✡
٥٨ ونزد پیلاطس رفته جسد عیسی‌را خواست ✡ آنکاه پیلاطس فرمان داد که داده
٥٩ ٦٠ شود ✡ پس یوسف جسدرا برداشته آنرا درکتانِ پاك پیچیده ✡ اورا در قبری
نوکه برای خود از سنك تراشیده بود کذارد وسنکی بزرك برسر آن غلطانیده برفت ✡
٦١ ٦٢ ومریم مَجْدَلِیّه ومریم دیکر در آنجا در مقابل قبر نشسته بودند ✡ ودر فردای
آنروز که بعد از روز تهیّه بود رؤسای کَهَنَه وفریسیان نزد پیلاطس جمع شده ✡
٦٣ کفتند ای آقا مارا یاد است که آن کمراه کننده وقتیکه زنده بود کفت بعد از سه
٦٤ روز برمیخیزم ✡ پس بفرما قبررا تا سه روز نکاهبانی کنند مبادا شاکردانش در
شب آمده اورا بدزدند وبمردم کویند که از مردکان برخاسته است وکمراهیٔ آخر از
٦٥ اوّل بدتر شود ✡ پیلاطس بدیشان فرمود شما کشیکچیان دارید بروید چنانکه دانید
٦٦ محافظت کنید ✡ پس رفتند وسنکرا مختوم ساخته قبررا با کشیکچیان محافظت نمودند ✡

باب بیست وهشتم

١ وبعد از سبت هنکام فجر روز اوّل هفته مریم مَجْدَلِیّه ومریم دیکر بجهة دیدن قبر

٢ آمدند * که ناکاه زلزلهٔ عظیم حادث شد از آنرو که فرشتهٔ خداوند از آسمان نزول
٣ کرده آمد وسنك‌را از درِ قبر غلطانیده برآن بنشست * وصورت او مثل برق
٤ ولباسش چون برف سفید بود * واز ترس او کشیکچیان بلرزه در آمده مثل مرده
٥ کردیدند * امّا فرشته بزنان متوجّه شده کفت شما ترسان مباشید میدانم که عیسیٔ
٦ مصلوبرا میطلبید * در اینجا نیست زیرا چنانکه کفته بود برخاسته است بیائید
٧ جائیکه خداوند خفته بود ملاحظه کنید * وبزودی رفته شاکردانش‌را خبر دهید
که از مردکان برخاسته است اینك پیش از شما بجلیل میرود در آنجا اورا خواهید
٨ دید اینك شمارا کفتم * پس از قبر با ترس وخوشیٔ عظیم بزودی روانه شده رفتند
٩ تا شاکردان اورا اطّلاع دهند * ودر هنکامیکه بجهة اخبار شاکردان او میرفتند
ناکاه عیسی بدیشان برخورده کفت سلام بر شما باد * پس پیش آمده بقدمهای او
١٠ چسپیده اورا پرستش کردند * آنکاه عیسی بدیشان کفت مترسید رفته برادرانم‌را
١١ بکوئید که بجلیل بروند که در آنجا مرا خواهند دید * وچون ایشان میرفتند
ناکاه بعضی از کشیکچیان بشهر شده رؤسای کَهَنه‌را از همهٔ این وقایع مطّلع ساختند *
١٢ ١٣ ایشان با مشایخ جمع شده شوری نمودند ونقرهٔ بسیار بسپاهیان داده * کفتند بکوئید
١٤ که شبانکاه شاکردانش آمده وقتیکه ما در خواب بودیم اورا دزدیدند * وهرکاه
١٥ این سخن کوش زد والی شود همانا ما اورا برکردانیم وشمارا مطمئنّ سازیم * ایشان
پول‌را کرفته چنانکه تعلیم یافتند کردند واینسخن تا امروز درمیان یهود منتشر است *
١٦ امّا یازده رسول بجلیل برکوهی که عیسی ایشانرا نشان داده بود رفتند *
١٧ ١٨ وچون اورا دیدند پرستش نمودند لیکن بعضی شكّ کردند * پس عیسی پیش
آمده بدیشان خطاب کرده کفت تمامیٔ قدرت در آسمان وبرزمین بمن داده شده
١٩ است * پس رفته همهٔ امتهارا شاکرد سازید وایشانرا باسم اب وابن وروح القدس
٢٠ تعمید دهید * وایشانرا تعلیم دهید که همهٔ اموریرا که بشما حکم کرده‌ام حفظ کنند
واینك من هر روزه تا انقضای عالم همراه شما میباشم آمین *

انجیل مَرقُس

باب اوّل

۱ ۲ ابتداء انجیل عیسی مسیح پسرخدا ✲ چنانکه دراشعیاء نبیّ مکتوب است اینك
۳ رسول خودرا پیش روی تو میفرستم تا راه ترا پیش تو مهیّا سازد ✲ صدای ندا
٤ کنندۀ دربیابان که راه خداوندرا مهیّا سازید وطُرُق اورا راست نمائید ✲ یحیی
تعمید دهنده دربیابان ظاهر شد وبجهة آمرزش کناهان بتعمید توبه موعظه مینمود ✲
٥ تمامی ومرزوبوم یهُودیّه وجمیع سَکَنۀ اورشلیم نزد وی بیرون شدند وبکناهان خود
٦ معترف کردیده دررود اُرْدُنّ ازاو تعمید می یافتند ✲ ویحیی‌را لباس از پشم شتر
۷ وکمربند چرمی برکمر میبود وخوراك وی ازملخ وعسل برّی ✲ وموعظه میکرد
ومیکفت که بعد ازمن کسی تواناتر ازمن میآید که لایق آن نیستم که خم شده دوال
۸ نعلین اورا باز کنم ✲ من شمارا بآب تعمید دادم لیکن او شمارا بروح القدس تعمید خواهد
۹ داد ✲ وواقع شد درآن ایّام که عیسی از ناصرۀ جلیل آمده دراُرْدُنّ از یحیی تعمید
۱۰ یافت ✲ وچون ازآب برآمد درساعت آسمانرا شکافته دید وروحرا که مانند
۱۱ کبوتری بروی نازل میشود ✲ وآوازی ازآسمان دررسید که تو پسر حبیب من هستی
۱۲ ۱۳ که ازتو خوشنودم ✲ پس بی‌درنك روح ویرا به‌بیابان میبَرَدْ ✲ ومدّت چهل
روز درصحرا بود وشیطان اورا تجربه میکرد وبا وحوش بسر میبرد وفرشتکان اورا
۱٤ پرستاری مینمودند ✲ وبعد ازکرفتاری یحیی عیسی بجلیل آمده به‌بشارت ملکوت
۱۵ خدا موعظه کرده ✲ میکفت وقت تمام شد وملکوت خدا نزدیکست پس توبه
۱٦ کنید وبه‌انجیل ایمان بیاورید ✲ وچون بکنارۀ دریای جلیل میکشت شمعون
۱۷ وبرادرش اندریاس‌را دید که دامی دردریا میاندازند زیراکه صیّاد بودند ✲ عیسی
۱۸ ایشان‌را کفت ازعقب من آئید که شمارا صیّاد مردم کردانم ✲ بی‌تأمّل دامهای

١٩ خودرا کذارده ازپی او روانه شدند ✡ وازانجا قدری پیشتر رفته یعقوب بن زَبْدَی
٢٠ وبرادرش یوحنّارا دید که درکشتی دامهای خودرا اصلاح میکنند ✡ درحال
ایشانرا دعوت نمود پس پدر خود زَبْدَیرا با مزدوران درکشتی کذارده از عقب
٢١ وی روانه شدند ✡ وچون وارد کفرناحوم شدند بی‌تأمُّل درروز سبت بکنیسه
٢٢ درآمده بتعلیم دادن شروع کرد ✡ بقسمیکه ازتعلیم وی حیران شدند زیراکه ایشانرا
٢٣ مقتدرانه تعلیم میداد نه‌مانند کاتبان ✡ ودرکنیسهٔ ایشان شخصی بود که روح پلید
٢٤ داشت ناکاه صیحه زده ✡ کفت ای عیسیٔ ناصری مارا با تو چه کاراست آیا برای
٢٥ هلاك کردنِ ما آمدی ✡ ترا میشناسم کیستی ای قدّوس خدا ✡ عیسی بوی نهیب
٢٦ داده کفت خاموش شو وازاو درآی ✡ درساعت آن روح خبیث اورا مصروع
٢٧ نمود وباآواز بلند صدا زده ازاو بیرون آمد ✡ وهمه متعجّب شدند بحدّیکه از همدیکر
سؤآل کرده کفتند این چیست واین چه تعلیم تازه است که ارواح پلیدرا نیز با
٢٨ قدرت امر میکند واطاعتش مینمایند ✡ واسم او فورًا درتمامیٔ مرزوبوم جلیل شهرت
٢٩ یافت ✡ واز کنیسه بیرون آمده فورًا با یعقوب ویُوحنّا بخانهٔ شمعون واندریاس
٣٠ درآمدند ✡ ومادرزن شمعون تب کرده خوابیده بود درساعت ویرا ازحالت او
٣١ خبر دادند ✡ پس نزدیك شده دست اورا کرفته برخیزانیدش که همانوقت تب
٣٢ ازاو زایل شد وبخدمت کذاریٔ ایشان مشغول کشت ✡ شامکاه چون آفتاب
٣٣ بمغرب شد جمیع مریضان ومجانین‌را پیش او آوردند ✡ وتمام شهر بردرِخانه ازدحام
٣٤ نمودند ✡ وبسا کسانی‌را که به‌انواع امراض مبتلا بودند شفا داد ودیوهای بسیاری
٣٥ بیرون کرده نکذارد که دیوها حرف زنند زیراکه اورا شناختند ✡ بامدادان قبل
٣٦ ازصبح برخاسته بیرون رفت وبویرانهٔ رسیده درآنجا بدعا مشغول شد ✡ وشمعون
٣٧ ٣٨ ورفقایش دربی او شتافتند ✡ چون اورا دریافتند کفتند همه ترا میطلبند ✡ بدیشان
کفت بدهات مجاور هم برویم تا درآنها نیز موعظه کنم زیراکه بجهة اینکار بیرون
٣٩ آمدم ✡ پس درتمام جلیل درکنایس ایشان وعظ مینمود ودیوهارا اخراج میکرد ✡
٤٠ وابرصی پیش وی آمده استدعا کرد وزانو زده بدو کفت اکر بخواهی میتوانی
٤١ مرا طاهر سازی ✡ عیسی ترحّم نموده دست خودرا دراز کرد واورا لمس نموده کفت
٤٢ میخواهم طاهرشو ✡ وچون سخن کفت فی الفور برص ازاو زایل شده پاك کشت ✡

٤٣ ٤٤ واورا قدغن کرد وفوراً مرخص فرموده ☆ کفت زنهار کسیرا خبر مده بلکه رفته
خودرا بکاهن بنما وآنچه موسی فرموده بجهة تطهیر خود بکذران تا برای ایشان
٤٥ شهادتی بشود ☆ لیکن او بیرون رفته بموعظه نمودن وشهرت دادن این امر شروع
کرد بقسمیکه بعد از آن او نتوانست آشکارا بشهر درآید بلکه در ویرانهای بیرون
بسر میبرد ومردم از همهٔ اطراف نزد وی میآمدند ☆

باب دوّم

١ وبعد ازچندی باز وارد کفرناحوم شده چون شهرت یافت که درخانه است ☆
٢ بیدرنك جمعی ازدحام نمودند بقسمیکه بیرون در نیز کنجایش نداشت وبرای ایشان
٣ کلام‌را بیان میکرد ☆ که ناکاه بعضی نزد وی آمده مفلوجی‌را بدست چهار نفر
٤ برداشته آوردند ☆ وچون بسبب جمعیت نتوانستند نزد او برسند طاق جائی‌را که
٥ او بود بازکرده وشکافته تختی‌را که مفلوج برآن خوابیده بود بزیر هشتند ☆ عیسی
٦ چون ایمان ایشانرا دید مفلوج‌را کفت ای فرزند کناهان تو آمرزیده شد ☆ لیکن
٧ بعضی ازکاتبان که درانجا نشسته بودند دردل خود تفکّر نمودند ☆ که چرا این
شخص چنین کفر میکوید غیر از خدای واحد کیست که بتواند کناهانرا بیامرزد ☆
٨ درساعت عیسی درروح خود ادراك نموده که با خود چنین فکر میکنند بدیشان
٩ کفت از بهر چه این خیالات‌را بخاطر خود راه میدهید ☆ کدام سهل‌تر است
مفلوج‌را کفتن کناهان تو آمرزیده شد یا کفتن برخیز وبستر خودرا برداشته بخرام ☆
١٠ لیکن تا بدانید که پسر انسان‌را استطاعت آمرزیدن کناهان برروی زمین هست
١١ ١٢ مفلوج‌را کفت ☆ ترا میکویم برخیز وبستر خودرا برداشته بخانهٔ خود برو ☆ او
برخاست وبی‌تأمّل بستر خودرا برداشته پیش روی همه روانه شد بطوریکه همه
١٣ حیران شده خدارا تمجید نموده کفتند مثل این امر هرکز ندیده بودیم ☆ وباز
١٤ بکنارهٔ دریا رفت وتمام آن کروه نزد او آمدند وایشانرا تعلیم میداد ☆ وهنکامیکه
میرفت لاوی ابن حلفی‌را برباجکاه نشسته دید ☆ بدو کفت ازعقب من بیا پس
١٥ برخاسته درعقب وی شتافت ☆ ووقتیکه او درخانهٔ وی نشسته بود بسیاری
ازباجکیران وکناهکاران با عیسی وشاکردانش نشستند زیرا بسیار بودند وپیروئ

١٦ او میکردند* وچون کاتبان وفریسیان اورا دیدند که با باجکیران وکناهکاران
میخورد بشاکردان او کفتند چرا با باجکیران وکناهکاران اکل وشرب مینماید*
١٧ عیسی چون اینرا شنید بدیشان کفت تندرستان احتیاج بطبیب ندارند بلکه مریضان
١٨ ومن نیامدم تا عادلانرا بلکه تا کناهکارانرا به توبه دعوت کنم* وشاکردان
یحیی وفریسیان روزه میداشتند پس آمده بدو کفتند چونستکه شاکردان یحیی
١٩ وفریسیان روزه میدارند وشاکردان تو روزه نمیدارند* عیسی بدیشان کفت آیا
ممکن است پسران خانهٔ عروسی مادامیکه داماد با ایشان است روزه بدارند
٢٠ زمانیکه دامادرا با خود دارند نمیتوانند روزه دارند* لیکن ایّامی میآید که داماد
٢١ ازایشان کرفته شود درآن ایّام روزه خواهند داشت* وهیچ کس برجامهٔ کهنه پارهٔ
ازپارچهٔ نو وصله نمیکند والاّ آن وصلهٔ نو ازآن کهنه جدا میکردد ودریدکی بدتر
٢٢ میشود* وکسی شراب نورا درمشکهای کهنه نمیریزد وکرنه آن شراب نو مشکهارا
بدرد وشراب ریخته مشکها تلف میکردد بلکه شراب نورا درمشکهای نو باید
٢٣ ریخت* وچنان افتاد که روز سبتی ازمیان مزرعهها میکذشت وشاکردانش
٢٤ هنکامی که میرفتند بچیدن خوشهها شروع کردند* فریسیان بدو کفتند اینك چرا
٢٥ درروز سبت مرتکب عملی میباشند که روا نیست* او بدیشان کفت مکر هرکز
٢٦ نخواندهاید که داوُد چه کرد چون او ورفقایش محتاج وکرسنه بودند* چکونه
درایام اَبیاتار رئیس کَهَنَه بخانهٔ خدا درآمده نان تقدّمهرا خورد که خوردن آن جز
٢٧ بکاهنان روا نیست وبرفقای خود نیز داد* وبدیشان کفت سبت بجهة انسان
٢٨ مقرّر شد نه انسان برای سبت* بنابرین پسر انسان مالك سبت نیز هست*

باب سیّم

١ وباز بکنیسه درآمده درآنجا مرد دست خشکی بود* ومراقب وی بودند که شاید
٢
٣ اورا درسبت شفا دهد تا مدّعیٔ او کردند* پس بدان مرد دست خشك کفت
٤ درمیان بایست* وبدیشان کفت آیا درروز سبت کدام جایز است نیکوئی کردن
٥ یا بدی جانرا نجات دادن یا هلاك کردن ایشان خاموش ماندند* پس چشمان
خودرا برایشان با غضب کردانیده زیراکه ازسنك دلیٔ ایشان محزون بود بآن مرد

٦ کفت دست خودرا درازکن پس درازکرده دستش صحیح کشت* درساعت
فریسیان بیرون رفته با هیرودیان دربارهٔ او شوری نمودند که چه طور اورا هلاك
٧ کنند* وعیسی با شاکردانش بسوی دریا آمد وکروهی بسیار ازجلیل بعقب او
٨ روانه‌شدند* وازیهودیّه واز اورشلیم واَدُومیّه وآنطرف اُرْدُنّ واز حوالئ صور
٩ وصیدون نیز جمعی کثیر چون اعمال اورا شنیدند نزد وی آمدند* وبشاکردان
خود فرمود تا زورقی بسبب جمعیت بجهة او نکاه دارند تا بروی ازدحام ننمایند*
١٠ زیراکه بسیاریرا صحّت میداد بقسمیکه هرکه صاحب دردی بود براو هجوم میاورد تا
١١ اورا لمس نماید* وارواح پلید چون اورا دیدند پیش او بروی درافتادند وفریاد
١٢ کنان میکفتند که تو پسر خدا هستی* وایشانرا بتأکید بسیار فرمود که اورا شهرت
١٣ ندهند* پس برفراز کوهی برآمده هرکرا خواست بنزد خود طلبید وایشان
١٤ نزد او آمدند* ودوازده نفررا مقرّر فرمود تا همراه او باشند وتا ایشانرا بجهة وعظ
١٥ نمودن بفرستند* وایشانرا قدرت باشد که مریضانرا شفا دهند ودیوهارا بیرون
١٦ ١٧ کنند* وشمعونرا پطرس نام نهاد* ویعقوب پسر زَبْدَی ویُوحنّا برادر یعقوب
١٨ این هردورا بُوأنَرْجَسْ یعنی پسران رعد نام کذارد* واندریاس وفیلپّس وبرتولما
١٩ ومتی وتوما ویعقوب بن حلفی وتدّی وشمعون قانوی* ویهودای اسخریوطی که
٢٠ اورا تسلیم کرد وچون بخانه درآمدند باز جمعی فراهم آمدند بطوریکه ایشان
٢١ فرصت نان خوردن هم نکردند* وخویشان او چون شنیدند بیرون آمدند تا اورا
٢٢ بردارند زیرا کفتند بیخود شده است* وکاتبانی که از اورشلیم امده بودند کفتند
٢٣ که بَعْلْزَبُول دارد وبه یاریٔ رئیس دیوها دیوهارا اخراج میکند* پس ایشان‌را
پیش طلبیده مَثَلها زده بدیشان کفت چه طور میتواند شیطان شیطان‌را بیرون
٢٤ کند* واکر مملکتی برخلاف خود منقسم شود آن مملکت نتواند پایدار بماند*
٢٥ ٢٦ وهرکاه خانهٔ بضدّ خویش منقسم شد آنخانه نمیتواند استقامت داشته باشد* واکر
شیطان با نفس خود مقاومت نماید ومنقسم شود او نمیتواند قائم ماند بلکه هلاك
٢٧ میکردد* وهیچ کس نمیتواند بخانهٔ مرد زورآور درآمده اسباب اورا غارت نماید
٢٨ جزآنکه اوّل آن زورآوررا به‌بندد وبعد ازآن خانهٔ اورا تاراج میکند* هرآینه بشما
٢٩ میکویم که همهٔ کناهان از بنی‌آدم آمرزیده میشود وهر قسم کفر که کفته باشند* لیکن

هرکه بروح القدس کفر کوید تا بأبد آمرزیده نشود بلکه مستحقّ عذاب جاودانی
٣٠ ٣١ بُوَد * زیرا که میکفتند روحی پلید دارد * پس برادران ومادر او آمدند وبیرون
٣٢ ایستاده فرستادند تا اورا طلب کنند * آنکاه جماعت کرد او نشسته بودند وبوی
٣٣ کفتند اینك مادرت وبرادرانت بیرون ترا میطلبند * درجواب ایشان کفت
٣٤ کیست مادر من وبرادرانم کیانند * پس برآنانیکه کرد وی نشسته بودند نظرافکنده
٣٥ کفت اینانند مادر وبرادرانم * زیرا هرکه ارادهٔ خدارا بجا آرد همان برادر وخواهر
ومادر من باشد *

باب چهارم

١ وباز بکنارهٔ دریا به تعلیم دادن شروع کرد وجمعی کثیر نزد او جمع شدند
بطوریکه بکشتی سوار شده بردریا قرار کرفت وتمامئ آنجماعت برساحل دریا حاضر
٢ بودند * پس ایشانرا بمَثَلها چیزهای بسیار می آموخت ودر تعلیم خود بدیشان
٣ ٤ کفت * کوش کیرید اینك برزکری بجهة تخم پاشی بیرون رفت * وچون تخم
٥ میپاشید قدری برراه ریخته شده مرغان هوا آمده آنهارا برچیدند * وپارهٔ برسنکلاخ
پاشیده شد درجائیکه خاك بسیار نبود پس چونکه زمین عمق نداشت بزودی
٦ روئید * وچون آفتاب برآمد سوخته شد وازآن روکه ریشه نداشت خشکید *
٧ وقدری درمیان خارها ریخته شد وخارها نموّ کرده آنرا خفه نمود که ثمری نیاورد *
٨ ومابقی درزمین نیکو افتاد وحاصل پیدا نمود که روئید ونموّ کرد وبار آورد بعضی
٩ سی وبعضی شصت وبعضی صد * پس کفت هرکه کوش شنوا دارد بشنود *
١٠ وچون بخلوت شد رفقای او با آن دوازده شرح این مَثَل را ازاو پرسیدند *
١١ بایشان کفت بشما دانستن سِرّ ملکوت خدا عطا شده امّا بآنانیکه بیرونند همه چیز بمَثَلها
١٢ میشود * تا نکران شده بنکرند ونه بینند وشنوا شده بشنوند ونفهمند مبادا بازکشت
١٣ کرده کناهان ایشان آمرزیده شود * وبدیشان کفت آیا این مَثَل را نفهمیده اید پس
١٤ ١٥ چکونه سایر مَثَلهارا خواهید فهمید * برزکر کلامرا میکارد * واینانند بکنارهٔ راه
جائیکه کلام کاشته میشود وچون شنیدند فوراً شیطان آمده کلام کاشته شدهٔ درقلوب
١٦ ایشانرا میرباید * وایضاً کاشته شدهٔ درسنکلاخ کسانی میباشنه که چون کلامرا
١٧ بشنوند درحال آنرا بخوشی قبول کنند * ولکن ریشهٔ درخود ندارند بلکه فانی

میباشند وچون صدمهٔ یا زحمتی بسبب کلام روی دهد درساعت لغزش میخورند ٭
١٨ ١٩ وکاشته شدهٔ درخارها آنانی میباشند که چون کلام‌را شنوند ٭ اندیشه‌های دنیوی
وغرور دولت وهوس چیزهای دیکر داخل شده کلام‌را خفه میکند وبی‌ثمر میکردد ٭
٢٠ وکاشته شدهٔ درزمین نیکو آنانند که چون کلام‌را شنوند آنرا می پذیرند وثمر میاورند
٢١ بعضی سی وبعضی شصت وبعضی صد ٭ پس بدیشان کفت آیا چراغ‌را میآورند تا
٢٢ زیر پیمانهٔ یا تختی ونه برچراغ‌دان کذارند ٭ زیراکه چیزی پنهان نیست که
٢٣ آشکارا نکردد وهیچ چیز مخفی نشود مکر تا بظهور آید ٭ هرکه کوش شنوا دارد
٢٤ بشنود ٭ وبدیشان کفت با حذر باشید که چه میشنوید زیرا بهرمیزانی که وزن
٢٥ کنید بشما پیموده شود بلکه ازبرای شما که میشنوید افزون خواهد کشت ٭ زیرا
هرکه دارد بدو داده شود وازهرکه ندارد آنچه نیز دارد کرفته خواهد شد ٭
٢٦ ٢٧ وکفت همچنین ملکوت خدا مانند کسی است که تخم برزمین بیفشاند ٭ وشب
٢٨ وروز بخوابد وبرخیزد وتخم بروید ونموّ کند چکونه او نداند ٭ زیراکه زمین بذات
٢٩ خود ثمر میآورد اوّل علف بعد خوشه پس ازآن دانهٔ کامل درخوشه ٭ وچون ثمر
٣٠ رسید فورًا داس‌را بکار میبرد زیراکه وقت حصاد رسیده است ٭ وکفت بچه چیز
٣١ ملکوت خدارا تشبیه کنیم وبرای آن چه مَثَل بزنیم ٭ مثل دانهٔ خردلیست که
٣٢ وقتیکه آنرا برزمین کارند کوچکترین تخمهای زمینی باشد ٭ لیکن چون کاشته
شد میروید وبزرکتر ازجمیع بقول میکردد وشاخه‌های بزرك میاورد چنانکه مرغان
٣٣ هوا زیر سایه‌اش میتوانند آشیانه کیرند ٭ وبمَثَلهای بسیار مانند اینها بقدریکه
٣٤ استطاعت شنیدن داشتند کلام‌را بدیشان بیان میفرمود ٭ وبدون مَثَل بدیشان
سخنی نکفت لیکن درخلوت تمام معانی‌را برای شاکردان خود شرح مینمود ٭
٣٥ ٣٦ ودرهمان روز وقت شام بدیشان کفت بکنارهٔ دیکر عبور کنیم ٭ پس چون
آنکروه‌را رخصت دادند اورا همان طوریکه درکشتی بود برداشتند وچند زورق
٣٧ دیکرنیز همراه او بود ٭ که ناکاه طوفانی عظیم ازباد پدید امد وامواج برکشتی میخورد
٣٨ بقسمیکه برمیکشت ٭ واو درمؤخّر کشتی بربالشی خفته بود پس اورا بیدار کرده
٣٩ کفتند ای استاد آیا ترا باکی نیست که هلاك شویم ٭ درساعت او برخاسته بادرا
نهیب داد وبدریا کفت ساکن شو وخاموش باش که باد ساکن شده آرامیٔ کامل

٤٠ پدید آمد ٭ وایشانرا کفت ازبهرچه چنین ترسانید وچونست که ایمان ندارید ٭
٤١ پس بی نهایت ترسان شده بیك دیکر کفتند این کیست که باد ودریا هم اورا
اطاعت میکنند ٭

باب پنجم

١ پس بآن کنارهٔ دریا تا بسرزمین جَدَریان آمدند ٭ وچون ازکشتی بیرون آمد ٢
٣ فی‌الفور شخصیکه روحی پلید داشت ازقبور بیرون شده بدو برخورد ٭ که درقبور
٤ ساکن میبود وهیچکس به‌زنجیرها هم نمیتوانست اورا بند نماید ٭ زیراکه بارها اورا
بکندها وزنجیرها بسته بودند وزنجیرهارا کسیخته وکندهارا شکسته بود واحدے
٥ نمیتوانست اورا رام نماید ٭ وپیوسته شب وروز درکوهها وقبرها فریاد میزد وخودرا
٦ بسنکها مجروح میساخت ٭ چون عیسی‌را ازدور دید دوان دوان آمده اورا سجده
٧ کرد ٭ وبآواز بلند صیحه زده کفت ای عیسی پسرخدای تعالی مرا با تو چه کاراست
٨ ترا بخدا قسم میدهم که مرا معذّب نسازی ٭ زیرا بدو کفته بود ای روح پلید
٩ ازاین شخص بیرون بیا ٭ پس ازاو پرسید اسم تو چیست بوی کفت نام من لَجِئُون
١٠ است زیراکه بسیاریم ٭ پس بدو التماس بسیار نمود که ایشان‌را ازآن سرزمین
١١ بیرون نکند ٭ ودر حوالئ آن کوهها کلهٔ کراز بسیاری میچرید ٭ وهمهٔ دیوها ازوی ١٢
١٣ خواهش نموده کفتند مارا بکرازها بفرست تا درآنها داخل شویم ٭ فوراً عیسی
ایشانرا اجازت داد پس آن ارواح خبیث بیرون شده بکرازان داخل کشتند وآن
١٤ کله ازبلندی بدریا جست وقریب بدو هزار بودند که‌در آب خفه شدند ٭ وخوك
بانان فرار کرده درشهر ومزرعه‌ها خبر میدادند ومردم بجهة دیدن آن ماجرا بیرون
١٥ شتافتند ٭ وچون نزد عیسی رسیده آن دیوانه‌را که لَجِئُون داشته بود دیدند که
١٦ نشسته ولباس پوشیده وعاقل کشته است بترسیدند ٭ وآنانیکه دیده بودند
١٧ سرکذشت دیوانه وکرازان‌را بدیشان بازکفتند ٭ پس شروع بالتماس نمودند که
١٨ ازحدود ایشان روانه شود ٭ وچون بکشتی سوار شد آنکه دیوانه بود ازوے
١٩ استدعا نمود که با وی باشد ٭ امّا عیسی ویرا اجازت نداد بلکه بدو کفت بخانه
نزد خویشان خود برو وایشانرا خبرده ازآنچه خداوند با تو کرده است وچکونه
٢٠ بتو رحم نموده است ٭ پس روانه شده دردیکاپولِس بآنچه عیسی با وی کرده موعظه

٢١ کردن آغاز نمود که همهٔ مردم متعجّب شدند* وچون عیسی باز بآنطرف
٢٢ درکشتی عبور نمود مردم بسیار بروی جمع کشتند وبرکنارهٔ دریا بود* که ناکاه یکی
٢٣ ازرؤسای کنیسه یایِرُس نام آمد وچون اورا بدید برپایهایش افتاده* بدو التماس
بسیار نموده کفت نفس دخترك من بآخر رسیدہ بیا وبراو دست کذار تا شفا یافته
٢٤ زیست کند* پس با او روانه شدہ خلق بسیاری نیز ازپی او افتاده بروی ازدحام
٢٥ ٢٦ مینمودند* آنکاه زنی که مدّت دوازده سال به‌استحاضه مبتلا میبود* وزحمت
بسیار ازاطبّای متعدّد دیدہ وآنچه داشت صرف نموده فائدهٔ نیافت بلکه بدتر میشد*
٢٧ چون خبر عیسی‌را بشنید میان آنکروه ازعقب وی آمدہ ردای اورا لمس نمود*
٢٨ ٢٩ زیرا کفته بود اکر لباس ویرا هم لمس کنم هرآینه شفا یابم* درساعت چشمهٔ خون
٣٠ او خشك شدہ درتن خود فهمید که ازآن بلا صحّت یافته است* فی‌الفور عیسی
ازخود دانسته که قوّتی ازاو صادر کشته پس درآنجماعت روی بر کردانیدہ کفت
٣١ کیست که لباس مرا لمس نمود* شاکردانش بدو کفتند میبینی که مردم برتو ازدحام
٣٢ مینمایند ومیکوئی کیست که مرا لمس نمود* پس به‌اطراف خود مینکریست تا آنزن‌را
٣٣ که این کار کرده به بیند* آنزن چون دانست که بوی چه واقع شدہ ترسان ولرزان
٣٤ آمد ونزد او بروی درافتاده حقیقت امررا بالتّمام بوی بازکفت* او ویرا کفت
ایدختر ایمانت ترا شفا داده است بسلامتی برو واز بلای خویش رستکار باش*
٣٥ او هنوز سخن میکفت که بعضی ازخانهٔ رئیس کنیسه آمدہ کفتند دخترت فوت شدہ
٣٦ دیکر برای چه استادرا زحمت میدهی* عیسی چون سخنیرا که کفته بودند شنید
٣٧ درساعت برئیس کنیسه کفت مترس ایمان آور وبس* وجز پطرس ویعقوب
٣٨ ویوحنّا برادر یعقوب هیچ کس‌را اجازت نداد که ازعقب او بیایند* پس چون
بخانهٔ رئیس کنیسه رسیدند جمعی شوریدہ دید که کریه ونوحهٔ بسیار مینمودند*
٣٩ پس داخل شدہ بدیشان کفت چرا غوغاء وکریه میکنید دختر نمرده بلکه در
٤٠ خوابست* ایشان بروی سخریّه کردند لیکن او همه‌را بیرون کرده پدر ومادر
٤١ دختررا با رفیقان خویش برداشته بجائیکه دختر خوابیدہ بود داخل شد* پس
دست دختررا کرفته بوی کفت طَلیتا قومی که معنئ آن این است ایدختر ترا
٤٢ میکویم برخیز* درساعت دختر برخاسته خرامید زیراکه دوازده ساله بود* ایشان

٤٣ بی نهایت متعجّب شدند ☆ پس ایشان‌را بتأکید بسیار فرمود کسی ازاین امر مطّلع
نشود وکفت تا خوراکی بدو دهند ☆

باب ششم

١ پس ازآنجا روانه شده بوطن خویش آمد وشاکردانش ازعقب او آمدند ☆
٢ چون روز سبت رسید درکنیسه تعلیم دادن آغاز نمود وبسیاری چون شنیدند
حیران شده کفتند ازکجا بدینشخص این چیزها رسیده واین چه حکمت است که باو
٣ عطا شده است که چنین معجزات از دست او صادر میکردد ☆ مکر این نیست
نجّار پسر مریم وبرادر یعقوب ویوشا ویهودا وشمعون وخواهران او اینجا نزد ما
٤ نمیباشند وازاو لغزش خوردند ☆ عیسی ایشانرا کفت نبیّ بیحرمت نباشد جزدروطن
٥ خود ومیان خویشان ودر خانهٔ خود ☆ ودر آنجا هیچ معجزهٔ نتوانست نمود جزاینکه
٦ دستهای خودرا برچند مریض نهاده ایشانرا شفاداد ☆ واز بی‌ایمانیٔ ایشان متعجّب
٧ شده دردهات آنحوالی کشته تعلیم همیداد ☆ پس آن دوازده‌را پیش خوانده
شروع کرد بفرستادن ایشان جفت جفت وایشانرا برارواح پلید قدرت داد ☆
٨ وایشانرا قدغن فرمود که جز عصا فقط هیچ چیز برندارید نه توشه‌دان ونه پول
٩ ١٠ درکمربند خود ☆ بلکه موزهٔ درپا کنید ودو قبا دربر نکنید ☆ وبدیشان کفت
١١ درهر جا داخل خانهٔ شوید درآن بمانید تا از آنجا کوچ کنید ☆ وهر جا که شمارا
قبول نکنند وبسخن شما کوش نکیرند ازآن مکان بیرون رفته خاك پایهای خودرا
بیفشانید تا برآنها شهادتی کردد هرآینه بشما میکویم حالت سدوم وغموره در روز
١٢ جزا ازآنشهر سهل‌تر خواهد بود ☆ پس روانه شده موعظه کردند که توبه کنند ☆
١٣ وبسیار دیوهارا بیرون کردند ومریضان کثیررا روغن مالیده شفا دادند ☆
١٤ وهیرودیس پادشاه شنید زیراکه اسم او شهرت یافته بود وکفت که یحییٔ تعمید
١٥ دهنده ازمردکان برخاسته است وازاین جهة معجزات ازاو بظهور میاید ☆ امّا بعضی
١٦ کفتند که الیاس است وبعضی کفتند که نبیّ است یا چون یکی ازانبیاء ☆ امّا
هیرودیس چون شنید کفت این همان یحیی است که من سرش‌را ازتن جدا کردم که
١٧ ازمردکان برخاسته است ☆ زیرا که هیرودیس فرستاده یحیی‌را کرفتار نموده اورا

درزندان بست بخاطر هیرودیا زن برادرا او فیلپّس که اورا درنکاح خویش آورده
۱۸ بود* ازآنجهة که یحیی به هیرودیس کفته بود نکاه داشتن زن برادرت برتو روا
۱۹ نیست* پس هیرودیا ازاو کینه داشته میخواست اورا بقتل رساند امّا نمیتوانست*
۲۰ زیرا که هیرودیس ازیحیی میترسید چونکه اورا مرد عادل ومقدّس میدانست
ورعایتش مینمود وهرکاه ازاو میشنید بسیار بعمل میاورد وبخوشی سخن اورا اصغا
۲۱ مینمود* امّا چون هنکام فرصت رسید که هیرودیس درروز میلاد خود امرای
۲۲ خود وسرتیبان ورؤسای جلیل‌را ضیافت نمود* ودختر هیرودیا بمجلس درآمده
رقص کرد وهیرودیس واهل مجلس‌را شاد نمود پادشاه بدان دختر کفت آنچه خواهی
۲۳ ازمن بطلب تا بتو دهم* وازبرای او قسم خورد که آنچه ازمن خواهی حتّی نصف
۲۴ مُلك مرا هرآینه بتو عطا کنم* او بیرون رفته بمادر خود کفت چه بطلبم* کفت
۲۵ سر یحییٔ تعمید دهنده‌را* درساعت بحضور پادشاه درآمده خواهش نموده کفت
۲۶ میخواهم که الآن سر یحییٔ تعمید دهنده‌را درطبقی بمن عنایت فرمائی* پادشاه بشدّت
محزون کشت لیکن بجهة پاس قسم وخاطر اهل مجلس نخواست اورا محروم نماید*
۲۷ ۲۸ بیدرنك پادشاه جلّادی فرستاده فرمود تا سرش‌را بیاورد* واو بزندان رفته سر
اورا ازتن جدا ساخته وبرطبقی آورده بدان دختر داد ودختر آنرا بمادر خود
۲۹ سپرد* چون شاکردانش شنیدند آمدند وبدن اورا برداشته دفن کردند*
۳۰ ورسولان نزد عیسی جمع شده ازآنچه کرده وتعلیم داده بودند اورا خبر دادند*
۳۱ بدیشان کفت شما بخلوت بجای ویران بیائید واندکی استراحت نمائید زیرا آمد ورفت
۳۲ چنان بود که فرصت نان خوردن نیز نکردند* پس به‌تنهائی درکشتی بموضعی
۳۳ ویران رفتند* ومردم ایشانرا روانه دیده بسیاری اورا شناختند واز جمیع شهرها
۳۴ برخشکی بدان سو شتافتند وازایشان سبقت جسته نزد وی جمع شدند* عیسی
بیرون آمده کروهی بسیار دیده برایشان ترحّم فرمود زیرا که چون کوسفندان بی‌شبان
۳۵ بودند وبسیار به‌ایشان تعلیم دادن کرفت* وچون بیشتری ازروز سپری کشت
۳۶ شاکردانش نزد وی آمده کفتند این مکان ویرانه است ووقت منقضی شده* اینهارا
رخصت ده تا به‌اراضی ودهات این نواحی رفته نان بجهة خود بخرند که هیچ
۳۷ خوراکی ندارند* درجواب ایشان کفت شما ایشانرا غذا دهید* ویرا کفتند مکر

٣٨ رفته دویست دینار نان بخریم تا اینهارا طعام دهیم ☆ بدیشان گفت چند نان دارید
٣٩ رفته تحقیق کنید پس دریافت کرده گفتند پنج نان و دو ماهی ☆ آنگاه ایشانرا
٤٠ فرمود که همه‌را دسته دسته برسبزه بنشانید ☆ پس صف صف صد صد و پنجاه پنجاه
٤١ نشستند ☆ وآن پنج نان ودو ماهی را گرفته بسوی آسمان نگریسته برکت داد ونانرا
پاره نموده بشاگردان خود بسپرد تا پیش آنها بگذارند وآن دو ماهی‌را برهمهٔ آنها
٤٢ تقسیم نمود ☆ پس جمیعًا خورده سیر شدند ☆ واز خوردهای نان وماهی دوازده
٤٣ سبد پر کرده برداشتند ☆ وخورندگان نان قریب به‌پنج هزار مرد بودند ☆
٤٤ فی‌الفور شاگردان خودرا الحاح فرمود که بکشتی سوار شده پیش ازاو به‌بیت صیدا
٤٥ عبور کنند تا خود آنجماعت‌را مرخّص فرماید ☆ وچون ایشانرا مرخّص نمود بجهة
٤٦ عبادت بفراز کوهی برآمد ☆ وچون شام شد کشتی درمیان دریا رسید واو تنها
٤٧ برخشکی بود ☆ وایشانرا درراندن کشتی خسته دید زیراکه باد مخالف برایشان
٤٨ میوزید پس نزدیك پاس چهارم ازشب بردریا خرامان شده بنزد ایشان آمد
٤٩ وخواست ازایشان بگذرد ☆ امّا چون اورا بردریا خرامان دیدند تصوّر نمودند که
٥٠ این خیالی است پس فریاد برآوردند ☆ زیراکه همه اورا دیده مضطرب شدند پس
بی‌درنگ بدیشان خطاب کرده گفت خاطر جمع دارید من هستم ترسان مباشید ☆
٥١ وتا نزد ایشان بکشتی سوار شد باد ساکن گردید چنانکه بی نهایت درخود متحیّر
٥٢ ومتعجّب شدند ☆ زیراکه معجزهٔ نان‌را درك نکرده بودند زیرا دل ایشان سخت
٥٣ ٥٤ بود ☆ پس ازدریا گذشته بسرزمین جنیسارت آمده لنگر انداختند ☆ وچون ازکشتی
٥٥ بیرون‌شدند مردم درحال اورا شناختند ☆ ودرهمهٔ آن نواحی بشتاب میگشتند
٥٦ وبیمارانرا برتختها نهاده هرجا که میشنیدند که او درآنجا است میآوردند ☆ وهر
جائیکه بدهات یا شهرها یا اراضی میرفت مریضانرا برراهها میگذاردند وازاو
خواهش مینمودند که محض دامن ردای اورا لمس کنند وهرکه آنرا لمس میکرد
شفا می یافت ☆

باب هفتم

١ ٢ وفریسیان وبعضی کاتبان ازاورشلیم آمده نزد او جمع شدند ☆ چون بعضی
ازشاگردانِ اورا دیدند که با دستهای ناپاك یعنی نا شسته نان میخورند ملامت نمودند ☆

۳ زیراکه فریسیان وهمهٔ یهود تمسّك بتقلید مشایخ نموده تا دستهارا بدقّت نشویند
٤ غذا نمیخورند* وچون ازبازارها آیند تا نشویند چیزی نمیخورند وبسیار رسوم دیکر
هست که نکاه میدارند چون شستن پیالهها وآفتابهها وظروف مس وکرسیها*
٥ پس فریسیان وکاتبان ازاو پرسیدند چونست که شاکردان تو بتقلید مشایخ سلوك
٦ نمینمایند بلکه بدستهای ناپاك نان میخورند* درجواب ایشان کفت نیکو اخبار
نمود اشعیاء دربارهٔ شما ای ریاکاران چنانکه مکتوب است• این قوم بلبهای
۷ خود مرا حرمت میدارند لیکن دلشان ازمن دور است* پس مرا عبث عبادت
۸ مینمایند زیراکه رسوم انسانیرا بجای فرایض تعلیم میدهند* زیرا حکم خدارا ترك
کرده تقلید انسانرا نکاه میدارند چون شستن آفتابهها وپیالهها وچنین رسوم دیکر
۹ بسیار بعمل میآورید* پس بدیشان کفت که حکم خدارا نیکو باطل ساختهاید
۱۰ تا تقلید خودرا محکم بدارید* ازاینجهة که موسی کفت پدر ومادر خودرا حرمت
۱۱ دار وهرکه پدر یا مادررا دشنام دهد البتّه هلاك کردد* لیکن شما میکوئید که
هرکاه شخصی به پدر یا مادر خود کوید آنچه ازمن نفع یابی قربان یعنی هدیه برای
۱۲ خداست* وبعد ازین اورا اجازت نمیدهید که پدر یا مادر خودرا هیچ خدمت
۱۳ کند* پس کلام خدارا بتقلیدی که خود جاری ساختهاید باطل میسازید وکارهای
۱٤ مثل این بسیار بجا میآورید* پس آنجماعترا پیش خوانده بدیشان کفت همهٔ شما
۱٥ بمن کوش دهید وفهم کنید* هیچ چیز نیست که ازبیرون آدم داخل او کشته
بتواند اورا نجس سازد بلکه آنچه ازدرونش صادر شود آنست که آدمرا ناپاك
۱٦ ۱۷ میسازد* هرکه کوش شنوا دارد بشنود* وچون ازنزد جماعت بخانه درآمد
۱۸ شاکردانش معنئ مثلرا ازاو پرسیدند* بدیشان کفت مکر شما نیز همچنین بیفهم
هستید ونمیدانید که آنچه ازبیرون داخل آدم میشود نمیتواند اورا ناپاك سازد*
۱۹ زیراکه داخل دلش نمیشود بلکه بشکم میرود وخارج میشود بمزبلهٔ که این همهٔ
۲۰ خوراكرا پاك میکند* وکفت آنچه ازآدم بیرون آید آنست که انسانرا ناپاك
۲۱ میسازد* زیراکه ازدرون دل انسان صادر میشود خیالات بد وزنا وفسق وقتل
۲۲ ودزدی* وطمع وخباثت ومکر وشهوت پرستی وچشم بد وکفر وغرور وجهالت*
۲۳ تمامئ این چیزهای بد ازدرون صادر میکردد وآدمرا ناپاك میکرداند*

(5)

٢٤ پس از آنجا برخاسته بحوالئ صور وصیدون رفته بخانه درآمد وخواست که
٢٥ هیچکس مطّلع نشود لیکن نتوانست مخفی بماند* ازآنروکه زنی که دخترك وی روح
٢٦ پلید داشت چون خبر اورا بشنید فورًا آمده برپایهای او افتاد* واو زن یونانی
ازاهل فینیقیهٔ صُوریّه بود پس ازوی استدعا نمود که دیورا از دخترش بیرون
٢٧ کند* عیسی ویرا کفت بکذار اوّل فرزندان سیر شوند زیرا نان فرزندانرا کرفتن
٢٨ وپیش سکان انداختن نیکو نیست* آن زن درجواب وی کفت بلی خداوندا
٢٩ زیرا سکان نیز پس خوردهای فرزندانرا از زیر سفره میخورند* ویرا کفت بجهة
٣٠ اینسخن برو که دیو از دخترت بیرون شد* پس چون بخانهٔ خود رفت دیورا
٣١ بیرون شده ودخترا بربستر خوابیده یافت* وباز از نواحئ صور روانه شده
٣٢ ازراه صیدون درمیان حدود دیکاپولس بدریای جلیل آمده* آنکاه کرّیرا که
٣٣ لکنت زبان داشت نزد وی آورده التماس کردند که دست براو کذارد* پس
اورا از میان جماعت بخلوت برده انکشتان خودرا درکوشهای او کذاشت وآب
٣٤ دهان انداخته زبانش را لمس نمود* وبسوی آسمان نکریسته آهی کشید وبدو کفت
٣٥ افَّتَحْ یعنی باز شو* درساعت کوشهای او کشاده وعقدهٔ زبانش حلّ شده
٣٦ بدرستی تکلّم نمود* پس ایشانرا قدغن فرمود که هیچکس را خبر ندهند لیکن
٣٧ چندانکه بیشتر ایشانرا قدغن نمود زیادتر اورا شهرت دادند* وبی نهایت متحیّر کشته
میکفتند همهٔ کارهارا نیکو کرده است کرّانرا شنوا وکنکانرا کویا میکرداند*

باب هشتم

١ ودرآن ایّام باز جمعیّتْ بسیار شده وخوراکی نداشتند، عیسی شاکردان خودرا
٢ پیش طلبیده بایشان کفت* براین کروه دلم بسوخت زیرا الآن سه روز است که
٣ با من میباشند وهیچ خوراك ندارند* وهرکاه ایشانرا کرسنه بخانه‌های خود
برکردانم هرآینه درراه ضعف کنند زیراکه بعضی از ایشان از راه دور آمده‌اند*
٤ شاکردانش ویرا جواب دادند ازکجا کسی میتواند اینهارا درین صحرا از نان سیر
٥ ٦ کرداند* از ایشان پرسید چند نان دارید کفتند هفت* پس جماعت را فرمود
تا برزمین بنشینند وآن هفت نانرا کرفته شکر نمود وپاره کرده بشاکردان خود داد

٧ تا پیش مردم کذارند پس نزد آنکروه نهادند٭ وچند ماهیٔ کوچك نیز داشتند
٨ آنهارا نیز برکت داده فرمود تا پیش ایشان نهند٭ پس خورده سیر شدند وهفت
٩ زنبیل پر از پارهای باقی مانده برداشتند٭ وعدد خورندکان قریب بچهار هزار بود
١٠ پس ایشانرا مرخّص فرمود٭ وبی‌درنك با شاکردان بکشتی سوار شده بنواحی
١١ دَلْمانُوتَه آمد٭ وفریسیان بیرون آمده با وی بمباحثه شروع کردند واز راه امتحان
١٢ آیتی آسمانی ازاو خواستند٭ او از دل آهی کشیده کفت از برای چه اینفرقه آیتی
١٣ میخواهند۰ هراینه بشما میکویم آیتی بدینفرقه عطا نخواهد شد٭ پس ایشانرا کذارد
١٤ وباز بکشتی سوار شده بکنارهٔ دیکر عبور نمود٭ وفراموش کردند که نان
١٥ بردارند وبا خود درکشتی جز یك نان نداشتند٭ آنکاه ایشانرا قدغن فرمود
١٦ که با خبر باشید واز خمیر مایهٔ فریسیان وخمیرمایهٔ هیرودیس احتیاط کنید٭ ایشان
١٧ با خود اندیشیده کفتند از آنست که نان نداریم٭ عیسی فهم کرده بدیشان کفت
چرا فکر میکنید ازآنجهة که نان ندارید۰ آیا هنوز نفهمیده ودرك نکرده‌اید وتا حال
١٨ دل شما سخت است٭ آیا چشم داشته نمیبینید وکوش داشته نمیشنوید وبیاد ندارید٭
١٩ وقتیکه پنج نانرا برای پنجهزار نفر پاره کردم چند سبد پر از پارها برداشتید۰ بدو
٢٠ کفتند دوازده٭ ووقتیکه هفت نان‌را بجهة چهار هزار کس پس چند زنبیل پر
٢١ ٢٢ ازریزه‌ها برداشتید۰ کفتندش هفت٭ پس بدیشان کفت چرا نمیفهمید٭ چون
به‌بیت صیدا آمد شخصی کوررا نزد او آوردند والتماس نمودند که اورا لمس نماید٭
٢٣ پس دست آن کوررا کرفته اورا از قریه بیرون برد وآب دهان برچشمان او افکنده
٢٤ ودست براو کذارده ازاو پرسید که چیزی میبینی٭ او بالا نکریسته کفت مردمانرا
٢٥ خرامان چون درختها میبینم٭ پس بار دیکر دستهای خودرا برچشمان او کذارده
٢٦ اورا فرمود تا بالا نکریست وصحیح کشته همه چیزرا بخوبی دید٭ پس اورا بخانه‌اش
٢٧ فرستاده کفت داخل ده مشو وهیچکس‌را درآن جا خبر مده٭ وعیسی با
شاکردان خود بدهات قیصریهٔ فِیلِپس رفت ودر راه از شاکردانش پرسیده کفت
٢٨ که مردم مرا کِه میدانند٭ ایشان جواب دادند که یحییٔ تعمید دهنده وبعضی الیاس
٢٩ وبعضی یکی ازانبیاء٭ او ازایشان پرسید شما مرا کِه میدانید پطرس درجواب او
٣٠ ٣١ کفت تو مسیح هستی٭ پس ایشانرا فرمود که هیچکس‌را ازاو خبر ندهند٭ آنکاه

ایشانرا تعلیم دادن آغاز کرد که لازمست پسر انسان بسیار زحمت کشد واز مشایخ
٣١ ورؤسای کَهَنه وکاتبان ردّ شود وکشته شده بعد ازسه روز برخیزد* وچون این
٣٢ کلامرا علانیه فرمود پطرس اورا گرفته بمنع کردن شروع نمود* امّا او برگشته
بشاگردان خود نگریسته پطرس‌را نهیب داد وگفت ای شیطان ازمن دور شو زیرا
٣٤ امور الهی‌را اندیشه نمیکنی بلکه چیزهای انسانی‌را* پس مردم‌را با شاگردان خود
خوانده گفت هرکه خواهد از عقب من آید خویشتن‌را انکار کند وصلیب خودرا
٣٥ برداشته مرا متابعت نماید* زیرا هرکه خواهد جان خودرا نجات دهد آنرا هلاك
٣٦ سازد وهرکه جان خودرا بجهة من وانجیل برباد دهد آنرا برهاند* زیراکه شخص‌را
٣٧ چه سود دارد هرگاه تمام دنیارا ببرد ونفس خودرا ببازد* یا آنکه آدمی چه
٣٨ چیزرا بعوض جان خود بدهد* زیرا هرکه دراینفرقهٔ زناکار وخطاکار از من
وسخنان من شرمنده شود پسر انسان نیز وقتیکه با فرشتگان مقدّس درجلال پدر
خویش آید ازاو شرمنده خواهد گردید*

باب نهم

١ وبدیشان گفت هرآینه بشما میگویم بعضی ازایستادگانِ دراینجا میباشند که تا
٢ ملکوت خدارا که بقوّت میآید نه‌بینند ذائقهٔ موت‌را نخواهند چشید* وبعد ازشش
روز عیسی پطرس ویعقوب ویوحنّارا برداشته ایشانرا تنها برفراز کوهی بخلوت برد
٣ وهَیَئتش درنظر ایشان متغیّر گشت* ولباس او درخشان وچون برف بغایت
٤ سفید گردید چنانکه هیچ گازری برروی زمین نمیتواند چنان سفید نماید* والیاس
٥ با موسی برایشان ظاهر شده با عیسی گفتگو میکردند* پس پطرس ملتفت شده
به‌عیسی گفت ای استاد بودن ما دراینجا نیکواست پس سه سایبان میسازیم یکی برای
٦ تو ودیگری برای موسی وسیّمی برای الیاس* ازآنروکه نمیدانست چه بگوید
٧ چونکه هراسان بودند* ناگاه ابری برایشان سایه انداخت وآوازی ازابر دررسید
٨ که اینست پسر حبیب من ازاو بشنوید* درساعت گرداگرد خود نگریسته جز
٩ عیسی تنها با خود هیچکس‌را ندیدند* وچون ازکوه بزیر میآمدند ایشانرا قدغن
١٠ فرمود که تا پسرانسان ازمردگان برنخیزد ازآنچه دیده‌اند کسیرا خبر ندهند* واین

سخنرا درخاطر خود نکاه داشته ازیك دیکر سؤآل میکردند که برخاستن ازمردکان
١١ چه باشد* پس ازاو استفسار کرده کفتند چرا کاتبان میکویند که الیاس باید اوّل
١٢ بیاید* او درجواب ایشان کفت که الیاس البتّه اوّل میآید وهمه چیزرا اصلاح
مینماید وچکونه دربارهٔ پسر انسان مکتوبست که میباید زحمت بسیار کشد وحقیر
١٣ شمرده شود* لیکن بشما میکویم که الیاس هم آمد وبا وی آنچه خواستند کردند
١٤ چنانچه درحقّ وی نوشته شده است* پس چون نزد شاکردان خود رسید
جمعی کثیر کرد ایشان دید وبعضی ازکاتبانرا که با ایشان مباحثه میکردند*
١٥ درساعت تمامئ خلق چون اورا بدیدند درحیرت افتادند ودوان دوان آمده اورا
١٦ سلام دادند* آنکاه ازکاتبان پرسید که با اینها چه مباحثه دارید* یکی ازآن
١٧
میان درجواب کفت ای استاد پسر خودرا نزد تو آوردم که روحی کنك دارد*
١٨ وهر جا که اورا بکیرد میاندازدش چنانچه کف برآورده دندانها بهم میساید وخشك
١٩ میکردد پس شاکردان تورا کفتم که اورا بیرون کنند نتوانستند* او ایشانرا جواب
داده کفت ای فرقهٔ بیایمان تا کی با شما باشم وتا چه حدّ متحمّل شما شوم اورا نزد
٢٠ من آورید* پس اورا نزد وی آوردند* چون اورا دید فورا آنروح اورا مصروع
٢١ کرد تا برزمین افتاده کف برآورد وغلطان شد* پس از پدر وی پرسید چند
٢٢ وقت است که اورا اینحالت است کفت ازطفولیّت* وبارها اورا درآتش ودرآب
انداخت تا اورا هلاك کند حال اکر میتوانی برما ترحّم کرده مارا مدد فرما*
٢٣ عیسی ویرا کفت اکر میتوانی ایمان آری مؤمن‌را همه چیز ممکن است* درساعت
٢٤
پدر طفل فریاد برآورده کریه کنان کفت ایمان میآورم ایخداوند بیایمانئ مرا امداد
٢٥ فرما* چون عیسی دید که کروهی کرد او بشتاب میآیند روح پلیدرا نهیب داده
بوی فرمود ای روح کنك وکر من ترا حکم میکنم ازاو درآی ودیکر داخل او مشو*
٢٦ پس صیحه زده واورا بشدّت مصروع نموده بیرون آمد ومانند مرده کشت چنانکه
٢٧ بسیاری کفتند که فوت شد* امّا عیسی دستش‌را کرفته برخیزانیدش که بریا
٢٨ ایستاد* وچون بخانه درآمد شاکردانش درخلوت ازاو پرسیدند چرا ما نتوانستیم
٢٩ اورا بیرون کنیم* ایشانرا کفت این جنس بهیچ وجه بیرون نمیرود جز بدعا*
٣٠ وازآنجا روانه شده درجلیل میکشتند ونمیخواست کسی اورا بشناسد* زیراکه
٣١

شاکردان خودرا اعلام فرموده میکفت پسر انسان بدست مردم تسلیم میشود واورا
۳۲ خواهند کشت وبعد از مقتول شدن روز سیم خواهد برخاست* امّا این سخنرا
۳۳ درك نکردند وترسیدند که ازاو بپرسند* ووارد کفرناحوم شده چون بخانه
۳۴ درآمد ازایشان پرسید که دربین راه با یك دیکر چه مباحثه میکردید* امّا ایشان
خاموش ماندند ازآنجا که درراه با یك دیکر کفتکو میکردند دراینکه کیست
۳۵ بزرکتر* پس نشسته آن دوازده‌را طلبیده بدیشان کفت هرکه میخواهد مقدّم باشد
۳٦ مُوخّر وغلام همه بُوَد* پس طفلی‌را برداشته درمیان ایشان برپا نمود واورا
۳۷ درآغوش کشیده بایشان کفت* هرکه یکی ازاین کودکانرا باسم من قبول کند مرا
۳۸ قبول کرده است وهرکه مرا پذیرفت نه مرا بلکه فرستندهٔ مرا پذیرفته باشد* آنکاه
یوحنّا ملتفت شده بدو کفت ای استاد شخصی‌را دیدیم که بنام تو دیوها بیرون میکرد
۳۹ ومتابعت ما نمینمود وچون متابعت ما نمیکرد اورا ممانعت نمودیم* عیسی کفت
اورا منع مکنید زیرا هیچکس نیست که معجزهٔ بنام من بنماید وبتواند بزودی درحقّ
۴۰ ۴۱ من بد کوید* زیرا هرکه ضِدّ ما نیست با ماست* وهرکه شمارا ازاین رو که ازآن
مسیح هستید کاسهٔ آب باسم من بنوشاند هرآینه بشما میکویم اجرخودرا ضایع نخواهد
۴۲ کرد* وهرکه یکی از این کودکانرا که بمن ایمان آورند لغزش دهد اورا بهتر است
۴۳ که سنك آسیائی برکردنش آویخته دردریا افکنده شود* پس هرکاه دستت ترا
بلغزاند آنرا ببر زیرا ترا بهتر است که شلّ داخل حیات شوی ازاینکه با دو دست
۴۴ وارد جهنّم کردی درآتشی که خاموشی نپذیرد* جائیکه کِرْم ایشان نمیرد وآتش
۴۵ خاموشی نپذیرد* وهرکاه پایت ترا بلغزاند قطعش کن زیرا ترا مفیدتراست که
لنك داخل حیات شوی ازآنکه با دو پا بجهنّم افکنده شوی درآتشی که خاموشی
۴٦ ۴۷ نپذیرد* آنجائیکه کِرمِ ایشان نمیرد وآتش خاموش نشود* وهرکاه چشم تو ترا
لغزش دهد قلعش کن زیرا ترا بهتر است که با یك چشم داخل ملکوت خدا
۴۸ شوی ازآنکه با دو چشم درآتش جهنّم انداخته شوی* جائیکه کِرْمِ ایشان نمیرد
۴۹ وآتش خاموشی نیابد* زیرا هرکس بآتش نمکین خواهد شد وهر قربانی بنمك نمکین
۵۰ میکردد* نمك نیکو است لیکن هرکاه نمك فاسد کردد بچه چیز آنرا اصلاح میکنید
پس درخود نمك بدارید وبا یکدیکر صلح نمائید*

باب دهم

١ واز آنجا برخاسته ازآنطرف اُردُنّ بنواحیٔ یهودیه آمد وکروهی باز نزد وی جمع
٢ شدند واو برحسب عادت خود باز بدیشان تعلیم میداد* آنکاه فریسیان پیش
آمده از روی امتحان ازاو سؤآل نمودند که آیا مردرا طلاق دادن زن خویش جایز
٣ ٤ است* درجواب ایشان کفت موسی شمارا چه فرموده است* کفتند موسی
٥ اجازت داد که طلاق نامه بنویسند ورها کنند* عیسی درجواب ایشان کفت
٦ بسبب سنکدلیٔ شما این حکمرا برای شما نوشت* لیکن از ابتدای خلقت خدا
٧ ایشانرا مرد وزن آفرید* ازانجهة باید مرد پدر ومادر خودرا ترك کرده با زن
٨ خویش بپیوندد* واین دو یك تن خواهند بود چنانکه ازآن پس دو نیستند بلکه
٩ ١٠ یك جسد* پس آنچه خدا پیوست انسان آنرا جدا نکند* ودرخانه باز شاکردانش
١١ ازاین مقدّمه ازوی سؤآل نمودند* بدیشان کفت هرکه زن خودرا طلاق دهد
١٢ ودیکریرا نکاح کند برحقّ وی زنا کرده باشد* واکر زن ازشوهر خود جدا شود
١٣ ومنکوحهٔ دیکری کردد مرتکب زنا شود* وبچهای کوچك‌را نزد او آوردند
١٤ تا ایشانرا لمس نماید امّا شاکردان آورندکانرا منع کردند* چون عیسی اینرا بدید
خشم نموده بدیشان کفت بکذارید که بچهای کوچك نزد من آیند وایشانرا مانع
١٥ مشوید زیرا ملکوت خدا ازامثال اینها است* هرآینه بشما میکویم هرکه ملکوت
١٦ خدارا مثل بچهٔ کوچك قبول نکند داخل آن نشود* پس ایشانرا درآغوش
١٧ کشید ودست برایشان نهاده برکت داد* چون براه میرفت شخصی دوان
دوان آمده پیش او زانو زده سؤآل نمود که ای استاد نیکو چه کنم تا وارث حیات
١٨ جاودانی شوم* عیسی بدو کفت چرا مرا نیکو کفتی وحال آنکه کسی نیکو نیست
١٩ جز خدا فقط* احکام‌را میدانی زنا مکن قتل مکن دزدی مکن شهادت دروغ
٢٠ مده دغابازی مکن پدر ومادر خودرا حرمت دار* او درجواب وی کفت ای
٢١ استاد این همه‌را ازطفولیّت نکاه داشتم* عیسی بوی نکریسته اورا محبّت نمود وکفت
ترا یك چیز ناقص است برو وآنچه داری بفروش وبفقراء بده که درآسمان کنجی
٢٢ خواهی یافت وبیا صلیب‌را برداشته مرا پیروی کن* لیکن او ازین سخن ترش‌رو

۲۲ ومحزون کشته روانه کردید زیرا اموال بسیار داشت ✲ آنکاه عیسی کرداکرد خود
نکریسته بشاکردان خود کفت چه دشوار است که توانکران داخل ملکوت خدا
۲۴ شوند ✲ چون شاکردانش از سخنان او درحیرت افتادند عیسی باز توجّه نموده
بدیشان کفت ایفرزندان چه دشوارست دخول آنانیکه بمال واموال توکّل دارند
۲۵ درملکوت خدا ✲ سهل تراست که شتر بسوراخ سوزن درآید ازاینکه شخص دولتمند
۲۶ بملکوت خدا داخل شود ✲ ایشان بغایت متحیّر کشته با یکدیکر میکفتند پس که
۲۷ میتواند نجات یابد ✲ عیسی بایشان نظر کرده کفت نزد انسان محالست لیکن نزد
۲۸ خدا نیست زیراکه همه چیز نزد خدا ممکن است ✲ پطرس بدو کفتن کرفت که
۲۹ اینك ما همه چیزرا ترك کرده ترا پیروی کرده‌ایم ✲ عیسی جواب فرمود هرآینه بشما
میکویم کسی نیست که خانه یا برادران یا خواهران یا پدر یا مادر یا زن یا اولاد
۳۰ یا املاك‌را بجهة من وانجیل ترك کند ✲ جز اینکه الحال دراین زمان صد چندان
یابد از خانه‌ها وبرادران وخواهران ومادران وفرزندان واملاك با زحمات ودر
۳۱ عالم آینده حیات جاودانی‌را ✲ امّا بسا اوّلین که اخرین میکردند وآخرین اوّلین ✲
۳۲ وچون درراه بسوی اورشلیم میرفتند وعیسی درجلو ایشان میخرامید درحیرت
افتادند وچون ازعقب او میرفتند ترس برایشان مستولی شد آنکاه آن دوازده‌را
۳۳ باز بکنار کشیده شروع کرد به‌اطّلاع دادن بایشان ازآنچه بروی وارد میشد ✲ که
اینك باورشلیم میرویم وپسر انسان بدست رؤسای کَهَنَه وکاتبان تسلیم شود وبروی
۳۴ فتوای قتل دهند واورا به‌امّتها سپارند ✲ وبروی سخریّه نموده تازیانه‌اش زنند وآب
۳۵ دهن بروی افکنده اورا خواهند کشت وروز سیّم خواهد برخاست ✲ آنکاه
یعقوب ویُوحنّا دو پسر زَبْدَی نزد وی آمده کفتند ای استاد میخواهیم آنچه ازتو
۳۶ ۳۷ سؤآل کنیم برای ما بکنی ✲ ایشانرا کفت چه میخواهید برای شما بکنم ✲ کفتند بما
۳۸ عطا فرما که یکی بطرف راست ودیکری برچپ تو درجلال تو بنشینیم ✲ عیسی
ایشانرا کفت نمیفهمید آنچه میخواهید آیا میتوانید آن پیاله‌را که من مینوشم بنوشید
۳۹ وتعمیدیرا که من میپذیرم بپذیرید ✲ ویرا کفتند میتوانیم عیسی بدیشان کفت
پیاله‌را که من مینوشم خواهید آشامید وتعمیدیرا که من میپذیرم خواهید پذیرفت ✲
۴۰ لیکن نشستن بدست راست وچپ من ازآنِ من نیست که بدهم جز آنانیراکه ازبهر

۴۱ ایشان مهیّا شده است * وآن ده نفر چون شنیدند بر یعقوب و یُوحنّا خشم کرفتند *
۴۲ عیسی ایشانرا خوانده بایشان کفت میدانید آنانیکه حکّام امّتها شمرده میشوند برایشان
۴۳ ریاست میکنند وبزرکانشان برایشان مسلّطاند * لیکن درمیان شما چنین نخواهد
۴۴ بود بلکه هرکه خواهد درمیان شما بزرك شود خادم شما باشد * وهرکه خواهد
۴۵ مقدّم برشما شود غلام همه باشد * زیراکه پسر انسان نیز نیامده تا مخدوم شود بلکه
۴۶ تا خدمت کند و تا جان خودرا فدای بسیاری کند * و وارد اَرِیحا شدند
و وقتیکه او با شاکردان خود وجمعی کثیر ازاَرِیحا بیرون میرفت بارتیماوُسِ کور
۴۷ پسر تیماوُس برکنارهٔ راه نشسته کدائی میکرد * چون شنیدکه عیسئ ناصریست فریاد
۴۸ کردن کرفت وکفت ای عیسی ابن داود برمن ترحّم کن * وچندانکه بسیاری
اورا نهیب میدادندکه خاموش شود زیادتر فریاد برمیاوردکه پسر داودا برمن ترحّم
۴۹ فرما * پس عیسی ایستاده فرمود تا اورا بخوانند آنکاه آن کوررا خوانده بدو کفتند
۵۰ خاطر جمع دار برخیزکه ترا میخواند * در ساعت ردای خودرا دور انداخته برپا
۵۱ جست ونزد عیسی امد * عیسی بوی التفات نموده کفت چه میخواهی ازبهر تو نمایم *
۵۲ کور بدوکفت یا سیّدی آنکه بینائی یابم * عیسی بدو کفت برو که ایمانت ترا
شفا داده است * درساعت بینا کشته ازعقب عیسی درراه روانه شد *

باب یازدهم

۱ وچون نزدیك باورشلیم به بیت فاجی وبیت عَنْیا برکوه زیتون رسیدند دو نفر
۲ ازشاکردان خودرا فرستاده * بدیشان کفت بدین قریهٔ که بیش روی شما است
بروید وچون وارد آن شدید درساعت کرّهٔ الاغیرا بسته خواهید یافت که تابحال
۳ هیچکس بران سوار نشده آنرا باز کرده بیاورید * وهرکاه کسی بشما کوید چرا چنین
۴ میکنید کوئید خداوند بدین احتیاج دارد بی تأمّل آنرا باینجا خواهد فرستاد * پس
۵ رفته کرّهٔ بیرون دروازه درشارع عام بسته یافتند وآنرا باز میکردند * که بعضی
۶ ازحاضرین بدیشان کفتند چه کار داریدکه کرّه‌را باز میکنید * آن دو نفر چنانکه
۷ عیسی فرموده بود بدیشان کفتند پس ایشانرا اجازت دادند * آنکاه کرّه‌را بنزد
۸ عیسی آورده رخت خودرا برآن افکندند تا برآن سوار شد * وبسیاری رختهای

٩ خود و بعضی شاخه‌ها ازدرختان بریده برراه کسترانیدند* وآنانیکه پیش وپس
١٠ میرفتند فریادکنان میکفتند هوشیعانا مبارك بادکسیکه بنام خداوند میآید* مبارك
١١ باد ملکوت پدر ما داود که میآید باسم خداوند هوشیعانا دراعلی علیّین* وعیسی
وارد اورشلیم شده بهیکل درآمد و بهمه چیز ملاحظه نمود چون وقت شام شد با
١٢ آن دوازده به بیت عَنْیا رفت* بامدادان چون از بیت عنْیا
١٣ بیرون میآمدند کرسنه شد* ناکاه درخت انجیری که برك داشت ازدور دیده آمد
تا شاید چیزی برآن بیابد امّا چون نزد آن رسید جز برك برآن هیچ نیافت زیرا که
١٤ موسم انجیر نرسیده بود* پس عیسی توجّه نموده بدان فرمود ازاین پس تا بأبد
١٥ هیچکس ازتو میوه نخواهد خورد وشاکردانش شنیدند* پس وارد اورشلیم شدند
وچون عیسی داخل هیکل کشت به بیرون کردن آنانیکه درهیکل خرید وفروش
میکردند شروع نمود وتخت‌های صرّافان وکرسیهای کبوتر فروشان‌را واژکون
١٦ ١٧ ساخت* ونکذاشت که کسی با ظرفی ازمیان هیکل بکذرد* وتعلیم داده کفت
آیا مکتوب نیست که خانهٔ من خانهٔ عبادتِ تمامیٔ امّتها نامیده خواهد شد امّا شما
١٨ آنرا مغارهٔ دزدان ساخته‌اید* چون رؤسای کَهَنَه وکاتبان اینرا بشنیدند درصدد
آن شدند که اورا چه طور هلاك سازند زیراکه ازوی ترسیدند چونکه همهٔ مردم
١٩ ٢٠ ازتعلیم وی متحیّر میبودند* چون شام شد ازشهر بیرون رفت* صبحکاهان
٢١ دراثنای راه درخت انجیررا ازریشه خشك یافتند* پطرس بخاطر آورده ویرا
٢٢ کفت ای استاد اینك درخت انجیری که نفرینش کردی خشك شده* عیسی
٢٣ درجواب ایشان کفت بخدا ایمان آورید* زیراکه هرآینه بشما میکویم هرکه بدین کوه
کوید منتقل شده بدریا افکنده شو ودر دل خود شكّ نداشته باشد بلکه یقین دارد
٢٤ که آنچه کوید میشود هرآینه هرآنچه کوید بدو عطا شود* بنابرین بشما میکویم
آنچه درعبادت سؤآل میکنید یقین بدانید که آنرا یافته‌اید وبشما عطا خواهد شد*
٢٥ ووقتیکه بدعا بایستید هرکاه کسی بشما خطا کرده باشد اورا ببخشید تا انکه پدر
٢٦ شما نیز که درآسمانست خطایای شمارا معاف دارد* امّا هرکاه شما نبخشید پدر
٢٧ شما نیز که درآسمانست تقصیرهای شمارا نخواهد بخشید* وباز باورشلیم آمدند
وهنکامیکه او درهیکل میخرامید رؤسای کَهَنَه وکاتبان ومشایخ نزد وی آمده*

۲۸ کفتندش بچه قدرت این کارهارا میکنی و کیست که این قدرترا بتو داده است
۲۹ تا این اعمالرا بجا آری٭ عیسی درجواب ایشان کفت من ازشما نیز سخنی میپرسم
۳۰ مرا جواب دهید تا من هم بشما کویم بچه قدرت این کارهارا میکنم٭ تعمید یحیی
۳۱ ازآسمان بود یا ازانسان مرا جواب دهید٭ ایشان در دلهای خود تفکّر نموده
۳۲ کفتند اکر کوئیم ازآسمان بود هرآینه کوید پس چرا بدو ایمان نیاوردید٭ واکر
کوئیم ازانسان بود ازخلق بیم داشتند ازآنجا که همه یحیی‌را نبیٌ برحقّ میدانستند٭
۳۳ پس درجواب عیسی کفتند نمیدانیم٭ عیسی بدیشان جواب داد من هم شمارا
نمیکویم که بکدام قدرت این کارهارا بجا میآورم٭

باب دوازدهم

۱ پس بمثَلها بایشان آغاز سخن نمود که شخصی تاکستانی غرس نموده حصاری کردش
۲ کشید وچرخُشتی بساخت وبرجی بنا کرده آنرا بدهقانان سپرد وسفر کرد٭ ودر
۳ موسم نوکری نزد دهقانان فرستاد تا ازمیوهٔ باغ ازباغبانان بکیرد٭ امّا ایشان
٤ اورا کرفته زدند وتهی دست روانه نمودند٭ باز نوکری دیکر نزد ایشان روانه
٥ نمود٭ اورا نیز سنکسارکرده سر اورا شکستند وبیحرمت کرده برکردانیدندش٭ پس
یکنفر دیکر فرستاده اورا نیز کشتند وبسا دیکرانرا که بعضی‌را زدند وبعضی‌را بقتل
٦ رسانیدند٭ وبالأخره یك پسر حبیب خودرا باقی داشت اورا نزد ایشان فرستاده
۷ کفت پسر مرا حرمت خواهند داشت٭ لیکن دهقانان با خود کفتند این وارث
۸ است بیائید اورا بکشیم تا میراث ازآن ما کردد٭ پس اورا کرفته مقتول ساختند
۹ واورا بیرون از تاکستان افکندند٭ پس صاحب تاکستان چه خواهد کرد اوخواهد
۱۰ آمد وآن باغبانانرا هلاك ساخته باغرا بدیکران خواهد سپرد٭ آیا این نوشته‌را
۱۱ نخوانده‌اید سنکی که معمارانش ردّ کردند همان سر زاویه کردید٭ این ازجانب خداوند
۱۲ شد ودر نظر ما عجیب است٭ آنکاه خواستند اورا کرفتار سازند امّا ازخلق
میترسیدند زیرا میدانستند که این مثل‌را برای ایشان آورد پس اورا واکذارده
۱۳ برفتند٭ وچند نفر ازفریسیان وهیرودیانرا نزد وی فرستادند تا اورا بسخنی بدام
۱٤ آورند٭ ایشان آمده بدو کفتند ای استاد مارا یقین است که تو راستکو هستی وازکسی

باك نداری چونکه بظاهر مردم نمینکری بلکه طریق خدارا براستی تعلیم مینمائی٭ جزیه
١٥ دادن بقیصر جایز است یا نه٭ بدهیم یا ندهیم٭ امّا او ریاکاریٔ ایشانرا دَرك کرده
١٦ بدیشان کفت چرا مرا امتحان میکنید٭ دیناری نزد من آرید تا آنرا به بینم٭ چون آنرا
حاضر کردند بدیشان کفت این صورت و رقم ازآنِ کیست ویرا کفتند ازآن قیصر٭
١۷ عیسی درجواب ایشان کفت آنچه ازقیصر است بقیصر ردّ کنید وآنچه از خداست
١٨ بخدا وازاو متعجّب شدند٭ وصدّوقیان که منکر قیامت هستند نزد وی آمده
١٩ ازاو سؤآل نموده کفتند٭ ای استاد موسی بما نوشت که هرکاه برادر کسی بمیرد
و زنی بازکذاشته اولادی نداشته باشد برادرش زن اورا بکیرد تا ازبهر برادر خود
٢٠ نسلی پیدا نماید٭ پس هفت برادر بودند که نخستین زنی کرفته بمرد واولادی
٢١ ٢٢ نکذاشت٭ پس ثانی اورا کرفته هم بی اولاد فوت شد وهمچنین سیّمی٭ تا آنکه
٢٣ آن هفت اورا کرفتند واولادی نکذاشتند وبعد ازهمه زن فوت شد٭ پس درقیامت
چون برخیزند زن کدام یك ازایشان خواهد بود ازآنجهة که هر هفت اورا بزنی
٢٤ کرفته بودند٭ عیسی درجواب ایشان کفت آیا کمراه نیستید ازآنرو که کتب
٢٥ وقوّت خدارا نمیدانید٭ زیرا هنکامیکه ازمُردکان برخیزند نه نکاح میکنند و نه
٢٦ منکوحه میکردند بلکه مانند فرشتکان درآسمان میباشند٭ امّا درباب مُردکان که
برمیخیزند درکتاب موسی درذکر بوته نخواندهاید چکونه خدا اورا خطاب کرده کفت
٢۷ که منم خدای ابراهیم وخدای اسحق وخدای یعقوب٭ واو خدای مردکان نیست
٢٨ بلکه خدای زندکانست پس شما بسیار کمراه شدهاید٭ ویکی ازکاتبان چون
مباحثهٔ ایشانرا شنیده دید که ایشانرا جواب نیکو داد پیش آمده ازاو پرسید که
٢٩ اوّلِ همهٔ احکام کدامست٭ عیسی اورا جواب داد که اوّلِ همهٔ احکام اینست که
٣٠ بشنو ای اسرائیل خداوند خدای ما خداوند واحد است٭ وخداوند خدای
خودرا بتمامیٔ دل وتمامیٔ جان وتمامیٔ خاطر وتمامیٔ قوّت خود محبّت نما که اوّل
٣١ ازاحکام این است٭ ودوّم مثل اوّلست که همسایهٔ خودرا چون نفس خود محبت
٣٢ نما٭ بزرکتر ازین دُو حکمی نیست٭ کاتب ویرا کفت آفرین ای استاد٭ نیکو کفتی
٣٣ زیرا خدا واحد است وسوای او دیکری نیست٭ واورا بتمامیٔ دل وتمامیٔ فهم وتمامیٔ
نفس وتمامیٔ قوّت محبّت نمودن وهمسایهٔ خودرا مثل خود محبت نمودن ازهمهٔ قربانیهای

۳۴ سوختنی وهدایا افضل است* چون عیسی بدید که عاقلانه جواب داد بوی کفت
ازملکوت خدا دور نیستی وبعد ازآن هیچکس جرأت نکرد که ازاو سؤآلی کند*
۳۵ وهنکامیکه عیسی درهیکل تعلیم میداد متوجّه شده کفت چکونه کاتبان میکویند
۳۶ که مسیح پسر داود است* وحال آنکه خود داود درروح القدس میکوید که
خداوند بخداوند من کفت برطرف راست من بنشین تا دشمنان ترا پای انداز
۳۷ تو سازم* خود داود اورا خداوند میخواند پس چکونه اورا پسر میباشد وعوامّ
۳۸ النّاس کلام اورا بخوشنودی میشنیدند* پس درتعلیم خود کفت ازکاتبان احتیاط
۳۹ کنید که خرامیدن درلباس دراز وتعظیمهای دربازارها* وکرسیهای اوّل
۴۰ درکنایس وجایهای صدر درضیافتهارا دوست میدارند* اینان که خانههای
بیوه زنانرا میبلعند ونمازرا بهریا طول میدهند عقوبت شدیدتر خواهند یافت*
۴۱ وعیسی درمقابل بیت المال نشسته نظاره میکرد که مردم بچه وضع پول به بیت المال
۴۲ میاندازند وبسیاری ازدولتمندان بسیار میانداختند* آنکاه بیوه زنی فقیر آمده
۴۳ دو فلس که یك ربع باشد انداخت* پس شاکردان خودرا پیش خوانده بایشان
کفت هرآینه بشما میکویم این بیوه زن مسکین ازهمهٔ آنانیکه درخزانه انداختند
۴۴ بیشتر داد* زیراکه همهٔ ایشان اززیادتئ خود دادند لیکن این زن ازحاجتمندئ
خود آنچه داشت انداخت یعنی تمام معیشت خودرا*

باب سیزدهم

۱ وچون او از هیکل بیرون میرفت یکی ازشاکردانش بدو کفت ای استاد
۲ ملاحظه فرما چه نوع سنكها وچه عمارتها است* عیسی درجواب وی کفت
آیا این عمارتهای عظیمهرا مینکری* بدانکه سنکی برسنکی کذارده نخواهد شد
۳ مکر آنکه بزیر افکنده شود* وچون او برکوه زیتون مقابل هیکل نشسته بود
۴ پطرس ویعقوب ویوحنّا واندریاس سِرًّا ازوی پرسیدند* مارا خبر بده که این
۵ امور کی واقع میشود وعلامت نزدیك شدن این امور چیست* آنکاه عیسی
۶ درجواب ایشان سخن آغاز کرد که زنهار کسی شمارا کمراه نکند* زیراکه بسیاری
۷ بنام من آمده خواهند کفت که من هستم وبسیاربرا کمراه خواهند نمود* امّا چون

جنك‌ها واخبار جنك‌هارا بشنوید مضطرب مشوید زیرا که وقوع این حوادث
۸ ضروریست لیکن انتها هنوز نیست* زیراکه امّتی برامّتی ومملکتی برمملکتی خواهند
برخاست و زلزلها درجایها حادث خواهد شد وقحطیها واغتشاشها پدید میاید
۹ واینها ابتدای دردهای زه میباشد* لیکن شما ازبرای خود احتیاط کنید زیراکه
شمارا بشوراها خواهند سپرد ودر کنایس تازیانه‌ها خواهند زد وشمارا پیش حکّام
۱۰ وپادشاهان بخاطر من حاضر خواهند کرد تا برایشان شهادتی شود* ولازمست که
۱۱ انجیل اوّل برتمامئ امّتها موعظه شود* وچون شمارا کرفته تسلیم کنند میندیشید که
چه بکوئید ومتفکّر مباشید بلکه آنچه درآن ساعت بشما عطا شود آنرا کوئید زیرا
۱۲ کوینده شما نیستید بلکه روح القدس است* آنکاه برادر برادررا و پدر فرزندرا
بهلاکت خواهند سپرد وفرزندان بروالدین خود برخاسته ایشانرا بقتل خواهند
۱۳ رسانید* وتمام خلق بجهة اسم من شمارا دشمن خواهند داشت امّا هرکه تا باخر
۱۴ صبر کند همان نجات یابد* پس چون مکروه ویرانی‌راکه بزبانِ دانیال نبیّ کفته شده
است درجائیکه نمیباید برپا بینید آنکه میخواند بفهمد آنکاه آنانیکه دریهودیّه میباشند
۱۵ بکوهستان فرار کنند* وهرکه بربام باشد بزیر نیاید و بخانه داخل نشود تا چیزی
۱۶ ازآن ببرد* وآنکه درمزرعه است برنکردد تا رخت خودرا بردارد* امّا وای
۱۷
۱۸ برآبستنان وشیردهندکان درآن ایّام* ودعا کنید که فرار شما در زمستان نشود*
۱۹ زیراکه درآن ایّام چنان مصیبتی خواهد شد که ازابتدای خلقتی که خدا آفرید تا
۲۰ کنون نشده ونخواهد شد* واکر خداوند آن روزهارا کوتاه نکردی هیچ بشری
نجات نیافتی لیکن بجهة برکزیدکانی که انتخاب نموده است آن ایّام‌را کوتاه ساخت*
۲۱ پس هرکاه کسی بشما کوید اینك مسیح دراینجاست یا اینك درآنجا باور مکنید*
۲۲ زانروکه مسیحان دروغ وانبیای کَذَبَه ظاهر شده آیات ومعجزات ازایشان صادر
۲۳ خواهد شد بقسمیکه اکر ممکن بودی برکزیدکانرا هم کمراه نمودندی* لیکن شما
۲۴ برحذر باشید. اینك ازهمهٔ امور شمارا پیش خبر دادم* ودر آنروزهای بعد
۲۵ ازآن مصیبت خورشید تاریك کردد وماه نور خودرا بازکیرد* وستارکان
۲۶ ازآسمان فرو ریزند وقوای افلاك متزلزل خواهد کشت* آنکاه پسر انسانرا بینند
۲۷ که با قوّت وجلال عظیم برابرها میاید* درآنوقت فرشتکان خودرا ازجهات

٢٨ اربعه ازانتهای زمین تا به اقصای فلك فراهم خواهد آورد* الحال ازدرخت
انجیر مَثَلش را فرا کیرید که چون شاخه‌اش نازك شده برك میاورد میدانید که تابستان
٢٩ نزدیك است* همچنین شما نیز چون این چیزهارا واقع بینید بدانید که نزدیك بلکه
٣٠ بردر است* هرآینه بشما میکویم تا جمیع این حوادث واقع نشود این فرقه نخواهند
٣١ کذشت* آسمان وزمین زایل میشود لیکن کلمات من هرکز زایل نشود* ولی
٣٢
ازآن روز وساعت غیراز پدر هیچکس اطّلاع ندارد نه فرشتکان درآسمان ونه پسرهم*
٣٣ پس برحذر وبیدار شده دعا کنید زیرا نمیدانید که آنوقت کی میشود* مثل کسی که
٣٤
عازم سفرشده خانهٔ خودرا واکذارد وخادمان خودرا قدرت داده هریکی‌را بشغلی
٣٥ خاصّ مقرّر نماید ودربانرا امرفرماید که بیدار بماند* پس بیدار باشید زیرا نمیدانید
که درچه وقت صاحب‌خانه میاید درشام یا نصف شب یا بانك خروس یا صبح*
٣٦ مبادا ناکهان آمده شمارا خفته یابد* امّا آنچه بشما میکویم بهمه میکویم بیدار باشید*
٣٧

باب چهاردهم

١ وبعد ازدو روز عید فصح وفطیر بود که رؤسای کَهَنَه وکاتبان مترصّد بودند که
٢ بچه حیله اورا دستکیر کرده بقتل رسانند* لیکن میکفتند نه درعید مبادا درقوم
٣ اغتشاشی پدید آید* وهنکامی که او دربیت‌عَنْیا درخانهٔ شمعون ابرص بغذا
نشسته بود زنی با شیشهٔ ازعطرکرانبها ازسنبل خالص آمده شیشه‌را شکسته برسر وی
٤ ریخت* وبعضی درخود خشم نموده کفتند چرا این عطر تلف شد* زیرا ممکن
٥
بود این عطر زیادتر ازسیصد دینار فروخته بفقراء داده شود وآن زنرا سرزنش
٦ نمودند* امّا عیسی کفت اورا واکذارید ازبرای چه اورا زحمت میدهید زیراکه
٧ با من کاری نیکو کرده است* زیراکه فقرارا همیشه با خود دارید وهرکاه بخواهید
٨ میتوانید با ایشان احسان کنید لیکن مرا با خود دایمًا ندارید* آنچه درقوّهٔ او بود
٩ کرد زیراکه جسد مرا بجهة دفن پیش تدهین کرد* هرآینه بشما میکویم درهر جائی
ازتمام عالم که باین انجیل موعظه شود آنچه این زن کرد نیز بجهة یادکاری وی مذکور
١٠ خواهد شد* پس یهودای اسخریوطی که یکی ازآن دوازده بود بنزد رؤساء
١١ کَهَنَه رفت تا اورا بدیشان تسلیم کند* ایشان سخن اورا شنیده شاد شدند وبدو وعده

دادند که نقدی بدو بدهند واو درصدد فرصتِ موافق برای کرفتارئ وی برآمد *
۱۲ وروز اوّل ازعید فطیر که درآن فصح‌را ذبح میکردند شاکردانش بوی کفتند
۱۳ کجا میخواهی برویم تدارك بینیم تا فصح‌را بخوری * پس دو نفر ازشاکردان خودرا
فرستاده بدیشان کفت بشهر بروید وشخصی با سبوی آب بشما خواهد برخورد
۱٤ ازعقب وی بروید * وبهرجائی که درآید صاحب خانه‌را کوئید أُستاد میکوید
۱۵ مهمانخانه کجااست تا فصح‌را با شاکردان خود آنجا صرف کنم * واو بالاخانهٔ بزرك
۱٦ مفروش وآماده بشما نشان میدهد آنجا ازبهر ما تدارك بینید * شاکردانش روانه
۱۷ شدند وبشهررفته چنانکه او فرموده بود یافتند وفصح‌را آماده ساختند * شامکاهان
۱۸ با ان دوازده آمد * وچون نشسته غذا میخوردند عیسی کفت هرآینه بشما میکویم
۱۹ که یکی ازشما که با من غذا میخورد مرا تسلیم خواهد کرد * ایشان غمکین کشته
۲۰ بکیك کفتن کرفتند که آیا من آنم ودیکری که آیا من هستم * او درجواب ایشان
۲۱ کفت یکی ازدوازده که با من دست درقاب فرو برد * بدرستیکه پسر انسان
بطوریکه دربارهٔ او مکتوب است رحلت میکند لیکن وای برآن کسیکه پسر انسان
۲۲ بواسطهٔ او تسلیم شود * اورا بهترمیبود که تولّد نیافتی * وچون غذا میخوردند عیسی
نانرا کرفته برکت داد وپاره کرده بدیشان داد وکفت بکیرید وبخورید که این جسد
۲۳ ۲٤ من است * وپیالهٔ کرفته شکر نمود وبایشان داد وهمه ازآن آشامیدند * وبدیشان
۲۵ کفت این است خون من ازعهد جدید که درراه بسیاری ریخته میشود * هرآینه
بشما میکویم بعد ازاین ازعصیر انکور نخورم تا آن روزیکه درملکوت خدا آنرا تازه
۲٦ ۲۷ بنوشم * وبعد ازخواندن تسبیح بسوی کوه زیتون بیرون رفتند * عیسی ایشانرا
کفت همانا همهٔ شما امشب درمن لغزش خورید زیرا مکتوبست شبانرا میزنم
۲۸ وکوسفندان پراکنده خواهند شد * امّا بعد ازبرخاستنم پیش ازشما بجلیل خواهم
۲۹ ۳۰ رفت * پطرس بوی کفت هرکاه همه لغزش خورند من هرکز نخورم * عیسی ویرا
کفت هرآینه بتو میکویم که امروز درهمین شب قبل ازآنکه خروس دو مرتبه بانك
۳۱ زند تو سه مرتبه مرا انکار خواهی نمود * لیکن او بتأکید زیادتر میکفت هرکاه
۳۲ مردنم با تو لازم افتد ترا هرکز انکار نکنم ودیکران نیز همچنان کفتند * وچون
بموضعیکه جتسیمانی نام داشت رسیدند بشاکردان خود کفت دراینجا بنشینید تا دعا

٣٣ کنم* وپطرس ویعقوب ویوحنّارا همراه برداشته مضطرب ودلتنك کردید*
٣٤ وبدیشان کفت نفس من ازحزن مشرف برموت شد. اینجا بمانید وبیدار باشید*
٣٥ وقدری پیشتر رفته بروی برزمین افتاد ودعا کرد تا اکر ممکن باشد آنساعت ازاو
٣٦ بکذرد* پس کفت یا اَبّا پدر همه چیز نزد تو ممکن است. این پیالهرا از من
٣٧ بکذران لیکن نه بخواهش من بلکه بارادهٔ تو* پس چون آمد ایشانرا درخواب
دیده پطرسرا کفت ای شمعون درخواب هستی آیا نمیتوانستی یك ساعت بیدار
٣٨ باشی* بیدار باشید ودعا کنید تا درآزمایش نیفتید روح البتّه راغبست لیکن
٣٩ ٤٠ جسم ناتوان* وباز رفته بهمان کلام دعا نمود* ونیز برکشته ایشانرا درخواب
یافت زیراکه چشمان ایشان سنکین شده بود وندانستند اورا چه جواب دهند*
٤١ ومرتبهٔ سیّم آمده بدیشان کفت مابقیرا بخوابید واستراحت کنید. کافیست. ساعت
٤٢ رسیده است. اینك پسر انسان بدستهای کناهکاران تسلیم میشود* برخیزید
٤٣ برویم که اکنون تسلیم کنندهٔ من نزدیك شد* درساعت وقتیکه او هنوز سخن
میکفت یهودا که یکی ازآن دوازده بود باکروهی بسیار باشمشیرها وچوبها ازجانب
٤٤ رؤسای کَهَنَه وکاتبان ومشایخ آمدند* وتسلیم کنندهٔ او بدیشان نشانی داده کفته
٤٥ بود هرکهرا ببوسم همانست اورا بکیرید وبا حفظ تمام ببرید* ودر ساعت نزد وی
٤٦ شده کفت یا سیدی یا سیّدی ووی‌را بوسید* ناکاه دستهای خودرا بروی انداخته
٤٧ کرفتندش* ویکی ازحاضرین شمشیر خودرا کشیده بریکی ازغلامان رئیس کَهَنَه
٤٨ زده کوششرا ببرید* عیسی روی بدیشان کرده کفت کویا بردزد با شمشیرها
٤٩ وچوبها بجهة کرفتن من بیرون آمدید* هر روز درنزد شما درهیکل تعلیم میدادم
٥٠ ومرا نکرفتید لیکن لازمست که کتب تمام کردد* آنکاه همه اورا واکذارده
٥١ بکریختند* ویك جوانی با چادری بربدن برهنهٔ خود پیچیده ازعقب او روانه شد.
٥٢ چون جوانان اورا کرفتند* چادررا کذارده برهنه ازدست ایشان کریخت*
٥٣ وعیسی‌را نزد رئیس کَهَنَه بردند وجمیع رؤسای کاهنان ومشایخ وکاتبان براو جمع
٥٤ کردیدند* وپطرس ازدور درعقب او میامد تا بخانهٔ رئیس کَهَنَه درآمده با
٥٥ ملازمان بنشست ونزدیك آتش خودرا کرم مینمود* ورؤسای کَهَنَه وجمیع اهل
٥٦ شوری درجستجوی شهادت برعیسی بودند تا اورا بکشند وهیچ نیافتند* زیراکه

هرچند بسیاری بروی شهادت دروغ میدادند امّا شهادتهای ایشان موافق نشد*
۵۷ ۵۸ وبعضی برخاسته شهادت دروغ داده کفتند* ما شنیدیم که او میکفت من این
هیکلِ ساخته شدهٔ بدسترا خراب میکنم ودرسه روزْ دیکریرا ناساخته شدهٔ بدست
۵۹ ۶۰ بنا میکنم* ودر این هم باز شهادتهای ایشان موافق نشد* پس رئیس کَهَنَه ازآن
میان برخاسته ازعیسی پرسیده کفت هیچ جواب نمیدهی چه چیز است که اینها
۶۱ درحقّ تو شهادت میدهند* امّا او ساکت مانده هیچ جواب نداد۰ باز رئیس کَهَنَه
۶۲ ازاو سؤآل نموده کفت۰ آیا تو مسیح پسرخدای متبارك هستی* عیسی کفت من
هستم وپسر انسانرا خواهید دید که برطرف راست قوّت نشسته درابرهای آسمان
۶۳ میآید* آنکاه رئیس کَهَنَه جامهٔ خودرا چاك زده کفت دیکر چه حاجت بشاهدان
۶۴ داریم* کفر اورا شنیدید۰ چه مصلحت میدانید پس همه براو حکم کردند که
۶۵ مستوجب قتل است* وبعضی شروع نمودند بآب دهان بروی انداختن وروی
اورا پوشانیده اورا میزدند ومیکفتند نبوّت کن وملازمانْ اورا میزدند*
۶۶ ۶۷ ودر وقتیکه پطرس درایوان پائین بود یکی ازکنیزان رئیس کَهَنَه آمد* وپطرسرا
چون دید که خودرا کرم میکند براو نکریسته کفت تو نیز با عیسیٔ ناصری میبودی*
۶۸ او انکار نموده کفت نمیدانم ونمیفهمم که تو چه میکوئی۰ وچون بیرون بدهلیز خانه
۶۹ رفت ناکاه خروس بانك زد* وبار دیکر آن کنیزك اورا دیده بحاضرین کفتن
۷۰ کرفت که این شخص ازآنها است* او باز انکار کرد وبعد اززمانی حاضرین بار
دیکر به‌پطرس کفتند درحقیقت تو ازآنها میباشی زیراکه جلیلی نیز هستی ولهجهٔ تو
۷۱ چنان است* پس بلعن کردن وقسم خوردن شروع نمود که آن شخصرا که
۷۲ میکوئید نمیشناسم* ناکاه خروس مرتبهٔ دیکر بانك زد پس پطرسرا بخاطر آمد
آنچه عیسی بدو کفته بود که قبل ازآنکه خروس دو مرتبه بانك زند سه مرتبه مرا
انکار خواهی نمود وچون اینرا بخاطر آورد بکریست*

باب پانزدهم

۱ بامدادان بی‌درنك رؤسای کَهَنَه با مشایخ وکاتبان وتمام اهل شوری مشورت
۲ نمودند وعیسی‌را بند نهاده بردند وبه پیلاطُس تسلیم کردند* پیلاطُس ازاو پرسید
۳ آیا تو پادشاه یهود هستی۰ او درجواب وی کفت تو میکوئی* وچون رؤسای

٤ کَهَنَه ادّعای بسیار براو مینمودند* پیلاطُس باز ازاو سؤآل کرده کفت هیچ
٥ جواب بیدهی ببین که چه قدر برتو شهادت میدهند* امّا عیسی باز هیچ جواب
٦ نداد چنانکه پیلاطُس متعجّب شد* ودرهر عید یك زندانی هرکه‌را میخواستند
٧ بجهة ایشان آزاد میکرد* وبرابّا نامی با شُرکای فتنهٔ او که درفتنه خون ریزی
٨ کرده بودند درحبس بود* آنکاه مردم صدا زده شروع کردند بخواستن که
٩ برحسب عادت با ایشان عمل نماید* پیلاطُس درجواب ایشان کفت آیا میخواهید
١٠ پادشاه یهودرا برای شما آزاد کنم* زیرا یافته بود که رؤسای کَهَنَه اورا ازراه حسد
١١ تسلیم کرده بودند* امّا رؤسای کَهَنَه مردمرا تحریض کرده بودند که بلکه برابّارا
١٢ برای ایشان رها کند* پیلاطُس باز ایشانرا درجواب کفت پس چه میخواهید بکنم
١٣ با آنکس که پادشاه یهودش میکوئید* ایشان بار دیکر فریاد کردند که اورا
١٤ مصلوب کن* پیلاطُس بدیشان کفت چرا چه بدی کرده است* ایشان بیشتر
١٥ فریاد برآوردند که اورا مصلوب کن* پس پیلاطُس چون خواست که
مردمرا خوشنود کرداند برابّارا برای ایشان آزاد کرد وعیسی‌را تازیانه زده تسلیم
١٦ نمود تا مصلوب شود* آنکاه سپاهیان اورا بسرائی که دار الولایه است برده تمام
١٧ فوج‌را فراهم آوردند* وجامهٔ قرمز براو پوشانیدند وتاجی ازخار بافته برسرش
١٨ ١٩ کذاردند* واورا سلام کردن کرفتند که سلام ای پادشاه یهود* ونیٔ برسر
٢٠ او زدند وآب دهان بروی انداخته وزانو زده بدو تعظیم مینمودند* وچون اورا
استهزاء کرده بودند لباس قرمزرا ازوی کَنده جامهٔ خودش‌را پوشانیدند واورا
٢١ بیرون بردند تا مصلوبش سازند* وراهکذریرا شمعون نام ازاهل قیروان که
ازبلوکات میآمد وپدر اِسْکَنْدَر ورُوفَس بود مجبور ساختند که صلیب اورا بردارد*
٢٢ ٢٣ پس اورا بموضعی که جُلْجُتَا نام داشت یعنی محلّ کاسهٔ سر بردند* وشراب مخلوط
٢٤ بمُرّ بوی دادند تا بنوشد لیکن قبول نکرد* وچون اورا مصلوب کردند لباس اورا
٢٥ تقسیم نموده قرعه برآن افکندند تا هرکس چه بَرَد* وساعت سیّم بود که اورا
٢٦ ٢٧ مصلوب کردند* وتقصیرنامهٔ وی این نوشته شد پادشاه یهود* وبا وی دو دزدرا
٢٨ یکی ازدست راست ودیکری ازدست چپ مصلوب کردند* پس تمام کشت ان
٢٩ نوشتهٔ که میکوید ازخطاکاران محسوب کشت* وراهکذران اورا دشنام داده وسر

خودرا جنبانیده میکفتند هان ای کسیکه هیکل‌را خراب میکنی ودرسه روز آنرا بنا
٣٠ ٣١ میکنی * ازصلیب بزیر آمده خودرا برهان * وهمچنین رؤسای کَهَنه وکاتبان
استهزاء کنان با یکدیکر میکفتند دیکرانرا نجات داد ونمیتواند خودرا نجات دهد *
٣٢ مسیح پادشاه اسرائیل الآن ازصلیب نزول کند تا به‌بینیم وایمان آوریم وآنانیکه با وی
٣٣ مصلوب شدند اورا دشنام میدادند * وچون ساعت ششم رسید تا ساعت نهم تاریکی
٣٤ تمام زمین‌را فرو کرفت * ودر ساعت نهم عیسی بآواز بلند ندا کرده کفت ایلوئی
٣٥ ایلوئی لَمَا سَبَقْتَنی یعنی الهی الهی چرا مرا وا کذاردی * وبعضی ازحاضرین چون
٣٦ شنیدند کفتند الیاس‌را میخواند * پس شخصی دویده اسفنجی‌را ازسرکه پُرکرد وبر
سر نیئ نهاده بدو نوشاید وکفت بکذارید به‌بینیم مکر الیاس بیاید تا اورا پائین
٣٧ ٣٨ آورد * پس عیسی آوازی بلند برآورده جان بداد * آنکاه پردهٔ هیکل ازسر تا
٣٩ پا دو پاره شد * وچون یوزباشیٔ که مقابل وی ایستاده بود دید که بدین طور
٤٠ صدا زده روح‌را سپرد کفت فی‌الواقع این مرد پسر خدا بود * وزنی چند ازدور
نظر میکردند که ازآنجمله مریم مجدلیّه بود ومریم مادر یعقوبِ کوچك ومادر یوشا
٤١ وسالومَه * که هنکام بودن او درجلیل پیروی وخدمت او میکردند ودیکر زنان
٤٢ بسیاریکه باورشلیم آمده بودند * وچون شام شد ازآنجهة که روز تهیّه یعنی روز
٤٣ قبل ازسبت بود * یوسف نامی ازاهل رامه که مرد شریف ازاعضای شوری ونیز
منتظر ملکوت خدا بود امد وجرأت کرده نزد پیلاطُس رفت وجسد عیسی‌را
٤٤ طلب نمود * پیلاطُس تعجّب کرد که بدین زودی فوت شده باشد پس یوزباشی‌را
٤٥ طلبیده ازاو پرسید که آیا چندی کذشته وفات نموده است * چون ازیوزباشی
٤٦ دریافت کرد بدن‌را بیوسف ارزانی داشت * پس کتانی خریده آنرا ازصلیب بزیر
آورد وبآن کتان کفن کرده درقبری که ازسنك تراشیده بود نهاد وسنکی برسر قبر
٤٧ غلطانید * ومریم مَجْدَلِیَّه ومریم مادر یوشا دیدند که کجا کذاشته شد *

باب شانزدهم

١ پس چون سبت کذشته بود مریم مجدلیّه ومریم مادر یعقوب وسالومه حنوط
٢ خریده آمدند تا اورا تدهین کنند * وصبح روز یکشنبه‌را بسیار زود وقت طلوع

٣ آفتاب برسر قبرآمدند ٭ وبا یکدیکر میکفتند کیست که سنك‌را برای ما ازسر قبر
٤ بغلطاند ٭ چون نکریستند دیدند که سنك غلطانیده شده است زیرا بسیار بزرك
٥ بود ٭ وچون بقبر درآمدند جوانی‌را که جامهٔ سفید دربر داشت برجانب راست
٦ نشسته دیدند پس متحیّر شدند ٭ او بدیشان کفت ترسان مباشید عیسئ ناصریِ
مصلوب‌را میطلبید او برخاسته است دراینجا نیست آن موضعی‌را که اورا نهاده
٧ بودند ملاحظه کنید ٭ لیکن رفته شاکردان او وپطرس‌را اطّلاع دهید که پیش
٨ ازشما بجلیل میرود اورا درآنجا خواهید دید چنانکه بشما فرموده بود ٭ پس بزودی
بیرون شده ازقبر کریختند زیرا لرزه وحیرت ایشانرا فرو کرفته بود وبکسی هیچ
٩ نکفتند زیرا میترسیدند ٭ وصبحکاهان روز اوّلِ هفته چون برخاسته بود نخستین
١٠ بمریم مجدلیّه که ازاو هفت دیو بیرون کرده بود ظاهر شد ٭ واو رفته اصحاب
١١ اورا که کریه وماتم میکردند خبر داد ٭ وایشان چون شنیدند که زنده کشته وبدو
١٢ ظاهر شده بود باور نکردند ٭ وبعد ازان بصورت دیکر بدو نفر ازایشان در
١٣ هنکامیکه بدهات میرفتند هویدا کردید ٭ ایشان رفته دیکرانرا خبر دادند لیکن
١٤ ایشانرا نیز تصدیق ننمودند ٭ وبعد ازآن بدان یازده هنکامیکه بغذا نشسته بودند
ظاهر شد وایشانرا بسبب بی‌ایمانی وسخت دلئ ایشان توبیخ نمود زیرا بآنانیکه اورا
١٥ برخاسته دیده بودند تصدیق ننمودند ٭ پس بدیشان کفت درتمام عالم بروید وجمیع
١٦ خلایق‌را بانجیل موعظه کنید ٭ هرکه ایمان آورده تعمید یابد نجات یابد وامّا هرکه
١٧ ایمان نیاورد براو حکم خواهد شد ٭ واین آیات همراه ایمانداران خواهد بود که
١٨ بنام من دیوهارا بیرون کنند وبزبانهای تازه حرف زنند ٭ ومارهارا بردارند واکر
زهر قاتلی بخورند ضرری بدیشان نرساند وهرکاه دستها برمریضان کذارند شفا
١٩ خواهند یافت ٭ وخداوند بعد ازآنکه بایشان سخن کفته بود بسوی آسمان مرتفع
٢٠ شده بدست راست خدا بنشست ٭ وایشان بیرون رفته درهر جا موعظه میکردند
وخداوند با ایشان کار میکرد وبآیاتیکه همراه ایشان میبود کلام‌را ثابت میکردانید ٭

انجیل لوقا

باب اوّل

١ ازآنجهة كه بسیاری دست خودرا دراز كردند بسوی تالیف حكایت آن اموریكه
٢ نزد ما به اتمام رسید * چنانچه آنانیكه از ابتداء نظاركان وخادمان كلام بودند بما
٣ رسانیدند * من نیز مصلحت چنان دیدم كه همه‌را من البدایة بتدقیق در پی رفته
٤ بترتیب بتو بنویسم ای تیوفلس عزیز * تا صحّت آن كلامیكه در آن تعلیم یافتهٔ در
٥ یابی * در ایّام هیرودیس پادشاه یهودیّه كاهنی زكریّا نام از فرقهٔ ابیّا بود كه
٦ زن او از دختران هارون بود والیصابات نام داشت * وهردو در حضور خدا صالح
٧ وبجمیع احكام وفرایض خداوند بی عیب سالك بودند * وایشانرا فرزندی نبود
٨ زیراكه الیصابات نازاد بود وهردو دیرینه سال بودند * وواقع شد كه چون
٩ بنوبت فرقهٔ خود در حضور خدا كهانت میكرد * حسب عادت كهانت نوبت
١٠ او شد كه بقدس خداوند در آمده بخور بسوزاند * ودر وقت بخور تمام جماعت قوم
١١ بیرون عبادت میكردند * ناكاه فرشتهٔ خداوند بطرف راست مذبح بخور ایستاده
١٢ بروی ظاهر كشت * چون زكریّا اورا دید در حیرت افتاده ترس بر او مستولی
١٣ شد * فرشته بدو كفت ای زكریّا ترسان مباش زیراكه دعای تو مستجاب كردیده
است وزوجه‌ات الیصابات برای تو پسری خواهد زائید واورا یحیی خواهی
١٤ نامید * وترا خوشی وشادی رخ خواهد نمود وبسیاری از ولادت او مسرور
١٥ خواهند شد * زیراكه در حضور خداوند بزرك خواهد بود وشراب ومُسكری
١٦ نخواهد نوشید واز شكم مادر خود پر از روح القدس خواهد بود * وبسیاری از
١٧ بنی اسرائیل‌را بسوی خداوند خدای ایشان خواهد بر كردانید * واو بروح وقوّت
الیاس پیش روی وی خواهد خرامید تا دلهای پدران‌را بطرف پسران ونافرمانانرا

۱۸ بحکمت عادلان بکرداند تا قومی مستعدّ برای خدا مهیّا سازد* زکریّا بفرشته کفت
۱۹ اینرا چکونه بدانم وحال آنکه من پیر هستم وزوجه ام دیرینه سال است* فرشته
درجواب وی کفت من جبرائیل هستم که در حضور خدا می ایستم وفرستاده شدم
۲۰ تا به تو سخن کویم واز این امور ترا مژده دهم* والحال تا این امور واقع نکردد
کنك شده یارای حرف زدن نخواهی داشت زیرا سخنهای مرا که در وقت خود
۲۱ بوقوع خواهد پیوست باور نکردی* وجماعت منتظر زکریّا میبودند واز طول
۲۲ توقّف او در قدس متعجّب شدند* امّا چون بیرون آمده نتوانست با ایشان حرف
زند پس فهمیدند که در قدس رویائی دیده است پس بسوی ایشان اشاره میکرد
۲۳ ۲۴ وساکت ماند* وچون ایّام خدمت او به اتمام رسید بخانهٔ خود رفت* وبعد
ازآن روزها زن او الیصابات حامله شده مدّت پنج ماه خودرا پنهان نمود وکفت*
۲۵ باینطور خداوند بمن عمل نمود در روزهائی که مرا منظور داشت تا ننك مرا از
۲۶ نظر مردم بردارد* ودر ماه ششم جبرآئیل فرشته از جانب خدا به بلدی از
۲۷ جلیل که ناصره نام داشت فرستاده شد* نزد باکرهٔ نامزد مردی مسمّی بیوسف از
۲۸ خاندان داود ونام آن باکره مریم بود* پس فرشته نزد او داخل شده کفت سلام
۲۹ بر تو ای نعمت رسیده• خداوند با تو است وتو درمیان زنان مبارك هستی* چون
۳۰ اورا دید از سخن او مضطرب شده متفکّر شد که این چه نوع تحیّت است* فرشته بدو
۳۱ کفت ای مریم ترسان مباش زیراکه نزد خدا نعمت یافتهٔ* واینك حامله شده
۳۲ پسری خواهی زائید واورا عیسی خواهی نامید* او بزرك خواهد بود وبه پسر
حضرت اعلی مسمّی شود وخداوند خدا تخت پدرش داودرا بدو عطا خواهد
۳۳ فرمود* واو بر خاندان یعقوب تا بأبد پادشاهی خواهد کرد وسلطنت اورا
۳۴ نهایت نخواهد بود* مریم بفرشته کفت این چکونه میشود وحال آنکه مردیرا
۳۵ نشناخته ام* فرشته در جواب وی کفت روح القدس بر تو خواهد آمد وقوّت
حضرت اعلی بر تو سایه خواهد افکند از آنجهة آن مولود مقدّس پسر خدا خوانده
۳۶ خواهد شد* واینك الیصابات از خویشان تو نیز در پیری به پسری حامله شده
۳۷ واین ماه ششم است مر اورا که نازاد می خواندند* زیرا نزد خدا هیچ امری محال
۳۸ نیست* مریم کفت اینك کنیز خداوندم• مرا برحسب سخن تو واقع شود پس فرشته

۳۹ از نزد او رفت* در آنروزها مریم برخاست وبه بلدی از کوهستان یهودیّه
۴۰ بشتاب رفت* وبخانهٔ زکریّا در آمده به الیصابات سلام کرد* وچون الیصابات
۴۱
سلام مریمرا شنید بچه در رَحِمِ او بحرکت آمد والیصابات بروح القدس پر شده*
۴۲ بآواز بلند صدا زده کفت تو درمیان زنان مبارك هستی ومبارکست ثمرهٔ رحم تو*
۴۳ وازکجا این بمن رسید که مادر خداوند من بنزد من آید* زیرا اینك چون آواز
۴۴
۴۵ سلام تو کوش زد من شد بچه از خوشی در رَحِمِ من بحرکت آمد* وخوشا بحال
اوکه ایمان آورد زیراکه آنچه ازجانب خداوند بوی کفته شد به انجام خواهد رسید*
۴۶ پس مریم کفت جان من خداوندرا تمجید میکند* وروح من برهانندهٔ من خدا
۴۷
۴۸ بوجد آمد* زیرا برحقارت کنیز خود نظر افکند* زیرا هان ازکنون تمامئ طبقات
۴۹ مرا خوشحال خواهند خواند* زیرا آن قادر بمن کارهای عظیم کرده* ونام او
۵۰ قدّوس است* ورحمت او نسلاً بعد نسل است* برآنانیکه از او میترسند*
۵۱ ببازوی خود قدرترا ظاهر فرمود* ومتکبّران را بخیال دل ایشان پراکنده
۵۲ ساخت* جبّارانرا از تختها بزیر افکند* وفروتنانرا سرافراز کردانید* کرسنکانرا
۵۳
۵۴ بچیزهای نیکو سیر فرمود* ودولتمندان‌را تهی دست ردّ نمود* بندهٔ خود اسرائیل‌را
۵۵ یاری کرد* بیادکارئ رحمانیّت خویش* چنانکه به اجداد ما کفته بود* بابراهیم
۵۶ وبذریّت او تا ابد الاباد* ومریم قریب بسه ماه نزد وی ماند پس بخانهٔ خود
۵۷ مراجعت کرد* امّا چون الیصابات‌را وقت وضع حمل رسید پسری بزاد*
۵۸ وهمسایکان وخویشان او چون شنیدند که خداوند رحمت عظیمی بروی کرده با او
۵۹ شادی کردند* وواقع شد در روز هشتم چون برای ختنهٔ طفل آمدند که نام
۶۰ پدرش زکریّا را بر او مینهادند* امّا مادرش ملتفت شده کفت نی بلکه به یحیی نامیده
۶۱ میشود* بوی کفتند از قبیلهٔ تو هیچکس این اسمرا ندارد* پس به پدرش اشاره
۶۲
۶۳ کردند که اورا چه نام خواهی نهاد* او تختهٔ خواسته بنوشت که نام او یحیی است
۶۴ وهمه متعجب شدند* در ساعت دهان وزبان او بازکشته بحمد خدا متکلّم شد*
۶۵ پس بر تمامئ همسایکان ایشان خوف مستولی کشت وجمیع این وقایع در همهٔ کوهستان
۶۶ یهودیّه شهرت یافت* وهرکه شنید در خاطر خود تفکّر نموده کفت این چه نوع
۶۷ طفل خواهد بود ودست خداوند با وی میبود* وپدرش زکریّا از روح القدس

٦٨ پر شن نبوّت نموده کفت٭ خداوند خدای اسرائیل متبارك باد٭ زیرا از قوم
٦٩ خود تفقّد نموده برای ایشان فدائی قرار داد٭ وشاخ نجاتی برای ما بر افراشت٭
٧٠ در خانهٔ بندهٔ خود داود٭ چنانچه بزبان مقدّسین کفت که از بدوِ عالم انبیای او
٧١ ٧٢ میبودند٭ رهائی از دشمنان ما٭ واز دست آنانیکه ازما نفرت دارند٭ تا رحمترا
٧٣ بر پدران ما بجا ارد٭ وعهد مقدّس خودرا تذکّر فرماید٭ سوکندیکه برای پدر
٧٤ ما ابراهیم یاد کرد٭ که مارا فیض عطا فرماید٭ تا از دست دشمنان خود رهائی
٧٥ یافته٭ اورا بیخوف عبادت کنیم٭ در حضور او بقدّوسیّت وعدالت٭ در تمامئ
٧٦ روزهای عمر خود٭ وتو ای طفل نبیّ حضرت اعلی خوانن خواهی شد٭ زیرا
٧٧ پیش روی خداوند خواهی خرامید٭ تا طرق اورا مهیّا سازی٭ تا قوم اورا معرفت
٧٨ نجات دهی٭ در آمرزش کناهان ایشان٭ به احشای رحمت خدای ما٭ که بآن
٧٩ سپیده از عالم اعلی از ما تفقد نمود٭ تا ساکنانِ در ظلمت وظلّ موترا نور دهد٭
٨٠ وپایهای مارا بطریق سلامتی هدایت نماید٭ پس طفل نموّ کرده در روح قویّ
میکشت وتا روز ظهور خود برای اسرائیل در بیابان بسر میبرد٭

باب دوّم

١ ودر آن ایّام حکمی از اوغُسْطُس قیصر صادر کشت که تمام ربع مسکونرا اسم
٢ نویسی کنند٭ واین اسم نویسئ اوّل شد هنکامیکه کیرینیوس والئ سوریّه بود٭
٣ ٤ پس همهٔ مردم هریك بشهر خود برای اسم نویسی میرفتند٭ ویوسف نیز از جلیل
از بلدهٔ ناصره به یهودیّه بشهر داود که بیت‌لحم نام داشت رفت زیراکه او از
٥ خاندان وآل داود بود٭ تا نام او با مریم که نامزد او بود ونزدیك بزائیدن بود
٦ ثبت کردد٭ ووقتیکه ایشان در آنجا بودند هنکام وضع حمل او رسید٭
٧ پسر نخستین خودرا زائید واورا در قنداقه پیچیده در آخور خوابانید زیراکه برای
٨ ایشان در منزل جای نبود٭ ودر آن نواحی شبانان در صحرا بسر میبردند
٩ ودرشب پاسبانئ کله های خویش میکردند٭ ناکاه فرشتهٔ خداوند بر ایشان ظاهر
١٠ شد وکبریائ خداوند بر کرد ایشان تابید وبغایت ترسان کشتند٭ فرشته ایشانرا
کفت مترسید زیرا اینك بشارت خوشئ عظیم بشما میدهم که برای جمیع قوم خواهد

۱۱ بود* که امروز برای شما در شهر داود نجات دهندهٔ که مسیح خداوند باشد متولّد
۱۲ شد* وعلامت برای شما اینست که طفلی در قنداقه پیچیده ودر آخور خوابیده
۱۳ خواهید یافت* در همان حال فوجی از لشکر آسمانی با فرشته حاضر شده خدارا
۱۴ تسبیح کنان میکفتند* خدارا در اعلی علّیین جلال وبر زمین سلامتی ودرمیان
۱۵ مردم رضامندی باد* وچون فرشتکان از نزد ایشان بآسمان رفتند شبانان با
یکدیکر کفتند الآن به بیت‌لحم برویم واین چیزیرا که واقع شده وخداوند آنرا بما
۱٦ اعلام نموده است به بینیم* پس بشتاب رفته مریم ویوسف وآن طفلرا در آخور
۱۷ خوابیده یافتند* چون اینرا دیدند آن سخنی را که در بارهٔ طفل بدیشان کفته شده
۱۸ بود شهرت دادند* وهرکه میشنید از آنچه شبانان بدیشان کفتند تعجّب مینمود*
۱۹ ۲۰ امّا مریم در دل خود متفکّر شده این همهٔ سخنانرا نکاه میداشت* وشبانان خدارا
تمجید وحمد کنان برکشتند بسبب همهٔ آن اموری که دیده وشنیده بودند چنانکه
۲۱ بایشان کفته شده بود* وچون روز هشتم وقت ختنهٔ طفل رسید اورا عیسی نام
نهادند چنانکه فرشته قبل از قرار کرفتن او در رحم اورا نامیده بود*
۲۲ وچون ایّام تطهیر ایشان برحسب شریعت موسی رسید اورا باورشلیم بردند تا
۲۳ بخداوند بکذرانند* چنانکه در شریعت خداوند مکتوب است که هر ذکوری
۲٤ که رَحِم‌را کشاید مقدّس خداوند خوانده شود* وتا قربانی کذرانند چنانکه در
۲۵ شریعت خداوند مقرّر است یعنی جفت فاختهٔ یا دو جوجهٔ کبوتر* واینك
شخصی شمعون نام در اورشلیم بود که مرد صالح ومتّقی ومنتظر تسلّیٔ اسرائیل بود
۲٦ وروح القدس بر وی بود* واز روح القدس بدو وحی رسیده بود که تا مسیح
۲۷ خداوند را نه بینی موترا نخواهی دید* پس براه نمائی روح بهیکل درآمد وچون
والدَینش آن طفل یعنی عیسی را آوردند تا رسوم شریعت‌را بجهة او بعمل
۲۸ آورند* اورا در آغوش خود کشیده وخدارا متبارك خوانده کفت*
۲۹ الحال ای خداوند بندهٔ خودرا رخصت میدهی. بسلامتی برحسب کلام خود*
۳۰ ۳۱ زیراکه چشمان من نجات ترا دیده است* که آنرا پیش روی جمیع امّتها مهیّا
۳۲ ساختی* نوری که کشف حجاب برای امّتها کند. وقَوْم تو اسرائیل‌را جلال
۳۳ ۳٤ بُوَد* ویوسف ومادرش از آنچه در بارهٔ او کفته شد تعجّب نمودند* پس شمعون

ایشانرا برکت داده بمادرش مریم کفت اینك این طفل قرار داده شد برای افتادن
وبرخاستن بسیاری ازآل اسرائیل وبرای آیتی که بخلاف آن خواهند کفت*
۳۵ ودر قلب تو نیز شمشیری فرو خواهد رفت تا افکار قلوب بسیاری مکشوف شود*
۳٦ وزنی نبیه بود حنّا نام دختر فَنُوئیل از سبط اَشِیر بسیار سالخورده که از زمان بکارت
۳۷ هفت سال با شوهر بسر برده بود* وقریب بهشتاد وچهار سال بود که او بیوه
کشته از هیکل جدا نمیشد بلکه شبانه روز بروزه ومناجات درعبادت مشغول
۳۸ میبود* او در همانساعت درآمده خدارا شکر نمود ودر بارهٔ او بهمهٔ منتظرین
۳۹ نجات در اورشلیم تکلّم نمود* وچون تمامئ رسوم شریعت خداوندرا بپایان
٤۰ برده بودند بشهرخود ناصرهٔ جلیل مراجعت کردند* وطفل نموّ کرده بروح قویّ
٤۱ میکشت واز حکمت پر شده فیض خدا بروی میبود* ووالدَین او هرساله
٤۲ بجهة عید فصح باورشلیم میرفتند* وچون دوازده ساله شد موافق رسم عید باورشلیم
٤۳ آمدند* وچون روزهارا تمام کرده مراجعت مینمودند آنطفل یعنی عیسی در
٤٤ اورشلیم توقّف نمود ویوسف ومادرش نمیدانستند* بلکه چون کمان میبردند که
او در قافله است سفر یکروزه کردند واورا درمیان خویشان وآشنایان خود
٤٥ ٤٦ میجستند* وچون اورا نیافتند درطلب او باورشلیم برکشتند* وبعد ازسه روز
اورا در هیکل یافتند که درمیان مُعلّمان نشسته سخنان ایشانرا میشنود واز ایشان
٤۷ سؤال همیکرد* وهرکه سخن اورا میشنید ازفهم وجوابهای او متحیّر میکشت*
٤۸ چون ایشان اورا دیدند مضطرب شدند پس مادرش بوی کفت ای فرزند چرا با
٤۹ ما چنین کردی اینك پدرت ومن غمناك کشته ترا جستجو میکردیم* او بایشان
کفت ازبهر چه مرا طلب میکردید مکر ندانسته اید که باید من در امور پدر خود
۵۰ ۵۱ باشم* ولی انسخنیرا که بدیشان کفت نفهمیدند* پس با ایشان روانه شده بناصره
آمد ومطیع ایشان میبود ومادر او تمامئ این اموررا در خاطر خود نکاه میداشت*
۵۲ وعیسی درحکمت وقامت ورضامندی نزد خدا ومردم ترقّی میکرد*

باب سوّم

۱ ودر سال پانزدهم از سلطنت طیباریوس قیصر در وقتیکه پنطیوس پیلاطُس
والئ یهودیّه بود وهیرودیس تیترارکِ جلیل وبرادرش فیلپّس تیترارکِ ایطوریّه ودیار

۲ تَراخُونِیتس ولیسانیوس تیترارکِ آبلیّه * وحَنّا وقیافا رؤسای کَهَنَه بودند کلام
۳ خدا به یحیی ابن زکریّا در بیابان نازلشده * بتمامیٔ حوالیٔ اُرْدُنّ آمده بتعمیدِ توبه بجهة
۴ آمرزش کناهان موعظه میکرد * چنانچه مکتوب است در صحیفهٔ کلمات اِشْعَیای نبیّ
که میکوید صدای نداکنندهٔ در بیابان که راه خداوندرا مهیّا سازید وطُرُق اورا
۵ راست نمائید * هر وادی انباشته وهرکوه وتلّی پست وهر کجی راست وهر راهِ
۶ ۷ ناهموار صاف خواهد شد * وتمامیٔ بشر نجات خدارا خواهند دید * آنکاه بآن
جماعتی که برای تعمید وی بیرون میآمدند کفت ای افعی زادکان که شمارا نشان
۸ داد که از غضب آینده بکریزید * پس ثمراتِ مناسب توبه بیاورید ودر خاطر
خود اینسخن‌را راه مدهید که ابراهیم پدر ماست زیرا بشما میکویم خدا قادر است
۹ که از این سنکها فرزندان برای ابراهیم برانکیزاند * والآن نیز تیشه بر ریشهٔ
درختان نهاده شده است پس هر درختی که میوهٔ نیکو نیاورد بریده ودر آتش
۱۰ ۱۱ افکنده میشود * پس مردم از وی سؤال نموده کفتند چه کنیم * او در جواب
ایشان کفت هرکه دو جامه دارد بآنکه ندارد بدهد وهرکه خوراك دارد نیز
۱۲ چنین کند * وباجکیران نیز برای تعمید آمده بدو کفتند ای استاد چه کنیم *
۱۳ ۱۴ بدیشان کفت زیادتر از آنچه مقرّر است مکیرید * سپاهیان نیز از او پرسیده کفتند
ما چه کنیم * بایشان کفت برکسی ظلم مکنید وبر هیچکس افتراء مزنید وبمواجب
۱۵ خود اکتفاء کنید * وهنکامیکه قوم مترصّد می بودند وهمه در خاطر خود در بارهٔ
۱۶ یحیی تفکّر مینمودند که این مسیح است یانه * یحیی بهمه متوجّه شده کفت من شمارا
بآب تعمید میدهم لیکن شخصی تواناتر از من میآید که لیاقت آن ندارم که بند نعلین
۱۷ اورا بازکنم او شمارا بروح القدس وآتش تعمید خواهد داد * او غربال خودرا
بدست خود دارد وخرمن خویشرا پاك کرده کندم‌را در انبار خود ذخیره خواهد
۱۸ نمود وکاه‌را در آتشی که خاموشی نمی پذیرد خواهد سوزانید * وبنصایح بسیار دیکر
۱۹ قوم‌را بشارت میداد * امّا هیرودیسِ تیترارك چون بسبب هیرودیا زن برادر
۲۰ او فیلیّس وسایر بدیهائیکه هیرودیس کرده بود از وی توبیخ یافت * اینرا نیز
۲۱ بر همه افزود که یحیی‌را در زندان حبس نمود * امّا چون تمامیٔ قوم تعمید یافته
۲۲ بودند وعیسی هم تعمید کرفته دعا میکرد آسمان شکافته شد * وروح القدس بهیئهٔ

جسمانی مانند کبوتری بر او نازل شد وآوازی از آسمان در رسید که تو پسر حبیب
٢٢ من هستی که بتو خوشنودم * وخود عیسی وقتیکه شروع کرد قریب بسی ساله بود
٢٣ وحسب کمان خلق پسر یوسف بن هالِی * بن متّات بن لاوی بن ملْکِی بن یَنّا ابن
٢٤ ٢٥ یوسف * بن متّاتِیا ابن آموس بن ناحوم بن حَسْلی ابن نجّی * بن مَأت بن متّاتِیا ابن
٢٦ شَمعِی ابن یوسف بن یهودا * ابن یوحَنّا ابن ریسا ابن زَروبابل بن سَأَلْتِیئیل بن
٢٧ ٢٨ نیرِی * ابن مَلْکی ابن اَدّی ابن قوسام بن اِیلْمودام بن عِیر * بن یوسی ابن ایلعاذَر
٢٩ بن یوریم بن مَتّات بن لاوی * ابن شَمْعون بن یهودا ابن یوسف بن یونان بن
٣٠ ٣١ ایلیاقیم * بن مَلیا ابن مِینان بن مَتّاتا ابن ناتان بن داود * بن یسی بن عوبید بن
٣٢ بوعز بن شَلْمون بن نَحْشون * بن عمِّیناداب بن آرام بن حَصْرُون بن فَارص بن
٣٣ ٣٤ یهودا * ابن یعقوب بن اسحق بن ابراهیم بن تارَح بن ناحور * بن سَرُوج بن رَعُو
٣٥ ابن فالَج بن عابَر بن صالَح * بن قِینان بن اَرْفَکْشاد بن سام بن نوح بن لامَك *
٣٦ ٣٧ بن مَتوشالَح بن خَنوخ بن یارَد بن مَهْلَلئیل بن قِینان * بن اَنوش بن شِیث بن آدم
بن الله *

باب چهارم

١ اما عیسی پُر از روح القدس بوده از اُرْدُنّ مراجعت کرد وروح اورا به بیابان
٢ برد * ومدّت چهل روز ابلیس اورا تجربه مینمود ودر آن ایّام چیزی نخورد چون
٣ تمام شد آخر کرسنه کردید * وابلیس بدو کفت اکر پسر خدا هستی این سنك را
٤ بکو تا نان کردد * عیسی در جواب وی کفت مکتوب است که انسان به نان
٥ فقط زیست نمیکند بلکه بهر کلمهٔ خدا * پس ابلیس اورا بکوهی بلند برده تمامیٔ
٦ ممالك جهانرا در لحظهٔ بدو نشان داد * وابلیس بدِو کفت جمیع این قدرت
٧ وحشمت آنهارا بتو میدهم زیراکه بمن سپرده شده است وبهرکه میخواهم میبخشم * پس
٨ اکر تو پیش من سجده کنی همه از آن تو خواهد شد * عیسی در جواب او کفت ای
شیطان مکتوب است خداوند خدای خودرا پرستش کن وغیر اورا عبادت
٩ منما * پس اورا باورشلیم برده بر کنکرهٔ هیکل قرار داد وبدو کفت اکر پسر خدا
١٠ هستی خودرا از اینجا بزیر انداز * زیرا مکتوب است که فرشتکان خودرا در بارهٔ
١١ تو حکم فرماید تا ترا محافظت کنند * وترا بدستهای خود بردارند مبادا پایت به

١٢ سنکی خورد* عیسی در جواب وی کفت که کفته شده است خداوند خدای
١٣ خودرا تجربه مکن* وچون ابلیس جمیع تجربه‌را به اتمام رسانید تا مدّتی از او جدا
١٤ شد* وعیسی بقوّت روح بجلیل برکشت وخبر او در تمامیٔ آن نواحی شهرت
١٥ ١٦ یافت* واو در کنایس ایشان تعلیم میداد وهمه اورا تعظیم میکردند* وبه ناصره
جائیکه پرورش یافته بود رسید وبحسب دستور خود در روز سبت بکنیسه در آمده
١٧ برای تلاوت برخاست* آنکاه صحیفهٔ اِشَعیاء نبیّ‌را بدو دادند وچون کتابرا
١٨ کشود موضعی‌را یافت که مکتوب است* روح خداوند بر منست زیراکه مرا
مسح کرد تا فقیرانرا بشارت دهم ومرا فرستاد تا شکسته دلانرا شفا بخشم واسیرانرا
١٩ برستکاری وکورانرا به بینائی موعظه کنم وتا کوبیدکانرا آزاد سازم* واز سال
٢٠ پسندیدهٔ خداوند موعظه کنم* پس کتابرا بهم پیچیده بخادم سپرد وبنشست وچشمان
٢١ همهٔ اهل کنیسه بروی دوخته میبود* آنکاه بدیشان شروع بکفتن کرد که امروز
٢٢ این نوشته در کوشهای شما تمام شد* وهمه بروی شهادت دادند واز سخنان فیض
آمیزی که از دهانش صادر میشد تعجّب نموده کفتند مکر این پسر یوسف نیست*
٢٣ بدیشان کفت هرآینه این مثل‌را بمن خواهید کفت ای طبیب خودرا شفا بده آنچه
٢٤ شنیده ایم که در کَفَرْناحوم از تو صادر شد اینجا نیز در وطن خویش بنما* وکفت
٢٥ هرآینه بشما میکویم که هیچ نبیّ در وطن خویش مقبول نباشد* وبتحقیق شمارا میکویم
که بسا بیوه زنان در اسرائیل بودند در ایام الیاس وقتی که آسمان مدّت سه سال
٢٦ وشش ماه بسته ماند چنانکه قحطی عظیم در تمامیٔ زمین پدید آمد* والیاس نزد
٢٧ هیچ کدام از ایشان فرستاده نشد مکر نزد بیوه زنی در صَرْفَهٔ صیدون* وبسا
ابرصان در اسرائیل بودند در ایّام اِلیشَع نبیّ واحدی از ایشان طاهر نکشت
٢٨ جز نَعمان سریانی* پس تمام اهل کنیسه چون این سخنان‌را شنیدند پُر از خشم
٢٩ کشتند* وبرخاسته اورا از شهر بیرون کردند وبر قلّهٔ کوهی که قریهٔ ایشان برآن
٣٠ بنا شده بود بردند تا اورا بزیر افکنند* ولی از میان ایشان کذشته برفت*
٣١ وبکَفَرْناحوم شهری از جلیل فرود شده در روزهای سبت ایشان را تعلیم میداد*
٣٢ واز تعلیم او در حیرت افتادند زیراکه کلام او با قدرت میبود*
٣٣ ودر کنیسه مردی بود که روح دیو خبیث داشت وبآواز بلند فریاد کنان میکفت*

۳٤ آه ای عیسیٔ ناصری مارا با تو چه کار است آیا آمدهٔ تا مارا هلاك سازی ۰ ترا میشناسم
۳٥ کیستی ای قدّوسِ خدا ٭ پس عیسی اُورا نهیب داده فرمود خاموش باش واز
وی بیرون آی ۰ درساعت دیو اورا درمیان انداخته ازاو بیرونشد وهیچ آسیبی
۳٦ بدو نرسانید ٭ پس حیرت بر همهٔ ایشان مستولی گشت ویکدیگررا مخاطب
ساخته گفتند این چه سخن است که اینشخص با قدرت وقوّت ارواح پلیدرا
۳۷ امر میکند وبیرون میآیند ٭ وشهرت او در هر موضعی ازآن حوالی پهن شد ٭
۳۸ واز کنیسه برخاسته بخانهٔ شمعون درآمد ومادر زن شمعون‌را تب شدیدی عارض
۳۹ شده بود برای او از وی التماس کردند ٭ پس بر سر وی آمده تب‌را نهیب داده
تب از او زایل شد ۰ در ساعت برخاسته بخدمتگذاریٔ ایشان مشغول شد ٭
٤۰ وچون آفتاب غروب میکرد همهٔ آنانیکه اشخاص مبتلا به انواع مرضها داشتند ایشانرا
٤۱ نزد وی آوردند وبهر یکی از ایشان دست گذارده شفا داد ٭ ودیوها نیز از
بسیاری بیرون میرفتند وصیحه زنان میگفتند که تو مسیح پسر خدا هستی وی ایشانرا
٤۲ قدغن کرده نگذاشت که حرف زنند زیراکه دانستند او مسیح است ٭ وچون روز
شد روانه شده بمکانی ویران رفت وگروهی کثیر درجستجوی او آمده نزدش رسیدند
٤۳ واورا باز میداشتند که از نزد ایشان نرود ٭ بایشان گفت مرا لازمست که
بشهرهای دیگر نیز بملکوت خدا بشارت دهم زیراکه برای همین کار فرستاده شده
٤٤ ام ٭ پس درکنایس جلیل موعظه مینمود ٭

باب پنجم

۱ وهنگامیکه گروهی بروی ازدحام مینمودند تا کلام خدارا بشنوند او بکنار
۲ دریاچهٔ جنیسارت ایستاده بود ٭ ودو زورق‌را درکنار دریاچه ایستاده دید که
۳ صیادان ازآنها بیرون آمده دامهای خودرا شست وشو مینمودند ٭ پس بیکی ازآن
دو زورق که مال شمعون بود سوار شده ازاو درخواست نمود که از خشکی اندکی
٤ دور ببرد پس در زورق نشسته مردم‌را تعلیم میداد ٭ وچون ازسخن گفتن فارغ
شد بشمعون گفت بمیانهٔ دریاچه بران ودامهای خودرا برای شکار بیندازید ٭
٥ شمعون درجواب وی گفت ای استاد تمام شب‌را رنج برده چیزی نگرفتیم لیکن

٦ بحکم تو دامرا خواهم انداخت * وچون چنین کردند مقداری کثیر از ماهی صید
٧ کردند چنانکه نزدیك بود دام ایشان کسسته شود * وبرفقای خود که در زورق
دیکر بودند اشاره کردند که آمده ایشانرا امداد کنند * پس آمده هر دو زورق‌را پر
٨ کردند بقسمیکه نزدیك بود غرق شوند * شمعون پطرس چون اینرا بدید بر پایهای
٩ عیسی افتاده کفت اخداوند از من دور شو زیرا مردی کناهکارم * چونکه بسبب
١٠ صید ماهی که کرده بودند دهشت بر او وهمهٔ رفقای وی مستولی شده بود * وهم
چنین نیز بر یعقوب و یوحنّا پسران زَبْدِی که شریك شمعون بودند * عیسی بشمعون
١١ کفت مترس پس از این مردمرا صید خواهی کرد * پس چون زورقهارا بکنار
١٢ آوردند همه‌را ترك کرده از عقب او روانه شدند * وچون او در شهری از
شهرها بود ناکاه مردی پر از برص آمده چون عیسی‌را بدید بروی در افتاد وازاو
١٣ درخواست کرده کفت خداوندا اکر خواهی میتوانی مرا طاهر سازی * پس او
دست آورده ویرا لمس نمود وکفت میخواهم طاهر شو که فورا برص از او زایل
١٤ شد * واورا قدغن کرد که هیچکس‌را خبر مده بلکه رفته خودرا بکاهن بنما وهدیهٔ
بجهة طهارت خود بطوریکه موسی فرموده است بکذران تا بجهة ایشان شهادتی
١٥ شود * لیکن خبر او بیشتر شهرت یافت وکروهی بسیار جمع شدند تا کلام اورا
١٦ بشنوند واز مرضهای خود شفا یابند * واو بویرانها عزلت جسته بعبادت مشغول
١٧ شد * روزی از روزها واقع شد که او تعلیم میداد وفریسیان وفقهاء که از همهٔ
بلدان جلیل ویهودیّه واورشلیم آمده نشسته بودند وقوّت خداوند برای شفای
١٨ ایشان صادر میشد * که ناکاه چند نفر شخصی مفلوج‌را بر بستری آوردند ومیخواستند
١٩ اورا داخل کنند تا پیش روی وی بکذارند * وچون بسبب انبوهیٔ مردم راهی
نیافتند که اورا بخانه در آورند بر پشت بام رفته اورا با تختش از میان سفالها در
٢٠ وسط پیش عیسی کذاردند * چون او ایمان ایشانرا دید بوی کفت ای مرد کناهان
٢١ تو آمرزیده شد * آنکاه کاتبان وفریسیان در خاطر خود تفکّر نموده کفتن کرفتند
این کیست که کفر میکوید جز خدا وبس کیست که بتواند کناهانرا بیامرزد *
٢٢ عیسی افکار ایشانرا درك نموده در جواب ایشان کفت چرا در خاطر خود تفکّر
٢٣ میکنید * کدام سهلتر است کفتن اینکه کناهان تو آمرزیده شد یا کفتن اینکه برخیز

٢٤ وبخرام* لیکن تا بدانید که پسر انسانرا استطاعت آمرزیدن کناهان برروی زمین
هست مفلوجرا کفت ترا میکویم برخیز وبستر خودرا برداشته بخانهٔ خود برو*
٢٥ درساعت برخاسته پیش ایشان آنچه برآن خوابیده بود برداشت وبخانهٔ خود خدارا
٢٦ حمد کنان روانه شد* وحیرت همهرا فرو کرفت وخدارا تمجید مینمودند وخوف
٢٧ برایشان مستولی شده کفتند امروز چیزهای عجیب دیدیم* از آن پس بیرون
رفته باجکیریرا که لاوی نام داشت برباجکاه نشسته دید اورا کفت ازعقب من
٢٨ بیا* درحال همه چیزرا ترك کرده برخاست ودرعقب وی روانه شد* ولاوی
٢٩
ضیافتی بزرك درخانهٔ خود برای او کرد وجمعی بسیار ازباجکیران ودیکران با
٣٠ ایشان نشستند* امّا کاتبان ایشان وفریسیان همهمه نموده بشاکردان او کفتند برایچه
٣١ با باجکیران وکناهکاران اکل وشرب میکنید* عیسی درجواب ایشان کفت
٣٢ تندرستان احتیاج بطبیب ندارند بلکه مریضان* ونیامده ام تا عادلان بلکه تا
٣٣ عاصیانرا بتوبه بخوانم* پس بوی کفتند ازچه سبب شاکردان یحیی روزهٔ بسیار
میدارند ونماز میخوانند وهمچنین شاکردان فریسیان نیز لیکن شاکردان تو اکل وشرب
٣٤ میکنند* بدیشان کفت آیا میتوانید پسران خانهٔ عروسیرا مادامیکه داماد با
٣٥ ایشان است روزه دار سازید* بلکه ایّامی میآید که داماد ازایشان کرفته شود آنکاه
٣٦ درآن روزها روزه خواهند داشت* ومَثَلی برای ایشان آورد که هیچ کس پارچهٔ
ازجامهٔ نورا برجامهٔ کهنه وصله نمیکند والّا آن نورا پاره کند ووصلهٔ که ازنو کرفته
٣٧ شد نیز درخور آن کهنه نَبُوَد* وهیچ کس شراب نورا درمشکهای کهنه نمیریزد
٣٨ والّا شراب نو مشکهارا پاره میکند وخودش ریخته ومشکها تباه میکردد* بلکه
٣٩ شراب نورا درمشکهای نو باید ریخت تا هر دو محفوظ بماند* وکسی نیست که
چون شراب کهنهرا نوشیده فی الفور نورا طلب کند زیرا میکوید کهنه بهتر است*

باب ششم

١ وواقع شد درسبت دوّم اوّلین که او ازمیان کشت زارها میکذشت وشاکردانش
٢ خوشهها میچیدند وبکف مالیده میخوردند* وبعضی ازفریسیان بدیشان کفتند چرا
٣ کاری میکنید که کردن آن درسبت جایز نیست* عیسی درجواب ایشان کفت

٤ ابا نخوانده اید آنچه داود ورفقایش کردند دروقتیکه کرسنه بودند* که چکونه
بخانهٔ خدا درآمده نان تقدّمه‌را کرفته بخورد و برفقای خود نیز داد که خوردن آن
٥ جز بکَهَنَه روا نیست* پس بدیشان کفت پسر انسان مالك روز سبت نیز هست*
٦ ودر سبت دیکر بکنیسه درآمده تعلیم میداد ودر آنجا مردی بود که دست راستش
٧ خشك بود* وکاتبان وفریسیان چشم براو میداشتند که شاید در سبت شفا دهد
٨ تا شکایتی براو یابند* او خیالات ایشان‌را درك نموده بدان مرد دست خشك
٩ کفت برخیز ودر میان بایست• درحال برخاسته بایستاد* عیسی بدیشان کفت
از شما چیزی میپرسم که درروز سبت کدام رواست نیکوئی کردن یا بدی رهانیدن
١٠ جان یا هلاك کردن* پس چشم خودرا برجمیع ایشان کردانیده بدو کفت دست
١١ خودرا دراز کن• او چنان کرد وفوراً دستش مثل دست دیکر صحیح کشت* امّا
١٢ ایشان ازحماقت پرکشته بیکدیکر میکفتند که با عیسی چه کنیم* ودر آنروزها
١٣ برفراز کوه برآمد تا عبادت کند وآنشب‌را درعبادت خدا بصبح آورد* وچون
روز شد شاکردان خودرا پیش طلبیده دوازده نفر از ایشان‌را انتخاب کرده ایشانرا
١٤ نیز رسول خواند* یعنی شمعون که اورا پطرس نیز نام نهاد وبرادرش اندریاس•
١٥ یعقوب ویوحنا• فیلپّس وبرتولما* متّی وتوما• یعقوب بن حلفی وشمعون معروف
١٦ ١٧ بغیور* یهودا برادر یعقوب ویهودای اسخریوطی که تسلیم کنندهٔ وی بود* وبا
ایشان بزیر آمده برجای هموار بایستاد وجمعی ازشاکردان وی وکروهی بسیار ازقوم
ازتمام یهودیّه واورشلیم وکنارهٔ دریای صور وصیدون آمدند تا کلام اورا بشنوند
١٨ واز امراض خود شفا یابند* وکسانیکه ازارواح پلید معذّب بودند شفا یافتند*
١٩ وتمام آن کروه میخواستند اورا لمس کنند زیرا قوّتی از وی صادر شده همه‌را صحّت
٢٠ میبخشید* پس نظر خودرا بشاکردان خویش افکنده کفت خوشا بحال شما ای
٢١ مساکین زیرا ملکوت خدا ازآن شما است* خوشا بحال شما که اکنون کرسنه اید
زیراکه سیر خواهید شد• خوشا بحال شما که الحال کریایید زیرا خواهید خندید*
٢٢ خوشا بحال شما وقتیکه مردم بخاطر پسر انسان ازشما نفرت کیرند وشمارا ازخود
٢٣ جدا سازند ودشنام دهند ونام شمارا مثل شریر بیرون کنند* درآنروز شاد باشید
ووجد نمائید زیرا اینك اجر شما درآسمان عظیم میباشد زیراکه بهمین طور پدران

٢٤ ایشان با انبیاء سلوك نمودند * لیکن وای برشما ای دولتمندان زیرا که تسلّیٔ خودرا
٢٥ یافته اید * وای برشما ای سیر شدکان زیرا کرسنه خواهید شد ۰ وای برشما که
٢٦ الآن خندانید زیراکه ماتم وکریه خواهید کرد * وای برشما وقتیکه جمیع مردم شمارا
٢٧ تحسین کنند زیرا همچنین پدران ایشان با انبیای کَذَبه کردند * لیکن ای شنوندکان
شمارا میکویم دشمنان خودرا دوست دارید و باکسانیکه ازشما نفرت کنند احسان
٢٨ کنید * وهرکه شمارا لعن کند برای او برکت بطلبید و برای هرکه با شما کینه دارد
٢٩ دعای خیر کنید * وهرکه بررخسار تو زند دیکری‌را نیز بسوی او بکردان وکسیکه
٣٠ ردای ترا بکیرد قبارا نیز ازاو مضایقه مکن * هرکه ازتو سؤال کند بدو بده وهرکه
٣١ مال ترا کبرد ازوی باز مخواه * وچنانکه میخواهید مردم با شما عمل کنند شما نیز
٣٢ بهمان طور با ایشان سلوك نمائید * زیرا اکر محبّان خودرا محبّت نمائید شمارا چه
٣٣ فضیلت است زیرا کناهکاران هم محبّان خودرا محبّت مینمایند * واکر احسان کنید
با هرکه بشما احسان کند چه فضیلت دارید چونکه کناهکاران نیز چنین میکنند *
٣٤ واکر قرض دهید بآنانیکه امید باز کرفتن از ایشان دارید شمارا چه فضیلت است
٣٥ زیرا کناهکاران نیز بکناهکاران قرض میدهند تا از ایشان عوض کیرند * بلکه
دشمنان خودرا محبّت نمائید واحسان کنید وبدون امید عوض قرض دهید زیراکه
اجر شما عظیم خواهد بود وپسران حضرت اعلی خواهید بود چونکه او با ناسپاسان
٣٦ وبدکاران مهربان است * پس رحیم باشید چنانکه پدر شما نیز رحیم است *
٣٧ داوری مکنید تا برشما داوری نشود وحکم مکنید تا برشما حکم نشود وعفو کنید تا
٣٨ آمرزیده شوید * بدهید تا بشما داده شود زیرا پیمانهٔ نیکوی افشرده وجنبانیده ولبریز
شده‌را دردامن شما خواهند کذارد زیراکه بهمان پیمانهٔ که می پیمائید برای شما پیموده
٣٩ خواهد شد * پس برای ایشان مَثَلی زد که آیا میتواند کور کوررا رهنمائی کند آیا
٤٠ هر دو درحفرهٔ نیافتند * شاکرد ازمعلّم خویش بهتر نیست لیکن هرکه کامل شده
٤١ باشد مثل استاد خود بُوَد * وچرا خسیرا که درچشم برادر تو است میبینی
٤٢ وچوبی‌راکه درچشم خود داری نمیابی * وچکونه بتوانی برادر خودرا کوئی ای
برادر اجازت ده تا خس‌را ازچشم تو برآورم وچوبیرا که درچشم خود داری نمی
بینی ۰ ای ریاکار اوّل چوبرا ازچشم خود بیرون کن آنکاه نیکو خواهی دید تا

۴۳ خس را ازچشم برادر خود برآوری * زیرا هیچ درخت نیکو میوهٔ بد بار نیاورد ونه
۴۴ درخت بد میوهٔ نیکو آورد * زیراکه هر درخت ازمیوه‌اش شناخته میشود * ازخار
۴۵ انجیررا نمیابند واز بوته انکوررا نمی چینند * آدم نیکو از خزینهٔ خوب دل خود
چیز نیکو برمیاورد وشخص شریر از خزینهٔ بد دل خویش چیز بد بیرون میاورد
۴۶ زیراکه اززیادتیٔ دل زبان سخن میکوید * وچون است که مرا خداوندا خداوندا
۴۷ میکوئید وآنچه میکویم بعمل نمیاورید * هرکه نزد من آید وسخنان مرا شنود وانهارا
۴۸ بجا آورد شمارا نشان میدهم که بچه کس مشابهت دارد * مثل شخصی است که خانهٔ
میساخت وزمین‌را کنده کود نمود وبنیادش‌را برسنك نهاد پس چون سیلاب آمده
سیل برآنخانه زور آورد نتوانست آنرا جنبش دهد زیراکه برسنك بنا شده بود *
۴۹ لیکن هرکه شنید وعمل نیاورد مانند شخصی است که خانهٔ برروی زمین بی‌بنیاد بنا
کرد که چون سیل برآن صدمه زد فورا افتاد وخرابیٔ آنخانه عظیم بود *

باب هفتم

۱ وچون همهٔ سخنان خودرا بسمع خلق به‌اتمام رسانید وارد کفرناحوم شد *
۲ ۳ ویوزباشیٔ‌را غلامی که عزیز او بود مریض ومشرف برموت بود * چون خبر
عیسی‌را شنید مشایخ یهودرا نزد وی فرستاده ازاو خواهش کرد که آمده غلام اورا
۴ شفا بخشد * ایشان نزد عیسی آمده به‌الحاح نزد او التماس کرده کفتند مستحقّ است
۵ که این احسانرا برایش بجا آوری * زیرا قوم مارا دوست میدارد وخود برای ما
۶ کنیسه‌را ساخت * پس عیسی با ایشان روانه شد وچون نزدیك بخانه رسید
یوزباشی چند نفر از دوستان خودرا نزد او فرستاده بدو کفت خداوندا زحمت
۷ مکش زیرا لایق آن نیستم که زیر سقف من درآئی * واز این سبب خودرا لایق آن
۸ ندانستم که نزد تو آیم بلکه سخنی بکو تا بندهٔ من صحیح شود * زیراکه من نیز شخصی
هستم زیر حکم ولشکریان زیر دست خود دارم چون بیکی کویم برو میرود وبدیکری
۹ بیا میآید وبغلام خود اینرا بکن میکند * چون عیسی اینرا شنید تعجّب نموده بسوی
آنجماعتیکه ازعقب او میآمدند روی کردانیده کفت بشما میکویم چنین ایمانی دراسرائیل
۱۰ ۱۱ هم نیافته‌ام * پس فرستادکان بخانه برکشته آنغلام بیماررا صحیح یافتند * ودو

روز بعد بشهری مسمّی به‌نائین میرفت وبسیاری از شاکردان او وکروهی عظیم
۱۲ همراهش میرفتند * چون نزدیك بدروازهٔ شهر رسید ناکاه میّتی‌را که پسر یکانهٔ
۱۳ بیوه زنی بود میبردند وانبوهی کثیر از اهل شهر با وی میآمدند * چون خداوند
۱۴ اورا دید دلش براو بسوخت وبوی کفت کریان مباش * ونزدیك آمن تابوت‌را
۱۵ لمس نمود وحاملان آن بایستادند پس کفت ای جوان ترا میکویم برخیز * درساعت
۱۶ آنمرده راست بنشست وسخن کفتن آغاز کرد واورا بمادرش سپرد * پس خوف همه‌را
فرا کرفت وخدارا تمجید کنان میکفتند که نبیٔ بزرك درمیان ما مبعوث شن وخدا
۱۷ از قوم خود تفقّد نموده است * پس این خبر دربارهٔ او درتمام یهودیّه وجمیع آن
۱۸ مرزوبوم منتشر شد * وشاکردان یحیی اورا ازجمیع اینوقایع مطّلع ساختند * پس
۱۹ یحیی دو نفر ازشاکردان خودرا طلبین نزد عیسی فرستاده عرض نمود که آیا تو آن
۲۰ آینن هستی یا منتظر دیکری باشیم * آن دو نفر نزد وی آمن کفتند یحییٔ تعمید دهنن
مارا نزد تو فرستاده میکوید آیا تو آن آینن هستی یا منتظر دیکری باشیم *
۲۱ درهمانساعت بسیاریرا از مرضها وبلایا وارواح پلید شفا داد وکوران بسیاریرا
۲۲ بینائی بخشید * عیسی درجواب ایشان کفت بروید ویحیی‌را از آنچه دین وشنین
اید خبر دهید که کوران بینا ولنکان خرامان وابرصان طاهر وکرّان شنوا ومردکان
۲۳ زنن میکردند وبفقراء بشارت داده میشود * وخوشا بحال کسیکه درمن لغزش
۲۴ نخورد * وچون فرستادکان یحیی رفته بودند دربارهٔ یحیی بدان جماعت آغاز سخن
نهاد که برای دیدن چه چیز بصحرا بیرون رفته بودید آیا نئ‌را که از باد درجنبش
۲۵ است * بلکه بجهة دیدن چه بیرون رفتید آیا کسی‌را که بلباس نرم ملبّس باشد
اینك آنانیکه لباس فاخر میپوشند وعیّاشی میکنند درقصرهای سلاطین هستند *
۲۶ پس برای دیدن چه رفته بودید آیا نبیٔ‌را. بلی بشما میکویم کسی‌را که از نبیّ هم
۲۷ بزرکتر است * زیرا این است آنکه دربارهٔ وی مکتوب است اینك من رسول
۲۸ خودرا پیش روی تو میفرستم تا راه ترا پیش تو مهیّا سازد * زیراکه شمارا می کویم
از اولاد زنان نبیٔ بزرکتر از یحییٔ تعمید دهنن نیست لیکن آنکه درملکوت خدا
۲۹ کوچکتر است از وی بزرکتر است * وتمام قوم وباجکیران چون شنیدند خدارا
۳۰ تمجید کردند زیراکه تعمید ازیحیی یافته بودند * لیکن فریسیان وفقهاء ارادهٔ خدارا

۳۱ ازخود ردّ نمودند زیراکه ازوی تعمید نیافته بودند* آنکاه خداوند کفت مردمان
۳۲ این طبقه‌را بچه تشبیه کنم ومانند چه میباشند* اطفالیرا میمانند که دربازارها نشسته
یکدیکررا صدا زده میکویند برای شما نواختیم رقص نکردید ونوحه کری کردیم کریه
۳۳ نمودید* زیراکه یحییٔ تعمید دهنده آمد که نه نان میخورد ونه شراب میاشامید
۳٤ میکوئید دیو دارد* پسر انسان آمد که میخورَد ومیاشامد میکوئید اینك مردیست
۳۵ پُرخور وباده پرست ودوست باجکیران وکناهکاران* امّا حکمت ازجمیع فرزندان
۳٦ خود مصدَّق میشود* ویکی از فریسیان ازاو وعده خواست که با او غذا
۳۷ خورد پس بخانهٔ فریسی درآمده بنشست* که ناکاه زنی که درآنشهر کناهکار بود
۳۸ چون شنید که درخانهٔ فریسی بغذا نشسته است شیشهٔ ازعطر آورده* درپشت
سر او نزد پایهایش کریان بایستاد وشروع کرد بشستن پایهای او به‌اشك خود
وخشکانیدن آنها بموی سر خود وپایهای ویرا بوسیده آنهارا بعطر تدهین کرد*
۳۹ چون فریسیٔ که ازاو وعده خواسته بود اینرا بدید با خود میکفت که اینشخص اکر
نبیّ بودی هرآینه دانستی که این کدام وچکونه زن است که اورا لمس میکند زیرا
٤۰ کناهکاریست* عیسی جواب داده بوی کفت ای شمعون چیزی دارم که بتو کویم*
٤۱ کفت ای استاد بکو* کفت طلبکاریرا دو بدهکار بود که ازیکی پانصد وازدیکری
٤۲ پنجاه دینار طلب داشتی* چون چیزی نداشتند که ادا کنند هر دورا بخشید*
٤۳ بکو کدام یك ازآن دو اورا زیادتر محبّت خواهد نمود* شمعون درجواب کفت
٤٤ کمان میکنم آنکه اورا زیادتر بخشید بوی کفت نیکو کفتی* پس بسوی آن زن
اشاره نموده بشمعون کفت این زنرا نمی بینی* بخانهٔ تو آمدم آب بجهة پایهای من
نیاوردی ولی این زن پایهای مرا به‌اشکها شست وبمویهای سر خود آنهارا خشك
٤۵ کرد* مرا نبوسیدی لیکن این زن ازوقتیکه داخل شدم ازبوسیدن پایهای من باز
٤٦ نه ایستاد* سر مرا بروغن مسح نکردی لیکن او پایهای مرا بعطر تدهین کرد*
٤۷ ازاین جهة بتو میکویم کناهان او که بسیار است آمرزیده شد زیراکه محبّت بسیار نموده
٤۸ است لیکن آنکه آمرزش کمتر یافت محبّت کمتر مینماید* پس بآن زن کفت کناهان
٤۹ تو آمرزیده شد* واهل مجلس درخاطر خود تفکّر آغاز کردند که این کیست که کناهانرا
۵۰ هم میآمرزد* پس بآن زن کفت ایمانت ترا نجات داده است بسلامتی روانه شو*

باب هشتم

۱ وبعد ازآن واقع شد که او درهر شهری ودهی کشته موعظه مینمود وبملکوت خدا
۲ بشارت میداد وآن دوازده با وی میبودند* وزنان چند که ازارواح پلید ومرضها
شفا یافته بودند یعنی مریم معروف بمَجْدَلِیّه که ازاو هفت دیو بیرون رفته بودند*
۳ ویونا زوجهٔ خوزا ناظر هیرودیس وسُوسَن وبسیاری اززنان دیکر که ازاموال
۴ خود اورا خدمت میکردند* وچون کروهی بسیار فراهم میشدند وازهر شهر
۵ نزد او میامدند مَثَلی آورده کفت* که برزکری بجهة تخم کاشتن بیرون رفت و
وقتیکه تخم میکاشت بعضی برکنارهٔ راه ریخته شد وپایمال شده مرغان هوا آنرا
۶ خوردند* وپارهٔ برسنکلاخ افتاده چون روئید ازآنجهة که رطوبتی نداشت خشك
۷ کردید* وقدری درمیان خارها افکنده شد که خارها با آن نموّ کرده آنرا خفه نمود*
۸ وبعضی درزمین نیکو پاشیده شده روئید وصد چندان ثمرآورد چون این بکفت ندا
۹ درداد هرکه کوش شنوا دارد بشنود* پس شاکردانش ازاو سؤال نموده کفتند
۱۰ که معنئ این مَثَل چیست* کفت شمارا دانستن اسرار ملکوت خدا عطا شده
۱۱ است ولیکن دیکرانرا بواسطهٔ مَثَلها تا نکریسته نبینند وشنیده درك نکنند* امّا مَثَل
۱۲ این است که تخم کلام خداست* وآنانیکه درکنار راه هستند کسانی میباشند که
چون میشنوند فورًا ابلیس آمده کلامرا ازدلهای ایشان میرباید مبادا ایمان آورده
۱۳ نجات یابند* وآنانیکه برسنکلاخ هستند کسانی میباشند که چون کلامرا میشنوند
آنرا بشادی میپذیرند واینها ریشه ندارند پس تا مدّتی ایمان میدارند ودروقت
۱۴ آزمایش مرتدّ میشوند* امّا آنچه درخارها افتاد اشخاصی میباشند که چون شنوند
میروند واندیشه‌های روزکار ودولت ولذّات آن ایشانرا خفه میکند وهیچ میوه
۱۵ بکمال نمیرسانند* امّا آنچه درزمین نیکو واقع کشت کسانی میباشند که کلامرا بدل
۱۶ راست ونیکو شنیده آنرا نکاه میدارند وبا صبر ثمر میآورند* وهیچ کس چراغرا
افروخته آنرا زیر ظرفی یا تختی پنهان نمیکند بلکه برچراغدان میکذارد تا هرکه
۱۷ داخل شود روشنیرا به بیند* زیرا چیزی نهان نیست که ظاهر نکردد ونه مستور
۱۸ که معلوم وهویدا نشود* پس احتیاط نمائید که بچه طور میشنوید زیرا هرکه دارد

بدو داده خواهد شد وازآنکه ندارد آنچه کمان هم میبرد که دارد ازاو کرفته خواهد
١٩ شد* ومادر وبرادران او نزد وی آمده بسبب ازدحام خلق نتوانستند اورا
٢٠ ملاقات کنند* پس اورا خبر داده کفتند مادر وبرادرانت بیرون ایستاده میخواهند
٢١ ترا به بینند* درجواب ایشان کفت مادر وبرادران من اینانند که کلام خدارا
٢٢ شنیده آنرا بجا میاورند* روزی ازروزها او با شاکردان خود بکشتی سوار
شده بایشان کفت بسوی آن کنار درياچه عبور بکنیم پس کشتی‌را حرکت دادند*
٢٣ وچون میرفتند خواب اورا دررېود که ناکاه طوفان باد بردرياچه فرود آمد بحدّیکه
٢٤ کشتی ازآب پر میشد وایشان درخطر افتادند* پس نزد او آمده اورا بیدار کرده
کفتند استادا استادا هلاك میشویم• پس برخاسته باد وتلاطم آب‌را نهیب داد تا
٢٥ ساکن کشت وآرامی پدید آمد* پس بایشان کفت ایمان شما کجا است ایشان ترسان
ومتعجّب شده با یك دیکر میکفتند که این چه طور آدمیست که بادها وآب‌را هم امر
٢٦ میفرماید واطاعت او میکنند* وبزمین جَدَرِیان که مقابل جَلِیل است
٢٧ رسیدند* چون بخشکی فرود آمد ناکاه شخصی ازآنشهر که ازمدّت مدیدی دیوها
داشتی ورخت نپوشیدی ودر خانه نماندی بلکه درقبرها منزل داشتی دوچار وی
٢٨ کردید* چون عیسی‌را دید نعره زد وپیش او افتاده بآواز بلند کفت ای عیسی پسر
٢٩ خدایتعالی مرا با تو چه کار است ازتو التماس دارم که مرا عذاب ندهی* زیراکه
روح خبیث‌را امر فرموده بود که ازآنشخص بیرون آید چونکه بارها اورا کرفته بود
چنانکه هرچند اورا بزنجیرها وکندها بسته نکاه میداشتند بندهارا میکسیخت ودیو
٣٠ اورا بصحرا میراند* عیسی ازاو پرسیده کفت نام تو چیست کفت لَجَئُون زیراکه
٣١ دیوهای بسیار داخل او شده بودند* وازاو استدعا کردند که ایشانرا نفرماید که
٣٢ به هاویه روند* ودرآن نزدیکی کلهٔ کراز بسیاری بودند که درکوه میچریدند• پس
ازاو خواهش نمودند که بدیشان اجازت دهد تا درآنها داخل شوند پس ایشانرا
٣٣ اجازت داد* ناکاه دیوها ازآن آدم بیرون شده داخل کرازان کشتند که آن کله
٣٤ ازبلندی به درياچه جسته خفه شدند* چون کرازبانان ماجرارا دیدند فرار کردند
٣٥ ودر شهر واراضیٔ آن شهرت دادند* پس مردم بیرون آمده تا آن واقعه‌را به بینند
نزد عیسی رسیدند وچون آن آدمی را که ازاو دیوها بیرون رفته بودند دیدند که نزد

۳۶ پایهای عیسی رخت پوشیده وعاقل کشته نشسته است ترسیدند* وآنانیکه اینرا
۳۷ دیده بودند ایشانرا خبر دادند که آن دیوانه چه طور شفا یافته بود* پس تمام
خلق مرزوبوم جَدَرِیان از او خواهش نمودند که از نزد ایشان روانه شود زیرا
خوفی شدید برایشان مستولی شده بود پس او بکشتی سوار شده مراجعت نمود*
۳۸ امّا آنشخصی که دیوها از وی بیرون رفته بودند از او درخواست کرد که با وی
۳۹ باشد لیکن عیسی اورا روانه فرموده کفت* بخانهٔ خود برکرد وآنچه خدا با تو کرده
است حکایت کن پس رفته در تمام شهر از آنچه عیسی بدو نموده بود موعظه کرد*
۴۰ وچون عیسی مراجعت کرد خلق اورا پذیرفتند زیرا جمیع مردم چشم براه او
۴۱ میداشتند* که ناکاه مردی یائِرُس نام که رئیس کنیسه بود بپایهای عیسی افتاده
۴۲ باو التماس نمود که بخانهٔ او بیاید* زیراکه اورا دختر یکانهٔ قریب بدوازده ساله
۴۳ بود که مشرف برموت بود وچون میرفت خلق براو ازدحام مینمودند* ناکاه زنی
که مدّت دوازده سال به‌استحاضه مبتلا بود وتمام مایملك خودرا صرف اطبّاء نموده
۴۴ وهیچ کس نمیتوانست اورا شفا دهد* از پشت سر وی آمده دامن ردای اورا
۴۵ لمس نمود که در ساعت جریان خونش ایستاد* پس عیسی کفت کیست که مرا
لمس نمود• چون همه انکار کردند پطرس ورفقایش کفتند ای استاد مردم هجوم آورده
۴۶ برتو ازدحام میکنند ومیکوئی کیست که مرا لمس نمود* عیسی کفت البتّه کسی مرا
۴۷ لمس نموده است زیراکه من درك کردم که قوّتی از من بیرون شد* چون آن زن
دید که نمیتواند پنهان ماند لرزان شده آمد ونزد وی افتاده پیش همهٔ مردم کفت که
۴۸ بچه سبب اورا لمس نمود وچکونه فورًا شفا یافت* ویرا کفت ای دختر خاطر
۴۹ جمع دار ایمانت ترا شفا داده است بسلامتی برو* واین سخن هنوز برزبان او
بود که یکی از خانهٔ رئیس کنیسه آمده بوی کفت دخترت مرد دیکر استادرا زحمت
۵۰ مده* چون عیسی اینرا شنید توجّه نموده بوی کفت ترسان مباش ایمان آور وبس
۵۱ که شفا خواهد یافت* وچون داخل خانه شد جز پطرس ویوحنّا ویعقوب
۵۲ وپدر ومادر دختر هیچکسرا نکذاشت که به‌اندرون آید* وچون همه برای او
۵۳ کریه وزاری میکردند او کفت کریان مباشید نه مرده بلکه خفته است* پس
۵۴ باو استهزاء کردند چونکه میدانستند که مُرده است* پس او همه‌را بیرون کرد

٥٥ ودست دخترراکرفته صدا زد وکفت ای دختر برخیز* وروح او برکشت وفورًا
٥٦ برخاست پس عیسی فرمود تا بوی خوراك دهند* وپدر ومادر او حیران شدند
پس ایشانرا فرمود که هیچ کسرا از این ماجرا خبر ندهند*

باب نهم

١ پس دوازده شاکرد خودرا طلبیده بایشان قوّت وقدرت بر جمیع دیوها وشفا
٢ دادن امراض عطا فرمود* وایشانرا فرستاد تا بملکوت خدا موعظه کنند
٣ ومریضان‌را صحّت بخشند* وبدیشان‌کفت هیچ چیز بجهة راه برمدارید نه عصاء
٤ ونه توشه دان ونه نان ونه پول ونه برای یکنفر دو جامه* وبهر خانهٔ که داخل
٥ شوید همانجا بمانید تا از آن موضع روانه شوید* وهرکه شمارا نپذیرد وقتیکه از آن
شهر بیرون شوید خاك پایهای خودرا نیز بیفشانید تا برایشان شهادتی شود*
٦ پس بیرون شده در دهات میکشتند وبشارت میدادند ودر هرجا صحّت
٧ میبخشیدند* امّا هیرودیس تیترارك چون خبر تمام این وقایع‌را شنید مضطرب
٨ شد زیرا بعضی میکفتند که یحیی از مردکان برخاسته است* وبعضی که الیاس
٩ ظاهر شده ودیکران که یکی از انبیای پیشین برخاسته است* امّا هیرودیس کفت
سر یحیی‌را از تنش من جدا کردم ولی این کیست که در بارهٔ او چنین خبر میشنوم
١٠ وطالب ملاقات وی میبود* وچون رسولان مراجعت کردند آنچه کرده بودند
بدو باز کفتند پس ایشانرا برداشته بویرانهٔ نزدیك شهری که بیت صیدا نام داشت
١١ بخلوت رفت* امّا کروهی بسیار اطّلاع یافته در عقب وی شتافتند پس ایشانرا
پذیرفته ایشانرا از ملکوت خدا اعلام مینمود وهرکه احتیاج به معالجه می داشت
١٢ صحّت میبخشید* وچون روز رو بزوال نهاد آن دوازده نزد وی آمده کفتند
مردمرا مرخّص فرما تا بدهات واراضئ اینحوالی رفته منزل وخوراك برای خویشتن
١٣ پیدا نمایند زیرا که در اینجا در صحرا میباشیم* او بدیشان کفت شما ایشانرا غذا
دهید* کفتند مارا جز پنج نان ودو ماهی نیست مکر برویم وبجهة جمیع این کروه
١٤ غذا بخریم* زیرا قریب به پنجهزار مرد بودند پس بشاکردان خود کفت که
١٥ ایشانرا پنجاه پنجاه دسته دسته بنشانند* ایشان همچنین کرده همه‌را نشانیدند*

۱۶ پس آن پنج نان ودو ماهی‌را کرفته بسوی آسمان نکریست وآنهارا برکت داده پاره
۱۷ نمود و بشاکردان خود داد تا پیش مردم کذارند ✡ پس همه خورده سیر شدند
۱۸ ودوازده سبد پر از پارهای باقی مانده برداشتند ✡ وهنکامیکه او بتنهائی دعا
میکرد وشاکردانش همراه او بودند از ایشان پرسیده کفت مردم مرا که میدانند ✡
۱۹ در جواب کفتند یحیئ تعمید دهنده وبعضی الیاس ودیکران میکویند که یکی از
۲۰ انبیای پیشین برخاسته است ✡ بدیشان کفت شما مرا که میدانید پطرس درجواب
۲۱ کفت مسیح خدا ✡ پس ایشانرا قدغن بلیغ فرمود که هیچ کسرا از این اطّلاع
۲۲ مدهید ✡ وکفت لازمست که پسر انسان زحمت بسیار بیند واز مشایخ ورؤسای
۲۳ کَهَنَه وکاتبان ردّ شده کشته شود وروز سیّم برخیزد ✡ پس بهمه کفت اکر کسی
بخواهد مرا پیروی کند میباید نفس خودرا انکار نموده صلیب خودرا هر روزه بر
۲۴ دارد ومرا متابعت کند ✡ زیرا هرکه بخواهد جان خودرا خلاصی دهد آنرا هلاك
۲۵ سازد وهرکس جان خودرا بجهة من تلف کرد آنرا نجات خواهد داد ✡ زیرا
انسانرا چه فائده دارد که تمام جهانرا ببرد ونفس خودرا برباد دهد یا آنرا زیان
۲۶ رساند ✡ زیرا هرکه از من وکلام من عار دارد پسر انسان نیز وقتیکه در جلال
۲۷ خود وجلال پدر وملائکهٔ مقدّسه آید از او عار خواهد داشت ✡ لیکن هرآینه بشما
میکویم که بعضی ازحاضرین در اینجا هستند که تا ملکوت خدارا نه بینند ذائقهٔ موترا
۲۸ نخواهند چشید ✡ واز این کلام قریب بهشت روز کذشته بود که پطرس ویوحنّا
۲۹ ویعقوب‌را برداشته برفراز کوهی برآمد تا دعا کند ✡ وچون دعا میکرد هیأت
۳۰ چهرهٔ او متبدّل کشت ولباس او سفید ودرخشان شد ✡ که ناکاه دو مرد یعنی
۳۱ موسی والیاس با وی ملاقات کردند ✡ وبهیأت جلالی ظاهر شده دربارهٔ رحلت
۳۲ او که میبایست بزودی در اورشلیم واقع شود کفتکو میکردند ✡ امّا پطرس
ورفقایشرا خواب در ربود پس بیدار شده جلال او وآن دو مردرا که با وی بودند
۳۳ دیدند ✡ وچون آن دو نفر از او جدا میشدند پطرس بعیسی کفت که ای استاد
بودن ما در اینجا خوبست پس سه سایبان بسازیم یکی برای تو ویکی برای موسی
۳۴ ودیکری برای الیاس زیرا که نمیدانست چه میکفت ✡ واینسخن هنوز برزبانش
میبود که ناکاه ابری پدیدار شده برایشان سایه افکند وچون داخل ابر میشدند

۳۵ ترسان گردیدند * آنگاه صدای از ابر بر آمد که این است پسر حبیب من اورا
۳۶ بشنوید * وچون این آواز رسید عیسی را تنها یافتند وایشان ساکت ماندند واز
۳۷ آنچه دیده بودند هیچ کسرا در آن ایّام خبر ندادند * ودر روز بعد چون ایشان
۳۸ از کوه بزیر آمدند گروهی بسیار اورا استقبال نمودند * که ناگاه مردی از آن
میان فریاد کنان گفت ای استاد بتو التماس میکنم که بر پسر من لطف فرمائی زیرا
۳۹ یگانهٔ من است * که ناگاه روحی اورا میگیرد ودفعةً صیحه میزند وکف کرده
۴۰ مصروع میشود واورا فشرده بدشواری رها میکند * واز شاگردانت درخواست
۴۱ کردم که اورا بیرون کنند نتوانستند * عیسی در جواب گفت ای فرقهٔ بی ایمان
۴۲ کج رَوِش تا کی با شما باشم ومتحمّل شما گردم پسر خودرا اینجا بیاور * وچون او
میآمد دیو اورا دریده مصروع نمود امّا عیسی آنروح خبیث را نهیب داده طفل را
۴۳ شفا بخشید وبه پدرش سپرد * وهمه از بزرگئ خدا متحیّر شدند و وقتیکه همه از
۴۴ تمام اعمال عیسی متعجّب شدند بشاگردان خود گفت * این سخنانرا درگوشهای
۴۵ خود فرا گیرید زیرا که پسر انسان بدستهای مردم تسلیم خواهد شد * ولی این
سخنرا درك نکردند واز ایشان مخفی داشته شد که آنرا نه فهمند وترسیدند که آنرا
۴۶ ازوی بپرسند * ودرمیان ایشان مباحثه شد که کدام یك از ما بزرگتر است *
۴۷ عیسی خیال دل ایشانرا ملتفت شده طفلی بگرفت واورا نزد خود برپا داشت *
۴۸ وبایشان گفت هرکه این طفلرا بنام من قبول کند مرا قبول کرده باشد وهرکه
مرا پذیرد فرستندهٔ مرا پذیرفته باشد زیرا هرکه از جمیع شما کوچکتر باشد همان
۴۹ بزرگ خواهد بود * یوحنّا جواب داده گفت ای استاد شخصیرا دیدیم که بنام تو
دیوهارا اخراج میکند واورا منع نمودیم از آنرو که پیروئ ما نمیکند * عیسی بدو
۵۰ گفت اورا ممانعت مکنید زیرا هرکه ضدّ شما نیست با شماست * وچون
۵۱ روزهای صعود او نزدیك میشد روی خودرا بعزم ثابت بسوی اورشلیم نهاد *
۵۲ پس رسولان پیش از خود فرستاده ایشان رفته ببلدی از بلاد سامریان وارد گشتند
۵۳ تا برای او تدارك بینند * امّا اورا جای ندادند از آنرو که عازم اورشلیم میبود *
۵۴ وچون شاگردان او یعقوب ویوحنّا اینرا دیدند گفتند ای خداوند آیا میخواهی
۵۵ بگوئیم که آتش از آسمان باریده اینهارا فرو گیرد چنانکه الیاس نیز کرد * آنگاه

۵۶ روی کردانیده بدیشان کفت نمیدانید که شما ازکدام نوع روح هستید * زیرا که
پسر انسان نیامده است تا جان مردمرا هلاك سازد بلکه تا نجات دهد پس بقریهٔ
۵۷ دیکر رفتند * وهنکامیکه ایشان میرفتند در اثنای راه شخصی بدو کفت خداوندا
۵۸ هرجا روی ترا متابعت کنم * عیسی بوی کفت روباهانرا سوراخها است ومرغان
۵۹ هوا را آشیانها لیکن پسر انسانرا جای سر نهادن نیست * وبدیکری کفت از
عقب من بیا • کفت خداوندا اوّل مرا رخصت ده تا بروم پدر خودرا دفن کنم *
۶۰ عیسی ویرا کفت بکذار مردکان مردکانِ خودرا دفن کنند امّا تو برو وبملکوت
۶۱ خدا موعظه کن * وکسی دیکر کفت خداوندا ترا پیروی میکنم لیکن اوّل
۶۲ رخصت ده تا اهل خانهٔ خودرا وداع نمایم * عیسی ویرا کفت کسیکه دست را
بشخم زدن درازکرده از پشت سر نظرکند شایستهٔ ملکوت خدا نمیباشد *

باب دهم

۱ وبعد ازاین امور خداوند هفتاد نفر دیکر را نیز تعیین فرموده ایشانرا جفت
۲ جفت پیش روی خود بهر شهری وموضعیکه خود عزیمت آن داشت فرستاد * پس
بدیشان کفت حصاد بسیار است وعمله کم پس از صاحب حصاد درخواست
۳ کنید تا عملهها برای حصاد خود بیرون نماید * بروید اینك من شمارا چون
۴ برهها درمیان کرکان میفرستم * وکیسه وتوشهدان وکفشها با خود برمدارید
۵ وهیچکس را در راه سلام منمائید * ودر هر خانهٔ که داخل شوید اوّل کوئید سلام
۶ برین خانه باد * پس هرکاه ابن السّلام درآنخانه باشد سلام شما برآن قرار کیرد
۷ والّا بسوی شما راجع شود * ودر آنخانه توقّف نمائید واز آنچه دارند بخورید
۸ وبیاشامید زیراکه مزدور مستحقّ اجرت خود است وازخانه بخانه نقل مکنید * ودر
۹ هر شهری که رفتید وشمارا پذیرفتند ازآنچه پیش شما کذارند بخورید * ومریضان
۱۰ آنجارا شفا دهید وبدیشان کوئید ملکوت خدا بشما نردیك شده است * لیکن درهر
۱۱ شهری که رفتید وشمارا قبول نکردند بکوچههای آنشهر بیرون شده بکوئید * حتّی
خاکیکه ازشهر شما برما نشسته است برشما میافشانیم لیکن اینرا بدانید که ملکوت
۱۲ خدا بشما نزدیك شده است * وبشما میکویم که حالت سدوم درآنروز ازحالت

۱۳ آنشهر سهلتر خواهد بود* وای بر تو ای خورَزین، وای بر تو ای بیت صیدا
زیرا اگر معجزاتیکه در شما ظاهر شد در صور وصیدون ظاهر میشد هرآینه مدّتی
۱۴ در پلاس وخاکستر نشسته توبه میکردند* لیکن حالت صور وصیدون در روز
۱۵ جزا از حال شما آسانتر خواهد بود* و تو ای کفرناحوم که سر بآسمان افراشتهٔ
۱۶ تا بجهنّم سرنگون خواهی شد* آنکه شمارا شنود مرا شنیده وکسیکه شمارا حقیر شمارد
۱۷ مرا حقیر شمرده وهرکه مرا حقیر شمارد فرستندهٔ مرا حقیر شمرده باشد* پس آن هفتاد
۱۸ نفر با خرّمی برگشته گفتند ای خداوند دیوها هم باسم تو اطاعت ما میکنند* بدیشان
۱۹ گفت من شیطانرا دیدم که چون برق از آسمان می افتد* اینك شمارا قوّت می
بخشم که ماران وعقربها وتمامیٔ قوّت دشمن را پایمال کنید وچیزی بشما ضرر
۲۰ هرگز نخواهد رسانید* ولی از این شادی مکنید که ارواح اطاعت شما میکنند
۲۱ بلکه بیشتر شاد باشید که نامهای شما در اسمان مرقوم است* در همان ساعت
عیسی در روح وجد نموده گفت ای پدر مالك آسمان و زمین ترا سپاس میکنم که
این اموررا از دانایان وخردمندان مخفی داشتی وبر کودکان مکشوف ساختی بلی
۲۲ ای پدر چونکه همچنین منظور نظر تو افتاد* و بسوی شاگردان خود توجّه نموده
گفت همه چیزرا پدر بمن سپرده است وهیچکس نمیشناسد که پسر کیست جز پدر
۲۳ ونه که پدر کیست غیر از پسر وهرکه پسر بخواهد برای او مکشوف سازد* ودر
خلوت بشاگردان خود التفات فرموده گفت خوشا بحال چشمانیکه آنچه شما می
۲۴ بینید می بینند* زیرا بشما میگویم بسا انبیاء وپادشاهان میخواستند آنچه شمامی بینید
۲۵ بنگرند وندیدند وآنچه شما میشنوید بشنوند ونشنیدند* ناگاه یکی از فقهاء
برخاسته از روی امتحان بوی گفت ای استاد چه کنم تا وارث حیات جاودانی
۲۶ ۲۷ گردم* بوی گفت در توراة چه نوشته شده است وچگونه میخوانی* جواب
داده گفت اینکه خداوند خدای خودرا بتمام دل وتمام نفس وتمام توانای وتمام
۲۸ فکر خود محبّت نما وهمسایهٔ خودرا مثل نفس خود* گفت نیکو جواب گفتی
۲۹ چنین بکن که خواهی زیست* لیکن او چون خواست خودرا عادل نماید بعیسی
۳۰ گفت وهمسایهٔ من کیست* عیسی در جواب وی گفت مردی که از اورشلیم
بسوی اریحا میرفت بدستهای دزدان افتاد واورا برهنه کرده مجروح ساختند

۳۱ واورا نیم مرده واکذارده برفتند * اتفاقًا کاهنی از آنراه میآمد چون اورا بدید
۳۲ ازکنارهٔ دیکر رفت * همچنین شخصی لاوی نیز از آنجا عبور کرده نزدیك آمد و بر
۳۳ او نکریسته ازکنارهٔ دیکر برفت * لیکن شخصی سامری که مسافر بود نزد وی
۳٤ آمده چون اورا بدید دلش بر وی بسوخت * پس پیش آمده بر زخمهای او روغن
وشراب ریخته آنهارا بست واورا بر مرکب خود سوار کرده بکاروانسرای رسانید
۳۵ وخدمت او کرد * بامدادان چون روانه میشد دو دینار در آورده بسرای دار
داد وبدو کفت اینشخصرا متوجّه باش وآنچه بیش از این خرج کنی درحین
۳٦ مراجعت بتو دهم * پس بنظر تو کدام یك ازین سه نفر همسایه بود با آنشخص که
۳۷ بدست دزدان افتاد * کفت آنکه بر او رحمت کرد عیسی ویرا کفت برو و تو
۳۸ نیز همچنان کن * وهنکامیکه میرفتند او وارد بادی شد وزنی که مرتاه نام داشت
۳۹ اورا بخانهٔ خود پذیرفت * واورا خواهری مریم نام بود که نزد پایهای عیسی
٤۰ نشسته کلام اورا میشنید * امّا مرتاه بجهة زیادتیٔ خدمت مضطرب میبود پس
نزدیك آمده کفت ایخداوند آیا ترا باکی نیست که خواهرم مرا واکذارد که تنها
٤۱ خدمت کنم اورا بفرما تا مرا یاری کند * عیسی در جواب وی کفت ای مرتاه ای
٤۲ مرتاه تو در چیزهای بسیار اندیشه واضطراب داری * لیکن یك چیز لازمست
ومریم آن نصیب خوبرا اختیار کرده است که از او کرفته نخواهد شد *

باب یازدهم

۱ وهنکامیکه او در موضعی دعا میکرد چون فارغ شد یکی از شاکردانش بوی
کفت خداوندا دعا کردن‌را بما تعلیم نما چنانکه یحیی شاکردان خودرا بیاموخت *
۲ بدیشان کفت هرکاه دعا کنید کوئید ای پدر ما که در آسمانی ۰ نام تو مقدّس باد ۰
۳ ملکوت تو بیاید ۰ ارادهٔ تو چنانکه در اسمان است در زمین نیز کرده شود * نان
٤ کفاف مارا روز بروز بما بده * وکناهان مارا ببخش زیراکه ما نیز هر قرضدار خودرا
۵ میبخشیم ۰ ومارا در آزمایش میاور ۰ بلکه مارا از شریر رهائی ده * وبدیشان کفت
کیست از شما که دوستی داشته باشد ونصف شب نزد وی آمده بکوید ای دوست
٦ سه قُرص نان بمن قَرْض ده * چونکه یکی از دوستان من از سفر بر من وارد شده

۷ وچیزی ندارم که پیش او کذارم * پس او از اندرون در جواب کوید مرا زحمت
مده زیراکه الآن در بسته است وبچه‌های من در رخت خواب با من خفته اند نمیتوانم
۸ برخاست تا بتو دهم * بشما میکویم هر چند بعلّت دوستی برنخیزد تا بدو دهد لیکن
۹ بجهة لجاجت خواهد برخاست وهر آنچه حاجت دارد بدو خواهد داد * ومن
بشما میکویم سؤآل کنید که بشما داده خواهد شد • بطلبید که خواهید یافت •
۱۰ بکوبید که برای شما باز کرده خواهد شد * زیرا هرکه سؤآل کند یابد وهرکه
۱۱ بطلبد خواهد یافت وهرکه کوبد برای او باز کرده خواهد شد * وکیست از شما
که پدر باشد وپسرش از او نان خواهد سنکی بدو دهد یا اکر ماهیٔ خواهد بعوض
۱۲ ماهی ماری بدو بخشد * یا اکر تخم مرغی بخواهد عقربی بدو عطا کند *
۱۳ پس اکر شما با آنکه شریر هستید میدانید چیزهای نیکورا به اولاد خود باید داد
چند مرتبه زیادتر پدر آسمانیٔ شما روح القدس‌را خواهد داد بهرکه از او سؤآل
۱٤ کند * ودیوی‌را که کنك بود بیرون میکرد وچون دیو بیرون شد کنك
۱۵ کویا کردید ومردم تعجّب نمودند * لیکن بعضی از ایشان کفتند که دیوهارا بیاریٔ
۱٦ بعلزبول رئیس دیوها بیرون میکند * ودیکران از روی امتحان آیتی آسمانی از او
۱۷ طلب نمودند * پس او خیالات ایشانرا درك کرده بدیشان کفت هر مملکتی که
بر خلاف خود منقسم شود تباه کردد وخانهٔ که بر خانه منقسم شود منهدم کردد *
۱۸ پس شیطان نیز اکر بضدّ خود منقسم شود سلطنت او چکونه پایدار بماند زیرا
۱۹ میکوئید که من به اعانت بعلزبول دیوهارا بیرون میکنم * پس اکر من دیوهارا
بوساطت بعلزبول بیرون میکنم پسران شما بوساطت که آنهارا بیرون میکنند • از
۲۰ اینجهة ایشان داوران بر شما خواهند بود * لیکن هرکاه به انکشت خدا دیوهارا
۲۱ بیرون میکنم هرآینه ملکوت خدا ناکهان بر شما آمده است * وقتیکه مرد زورآور
۲۲ سلاح پوشیده خانهٔ خودرا نکاه دارد اموال او محفوظ میباشد * امّا چون شخصی
زورآورتر از او آید بر او غلبه یافته همهٔ اسلحهٔ اورا که بدان اعتماد میداشت از او
۲۳ میکیرد واموال اورا تقسیم میکند * کسیکه با من نیست بر خلاف من است
۲٤ وآنکه با من جمع نمیکند پراکنده میسازد * چون روح پلید از انسان بیرون آید
بمکانهای بی آب بطلب آرامی کردش میکند وچون نیافت میکوید بخانهٔ خود که

۲۵ ازآن بیرون آمدم برمیکردم* پس چون آید آنرا جاروب کرده شده وآراسته می
۲٦ بیند* آنکاه میرود وهفت روح دیکر شریرتر از خود برداشته داخل شده در آنجا
۲۷ ساکن میکردد واواخر آنشخص از اوائلش بدتر میشود* چون او این سخنانرا
میکفت زنی ازآن میان بآواز بلند ویرا کفت خوشابحال آن رَحِمی که ترا حمل
۲۸ کرد وپستانهائیکه مکیدی* لیکن او کفت بلکه خوشا بحال آنانیکه کلام خدارا
۲۹ میشنوند وآنرا حفظ میکنند* وهنکامیکه مردم بر او ازدحام مینمودند سخن
کفتن آغاز کرد که اینان فرقهٔ شریرند که آیتی طلب میکنند وآیتی بدیشان عطا
۳۰ نخواهد شد جزآیت یونس نبیّ* زیرا چنانکه یونس برای اهل نینوی ایت شد
۳۱ همچنین پسر انسان نیز برای اینفرقه خواهد بود* مَلِکَهٔ جنوب در روز داوری با
مردم اینفرقه برخاسته بر ایشان حکم خواهد کرد زیراکه از اقصای زمین آمد تا
۳۲ حکمت سلیمانرا بشنود واینك در اینجا کسی بزرکتر از سلیمان است* مردم نینوی
در روز داوری با این طبقه برخاسته بر ایشان حکم خواهند کرد زیراکه بموعظهٔ
۳۳ یونس توبه کردند واینك در اینجا کسی بزرکتر از یونس است* وهیچ کس
چراغی نمیافروزد تا آنرا در پنهانی یا زیر پیمانهٔ بکذارد بلکه برچراغدان تا هرکه
۳٤ داخل شود روشنیرا بیند* چراغ بدن چشم است پس مادامیکه چشم تو بسیط
است تمامیٔ جسدت نیز روشن است ولیکن اکر فاسد باشد جسد تو نیز
۳۵ تاریك بُوَد* پس با حذر باش مبادا نوری که در تو است ظلمت باشد*
۳٦ بنابرین هرکاه تمامیٔ جسم تو روشن باشد وذرّهٔ ظلمت نداشته باشد همه‌اش روشن
۳۷ خواهد بود مثل وقتیکه چراغ بتابش خود ترا روشنائی میدهد* وهنکامیکه
سخن میکفت یکی ازفریسیان از او وعده خواست که درخانهٔ او چاشت بخورد
۳۸ پس داخل شده بنشست* امّا فریسی چون دید که پیش از چاشت دست نشُست
۳۹ تعجّب نمود* خداوند ویرا کفت همانا شما ای فریسیان بیرونِ پیاله وبشقابرا
٤۰ طاهر میسازید ولی درون شما پُر ازحرص وخباثت است* ای احمقان آیا او
٤۱ که بیرونرا آفرید اندرونرا نیز نیافرید* بلکه ازآنچه دارید صدقه دهید که اینك
٤۲ همه چیز برای شما طاهر خواهد کشت* وای بر شما ای فریسیان که ده یك از
نعناع وسداب وهر قسم سبزیرا میدهید واز دادرسی ومحبتِ خدا تجاوز مینمائید

(8)

۴۳ اینهارا میباید بجا آورید وآنهارا نیز ترك نکنید* وای بر شما ای فریسیان که صدر
۴۴ کنایس وسلام در بازارهارا دوست میدارید* وای بر شما ای کاتبان وفریسیان
ریاکار زیراکه مانند قبرهای پنهان شده هستید که مردم بر آنها راه میروند ونمیدانند*
۴۵ آنگاه یکی از فقهاء جواب داده کفت ای معلّم بدین سخنان مارا نیز سرزنش
۴۶ میکنی* کفت وای بر شما نیز ای فقهاء زیراکه بارهای کرانرا بر مردم مینهید وخود
۴۷ برآن بارها یك انکشت خودرا نمیکذارید* وای بر شما زیراکه مقابر انبیاءرا بنا
۴۸ میکنید وپدران شما ایشانرا کشتند* پس بکارهای پدران خود شهادت میدهید
واز آنها راضی هستید زیرا آنها ایشانرا کشتند وشما قبرهای ایشانرا میسازید*
۴۹ از اینرو حکمت خدا نیز فرموده است که بسوی ایشان انبیاء ورسولان میفرستم
۵۰ وبعضی از ایشانرا خواهند کشت وبر بعضی جفا خواهند کرد* تا انتقام خون
۵۱ جمیع انبیاء که از بنای عالم ریخته شد ازینطبقه کرفته شود* از خون هابیل تا خون
زکریّا که درمیان مذبح وهیکل کشته شد. بلی بشما میکویم که ازینفرقه باز خواست
۵۲ خواهد شد* وای بر شما ای فقهاء زیرا کلید معرفترا بر داشتهاید که خود
۵۳ داخل نمیشوید وداخل شوندکانرا هم مانع میشوید* وچون او این سخنانرا بدیشان
میکفت کاتبان وفریسیان با او بشدّت درآویختند ودر مطالب بسیار سؤالها از او
۵۴ میکردند* ودر کمین او میبودند تا نکتهٔ از زبان او کرفته مدّعیٔ او بشوند*

باب دوازدهم

۱ ودرآن میان وقتیکه هزاران از خلق جمع شدند بنوعیکه یك دیکررا پایمال
میکردند بشاکردان خود بسخن کفتن شروع کرد. اوّل آنکه از خمیرمایهٔ فریسیان که
۲ ریاکاریست احتیاط کنید* زیرا چیزی نهفته نیست که آشکار نشود ونه مستوری
۳ که معلوم نکردد* بنابرین آنچه در تاریکی کفتهاید در روشنائی شنیده خواهد شد
۴ وآنچه در خلوتخانه درکوش کفتهاید بر پشت بامها ندا شود* لیکن ای دوستان
من بشما میکویم از قاتلان جسم که قدرت ندارند بیشتر از این بکنند ترسان مباشید*
۵ بلکه بشما نشان میدهم که از کِه باید ترسید از او بترسید که بعد از کشتن قدرت
۶ دارد که بجهنّم بیفکند بلی بشما میکویم از او بترسید* آیا پنج کنجشك بدو فلس

٧ فروخته نمیشود وحال آنکه یکی از آنها نزد خدا فراموش نمیشود* بلکه موبهای
سر شما همه شمرده شده است پس بیم مکنید زیراکه از چندان کنجشك بهتر هستید*
٨ لیکن بشما میکویم هرکه نزد مردم بمن اقرار کند پسر انسان نیز پیش فرشتکانِ خدا
٩ اورا اقرار خواهد کرد* امّا هرکه مرا پیش مردم انکار کند نزد فرشتکان خدا
١٠ انکار کرده خواهد شد* وهرکه سخنی بر خلاف پسر انسان کوید آمرزیده شود
١١ امّا هرکه بروح القدس کفر کوید آمرزیده نخواهد شد* وچون شمارا در کنایس
وبنزد حکّام ودیوانیان برند اندیشه مکنید که چکونه وبچه نوع حجّت آورید یا
١٢ چه بکوئید* زیراکه در همانساعت روح القدس شمارا خواهد آموخت که چه باید
١٣ کفت* وشخصی از آنجماعت بوی کفت ای استاد برادر مرا بفرما تا ارث پدر را
١٤ با من تقسیم کند* بوی کفت ای مرد کِه مرا بر شما داور یا مقسم قرار داده است*
١٥ پس بدیشان کفت زنهار از طمع بپرهیزید زیرا اکرچه اموال کسی زیاد شود
١٦ حیات او از اموالش نیست* ومَثَلی برای ایشان آورده کفت شخصی دولتمندرا
١٧ از املاکش محصول وافر پیدا شد* پس با خود اندیشیده کفت چه کنم زیرا
١٨ جائیکه محصول خودرا انبار کنم ندارم* پس کفت چنین میکنم انبارهای خودرا
خراب کرده بزرکتر بنا میکنم ودر آن تمامئ حاصل واموال خودرا جمع خواهم
١٩ کرد* ونفس خودرا خواهم کفت که ایجانْ اموال فراوان اندوخته شده بجهة
٢٠ چندین سال داری الحال بیارام وبه اکل وشرب وشادی بپرداز* خدا ویرا
کفت ای احمق در همین شب جان ترا از تو خواهند کرفت آنکاه آنچه اندوختهٔ
٢١ ازآن کِه خواهد بود* همچنین است هر کسیکه برای خود ذخیره کند وبرای
٢٢ خدا دولتمند نباشد* پس بشاکردان خود کفت از اینجهة بشما میکویم که
٢٣ اندیشه مکنید بجهة جان خود که چه بخورید ونه برای بدن که چه بپوشید* جان
٢٤ از خوراك وبدن از پوشاك بهتر است* کلاغانرا ملاحظه کنید که نه زراعت
میکنند ونه حصاد ونه کنجی ونه انباری دارند وخدا آنهارا می پروراند آیا شما بچند
٢٥ مرتبه از مرغان بهتر نیستید* وکیست از شما که بفکر بتواند ذراعی بر قامت خود
٢٦ افزاید* پس هرکاه توانائی کوچکترین کاریرا ندارید چرا برای مابقی میاندیشید*
٢٧ سوسنهای چمن را بنکرید چکونه نموّ می کنند وحال آنکه نه زحمت میکشند ونه می

ریسند امّا بشما میکویم که سلیمان با همهٔ جلالش مثل یکی از اینها پوشیده نبود*
۲۸ پس هرکاه خدا علفی را که امروز در صحرا است وفردا در تنور افکنده میشود
۲۹ چنین میپوشاند چه قدر بیشتر شمارا ای سست ایمانان* پس شما طالب مباشید
۳۰ که چه بخورید یا چه بیاشامید ومضطرب مشوید* زیرا که امّتهای جهان همهٔ این
۳۱ چیزهارا میطلبند لیکن پدر شما میداند که باین چیزها احتیاج دارید* بلکه
ملکوت خدارا طلب کنید که جمیع این چیزها برای شما افزوده خواهد شد*
۳۲ ترسان مباشید ای کلهٔ کوچك زیرا که مرضیّ پدر شما است که ملکوت‌را بشما عطا
۳۳ فرماید* آنچه دارید بفروشید وصدقه دهید وکیسه‌ها بسازید که کهنه نشود
۳٤ وکنجی را که تلف نشود در آسمان جائیکه دزد نزدیك نیاید وبید تباه نسازد* زیرا
۳٥ جائیکه خزانهٔ شما است دل شما نیز در آنجا میباشد* کمرهای خودرا بسته چراغهای
۳٦ خودرا افروخته بدارید* وشما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خودرا میکشند
که چه وقت از عروسی مراجعت کند تا هر وقت آید و دررا بکوبد بیدرنك برای
۳۷ او باز کنند* خوشابحال آن غلامان که آقای ایشان چون آید ایشانرا بیدار یابد
هرآینه بشما میکویم که کمر خودرا بسته ایشانرا خواهد نشانید وپیش آمده ایشانرا
۳۸ خدمت خواهد کرد* واکر در پاس دوّم یا سیّم از شب بیاید وایشانرا چنین یابد
۳۹ خوشا بحال آن غلامان* امّا اینرا بدانید که اکر صاحب خانه میدانست که دزد
٤۰ در چه ساعت میاید بیدار میماند ونمیکذاشت که بخانه‌اش نقب زنند* پس شما
٤۱ نیز مستعدّ باشید زیرا در ساعتیکه کمان نمیبرید پسر انسان میاید* پطرس بوی
٤۲ کفت ای خداوند آیا این مثل‌را برای ما زدی یا بجهة همه* خداوند کفت پس
کیست آن ناظر امین ودانا که مولای او ویرا بر سائر خدّام خود کماشته باشد تا
٤۳ آذوقه‌را در وقتش بایشان تقسیم کند* خوشابحال آنغلام که آقایش چون آید
٤٤ اورا در چنین کار مشغول یابد* هرآینه بشما میکویم که اورا بر همهٔ مایملك خود
٤٥ خواهد کماشت* لیکن اکر آنغلام در خاطر خود کوید آمدن آقایم بطول میانجامد
٤٦ وبزدن غلامان وکنیزان وبخوردن ونوشیدن ومیکسارپدن شروع کند* هرآینه
مولای آنغلام آید در روزی که منتظر او نباشد و در ساعتیکه او نداند واورا دو
٤۷ پاره کرده نصیبش‌را با خیانتکاران قرار دهد* امّا آنغلامیکه ارادهٔ مولای خویشرا

دانست وخودرا مُهَيّا نساخت تا به ارادهٔ او عمل نماید تازیانهٔ بسیار خواهد خورد ☆
٤٨ امّا آنکه نا دانسته کارهای شایستهٔ ضرب کند تازیانهٔ کم خواهد خورد وبهر کسیکه
عطا زیاده شود از وی مطالبه زیادتر کردد ونزد هرکه امانت بیشتر نهند از او
٤٩ بازخواست زیادتر خواهند کرد ☆ من آمدم تا آتشی در زمین افروزم پس چه
٥٠ میخواهم اکر الآن درکرفته است ☆ امّا مرا تعمیدیست که بیابم وچه بسیار در تنکی
٥١ هستم تا وقتیکه آن بسر آید ☆ آیا کمان میبرید که من آمده‌ام تا سلامتی بر زمین
٥٢ بخشم نی بلکه بشما میکویم تفریقرا ☆ زیرا بعد ازین پنج نفر که در یکخانه باشند دو از سه
٥٣ وسه از دو جدا خواهند شد ☆ پدر از پسر وپسر از پدر ومادر از دختر ودختر
٥٤ از مادر وخارسو از عروس وعروس از خارسو مفارقت خواهند نمود ☆ آنکاه
بازبآن جماعت کفت هنکامیکه ابری بینید که از مغرب پدید آید بی تأمّل میکوئید
٥٥ باران می آید وچنین میشود ☆ وچون دیدید که باد جنوبی میوزد میکوئید کرما
٥٦ خواهد شد ومیشود ☆ ای ریاکاران میتوانید صورت زمین وآسمانرا تمیز دهید
٥٧ پس چکونه این زمانرا نمیشناسید ☆ وچرا ازخود به انصاف حکم نمیکنید ☆
٥٨ وهنکامیکه با مدّعیٔ خود نزد حاکم میروی در راه سعی کن که از او برهی مبادا ترا
٥٩ نزد قاضی بکشد وقاضی ترا بسرهنك سپارد وسرهنك ترا بزندان افکند ☆ ترا
میکویم تا فلس آخررا ادا نکنی از آنجا هرکز بیرون نخواهی آمد ☆

باب سیزدهم

١ درآنوقت بعضی آمده اورا از جلیلیانی خبر دادند که پیلاطس خون ایشانرا با
٢ قربانی‌های ایشان آمیخته بود ☆ عیسی در جواب ایشان کفت آیا کمان میبرید که
این جلیلیان کناه‌کارتر بودند از سایر سَکَنهٔ جلیل از اینرو که چنین زحمات دیدند ☆
٣ ٤ نی بلکه بشما میکویم اکر توبه نکنید همکیٔ شما همچنین هلاك خواهید شد ☆ یا آن
هجده نفری که برج در سِلْوام بر ایشان افتاده ایشانرا هلاك کرد کمان میبرید که
٥ ازجمیع مردمان ساکن اورشلیم خطاکارتر بودند ☆ حاشا بلکه شمارا میکویم که اکر
٦ توبه نکنید همکیٔ شما همچنین هلاك خواهید شد ☆ پس این مَثَل‌را آورد که شخصی
درخت انجیری در تاکستانِ خود غرس نمود وچون آمد تا میوه ازآن بجوید چیزی

۷ نیافت* پس بباغبان کفت اینك سه سال است میآیم که از این درخت انجیر
۸ میوه بطلبم ونمییابم آنرا ببُر چرا زمینرا نیز باطل سازد* در جواب وی کفت ای
۹ آقا امسال هم آنرا مهلت ده تا کردش‌را کنده کود بریزم* پس اکر ثمر آوَرَد—والّا
۱۰ ۱۱ بعد از آن آنرا ببُر* وروز سبت در یکی از کنایس تعلیم میداد* واینك زنی
که مدّت هجده سال روح ضعف میداشت ومنحنی شده ابدًا نمیتوانست راست
۱۲ بایستد در آنجا بود* چون عیسی اورا دید ویرا خوانده کفت ای زن از ضعف
۱۳ خود خلاص شو* ودست های خودرا بر وی کذارد که در ساعت راست شده
۱۴ خدارا تمجید نمود* آنکاه رئیس کنیسه غضب نمود از آنرو که عیسی اورا در سبت
شفا داد پس بمردم توجّه نموده کفت شش روز است که باید کار بکنید در آنها
۱۵ آمده شفا یابید نه در روز سبت* خداوند در جواب او کفت ای ریاکار آیا
هر یکی از شما در روز سبت کاو یا الاغ خودرا از آخور باز کرده بیرون نمیبرد تا
۱۶ سیرآبش کند* واین زنی که دختر ابراهیم است وشیطان اورا مدّت هجده سال
۱۷ تا بحال بسته بود نمیبایست اورا در روز سبت از این بند رها نمود* وچون اینرا
بکفت همهٔ مخالفان او خجل کردیدند وجمیع آن کروه شاد شدند بسبب همهٔ کارهای
۱۸ بزرك که از وی صادر میکشت* پس کفت ملکوت خدا چه چیزرا مىماند وآنرا
۱۹ بکدام شئ تشبیه نمایم* دانهٔ خردلیرا ماند که شخصی کرفته در باغ خود کاشت پس
روئید ودرخت بزرك کردید بحدّیکه مرغان هوا آمده در شاخهایش آشیانه کرفتند*
۲۰ ۲۱ باز کفت برای ملکوت خدا چه مَثَل آورم* خمیرمایهٔرا مىماند که زنی کرفته در
۲۲ سه پیمانهٔ آرد پنهان ساخت تا همه مخمّر شد* ودر شهرها ودهات کشته
۲۳ تعلیم میداد وبسوی اورشلیم سفر میکرد* که شخصی بوی کفت ایخداوند آیا کم
۲۴ هستند که نجات یابند* او بایشان کفت* جدّ وجهد کنید تا از درِ تنك داخل
شوید زیرا که بشما میکویم بسیاری طالب دخول خواهند کرد ونخواهند توانست*
۲۵ بعد از آنکه صاحب خانه بر خیزد ودررا ببندد وشما بیرون ایستاده دررا
کوبیدن آغاز کنید وکوئید خداوندا خداوندا برای ما باز کن آنکاه وی در جواب
۲۶ خواهد کفت شمارا نمیشناسم که از کجا هستید* در آنوقت خواهید کفت که در
۲۷ حضور تو خوردیم وآشامیدیم ودر کوچهای ما تعلیم دادی* باز خواهد کفت

شما میکویم که شمارا نمیشناسم از کجا هستید ای همهٔ بدکاران از من دور شوید٭
۲۸ در آنجا کریه وفشار دندان خواهد بود چون ابراهیم واسحق ویعقوب وجمیع
۲۹ انبیاءرا در ملکوت خدا بینید وخودرا بیرون افکنده یابید٭ واز مشرق ومغرب
۳۰ وشمال وجنوب آمده در ملکوت خدا خواهند نشست٭ واینك آخرین هستند که
۳۱ اوّلین خواهند بود واوّلین که آخرین خواهند بود٭ در همان روز چند نفر
از فریسیان آمده بوی کفتند دور شو واز اینجا برو زیراکه هیرودیس میخواهد ترا
۳۲ بقتل رساند٭ ایشانرا کفت بروید وبآن روباه کوئید اینك امروز وفردا دیوهارا
۳۳ بیرون میکنم ومریضانرا صحّت می بخشم ودر روز سیّم کامل خواهم شد٭ لیکن
میباید امروز وفردا وپس فردا راه روم زیراکه محالست نبیٌّ بیرون از اورشلیم
۳٤ کشته شود٭ ای اورشلیم ای اورشلیم که قاتل انبیاء وسنکسار کنندهٔ مرسلین خود
هستی چند کرّت خواستم اطفال ترا جمع کنم چنانکه مرغ جوجهای خویشرا زیر
۳۵ بالهای خود میکیرد ونخواستید٭ اینك خانهٔ شما برای شما خراب کذاشته می شود
وبشما میکویم که مرا دیکر نخواهید دید تا وقتی آید که کوئید مبارکست او که بنام
خداوند میاید٭

باب چهاردهم

۱ وواقع شد که در روز سبت بخانهٔ یکی از رؤسای فریسیان برای غذا خوردن
۲ در آمد وایشان مراقب او میبودند٭ واینك شخصی مستسقی پیش او بود٭
۳ آنکاه عیسی ملتفت شده فقهاء وفریسیانرا خطاب کرده کفت آیا در روز سبت
٤ شفا دادن جایز است٭ ایشان ساکت ماندند پس آنمردرا کرفته شفا داد ورها
۵ کرد٭ وبایشان روی آورده کفت کیست از شما که الاغ یا کاوش روز سبت در
٦ چاهی افتد وفورًا آنرا بیرون نیاورد٭ پس در این امور از جواب وی عاجز
۷ ماندند٭ وبرای مهمانان مَثَلی زد چون ملاحظه فرمود که چکونه صدر مجلس را
۸ اختیار میکردند پس بایشان کفت٭ چون کسی ترا بعروسی دعوت کند در صدر
۹ مجلس منشین مبادا کسی بزرکتر از ترا هم وعده خواسته باشد٭ پس آنکسیکه تو
واورا وعده خواسته بود بیاید وترا کوید اینکس‌را جای بده وتو با خجالت روی
۱۰ بصفّ نعال خواهی نهاد٭ بلکه چون مهمان کسی باشی رفته در پائین بنشین تا وقتیکه

میزبانت آید بتو کوید ای دوست برتر نشین آنکاه ترا در حضور مجلسیان عزّت
۱۱ خواهد بود * زیرا هرکه خودرا بزرك سازد ذلیل کردد وهرکه خویشتن‌را فرود
۱۲ آرد سرافراز کردد * پس بآنکسیکه از او وعده خواسته بود نیز کفت وقتیکه
چاشت یا شام دهی دوستان یا برادران یا خویشان یا همسایکان دولتمند خودرا
۱۳ دعوت مکن مبادا ایشان نیز ترا بخوانند وترا عوض داده شود * بلکه چون
۱۴ ضیافت کنی فقیران ولنکان وشلاّن وکورانرا دعوت کن * که خجسته خواهی بود
زیرا ندارند که ترا عوض دهند ودر قیامت عادلان بتو جزا عطا خواهد شد *
۱۵ آنکاه یکی از مجلسیان چون این سخنرا شنید کفت خوشا بحال کسیکه در ملکوت
۱۶ خدا غذا خورد * بوی کفت شخصی ضیافتی عظیم نمود وبسیاریرا دعوت نمود *
۱۷ پس چون وقت شام رسید غلام خودرا فرستاد تا دعوت شدکانرا کوید بیائید
۱۸ زیراکه الحال همه چیز حاضر است * لیکن همه بیك رای عذر خواهی آغاز کردند
اوّلی کفت مزرعهٔ خریدم وناچار باید بروم آنرا به بینم از تو خواهش دارم مرا
۱۹ معذور داری * ودیکری کفت پنج جفت کاو خریده ام میروم تا آنهارا بیازمایم
۲۰ بتو التماس دارم مرا عفو نمائی * سیّمی کفت زنی کرفته ام واز این سبب نمیتوانم
۲۱ بیایم * پس آنغلام آمده مولای خودرا از این امور مطّلع ساخت آنکاه صاحب
خانه غضب نموده بغلام خود فرمود به بازارها وکوچهای شهر بشتاب وفقیران
۲۲ ولنکان وشلاّن وکورانرا در اینجا بیاور * پس غلام کفت ای آقا آنچه فرمودی
۲۳ شد وهنوز جای باقیست * پس آقا بغلام کفت براهها ومرزها بیرون رفته مردمرا
۲۴ به الحاح بیاور تا خانهٔ من پُرشود * زیرا بشما میکویم هیچ یك از آنانیکه دعوت شده
۲۵ بودند شام مرا نخواهد چشید * وهنکامیکه جمعی کثیر همراه او میرفتند روی
۲۶ کردانیده بدیشان کفت * اکر کسی نزد من آید وپدر ومادر وزن واولاد
وبرادران وخواهران حتّی جان خودرا نیز دشمن ندارد شاکرد من نمیتواند بود *
۲۷ وهرکه صلیب خودرا برندارد واز عقب من نیاید نمیتواند شاکرد من کردد *
۲۸ زیرا کیست از شما که قصد بنای برجی داشته باشد واوّل نه نشیند تا برآورد خرج
۲۹ آنرا بکند که آیا قوّتِ تمام کردنِ آن دارد یا نه * که مبادا چون بنیادش نهاد
۳۰ وقادر بر تمام کردنش نشد هرکه بیند تمسخر کنان کوید * این شخص عمارتی شروع

۳۱ کرده نتوانست به انجامش رساند ٭ یا کدام پادشاه است که برای مقاتلهٔ با پادشاه
دیکر برود جز اینکه اوّل نشسته تأمّل نماید که آیا با ده هزار سپاه قدرت مقاومت
۳۲ کسی‌را دارد که با بیست هزار لشکر بروی میآید ٭ والاّ چون او هنوز دور است
۳۳ ایلچیٔ فرستاده شروط صلحرا از او درخواست کند ٭ پس همچنین هر یکی از شما که
۳۴ تمام مایملك خودرا ترك نکند نمیتواند شاکرد من شود ٭ نمك نیکو است ولی هرکاه
۳۵ نمك فاسد شد بچه چیز اصلاح پذیرد ٭ نه برای زمین مصرفی دارد ونه برای مزبله
بلکه بیرونش میریزند آنکه کوش شنوا دارد بشنود ٭

باب پانزدهم

۱ ۲ وچون همهٔ باجکیران وکناه‌کاران بنزدش میآمدند تا کلام اورا بشنوند ٭ فریسیان
۳ وکاتبان همهمه کنان میکفتند اینشخص کناهکارانرا میپذیرد وبا ایشان میخورد ٭ پس
۴ برای ایشان این مَثَل‌را زده کفت ٭ کیست از شما که صد کوسفند داشته باشد
ویکی از آنها کم شود که آن نود ونه‌را درصحرا نکذارد واز عقب آن کم شده نرود تا
۵ ۶ آنرا بیابد ٭ پس چون آنرا یافت بشادی بردوش خود میکذارد ٭ وبخانه آمده
دوستان وهمسایکانرا میطلبد وبدیشان میکوید با من شادی کنید زیرا کوسفند کمشدهٔ
۷ خودرا یافته‌ام ٭ بشما میکویم که براین منوال خوشی درآسمان رخ مینماید بسبب توبهٔ
۸ یك کناه‌کار بیشتر از برای نود ونه عادل که احتیاج بتوبه ندارند ٭ یا کدام
زن است که ده درهم داشته باشد هرکاه یك درهم کم شود چراغی افروخته خانه‌را
۹ جاروب نکند وبدقّت تفحّص ننماید تا آنرا بیابد ٭ وچون یافت دوستان وهمسایکان
۱۰ خودرا جمع کرده میکوید با من شادی کنید زیرا درهم کمشده‌را پیدا کرده‌ام ٭ همچنین
بشما میکویم شادی برای فرشتکان خدا روی میدهد بسبب یك خطاکار که توبه
۱۱ ۱۲ کند ٭ باز کفت شخصی‌را دو پسر بود ٭ روزی پسر کوچك بپدر خود کفت
ای پدر رصد اموالی که باید بمن رسد بمن بده پس او مایملك خودرا برین دو تقسیم
۱۳ کرد ٭ وچندی نکذشت که آن پسر کهتر آنچه داشت جمع کرده بملکی بعید کوچ
۱۴ کرد وبعیّاشیٔ نا هنجار سرمایهٔ خودرا تلف نمود ٭ وچون تمام‌را صرف نموده بود
۱۵ قحطیٔ سخت درآن دیار حادث کشت واو بمحتاج شدن شروع کرد ٭ پس رفته

خودرا بیکی از اهل آن ملك پیوست؛ وی اورا به‌املاك خود فرستاد تا کرازبانی
١٦ کند* وآرزو میداشت که شکم خودرا از خرنوبی که خوکان میخوردند سیر کند
١٧ وهیچکس اورا چیزی نمیداد* آخر بخود آمده کفت چه قدر ازمزدوران پدرم نان
١٨ فراوان دارند ومن ازکرسنکی هلاك میشوم* برخاسته نزد پدر خود میروم وبدو
١٩ خواهم کفت ای پدر بآسمان وبحضور تو کناه کرده‌ام* ودیکر شایستهٔ آن نیستم که
٢٠ پسر تو خوانده شوم مرا چون یکی از مزدوران خود بکیر* درساعت برخاسته
بسوی پدر خود متوجّه شد امّا هنوز دور بود که پدرش اورا دیده ترحّم نمود
٢١ ودوان دوان آمده اورا درآغوش خود کشیده بوسید* پسر ویرا کفت ای پدر
بآسمان وبحضور تو کناه کرده‌ام وبعد ازین لایق آن نیستم که پسر تو خوانده شوم*
٢٢ لیکن پدر بغلامان خود کفت جامهٔ بهترین‌را ازخانه آورده بدو پوشانید وانکشتری
٢٣ بردستش کنید ونعلین برپایهایش* وکوسالهٔ پرواربرا آورده ذبح کنید تا بخوریم
٢٤ وشادی نمائیم* زیرا که این پسر من مرده بود زنده کردید وکم شده بود یافت شد
٢٥ پس بشادی کردن شروع نمودند* امّا پسر بزرك او درمزرعه بود چون آمده نزدیك
٢٦ بخانه رسید صدای ساز ورقص‌را شنید* پس یکی از نوکران خودرا طلبیده پرسید
٢٧ این چیست* بوی عرض کرد برادرت آمده وپدرت کوسالهٔ پرواربرا ذبح کرده
٢٨ است زیرا که اورا صحیح باز یافت* ولی او خشم نموده نخواست بخانه درآید تا
٢٩ پدرش بیرون آمده باو التماس نمود* امّا او درجواب پدر خود کفت اینك سالها
است که من خدمت تو کرده ام وهرکز از حکم تو تجاوز نورزیده وهرکز بزغالهٔ بمن
٣٠ ندادی تا با دوستان خود شادی کنم* لیکن چون این پسرت آمد که دولت ترا
٣١ با فاحشه‌ها تلف کرده است برای او کوسالهٔ پرواربرا ذبح کردی* او ویرا کفت
٣٢ ای فرزند تو همیشه با من هستی وآنچه ازآنِ من است مال تست* ولی میبایست
شادمانی کرد ومسرور شد زیرا که این برادر تو مرده بود زنده کشت وکم شده بود
یافت کردید*

باب شانزدهم

١ وبشاکردان خود نیز کفت شخصی دولتمندرا ناظری بود که از او نزد وی
٢ شکایت بردند که اموال اورا تلف میکرد* پس اورا طلب نموده ویرا کفت این

چیست که دربارهٔ تو شنیده‌ام۰ حساب نظارت خودرا باز بده زیرا ممکن نیست که
٣ بعد از این نظارت کنی * ناظر با خود کفت چه کنم زیرا مولایم نظارت‌را از من
٤ میکیرد طاقت زمین کندن ندارم وازکدائی نیز عار دارم * دانستم چه کنم تا وقتیکه
٥ از نظارت معزول شوم مرا بخانهٔ خود بپذیرند * پس هریکی از بده‌کاران آقای
٦ خودرا طلبیده بیکی کفت آقایم ازتو چند طلب دارد * کفت صد رطل روغن۰ بدو
٧ کفت سیاههٔ خودرا بکیر ونشسته پنجاه رطل بزودی بنویس * باز دیکریرا کفت
ازتو چه قدر طلب دارد۰ کفت صد کیل کندم۰ ویرا کفت سیاههٔ خودرا بکیر وهشتاد
٨ بنویس * پس آقایش ناظر خاین‌را آفرین کفت زیرا عاقلانه کار کرد زیرا ابنای
٩ اینجهان درطبقهٔ خویش از ابنای نور عاقلتر هستند * ومن شمارا میکویم دوستان
ازمالِ بی انصافی برای خود پیدا کنید تا چون فانی کردید شمارا بخیمه‌های جاودانی
١٠ بپذیرند * آنکه دراندك امین باشد درامر بزرك نیز امین بُوَد وآنکه درقلیل خاین
١١ بُوَد درکثیر هم خاین باشد * وهرکاه درمالِ بی انصافی امین نبودید کیست که
١٢ مال حقیقی‌را بشما بسپارد * واکر درمال دیکری دیانت نکردید کیست که مال
١٣ خاصّ شمارا بشما دهد * هیچ خادم نمیتواند دو آقارا خدمت کند زیرا یا از یکی
نفرت میکند وبا دیکری محبّت یا با یکی میپیوندد ودیکریرا حقیر میشمارد خدا
١٤ ومامونارا نمیتوانید خدمت نمائید * وفریسیانی که زر دوست بودند همهٔ
١٥ اینسخنانرا شنیده اورا استهزاء نمودند * بایشان کفت شما هستید که خودرا پیش
مردم عادل مینمائید لیکن خدا عارفِ دلهای شماست زیرا که آنچه نزد انسان
١٦ مرغوبست نزد خدا مکروه است * توراة وانبیاء تا به یحیی بود وازآن وقت
١٧ بشارت بملکوت خدا داده میشود وهر کس بجدّ وجهد داخل آن میکردد * لیکن
آسانتر است که آسمان وزمین زایل شود ازآنکه یك نقطه از توراة ساقط کردد *
١٨ هرکه زن خودرا طلاق دهد ودیکریرا نکاح کند زانی بُوَد وهرکه زن مطلّقهٔ مردیرا
١٩ بنکاح خویش درآورد زنا کرده باشد * شخصی دولتمند بود که ارغوان وکتان
٢٠ میپوشید وهر روزه درعیّاشی با جلال بسر میبرد * وفقیری مقروح بود ایلعازَر
٢١ نام که اورا بردرکاه او می کذاشتند * وآرزو میداشت که از پارهائی که از خوان
آن دولتمند میریخت خودرا سیر کند بلکه سکان نیز آمده زبان برزخمهای او

۲۲ میمالیدند* باری آن فقیر بمرد وفرشتکان اورا بآغوش ابراهیم بردند وآن دولتمند
۲۳ نیز مرد واورا دفن کردند* پس چشمان خودرا درعالم اموات کشوده خودرا
۲٤ درعذاب یافت وابراهیمرا از دور وایلعازررا درآغوشش دید* آنکاه باواز بلند
کفت ای پدر من ابراهیم برمن ترحّم فرما وایلعازررا بفرست تا سر انکشت خودرا
۲٥ بآب ترساخته زبان مرا خنك سازد زیرا درین نار معذّبم* ابراهیم کفت ای فرزند
بخاطر آور که تو درایّام زندکانی چیزهای نیکوی خودرا یافتی وهمچنین ایلعازر
۲٦ چیزهای بدرا لیکن او الحال درتسلّی است وتو درعذاب* وعلاوه برین درمیان
ما وشما ورطهٔ عظیمی است چنانچه آنانیکه میخواهند ازاینجا بنزد شما عبور کنند
۲۷ نمیتوانند ونه نشینندکان آنجا نزد ما توانند کذشت* کفت ای پدر بتو التماس دارم
۲۸ که اورا بخانهٔ پدرم بفرستی* زیراکه مرا پنج برادر است تا ایشانرا آکاه سازد
۲۹ مبادا ایشان نیز باین مکان عذاب بیایند* ابراهیم ویرا کفت موسی وانبیاءرا
۳۰ دارند سخن ایشانرا بشنوند* کفت نه ای پدر ما ابراهیم لیکن اکر کسی از مُردکان
۳۱ نزد ایشان رود توبه خواهند کرد* ویرا کفت هرکاه موسی وانبیاءرا نشنوند اکر
کسی از مردکان نیز برخیزد هدایت نخواهند پذیرفت*

باب هفدهم

۱ وشاکردان خودرا کفت لابدّ است از وقوع لغزشها لیکن وای برآنکسیکه
۲ باعث آنها شود* اورا بهتر میبود که سنك آسیائی برکردنش اویخته شود ودر
۳ دریا افکنده شود از اینکه یکی از این کودکانرا لغزش دهد* احتراز کنید واکر
٤ برادرت بتو خطا ورزد اورا تنبیه کن واکر توبه کند اورا ببخش* وهرکاه درروزی
هفت کرّت بتو کناه کند ودر روزی هفت مرتبه برکشته بتو کوید توبه میکنم اورا
٥ ٦ ببخش* آنکاه رسولان بخداوند کفتند ایمان مارا زیاد کن* خداوند کفت اکر
ایمان بقدر دانهٔ خردلی میداشتید باین درخت افراغ میکفتید که کنده شده در دریا
۷ نشانده شود اطاعت شما میکرد* امّا کیست ازشما که غلامش بشخم کردن یا شبانی
۸ مشغول شود ووقتیکه ازصحرا آید بوی کوید بزودی بیا وبنشین* بلکه آیا بدو
نمیکوید چیزی درست کن تا شام بخورم وکمر خودرا بسته مرا خدمت کن تا بخورم

۹ وبنوشم وبعد ازآن تو بخور وبیاشام* آیا ازآن غلام منّت می کشد ازآنکه حکمهای
۱۰ اورا بجا آورد کمان ندارم* همچنین شما نیز چون بهر چیزیکه مأمور شده اید عمل
کردید کوئید که غلامان بی منفعت هستیم زیرا که آنچه برما واجب بود بجا آوردیم
۱۱ ۱۲ وهنکامیکه سفر بسوی اورشلیم میکرد ازمیانهٔ سامره وجلیل میرفت* وچون
بقریهٔ داخل میشد ناکاه ده شخص ابرص به استقبال او آمدند واز دور ایستاده*
۱۳ ۱۴ باآواز بلند کفتند ای عیسیٰ خداوند برما ترحّم فرما* او بایشان نظر کرده کفت
۱۵ بروید وخودرا بکاهن بنمائید • ایشان چون میرفتند طاهر کشتند* ویکی ازایشان
۱۶ چون دید که شفا یافته است برکشته بصدای بلند خدارا تمجید میکرد* وپیش
۱۷ قدم او بروی درافتاده ویرا شکر کرد واو ازاهل سامره بود* عیسی ملتفت شده
۱۸ کفت آیا ده نفر طاهر نشدند پس آن نُه کجا شدند* آیا هیچکس یافت نمیشود که
۱۹ برکشته خدارا تمجید کند جز این غریب* وبدو کفت برخاسته برو که ایمانت ترا
۲۰ نجات داده است* وچون فریسیان ازاو پرسیدند که ملکوت خدا کی میآید
۲۱ او درجواب ایشان کفت ملکوت خدا با مراقبت نمیآید* ونخواهند کفت که
۲۲ درفلان یا فلان جاست زیرا اینك ملکوت خدا درمیان شما است* وبشاکردان
خود کفت ایّامی میآید که آرزو خواهید داشت که روزی از روزهای پسر انسان را
۲۳ ببینید ونخواهید دید* وبشما خواهند کفت اینك درفلان یا فلان جاست مروید
۲۴ وتعاقب آن مکنید* زیرا چون برق که ازیك جانب زیر آسمان لامع شده تا جانب
دیکر زیر آسمان درخشان میشود پسر انسان دریوم خود همچنین خواهد بود*
۲۵ ۲۶ لیکن اوّل لازمست که او زحمات بسیار بیند واز اینفرقه مطرود شود* وچنانکه
۲۷ درایّام نوح واقع شد همانطور درزمان پسر انسان نیز خواهد بود* که میخوردند
ومینوشیدند وزن وشوهر میکرفتند تا روزی که چون نوح داخل کشتی شد طوفان
۲۸ آمده همهرا هلاك ساخت* وهمچنان که درایّام لوط شد که بخوردن وآشامیدن
۲۹ وخرید وفروش وزراعت وعمارت مشغول میبودند* تا روزی که چون لوط
۳۰ ازسدوم بیرون آمد آتش وکوکرد ازآسمان بارید وهمهرا هلاك ساخت* برهمین
۳۱ منوال خواهد بود درروزیکه پسر انسان ظاهر شود* درآن روز هرکه برپشت
بام باشد واسباب او درخانه نزول نکند تا آنهارا بردارد وکسیکه درصحرا باشد

٣٢ ٣٣ همچنین برنکردد* زن لوطرا بیاد آورید* هرکه خواهد جان خودرا برهاند
٣٤ آنرا هلاك خواهد کرد وهرکه آنرا هلاك کند آنرا زنده نکاه خواهد داشت* بشما
میکویم درآن شب دو نفر بریك تخت خواهند بود یکی برداشته ودیکری واکذارده
٣٥ خواهد شد* ودو زن که دریك جا دستاس کنند یکی برداشته ودیکری وا
٣٦ کذارده خواهد شد* ودو نفر که درمزرعه باشند یکی برداشته ودیکری وا
٣٧ کذارده خواهد شد* درجواب وی کفتند کجا ایخداوند. کفت درهرجائیکه
لاش باشد درآنجا کرکسان جمع خواهند شد*

باب هجدهم

١ وبرای ایشان نیز مَثَلی آورد دراینکه میباید همیشه دعا کرد وکاهلی نورزید*
٢ پس کفت که درشهری داوری بود که نه ترس ازخدا ونه باکی ازانسان میداشت*
٣ ٤ ودر همانشهر بیوه‌زنی بود که پیش وی آمده میکفت داد مرا از دشمنم بکیر* وتا
مدّتی بوی اعتناء ننمود ولکن بعد ازآن با خود کفت هرچند از خدا نمیترسم واز
٥ مردم باکی ندارم* لیکن چون این بیوه زن مرا زحمت میدهد بداد او میرسم مبادا
٦ پیوسته آمده مرا برنج آورد* خداوند کفت بشنوید که این داور بی‌انصاف چه
٧ میکوید* وآیا خدا برکزیدکان خودرا که شبانروز بدو استغاثه میکنند داد رسی
٨ نخواهد کرد اکرچه برای ایشان دیر غضب باشد* بشما میکویم که بزودی داد
رسیٔ ایشانرا خواهد کرد لیکن چون پسر انسان آید آیا ایمانرا برزمین خواهد
٩ یافت* واین مَثَل‌را آورد برای بعضی که برخود اعتماد میداشتند که عادل بودند
١٠ ودیکرانرا حقیر میشمردند* که دو نفریکی فریسی ودیکری باجکیر بهیکل رفتند
١١ تا عبادت کنند* آن فریسی ایستاده بدین طور با خود دعا کرد که خدایا ترا
شکر میکنم که مثل سایر مردم حریص وظالم وزناکار نیستم ونه مثل این باجکیر*
١٢ ١٣ هر هفتهٔ دو مرتبه روزه میدارم واز آنچه پیدا میکنم ده‌یك میدهم* امّا آن باجکیر
دور ایستاده نخواست چشمان خودرا بسوی آسمان بلند کند بلکه بسینهٔ خود زده
١٤ کفت خدایا برمنِ کناهکار ترحّم فرما* بشما میکویم که اینشخص عادل کرده شده
بخانهٔ خود رفت بخلاف آن دیکر زیرا هر که خودرا برافرازد پست کردد وهر کس

۱۵ خویشتن‌را فروتن سازد سرافرازی یابد* پس اطفال‌را نیز نزد وی آوردند
۱۶ تا دست برایشان کذارد امّا شاکردانش چون دیدند ایشانرا نهیب دادند* ولی
عیسی ایشانرا خوانده کفت بچه‌هارا واکذارید تا نزد من آیند وایشانرا ممانعت
۱۷ مکنید زیرا ملکوت خدا برای مثل اینها است* هرآینه بشما میکویم هرکه ملکوت
۱۸ خدارا مثل طفل نپذیرد داخل آن نکردد* ویکی ازرؤسا ازوی سؤال
۱۹ نموده کفت ای استادِ نیکو چکنم تا حیات جاودانی‌را وارث کردم* عیسی ویرا
کفت ازبهرچه مرا نیکو میکوئی وحال آنکه هیچکس نیکو نیست جز یکی که خدا
۲۰ باشد* احکام‌را میدانی زنا مکن قتل مکن دزدی منما شهادت دروغ مده وپدر
۲۱ ومادر خودرا محترم دار* کفت جمیع اینهارا ازطفولیّت خود نکاه داشته ام*
۲۲ عیسی چون اینرا شنید بدو کفت هنوز ترا یك چیز باقیست آنچه داری بفروش
۲۳ وبفقراء بده که درآسمان کنجی خواهی داشت پس آمده مرا متابعت کن* چون اینرا
۲۴ شنید محزون کشت زیراکه دولت فراوان داشت* امّا عیسی چون اورا محزون
۲۵ دید کفت چه دشوار است که دولتمندان داخل ملکوت خدا شوند* زیرا
کذشتن شتر ازسوراخ سوزن آسانتر است ازدخول دولتمندی درملکوت خدا*
۲۶ ۲۷ اما شنوندکان کفتند پس که میتواند نجات یابد* او کفت آنچه نزد مردم محال
۲۸ است نزد خدا ممکن است* پطرس کفت اینك ما همه چیزرا ترك کرده پیروئ
۲۹ تو میکنیم* بایشان کفت هرآینه بشما میکویم کسی نیست که خانه یا والدین یا زن
۳۰ یا برادران یا اولادرا بجهة ملکوت خدا ترك کند* جز اینکه دراین عالم چند برابر
۳۱ بیابد ودرعالم آینده حیات جاودانی‌را* پس آن دوازده‌را برداشته بایشان کفت
اینك باورشلیم میرویم وآنچه بزبان انبیاء دربارهٔ پسر انسان نوشته شده است به انجام
۳۲ خواهد رسید* زیراکه اورا به امّتها تسلیم میکنند واستهزاء وبیحرمتی کرده آب دهان
۳۳ بروی انداخته* وتازیانه زده اورا خواهند کشت ودرروز سیّم خواهد برخاست*
۳۴ امّا ایشان چیزی ازاین امور نفهمیدند واین سخن ازایشان مخفی داشته شد وآنچه
۳۵ میکفت درك نکردند* وچون نزدیك اریحا رسید کوری بجهة کدائی برسر
۳۶ راه نشسته بود* وچون صدای کروهیرا که میکذشتند شنید پرسید چه چیز
۳۷ ۳۸ است* کفتندش عیسئ ناصری درکذر است* درحالِ فریاد برآورده کفت ای

۳۹ عیسی ای پسر داود برمن ترحّم فرما* وهرچند آنانیکه پیش میرفتند اورا نهیب
۴۰ میدادند تا خاموش شود او بلند تر فریاد میزد که پسر داودا برمن ترحم فرما* آنگاه
عیسی ایستاده فرمود تا اورا نزد وی بیاورند وچون نزدیك شد ازوی پرسیده*
۴۱ ۴۲ گفت چه میخواهی برای تو بکنم عرض کرد ای خداوند تا بینا شوم* عیسی بوی
۴۳ گفت بینا شو که ایمانت ترا شفا داده است* درساعت بینائی یافته خدارا تمجید
کنان ازعقب او افتاد وجمیع مردم چون اینرا دیدند خدارا تسبیح خواندند*

باب نوزدهم

۱ ۲ پس وارد اریحا شده ازآنجا میگذشت* که ناگاه شخصی زکّی نام که رئیس
۳ باجگیران ودولتمند بود* خواست عیسیرا به بیند که کیست وازکثرت خلق
۴ نتوانست زیرا کوتاه قدّ بود* پس پیش دویده بردرخت افراغی برآمد تا اورا به
۵ بیند چونکه او میخواست ازآن راه عبور کند* وچون عیسی بآنمکان رسید بالا
نگریسته اورا دید وگفت ای زکّی بشتاب وبزیر بیا زیراکه باید امروز درخانهٔ تو
۶ ۷ بمانم* پس بزودی پائین شده اورا بخرّمی پذیرفت* وهمه چون اینرا دیدند همهمه
۸ کنان میگفتند که درخانهٔ شخصی گناهکار بمهمانی رفته است* امّا زکّی برپا شده
بخداوند گفت الحال ای خداوند نصف مایملك خودرا بفقراء میدهم واگر چیزی
۹ ناحقّ ازکسی گرفته باشم چهار برابر بدو ردّ میکنم* عیسی بوی گفت امروز نجات
۱۰ دراینخانه پیدا شد زیراکه این شخص هم پسر ابراهیم است* زیراکه پسر انسان آمده
۱۱ است تا گمشدهرا بجوید ونجات بخشد* وچون ایشان اینرا شنیدند اومثلی
زیاد کرده آورد چونکه نزدیك باورشلیم بود وایشان گمان میبردند که ملکوت خدا
۱۲ میباید درهمان زمان ظهور کند* پس گفت شخصی شریف بدیار بعید سفر کرد تا
۱۳ مُلکی برای خود گرفته مراجعت کند* پس ده نفر ازغلامان خودرا طلبیده ده
۱۴ قنطار بایشان سپرده فرمود تجارت کنید تا بیایم* امّا اهل ولایت او چونکه اورا
دشمن میداشتند ایلچیان درعقب او فرستاده گفتند نمیخواهیم اینشخص برما سلطنت
۱۵ کند* وچون ملك را گرفته مراجعت کرده بود فرمود تا آن غلامانیرا که بایشان
۱۶ نقد سپرده بود حاضر کنند تا بفهمد هریك چه سود نموده است* پس اوّلی آمده

۱۷ کفت ای آقا قنطار تو ده قنطار دیکر نفع آورده است* بدو کفت آفرین ایغلام
۱۸ نیکو چونکه برچیز کم امین بودی برده شهر حاکم شو* ودیکیری آمده کفت ای
۱۹ آقا قنطار تو پنجقنطار سود کرده است* اورا نیز فرمود بر پنج شهر حکمرانی کن*
۲۰ وسیمی آمده کفت ای آقا اینك قنطار تو موجود است آنرا درپارچهٔ نکاه داشته‌ام*
۲۱ زیرا که ازتو ترسیدم چونکه مرد تند خوئی هستی* آنچه نکذاردهٔ برمیداری وازآنچه
۲۲ نکاشتهٔ درو میکنی* بوی کفت ازربان خودت برتو فتوی میدهم ای غلام شریر*
دانستهٔ که من مرد تند خوئی هستم که برمیدارم آنچه‌را نکذاشته ام ودرو میکنم آنچه‌را
۲۳ نپاشیده ام* پس برای چه نقد مرا نزد صرّافان نکذاردی تا چون آیم آنرا باسود
۲۴ دریافت کنم* پس بحاضرین فرمود قنطاررا ازاین شخص بکیرید وبصاحب ده
۲۵ قنطار بدهید* باو کفتند ایخداوند وی ده قنطار دارد* زیرا بشما میکویم بهرکه
۲۶
۲۷ دارد داده شود وهرکه ندارد آنچه دارد نیز ازاو کرفته خواهد شد* امّا آن
دشمنان من که نخواستند من برایشان حکمرانی نمایم دراینجا حاضر ساخته پیش من
۲۸ بقتل رسانید* وچون اینرا کفت پیش رفته متوجّهٔ اورشلیم کردید* وچون
۲۹
نزدیك بیت‌فاجی وبیت‌عَنْیا برکوهِ مسمّی بزیتون رسید دو نفر ازشاکردان خودرا
۳۰ فرستاده* کفت بآن قریهٔ که پیش روی شما است بروید وچون داخل آن شدید
کرّهٔ الاغی بسته خواهید یافت که هیچکس برآن هرکز سوار نشده آنرا بازکرده
۳۱ بیاورید* واکر کسی بشما کوید چرا اینرا باز میکنید بوی کوئید خداوند اورا لازم
۳۲ دارد* پس فرستادکان رفته آنچنانکه بدیشان کفته بود یافتند* وچون کرّه‌را
۳۳
۳۴ باز میکردند مالکانش بایشان کفتند چرا کرّه‌را باز میکنید* کفتند خداوند اورا
۳۵ لازم دارد* پس اورا بنزد عیسی آوردند ورخت خودرا برکرّه افکنده عیسی‌را
۳۶ سوارکردند* وهنکامیکه او میرفت جامه‌های خودرا در راه میکستردند* وچون
۳۷
نزدیك بسرازیرئ کوه زیتون رسید تمامئ شاکردانش شادی کرده بآواز بلند خدارا
۳۸ حمد کفتن شروع کردند بسبب همهٔ قوّاتیکه ازاو دیده بودند* ومیکفتند مبارك
باد آن پادشاهی که میآید بنام خداوند سلامتی درآسمان وجلال دراعلی علّیّین
۳۹ باد* آنکاه بعضی ازفریسیان ازآنمیان بدو کفتند ای استاد شاکردان خودرا
۴۰ نهیب نما* او درجواب ایشان کفت بشما میکویم اکر اینها ساکت شوند هرآینه

۴۱ سنکها بصدا آیند* وچون نزدیك شد شهررا نظاره کرد برآن کریان کشته*
۴۲ کفت اکر تو نیز میدانستی هم دراین زمانِ خود آنچه باعث سلامتیٔ تو میشد لاکن
۴۳ الحال ازچشمان تو پنهان کشته است* زیرا ایّامی برتو میآید که دشمنانت کرد تو
۴۴ سنکرها سازند و ترا احاطه کرده ازهر جانب محاصره خواهند نمود* وترا
وفرزندانترا دراندرون تو برخاك خواهند افکند ودر تو سنکی برسنکی نخواهند
۴۵ کذاشت زیراکه ایّام تفقّد خودرا ندانستی* وچون داخل هیکل شد کسانیرا که
۴۶ درآنجا خرید وفروش میکردند به بیرون نمودن آغاز کرد* وبایشان کفت
مکتوب است که خانهٔ من خانهٔ عبادت است لیکن شما آنرا مغارهٔ دزدان ساخته
۴۷ اید* وهر روز درهیکل تعلیم میداد امّا رؤسای کهنه وکاتبان واکابر قوم قصد
۴۸ هلاك نمودن او میکردند* ونیافتند چه کنند زیراکه تمامیٔ مردم براو آویخته بودند
که ازاو بشنوند*

باب بیستم

۱ روزی ازآن روزها واقع شد هنکامیکه او قوم‌را درهیکل تعلیم وبشارت میداد
۲ که رؤساء کَهَنَه وکاتبان با مشایخ آمده* بوی کفتند بما بکو که بچه قدرت
۳ اینکارهارا میکنی وکیست که این قدرت‌را بتو داده است* درجواب ایشان
۴ کفت من نیز ازشما چیزی میپرسم بمن بکوئید* تعمید یحیی ازآسمان بود یا ازمردم*
۵ ایشان با خود اندیشیده کفتند که اکر کوئیم ازآسمان هرآینه کوید چرا باو ایمان
۶ نیاوردید* واکر کوئیم ازانسان تمامیٔ قوم مارا سنکسار کنند زیرا یقین میدارند
۷ ۸ که یحیی نبیّ است* پس جواب دادند که نمیدانیم ازکجا بود* عیسی بایشان
۹ کفت من نیز شمارا نمیکویم که این کارهارا بچه قدرت بجا میآورم* واین مَثَل‌را بمردم
کفتن کرفت که شخصی تاکستانی غرس کرد وبه باغبانانش سپرده مدّت مدیدی
۱۰ سفر کرد* ودر موسم غلامی نزد باغبانان فرستاد تا ازمیوهٔ باغ بدو سپارند امّا
۱۱ باغبانان اورا زده تهی دست باز کردانیدند* پس غلامی دیکر روانه نمود* اورا
۱۲ نیز تازیانه زده وبیحرمت کرده تهی دست باز کردانیدند* وباز سیّمی فرستاد*
۱۳ اورا نیز مجروح ساخته بیرون افکندند* آنکاه صاحب باغ کفت چکنم* پسر
۱۴ حبیب خودرا میفرستم شاید چون اورا بینند احترام خواهند نمود* امّا چون

باغبانان اورا دیدند با خود تفکّرکنان کفتند این وارث میباشد بیائید اورا بکشیم تا
۱۵ میراث ازآنِ ما کردد* درحال اورا ازباغ بیرون افکنده کشتند پس صاحب باغ
۱٦ بدیشان چه خواهد کرد* او خواهد آمد و باغبانانرا هلاك کرده باغرا بدیکران
۱۷ خواهد سپرد. پس چون شنیدند کفتند حاشا* بایشان نظر افکنده کفت پس
معنئ این نوشته چیست. سنکیرا که معماران ردّ کردند همان سر زاویه شده است*
۱۸ وهرکه برآن سنك افتد خورد شود امّا اکر آن برکسی بیفتد اورا نرم خواهد
۱۹ ساخت* آنکاه رؤسای کَهَنَه وکاتبان خواستند که درهمان ساعت اوراکرفتار
کنند لیکن ازقوم ترسیدند زیراکه دانستند که این مَثَلرا دربارهٔ ایشان زده بود*
۲۰ ومراقب او بوده جاسوسان فرستادند که خودرا صالح مینمودند تا سخنی ازاو
۲۱ کرفته اورا بحکم وقدرت والی بسپارند* پس ازاو سؤآل نموده کفتند ای استاد
میدانیم که تو براستی سخن میرانی وتعلیم میدهی وازکسی روداری نمیکنی بلکه طریق
۲۲ ۲۳ خدارا بصدق میآموزی* آیا برما جایز هست که جزیه بقیصر بدهیم یا نه* او
۲٤ چون مکرایشانرا درك کرد بدیشان کفت مرا برای چه امتحان میکنید* دیناری بمن
نشان دهید. صورت ورقمش ازکیست. ایشان درجواب کفتند ازقیصراست*
۲۵ ۲٦ او بایشان کفت پس مال قیصررا بقیصر ردّ کنید ومال خدارا بخدا* پس چون
نتوانستند اورا بسخنی درنظر مردم ملزم سازند ازجواب او درعجب شده ساکت
۲۷ ماندند* وبعضی ازصدّوقیان که منکر قیامت هستند پیش آمده ازوی سؤآل
۲۸ کرده* کفتند ای استاد موسی برای ما نوشته است که اکرکسیرا برادری که زن
داشته باشد بمیرد وبی اولاد فوت شود باید برادرش آن زنرا بکیرد تا برای برادر
۲۹ خود نسلی آورد* پس هفت برادر بودند که اوّلی زن کرفته اولاد نا آورده فوت
۳۰ ۳۱ شد* بعد دوّمین آن زنرا کرفته او نیز بی اولاد بمرد* پس سیّمین اوراکرفت
۳۲ وهمچنین تا هفتمین وهمه فرزند نا آورده مردند* وبعد ازهمه آن زن نیز وفات
۳۳ یافت* پس درقیامت زن کدام یك ازایشان خواهد بود زیراکه هرهفت اورا
۳٤ داشتند* عیسی درجواب ایشان کفت ابنای این عالم نکاح میکنند ونکاح کرده
۳۵ میشوند* لیکن آنانیکه مستحقّ رسیدن بآن عالم وبقیامتِ ازمردکان شوند نه نکاح
۳٦ میکنند ونه نکاح کرده میشوند* زیرا ممکن نیست که دیکر بمیرند ازآنجهة که مثل

٣٧ فرشتکان و پسران خدا میباشند چونکه پسران قیامت هستند* واما اینکه مردکان
برمیخیزند موسی نیز درذکر بوته نشان داد چنانکه خداوندرا خدای ابراهیم
٣٨ وخدای اسحق وخدای یعقوب خواند* وحال آنکه خدای مردکان
٣٩ نیست بلکه خدای زندکانست زیرا همه نزد او زنده هستند* پس بعضی ازکاتبان
٤٠ درجواب کفتند ای استاد نیکو کفتی* وبعد ازآن هیچکس جرأت آن نداشت که
٤١ ازوی سؤالی کند* پس بایشان کفت چکونه میکویند که مسیح پسر داود
٤٢ است* وخود داود درکتاب زبور میکوید خداوند بخداوند من کفت بدست
٤٣ ٤٤ راست من بنشین* تا دشمنان ترا پای انداز تو سازم* پس چون داود اورا
٤٥ خداوند میخواند چکونه پسر او میباشد* وچون تمامئ قوم میشنیدند بشاکردان
٤٦ خود کفت* بپرهیزید ازکاتبانیکه خرامیدن درلباس درازرا می پسندند وسلام
٤٧ دربازارها وصدر کنایس وبالا نشستن درضیافتهارا دوست میدارند* وخانه‌های
بیوه زنانرا می بلعند ونمازرا بریاکاری طول میدهند اینها عذاب شدیدتر خواهند
یافت*

باب بیست ویکم

١ ونظر کرده دولتمندانیرا دید که هدایای خودرا دربیت‌المال میاندازند*
٢ ٣ وبیوه زنی فقیررا دید که دو فلس درآنجا انداخت* پس کفت هرآینه بشما میکویم
٤ این بیوهٔ فقیر ازجمیع آنها بیشتر انداخت* زیراکه همهٔ ایشان اززیادتئ خود
درهدایای خدا انداختند لیکن این زن ازاحتیاج خود تمامئ معیشت خویش‌را
٥ انداخت* وچون بعضی ذکر هیکل میکردند که بسنکهای خوب وهدایا
٦ آراسته شده است کفت* ایامی میآید که ازاین چیزهائیکه می بینید سنکی برسنکی
٧ کذارده نشود مکر اینکه بزیر افکنده خواهد شد* وازاو سؤال نموده کفتند ای
استاد پس این امور کی واقع میشود وعلامت نزدیك شدن اینوقایع چیست*
٨ کفت احتیاط کنید که کمراه نشوید زیراکه بسا بنام من آمده خواهند کفت که من
٩ هستم ووقت نزدیك است پس ازعقب ایشان مروید* وچون اخبار جنکها
وفسادهارا بشنوید مضطرب مشوید زیراکه وقوع این امور اول ضرور است
١٠ لیکن انتهاء درساعت نیست* پس بایشان کفت قومی با قومی ومملکتی با

۱۱ مملکتی مقاومت خواهند کرد* وزلزلهای عظیم درجاها وقحطیها ووباها پدید
۱۲ وچیزهای هولناك وعلامات بزرك ازآسمان ظاهر خواهد شد* وقبل ازاینهمه
برشما دست اندازی خواهند کرد وجفا نموده شمارا بکنایس وزندانها خواهند سپرد
۱۳ ودر حضور سلاطین وحکّام بجهة نام من خواهند برد* واین برای شما بشهادت
۱۴ خواهد انجامید* پس دردلهای خود قرار دهید که برای حجّت آوردن پیشتر
۱۵ اندیشه نکنید* زیراکه من بشما زبانی وحکمتی خواهم داد که همهٔ دشمنان شما با آن
۱۶ مقاومت ومباحثه نتوانند نمود* وشمارا والدین وبرادران وخویشان ودوستان
۱۷ تسلیم خواهند کرد وبعضی ازشمارا بقتل خواهند رسانید* وجمیع مردم بجهة نام
۱۸ ۱۹ من شمارا نفرت خواهند کرد* ولکن موئی ازسر شما کُم نخواهد شد* جانهای
۲۰ خودرا بصبر دریابید* وچون بینید که اورشلیم بلشکرها محاصره شده است آنکاه
۲۱ بدانید که خرابیٔ آن رسیده است* آنکاه هرکه دریهودیّه باشد بکوهستان فرار کند
۲۲ وهرکه درشهر باشد بیرون رود وهرکه درصحرا بُوَد داخل شهر نشود* زیراکه
۲۳ همانست ایّام انتقام تا آنچه مکتوب است تمام شود* لیکن وای برآبستنان وشیر
دهندکان درآن ایّام زیرا تنکیٔ سخت برروی زمین وغضب براین قوم حادث
۲۴ خواهد شد* وبدم شمشیر خواهند افتاد ودرمیان جمیع امّتها به اسیری خواهند
۲۵ رفت واورشلیم پایمال امّتها خواهد شد تا زمانهای امّتها بانجام رسد* ودرآفتاب
وماه وستارکان علامات خواهد بود وبرزمین تنکی وحیرت ازبرای امّتها روی
۲۶ خواهد نمود بسبب شوریدن دریا وامواجش* ودلهای مردم ضعف خواهد کرد
ازخوف وانتظار آن وقایعی که برربع مسکون ظاهر میشود زیرا قوّات آسمان متزلزل
۲۷ خواهد شد* وآنکاه پسر انسانرا خواهند دید که برابری سوار شده با قوّت
۲۸ وجلال عظیم میآید* وچون ابتدای این چیزها بشود راست شده سرهای خودرا
۲۹ بلند کنید ازآنجهة که خلاصیٔ شما نزدیکست* وبرای ایشان مَثَلی کفت که درخت
۳۰ انجیر وسایر درختانرا ملاحظه نمائید* که چون می بینید شکوفه میکند خود
۳۱ میدانید که تابستان نزدیك است* وهمچنین شما نیز چون بینید که این امور واقع
۳۲ میشود بدانید که ملکوت خدا نزدیك شده است* هرآینه بشما میکویم که تا جمیع
۳۳ این امور واقع نشود اینفرقه نخواهد کذشت* آسمان وزمین زایل میشود لیکن

٣٤ سخنان من زایل نخواهد شد * پس خودرا حفظ کنید مبادا دلهای شما از پرخوری
٣٥ ومستی واندیشهای دنیوی سنکین کردد وآن روز ناکهان برشما آید * زیراکه
٣٦ مثل دامی بر جمیع سَکَنَۀ تمام روی زمین خواهد آمد * پس درهروقت دعا کرده
بیدار باشید تا شایستۀ آن شوید که از جمیع این چیزهائیکه بوقوع خواهد پیوست
٣٧ نجات یابید ودر حضور پسر انسان بایستید * وروزها را در هیکل تعلیم میداد
٣٨ وشبها بیرون رفته درکوه معروف بزیتون بسر میبرد * وهر بامداد قوم نزد وی
در هیکل می شتافتند تا کلام اورا بشنوند *

باب بیست ودوّم

١ وچون عید فطیر که بفصح معروف است نزدیك شد * رؤسای کَهَنَه وکاتبان
٢ مترصّدی بودند که چکونه اورا بقتل رسانند زیراکه از قوم ترسیدند * امّا شیطان
٣ در یهودای مسمّی به اسخریوطی که از جملۀ آن دوازده بود داخل کشت * واو
٤ رفته با رؤسای کَهَنَه وسرداران سپاه کفتکو کرد که چکونه اورا بایشان تسلیم کند *
٥ ایشان شاد شده با او عهد بستند که نقدی بوی دهند * واو قبول کرده در صدد
٦ فرصتی برآمد که اورا در نهانی از مردم بایشان تسلیم کند * امّا چون روز
٧ فطیر که درآن میبایست فصحرا ذبح کنند رسید * پطرس ویوحنّا را فرستاده
٨ کفت بروید وفصح را بجهة ما آماده کنید تا بخوریم * بوی کفتند درکجا میخواهی
٩ مهیّا کنیم * ایشانرا کفت اینك هنکامیکه داخل شهر شوید شخصی با سبوی آب
١٠ بشما برمیخورد بخانۀ که او درآید از عقب وی بروید * وبصاحب خانه کوئید
١١ استاد ترا میکوید مهمانخانه کجا است تا درآن فصحرا با شاکردان خود بخورم * او بالا
١٢ خانۀ بزرك ومفروش بشما نشان خواهد داد درآنجا مهیّا سازید * پس رفته
١٣ چنانکه بایشان کفته بود یافتند وفصحرا آماده کردند * وچون وقت رسید با
١٤ دوازده رسول بنشست * وبایشان کفت اشتیاق بی نهایت داشتم که پیش از
١٥ زحمت دیدنم این فصحرا با شما بخورم * زیرا بشما میکویم از این دیکر نمیخورم تا
١٦ وقتیکه در ملکوت خدا تمام شود * پس پیالۀ کرفته شکر نمود وکفت اینرا
١٧ بکیرید ودر میان خود تقسیم کنید * زیرا بشما میکویم که تا ملکوت خدا نیاید از

۱۹ میوهٔ مَو دیکر نخواهم نوشید * ونانرا کرفته شکر نمود وپاره کرده بایشان داد
وکفت این است جسد من که برای شما داده میشود اینرا بیاد من بجا آرید *
۲۰ وهمچنین بعد از شام پیاله را کرفت وکفت این پیاله عهد جدید است در خون
۲۱ من که برای شما ریخته میشود * لیکن اینك دست آن کسیکه مرا تسلیم میکند با
۲۲ من در سفره است * زیراکه پسر انسان برحسب آنچه مقدّر است میرود لیکن وای
۲۳ برآنکسیکه اورا تسلیم کند * آنکاه ازیکدیکر شروع کردند به پرسیدن که
۲۴ کدام یك از ایشان باشد که اینکار بکند * ودرمیان ایشان نزاعی نیز افتاد که کدام
۲۵ یك از ایشان بزرکتر میباشد * آنکاه بایشان کفت سلاطین امّتها برایشان
۲٦ سروری میکنند وحکّام خودرا ولی نعمت میخوانند * لیکن شما چنین مباشید
۲۷ بلکه بزرکتر از شما مثل کوچکتر باشد وپیشوا چون خادم * زیرا کدام یك
بزرکتراست آنکه بغذا نشیند یا آنکه خدمت کند آیا نیست آنکه نشسته است
۲۸ لیکن من درمیان شما چون خادم هستم * وشما کسانی میباشید که در امتحانهای
۲۹ من با من بسر بردید * ومن ملکوتی برای شما قرار میدهم چنانکه پدرم برای من
۳۰ مقرّر فرمود * تا در ملکوت من از خوان من بخورید وبنوشید وبر کرسیها
۳۱ نشسته بردوازده سبط اسرائیل داوری کنید * پس خداوند کفت ای شمعون
۳۲ ای شمعون اینك شیطان خواست شمارا چون کندم غربال کند * لیکن من
برای تو دعا کردم تا ایمانت تلف نشود وهنکامیکه تو بازکشت کنی برادران خودرا
۳۳ استوار نما * بوی کفت ایخداوند حاضرم که با تو بروم حتّی درزندان ودر موت *
۳٤ کفت ترا میکویم ای پطرس امروز خروس بانك نزده باشد که سه مرتبه انکار
۳۵ خواهی کرد که مرا نمیشناسی * وبایشان کفت هنکامیکه شمارا بی کیسه وتوشه‌دان
۳٦ وکفش فرستادم بهیچ چیز محتاج شدید. کفتند هیچ * پس بایشان کفت لیکن الآن
هرکه کیسه دارد آنرا بردارد وهمچنین توشه‌دانرا وکسیکه شمشیر ندارد جامهٔ خود
۳۷ را فروخته آنرا بخرد * زیرا بشما میکویم که این نوشته درمن میباید بانجام رسید یعنی
۳۸ با کناهکاران محسوب شد زیرا هرچه درخصوص من است انقضاء دارد * کفتند
۳۹ ایخداوند اینك دو شمشیر. بایشان کفت کافیست * وبرحسب عادت
٤۰ بیرونشد بکوه زیتون رفت وشاکردانش ازعقب او رفتند * وچون بانموضع رسید

۴۱ بایشان کفت دعا کنید تا در امتحان نیفتید ٭ و او از ایشان بمسافت پرتاب سنکی
۴۲ دور شده بزانو درآمد ودعا کرده کفت ٭ ای پدر اکر بخواهی این پیاله را از
۴۳ من بکردان لیکن نه بخواهش من بلکه بارادهٔ تو ٭ وفرشتهٔ از آسمان براو ظاهر شده
۴۴ اورا تقویت مینمود ٭ پس بمجاهده افتاده بسعی بلیغتر دعا کرد چنانکه عرق او مثل
۴۵ قطرات خون بود که بر زمین میریخت ٭ پس از دعا برخاسته نزد شاکردان
۴۶ خود آمده ایشانرا از حزن در خواب یافت ٭ بایشان کفت برای چه در خواب
۴۷ هستید ٭ برخاسته دعا کنید تا در امتحان نیفتید ٭ وسخن هنوز بر زبانش بود که
ناکاه جمعی آمدند ویکی از آن دوازده که یهودا نام داشت بر دیکران سبقت
۴۸ جُسته نزد عیسی آمد تا اورا ببوسد ٭ وعیسی بدو کفت ای یهودا آیا ببوسه پسر
۴۹ انسانرا تسلیم میکنی ٭ رفقایش چون دیدند که چه میشود عرض کردند خداوندا
۵۰ بشمشیر بزنیم ٭ ویکی از ایشان غلام رئیس کَهَنَه را زده کوش راست اورا از تن
۵۱ جدا کرد ٭ عیسی متوجّه شده کفت تا باین بکذارید وکوش اورا لمس نموده شفا
۵۲ داد ٭ پس عیسی به رؤسای کَهَنَه وسرداران سپاه هیکل ومشایخی که نزد او آمده
۵۳ بودند کفت کویا بر دزد با شمشیرها وچوبها بیرون آمدید ٭ وقتیکه هر روزه در
هیکل با شما میبودم دست بر من دراز نکردید لیکن اینست ساعت شما وقدرت
۵۴ ظلمت ٭ پس اورا کرفته بردند وبسرای رئیس کَهَنَه آوردند وپطرس
۵۵ از دور از عقب میآمد ٭ وچون درمیان ایوان آتش افروخته کردش نشسته بودند
۵۶ پطرس درمیان ایشان بنشست ٭ آنکاه کنیزکی چون اورا در روشنئ آتش
۵۷ نشسته دید بر او چشم دوخته کفت این شخص هم با او میبود ٭ او ویرا انکار
۵۸ کرده کفت ای زن اورا نمیشناسم ٭ بعد از زمانی دیکری اورا دیده کفت تو از
۵۹ اینها هستی ٭ پطرس کفت ای مرد من نیستم ٭ وچون تخمیناً یکساعت کذشت
یکی دیکر با تأکید کفت بلاشکّ این شخص از رفقای اوست زیرا که جلیلی هم
۶۰ هست ٭ پطرس کفت ایمرد نمیدانم چه میکوئی ٭ در همانساعت که اینرا میکفت
۶۱ خروس بانك زد ٭ آنکاه خداوند رو کردانیده به پطرس نظر افکند پس پطرس
آنکلامی را که خداوند بوی کفته بود بخاطر آورد که قبل از بانك زدن خروس
۶۲ سه مرتبه مرا انکار خواهی کرد ٭ پس پطرس بیرون رفته زار زار بکریست ٭

٦٣ ٦٤ وکسانیکه عیسی را کرفته بودند اورا تازیانه زده استهزاء نمودند* وچشم اورا
بسته طپانچه بر رویش زدند واز وی سؤآل کرده کفتند نبوّت کن. کِه ترا زده است*
٦٥ ٦٦ وبسیار کفر دیکر بوی کفتند* وچون روز شد اهل شورای قوم یعنی رؤسای
٦٧ کَهَنَه وکاتبان فراهم آمده در مجلس خود اورا آورده* کفتند اکر تو مسیح هستی
٦٨ بما بکو. او بایشان کفت اکر بشما کویم مرا تصدیق نخواهید کرد* واکر ازشما سؤآل کنم
٦٩ جواب نمیدهید ومرا رها نمیکنید* لیکن بعد ازاین پسر انسان بطرف راست قوّت
٧٠ خدا خواهد نشست* همه کفتند پس تو پسر خدا هستی. او بایشان کفت شما میکوئید
٧١ که من هستم* کفتند دیکر مارا چه حاجت بشهادتست زیرا خود از زبانش شنیدیم*

باب بیست وسیم

١ ٢ پس تمام جماعت ایشان برخاسته اورا نزد پیلاطُس بردند* وشکایت براو
آغاز نموده کفتند این شخصرا یافته ایم که قوم را کمراه میکند واز جزیه دادن بقیصر
٣ منع مینماید ومیکوید که خود مسیح وپادشاه است* پس پیلاطُس از او پرسیده
٤ کفت آیا تو پادشاه یهود هستی. او در جواب وی کفت تو میکوئی* آنکاه
پیلاطُس برؤسای کَهَنَه وجمیع قوم کفت که در این شخص هیچ عیبی نمییابم*
٥ ایشان شدّت نموده کفتند که قوم را میشوراند ودر تمام یهودیّه از جلیل کرفته
٦ تا باینجا تعلیم میدهد* چون پیلاطُس نام جلیل را شنید پرسید که آیا اینمرد جلیلی
٧ است* وچون مطّلع شد که از ولایت هیرودیس است اورا نزد وی فرستاد
٨ چونکه هیرودیس در آن ایّام در اورشلیم بود* امّا هیرودیس چون عیسی را دید
بغایت شاد کردید زیراکه مدّت مدیدی بود میخواست اورا به بیند چونکه شهرت
٩ اورا بسیار شنیده بود ومترصّد میبود که معجزهٔ از او بیند* پس چیزهای بسیار از
١٠ وی پرسید لیکن او بوی هیچ جواب نداد* ورؤسای کَهَنَه وکاتبان حاضر شده
بشدّت تمام بر وی شکایت مینمودند* پس هیرودیس با لشکریان خود اورا
١١ افتضاح نموده واستهزاء کرده لباس فاخر براو پوشانید ونزد پیلاطُس اورا باز
١٢ فرستاد* ودر همانروز پیلاطُس وهیرودیس با یکدیکر مصالحه کردند زیرا قبل
١٣ از آن درمیانشان عداوتی بود* پس پیلاطُس رؤسای کَهَنَه وسرداران

۱٤ وقومرا خوانده* بایشان کفت این مردرا نزد من آوردید که قوم را میشوراند و
الحال من اورا در حضور شما امتحان کردم واز آنچه بر او ادّعا میکنید اثری
۱۵ نیافتم* ونه هیرودیس هم زیراکه شمارا نزد او فرستادم واینك هیچ عمل مستوجب
۱٦ ۱۷ قتل از او صادر نشده است* پس اورا تنبیه نموده رها خواهم کرد* زیرا اورا
۱۸ لازم بود که هر عیدی کسیرا برای ایشان آزاد کند* آنکاه همه فریاد کرده کفتند
۱۹ اورا هلاك کن وبَرْاَبّا را برای ما رها فرما* واو شخصی بود که بسبب شورش
۲۰ وقتلیکه در شهر واقع شده بود در زندان افکنده شده بود* باز پیلاطُس ندا کرده
۲۱ خواست که عیسی را رها کند* لیکن ایشان فریاد زده کفتند اورا مصلوب کن
۲۲ مصلوب کن* بارسیّم بایشان کفت چرا چه بدی کرده است من در او هیچ علّة
۲۳ قتل نیافتم پس اورا تأدیب کرده رها میکنم* امّا ایشان بصداهای بلند مبالغه
نموده خواستند که مصلوب شود وآوازهای ایشان وروٴسای کَهَنَه غالب آمد*
۲٤ ۲۵ پس پیلاطُس فرمود که برحسب خواهش ایشان بشود* وآنکسرا که بسبب
شورش وقتل در زندان حبس بود که خواستند رها کرد وعیسی را بخواهش
۲٦ ایشان سپرد* وچون اورا میبردند شمعون قیروانیرا که از صحرا میآمد مجبور
۲۷ ساخته صلیب را براو کذاردند تا از عقب عیسی ببرد* وکروهی بسیار از قوم
۲۸ وزنانیکه سینه میزدند وبرای او ماتم میکرفتند در عقب او افتادند* آنکاه عیسی
بسوی آن زنان روی کردانیده کفت ای دختران اورشلیم برای من کریه مکنید
۲۹ بلکه بجهة خود واولاد خود ماتم کنید* زیرا اینك ایّامی میآید که در آنها
خواهند کفت خوشابحال نازادکان ورحمهائیکه بار نیاوردند وپستانهائیکه شیر
۳۰ ندادند* ودر آنهنکام بکوهها خواهند کفت که بر ما بیفتید وبه تلّها که مارا
۳۱ پنهان کنید* زیرا اکر اینکارها را بچوب تر کردند بچوب خشك چه خواهد
۳۲ شد* ودو نفر دیکررا که خطاکار بودند نیز آوردند تا ایشانرا با او بکشند*
۳۳ وچون بموضعی که آنرا کاسهٔ سر میکویند رسیدند اورا در آنجا با آن دو خطاکار
۳٤ یکی بر طرف راست ودیکری بر چپ او مصلوب کردند* عیسی کفت ای پدر
اینهارا بیامرز زیراکه نمیدانند چه میکنند پس جامه‌های اورا تقسیم کردند وقرعه
۳۵ افکندند* وکروهی بتماشا ایستاده بودند وبزرکان نیز تمسخرکنان با ایشان میکفتند

دیکرانرا نجات داد پس اکر اومسیح وبرکزیدهٔ خدا میباشد خودرا برهاند*
٣٦ ٣٧ وسپاهیان نیز اورا استهزاء میکردند وآمده اورا سرکه میدادند* ومیکفتند اکر
٣٨ تو پادشاه یهود هستی خودرا نجات ده* وبرسر او تقصیر نامهٔ نوشتند بخط یونانی
٣٩ وروی وعبرانی که این است پادشاه یهود* ویکی از آن دو خطاکار مصلوب
٤٠ بر وی کفر کفت که اکرتو مسیح هستی خود را ومارا برهان* امّا آن دیکری
جواب داده اورا نهیب کرد وکفت مکر تو از خدا نمی ترسی چونکه تو نیز زیر
٤١ همین حکمی* وامّا ما به انصاف چونکه جزای اعمال خودرا یافته ایم لیکن این
٤٢ شخص هیچکار بیجا نکرده است* پس بعیسی کفت اخداوند مرا بیاد آور هنکامیکه
٤٣ بملکوت خود آئی* عیسی بوی کفت هرآینه بتو می کویم امروز با من در فردوس
٤٤ خواهی بود* وتخمینًا از ساعت ششم تا ساعت نهم ظلمت تمام روی زمین را فرو
٤٥ ٤٦ کرفت* وخورشید تاریك کشت وپردهٔ قدس از میان بشکافت* وعیسی بآواز
بلند صدا زده کفت ای پدر بدستهای تو روح خود را میسپارم اینرا بکفت وجانرا
٤٧ تسلیم نمود* امّا یوزباشی چون این ماجرارا دید خدا را تمجید کرده کفت در
٤٨ حقیقت این مرد صالح بود* وتمامئ کروه که برای این تماشا جمع شده بودند چون
٤٩ این وقایعرا دیدند سینه زنان برکشتند* وجمیع آشنایان او واز دور ایستاده بودند
٥٠ با زنانیکه از جلیل اورا متابعت کرده بودند تا این امور را به بینند* واینك
٥١ یوسف نامی از اهل شوری که مرد نیکو وصالح بود* که در رای وعمل ایشان
مشارکت نداشت واز اهل رامه بلدی از بلاد یهود بود وانتظار ملکوت خدا را
٥٢ ٥٣ میکشید* نزدیك پیلاطس آمده جسد عیسی را طلب نمود* پس آنرا پائین
آورده در کتان پیچید ودر قبری که از سنك تراشیده بود وهیچکس ابدًا در آن
٥٤ ٥٥ دفن نشده بود سپرد* وآن روز تهیه بود وسبت نزدیك میشد* وزنانیکه در
عقب او از جلیل آمده بودند از پی او رفتند وقبر وچکونکی کذاشته شدن
٥٦ بدن اورا دیدند* پس برکشته حنوط وعطریات مهیّا ساختند وروز سبت را
بحسب حکم آرام کرفتند*

باب بیست وچهارم

١ پس در روز اوّل هفته هنکام سپیدهٔ صبح حنوطی را که درست کرده بودند با

٢ خود برداشته بسر قبر آمدند وبعضی دیکران همراه ایشان * وسنك را از سر قبر
٣ ٤ غلطانیده دیدند * چون داخل شدند جسد خداوند عیسی را نیافتند * وواقع
شد هنکامیکه ایشان از این امر متحیّر بودند که ناکاه دومرد در لباس درخشنده
٥ نزد ایشان بایستادند * وچون ترسان شده سرهای خودرا بسوی زمین افکنده
٦ بودند بایشان کفتند چرا زنده را از میان مردکان میطلبید * در اینجا نیست بلکه
برخاسته است * بیاد آورید که چکونه وقتیکه در جلیل بود شما را خبر داده *
٧ کفت ضروریستکه پسر انسان بدست مردم کناهکار تسلیم شده مصلوب کردد
٨ ٩ وروز سیّم برخیزد * پس سخنان اورا بخاطر آوردند * واز سر قبر برکشته آن
١٠ یازده ودیکرانرا از همهٔ این امور مطّلع ساختند * ومریم مجدلیه ویونا ومریم مادر
١١ یعقوب ودیکر رفقای ایشان بودند که رسولانرا از این چیزها مطّلع ساختند * لیکن
١٢ سخنان زنان را هذیان پنداشته باور نکردند * امّا پطرس برخاسته دوان دوان
بسوی قبر رفت وخم شده کفنرا تنها کذاشته دید واز این ماجرا در تعجب شده
١٣ بخانهٔ خود رفت * واینك درهمانروز دو نفر از ایشان میرفتند بسوی قریهٔ
١٤ که از اورشلیم بمسافت شصت تیر پرتاب دور بود وعِمّواس نام داشت * وبا یك
١٥ دیکر از تمام اینوقایع کفتکو میکردند * وچون ایشان در مکالمه ومباحثه میبودند
١٦ ناکاه خود عیسی نزدیك شده با ایشان همراه شد * ولی چشمان ایشان بسته شد
١٧ تا اورا نشناسند * او بایشان کفت چه حرفها است که با یکدیکر میزنید وراه را
١٨ بکدورت میپیمائید * یکی که کِلِیُوپاس نام داشت در جواب وی کفت مکر تو در
اورشلیم غریب وتنها هستی واز آنچه در این ایّام در اینجا واقع شد واقف نیستی *
١٩ بایشان کفت چه چیز است کفتندش دربارهٔ عیسئ ناصری که مردی بود نبیّ
٢٠ وقادر در فعل وقول در حضور خدا وتمام قوم * وچکونه رؤسای کَهَنَه وحکّام
٢١ ما اورا بفتوای قتل سپردند واورا مصلوب ساختند * امّا ما امیدوار بودیم که
همینست آنکه میباید اسرائیل را نجات دهد وعلاوه براین همه امروز از وقوع این
٢٢ امور روز سیّم است * وبعضی از زنان ما هم ما را بحیرت انداختند که بامدادان
٢٣ نزد قبر رفتند * وجسد اورا نیافته آمدند وکفتند که فرشتکانرا در رؤیا دیدیم که
٢٤ کفتند او زنده شده است * وجمعی از رفقای ما بسر قبر رفته آنچنانکه زنان کفته

٢٥ بودند یافتند لیکن اورا ندیدند* او بایشان کفت ای بیفهمان وسست دلان از
٢٦ ایمان آوردن بآنچه انبیاء کفته اند* آیا نمیبایست که مسیح این زحمات را بیند تا
٢٧ به جلال خود برسد* پس از موسی وسائر انبیاء شروع کرده اخبار خود را
٢٨ در تمام کتب برای ایشان شرح فرمود* وچون بآن دهی که عازم آن بودند
٢٩ رسیدند او قصد نمود که دورتر رود* وایشان الحاح کرده کفتند که با ما باش
چونکه شب نزدیك است و روز بآخر رسیده پس داخل کشته با ایشان توقّف
٣٠ نمود* وچون با ایشان نشسته بود نانرا کرفته برکت داد و پاره کرده بایشان داد*
٣١ که ناکاه چشمانشان باز شده اورا شناختند و در ساعت از ایشان غایب شد*
٣٢ پس با یکدیکر کفتند آیا دل در درون ما نمیسوخت وقتیکه در راه با ما تکلّم
٣٣ مینمود وکتب را بجهة ما تفسیر میکرد* ودر آنساعت برخاسته باورشلیم مراجعت
٣٤ کردند وآن یازده‌را یافتند که با رفقای خود جمع شده* میکفتند خداوند در
٣٥ حقیقت برخاسته وبشمعون ظاهر شده است* وآن دو نفر نیز از سرکذشت راه
٣٦ وکیفیت شناختن او هنکام پاره کردن نان خبر دادند* وایشان در این کفتکو
میبودند که ناکاه عیسی خود درمیان ایشان ایستاده بایشان کفت سلام برشما باد*
٣٧ ٣٨ امّا ایشان لرزان وترسان شده کمان بردند که روحی میبینند* بایشان کفت چرا
٣٩ مضطرب شدید وبرایچه در دلهای شما شبهات روی میدهد* دستها وپایهایم را
ملاحظه کنید که من خود هستم ودست بر من کذارده به بینید زیرا که روح
٤٠ کوشت واستخوان ندارد چنانکه مینکرید که در من است* اینرا کفت ودستها
٤١ وپایهای خودرا بدیشان نشان داد* وچون ایشان هنوز از خوشی تصدیق نکرده
٤٢ در عجب مانده بودند بایشان کفت چیز خوراکی در اینجا دارید* پس قدری از
٤٣ ماهئ بریان واز شانهٔ عسل بوی دادند* پس آنرا کرفته پیش ایشان بخورد*
٤٤ وبایشان کفت همین است سخنانی که وقتی با شما بودم کفتم ضروریست که آنچه در
٤٥ توراة موسی وصحف انبیاء وزبور در بارهٔ من مکتوب است بانجام رسد* ودر
٤٦ آنوقت ذهن ایشانرا روشن کرد تا کتب را بفهمند* وبایشان کفت بر همین
منوال مکتوب است وبدینطور سزاوار بود که مسیح زحمت کشد وروز سیّم
٤٧ از مردکان برخیزد . واز اورشلیم شروع کرده موعظه بتوبه وآمرزش کناهان

٤٨ ٤٩ در همهٔ امّتها بنام او کرده شود* وشما شاهد برین امور هستید* واینك من
موعود پدر خودرا برشما میفرستم پس شما در شهر اورشلیم بمانید تا وقتیکه بقوّت از
٥٠ اعلی آراسته شوید* پس ایشانرا بیرون از شهر تا بیت عَنْیَا برد ودستهای خودرا
٥١ بلند کرده ایشانرا برکت داد* وچنین شد که در حین برکت دادن ایشان از
٥٢ ایشان جدا گشته بسوی آسمان بالا برده شد* پس اورا پرستش کرده با خوشیٔ عظیم
٥٣ بسوی اورشلیم برگشتند* وپیوسته در هیکل مانده خدا راحمد وسپاس میکفتند.

آمین

انجیل یوحنّا

باب اوّل

١ ٢ در ابتداء کلمه بود وکلمه نزد خدا بود وکلمه خدا بود * همان در ابتداء نزد
٣ خدا بود * همه چیز بواسطهٔ او آفریده شد وبغیر از او چیزی از موجودات وجود
٤ ٥ نیافت * در او حیات بود وحیات نور انسان بود * ونور در تاریکی میدرخشد
٦ وتاریکی آنرا در نیافت * شخصی از جانب خدا فرستاده شد که اسمش یحیی
٧ بود * او برای شهادت آمد تا بر نور شهادت دهد تا همه بوسیلهٔ او ایمان آورند *
٨ ٩ او آن نور نبود بلکه آمد تا بر نور شهادت دهد * آن نورِ حقیقی بود که هر انسانرا
١٠ منوّر می گرداند ودر جهان آمدنی بود * او در جهان بود وجهان بواسطهٔ او
١١ آفریده شد وجهان اورا نشناخت * بنزد خاصّان خود آمد وخاصّانش اورا
١٢ نپذیرفتند * وامّا بآن کسانیکه اورا قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا
١٣ گردند یعنی بهرکه باسم او ایمان آورد * که نه از خون ونه از خواهش جسد ونه
١٤ از خواهش مردم بلکه از خدا تولّد یافتند * وکلمه جسم گردید ومیان ما ساکن
١٥ شد پُر از فیض وراستی وجلالِ اورا دیدیم جلالی شایستهٔ پسر یگانهٔ پدر * ویحیی
بر او شهادت داد وندا کرده میگفت اینست آنکه در بارهٔ او گفتم آنکه بعد از
١٦ من میآید پیش از من شده است زیراکه بر من مقدّم بود * واز پُریِ او جمیع ما
١٧ بهره یافتیم وفیض بعوض فیض * زیرا شریعت بوسیلهٔ موسی عطا شد امّا فیض
١٨ وراستی بوسیلهٔ عیسی مسیح رسید * خدارا هرگز کسی ندیده است پسر یگانهٔ که در
١٩ آغوش پدر است همان اورا ظاهر کرد * واین است شهادت یحیی در وقتیکه
یهودیان از اورشلیم کاهنان ولاویانرا فرستادند تا از او سؤال کنند که تو کیستی *
٢٠ ٢١ که معترف شد وانکار ننمود بلکه اقرار کرد که من مسیح نیستم * آنگاه از او سؤال

کردند پس چه • آیا تو الیاس هستی کفت نیستم • آیا تو آن نبیّ هستی جواب داد
٢٢ که نی * آنکاه بدو کفتند پس کیستی تا بآن کسانیکه مارا فرستادند جواب بریم •
٢٣ دربارهٔ خود چه میکوئی * کفت من صدای ندا کنندهٔ دربیابانم که راه خداوندرا
٢٤ راست کنید چنانکه اِشْعَیاء نبیّ کفت * وفرستادکان از فریسیان بودند *
٢٥ پس از او سؤآل کرده کفتند اکر تو مسیح والیاس وآن نبیّ نیستی پس برای چه
٢٦ تعمید میدهی * یحیی در جواب ایشان کفت من بآب تعمید میدهم ودرمیان شما
٢٧ کسی ایستاده است که شما اورا نمیشناسید * واو آنستکه بعد از من میآید امّا پیش
٢٨ از من شده است که من لایق آن نیستم که بند نعلینش‌را باز کنم * واین در بیت
٢٩ عَبَرَه که آن طرف اُرْدُنّ است در جائیکه یحیی تعمید میداد واقع کشت * ودر
فردای آن روز یحیی عیسی‌را دید که بجانب او میآید پس کفت اینك برّهٔ خدا که
٣٠ کناه جهانرا بر میدارد * این است آنکه من در بارهٔ او کفتم که مردی بعد از من
٣١ میآید که پیش از من شده است زیراکه برمن مقدّم بود * ومن اورا نشناختم لیکن
٣٢ تا او باسرائیل ظاهر کردد برای همین من آمده بآب تعمید میدادم * پس یحیی
شهادت داده کفت روح‌را دیدم که مثل کبوتری از آسمان نازل شده بر او قرار
٣٣ کرفت * ومن اورا نشناختم لیکن او که مرا فرستاد تا بآب تعمید دهم همان بمن
کفت بر هرکس بینی که روح نازل شده بر او قرار کرفت همانست او که بروح
٣٤ القدس تعمید میدهد * ومن دیده شهادت میدهم که اینست پسر خدا *
٣٥ ٣٦ ودر روز بعد نیز یحیی با دو نفر از شاکردان خود ایستاده بود * ناکاه عیسی‌را
٣٧ دید که راه میرود وکفت اینك برّهٔ خدا * وچون آن دو شاکرد کلام اورا
٣٨ شنیدند از پی عیسی روانه شدند * پس عیسی روی کردانیده آن دو نفررا دید که
٣٩ از عقب میآیند • بدیشان کفت * چه میخواهید بدو کفتند ربّی یعنی ای معلّم درکجا
٤٠ منزل مینمائی * بدیشان کفت بیائید وبه بینید آنکاه آمده دیدند که کجا منزل دارد
٤١ وآن روزرا نزد او بماندند وقریب بساعت دهم بود * ویکی از آن دو که سخن
٤٢ یحیی‌را شنیده پیروئ او نمودند اندریاس برادر شِمعُون پطرس بود * او اوّل برادر
خود شمعون‌را یافته باو کفت مسیح‌را که ترجمهٔ آن کَرِسْتُس است یافتیم وچون
اورا نزد عیسی آورد عیسی بدو نکریسته کفت تو شمعون پسر یونا هستی واکنون

۴۲ کیفا خوانده خواهی شد که ترجمهٔ آن پطرس است٭ بامدادان چون عیسی
خواست بسوی جلیل روانه شود فیلپُّس‌را یافته بدو کفت از عقب من بیا٭
۴۴ وفیلپُّس از بیت صیدا از شهر اندریاس وپطرس بود٭ فیلپُّس نَتَنائیل‌را یافته ۴۵
بدو کفت آنکسی‌را که موسی در توراة وانبیاء مذکور داشته اند یافته ایم که عیسی
۴۶ پسر یوسف ناصری است٭ نتنائیل بدو کفت ممکن میشود که از ناصره چیزی
۴۷ خوب پیدا شود فیلپُّس بدو کفت بیا وببین٭ وعیسی چون دید که نتنائیل بسوی
۴۸ او میآید در بارهٔ او کفت اینك اسرائیلیٔ حقیقی که در او مکری نیست٭ نتنائیل
بدو کفت مرا از کجا میشناسی٭ عیسی در جواب وی کفت قبل از آنکه فیلپُّس ترا
۴۹ دعوت کند در حینیکه زیر درخت انجیر بودی ترا دیدم٭ نتنائیل در جواب او
۵۰ کفت ای استاد تو پسر خدائی٭ تو پادشاه اسرائیل هستی٭ عیسی در جواب او
کفت آیا از اینکه بتو کفتم که ترا زیر درخت انجیر دیدم ایمان اوردی٭ بعد از این
۵۱ چیزهای بزرکتر از این خواهی دید٭ پس بدو کفت آمین آمین بشما میکویم که از
کنون آسمانرا کشاده وفرشتکان خدارا که بر پسر انسان صعود ونزول میکنند
خواهید دید٭

باب دوّم

۱ ودر روز سیّم در قانای جلیل عروسی بود ومادر عیسی در آنجا بود٭ وعیسی ۲
۳ وشاکردانش را نیز بعروسی دعوت کردند٭ وچون شراب تمام شد مادر عیسی
۴ بدو کفت شراب ندارند٭ عیسی بوی کفت ای زن مرا با تو چه کار است٭
۵ ساعت من هنوز نرسیده است٭ مادرش بنوکران کفت هرچه بشما کوید بکنید٭
۶ ودر آنجا شش قدح سنکی برحسب تطهیر یهود نهاده بودند که هر یك کنجایش
۷ دو یا سه کیل داشت٭ عیسی بدیشان کفت قدحهارا از آب پر کنید وآنهارا
۸ لبریز کردند٭ پس بدیشان کفت الآن بر دارید وبنزد رئیس مجلس ببرید پس
۹ بردند٭ وچون رئیس مجلس آن آب‌را که شراب کردیده بود بچشید وندانست
که از کجا است لیکن نوکرانیکه آبرا کشیده بودند میدانستند رئیس مجلس دامادرا
۱۰ مخاطب ساخته بدو کفت٭ هرکسی شراب خوبرا اوّل میآورد وچون مست
۱۱ شدند بدتر از آن لیکن تو شراب خوب‌را تا حال نکاه داشتی٭ واین ابتدای

معجزانیست که از عیسی در قانای جلیل صادر کشت وجلال خودرا ظاهر کرد
١١ وشاکردانش باو ایمان آوردند* وبعد ازآن او با مادر وبرادران وشاکردان
١٢ خود بکفرناحوم آمد ودر آنجا ایّامی کم ماندند* وچون عید فصح یهود
١٣ نزدیك بود عیسی باورشلیم رفت* ودر هیکل فروشندکان کاو وکوسفند وکبوتر
١٤ وصرّافانرا نشسته یافت* پس تازیانهٔ از ریسمان ساخته همه‌را از هیکل بیرون
١٥ نمود هم کوسفندان وکاوانرا ونقود صرّافانرا ریخت وتختهای ایشانرا واژکون ساخت*
١٦ وبه کبوتر فروشان کفت اینهارا از اینجا بیرون برید وخانهٔ پدر مرا خانهٔ تجارت
١٧ مسازید* آنکاه شاکردانِ اورا یاد آمد که مکتوبست غیرت خانهٔ تو مرا خورده
١٨ است* پس یهودیان روی باو آورده کفتند بما چه علامت می نمائی که اینکارهارا
١٩ میکنی* عیسی در جواب ایشان کفت این قدس‌را خراب کنید که در سه روز
٢٠ آنرا برپا خواهم نمود* آنکاه یهودیان کفتند در عرصهٔ چهل وشش سال این
٢١ قدس‌را بنا نموده‌اند آیا تو در سه روز آنرا برپا میکنی* لیکن او در بارهٔ قدس
٢٢ جسد خود سخن میکفت* پس وقتیکه از مردکان برخاست شاکردانش‌را بخاطر
آمد که اینرا بدیشان کفته بود آنکاه بکتاب وبکلامی که عیسی کفته بود ایمان
٢٣ آوردند* وهنکامی که در عید فصح دراورشلیم بود بسیاری چون معجزاتیرا که از
٢٤ او صادر میکشت دیدند باسم او ایمان آوردند* لیکن عیسی خویشتن‌را بدیشان
٢٥ مُؤتَمِنْ نساخت زیراکه او همه‌را میشناخت* واز آنجا که احتیاج نداشت که کسی
در بارهٔ انسان شهادت دهد زیرا خود آنچه در انسان بود میدانست*

باب سیّم

١ وشخصی از فریسیان نیقودیموس نام از رؤسای یهود بود* او در شب نزد عیسی
٢ آمده بوی کفت ای استاد میدانیم که تو معلّم هستی که از جانب خدا آمدهٔ زیرا هیچ
٣ کس نمیتواند معجزاتیرا که تو مینمائی بنماید جز اینکه خدا با وی باشد* عیسی در
جواب او کفت آمین آمین بتو میکویم اکر کسی از سرِ نو مولود نشود ملکوت
٤ خدارا نمیتواند دید* نیقودیموس بدو کفت چکونه ممکنست که انسانی که پیر شده
باشد مولود کردد آیا میشود که بار دیکر داخل شکم مادر کشته مولود شود*

۵ عیسی در جواب گفت آمین آمین بتو میگویم اگر کسی از آب و روح مولود نگردد
۶ ممکن نیست که داخل ملکوت خدا شود* آنچه از جسم مولود شد جسم است
۷ وآنچه از روح مولود گشت روح است* عجب مدار که بتو گفتم باید شما از سرِ نو
۸ مولود گردید* باد هرجا که میخواهد میوزد وصدای آنرا میشنوی لیکن نمیدانی
۹ از کجا میآید وبکجا میرود همچنین است هرکه از روح مولود گردد* نیقودیموس
۱۰ درجواب وی گفت چگونه ممکن است که چنین شود* عیسی در جواب وی
۱۱ گفت آیا تو معلّم اسرائیل هستی واینرا نمیدانی* آمین آمین بتو میگویم آنچه میدانیم
۱۲ میگوئیم وبآنچه دیده ایم شهادت می دهیم وشهادت مارا قبول نمیکنید* چون
شمارا از امور زمینی سخن گفتم باور نکردید پس هرگاه به امور آسمانی با شما سخن رانم
۱۳ چگونه تصدیق خواهید نمود* وکسی باسمان بالا نرفت مگر آنکس که از آسمان
۱۴ پائین آمد یعنی پسر انسان که در آسمانست* وهمچنانکه موسی ماررا در بیابان بلند
۱۵ نمود همچنین پسر انسان نیز باید بلند کرده شود* تا هرکه باو ایمان آرد هلاك
۱۶ نگردد بلکه حیات جاودانی یابد* زیرا خدا جهانرا اینقدر محبّت نمود که پسر
یگانهٔ خودرا داد تا هرکه بر او ایمان آورد هلاك نگردد بلکه حیات جاودانی یابد*
۱۷ زیرا خدا پسر خودرا در جهان نفرستاد تا بر جهان داوری کند بلکه تا بوسیلهٔ او
۱۸ جهان نجات یابد* آنکه باو ایمان آرد بر او حکم نشود امّا هرکه ایمان نیاورد الآن
۱۹ بر او حکم شده است بجهة آنکه باسم پسر یگانهٔ خدا ایمان نیاورده* وحکم این
است که نور در جهان آمد ومردم ظلمت‌را بیشتر از نور دوست داشتند از آنجا
۲۰ که اعمال ایشان بد است* زیرا هرکه عمل بد میکند روشنی‌را دشمن دارد وپیش
۲۱ روشنی نمیآید مبادا اعمال او توبیخ شود* ولیکن کسیکه براستی عمل میکند پیش
روشنی میآید تا آنکه اعمال او هویدا گردد که در خدا کرده شده است*
۲۲ وبعد از آن عیسی با شاگردان خود بزمین یهودیّه آمد وبا ایشان در آنجا بسر
۲۳ برده تعمید میداد* ویحیی نیز درعَیْنُون نزدیك سالِیم تعمید میداد زیراکه در آنجا
۲۴ آب بسیار بود ومردم میآمدند وتعمید میگرفتند* چونکه یحیی هنوز درزندان
۲۵ حبس نشده بود* آنگاه در خصوص تطهیر درمیان شاگردان یحیی ویهودیان
۲۶ مباحثه شد* پس بنزد یحیی آمده باو گفتند ای استاد آنشخصیکه با تو در آنطرف

اُرْدُنّ بود وتو برای او شهادت دادی اکنون او تعمید میدهد وهمه نزد او
٢٧ میآیند* یحیی در جواب کفت هیچکس چیزی نمیتواند یافت مکر آنکه از آسمان
٢٨ بدو داده شود* شما خود بر من شاهد هستید که کفتم من مسیح نیستم بلکه پیش روی
٢٩ او فرستاده شدم* کسی که عروس دارد داماد است امّا دوست داماد که ایستاده
آواز اورا میشنود از آواز داماد بسیار خوشنود میکردد پس این خوشئ من کامل
٣٠ ٣١ کردید* میباید که او افزوده شود ومن ناقص کردم* اوکه از بالا میآید بالای
همه است وآنکه از زمین است زمینی است واز زمین تکلّم میکند امّا اوکه از
٣٢ اسمان میآید بالای همه است* وآنچه‌را دید وشنید بآن شهادت میدهد وهیچکس
٣٣ شهادت اورا قبول نمیکند* وکسی که شهادت اورا قبول کرد مهر کرده است بر
٣٤ اینکه خدا راست است* زیرا آنکسی‌را که خدا فرستاد بکلام خدا تکلّم مینماید
٣٥ چونکه خدا روح‌را بمیزان عطا نمیکند* پدر پسررا محبّت مینماید وهمه چیزرا
٣٦ بدست او سپرده است* آنکه به پسر ایمان آورده باشد حیات جاودانی دارد
وآنکه به پسر ایمان نیاورد حیات‌را نخواهد دید بلکه غضب خدا بر او میماند*

باب چهارم

١ وچون خداوند دانست که فریسیان مطّلع شده اند که عیسی بیشتر از یحیی
٢ شاکرد پیدا کرده تعمید میدهد* با اینکه خود عیسی تعمید نمیداد بلکه شاکردانش*
٣ ٤ یهودیّه‌را کذارده باز بجانب جلیل رفت* ولازم بود که از سامره عبور کند*
٥ پس بشهری از سامره که سوخار نام داشت نزدیك بآن موضعیکه یعقوب به پسر
٦ خود یوسف داده بود رسید* ودر آنجا چاه یعقوب بود پس عیسی از سفر
٧ خسته شده همچنین بر سر چاه نشسته بود وقریب بساعت ششم بود* که زنی سامری
٨ بجهة آب کشیدن آمد* عیسی بدو کفت جرعهٔ آب بمن بنوشان* زیرا شاکردانش
٩ بجهة خریدن خوراك بشهر رفته بودند* زن سامری بدو کفت چکونه تو که یهود
هستی از من آب میخواهی وحال آنکه زن سامری میباشم زیرا که یهود با سامریان
١٠ معاشرت ندارند* عیسی در جواب او کفت اکر بخشش خدارا میدانستی وکیست
که بتو میکوید آب بمن بده هرآینه تو از او خواهش میکردی وبتو آب زنده عطا

۱۱ میکرد * زن بدو کفت ای آقا دلو نداری و چاه عمیق است پس ازکجا آب زنده
۱۲ داری * آیا تو از پدر ما یعقوب بزرکتر هستی که چاه‌را بما داد وخود وپسران
۱۳ ومواشیٔ او از آن میاشامیدند * عیسی در جواب او کفت هرکه از این آب بنوشد
۱٤ باز تشنه کردد * لیکن کسیکه از آبی که من باو میدهم بنوشد ابدًا تشنه نخواهد شد
بلکه آن آبیَ که باو میدهم در او چشمهٔ آبی کردد که تا حیات جاودانی میجوشد *
۱٥ زن بدو کفت ای آقا آن آب‌را بمن بده تا دیکر تشنه نکردم وباینجا بجهة آب
۱٦ کشیدن نیایم * عیسی باو کفت برو وشوهر خودرا بخوان ودر اینجا بیا *
۱۷ زن در جواب کفت شوهر ندارم * عیسی بدو کفت نیکو کفتی که شوهر نداری *
۱۸ زیراکه پنج شوهر داشتی وآنکه الآن داری شوهر تو نیست * این سخنرا راست
۱۹ کفتی * زن بدو کفت ای آقا میبینم که تو نبیّ هستی * پدران ما در این کوه
۲۰
پرستش میکردند وشما میکوئید که در اورشلیم جائی است که در آن عبادت باید
۲۱ نمود * عیسی بدو کفت ای زن مرا تصدیق کن که ساعتی میاید که نه در این کوه
۲۲ ونه در اورشلیم پدررا پرستش خواهید کرد * شما انچه‌را که نمیدانید میپرستید امّا
۲۳ ما آنچه‌را که میدانیم عبادت میکنیم زیرا نجات از یهود است * لیکن ساعتی میاید
بلکه الآن است که در آن پرستندکان حقیقی پدررا بروح وراستی پرستش خواهند
۲٤ کرد زیراکه پدر مثل این پرستندکان خودرا طالب است * خدا روح است
۲٥ وهرکه اورا پرستش کند میباید بروح وراستی بپرستد * زن بدو کفت میدانم که
مسیح یعنی کَرِسْتُسْ میاید پس هنکامیکه او آید از هر چیز بما خبر خواهد داد *
۲٦ عیسی بدو کفت منکه با تو سخن میکویم همانم * ودر همان وقت شاکردانش آمده
۲۷
تعجّب کردند که با زنی سخن میکوید ولکن هیچ کس نکفت که چه میطلبی یا برای
۲۸ چه با او حرف می زنی * آنکاه زن سبوی خودرا کذارده بشهر رفت ومردمرا
۲۹ کفت * بیائید وکسی‌را به بینید که هر آنچه کرده بودم بمن کفت آیا این مسیح
۳۰ نیست * پس از شهر بیرون شده نزد او میامدند * ودر اثناء آن شاکردان او
۳۱
۳۲ خواهش نموده کفتند ای استاد بخور * بدیشان کفت من غذائی دارم که بخورم
۳۳ وشما آنرا نمیدانید * شاکردان بیکدیکر کفتند مکر کسی برای او خوراکی آورده
۳٤ باشد * عیسی بدیشان کفت خوراك من آنستکه خواهش فرستندهٔ خودرا بعمل

۳۵ آورم وکار اورا بانجام رسانم * آیا شما نمیکوئید که چهار ماه دیکر موسم درو است
اینك بشما میکویم چشمان خودرا بالا افکنید ومزرعه‌هارا به بینید زیراکه الآن بجهة
۳٦ درو سفید شده است * ودروکر اجرت میکیرد وثمری بجهة حیات جاودانی جمع
۳۷ میکند تا کارنده ودروکننده هر دو با هم خوشنود کردند * زیرا اینکلام در اینجا
۳۸ راست است که یکی میکارد ودیکری درو میکند * من شمارا فرستادم تا چیزی را
که در آن رنج نبرده‌اید درو کنید دیکران محنت کشیدند وشما در محنت ایشان
۳۹ داخل شده اید * پس در آن شهر بسیاری از سامریان بواسطهٔ سخن آن زن که
٤۰ شهادت داد که هر آنچه کرده بودم بمن باز کفت بدو ایمان آوردند * وچون
سامریان نزد او آمدند از او خواهش کردند که نزد ایشان بماند ودو روز در آنجا
٤۱ ٤۲ بماند * وبسیاری دیکر بواسطهٔ کلام او ایمان آوردند * وبزن کفتند که بعد از
این بواسطهٔ سخن تو ایمان نمیآوریم زیرا خود شنیده ودانسته ایم که او در حقیقت مسیح
٤۳ ونجات دهندهٔ عالم است * امّا بعد از دو روز از آنجا بیرون آمده بسوی جلیل
٤٤ روانه شد * زیرا خود عیسی شهادت داد که هیچ نبیّ‌را در وطن خود حرمت
٤٥ نیست * پس چون بجلیل آمد جلیلیان اورا پذیرفتند زیرا هرچه در اورشلیم در
٤٦ عید کرده بود دیدند چونکه ایشان نیز در عید رفته بودند * پس عیسی بقانای
جلیل آنجائیکه آبرا شراب ساخته بود باز آمد ویکی از سرهنکان مَلِك بود که پسر
٤۷ او در کفرناحوم مریض بود * وچون شنید که عیسی از یهودیّه بجلیل آمده است
نزد او آمده خواهش کرد که فرود بیاید وپسر اورا شفا دهد زیرا که مشرف بموت
٤۸ ٤۹ بود * عیسی بدو کفت اکر آیات ومعجزات نبینید همانا ایمان نیاورید * سرهنك
۵۰ بدو کفت ای آقا قبل از آنکه پسرم بمیرد فرود بیا * عیسی بدو کفت برو که
۵۱ پسرت زنده است آنشخص بسخنیکه عیسی بدو کفت ایمان آورده روانه شد * ودر
وقتیکه او میرفت غلامانش اورا استقبال نموده مژده دادند وکفتند که پسر تو زنده
۵۲ است * پس از ایشان پرسید که در چه ساعت عافیت یافت * کفتند دیروز در
۵۳ ساعت هفتم تب از او زایل کشت * آنکاه پدر فهمید که در همان ساعت عیسی
۵٤ کفته بود پسر تو زنده است پس او وتمام اهل خانهٔ او ایمان آوردند * واین نیز
معجزهٔ دوّم بود که از عیسی در وقتیکه از یهودیّه بجلیل آمد بظهور رسید *

باب پنجم

١ ٢ وبعد از ان یهودرا عیدی بود وعیسی باورشلیم آمد* ودر اورشلیم نزد باب
٣ الضّان حوضی است که انرا بعبرانی بیت‌حسدا میکویند که پنج رواق دارد* ودر
آنجا جمعی کثیر از مریضان وکوران ولنکان وشلّان خوابیده منتظر حرکت آب
٤ ٥ میبودند* ودر آنجا مردی بود که سی وهشت سال بمرضی مبتلا بود* چون
عیسی اورا خوابیده دید ودانست که مرض او طول کشیده است بدو کفت آیا
٦ میخواهی شفا یابی* مریض اورا جواب داد که ای آقا کسی ندارم که چون آب
بحرکت آید مرا در حوض بیندازد بلکه تا وقتیکه میآیم دیکری پیش از من فرو رفته
٧ ٨ است* عیسی بدو کفت برخیز وبستر خودرا بر داشته روانه شو* که در حال
آن مرد شفا یافت وبستر خودرا بر داشته روانه کردید وآن روز سبت بود*
٩ پس یهودیان بآنکسیکه شفا یافته بود کفتند روز سبت است وبر تو روا نیست که
١٠ بستر خودرا برداری* او در جواب ایشان کفت آنکسیکه مرا شفا داد همان بمن
١١ کفت بستر خودرا بر دار وبرو* پس از او پرسیدند کیست آنکه بتو کفت بستر
١٢ خودرا بر دار وبرو* لیکن آن شفا یافته نمی دانست که بود زیرا که عیسی نا پدید
١٣ شد چون در آنجا ازدحامی بود* وبعد از آن عیسی اورا در هیکل یافته بدو
١٤ کفت اکنون شفا یافتهٔ دیکر خطا مکن تا برای تو بدتر نکردد* آنمرد رفت
١٥ ویهودیان‌را خبر داد که آنکه مرا شفا داد عیسی است* واز این سبب یهودیان
١٦ بر عیسی تعدّی میکردند زیرا که این کاررا در روز سبت کرده بود* عیسی در
١٧ جواب ایشان کفت که پدر من تا کنون کار میکند ومن نیز کار میکنم* پس از این
سبب یهودیان بیشتر قصد قتل او کردند زیرا که نه تنها سبت‌را میشکست بلکه
١٨ خدارا نیز پدر خود کفته خودرا مساوی خدا میساخت* آنکاه عیسی در جواب
ایشان کفت آمین آمین بشما میکویم که پسر از خود هیچ نمیتواند کرد مکر آنچه بیند
١٩ که پدر بعمل آرد زیرا که آنچه او میکند همچنین پسر نیز میکند* زیراکه پدر پسررا
دوست میدارد وهر آنچه خود میکند بدو مینماید واعمال بزرکتر از این بدو نشان
٢٠ خواهد داد تا شما تعجّب نمائید* زیرا همچنانکه پدر مردکانرا برمیخیزاند وزنده میکند

۲۱ همچنین پسر نیز هرکرا میخواهد زنده میکند * زیرا که پدر بر هیچکس داوری نمیکند
۲۲ بلکه تمام داوریرا به پسر سپرده است * تا آنکه همه پسررا حرمت بدارند همچنانکه
پدررا حرمت میدارند وکسی که به پسر حرمت نکند به پدریکه اورا فرستاد احترام
۲۳ نکرده است * آمین آمین بشما میگویم هرکه کلام مرا بشنود وبفرستندهٔ من ایمان
آورد حیات جاودانی دارد ودر داوری نمیآید بلکه از موت تا بحیات منتقل گشته
۲٤ است * آمین آمین بشما میگویم که ساعتی میآید بلکه اکنون است که مردگان آواز
۲٥ پسر خدارا میشنوند وهرکه بشنود زنده گردد * زیرا همچنانکه پدر در خود حیات
۲٦ دارد همچنین پسررا نیز عطا کرده است که در خود حیات داشته باشد * وبدو
۲۷ قدرت بخشیده است که داوری هم بکند زیرا که پسر انسان است * واز این تعجّب
مکنید زیرا ساعتی میآید که در آن جمیع کسانیکه در قبور میباشند آواز اورا خواهند
۲۸ شنید * وبیرون خواهند آمد هرکه اعمال نیکو کرد برای قیامت حیات وهرکه
۲۹ اعمال بد کرد بجهة قیامت داوری * من از خود هیچ نمیتوانم کرد بلکه چنانکه
شنیده‌ام داوری میکنم وداوریٔ من عادل است زیرا که ارادهٔ خودرا طالب نیستم
۳۰ بلکه ارادهٔ پدریکه مرا فرستاده است * اگر من بر خود شهادت دهم شهادت
۳۱ من راست نیست * دیگری هست که برمن شهادت میدهد ومیدانم که شهادتی
۳۲ که او بر من میدهد راست است * شما نزد یحیی فرستادید واو براستی شهادت
۳۳ داد * امّا من شهادت انسانرا قبول نمیکنم ولیکن این سخنانرا میگویم تا شما نجات
۳٤ یابید * او چراغ افروخته ودرخشندهٔ بود وشما خواستید که ساعتی بنور او شادی
۳٥ کنید * وامّا من شهادت بزرگتر از یحیی دارم زیرا آن کارهائیکه پدر بمن عطا کرد
تا کامل کنم یعنی این کارهائیکه من میکنم برمن شهادت میدهد که پدر مرا فرستاده
۳٦ است * وخود پدر که مرا فرستاد بمن شهادت داده است که هرگز آواز اورا
۳۷ نشنیده وصورت اورا ندیده اید * وکلام اورا در خود ثابت ندارید زیرا کسی را
۳۸ که پدر فرستاد شما بدو ایمان نیاوردید * کتب‌را تفتیش کنید زیرا شما گمان میبرید
۳۹ که در آنها حیات جاودانی دارید وآنها است که بمن شهادت میدهد * ونمیخواهید
٤۰ ٤۱ نزد من آئید تا حیات یابید * جلالرا از مردم نمیپذیرم * ولکن شمارا میشناسم که
٤۲ در نفس خود محبّت خدارا ندارید * من باسم پدر خود آمده ام ومرا قبول نمیکنید

٤٣ ولی هرگاه دیگری باسم خود آید اورا قبول خواهید کرد* شما چگونه میتوانید
ایمان آرید و حال آنکه جلال از یکدیگر میطلبید وجلالیرا که از خدای واحد
٤٤ است طالب نیستید* گمان مبرید که من نزد پدر بر شما ادّعاء خواهم کرد کسی
٤٥ هست که مدّعیٔ شما میباشد وآن موسی است که بر او امیدوار هستید* زیرا اگر
موسی را تصدیق میکردید مرا نیز تصدیق میکردید چونکه او در بارهٔ من نوشته
٤٦ است* امّا چون نوشته‌های اورا تصدیق نمیکنید پس چگونه سخنهای مرا قبول
خواهید کرد*

باب ششم

١ وبعد از آن عیسی بآنطرف دریای جلیل که دریای طبریّه باشد رفت*
٢ وجمعی کثیر از عقب او آمدند زیرا آن معجزاتیرا که بمریضان مینمود میدیدند*
٣
٤ آنگاه عیسی بکوهی برآمده با شاگردان خود در آنجا بنشست* وفصح که عید
٥ یهود باشد نزدیك بود* پس عیسی چشمان خودرا بالا انداخته دید که جمعی
٦ کثیر بطرف او میآیند بفیلپّس گفت از کجا نان بخریم تا اینها بخورند* واینرا از روی
٧ امتحان باو گفت زیرا خود میدانست چه باید کرد* فیلپّس اورا جواب داد که
٨ دویست دینار نان اینهارا کفایت نکند تا هر یك اندکی بخورند* یکی از
٩ شاگردانش که اندریاس برادر شِمْعُون پطرس باشد ویرا گفت* در اینجا پسری
است که پنج نان جو ودو ماهی دارد ولیکن این از برای این گروه چه میشود*
١٠ عیسی گفت مردمرا بنشانید و در آنمکان گیاه بسیار بود وآن گروه قریب به پنج
١١ هزار مرد بودند که نشستند* عیسی نانها را گرفته وشکر نموده بشاگردان داد
وشاگردان به نشستگان دادند وهمچنین از دو ماهی نیز بقدریکه خواستند*
١٢ وچون سیر گشتند به شاگردان خود گفت پاره‌های باقی مانده را جمع کنید تا
١٣ چیزی ضایع نشود* پس جمع کردند واز پاره‌های پنج نان جو که از خورندگان
١٤ زیاده آمده بود دوازده سبد پر کردند* وچون مردمان این معجزه را که از عیسی
صادر شده بود دیدند گفتند که این البتّه همان نبیّ است که باید در جهان بیاید*
١٥ وامّا عیسی چون دانست که میخواهند بیایند واورا بزور برده پادشاه سازند
١٦ باز تنها بکوه برآمد* وچون شام شد شاگردانش بجانب دریا پائین رفتند*

١٧ وبکشتی سوار شده بآنطرف دریا بکفرناحوم روانه شدند وچون تاریك شد عیسی
١٨ هنوز نزد ایشان نیامده بود* ودریا بواسطهٔ وزیدن باد شدید بتلاطم آمد*
١٩ پس وقتیکه قریب به بیست وپنج یا سی تیر پرتاب رانده بودند عیسی را دیدند که
٢٠ بر روی دریا خرامان شده نزدیك کشتی میآید پس ترسیدند* او بدیشان کفت
٢١ من هستم• مترسید* وچون میخواستند اورا در کشتی بیاورند در ساعت کشتی
٢٢ بآن زمینیکه عازم آن بودند رسید* بامدادان کروهیکه بآنطرف دریا
ایستاده بودند دیدند که هیچ زورقی نبود غیر ازآن که شاکردان او داخل ان
شده بودند وعیسی با شاکردان خود داخل آن زورق نشده بلکه شاکردانش تنها
٢٣ رفته بودند* لیکن زورقهای دیکر از طبریّه آمد نزدیك بآنجائیکه نان خورده
٢٤ بودند بعد از آنکه خداوند شکر کفته بود* پس چون آن کروه دیدند که عیسی
وشاکردانش درآنجا نیستند ایشان نیز بکشتیها سوار شده در طلب عیسی بکفرناحوم
٢٥ آمدند* وچون اورا درآنطرف دریا یافتند بدو کفتند ای استاد کی باینجا آمدی*
٢٦ عیسی در جواب ایشان کفت آمین آمین بشما میکویم که مرا میطلبید نه بسبب
٢٧ معجزاتیکه دیدید بلکه بسبب آن نان که خوردید وسیر شدید* کار بکنید نه برای
خوراك فانی بلکه برای خوراکی که تا حیات جاودانی باقیست که پسر انسان آنرا
٢٨ بشما عطا خواهد کرد زیرا خدای پدر براو مهر زده است* بدو کفتند چه کنیم تا
٢٩ اعمال خدارا بجا آورده باشیم* عیسی در جواب ایشان کفت عمل خدا این
٣٠ است که بآنکسیکه او فرستاد ایمان بیاورید* بدو کفتند چه معجزه مینمائی تا آنرا
٣١ دیده بتو ایمان آوریم• چه کار میکنی* پدران ما در بیابان منّ را خوردند چنانکه
٣٢ مکتوبست که از آسمان بدیشان نان عطا کرد تا بخورند* عیسی بدیشان کفت
آمین آمین بشما میکویم که موسی نانرا از آسمان بشما نداد بلکه پدر من نان حقیقی را
٣٣ از آسمان بشما میدهد* زیرا که نان خدا آنستکه از آسمان نازل شده بجهان حیات
٣٤ ٣٥ میبخشد* آنکاه بدو کفتند اىخداوند این نانرا پیوسته بما بده* عیسی بدیشان
کفت من نان حیات هستم• کسیکه نزد من آید هرکز کرسنه نشود وهرکه بمن
٣٦ ایمان آرد هرکز تشنه نکردد* لیکن بشما کفتم که مرا هم دیدید وایمان نیاوردید*
٣٧ هرآنچه پدر بمن عطا کند بجانب من آید وهرکه بجانب من آید اورا بیرون نخواهم

۳۸ نمود* زیرا از آسمان نزول کردم نه تا به ارادهٔ خود عمل کنم بلکه به ارادهٔ
۳۹ فرستندهٔ خود* و ارادهٔ پدری که مرا فرستاد این است که از آنچه بمن عطا کرد
۴۰ چیزی تلف نکنم بلکه در روز بازپسین آنرا برخیزانم* و ارادهٔ فرستندهٔ من اینست
که هرکه پسررا دید و بدو ایمان آورد حیات جاودانی داشته باشد و من در روز
۴۱ بازپسین اورا خواهم برخیزانید* پس یهودیان در بارهٔ او همهمه کردند زیرا
۴۲ کفته بود من هستم آن نانی که از آسمان نازل شد* وکفتند آیا این عیسی پسر
یوسف نیست که ما پدر ومادر اورا می شناسیم پس چکونه میکوید که ازآسمان
۴۳ ۴٤ نازل شدم* عیسی در جواب ایشان کفت با یکدیکر همهمه مکنید* کسی نمیتواند
نزد من آید مکر آنکه پدری که مرا فرستاد اورا جذب کند ومن در روز بازپسین
۴۵ اورا خواهم برخیزانید* در انبیاء مکتوب است که همه از خدا تعلیم خواهند
٤٦ یافت پس هرکه از پدر شنید و تعلیم یافت نزد من میآید* نه اینکه کسی پدر را
٤۷ دیده باشد جز آنکسی که از جانب خداست او پدر را دیده است* آمین آمین
٤۸ بشما میکویم هرکه بمن ایمان آرد حیات جاودانی دارد* من نان حیات هستم*
٤۹ ۵۰ پدران شما در بیابان منّ را خوردند و مردند* این نانی است که از اسمان نازل
۵۱ شد تا هرکه ازآن بخورد نمیرد* من هستم آن نان زنده که ازآسمان نازل شد. اکر
کسی ازاین نان بخورد تا بأبد زنده خواهد ماند ونانیکه من عطا میکنم جسم منست
۵۲ که آنرا بجهة حیات جهان میبخشم* پس یهودیان با یکدیکر مخاصمه کرده
میکفتند چکونه این شخص میتواند جسد خود را بما دهد تا بخوریم* عیسی بدیشان
۵۳ کفت آمین آمین بشما میکویم اکر جسد پسرانسانرا نخورید و خون اورا ننوشید در
۵٤ خود حیات ندارید* وهرکه جسد مرا خورْد وخون مرا نوشید حیات جاودانی
۵۵ دارد ومن در روز آخر اورا خواهم برخیزانید* زیراکه جسد من خوردنیٔ حقیقی
۵٦ وخون من آشامیدنیٔ حقیقی است* پس هرکه جسد مرا میخورد وخون مرا مینوشد
۵۷ درمن میماند ومن دراو* چنانکه پدرِ زنده مرا فرستاد ومن به پدر زنده هستم
۵۸ همچنین کسی که مرا بخورَد او نیز بمن زنده می شود* اینست نانیکه ازآسمان نازل
شد نه همچنانکه پدران شما منّ‌را خوردند ومردند بلکه هرکه این نانرا بخورَد تا
۵۹ بأبد زنده ماند* این سخنرا وقتیکه درکفرناحوم تعلیم میداد درکنیسه کفت*

٦٠ آنگاه بسیاری از شاگردان او چون اینرا شنیدند گفتند این کلامْ سخت است ، کِه
٦١ میتواند آنرا بشنود ✲ چون عیسی در خود دانست که شاگردانش در این امر
٦٢ همهمه میکنند بدیشان گفت آیا این شما را لغزش میدهد ✲ پس اگر پسر انسانرا
٦٣ بینید که بجائیکه اوّل بود صعود میکند چه ✲ روح است که زنده میکند وامّا از
جسد فایدهٔ نیست ، کلامیرا که من بشما میگویم روح وحیات است ✲ ولیکن
٦٤ بعضی از شما هستند که ایمان نمیآورند زیراکه عیسی از ابتداء میدانست کیانند که
٦٥ ایمان نمیآورند وکیست که اورا تسلیم خواهد کرد ✲ پس گفت از این سبب بشما
٦٦ گفتم که کسی نزد من نمیتواند آمد مگر آنکه پدر من آنرا بدو عطا کند ✲ در
٦٧ همانوقت بسیاری از شاگردان او برگشته دیگر با او همراهی نکردند ✲ آنگاه عیسی
٦٨ بآن دوازده گفت آیا شما نیز میخواهید بروید ✲ شمعون پِطرُس باو جواب داد
٦٩ خداوندا نزد کِه برویم ، کلمات حیات جاودانی نزد تو است ✲ وما ایمان آورده
٧٠ وشناخته ایم که تو مسیح پسر خدای حیّ هستی ✲ عیسی بدیشان جواب داد آیا من
٧١ شما دوازده را بر نگزیدم وحال آنکه یکی از شما ابلیسی است ✲ واینرا در بارهٔ
یهودا پسر شمعونِ اسخریوطی گفت زیرا او بود که میبایست تسلیم کنندهٔ وی بشود
ویکی از آن دوازده بود ✲

باب هفتم

١ وبعد از آن عیسی در جلیل میگشت زیرا نمیخواست در یهودیّه راه رود چونکه
٢ یهودیان قصد قتل او میداشتند ✲ وعید یهود که عید خیمهها باشد نزدیك بود ✲
٣ پس برادرانش بدو گفتند از اینجا روانه شده به یهودیّه برو تا شاگردانت نیز آن
٤ اعمالیرا که تو میکنی به بینند ✲ زیرا هرکه میخواهد آشکار شود در پنهانی کار
٥ نمیکند پس اگر اینکارهارا میکنی خود را بجهان بنما ✲ زیراکه برادرانش نیز باو
٦ ایمان نیاورده بودند ✲ آنگاه عیسی بدیشان گفت وقت من هنوز نرسیده امّا وقت
٧ شما همیشه حاضر است ✲ جهان نمیتواند شما را دشمن دارد ولیکن مرا دشمن
٨ میدارد زیراکه من بر آن شهادت میدهم که اعمالش بد است ✲ شما برای این
٩ عید بروید من حال باین عید نمیآیم زیراکه وقت من هنوز تمام نشده است ✲ چون
١٠ اینرا بدیشان گفت در جلیل توقّف نمود ✲ لیکن چون برادرانش برای

۱۱ عید رفته بودند او نیز آمد نه آشکار بلکه در خفا* امّا یهودیان در عید اورا
۱۲ جستجو نموده میکفتند که او کجا است* ودرمیان مردم در بارهٔ او همهمهٔ بسیار
بود. بعضی میکفتند که مردی نیکو است ودیکران میکفتند نی بلکه کمراه کنندهٔ
۱۳ قوم است* ولیکن بسبب ترس از یهود هیچ کس در بارهٔ او ظاهرًا حرف نمیزد*
۱۴ ۱۵ وچون نصف عید کذشته بود عیسی بهیکل آمده تعلیم میداد* ویهودیان تعجّب
۱۶ نموده کفتند این شخص هرکز تعلیم نیافته چکونه کتب را میداند* عیسی در جواب
۱۷ ایشان کفت تعلیم من از من نیست بلکه از فرستندهٔ من* اکر کسی بخواهد ارادهٔ
اورا بعمل آرد در بارهٔ تعلیم خواهد دانست که از خدا است یا آنکه من از خود
۱۸ سخن میرانم* هرکه از خود سخن کوید جلال خودرا طالب بُوَد وامّا هرکه طالب
۱۹ جلال فرستندهٔ خود باشد او صادقست ودراو ناراستی نیست* آیا موسی توراة را
بشما نداده است وحال آنکه کسی از شما نیست که بتوراة عمل کند از برای چه
۲۰ میخواهید مرا بقتل رسانید* آنکاه همه درجواب کفتند تو دیو داری که اراده دارد
۲۱ ترا بکشد* عیسی در جواب ایشان کفت یك عمل نمودم وهمهٔ شما از آن متعجّب
۲۲ شدید* موسی ختنه را بشما داد نه آنکه از موسی باشد بلکه از اجداد ودر روز
۲۳ سبت مردمرا ختنه میکنید* پس اکر کسی درروز سبت مختون شود تا شریعت
موسی شکسته نشود چرا برمن خشم میآورید از آن سبب که در روز سبت شخصی را
۲۴ شفای کامل دادم* بحسب ظاهر داوری مکنید بلکه براستی داوری نمائید*
۲۵ پس بعضی از اهل اورشلیم کفتند آیا این آن نیست که قصد قتل او دارند*
۲۶ واینك آشکارا حرف میزند وبدو هیچ نمیکویند آیا رؤساء یقینًا میدانند که او در
۲۷ حقیقت مسیح است* لیکن اینشخصرا میدانیم ازکجا است امّا مسیح چون آید هیچکس
۲۸ نمیشناسد که ازکجا است* وعیسی چون در هیکل تعلیم میداد ندا کرده کفت
مرا میشناسید ونیز میدانید از کجا هستم واز خود نیامده ام بلکه فرستندهٔ من حقّ
۲۹ است که شما اورا نمیشناسید* امّا من اورا میشناسم زیراکه از او هستم واو مرا فرستاده
۳۰ است* آنکاه خواستند اورا کرفتار کنند ولیکن کسی بر او دست نینداخت
۳۱ زیراکه ساعت او هنوز نرسیده بود* آنکاه بسیاری از آن کروه بدو ایمان آوردند
وکفتند آیا چون مسیح آید معجزاتِ بیشتر از اینهاکه این شخص مینماید خواهد نمود*

۳۲ چون فریسیان شنیدند که خلق در بارهٔ او این همهمه میکنند فریسیان ورؤسای
۳۳ کَهَنه خادمان فرستادند تا اورا بکیرند * آنکاه عیسی کفت اندك زمانی دیکر با
۳۴ شما هستم بعد نزد فرستندهٔ خود میروم * ومرا طلب خواهید کرد ونخواهید یافت
۳۵ وانجائیکه من هستم شما نمیتوانید آمد * پس یهودیان با یکدیکر کفتند او کجا
میخواهد برود که ما اورا نمییابیم آیا اراده دارد بسوی پراکندکان یونانیان رود
۳٦ و یونانیانرا تعلیم دهد * این چه کلامیست که کفت مرا طلب خواهید کرد
۳۷ ونخواهید یافت وجائیکه من هستم شما نمیتوانید آمد * ودر روز آخر که
روز بزرك عید بود عیسی ایستاده ندا کرد وکفت هرکه تشنه باشد نزد من آید
۳۸ وبنوشد * کسی که بمن ایمان آورد چنانکه کتاب میکوید از بطن او نهرهای آب
۳۹ زنده جاری خواهد شد * امّا اینرا کفت در بارهٔ روح که هرکه باو ایمان آرد اورا
خواهد یافت زیرا که روح القدس هنوز عطا نشده بود چونکه عیسی تا بحال
٤۰ جلال نیافته بود * آنکاه بسیاری از آن کروه چون اینکلامرا شنیدند کفتند
٤۱ درحقیقت این شخص همان نبیّ است * وبعضی کفتند او مسیح است وبعضی
٤۲ کفتند مکر مسیح از جلیل خواهد آمد * آیا کتاب نکفته است که از نسل داود
٤۳ واز بیت لحم دهیکه داود درآن بود مسیح ظاهر خواهد شد * پس در بارهٔ او
٤٤ درمیان مردم اختلاف افتاد * وبعضی از ایشان خواستند اورا بکیرند ولکن
٤٥ هیچکس بر او دست نینداخت * پس خادمان نزد رؤسای کَهَنَه وفریسیان
٤٦ آمدند ۰ آنها بدیشان کفتند برایچه اورا نیاوردید * خادمان در جواب کفتند
٤۷ هرکز کسی مثل اینشخص سخن نکفته است * آنکاه فریسیان در جواب ایشان
٤۸ کفتند آیا شما نیز کمراه شده اید * مکر کسی از سرداران یا از فریسیان باو ایمان
٤۹ آورده است * ولیکن اینکروه که شریعترا نمیدانند ملعون میباشند * نیقودیموس
۵۰
۵۱ آنکه در شب نزد او آمده ویکی از ایشان بود بدیشان کفت * آیا شریعت ما بر
کسی فتوی میدهد جز آنکه اوّل سخن اورا بشنوند وکار اورا دریافت کنند *
۵۲ ایشان درجواب وی کفتند مکر تو نیز جلیلی هستی تفحّص کن وببین زیرا که هیچ
نبیّ از جلیل برنخاسته است پس هر یك بخانهٔ خود رفتند *

باب هشتم

۱ اما عیسی بکوه زیتون رفت * وبامدادان باز بهیکل آمد وچون جمیع قوم نزد او ۲
۳ آمدند نشسته ایشانرا تعلیم میداد * که ناکاه کاتبان وفریسیان زنی را که در زنا
۴ کرفته شده بود پیش او آوردند واورا درمیان برپا داشته * بدو کفتند ای استاد
۵ این زن در عین عمل زنا کرفته شد * وموسی در توراة بما حکم کرده است که
۶ چنین زنان سنکسار شوند امّا تو چه میکوئی * واینرا از روی امتحان بدو کفتند تا
ادّعائی براو پیدا کنند امّا عیسی سر بزیر افکنده بهانکشت خود بر روی زمین
۷ مینوشت * وچون در سؤآل کردن الحاح مینمودند راست شده بدیشان کفت
۸ هرکه از شما کناه ندارد اوّل براو سنك اندازد * وباز سر بزیر افکنده برزمین
۹ مینوشت * پس چون شنیدند از ضمیر خود ملزم شده از مشایخ شروع کرده تا
باخر یك یك بیرون رفتند وعیسی تنها باقی ماند با آن زن که درمیان ایستاده
۱۰ بود * پس عیسی چون راست شد وغیر از زن کسیرا ندید بدو کفت ای زن
۱۱ آن مدّعیان تو کجا شدند آیا هیچکس بر تو فتوی نداد * کفت هیچکس ای آقا ٭
۱۲ عیسی کفت من هم بر تو فتوی نمیدهم برو دیکر کناه مکن * پس عیسی باز
بدیشان خطاب کرده کفت من نورِ عالم هستم ٭ کسی که مرا متابعت کند در ظلمت
۱۳ سالك نشود بلکه نور حیات را یابد * آنکاه فریسیان بدو کفتند تو بر خود
۱۴ شهادت میدهی پس شهادت تو راست نیست * عیسی در جواب ایشان کفت
هرچند من بر خود شهادت میدهم شهادت من راست است زیرا که میدانم از کجا
۱۵ آمده ام وبکجا خواهم رفت لیکن شما نمیدانید از کجا آمده ام وبکجا میروم * شما بحسب
۱۶ جسم حکم میکنید امّا من بر هیچکس حکم نمیکنم * واکر من حکم دهم حکم من راست
۱۷ است ازآنرو که تنها نیستم بلکه من وپدری که مرا فرستاد * ونیز در شریعت شما
۱۸ مکتوب است که شهادت دو کس حقّ است * من بر خود شهادت میدهم
۱۹ وپدریکه مرا فرستاد نیز برای من شهادت می دهد * بدو کفتند پدر تو کجا است ٭
عیسی جواب داد که نه مرا میشناسید و نه پدر مرا ٭ هرکاه مرا میشناختید پدر مرا
۲۰ نیز میشناختید * واین کلامرا عیسی در بیت المال کفت وقتیکه در هیکل تعلیم

٢١ میداد وهیچکس اورا نکرفت بجهة آنکه ساعت او هنوز نرسیده بود* باز عیسی
بدیشان کفت من میروم ومرا طلب خواهید کرد ودر کناهان خود خواهید مرد
٢٢ وجائیکه من میروم شما نمیتوانید آمد* یهودیان کفتند آیا ارادهٔ قتل خود دارد که
٢٣ میکوید بجائی خواهم رفت که شما نمیتوانید آمد* ایشانرا کفت شما از پائین
٢٤ میباشید امّا من از بالا. شما از این جهان هستید لیکن من از این جهان نیستم* از
اینجهة بشما کفتم که در کناهان خود خواهید مرد زیرا اکر باور نکنید که من هستم
٢٥ در کناهان خود خواهید مرد* بدو کفتند تو کیستی. عیسی بدیشان کفت همانم که
٢٦ از اوّل نیز بشما کفتم* من چیزهای بسیار دارم که در بارهٔ شما بکویم وحکم کنم
٢٧ لکن آنکه مرا فرستاد حقّ است ومن آنچه از او شنیده‌ام بجهان میکویم* ایشان
٢٨ نفهمیدند که بدیشان در بارهٔ پدر سخن میکوید* عیسی بدیشان کفت وقتیکه پسر
انسانرا بلند کردید آنوقت خواهید دانست که من هستم واز خود کاری نمیکنم
٢٩ بلکه بآنچه پدرم مرا تعلیم داد تکلّم میکنم* واو که مرا فرستاد با من است وپدر مرا
٣٠ تنها نکذارده است زیرا آنکه من همیشه کارهای پسندیدهٔ اورا بجا میآورم* چون
٣١ اینرا کفت بسیاری بدو ایمان آوردند* پس عیسی بیهودیانی که بدو ایمان آوردند
٣٢ کفت اکر شما در کلام من بمانید فی الحقیقة شاکرد من خواهید شد* وحقّ را
٣٣ خواهید شناخت وحقّ شما را آزاد خواهد کرد* بدو جواب دادند که اولاد
ابراهیم میباشیم وهرکز هیچکس را غلام نبوده‌ایم پس چکونه تو میکوئی که آزاد
٣٤ خواهید شد* عیسی در جواب ایشان کفت آمین آمین بشما میکویم هرکه کناه
٣٥ میکند غلام کناه است* وغلام همیشه در خانه نمیماند امّا پسر همیشه میماند*
٣٦ ٣٧ پس اکر پسرْ شما را آزاد کند در حقیقت آزاد خواهید بود* میدانم که اولاد
٣٨ ابراهیم هستید لیکن میخواهید مرا بکشید زیرا کلام من در شما جای ندارد* من
٣٩ آنچه نزد پدر خود دیده‌ام میکویم وشما آنچه نزد پدر خود دیده اید میکنید* در جواب
او کفتند که پدر ما ابراهیم است عیسی بدیشان کفت اکر اولاد ابراهیم میبودید
٤٠ اعمال ابراهیم‌را بجا میآوردید* ولیکن الآن میخواهید مرا بکشید ومن شخصی هستم
٤١ که با شما براستئ که از خدا شنیده‌ام تکلّم میکنم ابراهیم چنین نکرد* شما اعمال پدر
خودرا بجا میآورید. بدو کفتند که ما از زنا زائیده نشده‌ایم. یك پدر داریم که خدا

۴۲ باشد* عیسی بایشان کفت اکر خدا پدر شما میبود مرا دوست میداشتید زیراکه
من از جانب خدا صادر شده وآمده ام زیراکه من از پیش خود نیامده ام بلکه او
۴۳ مرا فرستاده است* برایچه سخن مرا نمیفهمید از آنجهة که کلام مرا نمیتوانید بشنوید*
۴۴ شما از پدر خود ابلیس میباشید و خواهشهای پدر خودرا میخواهید بعمل آرید او
از اوّل قاتل بود و در راستی ثابت نمیباشد از آنجهة که در او راستی نیست هرکاه
بدروغ سخن میکوید از ذات خود میکوید زیرا دروغکو و پدر دروغکویان است*
۴۵ ۴۶ وامّا من ازین سبب که راست میکویم مرا باور نمیکنید* کیست از شما که مرا
۴۷ بکناه ملزم سازد پس اکر راست میکویم چرا مرا باور نمیکنید* کسیکه از خدا
۴۸ است کلام خدارا میشنود واز این سبب شما نمیشنوید که از خدا نیستید* پس
یهودیان در جواب او کفتند آیا ما خوب نکفتیم که تو سامری هستی ودیو داری*
۴۹ عیسی جواب داد که من دیو ندارم لکن پدر خودرا حرمت میدارم وشما مرا
۵۰ بیحرمت می سازید* من جلال خودرا طالب نیستم کسی هست که میطلبد
۵۱ و داوری میکند* آمین آمین بشما میکویم اکر کسی کلام مرا حفظ کند موت را تا
۵۲ بأبد نخواهد دید* پس یهودیان بدو کفتند الآن دانستیم که دیو داری• ابراهیم
وانبیاء مردند وتو میکوئی اکر کسی کلام مرا حفظ کند موت را تا بأبد نخواهد
۵۳ چشید* آیا تو از پدر ما ابراهیم که مُرد وانبیائیکه مُردند بزرکتر هستی• خودرا
۵۴ کِه میدانی* عیسی جواب داد اکر خود را جلال دهم جلال من چیزی نباشد•
۵۵ پدر من آنست که مرا جلال میبخشد آنکه شما میکوئید خدای ما است* واورا
نمیشناسید امّا من اورا میشناسم واکر کویم اورا نمیشناسم مثل شما دروغ کو میباشم
۵۶ لیکن اورا میشناسم وقول اورا نکاه میدارم* پدر شما ابراهیم شادی کرد
۵۷ بر اینکه روز مرا به بیند ودید وشادمان کردید* یهودیان بدو کفتند هنوز
۵۸ پنجاه سال نداری وابراهیم را دیدهٔ* عیسی بدیشان کفت آمین آمین
۵۹ بشما میکویم که پیش از آنکه ابراهیم پیدا شود من هستم* آنکاه سنکها
برداشتند تا اورا سنکسار کنند امّا عیسی خودرا مخفی ساخت وازمیان کذشته
از هیکل بیرون شد وهمچنین برفت*

باب نهم

۱ ۲ و وقتیکه میرفت کوری مادرزاد دید* وشاکردانش از او سؤآل کرده کفتند
۳ ای استاد کناه کِه کرد این شخص یا والدَین او که کور زائیده شد* عیسی جواب
داد که کناه نه این شخص کرد ونه پدر ومادرش بلکه تا اعمال خدا در وی
٤ ظاهر شود* مادامیکه روز است مرا باید بکارهای فرستندهٔ خود مشغول باشم
٥ شب میآید که در آن هیچکس نمیتواند کاری کند* مادامیکه در جهان هستم
٦ نور جهانم* اینرا کفت وآب دهان بر زمین انداخته از آب کِل ساخت وکِل را
۷ بچشمان کور مالید* وبدو کفت برو در حوض سیلوحا که بمعنیٔ مُرسَل است
۸ بشوی پس رفته شست وبینا شده برکشت* پس همسایکان وکسانیکه اورا
پیش از آن در حالت کوری دیده بودند کفتند آیا این آن نیست که مینشست
۹ وکدائی میکرد* بعضی کفتند همانست وبعضی کفتند شباهت بدو دارد او کفت
۱۰ ۱۱ من همانم* بدو کفتند پس چکونه چشمان تو بازکشت* او جواب داد شخصیکه
اورا عیسی میکویند کِل ساخت وبر چشمان من مالیده بمن کفت بحوض سیلوحا
۱۲ برو وبشوی. آنکاه رفتم وشسته بینا کشتم* بوی کفتند آنشخص کجا است. کفت
۱۳ ۱٤ نمیدانم* پس اورا که پیشتر کور بود نزد فریسیان آوردند* وآن روزیکه عیسی
۱٥ کِل ساخته چشمان اورا بازکرد روز سبت بود* آنکاه فریسیان نیز از او
سؤآل کردند که چکونه بینا شدی بدیشان کفت کِل بچشمهای من کذارد پس
١٦ شستم وبینا شدم* بعضی از فریسیان کفتند آنشخص از جانب خدا نیست زیراکه
سبت را نکاه نمیدارد. دیکران کفتند چکونه شخص کناهکار میتواند مثل این
۱۷ معجزات ظاهر سازد ودرمیان ایشان اختلاف افتاد* باز بدان کور کفتند تو
۱۸ دربارهٔ او چه میکوئی که چشمان ترا بینا ساخت کفت نبیّ است* لیکن
یهودیان سرکذشت اورا باور نکردند که کور بوده وبینا شده است تا آنکه پدر
۱۹ ومادر آن بینا شده را طلبیدند* واز ایشان سؤآل کرده کفتند آیا این است
۲۰ پسر شما که میکوئید کور متولّد شده پس چکونه الحال بینا کشته است* پدر
ومادر او در جواب ایشان کفتند میدانیم که این پسر ما است وکور متولّد شده*

٢١ لیکن الحال چه طوری بیند نمیدانیم ونمیدانیم کِه چشمان اورا باز نموده او بالغ
٢٢ است از وی سؤآل کنید تا او احوال خود را بیان کند * پدر ومادر او چنین
کفتند زیرا که از یهودیان میترسیدند از آنرو که یهودیان با خود عهد کرده
بودند که هرکه اعتراف کند که او مسیح است از کنیسه بیرونش کنند *
٢٣ واز اینجهة والدین او کفتند او بالغ است از خودش بپرسید * پس آنشخص را
٢٤ که کور بود باز خوانده بدو کفتند خدا را تمجید کن ما میدانیم که اینشخص
٢٥ کناه‌کار است * او جواب داد اکر کناه‌کار است نمیدانم • یك چیز
٢٦ میدانم که کور بودم و الآن بینا شده ام * باز بدو کفتند با تو چه کرد
٢٧ و چکونه چشمهای ترا باز کرد * ایشانرا جواب داد که الآن بشما کفتم
نشنیدید و برای چه باز میخواهید بشنوید آیا شما نیز اراده دارید شاکرد او
٢٨ بشوید * پس اورا دشنام داده کفتند تو شاکرد او هستی ما شاکرد موسی
٢٩ میباشیم * ما میدانیم که خدا با موسی تکلّم کرد امّا این شخص را نمیدانیم از کجا
٣٠ است * آنمرد جواب داده بدیشان کفت این عجب است که شما نمیدانید از کجا
٣١ است وحال آنکه چشمهای مرا باز کرد * ومیدانیم که خدا دعای کناهکاران را
نمیشنود ولیکن اکر کسی خدا پرست باشد وارادهٔ اورا بجا آرد اورا میشنود *
٣٢ از ابتدای عالم شنیده نشده است که کسی چشمان کور مادرزادرا باز کرده باشد *
٣٣ ٣٤ اکر اینشخص از خدا نه بودی هیچ کار نتوانستی کرد * در جواب وی کفتند
تو بکلّی با کناه متولّد شدهٔ آیا تو مارا تعلیم میدهی پس اورا بیرون راندند *
٣٥ عیسی چون شنید که اورا بیرون کرده اند ویرا جسته کفت آیا تو به پسر خدا
٣٦ ٣٧ ایمان داری * او در جواب کفت ای آقا کیست تا باو ایمان آورم * عیسی
٣٨ بدو کفت تو نیز اورا دیدهٔ وآنکه با تو تکلّم میکند همانست * کفت ای خداوند
٣٩ ایمان آوردم پس اورا پرستش نمود * آنکاه عیسی کفت من در اینجهان
٤٠ بجهة داوری آمدم تا کوران بینا وبینایان کور شوند * بعضی از فریسیان
٤١ که با او بودند چون این کلامرا شنیدند کفتند آیا ما نیز کور هستیم * عیسی
بدیشان کفت اکر کور میبودید کناهی نمیداشتید ولکن الآن میکوئید بینا هستیم
پس کناه شما میماند *

باب دهم

١ آمین آمین بشما میکویم هرکه از در به آغل کوسفند داخل نشود بلکه از راه دیکر
٢ بالا رود او دزد وراه زن است * واما آنکه از در داخل شود شبان کوسفندان
٣ است * دربان بجهة او میکشاید وکوسفندان آواز اورا میشنوند وکوسفندان
٤ خودرا نام بنام میخواند وایشان‌را بیرون میبرد * ووقتیکه کوسفندان خودرا
بیرون بَرَد پیش روی ایشان میخرامد وکوسفندان از عقب او میروند زیراکه آواز
٥ اورا میشناسند * لیکن غریب‌را متابعت نمیکنند بلکه از او میکریزند زیراکه آواز
٦ غریبانرا نمیشناسند * واین مَثَلرا عیسی برای ایشان آورد امّا ایشان نفهمیدند که
٧ چه چیز بدیشان میکوید * آنکاه عیسی بدیشان باز کفت آمین آمین بشما میکویم
٨ که من درِ کوسفندان هستم * جمیع کسانیکه پیش از من آمدند دزد وراه زن
٩ هستند لیکن کوسفندان سخن ایشانرا نشنیدند * من در هستم هرکه از من داخل
١٠ کردد نجات یابد و بیرون ودرون خرامد وعلوفه یابد * دزد نمیآید مکر آنکه
بدزدد وبکشد وهلاك کند من آمدم تا ایشان حیات یابند وآنرا زیادتر حاصل
١١ کنند * من شبان نیکو هستم شبان نیکو جان خودرا در راه کوسفندان مینهد *
١٢ امّا مزدوریکه شبان نیست وکوسفندان از آنِ او نمیباشند چون بیند که کرك میآید
١٣ کوسفندانرا کذاشته فرار میکند وکرك کوسفندانرا میکیرد وپراکنده میسازد * مزدور
١٤ میکریزد چونکه مزدور است وبفکر کوسفندان نیست * من شبان نیکو هستم
١٥ وخاصّان خودرا میشناسم وخاصّان من مرا می شناسند * چنانکه پدر مرا میشناسد
١٦ ومن پدررا میشناسم وجان خودرا در راه کوسفندان مینهم * ومرا کوسفندان
دیکر هست که از این آغل نیستند. باید آنهارا نیز بیاورم وآواز مرا خواهند شنید
١٧ ویك کله ویك شبان خواهند شد * واز این سبب پدر مرا دوست میدارد که
١٨ من جان خودرا مینهم تا آنرا باز کیرم * کسی آنرا از من نمیکیرد بلکه من خود آنرا
مینهم. قدرت دارم که آنرا بنهم وقدرت دارم آنرا باز کیرم این حکمرا از پدر خود
١٩ ٢٠ یافتم * باز بسبب این کلام درمیان یهودیان اختلاف افتاد * بسیاری از ایشان
٢١ کفتند که دیو دارد و دیوانه است برایچه بدو کوش میدهید * دیکران کفتند که

٢٢ اين سخنان ديوانه نيست آيا ديو ميتواند چشم كورانرا باز كند* پس در
٢٣ اورشليم عيدِ تجديد شد وزمستان بود* وعيسى در هيكل در رواق سليمان
٢٤ ميخراميد* پس يهوديان دور اورا كرفته بدو كفتند تا كى مارا متردّد دارى اكر
٢٥ تو مسيح هستى آشكارا بما بكو* عيسى بديشان جواب داد من بشما كفتم وايمان
٢٦ نياورديد اعماليرا كه باسم پدر خود بجا مياورم آنها براى من شهادت ميدهد* ليكن
٢٧ شما ايمان نمياوريد زيرا از كوسفندان من نيستيد چنانكه بشما كفتم* كوسفندان من
٢٨ آواز مرا ميشنوند ومن آنهارا مى شناسم ومرا متابعت ميكنند* ومن بآنها حيات
جاودانى ميدهم وتا بأبد هلاك نخواهند شد وهيچكس آنهارا از دست من نخواهد
٢٩ كرفت* پدرى كه بمن داد از همه بزركتر است وكسى نميتواند از دست پدر من
٣٠ ٣١ بكيرد* من وپدر يك هستيم* آنكاه يهوديان باز سنكها برداشتند تا اورا سنكسار
٣٢ كنند* عيسى بديشان جواب داد از جانب پدر خود بسيار كارهاى نيك بشما
٣٣ نمودم بسبب كدام يك از آنها مرا سنكسار ميكنيد* يهوديان در جواب كفتند
بسبب عمل نيك ترا سنكسار نميكنيم بلكه بسبب كفر زيرا تو انسان هستى وخودرا
٣٤ خدا ميخوانى* عيسى در جواب ايشان كفت آيا در توراة شما نوشته نشده است
٣٥ كه من كفتم شما خدايان هستيد* پس اكر آنانيرا كه كلام خدا بديشان نازلشد
٣٦ خدايان خواند وممكن نيست كه كتاب محو كردد* آيا كسيرا كه پدر تقديس
كرده بجهان فرستاد بدو ميكوئيد كفر ميكوئى از آن سبب كه كفتم پسر خدا
٣٧ ٣٨ هستم* اكر اعمال پدر خودرا بجا نمياورم بمن ايمان مياوريد* ولكن چنانچه بجا
مياورم هركاه بمن ايمان نمى آوريد باعمال ايمان آوريد تا بدانيد ويقين كنيد كه پدر
٣٩ درمنست ومن در او* پس ديكر باره خواستند اورا بكيرند امّا از دستهاى ايشان
٤٠ بيرون رفت* وباز بآنطرف أُرْدُنّ جائيكه اوّل يحيى تعميد ميداد رفت ودر
٤١ آنجا توقّف نمود* وبسيارى نزد او آمده كفتند كه يحيى هيچ معجزه ننمود ولكن
٤٢ هرچه يحيى در بارهٔ اين شخص كفت راست است* پس بسيارى در آنجا باو
ايمان آوردند*

باب يازدهم

١ وشخصى ايلعازر نام بيمار بود از اهل بيتعَنْيا كه دهِ مريم وخواهرش مرتا بود*

٢ ومریم آنستکه خداوندرا بعطر تدهین ساخت وپایهای اورا بموی خود خشکانید
٣ که برادرش ایلعازر بیمار بود* پس خواهرانش نزد او فرستاده کفتند ای آقا
٤ اینك آن که اورا دوست میداری مریض است* چون عیسی اینرا شنید کفت
این مرض تا بموت نیست بلکه برای جلال خدا تا پسر خدا از آن جلال یابد*
٥ ٦ وعیسی مرتا وخواهرش وایلعازررا محبّت مینمود* پس چون شنید که بیمار است
٧ در جائیکه بود دو روز توقّف نمود* وبعد ازان بشاکردان خود کفت باز
٨ بیهودیّه برویم* شاکردان اورا کفتند ای معلّم الان یهودیان میخواستند ترا سنکسار
٩ کنند وآیا باز میخواهی بدانجا بروی* عیسی جواب داد آیا ساعتهای روز دوازده
نیست اکر کسی در روز راه رود لغزش نمیخورد زیراکه نور اینجهانرا می بیند*
١٠ ١١ ولیکن اکر کسی در شب راه رود لغزش خورَد زیراکه نور دراو نیست* اینرا
کفت وبعد ازآن بایشان فرمود دوست ما ایلعازر در خواب است امّا میروم تا
١٢ اورا بیدارکنم* شاکردان او کفتند ای آقا اکر خوابیده است شفا خواهد یافت*
١٣ امّا عیسی در بارهٔ موت او سخن کفت وایشان کمان بردند که از آرامیٔ خواب
١٤ ١٥ میکوید* آنکاه عیسی علانیةً بدیشان کفت ایلعازر مرده است* وبرای شما
١٦ خوشنود هستم که در آنجا نبودم تا ایمان آرید ولکن نزد او برویم* پس توما که
١٧ بمعنیٔ توأم باشد بهمشاکردان خود کفت ما نیز برویم تا با او بمیریم* پس چون
١٨ عیسی آمد یافت که چهار روز است در قبر میباشد* وبیت‌عَنْیَا نزدیك اورشلیم
١٩ بود قریب به پانزده تیر پرتاب* وبسیاری از یهود نزد مرتا ومریم آمده بودند
٢٠ تا بجهة برادرشان ایشانرا تسلّی دهند* وچون مرتا شنید که عیسی میآید اورا
٢١ استقبال کرد لیکن مریم در خانه نشسته ماند* پس مرتا بعیسی کفت ای آقا اکر
٢٢ در اینجا میبودی برادر من نیمرد* ولیکن الآن نیز میدانم که هرچه از خدا طلب
٢٣ کنی خدا آنرا بتو خواهد داد* عیسی بدو کفت برادر تو خواهد برخاست*
٢٤ ٢٥ مرتا بوی کفت میدانم که در قیامت روز بازپسین خواهد برخاست* عیسی بدو
کفت من قیامت وحیات هستم. هرکه بمن ایمان آورد اکر مرده باشد زنده
٢٦ کردد* وهرکه زنده بوَد وبمن ایمان آورد تا بأبد نخواهد مرد آیا اینرا باور میکنی*
٢٧ او کفت بلی ای آقا من ایمان دارم که توئی مسیح پسر خدا که در جهانْ آینده است*

۲۸ وچون اینرا کفت رفت وخواهر خود مریمرا در پنهانی خواند کفت استاد آمده
۲۹ است وترا میخواند* او چون اینرا بشنید بزودی برخاسته نزد او آمد*
۳۰ وعیسی هنوز وارد ده نشده بود بلکه در جائی بود که مرتا اورا ملاقات کرد*
۳۱ ویهودیانیکه در خانه با او بودند واورا تسلّی میدادند چون دیدند که مریم
برخاسته بتعجیل بیرون میرود از عقب او آمده کفتند بسر قبر میرود تا در آنجا کریه
۳۲ کند* ومریم چون بجائیکه عیسی بود رسید اورا دیده بر قدمهای او افتاد وبدو
۳۳ کفت ای آقا اکر در اینجا میبودی برادر من نمیمرد* عیسی چون اورا کریان
دید ویهودیانرا هم که با او آمده بودند کریان یافت در روح خود بشدّت مکدّر
۳٤ شده مضطرب کشت* وکفت اورا کجا کذاردهاید. باو کفتند ای آقا بیا وببین*
۳۵ ۳٦ عیسی بکریست* آنکاه یهودیان کفتند بنکرید چه قدر اورا دوست میداشت*
۳۷ بعضی از ایشان کفتند آیا این شخص که چشمان کوررا باز کرد نتوانست امر کند
۳۸ که این مرد نیز نمیرد* پس عیسی باز بشدّت در خود مکدّر شده نزد قبر آمد
۳۹ وآن غارهٔ بود سنکی بر سرش کذارده* عیسی کفت سنکرا بر دارید. مرتا خواهر
٤۰ میّت بدو کفت ای آقا الآن متعفّن شده زیراکه چهار روز کذشته است* عیسی
٤۱ بوی کفت آیا بتو نکفتم اکر ایمان بیاوری جلال خدارا خواهی دید* پس سنکرا
از جائیکه میّت کذاشته شده بود بر داشتند. عیسی چشمان خودرا بالا انداخته
٤۲ کفت ای پدر ترا شکر میکنم که سخن مرا شنیدی* ومن میدانستم که همیشه سخن
مرا میشنوی ولکن بجههٔ خاطر این کروه که حاضرند کفتم تا ایمان بیاورند که تو
٤۳ مرا فرستادی* چون اینرا کفت باواز بلند ندا کرد ای ایلعازر بیرون بیا*
٤٤ در حال آنمرده دست وپای بکفن بسته بیرون آمد وروی او بدستمالی پیچیده بود
٤۵ عیسی بدیشان کفت اورا باز کنید وبکذارید برود* آنکاه بسیاری از یهودیان
٤٦ که با مریم آمده بودند چون آنچه عیسی کرد دیدند بدو ایمان آوردند* ولیکن
بعضی از ایشان نزد فریسیان رفتند وایشانرا از کارهائیکه عیسی کرده بود آکاه
٤۷ ساختند* پس رؤسای کَهَنه وفریسیان شوری نموده کفتند چه کنیم زیراکه
٤۸ این مرد معجزات بسیار مینماید* اکر اورا چنین واکذاریم همه باو ایمان خواهند
٤۹ آورد ورومیان آمده جا وقوم مارا خواهند کرفت* یکی از ایشان قیافا نام که

٥٠ درآنسال رئیس کَهَنَه بود بدیشان کفت شما هیچ نمیدانید* وفکر نمیکنید که بجهة
٥١ ما مفید است که یك شخص در راه قوم بمیرد وتمامیٔ طائفه هلاك نکردند* واینرا
از خود نکفت بلکه چون درآنسال رئیس کَهَنَه بود نبوّت کرد که میبایست عیسی
٥٢ در راه آن طائفه بمیرد* ونه در راه آنطائفه تنها بلکه تا فرزندان خدارا که
٥٣ متفرّقند در یکی جمع کند* واز همان روز شوری کردند که اورا بکشند*
٥٤ پس بعد از آن عیسی درمیان یهود آشکارا راه نمیرفت بلکه از آنجا روانه شد
بموضعی نزدیك بیابان بشهری که افرایم نام داشت وبا شاکردان خود در آنجا
٥٥ توقّف نمود* وچون فصح یهود نزدیك شد بسیاری از بلوکات قبل از فصح
٥٦ باورشلیم آمدند تا خودرا طاهر سازند* ودر طلب عیسی میبودند ودر هیکل
٥٧ ایستاده به یکدیکر میکفتند چه کمان میبرید آیا برای عید نمیآید* امّا رؤسای
کَهَنَه وفریسیان حکم کرده بودند که اکر کسی بداند که کجا است اطّلاع دهد تا
اورا کرفتار سازند*

باب دوازدهم

١ پس شش روز قبل از عید فصح عیسی به بیت‌عَنْیا آمد جائیکه ایلعازر مرده را
٢ از مردکان برخیزانیده بود* وبرای او در آنجا شام حاضر کردند ومرتا خدمت
٣ میکرد وایلعازر یکی از مجلسیانِ با او بود* آنکاه مریم رطلی از عطرسنبل خالص
کرانبها کرفته پایهای عیسی‌را تدهین کرد وپایهای اورا از مویهای خود خشکانید
٤ چنانکه خانه از بوی عطر پر شد* پس یکی از شاکردان او یعنی یهودای
٥ اسخریوطی پسر شمعون که تسلیم کنندهٔ وی بود کفت* برایچه این عطر بسیصد
٦ دینار فروخته نشد تا بفقراء داده شود* واینرا نه از آنرو کفت که پروای فقراء
میداشت بلکه از آنرو که دزد بود وخریطه در حوالهٔ او واز آنچه در آن انداخته
٧ میشد بر میداشت* عیسی کفت اورا واکذار زیراکه بجهة روز تکفین من اینرا
٨ نکاه داشته است* زیراکه فقراء همیشه با شما میباشند وامّا من همه وقت با شما
٩ نیستم* پس جمعی کثیر از یهود چون دانستند که عیسی در آنجا است آمدند نه
برای عیسی وبس بلکه تا ایلعازررا نیز که از مردکانش برخیزانیده بود به بینند*
١٠ ١١ آنکاه رؤسای کَهَنَه شوری کردند که ایلعازررا نیز بکشند* زیراکه بسیاری از

۱۲ یهود بسبب او میرفتند وبعیسی ایمان میآوردند ٭ فردای آنروز چون کروه
۱۳ بسیاریکه برای عید آمده بودند شنیدند که عیسی باورشلیم میآید ٭ شاخههای نخل را
کرفته باستقبال او بیرون آمدند وندا میکردند هوشیعانا مبارك باد پادشاه اسرائیل
۱٤ که باسم خداوند میآید ٭ وعیسی کرّهٔ الاغی یافته برآن سوار شد چنانکه مکتوب
۱۵ است ٭ که ای دختر صهیون مترس اینك پادشاه تو سوار بر کرّهٔ الاغی میآید ٭
۱٦ وشاکردانش اوّلاً این چیزهارا نفهمیدند لکن چون عیسی جلال یافت آنکاه
بخاطر آوردند که این چیزها در بارهٔ او مکتوب است وهمچنان با او کرده بودند ٭
۱۷ وکروهیکه با او بودند شهادت دادند که ایلعازر را از قبر خوانده اورا از مردکان
۱۸ برخیزانیده است ٭ وبجهة همین نیز آن کروه اورا استقبال کردند زیرا شنیده بودند
۱۹ که آن معجزهرا نموده بود ٭ پس فریسیان به یکدیکر کفتند نمی بینید که هیچ نفع
۲۰ نمیبرید اینك تمام عالم از پی او رفته اند ٭ واز آنکسانیکه در عید بجهة عبادت
۲۱ آمده بودند بعضی یونانی بودند ٭ ایشان نزد فیلپّس که از بیت صیدای جلیل بود
۲۲ آمدند وسؤال کرده کفتند ای آقا میخواهیم عیسیرا به بینیم ٭ فیلپّس آمد وباندریاس
۲۳ کفت واندریاس وفیلپّس بعیسی کفتند ٭ عیسی در جواب ایشان کفت ساعتی
۲٤ رسیده است که پسر انسان جلال یابد ٭ آمین آمین بشما میکویم اکر دانهٔ کندم
۲۵ که در زمین میافتد نمیرد تنها ماند لیکن اکر بمیرد ثمر بسیار آوَرَد ٭ کسیکه جان
خودرا دوست دارد آنرا هلاك کند وهرکه در اینجهان جان خودرا دشمن دارد تا
۲٦ حیات جاودانی آنرا نکاه خواهد داشت ٭ اکر کسی مرا خدمت کند مرا پیروی
بکند وجائیکه من میباشم آنجا خادم من نیز خواهد بود وهرکه مرا خدمت کند
۲۷ پدرْ اورا حرمت خواهد داشت ٭ الآن جان من مضطرب است وچه بکویم.
ای پدر مرا ازین ساعت رستکار کن لکن بجهة همین امر تا این ساعت رسیده ام ٭
۲۸ ای پدر اسم خودرا جلال بده. ناکاه صدائی از آسمان در رسید که جلال دادم
۲۹ وباز جلال خواهم داد ٭ پس کروهی که حاضر بودند اینرا شنیده کفتند رعد شد
۳۰ ودیکران کفتند فرشتهٔ با او تکلّم کرد ٭ عیسی در جواب کفت این صدا از
۳۱ برای من نیامد بلکه بجهة شما ٭ الحال داوریٔ این جهان است والآن رئیس این
۳۲ جهان بیرون افکنده میشود ٭ ومن اکر از زمین بلند کرده شوم همهرا بسوی خود

۳۳ ۳۴ خواهم کشید* واینرا کفت کنایه از آن قسم موت که میبایست بمیرد* پس همه
باو جواب دادند ما از توراة شنیدهٔ ایم که مسیح تا بأبد باقی میماند پس چکونه تو
۳۵ میکوئی که پسر انسان باید بالا کشیدهٔ شود کیست این پسر انسان* آنکاه عیسی
بدیشان کفت اندك زمانی نور با شماست پس مادامیکه نور با شما است راه بروید
تا ظلمت شمارا فرو نکیرد وکسیکه در تاریکی راه میرود نمیداند بکجا میرود*
۳۶ مادامیکه نور با شماست به نور ایمان آورید تا پسران نور کردید• عیسی چون اینرا
۳۷ بکفت رفته خودرا از ایشان مخفی ساخت* وبا اینکه پیش روی ایشان چنین
۳۸ معجزات بسیار نموده بود بدو ایمان نیاوردند* تا کلامیکه اشعیاء نبیّ کفت به اتمام
رسد ای خداوند کیست که خبر مارا باور کرد وبازوی خداوند به کِه اشکار-
۳۹ ۴۰ کردید* واز آنجهة نتوانستند ایمان آورد زیرا که اشعیاء نیز کفت* چشمان
ایشانرا کور کرد ودلهای ایشانرا سخت ساخت تا بچشمان خود نه بینند وبدلهای
۴۱ خود نفهمند وبر نکردند تا ایشانرا شفا دهم* اینکلامرا اشعیاء کفت وقتیکه
۴۲ جلال اورا دید ودر بارهٔ او تکلّم کرد* لکن با وجود اینْ بسیاری از سرداران
نیز بدو ایمان آوردند امّا بسبب فریسیان اقرار نکردند که مبادا از کنیسه
۴۳ بیرون شوند* زیرا که جلال خلق‌را بیشتر از جلال خدا دوست میداشتند*
۴۴ آنکاه عیسی ندا کرده کفت آنکه بمن ایمان آورد نه بمن بلکه بآنکه مرا فرستاده
۴۵ ۴۶ است ایمان آورده است* وکسیکه مرا دید فرستندهٔ مرا دیدهٔ است* من نوری
۴۷ در جهان آمدم تا هرکه بمن ایمان آوَرَد در ظلمت نمانَد* واکر کسی کلام مرا شنید
وایمان نیاورد من بر او داوری نمیکنم زیرا که نیامدهٔ ام تا جهانرا داوری کنم بلکه تا
۴۸ جهانرا نجات بخشم* هرکه مرا حقیر شمارد وکلام مرا قبول نکند کسی هست که
در حقّ او داوری کند همان کلامیکه کفتم در روز بازپسین بر او داوری خواهد
۴۹ کرد* زآنرو که من از خود نکفتم لکن پدریکه مرا فرستاد بمن فرمان داد که چه
۵۰ بکویم وبچه چیز تکلّم کنم* ومیدانم که فرمان او حیات جاودانیست پس آنچه من
میکویم چنانکه پدر بمن کفته است تکلّم میکنم*

باب سیزدهم

۱ وقبل از عید فصح چون عیسی دانست که ساعت او رسیدهٔ است تا از اینجهان

بجانب پدر برود خاصّان خودرا که در این جهان محبّت مینمود ایشانرا تا بآخر
۲ محبّت نمود* وچون شام میخوردند وابلیس پیش ازآن در دل یهودا پسر شمعون
۳ اسخریوطی نهاده بود که اورا تسلیم کند* عیسی با اینکه میدانست که پدرْ همه چیزرا
٤ بدست او داده است واز نزد خدا آمده وبجانب خدا میرود* از شام برخاست
٥ وجامهٔ خودرا بیرون کرد ودستمالی کرفته بکمر بست* پس آب در لکن ریخته
شروع کرد بشستن پایهای شاکردان وخشکانیدن آنها با دستمالی که بر کمر داشت*
٦ پس چون بشمعون پطرس رسید او بوی کفت ای آقا تو پایهای مرا میشوئی*
۷ عیسی در جواب وی کفت آنچه من میکنم الآن تو نمیدانی لکن بعد خواهی فهمید*
۸ پِطرُس باو کفت پایهای مرا هرکز نخواهی شست• عیسی اورا جواب داد اکر ترا
۹ نشویم ترا با من نصیبی نیست* شمعون پِطرُس بدو کفت ای آقا نه پایهای مرا
۱۰ وبس بلکه دستها وسر مرا نیز* عیسی بدو کفت کسی که غسل یافت محتاج
۱۱ نیست مکر بشستن پایها بلکه تمام او پاکست وشما پاك هستید لکن نه همه* زیرا که
۱۲ تسلیم کنندهٔ خودرا میدانست واز این جهة کفت همکئ شما پاك نیستید* وچون
پایهای ایشانرا شست رخت خودرا کرفته باز بنشست وبدیشان کفت آیا فهمیدید
۱۳ آنچه بشما کردم* شما مرا استاد وآقا میخوانید وخوب میکوئید زیرا که چنین هستم*
١٤ پس اکر من که آقا ومعلّم هستم پایهای شمارا شستم بر شما نیز واجب است که
۱۵ پایهای یکدیکررا بشوئید* زیرا بشما نمونهٔ دادم تا چنانکه من با شما کردم شما
١٦ نیز بکنید* آمین آمین بشما میکویم غلام بزرکتر از آقای خود نیست ونه رسول
۱۷ ۱۸ از فرستندهٔ خود* هرکاه اینرا دانستید خوشا بحال شما اکر آنرا بعمل آرید* در
بارهٔ جمیع شما نمیکویم من آنانیرا که برکزیده‌ام میشناسم لیکن تا کتاب تمام شود آنکه با
۱۹ من نان میخورد پاشنهٔ خودرا برمن بلند کرده است* الآن قبل از وقوع بشما میکویم
۲۰ تا زمانیکه واقع شود باور کنید که من هستم* آمین آمین بشما میکویم هرکه قبول کند
کسیرا که میفرستم مرا قبول کرده وآنکه مرا قبول کند فرستندهٔ مرا قبول کرده باشد*
۲۱ چون عیسی اینرا کفت در روح مضطرب کشت وشهادت داده کفت آمین آمین
۲۲ بشما میکویم که یکی از شما مرا تسلیم خواهد کرد* پس شاکردان بیکدیکر نکاه میکردند
۲۳ وحیران میبودند که اینرا در بارهٔ که میکوید* ویکی از شاکردان او بود که بسینهٔ

۲٤ عیسی تکیه میزد وعیسی اورا محبّت مینمود* شمعون پِطرُس بدو اشاره کرد که
۲٥ بپرسد در بارهٔ کِه اینرا کفت* پس او در آغوش عیسی افتاده بدو کفت خداوندا
۲٦ کدامست* عیسی جواب داد آن است که من لقمه‌را فرو برده بدو میدهم پس
۲۷ لقمه‌را فروبرده بیهودای اسخریوطی پسر شمعون داد* بعد از لقمه شیطان در او
۲۸ داخل کشت آنکاه عیسی ویرا کفت آنچه میکنی بزودی بکن* امّا اینسخن را احدی
۲۹ از مجلسیان نفهمید که برایچه بدو کفت* زیراکه بعضی کمان بردند که چون خریطه
نزد یهودا بود عیسی ویرا فرمود تا ما یحتاج عیدرا بخرد یا آنکه چیزی بفقراء بدهد*
۳۰ ۳۱ پس او لقمه‌را کرفته در ساعت بیرون رفت وشب بود* چون بیرون رفت عیسی
۳۲ کفت الآن پسر انسان جلال یافت وخدا در او جلال یافت* واکر خدا در
او جلال یافت هرآینه خدا اورا در خود جلال خواهد داد وبزودی اورا جلال
۳۳ خواهد داد* ای فرزندان اندك زمانی دیکر با شما هستم ومرا طلب خواهید کرد
۳٤ وهمچنانکه بیهود کفتم جائیکه میروم شما نمیتوانید آمد الآن نیز بشما میکویم* بشما
حکمی تازه میدهم که یکدیکررا محبّت نمائید چنانکه من شمارا محبّت نمودم تا شما نیز
۳٥ یکدیکررا محبّت نمائید* بهمین همه خواهند فهمید که شاکرد من هستید اکر محبّت
۳٦ یکدیکررا داشته باشید* شمعون پِطرُس بوی کفت ای آقا کجا میروی • عیسی
جواب داد جائیکه میروم الآن نمیتوانی از عقب من بیائی ولکن در آخر از عقب
۳۷ من خواهی آمد* پِطرُس بدو کفت ای آقا برایچه الآن نتوانم از عقب تو بیایم جان
۳۸ خودرا در راه تو خواهم نهاد* عیسی باو جواب داد آیا جان خودرا در راه من
مینهی • آمین آمین بتو میکویم تا سه مرتبه مرا انکار نکرده باشی خروس بانك
نخواهد زد*

باب چهاردهم

۱ ۲ دل شما مضطرب نشود بخدا ایمان آورید بمن نیز ایمان آورید* در خانهٔ پدر
۳ من منزل بسیار است والّا بشما میکفتم میروم تا برای شما مکانی حاضر کنم* واکر
بروم واز برای شما مکانی حاضر کنم باز میآیم وشمارا برداشته با خود خواهم برد تا
٤ جائیکه من میباشم شما نیز باشید* وجائیکه من میروم میدانید وراه‌را میدانید*
٥ توما بدو کفت ای آقا نمیدانیم کجا میروی پس چکونه راه‌را توانیم دانست*

٦ عیسی بدو کفت من راه وراستی وحیات هستم٭ هیچ کس نزد پدر جز بوسیلهٔ من
٧ نمیآید٭ اکر مرا میشناخنید پدر مرا نیز میشناخنید وبعد ازین اورا میشناسید
٨ واورا دیدهاید٭ فیلپّس بوی کفت ای آقا پدررا بما نشان ده که مارا کافیست٭
٩ عیسی بدو کفت ای فیلپّس در اینمدّت با شما بودهام آیا مرا نشاختهٔ کسیکه مرا دید
١٠ پدررا دیده است پس چکونه تو میکوئی پدررا بما نشان ده٭ آیا باور نمیکنی که من
در پدر هستم وپدر در منست٭ سخنهائیکه من بشما میکویم ازخود نمیکویم لکن پدریکه
١١ در من ساکن است او این اعمالرا میکند٭ مرا تصدیق کنید که من در پدر هستم
١٢ وپدر در من است والّا مرا بسبب آن اعمال تصدیق کنید٭ آمین آمین بشما میکویم
هرکه بمن ایمان آرد کارهائیرا که من میکنم او نیز خواهد کرد وبزرکتر از اینها نیز
١٣ خواهد کرد زیرا که من نزد پدر میروم٭ وهرچیزیرا که باسم من سؤال کنید بجا
١٤ خواهم آورد تا پدر در پسر جلال یابد٭ اکر چیزی باسم من طلب کنید من آنرا
١٥ ١٦ بجا خواهم آورد٭ اکر مرا دوست دارید احکام مرا نکاه دارید٭ ومن از پدر
١٧ سؤال میکنم وتسلّی دهندهٔ دیکر بشما عطا خواهد کرد تا همیشه با شما بماند٭ یعنی
روح راستی که جهان نمیتواند اورا قبول کند زیرا که اورا نمیبیند ونمیشناسد وامّا
١٨ شما اورا میشناسید زیرا که با شما میماند ودر شما خواهد بود٭ شمارا یتیم نمیکذارم
١٩ نزد شما میآیم٭ بعد از اندك زمانی جهان دیکر مرا نمیبیند وامّا شما مرا میبینید واز
٢٠ اینجهة که من زندهام شما هم خواهید زیست٭ ودر آنروز شما خواهید دانست که
٢١ من در پدر هستم وشما در من ومن در شما٭ هرکه احکام مرا دارد وآنهارا حفظ
کند آنست که مرا محبّت مینماید وآنکه مرا محبّت مینماید پدر من اورا محبّت خواهد
٢٢ نمود ومن اورا محبت خواهم نمود وخودرا باو ظاهر خواهم ساخت٭ یهودا نه آن
٢٣ اسخریوطی بوی کفت ای آقا چکونه میخواهی خودرا بما بنمائی ونه بر جهان٭ عیسی
در جواب او کفت اکر کسی مرا محبّت نماید کلام مرا نکاه خواهد داشت وپدرم
٢٤ اورا محبّت خواهد نمود وبسوی او آمده نزد وی مسکن خواهیم کرفت٭ وآنکه
مرا محبّت ننماید کلام مرا حفظ نمیکند وکلامیکه میشنوید از من نیست بلکه از
٢٥ ٢٦ پدریست که مرا فرستاد٭ این سخنانرا بشما کفتم وقتیکه با شما بودم٭ لیکن تسلّی
دهنده یعنی روح القدس که پدر اورا باسم من میفرستد او همه چیزرا بشما تعلیم

٢٧ خواهد داد وآنچه بشما کفتم بیاد شما خواهد آورد٭ سلامتی برای شما میکذارم
سلامتئ خودرا بشما میدهم٭ نه چنانکه جهان میدهد من بشما میدهم٭ دل شما مضطرب
٢٨ وهراسان نباشد٭ شنیده اید که من بشما کفتم میروم ونزد شما میآیم اکر مرا محبّت
مینمودید خوشحال میکشتید که کفتم نزد پدر میروم زیرا که پدر بزرکتر از منست٭
٢٩ ٣٠ والآن قبل از وقوع بشما کفتم تا وقتیکه واقع کردد ایمان آورید٭ بعد از این
بسیار با شما نخواهم کفت زیراکه رئیس این جهان میآید ودر من چیزی ندارد٭
٣١ لیکن تا جهان بداند که پدررا محبّت می نمایم چنانکه پدر بمن حکم کرد همانطور می
کنم برخیزید از اینجا برویم٭

باب پانزدهم

١ ٢ من تاك حقیقی هستم وپدر من باغبانست٭ هر شاخهٔ در من که میوه نیاورد
٣ آنرا دور میسازد وهرچه میوه آرد آنرا پاك میکند تا بیشتر میوه آورد٭ الحال شما
٤ بسبب کلامیکه بشما کفته ام پاك هستید٭ در من بمانید ومن در شما٭ همچنانکه
شاخه ازخود نمیتواند میوه آورد اکر در تاك نماند همچنین شما نیز اکر در من نمانید٭
٥ من تاك هستم وشما شاخها٭ آنکه در من میماند ومن در او میوهٔ بسیار میآورد
٦ زیراکه جدا از من هیچ نمیتوانید کرد٭ اکر کسی در من نماند مثل شاخه بیرون
انداخته میشود ومیخشکد وآنهارا جمع کرده در آتش میاندازند وسوخته میشود٭
٧ اکر در من بمانید وکلام من در شما بماند آنچه خواهید بطلبید که برای شما خواهد
٨ شد٭ جلال پدر من آشکارا میشود باینکه میوهٔ بسیار بیاورید وشاکرد من بشوید٭
٩ ١٠ همچنانکه پدر مرا محبّت نمود من نیز شمارا محبّت نمودم٭ درمحبّت من بمانید٭ اکر
احکام مرا نکاه دارید در محبّت من خواهید ماند چنانکه من احکام پدر خودرا
١١ نکاه داشته‌ام ودر محبّت او میمانم٭ اینرا بشما کفتم تا خوشئ من در شما باشد
١٢ وشادئ شما کامل کردد٭ این است حکم من که یکدیکررا محبّت نمائید همچنانکه
١٣ شمارا محبّت نمودم٭ کسی محبّتِ بزرکتر از این ندارد که جان خودرا بجهة دوستان
١٤ خود بدهد٭ شما دوست من هستید اکر آنچه بشما حکم میکنم بجا آرید٭
١٥ دیکر شمارا بنده نمیخوانم زیراکه بنده آنچه آقایش میکند نمیداند لکن شمارا دوست

۱٦ خوانده‌ام زیرا که هرچه از پدر شنیده ام بشما بیان کردم* شما مرا برنکزیدید بلکه
من شمارا برکزیدم وشمارا مقرّر کردم تا شما بروید و میوه آورید و میوهٔ شما بماند تا
۱۷ هرچه از پدر باسم من طلب کنید بشما عطا کند* باین چیزها شمارا حکم میکنم تا
۱۸ یکدیکررا محبّت نمائید* اکر جهان شمارا دشمن دارد بدانید که پیشتر از شما مرا
۱۹ دشمن داشته است* اکر از جهان میبودید جهان خاصّان خودرا دوست میداشت
لکن چونکه از جهان نیستید بلکه من شمارا از جهان برکزیده ام از این سبب
۲۰ جهان با شما دشمنی میکند* بخاطر آرید کلامیرا که بشما کفتم غلام بزرکتر از آقای
خود نیست اکر مرا زحمت دادند شمارا نیز زحمت خواهند داد و اکر کلام مرا
۲۱ نکاه داشتند کلام شمارا هم نکاه خواهند داشت* لکن بجهة اسم من جمیع این
۲۲ کارهارا بشما خواهند کرد زیرا که فرستندهٔ مرا نمیشناسند* اکر نیامده بودم وبایشان
۲۳ تکلّم نکرده کناه نمیداشتند وامّا الآن عذری برای کناه خود ندارند* هرکه مرا
۲٤ دشمن دارد پدر مرا نیز دشمن دارد* واکر درمیانِ ایشان کارهائی نکرده بودم
که غیر از من کسی هرکز نکرده بود کناه نمیداشتند ولیکن اکنون دیدند ودشمن
۲٥ داشتند مرا و پدر مرا نیز* بلکه تا تمام شود کلامیکه در شریعت ایشان مکتوب
۲٦ است که مرا بی سبب دشمن داشتند* لیکن چون تسلّی دهنده که اورا از جانب
پدر نزد شما میفرستم آید یعنی روح راستی که از پدر صادر میکردد او بر من شهادت
۲۷ خواهد داد* وشما نیز شهادت خواهید داد زیرا که از ابتداء با من بوده اید*

باب شانزدهم

۱ ۲ اینرا بشما کفتم تا لغزش نخورید* شما را از کنایس بیرون خواهند نمود بلکه
۳ ساعتی میآید که هرکه شمارا بکشد کمان برد که خدارا خدمت میکند* واینکارهارا
٤ با شما خواهند کرد بجهة آنکه نه پدر را شناخته‌اند و نه مرا* لیکن اینرا بشما کفتم
تا وقتیکه ساعت آید بخاطر آورید که من بشما کفتم واینرا از اوّل بشما نکفتم زیرا که
٥ با شما بودم* امّا الآن نزد فرستندهٔ خود میروم وکسی از شما از من نمیپرسد بکجا
٦ ۷ میروی* ولیکن چون اینرا بشما کفتم دل شما از غم پُر شده است* ومن بشما
راست میکویم که رفتن من برای شما مفید است زیرا اکر نروم تسلّی دهنده نزد شما

٨ نخواهد آمد امّا اکر بروم اورا نزد شما میفرستم* وچون او آید جهانرا برکناه
٩ ١٠ وعدالت وداوری ملزم خواهد نمود* امّا برکناه زیراکه بمن ایمان نمیآورند* وامّا
١١ برعدالت ازآن سبب که نزد پدر خود میروم ودیکرمرا نخواهید دید* وامّا بر
١٢ داوری ازآنرو که بررئیس اینجهان حکم شده است* وبسیار چیزهای دیکرنیز
١٣ دارم بشما بکویم لکن الآن طاقت تحمّل آنهارا ندارید* ولیکن چون او یعنی
روح راستی آید شمارا بجمیع راستی هدایت خواهد کرد زیراکه ازخود تکلّم نمیکند
بلکه بآنچه شنیده است سخن خواهد کفت واز امور آینده بشما خبر خواهد داد*
١٤ او مرا جلال خواهد داد زیراکه از آنچه آنِ من است خواهد کرفت وبشما
١٥ خبر خواهد داد* هرچه از آنِ پدر است از آنِ من است ازاینجهة کفتم که
١٦ ازآنچه آنِ من است میکیرد وبشما خبر خواهد داد* بعد از اندکی مرا نخواهید
١٧ دید وبعد از اندکی باز مرا خواهید دید زیراکه نزد پدر میروم* آنکاه بعضی
ازشاکردانش بیکدیکر کفتند چه چیز است اینکه بما میکوید که اندکی مرا نخواهید
١٨ دید وبعد از اندکی باز مرا خواهید دید وزیراکه نزد پدر میروم* پس کفتند
١٩ چه چیز است این اندکی که میکوید نمیدانیم چه میکوید* عیسی چون دانست که
میخواهند ازاو سؤال کنند بدیشان کفت آیا درمیان خود از این سؤال میکنید که
٢٠ کفتم اندکی دیکر مرا نخواهید دید پس بعد از اندکی باز مرا خواهید دید* آمین
آمین بشما میکویم که شما کریه وزاری خواهید کرد وجهان شادی خواهد
٢١ نمود* شما محزون میشوید لکن حزن شما بخوشی مبدّل خواهد شد* زن درحین
زائیدن محزون میشود زیراکه ساعت او رسیده است ولیکن چون طفلرا زائید
آن زحمترا دیکر یاد نمیآورد بسبب خوشی ازاینکه انسانی درجهان تولّد یافت*
٢٢ پس شما همچنین الآن محزون میباشید لکن باز شمارا خواهم دید ودل شما خوش
٢٣ خواهد کشت وهیچ کس آن خوشیرا از شما نخواهد کرفت* ودرآن روز چیزی
ازمن سؤال نخواهید کرد* آمین آمین بشما میکویم که هرآنچه از پدر باسم من طلب
٢٤ کنید بشما عطا خواهد کرد* تاکنون باسم من چیزی طلب نکردید بطلبید تا
٢٥ بیابید وخوشئ شما کامل کردد* این چیزهارا بمَثَلها بشما کفتم لکن ساعتی میآید
که دیکر به مَثَلها بشما حرف نمیزنم بلکه از پدر بشما آشکارا خبر خواهم داد*

۲٦ در آن روز باسم من طلب خواهید کرد و بشما نمیکویم که من بجهة شما از پدر سؤال
۲۷ میکنم * زیرا خود پدر شمارا دوست میدارد چونکه شما مرا دوست داشتید وایمان
۲۸ آوردید که من از نزد خدا بیرون آمدم * از نزد پدر بیرون آمدم و در جهان
۲۹ وارد شدم وباز جهانرا کذارده نزد پدر میروم * شاکردانش بدو کفتند هان
۳۰ اکنون علانیةً سخن میکوئی وهیچ مَثَل نمیکوئی * الآن دانستیم که همه چیز را میدانی
ولازم نیست که کسی از تو بپرسد بدینجهة باور میکنیم که از خدا بیرون آمدی *
۳۱ ۳۲ عیسی بایشان جواب داد آیا الآن باور میکنید * اینك ساعتی میآید بلکه الآن آمده
است که متفرّق خواهید شد هریکی بنزد خاصّان خود ومرا تنها خواهید کذارد
۳۳ لیکن تنها نیستم زیرا که پدر با من است * بدین چیزها بشما تکلّم کردم تا در من
سلامتی داشته باشید در جهان برای شما زحمت خواهد شد ولکن خاطر جمع
دارید زیرا که من بر جهان غالب شده ام *

باب هفدهم

۱ عیسی چون اینرا کفت چشمان خودرا بطرف آسمان بلند کرده کفت ای پدر
۲ ساعت رسیده است ۰ پسر خودرا جلال بده تا پسرت نیز ترا جلال دهد * همچنانکه
اورا بر هر بشری قدرت دادهٔ تا هرچه بدو دادهٔ بآنها حیات جاودانی بخشد *
۳ وحیات جاودانی این است که ترا خدای واحدِ حقیقی وعیسی مسیح را که
٤ فرستادی بشناسند * من بر روی زمین ترا جلال دادم وکاریرا که بمن سپردی تا
٥ بکنم بکمال رسانیدم * والان تو ای پدر مرا نزد خود جلال ده بهمان جلالی که
٦ قبل از آفرینش جهان نزد تو داشتم * اسم ترا بآن مردمانیکه از جهان بمن عطا
کردی ظاهر ساختم ۰ از آنِ تو بودند وایشانرا بمن دادی وکلام ترا نکاه داشتند *
۷ ۸ والان دانستند آنچه بمن دادهٔ از نزد تو میباشد * زیرا کلامیرا که بمن سپردی
بدیشان سپردم وایشان قبول کردند واز روی یقین دانستند که از نزد تو بیرون
۹ آمدم وایمان آوردند که تو مرا فرستادی * من بجهة اینها سؤال میکنم وبرای جهان
۱۰ سؤال نمیکنم بلکه از برای کسانیکه بمن دادهٔ زیرا که از آنِ تو میباشند * وآنچه از
آنِ من است از آنِ تو است وآنچه از آنِ تو است از آنِ من است ودر آنها جلال

۱۱ یافته ام* بعد ازین در جهان نیستم امّا اینها در جهان هستند ومن نزد تومیآیم،
ای پدر قدّوس اینهارا که بمن دادهٔ باسم خود نکاه دار تا یکی باشند چنانکه ما
۱۲ هستیم* مادامیکه با ایشان در جهان بودم من ایشانرا باسم تو نکاه داشتم وهرکسرا
که بمن دادهٔ حفظ نمودم که یکی از ایشان هلاك نشد مکر پسرِ هلاکت تا کتاب
۱۳ تمام شود* وامّا الآن نزد تو میآیم واینرا در جهان میکویم تا خوشیٔ مرا در خود
۱٤ کامل داشته باشند* من کلام ترا بایشان دادم وجهان ایشانرا دشمن داشت
۱٥ زیرا که از جهان نیستند همچنانکه من نیز ازجهان نیستم* خواهش نمیکنم که ایشانرا
۱٦ از جهان ببری بلکه تا ایشانرا از شریر نکاه داری* ایشان از جهان نیستند
۱۷ چنانکه من ازجهان نمیباشم* ایشانرا براستیٔ خود تقدیس نما، کلام تو راستی است*
۱۸ همچنانکه مرا در جهان فرستادی من نیز ایشانرا در جهان فرستادم* وبجهة
۱۹
۲۰ ایشان من خودرا تقدیس میکنم تا ایشان نیز در راستی تقدیس کرده شوند* ونه
برای اینها فقط سؤآل میکنم بلکه برای آنها نیز که بوسیلهٔ کلام ایشان بمن ایمان
۲۱ خواهند آورد* تا همه یك کردند چنانکه تو ای پدر در من هستی ومن در تو، تا
۲۲ ایشان نیز در ما یك باشند تا جهان ایمان آرد که تو مرا فرستادی* ومن جلالیرا
۲۳ که بمن دادی بایشان دادم تا یك باشند چنانکه ما یك هستیم* من در ایشان
وتو در من تا در یکی کامل کردند وتا جهان بداند که تو مرا فرستادی وایشانرا
۲٤ محبّت نمودی چنانکه مرا محبّت نمودی* ای پدر میخواهم آنانیکه بمن دادهٔ با من
باشند در جائیکه من میباشم تا جلال مرا که بمن دادهٔ به بینند زیرا که مرا پیش از
۲٥ بنای جهان محبّت نمودی* ای پدر عادل جهان ترا نشناخت امّا من ترا شناختم
۲٦ واینها شناخته اندکه تو مرا فرستادی* واسم ترا بایشان شناسانیدم وخواهم شناسانید
تا آن محبّتی که بمن نمودهٔ در ایشان باشد ومن نیز در ایشان باشم*

باب هجدهم

۱ چون عیسی اینرا کفت با شاکردان خود بآن طرف وادیٔ قِدْرون رفت ودر
۲ آنجا باغی بود که با شاکردان خود بان در آمد* ویهودا که تسلیم کنندهٔ وی بود
آن موضع را میدانست چونکه عیسی در آنجا با شاکردان خود بارها انجمن مینمود

٣ پس یهودا لشکریان وخادمان از نزد رؤسای کَهَنَه وفریسیان برداشته با چراغها
٤ ومشعلها واسلحه بآنجا آمد* آنگاه عیسی با اینکه آگاه بود از آنچه میبایست بر
٥ او واقع شود بیرون آمده بایشان گفت کِرا میطلبید* باو جواب دادند عیسیٔ
ناصری‌را. عیسی بدیشان گفت من هستم ویهودا که تسلیم کنندهٔ او بود نیز با ایشان
٦ ٧ ایستاده بود* پس چون بدیشان گفت من هستم برگشته بر زمین افتادند* او
٨ باز از ایشان سؤآل کرد کِرا میطلبید. گفتند عیسیٔ ناصری را* عیسی جواب داد
٩ بشما گفتم من هستم پس اگر مرا میخواهید اینهارا بگذارید بروند* تا آن سخنی که
١٠ گفته بود تمام گردد که از انانیکه بمن دادهٔ یکیرا گُم نکرده ام* آنگاه شمعون پِطرُس
شمشیری که داشت کشیده بغلام رئیس کَهَنَه که ملوك نام داشت زده گوش راستش را
١١ برید* عیسی به پطرس گفت شمشیر خودرا غلاف کن آیا جامیرا که پدر بمن
١٢ داده است ننوشم* آنگاه سربازان وسرتیبان وخادمانِ یهود عیسی‌را گرفته اورا
١٣ بستند* واوّل اورا نزد حنّا پدرزن قیافا که درهمانسال رئیس کَهَنَه بود آوردند*
١٤ وقیافا همان بود که بیهود اشاره کرده بود که بهتراست یك شخص در راه قوم
١٥ بمیرد* امّا شمعون پِطرُس وشاگردی دیگر از عقب عیسی روانه شدند وچون
١٦ آن شاگرد نزد رئیس کَهَنَه معروف بود با عیسی داخل خانهٔ رئیس کَهَنَه شد* امّا
پِطرُس بیرونِ در ایستاده بود پس آنشاگرد دیگر که آشنای رئیس کَهَنَه بود بیرون
١٧ آمده با دربان گفتگو کرد و پِطرُس‌را به اندرون برد* آنگاه آن کنیزی که دربان
١٨ بود بپطرُس گفت آیا تو نیز از شاگردان این شخص نیستی. گفت نیستم* وغلامان
وخدّام آتش افروخته ایستاده بودند وخودرا گرم میکردند چونکه هوا سرد بود
١٩ وپِطرُس نیز با ایشان خودرا گرم میکرد* پس رئیس کَهَنَه از عیسی دربارهٔ
٢٠ شاگردان وتعلیم او پرسید* عیسی باو جواب داد که من بجهان آشکارا سخن
گفته ام. من هر وقت در کنیسه ودر هیکل جائیکه همهٔ یهودیان پیوسته جمع
٢١ میشدند تعلیم میدادم ودرخفا چیزی نگفته‌ام* چرا از من سؤآل میکنی ازکسانیکه
شنیده اند بپرس که چه چیز بدیشان گفتم. اینك ایشان میدانند آنچه من گفتم*
٢٢ وچون اینرا گفت یکی از خادمان که درآنجا ایستاده بود طپانچه بر عیسی زده
٢٣ گفت آیا برئیس کَهَنَه چنین جواب میدهی* عیسی بدو جواب داد اگر بد گفتم

۲۴ ببدی شهادت ده و اکر خوب برا چه مرا میزنی * پس حنّا اورا بسته بنزد قیافا
۲۵ رئیس کَهَنَه فرستاد * وشمعون پِطرُس ایستاده خود را کرم میکرد * بعضی بدو
۲۶ کفتند آیا تو نیز از شاکردان او نیستی * او انکار کرده کفت نیستم * پس یکی
از غلامان رئیس کَهَنَه که از خویشان آنکس بود که پطرس کوشش را بریده بود
۲۷ کفت مکر من ترا با او در باغ ندیدم * پطرس باز انکار کرد که درحال خروس
۲۸ بانك زد * بعد عیسی را از نزد قیافا بدیوان خانه آوردند وصبح بود وایشان
۲۹ داخل دیوانخانه نشدند مبادا نجس بشوند بلکه تا فصح را بخورند * پس پیلاطُس
۳۰ بنزد ایشان بیرون آمده کفت چه دعوی بر اینشخص دارید * در جواب او کفتند
۳۱ اکر او بدکار نمیبود بتو تسلیم نمیکردیم * پیلاطُس بدیشان کفت شما اورا بکیرید
وموافق شریعت خود بر او حکم نمائید یهودیان بوی کفتند بر ما جایز نیست که
۳۲ کسیرا بکشیم * تا قول عیسی تمام کردد که کفته بود اشاره بآن قسم موت که باید
۳۳ بمیرد * پس پیلاطُس باز داخل دیوانخانه شد وعیسی را طلبیده باو کفت آیا تو
۳۴ پادشاه یهود هستی * عیسی باو جواب داد آیا تو اینرا از خود میکوئی یا دیکران
۳۵ در بارهٔ من بتو کفتند * پیلاطُس جواب داد مکر من یهود هستم اُمّت تو
۳۶ و رؤسای کَهَنَه ترا بمن تسلیم کردند * چه کردهٔ * عیسی جواب داد که پادشاهیٔ
من از اینجهان نیست * اکر پادشاهیٔ من از اینجهان میبود خدّام من جنك
میکردند تا بیهود تسلیم نشوم لیکن اکنون پادشاهیٔ من از این جهان نیست *
۳۷ پیلاطُس باو کفت مکر تو پادشاه هستی * عیسی جواب داد تو میکوئیکه من
پادشاه هستم * از اینجهة من متولّد شدم وبجهة این در جهان آمدم تا به راستی
۳۸ شهادت دهم وهرکه از راستی است سخن مرا میشنود * پیلاطُس باو کفت
راستی چیست وچون اینرا بکفت باز بنزد یهودیان بیرون شده بایشان کفت من
۳۹ در اینشخص هیچ عیبی نیافتم * وقانون شما این است که درعید فصح بجهة شما یك
۴۰ نفر آزاد کنم پس آیا میخواهید بجهة شما پادشاه یهودرا آزاد کنم * باز همه فریاد
برآورده کفتند اورا نی بلکه برْاَبّارا وبَرْاَبّاَ دزد بود *

باب نوزدهم

۱ پس پیلاطُس عیسی را کرفته تازیانه زد * ولشکریان تاجی ازخار بافته برسرش
۲

٣ کذاردند وجامهٔ ارغوانی بدو پوشانیدند * ومیکفتند سلام ای پادشاه یهود
٤ وطپانچه بدو میزدند * باز پیلاطُس بیرون آمده بایشان کفت اینك اورا نزد شما
٥ بیرون آوردم تا بدانید که در او هیچ عیبی نیافتم * آنکاه عیسی با تاجی از خار
٦ ولباس ارغوانی بیرون آمده پیلاطُس بدیشان کفت اینك آن انسان * وچون
رؤسای کَهَنَه وخدّام اورا دیدند فریاد بر آورده کفتند صلیبش کن صلیبش کن ۰
پیلاطُس بدیشان کفت شما اورا کرفته مصلوبش سازید زیراکه من در او عیبی
٧ نیافتم * یهودیان بدوجواب دادند که ما شریعتی داریم وموافق شریعت ما واجب
٨ است که بمیرد زیرا خودرا پسر خدا ساخته است * پس چون پیلاطُس اینرا
٩ شنید خوف بر او زیاده مستولی کشت * باز داخل دیوانخانه شده به عیسی کفت
١٠ تو از کجائی ۰ امّا عیسی بدو هیچ جواب نداد * پیلاطُس بدو کفت آیا بمن
سخن نمیکوئی نمیدانی که قدرت دارم ترا صلیب کنم وقدرت دارم آزادت نمایم *
١١ عیسی جواب داد هیچ قدرت بر من نمیداشتی اکر از بالا بتو داده نمیشد واز
١٢ اینجهة آنکس که مرا بتو تسلیم کرد کناه بزرکتر دارد * واز آنوقت پیلاطُس
خواست اورا آزاد نماید لیکن یهودیان فریاد برآورده میکفتند که اکر اینشخص را
رها کنی دوست قیصر نیستی هرکه خودرا پادشاه سازد برخلاف قیصر سخن کوید *
١٣ پس چون پیلاطُس اینرا شنید عیسی را بیرون آورده برمسند حکومت در
١٤ موضعی که به بلاط وبعبرانی جبّاتا کفته میشد نشست * ووقت تهیّهٔ فصح
١٥ وقریب بساعت ششم بود پس بیهودیان کفت اینك پادشاه شما * ایشان
فریاد زدند اورا بردار بردار ۰ صلیبش کن ۰ پیلاطُس بایشان کفت آیا پادشاه
شمارا مصلوب کنم ۰ رؤسای کَهَنَه جواب دادند که غیر از قیصر پادشاهی نداریم *
١٦ آنکاه اورا بدیشان تسلیم کرد تا مصلوب شود پس عیسی را کرفته بردند *
١٧ وصلیب خودرا برداشته بیرون رفت بموضعی که به جُمْجُمَه مسمّیٰ بود وبعبرانی
١٨ آنرا جُلْجُتا میکفتند * اورا در آنجا صلیب نمودند ودو نفر دیکررا از این طرف
١٩ وآنطرف وعیسی را درمیان * وپیلاطُس تقصیرنامهٔ نوشته برصلیب کذارد
٢٠ ونوشته این بود عیسیٔ ناصری پادشاه یهود * واین تقصیرنامه را بسیاری از یهود
خواندند زیرا آنمکانیکه عیسی را صلیب کردند نزدیك شهر بود وآنرا بزبان عبرانی

۲۱ و یونانی ولاتینی نوشته بودند* پس رؤسای کَهَنهٔ یهود به پیلاطُس گفتند منویس
۲۲ پادشاه یهود بلکه که او گفت منم پادشاه یهود* پیلاطُس جواب داد آنچه نوشتم
۲۳ نوشتم* پس لشکریان چون عیسی را صلیب کردند جامه‌های اورا برداشته چهار قسمت
کردند هر سپاهیٔ را یك قسمت و پیراهن را نیز امّا پیراهن درز نداشت بلکه تماماً
۲۴ از بالا بافته شده بود* پس بیکدیگر گفتند اینرا پاره نکنیم بلکه قرعه بر آن بیندازیم
تا از آنِ که شود تا تمام گردد کتاب که میگوید درمیان خود جامه‌های مرا تقسیم
۲۵ کردند وبرلباس من قرعه افکندند پس لشکریان چنین کردند* وپای صلیب
عیسی مادر او وخواهر مادرش مریم زن کَلُوپا ومریم مَجْدَلِیّه ایستاده بودند*
۲۶ چون عیسی مادر خودرا با آنشاگردیکه دوست میداشت ایستاده دید بمادر خود
۲۷ گفت ای زن اینك پسر تو* وبآن شاگرد گفت اینك مادر تو ودر همانساعت
۲۸ آنشاگرد اورا بخانهٔ خود برد* وبعد چون عیسی دید که همه چیز به انجام رسیده
۲۹ است تا کتاب تمام شود گفت تشنه‌ام* ودر آنجا ظرفی پُر از سرکه گذارده بود
۳۰ پس اسفنجی را ازسرکه پُرساخته وبر زوفا گذارده نزدیك دهان او بردند* چون
۳۱ عیسی سرکه‌را گرفت گفت تمام شد وسرخودرا پائین آورده جان بداد* پس
یهودیان تا بدنها در روز سبت بر صلیب نماند چونکه روز تهیّه بود وآن سبت روز
بزرك بود از پیلاطس درخواست کردند که ساق پایهای ایشانرا بشکنند وپائین
۳۲ بیاورند* آنگاه لشکریان آمدند وساقهای آن اوّل ودیگریرا که با او صلیب
۳۳ شده بودند شکستند* امّا چون نزد عیسی آمدند ودیدند که پیش از آن مرده
۳۴ است ساقهای اورا نشکستند* لکن یکی از لشکریان بپهلوی او نیزهٔ زد که در
۳۵ انساعت خون وآب بیرون آمد* وآنکسی که دید شهادت داد وشهادت او
۳۶ راست است واو میداند که راست میگوید تا شما نیز ایمان آورید* زیرا که این
۳۷ واقع شد تا کتاب تمام شود که میگوید استخوانی از او شکسته نخواهد شد* وباز
۳۸ کتاب دیگر میگوید آن کسیرا که نیزه زدند خواهند نگریست* وبعد ازاین
یوسف که از اهل رامه وشاگرد عیسی بود لیکن مخفی بسبب ترس یهود از پیلاطس
خواهش کرد که جسد عیسی را بردارد* پیلاطس اذن داد پس آمده بدن عیسی را
۳۹ برداشت* ونیقودِیمُس نیز که اوّل در شب نزد عیسی آمده بود مُرِّ مخلوط با عود

۴۰ قریب بصد رطل با خود آورد * آنگاه بدن عیسی‌را برداشته در کفن با حنوط
۴۱ برسم تکفین یهود پیچیدند * ودر موضعی که مصلوب شد باغی بود ودر باغ قبر
۴۲ تازهٔ که هرگز هیچ کس در آن دفن نشده بود * پس بسبب تهیهٔ یهود عیسی‌را در
آنجا گذاردند چونکه آن قبر نزدیك بود *

باب بیستم

۱ بامدادان در اوّل هفته وقتیکه هنوز تاریك بود مریم مَجْدَلِیّه بسر قبر آمد ودید
۲ که سنك از قبر برداشته شده است * پس دوان دوان نزد شِمعون پِطرُس وآن
شاگرد دیگر که عیسی اورا دوست میداشت آمده بایشان گفت خداوندرا از قبر
۳ برده‌اند ونمیدانیم اورا کجا گذارده‌اند * آنگاه پطرُس وانشاگرد دیگر بیرون
۴ شده بجانب قبر رفتند * وهر دو با هم میدویدند امّا آن شاگرد دیگر از پِطرُس
۵ پیش افتاده اوّل بقبر رسید * وخم شده کفنرا گذاشته دید لیکن داخل نشد *
۶ بعد شمعون پطرس نیز از عقب او آمد وداخل قبر گشته کفنرا گذاشته دید *
۷ ودستمالی‌را که بر سر او بود نه با کفن نهاده بلکه در جای علیحده پیچیده *
۸ پس آن شاگرد دیگر که اوّل بسر قبر آمده بود نیز داخل شده دید وایمان اورد *
۹ زیرا هنوز کتابرا نفهمیده بودند که باید او از مردگان برخیزد * پس آن دو شاگرد
۱۰
۱۱ بمکان خود برگشتند * امّا مریم بیرون قبر گریان ایستاده بود وچون میگریست
۱۲ بسوی قبر خم شده * دو فرشته‌را که لباس سفید در بر داشتند یکی بطرف سر
۱۳ ودیگری بجانب قدم در جائیکه بدن عیسی گذارده بود نشسته دید * ایشان
بدو گفتند ای زن برایچه گریانی۰ بدیشان گفت خداوندِ مرا برده‌اند ونمیدانم اورا
۱۴ کجا گذارده‌اند * چون اینرا گفت بعقب ملتفت شده عیسی‌را ایستاده دید لیکن
۱۵ نشناخت که عیسی است * عیسی بدو گفت ای زن برایچه گریانی کِرا میطلبی۰
چون او گمان کرد که باغبان است بدو گفت ای آقا اگر تو اورا برداشتهٔ بمن بگو
۱۶ اورا کجا گذاردهٔ تا من اورا بردارم * عیسی بدو گفت ای مریم۰ او برگشته گفت
۱۷ ربونی یعنی ای معلّم * عیسی بدو گفت مرا لمس مکن زیراکه هنوز نزد پدر خود
بالا نرفته‌ام ولیکن نزد برادران من رفته بایشان بگو که نزد پدر خود وپدر شما

۱۸ وخدای خود وخدای شما میروم٭ مریم مَجْدَلِیّه آمده شاکردانرا خبر داد که
۱۹ خداوندرا دیدم وبمن چنین کفت٭ ودر شام همانروز که یکشنبه بود هنکامی
که درها بسته بود جائیکه شاکردان بسبب ترس یهود جمع بودند ناکاه عیسی آمده
۲۰ در میان ایستاد وبدیشان کفت سلام برشما باد٭ وچون اینرا کفت دستها وپهلوی
۲۱ خودرا بایشان نشان داد وشاکردان چون خداوندرا دیدند شاد کشتند٭ باز
عیسی بایشان کفت سلام برشما باد. چنانکه پدر مرا فرستاد من نیز شمارا میفرستم٭
۲۲ ۲۳ وچون اینرا کفت دمید وبایشان کفت روح القدس‌را بیابید٭ کناهان آنانیرا
۲٤ که آمرزیدید برای ایشان امرزیده شد وآنانیرا که بستید بسته شد٭ امّا توما که
۲۵ یکی ازآن دوازده بود واورا توأم میکفتند وقتیکه عیسی آمد با ایشان نبود٭ پس
شاکردان دیکر بدو کفتند خداوندرا دیده‌ایم. بدیشان کفت تا در دو دستش
جای میخهارا نه بینم وانکشت خودرا در جای میخها نه کذارم ودست خودرا بر
۲٦ پهلویش ننهم ایمان نخواهم آورد٭ وبعد از هشت روز باز شاکردان با توما
درخانهٔ جمع بودند ودرها بسته بود که ناکاه عیسی آمد ودر میان ایستاده کفت
۲۷ سلام برشما باد٭ پس بتوما کفت انکشت خودرا باینجا بیاور ودستهای مرا به بین
۲۸ ودست خودرا بیاور وبر پهلوی من بکذار وبی ایمان مباش بلکه ایمان دار٭ توما
۲۹ درجواب وی کفت ایخداوند من وای خدای من٭ عیسی کفت ای توما بعد
۳۰ از دیدنم ایمان آوردی. خوشا بحال آنانیکه ندیده ایمان آورند٭ وعیسی معجزات
۳۱ دیکرِ بسیار نزد شاکردان نمود که در این کتاب نوشته نشد٭ لیکن اینقدر نوشته
شد تا ایمان آورید که عیسی مسیح وپسر خدا است وتا ایمان آورده باسم او حیات
یابید٭

باب بیست ویکم

۱ بعد از آن عیسی باز خودرا درکنارهٔ دریای طبریّه بشاکردان ظاهر ساخت
۲ وبر اینطور نمودار کشت٭ شِمعُون پِطرُس وتومای معروف به توأم ونَتَنائِیل که
از قانای جلیل بود ودو پسر زَبْدَیْ ودو نفر دیکر از شاکردان او جمع بودند٭
۳ شمعون پطرُس بایشان کفت میروم تا صید ماهی کنم. باو کفتند ما نیز با تو میآئیم
٤ پس بیرون آمده بکشتی سوار شدند ودر آن شب چیزی نکرفتند٭ وچون صبح شد

۵ عیسی بر ساحل ایستاده بود لیکن شاکردان ندانستند که عیسی است* عیسی
۶ بدیشان کفت ای بچه‌ها نزد شما خوراکی هست، باو جواب دادند که نی* بدیشان
کفت دام‌را بطرف راست کشتی بیندازید که خواهید یافت پس انداختند واز
۷ کثرت ماهی نتوانستند آنرا بکشند* پس آن شاکردی که عیسی اورا محبّت مینمود
بپطرس کفت خداوند است، چون شِمعُون پطرس شنید که خداوند است جامهٔ
۸ خودرا بخویشتن بپیچید چونکه برهنه بود وخودرا در دریا انداخت* امّا شاکردان
دیکر در زورق آمدند زیرا از خشکی دور نبودند مکر قریب بدویست ذراع ودام
۹ ماهی‌را میکشیدند* پس چون بخشکی آمدند آتشی افروخته وماهی بر آن کذارده
۱۰ ۱۱ ونان دیدند* عیسی بدیشان کفت از ماهیٔ که الآن کرفته اید بیاورید* پس
شمعون پِطرُس رفت ودام‌را بر زمین کشید پُر از صد وپنجاه وسه ماهیٔ بزرك وبا
۱۲ وجودیکه اینقدر بود دام پاره نشد* عیسی بدیشان کفت بیائید بخورید ولی
احدی از شاکردان جرأت نکرد که از او بپرسد تو کیستی زیرا میدانستند که
۱۳ خداوند است* آنکاه عیسی آمد ونانرا کرفته بدیشان داد وهمچنین ماهی‌را*
۱۴ واین مرتبهٔ سیّم بود که عیسی بعد از برخاستن از مردکان خودرا بشاکردان ظاهر
۱۵ کرد* وبعد از غذا خوردن عیسی بشمعون پطرس کفت ای شمعون پسر
یونا آیا مرا بیشتر از اینها محبّت مینمائی بدو کفت بلی خداوندا تو میدانی که ترا
۱۶ دوست میدارم بدو کفت بره‌های مرا خوراك بده* باز در ثانی باو کفت ای
شمعون پسر یونا ایا مرا محبّت مینمائی باو کفت بلی خداوندا تو میدانی که ترا دوست
۱۷ میدارم بدو کفت کوسفندان مرا شبانی کن* مرتبهٔ سیّم بدو کفت ای شمعون پسر
یونا مرا دوست میداری پطرس محزون کشت زیرا مرتبهٔ سیّم بدو کفت مرا دوست
میداری پس باو کفت خداوندا تو بر همه چیز واقف هستی، تو میدانی که ترا دوست
۱۸ میدارم، عیسی بدو کفت کوسفندان مرا خوراك ده* آمین آمین بتو میکویم وقتیکه
جوان بودی کمر خودرا میبستی وهرجا میخواستی میرفتی ولکن زمانیکه پیر شوی
دستهای خودرا دراز خواهی کرد ودیکران ترا بسته بجائیکه نمیخواهی ترا خواهند
۱۹ برد* وبدین سخن اشاره کرد که بچه قسم موت خدارا جلال خواهد داد وچون
۲۰ اینرا کفت باو فرمود از عقب من بیا* پطرس ملتفت شده آنشاکردیکه عیسی اورا

محبّت مینمود دیدکه از عقب میآید وهمان بود که بر سینهٔ وی وقت عشاء تکیه
٢١ میزد وکفت خداوندا کیست آن که ترا تسلیم میکند* پس چون پطرس اورا دید
٢٢ بعیسی کفت ابخداوند واو چه شود* عیسی بدو کفت اکر بخواهم که او بماند تا
٢٣ باز آیم ترا چه • تو از عقب من بیا* پس اینسخن درمیان برادران شهرت یافت که
آن شاکرد نخواهد مرد لیکن عیسی بدو نکفت که نمیمیرد بلکه اکر بخواهم که او بماند
٢٤ تا باز آیم ترا چه* واین شاکردیست که باین چیزها شهادت داد واینهارا نوشت
٢٥ ومیدانیم که شهادت او راست است* ودیکر کارهای بسیار عیسی بجا آورد که اکر
فردًا فردًا نوشته شود کمان ندارم که جهان هم کنجایش نوشتههارا داشته باشد*

کتاب اعمال رسولان

باب اوّل

۱ صحیفهٔ اوّلرا انشاء نمودم ای تیوفِلُس در بارهٔ همهٔ اموری که عیسی به عمل نمودن
۲ وتعلیم دادن آنها شروع کرد * تا آنروزیکه رسولان برکزیدهٔ خودرا بروح القدس
۳ حکم کرده بالا برده شد * که بدیشان نیز بعد از زحمت کشیدن خود خویشتن‌را
زندهٔ ظاهر کرد به دلیلهای بسیار که در مدّت چهل روز بر ایشان ظاهر میشد ودر
٤ بارهٔ امور ملکوت خدا سخن میکفت * وچون با ایشان جمع شد ایشانرا قدغن
فرمود که از اورشلیم جدا مشوید بلکه منتظر آن وعدهٔ پدر باشید که از من
٥ شنیده‌اید * زیراکه یحیی بآب تعمید میداد لیکن شما بعد از اندك ایّامی بروح القدس
٦ تعمید خواهید یافت * پس آنانیکه جمع بودند از او سؤال نموده کفتند خداوندا
۷ آیا در این وقت ملکوترا بر اسرائیل باز بر قرار خواهی داشت * بدیشان کفت
از شما نیست که زمانها واوقاتیرا که پدر در قدرت خود نکاه داشته است بدانید *
۸ لیکن چون روح القدس بر شما میآید قوّت خواهید یافت وشاهدان من خواهید
۹ بود در اورشلیم وتمامئ یهودیّه وسامره وتا اقصای جهان * وچون اینرا کفت
وقتیکه ایشان همی نکریستند بالا برده شد وابری اورا از چشمان ایشان در ربود *
۱۰ وچون بسوی آسمان چشم دوخته میبودند هنکامیکه او میرفت ناکاه دو مرد سفید
۱۱ پوش نزد ایشان ایستاده * کفتند ایمردان جلیلی چرا ایستاده بسوی آسمان نکرانید *
همین عیسی که از نزد شما بآسمان بالا برده شد باز خواهد آمد بهمین طوریکه اورا
۱۲ بسوی آسمان روانه دیدید * آنکاه باورشلیم مراجعت کردند از کوه مسمّی بزیتون
۱۳ که نزدیك باورشلیم بمسافت سفر یك روز سبت است * وچون داخل شدند ببالا
خانهٔ بر آمدند که در آنجا پِطْرُس ویُوحَنّا ویَعقوب وآندرِیاس وفِیلِپس وتوما

وبَرْتولما ومَتّی ویعقوب بن حلفی وشِمْعُونِ غیور ویهودای برادر یعقوب مقیم
۱٤ بودند* وجمیع اینها با زنان ومریم مادر عیسی وبرادران او بیکدل در عبادت
۱٥ ودعا مواظب می بودند* ودر آن ایّام پِطْرُس درمیان برادران که عدد اسامیٔ
۱٦ ایشان جملةً قریب بصد وبیست بود برخاسته گفت* ای برادران میبایست آن
نوشته تمام شود که روح القدس از زبان داود پیش گفت در بارهٔ یهودا که راهنما
۱۷ شد برای آنانیکه عیسی را گرفتند* که او با ما محسوب شده نصیبی در این خدمت
۱۸ یافت* پس او از اجرت ظلم خود زمینی خریده بروی در افتاده ازمیان پاره شد
۱۹ وتمامیٔ امعایش ریخته گشت* وبر تمام سَکَنهٔ اورشلیم معلوم گردید چنانکه آن
۲۰ زمین در لغت ایشان بحقلِ دما یعنی زمین خون نامیده شد* زیرا در کتاب زبور
مکتوبست که خانهٔ او خراب بشود وهیچ کس در آن مسکن نگیرد ونظارتش را
۲۱ دیگری ضبط نماید* الحال میباید از آن مردمانیکه همراهان ما بودند در تمام آن
۲۲ مدّتیکه عیسیٔ خداوند با ما آمد ورفت میکرد* از زمان تعمید یحیی تا روزیکه از
۲۳ نزد ما بالا برده شد یکی از ایشان با ما شاهدِ برخاستن او بشود* آنگاه دو نفر
یعنی یوسف مسمّی به بَرْسَبا که به یُوسْتُسْ ملقّب بود ومَتِیاس را بر پا داشتند*
۲٤ ودعا کرده گفتند تو ای خداوند که عارف قلوب همه هستی بنما کدام یك از این
۲٥ دو را برگزیدهٔ* تا قسمت این خدمت ورسالت را بیابد که یهودا از آن باز
۲٦ افتاده بمکان خود پیوست* پس قرعه بنام ایشان افکندند وقرعه بنام مَتِّیاس بر
آمد واو با یازده رسول محسوب گشت*

باب دوّم

۱ وچون روز پَنْطِیکاست رسید بیك دل دریکجا بودند* که ناگاه آوازی چون
۲ صدای وزیدن باد شدید از آسمان آمد وتمام آنخانه را که در آنجا نشسته بودند
۳ پُر ساخت* وزبانهای منقسم شده مثل زبانهای آتش بدیشان ظاهر گشته بر هر
٤ یکی از ایشان قرار گرفت* وهمه از روح القدس پر گشته بزبانهای مختلف بنوعیکه
٥ روح بدیشان قدرت تلفّظ بخشید بسخن گفتن شروع کردند* ومردم یهودِ دین‌دار
٦ از هر طایفهٔ زیر فلك در اورشلیم منزل میداشتند* پس چون این صدا بلند شد

کروهی فراهم شده در حیرت افتادند زیرا هرکس لغت خودرا از ایشان شنید ٭
۷ وهمه مبهوت ومتعجّب شده به یکدیکر میکفتند مکر همهٔ اینها که حرف میزنند جلیلی
۸ نیستند ٭ پس چون است که هر یکی از ما لغت خودرا که در آن تولّد یافته‌ایم
۹ میشنویم ٭ پارتیان ومادیان وعلامیان وساکنان جزیره ویهودیّه وکَپَّدُکِیا وپَنْطُس
۱۰ وآسیا ٭ وفَرِیجِیّه وپَمْفِلیّه ومصر ونواحئِ لِیبیا که متّصل به قیروانست وغرباء از
۱۱ روم یعنی یهودیان وجدیدان ٭ واهل کَرِیت وعَرَب اینهارا میشنویم که بزبانهای
۱۲ ما ذکر کبریائئ خدا میکنند ٭ پس همه در حیرت وشكّ افتاده به یکدیکر کفتند
۱۳ این بکجا خواهد انجامید ٭ امّا بعضی استهزاء کنان کفتند که از خمر تازه مست
۱۴ شده اند ٭ پس پطرس با آن یازده برخاسته آواز خودرا بلند کرده بدیشان
کفت ای مردان یهود وجمیع سَکَنَهٔ اورشلیم اینرا بدانید وسخنان مرا فرا کیرید ٭
۱۵ زیرا که اینها مست نیستند چنانکه شما کمان میبرید زیراکه ساعت سیّم از روز است ٭
۱۶ ۱۷ بلکه این همانست که یوئیلِ نبیّ کفت ٭ که خدا میکوید در ایّام آخر چنین خواهد
بود که از روح خود بر تمام بشر خواهم ریخت وپسران ودختران شما نبوّت کنند
۱۸ وجوانان شما رؤیاها وپیران شما خوابها خواهند دید ٭ وبر غلامان وکنیزان خود
۱۹ در آن ایّام از روح خود خواهم ریخت وایشان نبوّت خواهند نمود ٭ واز بالا در
افلاك عجائب واز پائین در زمین آیاترا از خون وآتش وبخار دود بظهور آورم ٭
۲۰ خورشید بظلمت وماه بخون مبدّل کردد قبل از وقوع روز عظیمِ مشهور خداوند ٭
۲۱ ۲۲ وچنین خواهد بود که هرکه نام خداوندرا بخواند نجات یابد ٭ ای مردان اسرائیلی
این سخنانرا بشنوید ٭ عیسئ ناصری مردی که نزد شما از جانب خدا مبرهن کشت
به قوّات وعجایب وآیاتی که خدا درمیان شما از او صادر کردانید چنانکه خود می
۲۳ دانید ٭ این شخص چون برحسب ارادهٔ مستحکم وپیش دانئ خدا تسلیم شد شما
۲۴ بدست کناه‌کاران بر صلیب کشیده کشتید ٭ که خدا دردهای موترا کسسته اورا
۲۵ برخیزانید زیرا محال بود که موت اورا در بند نکاه دارد ٭ زیرا که داود در بارهٔ
وی میکوید خداوندرا همواره پیش روی خود دیده‌ام که بدست راست من است
۲۶ تا جنبش نخورم ٭ از این سبب دلم شاد کردید وزبانم بوجد آمد بلکه جسدم نیز
۲۷ در امید ساکن خواهد بود ٭ زیراکه نفس مرا در عالم اموات نخواهی کذاشت

۲۸ واجازت نخواهی داد که قدّوس تو فسادرا به بیند* طریقهای حیاترا بمن آموختی
۲۹ ومرا از روی خود بخرّمی سیر کردانیدی* ای برادران میتوانم در بارهٔ داودِ
پَطْرِیارْخ با شما بی محابا سخن کویم که او وفات نموده دفن شد ومقبرهٔ او تا امروز
۳۰ درمیان ماست* پس چون نبیّ بود ودانست که خدا برای او قسم خورد که از
۳۱ ذریّت صلب او بحسب جسد مسیحرا برانکیزاند تا بر تخت او بنشیند* در بارهٔ
قیامت مسیح پیش دیده کفت که نفس او در عالم اموات کذاشته نشود وجسد او
۳۲ فسادرا نه بیند* پس همان عیسی‌را خدا برخیزانید وهمهٔ ما شاهد بر آن هستیم*
۳۳ پس چون بدست راست خدا بالا برده شد روح القدس موعودرا از پدر یافته
۳۴ اینرا که شما حال می بینید ومیشنوید ریخته است* زیرا که داود به آسمان صعود
نکرد لیکن خود میکوید خداوند بخداوند من کفت بر دست راست من بنشین*
۳۵ ۳۶ تا دشمنانت‌را پای انداز تو سازم* پس جمیع خاندان اسرائیل یقینًا بدانند که خدا
۳۷ همین عیسی‌را که شما مصلوب کردید خداوند ومسیح ساخته است* چون شنیدند
۳۸ دل ریش کشته به پطرس وسایر رسولان کفتند ای برادران چه کنیم* پطرس
بدیشان کفت توبه کنید وهریك از شما باسم عیسی مسیح بجهة آمرزش کناهان تعمید
۳۹ کیرید وعطای روح القدس‌را خواهید یافت* زیرا که این وعده است برای شما
وفرزندان شما وهمهٔ آنانیکه دوراند یعنی هرکه خداوند خدای ما اورا بخواند*
۴۰ وبسخنان بسیار دیکر بدیشان شهادت داد وموعظه نموده کفت که خودرا از این
۴۱ فرقهٔ کجرو رستکار سازید* پس ایشان کلام اورا پذیرفته تعمید کرفتند ودر همان
۴۲ روز تخمینًا سه هزار نفر بدیشان پیوستند* ودر تعلیم رسولان ومشارکت ایشان
۴۳ وشکستن نان ودعاها مواظبت مینمودند* وهمهٔ خلق ترسیدند ومعجزات
۴۴ وعلامات بسیار از دست رسولان صادر میکشت* وهمهٔ ایمانداران با هم میزیستند
۴۵ ودر همه چیز شریك میبودند* واملاك واموال خودرا فروخته آنهارا بهر کس
۴۶ بقدر احتیاجش تقسیم میکردند* وهر روزه در هیکل بیك دل پیوسته میبودند
۴۷ ودر خانه‌ها نانرا پاره میکردند وخوراك‌را بخوشی وساده دلی میخوردند* وخدارا
حمد میکفتند ونزد تمامیٔ خلق عزیز میکردیدند وخداوند هر روزه ناجیانرا بر کلیسا
می افزود*

باب سيم

۱ ودر ساعت نهم وقت نماز پطرس ويوحنّا با هم به هيكل ميرفتند ✱ ناگاه ۲
مرديرا كه لنگِ مادرزاد بود ميبردند كه اورا هر روزه برآن درِ هيكل كه جميل
۳ نام دارد ميگذاشتند تا از روندگانِ بهيكل صدقه بخواهد ✱ آنشخص چون پطرس
٤ ويوحنّارا ديد كه ميخواهند بهيكل داخل شوند صدقه خواست ✱ امّا پطرس با
٥ يوحنّا بروی بيك نگريسته گفت بما بنگر ✱ پس برايشان نظر افكنده منتظر بود كه
٦ ازايشان چيزی بگيرد ✱ آنگاه پطرس گفت مرا طلا ونقره نيست امّا آنچه دارم بتو
۷ ميدهم • بنام عيسی مسيح ناصری برخيز وبخرام ✱ ودست راستش‌را گرفته اورا
۸ برخيزانيد كه درساعت پايها وساقهای او قوّت گرفت ✱ وبرجسته به ايستاد
وخراميد وبا ايشان خرامان وجست وخيزكنان وخدارا حمد گويان داخل هيكل
۹ شد ✱ وجميع قوم اورا خرامان وخدارا تسبيح خوانان ديدند ✱ وچون اورا ۱۰
شناختند كه همان است كه بدرِ جميل هيكل بجهة صدقه می نشست بسبب اين امر
۱۱ كه براو واقع شد متعجّب ومتحيّر گرديدند ✱ وچون آن لنگِ شفا يافته به پطرس
ويوحنّا متمسّك بود تمامئ قوم در رواقی كه به سليمانی مسمی است حيرت زده
۱۲ بشتاب گِردِ ايشان جمع شدند ✱ آنگاه پطرس ملتفت شده بدان جماعت
خطاب كرد كه ايمردانِ اسرائيلی چرا ازاين كار تعجّب داريد وچرا برما چشم
۱۳ دوخته‌ايد كه گويا بقوّت وتقوای خود اين شخص‌را خرامان ساختيم ✱ خدای
ابراهيم واسحق ويعقوب خدای اجداد ما بندهٔ خود عيسی‌را جلال داد كه شما تسليم
١٤ نموده اورا درحضور پيلاطس انكار كرديد هنگاميكه او حكم برهانيدنش داد ✱ امّا
شما آن قدّوس وعادلرا منكر شده خواستيد كه مردی خون ريز بشما بخشيده شود ✱
۱٥ ورئيس حياترا كشتيد كه خدا اورا از مردگان برخيزانيد وما شاهد براو هستيم ✱
١٦ وبسبب ايمان به اسم او اسم او اين شخص‌را كه می بينيد وميشناسيد قوّت بخشيده
است بلی آن ايمانی كه بوسيلهٔ اوست اين كسرا پيش روی همهٔ شما اين صحّت كامل
۱۷ داده است ✱ والحال ای برادران ميدانم كه شما وچنين حكّام شما اينرا بسبب
۱۸ ناشناسائی كرديد ✱ وليكن خدا آن اخباريرا كه بزبان جميع انبيای خود پيش گفته

۱۹ بود که مسیح باید زحمت بیند همین طور به انجام رساند * پس توبه و بازکشت کنید
۲۰ تا کناهان شما محو کردد وتا اوقات استراحت از حضور خداوند برسد * وعیسی
۲۱ مسیح را که از اوّل برای شما اعلام شده بود بفرستد * که می باید آسمان اورا پذیرد
تا زمان معادِ همه چیز که خدا از بدوِ عالم بزبان جمیع انبیای مقدّس خود از آن
۲۲ اخبار نمود * زیرا موسی به‌اجداد کفت که خداوند خدای شما نبیٌّ مثل من ازمیان
برادران شما برای شما برخواهد انکیخت ۰ کلام اورا درهر چه بشما تکلّم کند بشنوید *
۲۳ ۲٤ وهر نفسی که آن نبیّ‌را نشنود از قوم منقطع کردد * وجمیع انبیاء نیز از سموئیل
۲٥ وآنانیکه بعد ازاو تکلّم کردند از این ایّام اخبار نمودند * شما هستید اولاد پیغمبران
وآن عهدیکه خدا با اجداد ما بست وقتیکه به ابراهیم کفت ازذریّت تو جمیع قبایل
۲٦ زمین برکت خواهند یافت * برای شما اوّلاً خدا بندهٔ خود عیسی‌را برخیزانیده
فرستاد تا شمارا برکت دهد ببرکردانیدن هر یکی از شما از کناهانش *

باب چهارم

۱ وچون ایشان با قوم سخن میکفتند کَهَنَه وسردار سپاهِ هیکل وصدّوقیان برسر
۲ ایشان تاختند * چونکه مضطرب بودند از اینکه ایشان قوم‌را تعلیم میدادند ودر
۳ عیسی بقیامت از مردکان اعلام می نمودند * پس دست برایشان انداخته تا فردا
٤ محبوس نمودند زیرا که آن وقت عصر بود * امّا بسیاری از آنانیکه کلام‌را شنیدند
٥ ایمان آوردند وعدد ایشان قریب به پنج هزار رسید * بامدادان رؤساء ومشایخ
٦ وکاتبان ایشان در اورشلیم فراهم آمدند * با حنّای رئیس کَهَنَه وقیافا و یوحنّا
۷ واسکندر وهمهٔ کسانیکه از قبیلهٔ رئیس کَهَنَه بودند * وایشانرا درمیان بداشتند
۸ واز ایشان پرسیدند که شما بکدام قوّت وبچه نام این کاررا کرده‌اید * آنکاه پطرس
۹ از روح القدس پرشده بدیشان کفت ای رؤسای قوم ومشایخ اسرائیل * اکر
امروز از ما بازپرس میشود دربارهٔ احسانی که بدین مرد ضعیف شده یعنی بچه
۱۰ سبب او صحّت یافته است * جمیع شما وتمام قوم اسرائیل‌را معلوم باد که بنام عیسی
مسیح ناصری که شما مصلوب کردید وخدا اورا ازمردکان برخیزانید دراو این کس
۱۱ بحضور شما تندرست ایستاده است * اینست آن سنکی که شما معماران انرا ردّ

۱۲ کردید والحال سرِ زاویه شده است * ودر هیچ کس غیر ازاو نجات نیست زیرا
۱۳ که اسمی دیکر زیر آسمان بمردم عطا نشده که بدان باید ما نجات یابیم * پس چون
دلیریٔ پطرس ویوحنّارا دیدند ودانستند که مردم بی علم وامّی هستند تعجّب کردند
١٤ وایشانرا شناختند که از همراهان عیسی بودند * وچون آن شخص‌را که شفا یافته
۱۵ بود با ایشان ایستاده دیدند نتوانستند بضدّ ایشان چیزی کویند * پس حکم کردند
١٦ که ایشان ازمجلس بیرون روند وبا یکدیکر مشورت کرده کفتند * که با این دو
شخص چه کنیم زیرا که برجمیع سَکَنَهٔ اورشلیم واضح شد که معجزهٔ آشکار از ایشان
۱۷ صادر کردید ونمیتوانیم انکار کرد * لیکن تا بیشتر درمیان قوم شیوع نیابد ایشانرا
۱۸ سخت تهدید کنیم که دیکر با هیچ کس این اسم‌را بزبان نیاورند * پس ایشانرا
۱۹ خواسته قدغن کردند که هرکز نام عیسی‌را برزبان نیاورند وتعلیم ندهند * امّا
پطرس ویوحنّا درجواب ایشان کفتند اکر نزد خدا صوابست که اطاعت شمارا
۲۰ براطاعت خدا ترجیح دهیم حکم کنید * زیرا که مارا امکان آن نیست که آنچه دیده
۲۱ وشنیده ایم نکوئیم * وچون ایشانرا زیاد تهدید نموده بودند آزاد ساختند چونکه
راهی نیافتند که ایشانرا معذّب سازند بسبب قوم زیرا همه بواسطهٔ آن ماجرا خدارا
۲۲ تمجید می نمودند * زیرا آن شخص که معجزهٔ شفا دراو پدید کشت بیشتر از چهل
۲۳ ساله بود * وچون رهائی یافتند نزد رفقای خود رفتند وایشانرا ازآنچه رؤسای
٢٤ کَهَنَه ومشایخ بدیشان کفته بودند مطّلع ساختند * چون اینرا شنیدند آواز خودرا
بیك دل بخدا بلند کرده کفتند خداوندا تو آنخدا هستی که آسمان وزمین ودریا
۲۵ وآنچه درآنها است آفریدی * که بوسیلهٔ روح القدس بزبان پدر ما وبندهٔ خود
٢٦ داود کفتی چرا امّتها هنکامه میکنند وقومها بباطل می اندیشند * سلاطین زمین
برخاستند وحکّام با هم مشورت کردند برخلاف خداوند وبرخلاف مسیحش *
۲۷ زیرا که فی‌الواقع بربندهٔ قدّوس تو عیسی که اورا مسح کردی هیرودیس وپنطیوس
۲۸ پیلاطس با امّتها وقومهای اسرائیل باهم جمع شدند * تا آنچه‌را که دست ورای
۲۹ تو ازقبل مقدّر فرموده بود بجا آورند * والآن ایخداوند بتهدیدات ایشان نظر
۳۰ کن وغلامان خودرا عطا فرما تا بدلیریٔ تمام بکلام تو سخن کویند * به دراز کردن
دست خود بجهت شفا دادن وجاری کردن ایات ومعجزات بنام بندهٔ قدّوس خود

٣١ عیسی * وچون ایشان دعا کرده بودند مکانیکه درآن جمع بودند بحرکت آمد وهمه
٣٢ بروح القدس پر شده کلام خدارا بدلیری میکفتند * وجملهٔ مؤمنین‌را یك دل
ویك جان بود بحدّیکه هیچ کس چیزی ازاموال خودرا ازآنِ خود نمیدانست بلکه
٣٣ همه چیزرا مشترك میداشتند * ورسولان بقوّت عظیم بقیامت عیسیٔ خداوند
٣٤ شهادت میدادند وفیضی عظیم برهمکیٔ ایشان بود * زیرا هیچ کس ازآن کروه
محتاج نبود زیرا هرکه صاحب زمین یا خانه بود آنهارا فروختند وقیمت مبیعاترا
٣٥ آورده * بقدمهای رسولان مینهادند وبهریك بقدر احتیاجش تقسیم مینمودند *
٣٦ ویوسف که رسولان اورا برنابا یعنی ابن الوعظ لقب دادند مردی از سبط لاوی
٣٧ واز طایفهٔ قپرسی * زمینی‌را که داشت فروخته قیمت آنرا آورد وپیش قدمهای
رسولان کذارد *

باب پنجم

١ ٢ امّا شخصی حَنّانِیا نام با زوجه‌اش سفِیرهَ مِلکی فروخته * قدری از قیمت آنرا
به‌اطّلاع زن خود نکاه داشت وقدری از آنرا آورده نزد قدمهای رسولان نهاد *
٣ آنکاه پطرس کفت ای حَنّانیا چرا شیطان دلِ ترا پر ساخته است تا روح القدس‌را
٤ فریب دهی ومقداری از قیمت زمین‌را نکاه داری * آیا چون داشتی ازآنِ تو
نبود وچون فروخته شد دراختیار تو نبود چرا اینرا دردل خود نهادی به‌انسان
٥ دروغ نکفتی بلکه بخدا * حَنّانِیا چون این سخنانرا شنید افتاده جان بداد وخوفی
٦ شدید برهمهٔ شنوندکانِ این چیزها مستولی کشت * آنکاه جوانان برخاسته اورا
٧ کفن کردند وبیرون برده دفن نمودند * وتخمیناً سه ساعت کذشت که زوجه‌اش
٨ ازماجرا مطّلع نشده درآمد * پطرس بدو کفت مرا بکو که آیا زمین‌را بهمین قیمت
٩ فروختید. کفت بلی بهمین * پطرس بوی کفت برای چه متّفق شدید تا روح
خداوندرا امتحان کنید اینك پایهای آنانیکه شوهر ترا دفن کردند برآستانه است
١٠ وترا هم بیرون خواهند برد * درساعت پیش قدمهای او افتاده جان بداد وجوانان
داخل شده اورا مرده یافتند پس بیرون برده بپهلوی شوهرش دفن کردند *
١١ ١٢ وخوفی شدید تمامیٔ کلیسا وهمهٔ آنانیرا که اینرا شنیدند فرو کرفت * وآیات
ومعجزات عظیمه از دستهای رسولان درمیان قوم بظهور میرسید وهمه بیکدل

۱۳ در رواق سلیمان میبودند* امّا احدی از دیگران جرأت نمی کرد که بدیشان ملحق
١٤ شود لیکن خلق ایشانرا محترم میداشتند* وبیشتر ایمانداران بخداوند متّحد می شدند
١٥ انبوهی از مردان وزنان* بقسمیکه مریضانرا در کوچها بیرون آوردند و بر بسترها
و تختها خوابانیدند تا وقتیکه پطرس آید اقلاً سایهٔ او بر بعضی از ایشان بیفتد*
١٦ وگروهی از بلدانِ اطراف اورشلیم بیماران ورنج دیدگانِ ارواح پلیده را آورده جمع
١٧ شدند وجمیع ایشان شفا یافتند* امّا رئیس کَهَنَه وهمهٔ رفقایش که از طایفهٔ
١٨ صدّوقیان بودند برخاسته بغیرت پُرگشتند* وبر رسولان دست انداخته ایشانرا
١٩ در زندان عامّ انداختند* شبانگاه فرشتهٔ خداوند درهای زندانرا بازکرده وایشانرا
٢٠ بیرون آورده گفت* بروید ودر هیکل ایستاده تمام سخنهای این حیاترا بمردم
٢١ بگوئید* چون اینرا شنیدند وقت فجر بهیکل درآمده تعلیم دادند اما رئیس کَهَنَه
و رفیقانش آمده اهل شوری وتمام مشایخ بنی اسرائیل را طلب نموده بزندان فرستادند
٢٢ تا ایشانرا حاضر سازند* پس خادمان رفته ایشانرا در زندان نیافتند وبرگشته
٢٣ خبر داده* گفتند که زندانرا به احتیاطِ تمام بسته یافتیم و پاسبانانرا بیرون درها
٢٤ ایستاده لیکن چون باز کردیم هیچ کس را در آن نیافتیم* چون کاهن وسردار سپاه
هیکل و رؤسای کَهَنَه این سخنانرا شنیدند در بارهٔ ایشان در حیرت افتادند که این
٢٥ چه خواهد شد* آنگاه کسی آمده ایشانرا آگاهانید که اینك آنکسانیکه محبوس
٢٦ نمودید در هیکل ایستاده مردمرا تعلیم میدهند* پس سردار سپاه با خادمان رفته
ایشانرا آوردند لیکن نه بزور زیرا که از قوم ترسیدند که مبادا ایشانرا سنگسار
٢٧ کنند* وچون ایشانرا بمجلس حاضرکرده برپا بداشتند رئیس کَهَنَه از ایشان پرسیده
٢٨ گفت* مگر شمارا قدغن بلیغ نفرمودیم که بدین اسم تعلیم مدهید. همانا اورشلیمرا
بتعلیم خود پر ساخته اید ومیخواهید خون این مردرا بگردن ما فرود آرید*
٢٩ پطرس و رسولان در جواب گفتند خدارا میباید بیشتر از انسان اطاعت نمود*
٣٠ ٣١ خدای پدران ما آن عیسی را برخیزانید که شما بصلیب کشیده کشتید* اورا خدا
بردست راست خود بالا برده سرور ونجات دهنده ساخت تا اسرائیل را توبه وآمرزش
٣٢ گناهان بدهد* وما هستیم شاهدان او بر این امور چنانکه روح القدس نیز است
٣٣ که خدا اورا بهمهٔ مطیعان او عطا فرموده است* چون شنیدند دلریش گشته

٣٤ مشورت کردند که ایشانرا بقتل رسانند* امّا شخصی فریسی غَمالائِیل نام که مفتی
ونزد تمامیٔ خلق محترم بود در مجلس برخاسته فرمود تا رسولانرا ساعتی بیرون برند*
٣٥ پس ایشانرا کفت ای مردان اسرائیلی برحذر باشید از آنچه میخواهید با این
٣٦ اشخاص بکنید* زیرا قبل ازاین ایّام تِیوُدا نامی برخاسته خودرا شخصی می پنداشت
وکروهی قریب بچهار صد نفر بدو پیوستند. او کشته شد ومتابعانش نیز پراکنده
٣٧ ونیست کردیدند* وبعد از او یهودای جلیلی در ایّام اسم نویسی خروج کرد
٣٨ وجمعیرا درعقب خود کشید. او نیزهلاك شد وهمهٔ تابعان او پراکنده شدند* الآن
بشما میکویم از این مردم دست بردارید وایشانرا واکذارید زیرا اکر این رای
٣٩ وعمل از انسان باشد خود تباه خواهد شد* ولی اکر از خدا باشد نمیتوانید آنرا
٤٠ برطرف نمود مبادا معلوم شود که با خدا منازعه میکنید* پس بسخن او رضا دادند
ورسولانرا حاضر ساخته تازیانه زدند وقدغن نمودند که دیکر بنام عیسی حرف
٤١ نزنند پس ایشانرا مرخّص کردند* وایشان از حضور اهل شوری شاد خاطر
٤٢ رفتند از آنرو که شایستهٔ آن شمرده شدند که بجهة اسم او رسوائی کشند* وهر روزه
درهیکل وخانها از تعلیم ومژده دادن که عیسی مسیح است دست نکشیدند*

باب ششم

١ ودر آن ایّام چون شاکردان زیاد شدند هلِّینستْیان از عبرانیان شکایت بردند که
٢ بیوه زنان ایشان در خدمت یومیّه بی بهره میماندند* پس آن دوازده جماعتِ
شاکردانرا طلبیده کفتند شایسته نیست که ما کلام خدارا ترك کرده مائدهها را
٣ خدمت کنیم* لهذا ای برادران هفت نفر نیك نام وپراز روح القدس وحکمترا
٤ از میان خود انتخاب کنید تا ایشانرا بر این مهمّ بکماریم* امّا ما خودرا بعبادت
٥ وخدمت کلام خواهیم سپرد* پس تمام جماعت بدین سخن رضا دادند واستیفان
مردی پراز ایمان وروح القدس وفِیلِپُّس وپرُوخُرُسْ ونِیکانُور وتِیمُون وپَرْمِیناس
٦ ونِیقولاؤسِ جدید از اهل اَنطاکِیَّه را انتخاب کرده* ایشانرا در حضور رسولان
٧ برپا بداشتند ودعاکرده دست برایشان کذاشتند* وکلام خدا ترقّی نمود وعدد
شاکردان دراورشلیم بغایت می افزود وکروهی عظیم ازکَهَنه مطیع ایمان شدند*

۸ امّا اِسْتِیفان پُراز فیض وقوّت شده آیات ومعجزات عظیمه درمیان مردم ازاو
۹ ظاهر میشد * وتنی چند از کنیسهٔ که مشهور است بکنیسهٔ لِیبَرْتینیان وقِیرَوانیان
۱۰ واِسْکَنْدَرِیان واز اهل قِیلیقیا وآسیا برخاسته با اِسْتِیفان مباحثه میکردند * وبا آن
۱۱ حکمت وروحیکه او سخن میکفت یارای مکالمه نداشتند * پس چند نفررا بر این
داشتند که بکویند این شخص را شنیدیم که بموسی وخدا سخن کفرآمیز میکفت *
۱۲ پس قوم ومشایخ وکاتبانرا شورانیده برسرِ وی تاختند واورا کرفتار کرده به مجلس
۱۳ حاضر ساختند * وشهود کَذَبَهَ برپا داشته کفتند که این شخص از کفتن سخنِ کفر
۱٤ آمیز بر این مکان مقدّس وتوراة دست برنمیدارد * زیرا اورا شنیدیم که میکفت
این عیسیٔ ناصری این مکانرا تباه سازد ورسومیرا که موسی بما سپرد تغییرخواهد
۱۵ داد * وهمهٔ کسانیکه درمجلس حاضر بودند بر او چشم دوخته صورت ویرا مثل
صورت فرشته دیدند *

باب هفتم

۱ ۲ آنکاه رئیس کَهَنَه کفت آیا این امور چنین است * او کفت ای برادران
وپدران کوش دهید خدای ذوالجلال بر پدر ما ابراهیم ظاهر شد وقتیکه درجزیره
۳ بود قبل از توقّفش درحرّان * وبدو کفت از وطن خود وخویشانت بیرون
٤ شده بزمینی که ترا نشان دهم برو * پس از دیار کلدانیان روانه شده درحرّان درنك
نمود وبعد از وفات پدرش اورا کوچ داد بسوی این زمین که شما الآن در آن
۵ ساکن میباشید * واورا در این زمین میراثی حتّی بقدر جای پای خود نداد لیکن
وعده داد که آنرا بوی وبعد ازاو بذریّتش بملکیّت دهد هنکامیکه هنوز اولادی
٦ نداشت * وخدا کفت که ذریّت تو در ملك بیکانه غریب خواهند بود ومدّت
۷ چهارصد سال ایشانرا به بندکی کشیده معذّب خواهند داشت * وخدا کفت من
برآن طایفهٔ که ایشانرا مملوك سازند داوری خواهم نمود وبعد از آن بیرون آمده
۸ درین مکان مرا عبادت خواهند نمود * وعهد ختنه‌را بوی داد که بنابرین چون
اسحق‌را آورد درروز هشتم اورا مختون ساخت واسحق یعقوب را ویعقوب دوازده
۹ پَطْرِیارخ را * وپَطْرِیارخان بیوسف حسد برده اورا بمصر فروختند امّا خدا با وی
۱۰ میبود * واورا از تمامیٔ زحمت او رستکار نموده درحضور فرعون پادشاه مصر

توفیق وحکمت عطا فرمود تا اورا برمصر وتمام خاندان خود فرمان فرما قرار
۱۱ داد* پس قحطی وضیقی شدید برهمهٔ ولایت مصر وکنعان رخ نمود بحدّیکه اجداد
۱۲ ما قُوتی نیافتند* امّا چون یعقوب شنید که در مصر غلّه یافت میشود بار اوّل
۱۳ اجداد مارا فرستاد* ودر کرّت دوّم یوسف خودرا به برادران خود شناسانید
۱٤ وقبیلهٔ یوسف بنظر فرعون رسیدند* پس یوسف فرستاده پدر خود یعقوب
۱۵ وسایر عیالش را که هفتاد وپنج نفر بودند طلبید* پس یعقوب بمصر فرود آمده
۱٦ او واجداد ما وفات یافتند* وایشانرا بشکیم برده در مقبرهٔ که ابراهیم از بنی
۱۷ حمور پدر شکیم به مبلغی خریده بود دفن کردند* وچون هنگام وعدهٔ که خدا با
۱۸ ابراهیم قسم خورده بود نزدیك شد قوم در مصر نموّ کرده کثیر میکشتند* تا وقتیکه
۱۹ پادشاه دیکر که یوسف را نمی شناخت برخاست* او با قوم ما حیله نموده اجداد
۲۰ مارا ذلیل ساخت تا اولاد خودرا بیرون انداختند تا زیست نه کنند* در آن وقت
موسی تولّد یافت وبغایت جمیل بوده مدّت سه ماه در خانهٔ پدر خود پرورش
۲۱ یافت* وچون اورا بیرون افکندند دختر فرعون اورا برداشته برای خود
۲۲ بفرزندی تربیت نمود* وموسی در تمامیْ حکمت اهل مصر تربیت یافته در قول
۲۳ وفعل قویّ کشت* چون چهل سال از عمر وی سپری کشت بخاطرش رسید که
۲٤ از برادران خود خاندان اسرائیل تفقّد نماید* وچون یکیرا مظلوم دید اورا
۲۵ حمایت نمود وانتقام آن عاجزرا کشیده آن مصریرا بکشت* پس کمان برد که
برادرانش خواهند فهمید که خدا بدست او ایشانرا نجات خواهد داد امّا نفهمیدند*
۲٦ ودر فردای آنروز خودرا بدو نفر از ایشان که منازعه مینمودند ظاهر کرد
وخواست مابین ایشان مصالحه دهد پس کفت ای مردان شما برادر میباشید به
۲۷ یکدیکر چرا ظلم میکنید* آنکاه آنکه برهمسایهٔ خود تعدّی مینمود اورا ردّ کرده
۲۸ کفت که ترا برما حاکم وداور ساخت* آیا میخواهی مرا بکشی چنانکه آن مصریرا
۲۹ دیروز کشتی* پس موسی از این سخن فرار کرده در زمین مدیان غربت اختیار کرد
۳۰ ودر آنجا دو پسر آورد* وچون چهل سال کذشت در بیابان کوه سینا فرشتهٔ
۳۱ خداوند در شعلهٔ آتش از بوته بوی ظاهر شد* موسی چون اینرا دید از آن رؤیا
در عجب شد وچون نزدیك می آمد تا نظر کند خطاب از خداوند بوی رسید*

۳۲ که منم خدای پدرانت خدای ابراهیم وخدای اسحق وخدای یعقوب آنگاه
۳۳ موسی بلرزه در آمده جسارت نکرد که نظر کند☆ خداوند بوی گفت نعلین از
۳٤ پایهایت بیرون کن زیرا جائیکه در آن ایستادهٔ زمین مقدّس است☆ همانا مشقّت
قوم خودرا که درمصراند دیدم ونالهٔ ایشانرا شنیدم وبرای رهانیدن ایشان نزول
۳۵ فرمودم. الحال بیا تا ترا بمصر فرستم☆ همان موسی را که ردّ کرده گفتند که ترا حاکم
و داور ساخت خدا حاکم ونجات دهنده مقرّر فرموده بدست فرشتهٔ که در بوته بر
۳٦ وی ظاهر شد فرستاد☆ او با معجزات وآیاتی که مدّت چهل سال در زمین
۳۷ مصر وبحر قلزم وصحرا بظهور می آورد ایشانرا بیرون آورد☆ این همان موسی است
که به بنی اسرائیل گفت خدا نبیّ را مثل من ازمیان برادران شما برای شما مبعوث
۳۸ خواهد کرد سخن اورا بشنوید☆ همین است آنکه در جماعت در صحراء با آن
فرشتهٔ که در کوه سینا بدو سخن میگفت وبا پدران ما بود وکلمات زنده را یافت تا
۳۹ بما رساند☆ که پدران ما نخواستند اورا مطیع شوند بلکه اورا ردّ کرده دلهای خودرا
٤۰ بسوی مصر گردانیدند☆ وبهارون گفتند برای ما خدایان ساز که در پیش ما
بخرامند زیرا این موسی که مارا از زمین مصر برآورد نمیدانیم اورا چه شده است☆
٤۱ پس در آن ایّام گوسالهٔ ساختند وبدان بت قربانی گذرانیده به اعمال دستهای
٤۲ خود شادی کردند☆ از این جهت خدا رو گردانیده ایشانرا واگذاشت تا جنود
آسمان را پرستش نمایند چنانکه در صحف انبیاء نوشته شده است که ای خاندان
اسرائیل آیا مدّت چهل سال در بیابان برای من قربانیها وهدایا گذرانیدید☆
٤۳ وخیمهٔ ملوك وکوکب خدای خود رِمْفانرا بر داشتید یعنی اصنامیرا که ساختید تا
٤٤ آنهارا عبادت کنید پس شمارا بدان طرف بابِل منتقل سازم☆ وخیمهٔ شهادت با
پدران ما در صحرا بود چنانکه امر فرموده بموسی گفت آنرا مطابق نمونهٔ که دیده
٤۵ بساز☆ وآنرا اجداد ما یافته همراه یوشع درآوردند بملك امّتهائیکه خدا آنهارا از
٤٦ پیش روی پدران ما بیرون افکند تا ایّام داود☆ که او در حضور خدا مستفیض
٤۷ گشت ودرخواست نمود که خود مسکنی برای خدای یعقوب پیدا نماید☆ امّا
٤۸ سلیمان برای او خانهٔ بساخت☆ ولیکن حضرت اعلی درخانه‌های مصنوع دستها
٤۹ ساکن نمیشود چنانکه نبیّ گفته است☆ که خداوند میگوید آسمان کرسیّ منست

و زمین پای انداز من • چه خانهٔ برای من بنا میکنید ومحلّ آرامیدن من کجا است ٭
۵۰ ۵۱ مگر دست من جمیع این چیزهارا نیافرید٭ ای گردنکشان که به دل وگوش نا
مختونید شما پیوسته با روح القدس مقاومت میکنید چنانکه پدران شما هم چنین شما٭
۵۲ کیست از انبیاء که پدران شما بدو جفا نکردند وآنانیرا کشتند که از آمدن ان
۵۳ عادلی که شما بالفعل تسلیم کنندگان وقاتلان او شدید پیش اخبار نمودند٭ شما
۵۴ که بتوسّط فرشتگان شریعت را یافته آنرا حفظ نه کردید٭ چون اینرا شنیدند
۵۵ دلریش شده بروی دندانهای خود را فشردند٭ امّا او از روح القدس پُر بوده
بسوی آسمان نگریست وجلال خدارا دید وعیسی را بدست راست خدا ایستاده
۵۶ وگفت٭ اینك آسمانرا گشاده وپسر انسانرا بدست راست خدا ایستاده می
۵۷ بینم٭ آنگاه بآواز بلند فریاد برکشیدند وگوشهای خودرا گرفته بیکدل براو حمله
۵۸ کردند٭ واز شهر بیرون کشیده سنگسارش کردند وشاهدان جامههای خودرا
۵۹ نزد پایهای جوانی که سَوْلُسْ نام داشت گذاردند٭ وچون استیفانرا سنگسار
۶۰ میکردند او دعا نموده گفت ای عیسیٔ خداوند روح مرا بپذیر٭ پس زانو زده بآواز
لند ندا در داد که خداوندا این گناه‌را بر اینها مگیر• اینرا گفت وخوابید٭

باب هشتم

۱ وسَوْلُسْ در قتل او راضی میبود ودر آنوقت جفای شدید بر کلیسای اورشلیم
عارض گردید بحدّیکه همه جز رسولان بنواحیٔ یهودیّه وسامره پراکنده شدند٭
۲ ۳ ومردان صالح استیفانرا دفن کرده برای وی ماتم عظیمی برپا داشتند٭ امّا سَوْلُس
کلیسارا معذّب میساخت وخانه بخانه گشته مردان وزنانرا برکشیده بزندان می
۴ افکند٭ پس آنانیکه متفرّق شدند بهر جائیکه میرسیدند بکلامْ بشارت
۵ ۶ میدادند٭ امّا فِیلِپُّس به بلدی ازسامره درآمده ایشانرا بمسیح موعظه می نمود٭ ومردم
بیکدل بسخنان فِیلِپُّس گوش دادند چون معجزاتی را که از او صادر میگشت
۷ میشنیدند و می دیدند٭ زیرا که ارواح پلید از بسیاری که داشتند نعره زده بیرون
۸ میشدند ومفلوجان ولنگان بسیار شفا می یافتند٭ وشادیٔ عظیم در آن شهر روی
۹ نمود٭ امّا مردی شمعون نام قبل از آن در آن قریه بود که جادوگری می نمود

۱۰ واهل سامره را متحیّر میساخت وخودرا شخصی بزرك مینمود* بجدّیکه خورد وبزرك
۱۱ کوش داده میکفتند اینست قوّت عظیم خدا* وبدو کوش دادند ازآنرو که
۱۲ مدّت مدیدی بود از جادوکریٔ او متحیّر میشدند* لیکن چون به بشارت فیلپّس
که بملکوت خدا ونام عیسی مسیح میداد ایمان آوردند مردان وزنان تعمید یافتند*
۱۳ وشمعون نیز خود ایمان آورد وچون تعمید یافت همواره با فیلپّس می بود واز دیدن
۱٤ آیات وقوّات عظیمه که از او ظاهر میشد در حیرت افتاد* امّا رسولان که
در اورشلیم بودند چون شنیدند که اهل سامره کلام خدا را پذیرفته اند پطرس
۱۵ ویوحنّا را نزد ایشان فرستادند* وایشان آمده بجهة ایشان دعا کردند تا روح
۱٦ القدس را بیابند* زیرا که هنوز بر هیچ کس از ایشان نازل نشده بود که بنام خداوند
۱۷ عیسی تعمید یافته بودند وبس* پس دستها بر ایشان کذارده روح القدس را
۱۸ یافتند* امّا شمعون چون دید که محض کذاردن دستهای رسولان روح القدس
۱۹ عطا میشود مبلغی پیش ایشان آورده* کفت مرا نیز این قدرت دهید که بهرکس
۲۰ دست کذارم روح القدس را بیابد* پطرس بدو کفت زرت با تو هلاك باد
۲۱ چونکه پنداشتی که عطای خدا بزر حاصل میشود* ترا در این امر قسمت وبهرهٔ
۲۲ نیست زیرا که دلت درحضور خدا راست نمیباشد* پس از این شرارتِ خود
۲۳ توبه کن واز خدا درخواست کن تا شاید این فکر دلت آمرزیده شود* زیرا که
۲٤ ترا می بینم در زهرهٔ تلخ وقید شرارت کرفتاری* شمعون درجواب کفت شما برای
۲۵ من بخداوند دعا کنید تا چیزی از آنچه کفتید برمن عارض نشود* پس ارشاد نموده
وبکلام خداوند تکلّم کرده باورشلیم برکشتند ودر بسیاری از بلدان اهل سامره
۲٦ بشارت دادند* امّا فرشتهٔ خداوند به فیلپّس خطاب کرده کفت برخیز
وبجانب جنوب براهی که از اورشلیم بسوی غَزَه میرود که صحراست روانه شو*
۲۷ پس برخاسته روانه شد که ناکاه شخصی حَبَشی که خواجه سرا ومقتدر نزد کَنْدا که
۲۸ ملکهٔ حَبَش وبرتمام خزانهٔ او مختار بود باورشلیم بجهة عبادت آمده بود* ودر
۲۹ مراجعت برعرابهٔ خود نشسته صحیفهٔ اِشَعْیای نبیّ را مطالعه میکند* آنکاه روح
۳۰ به فیلپّس کفت پیش برو وبا آن عرابه همراه باش* فیلپّس پیش دویده شنید که
۳۱ اِشَعْیای نبیّ را مطالعه میکند کفت آیا میفهمی آنچه را میخوانی* کفت چکونه میتوانم

مکر آنکه کسی مرا هدایت کند واز فیلپّس خواهش نمود که سوار شده با او بنشیند*
۳۲ وفقرهٔ از کتاب که میخواند این بود که مثل کوسفندی که بمذبح برند وچون برّهٔ
۳۳ خاموش نزد پشم برندهٔ خود همچنین دهان خودرا نمیکشاید* در فروتنیٔ او انصاف
از او منقطع شد ونسبِ اورا کِه میتواند تقریر کرد زیرا که حیات او از زمین
۳٤ برداشته می شود* پس خواجه سرا به فیلپّس ملتفت شده کفت از تو سؤآل میکنم
۳۵ که نبیّ اینرا در بارهٔ کِه میکوید در بارهٔ خود یا در بارهٔ کسی دیکر* آنکاه فیلپّس
۳٦ زبان خودرا کشود واز آن نوشته شروع کرده ویرا بعیسی بشارت داد* وچون
درعرض راه بآبی رسیدند خواجه کفت اینك آب است• از تعمید یافتنم چه چیز
۳۷ مانع میباشد* فیلپّس کفت هرکاه بتمام دل ایمان آوردی جایز است• او در
۳۸ جواب کفت ایمان آوردم که عیسی مسیح پسر خداست* پس حکم کرد تا عرابه‌را
نکاه دارند وفیلپّس با خواجه سرا هر دو بآب فرود شدند پس اورا تعمید داد*
۳۹ وچون از آب بالا آمدند روح خداوند فیلپّس‌را بر داشته خواجه سرا دیکر اورا
٤۰ نیافت زیرا که راه خودرا بخوشی پیش کرفت* امّا فیلپّس در اشدود پیدا شد
ودر همهٔ شهرها کشته بشارت میداد تا بقیصریّه رسید*

باب نهم

۱ امّا سولس هنوز تهدید وقتل بر شاکردان خداوند همیدمید ونزد رئیس کَهَنه
۲ آمد* واز او نامه‌ها خواست بسوی کنایسی که در دمشق بود تا اکر کسی‌را از
۳ اهل طریقت خواه مرد وخواه زن بیابد ایشانرا بند بر نهاده باورشلیم بیاورد* ودر
اثنای راه چون نزدیك بدمشق رسید ناکاه نوری از آسمان دَور او درخشید*
٤ وبزمین افتاده آوازی شنید که بدو کفت ای شاؤل شاؤل برای چه بر من جفا
۵ میکنی* کفت خداوندا تو کیستی• خداوند کفت من آن عیسی هستم که تو بدو
٦ جفا میکنی* لیکن برخاسته بشهر برو که آنجا بتو کفته میشود چه باید کرد*
۷ امّا آنانیکه هم سفر او بودند خاموش ایستادند چونکه آن صدارا شنیدند لیکن هیچ
۸ کس‌را ندیدند* پس سولس از زمین برخاسته چون چشمان خودرا کشود هیچ
۹ کس‌را ندید ودستش‌را کرفته اورا بدمشق بردند* وسه روز نابینا بوده چیزے

۱۰ نخورد ونیاشامید* ودر دمشق شاگردی حنانیا نام بود که خداوند در رؤیا بدو
۱۱ گفت ای حنّانیا. عرض کرد خداوندا لبّیك* خداوند ویرا گفت برخیز
وبکوچهٔ که آنرا راست مینامند بشتاب ودر خانهٔ یهودا سولس نامِ طرسوسیرا
۱۲ طلب کن زیراکه اینك دعا میکند* وشخصی حنّانیا نام‌را در خواب دیده است
۱۳ که آمده براو دست گذارد تا بینا گردد* حنّانیا جواب داد که ای خداوند در
بارهٔ این شخص از بسیاری شنیده‌ام که بمقدّسین تو در اورشلیم چه مشقّتها رسانید*
۱٤ ودر اینجا نیز از رؤسای کَهَنَه قدرت دارد که هرکه نام ترا بخواند اورا حبس
۱٥ کند* خداوند ویرا گفت برو زیراکه او ظرف برگزیدهٔ من است تا نام مرا پیش
۱٦ امّتها وسلاطین وبنی اسرائیل ببرد* زیراکه من اورا نشان خواهم داد که چه قدر
۱۷ زحمتها برای نام من باید بکشد* پس حنّانیا رفته بدان خانه در آمد ودستها
بر وی گذارده گفت ای برادر شاؤل خداوند یعنی عیسی که در راهی که میآمدی
۱۸ برتو ظاهر گشت مرا فرستاد تا بینائی یابی واز روح القدس پر شوی* در ساعت
۱۹ از چشمان او چیزی مثل فلس افتاده بینائی یافت وبرخاسته تعمید گرفت* وغذا
۲۰ خورده قوّت گرفت وروزی چند با شاگردان در دمشق توقّف نمود* وبی
۲۱ درنگ در کنایس به عیسی موعظه مینمود که او پسر خداست* وآنانیکه شنیدند
تعجّب نموده گفتند مگر این آن کسی نیست که خوانندگان این اسم‌را در اورشلیم
پریشان مینمود ودر اینجا محضِ این آمده است تا ایشانرا بند نهاده نزد رؤسای کَهَنَه
۲۲ برد* امّا سولس بیشتر تقویت یافته یهودیانِ ساکن دمشق‌را مجاب می نمود ومبرهن
۲۳ می ساخت که همین است مسیح* امّا بعد از مرور ایّام چند یهودیانْ شوری نمودند
۲٤ تا اورا بکشند* ولی سولس از شورای ایشان مطّلع شد وشبانه روز بدروازها
۲٥ پاسبانی مینمودند تا اورا بکشند* پس شاگردان اورا درشب در زنبیلی گذارده
۲٦ از دیوار شهر پائین کردند* وچون سولس باورشلیم رسید خواست به شاگردان
۲۷ ملحق شود لیکن همه ازاو بترسیدند زیرا باور نکردند که از شاگردانست* امّا
بَرْنابا اورا گرفته بنزد رسولان برد وبرای ایشان حکایت کرد که چگونه خداوندرا
در راه دیده وبدو تکلّم کرده وچه طور در دمشق بنام عیسی بدلیری موعظه می
۲۸ نمود* ودر اورشلیم با ایشان آمد ورفت می کرد وبنام خداوند عیسی بدلیری

٢٩ موعظه مینمود* وبا هَلِنِستیان کفتکو ومباحثه میکرد امّا در صدد کشتن او بر
٣٠ آمدند* چون برادران مطّلع شدند اورا بقیصریّه بردند واز آنجا بطَرْسُوس روانه
٣١ نمودند* آنکاه کلیسا در تمامیٔ یهودیّه وجلیل وسامره آرامی یافتند وبنا میشدند
٣٢ ودر ترس خداوند وبتسلّیٔ روح القدس رفتار کرده همی افزودند* امّا پطرس
٣٣ در همهٔ نواحی کشته نزد مقدّسینِ ساکن لُدَّه نیز فرود آمد* ودر آنجا شخصی اینیاس
٣٤ نام یافت که مدّت هشت سال از مرض فالج برتخت خوابیده بود* پطرس ویرا
کفت ای اینیاس عیسی مسیح ترا شفا میدهد برخیز وبستر خودرا برچین که او در
٣٥ ساعت برخاست* وجمیع سَکَنهٔ لُدَّه وسارون اورا دیده بسوی خداوند بازکشت
٣٦ کردند* ودر یافا تلمیذهٔ طابیتا نام بود که معنیٔ آن غزال است وی از اعمال
٣٧ صالحه وصدقاتیکه میکرد پُر بود* از قضا در آن ایّام او بیمار شده بمرد واورا
٣٨ غسل داده در بالاخانهٔ کذاردند* وچونکه لُدَّه نزدیك بیافا بود وشاکردان
شنیدند که پطرس در آنجا است دو نفر نزد او فرستاده خواهش کردند که در
٣٩ آمدن نزد ما درنك نکنی* آنکاه پطرس برخاسته با ایشان آمد وچون رسید
اورا بدان بالاخانه بردند وهمهٔ بیوه‌زنان کریه کنان حاضر بودند وپیراهنها وجامهائیکه
٤٠ غزال وقتیکه با ایشان بود دوخته بود بوی نشان میدادند* امّا پطرس همه‌را
بیرون کرده زانو زد ودعا کرده بسوی بدن توجه کرد وکفت ای طابیتا برخیز
٤١ که در ساعت چشمان خودرا بازکرد وپطرس‌را دیده بنشست* پس دست اورا
کرفته بر خیزانیدش ومقدّسان وبیوه‌زنان‌را خوانده اورا بدیشان زنده سپرد*
٤٢ چون این مقدّمه در تمامیٔ یافا شهرت یافت بسیاری بخداوند ایمان آوردند*
٤٣ ودر یافا نزد دبّاغی شمعون نام روزی چند توقّف نمود*

باب دهم

١ ودر قیصریّه مردی کرنیلیوس نام بود یوزباشیٔ فوجی که به ایطالیانی مشهور
٢ است* واو با تمامیٔ اهل بیتش متقی وخدا ترس بود که صدقهٔ بسیار بقوم میداد
٣ وپیوسته نزد خدا دعا میکرد* روزی نزدیك ساعت نهم فرشتهٔ خدارا درعالم
٤ رؤیا آشکارا دید که نزد او آمده کفت ای کرنیلیوس* آنکاه او بر وی نیك

نکربسته وترسان کشته کفت چیست اےخداوند• بوی کفت دعاها وصدقات تو بجهة
۵ یادکاری بنزد خدا بر آمد* اکنون کسانی بیافا بفرست وشمعونِ ملقّب به پطرس را
۶ طلب کن* که نزد دبّاغی شمعون نام که خانه‌اش بکنارهٔ دریا است مهمانست•
۷ او بتو خواهد کفت که ترا چه باید کرد* وچون فرشتهٔ که بوی سخن میکفت
غایب شد دو نفر از نوکران خود ویك سپاهیٔ متّقی از ملازمان خاصّ خویشتن‌را
۸ ۹ خوانده* تمامیٔ ماجرارا بدیشان باز کفته ایشانرا بیافا فرستاد* روز دیکر چون
از سفر نزدیك بشهر میرسیدند قریب بساعت ششم پطرس ببام خانه بر آمد تا دعا
۱۰ کند* وواقع شد که کرسنه شده خواست چیزی بخورد امّا چون برای او حاضر
۱۱ میکردند بیخودی اورا رخ نمود* پس آسمانرا کشاده دید وظرفی‌را چون چادری
۱۲ بزرك بچهار کوشه بسته بسوی زمین آویخته براو نازل میشود* که در آن هر
۱۳ قسمی از دوابّ ووحوش وحشرات زمین ومرغان هوا بودند* وخطابی بوی
۱۴ رسید که ای پطرس برخاسته ذبح کن وبخور* پطرس کفت حاشا خداوندا زیرا
۱۵ چیزی ناپاك یا حرام هرکز نخورده ام* بار دیکر خطاب بوی رسید که آنچه خدا
۱۶ پاك کرده است تو حرام مخوان* واین سه مرتبه واقع شد که در ساعت آن ظرف
۱۷ بآسمان بالا برده شد* وچون پطرس در خود بسیار متحیّر بود که این رؤیائی که
دید چه باشد ناکاه فرستادکان کرنیلیوس خانهٔ شمعونرا تفحّص کرده بر درکاه
۱۸ رسیدند* وندا کرده میپرسیدند که شمعون معروف به پطرس در اینجا منزل دارد*
۱۹ وچون پطرس در رؤیا تفکّر میکرد روح ویرا کفت اینك سه مرد ترا میطلبند*
۲۰ پس برخاسته پائین شو وهمراه ایشان برو وهیچ شكّ مبر زیرا که من ایشانرا
۲۱ فرستادم* پس پطرس نزد آنانیکه کرنیلیوس نزد وی فرستاده بود پائین آمده
۲۲ کفت اینك منم آنکس که میطلبید سبب امدن شما چیست* کفتند کرنیلیوسِ
یوزباشی مردِ صالح وخدا ترس ونزد تمامیٔ طائفهٔ یهود نیك نام از فرشتهٔ مقدّس
۲۳ الهام یافت که ترا بخانهٔ خود بطلبد وسخنان از تو بشنود* پس ایشانرا بخانه برده
مهمانی نمود وفردای آنروز پطرس برخاسته همراه ایشان روانه شد وچند نفر از
۲۴ برادرانِ یافا همراه او رفتند* روز دیکر وارد قیصریّه شدند وکرنیلیوس خویشان
۲۵ ودوستان خاصّ خود خوانده انتظار ایشان میکشید* چون پطرس داخل شد

۲٦ کرنیلیوس اورا استقبال کرده بر پایهایش افتاده پرستش کرد* امّا پطرس اورا
۲۷ برخیزانیده کفت برخیز من خود نیز انسان هستم* وبا او کفتکو کنان بخانه در
۲۸ آمده جمعی کثیر یافت* پس بدیشان کفت شما مطّلع هستید که مرد یهودیرا با
شخص اجنبی معاشرت کردن یا نزد او آمدن حرام است لیکن خدا مرا تعلیم داد
۲۹ که هیچ کس‌را حرام یا نجس نخوانم* از این جهة بمجرّد خواهش شما بی تأمّل آمدم
۳۰ والحال میپرسم که از برای چه مرا خواسته اید* کرنیلیوس کفت چهار روز
قبل از این تا این ساعت روزه دار میبودم ودر ساعت نهم در خانهٔ خود دعا
۳۱ میکردم که ناکاه شخصی با لباس نورانی پیش من بایستاد* وکفت ای کرنیلیوس
۳۲ دعای تو مستجاب شد وصدقات تو در حضور خدا یاد آور کردید* پس بیافا
بفرست وشمعونِ معروف به پطرس‌را طلب نما که در خانهٔ شمعونِ دبّاغ بکنارهٔ دریا
۳۳ مهمانست او چون بیاید با تو سخن خواهد راند* پس بی تأمّل نزد تو فرستادم
وتو نیکو کردی که آمدی الحال همه در حضور خدا حاضریم تا آنچه خدا بتو فرموده
۳٤ است بشنویم* پطرس زبان‌را کشوده کفت فی الحقیقه یافته ام که خدارا نظر
۳٥ بظاهر نیست* بلکه از هر اُمّتی هرکه از او ترسد وعمل نیکو کند نزد او مقبول
۳٦ کردد* کلامیرا که نزد بنی اسرائیل فرستاد چونکه بوساطت عیسی مسیح که
۳۷ خداوندِ همه است بسلامتی بشارت میداد* آن سخن‌را شما میدانید که شروع آن از
جلیل بود ودر تمامیٔ یهودیّه منتشر شد بعد از آن تعمیدی که یحیی بدان موعظه
۳۸ مینمود* یعنی عیسیٔ ناصریرا که خدا اورا چکونه بروح القدس وقوّت مسح نمود
که او سیر کرده اعمال نیکو بجا میآورد وهمهٔ مقهورین ابلیس‌را شفا میبخشید زیرا
۳۹ خدا با وی میبود* وما شاهد هستیم بر جمیع کارهائیکه او در مرزوبوم یهود ودر
٤۰ اورشلیم کرد که اورا نیز بر صلیب کشیده کشتند* همان کس‌را خدا در روز سیّم
٤۱ برخیزانیده ظاهر ساخت* لیکن نه بر تمامیٔ قوم بلکه بر شهودیکه خدا پیش برکزیده
٤۲ بود یعنی ما یانیکه بعد از برخاستن او از مردکان با او خورده وآشامیده‌ایم* ومارا
مأمور فرمود که بقوم موعظه وشهادت دهیم بدینکه خدا اورا مقرّر فرمود تا داور
٤۳ زندکان ومردکان باشد* وجمیع انبیاء بر او شهادت میدهند که هرکه بوی ایمان
٤٤ آوَرَد باسم او آمرزش کناهان‌را خواهد یافت* این سخنان هنوز بر زبان پطرس

٤٥ بود که روح القدس بر همهٔ آنانیکه کلامرا شنیدند نازل شد* ومؤمنان از اهل
ختنه که همراه پطرس آمده بودند در حیرت افتادند از آنکه بر اُمّتها نیز عطای
٤٦ روح القدس افاضه شد* زیراکه ایشانرا شنیدند که بزبانها متکلّم شده خدارا
٤٧ تمجید میکردند* آنگاه پطرس گفت آیا کسی میتواند آبرا منع کند برای تعمید دادن
٤٨ اینانیکه روح القدسرا چون ما نیز یافته اند* پس فرمود تا ایشانرا بنام عیسی
مسیح تعمید دهند آنگاه از او خواهش نمودند که روزی چند توقّف نماید*

باب یازدهم

۱ پس رسولان و برادرانی که در یهودیّه بودند شنیدند که اُمّتها نیز کلام خدارا
۲ پذیرفته اند* وچون پطرس باورشلیم آمد اهل ختنه با وی معارضه کرده
۳ ٤ گفتند که با مردم نا مختون بر آمده با ایشان غذا خوردی* پطرس از اوّل مفصّلا
۵ بدیشان بیان کرده گفت* من در شهر یافا دعا میکردم که ناگاه در عالم رؤیا
ظرفیرا دیدم که نازل میشود مثل چادری بزرك بچهار گوشه از آسمان آویخته که
٦ بر من میرسد* چون برآن نیك نگریسته تأمّل کردم دوابّ زمین ووحوش
۷ وحشرات ومرغان هوارا دیدم* وآوازیرا شنیدم که بمن میگوید ای پطرس
۸ برخاسته ذبح کن وبخور* گفتم حاشا خداوندا زیرا هرگز چیزی حرام یا ناپاك
۹ بدهانم نرفته است* بار دیگر خطاب از آسمان در رسید که آنچه خدا پاك نموده
۱۰ تو حرام مخوان* این سه کرّت واقع شد که همه باز بسوی آسمان بالا برده شد*
۱۱ واینك در همانساعت سه مرد از قیصریّه نزد من فرستاده شده بخانهٔ که در آن بودم
۱۲ رسیدند* وروح مرا گفت که با ایشان بدون شكّ برو واین شش برادر نیز همراه
۱۳ من آمدند تا بخانهٔ آنشخص داخل شدیم* ومارا آگاهانید که چه طور فرشتهٔرا
در خانهٔ خود دید که ایستاده بوی گفت کسان بیافا بفرست وشمعونِ معروف بِه
١٤ پطرسرا بطلب* که با تو سخنانی خواهد گفت که بدانها تو وتمامئ اهل خانهٔ تو
۱۵ نجات خواهید یافت* وچون شروع بسخن گفتن میکردم روح القدس بر ایشان
١٦ نازل شد هم چنانکه نخست بر ما* آنگاه بخاطر آوردم سخن خداوندرا که گفت
۱۷ یحیی بآب تعمید داد لیکن شما بروح القدس تعمید خواهید یافت* پس چون خدا

همان عطارا بدیشان بخشید چنانکه بما محضِ ایمان آوردن بعیسی مسیحِ خداوند پس
۱۸ من کِه باشم که بتوانم خدارا ممانعت نمایم * چون اینرا شنیدند ساکت شدند وخدارا
تمجیدکنان کفتند فی الحقیقه خدا به اُمّتها نیز توبهٔ حیات بخش را عطا کرده است *
۱۹ وامّا آنانیکه بسبب اذیّتی که در مقدّمهٔ اِستیفان بر پا شد متفرّق شدند تا فینیفیا
۲۰ وقپرس وانطاکیَه میکشتند وبهیچ کس بغیر از یهود وبس کلام را نکفتند * لیکن
بعضی از ایشان که از اهل قپرس وقیروان بودند چون به اَنطاکیّه رسیدند با
۲۱ یونانیان نیز تکلّم کردند وبخداوند عیسی بشارت میدادند * ودست خداوند با
۲۲ ایشان می بود وجمعی کثیر ایمان آورده بسوی خداوند بازکشت کردند * امّا چون
۲۳ خبر ایشان بسمع کلیسای اورشلیم رسید بَرْنابارا به اَنطاکیّه فرستادند * وچون
رسید وفیض خدارا دید شاد خاطر شده همه را نصیحت نمود که از تصمیم قلب
۲۴ بخداوند به پیوندند * زیراکه مردی صالح وپُر از روح القدس وایمان بود وکروهی
۲۵ بسیار بخداوند ایمان آوردند * وبرْنابا بطرسوس برای طلب سَوْلُسْ رفت وچون
۲۶ اورا یافت به اَنطاکیّه آورد * وایشان سالی تمام در کلیسا جمع میشدند وخلقی
بسیاررا تعلیم می دادند وشاکردان نخست در انطاکیه بمسیحی مسمّی شدند *
۲۷ ۲۸ ودر آن ایّام انبیائی چند از اورشلیم به اَنطاکیّه آمدند * که یکی از ایشان اغابوس
نام برخاسته بروح اشاره کرد که قحطی شدید در تمامیٔ ربع مسکون خواهد شد وآن
۲۹ در ایّام کَلُودِیُوسِ قیصر پدید آمد * وشاکردان مصمّم آن شدند که هریك
۳۰ برحسب مقدور خود اعانتی برای برادرانِ ساکنِ یهودیّه بفرستند * پس چنین
کردند وآنرا بدست بَرْنابا وسولس نزد کشیشان روانه نمودند *

باب دوازدهم

۱ ودر انزمان هیرودیس پادشاه دست تطاول بر بعضی از کلیسا دراز کرد *
۲ ۳ ویعقوب برادر یوحنّارا بشمشیر کشت * وچون دید که یهودرا پسند افتاد بر آن
۴ افزوده پطرس را نیز کرفتار کرد وایّام فطیر بود * پس اورا کرفته در زندان
انداخت وبچهار دستهٔ رباعیٔ سپاهیان سپرد که اورا نکاهبانی کنند واراده داشت
۵ که بعد از فصح اورا برای قوم بیرون آوَرَد * پس پطرس را در زندان نکاه

٦ ميداشتند امّا كليسا بجهة او نزد خدا پيوسته دعا ميكردند* ودر شبى كه هيروديس
قصد بيرون آوردن وى داشت پطرس به دو زنجير بسته درميان دو سپاهى خفته
٧ بود وكشيكچيان نزد در زندانرا نكاهبانى ميكردند* ناكاه فرشتهٔ خداوند نزد وى
حاضر شد وروشنى در آن خانه درخشيد پس بپهلوى پطرس زده اورا بيدار نمود
٨ وكفت بزودى برخيز كه در ساعت زنجيرها از دستش فرو ريخت* وفرشته ويرا
كفت كمر خودرا به بند ونعلين بر پا كن پس چنين كرد وبوى كفت رداى خودرا
٩ بپوش واز عقب من بيا* پس بيرون شده از عقب او روانه كرديد ونداشت
١٠ كه آنچه از فرشته روى نمود حقيقى است بلكه كمان برد كه خواب ميبيند* پس از
قراولان اوّل ودوّم كذشته بدروازهٔ آهنى كه بسوى شهر ميرود رسيدند وآن خود
بخود پيش روى ايشان باز شد واز آن بيرون رفته تا آخر يك كوچه برفتند كه در
١١ ساعت فرشته از او غايب شد* آنكاه پطرس بخود آمده كفت اكنون به تحقيق
دانستم كه خداوند فرشتهٔ خودرا فرستاده مرا از دست هيروديس واز تمامئ انتظار
١٢ قوم يهود رهانيد* چون اينرا در يافت بخانهٔ مريم مادر يوحنّاى ملقّب بمرقس
١٣ آمد ودر آنجا بسيارى جمع شده دعا ميكردند* چون او درِ خانه‌را كوبيد كنيزى
١٤ رودا نام آمد تا بفهمد* چون آواز پطرس‌را شناخت از خوشى دررا باز نكرده
١٥ به اندرون شتافته خبر داد كه پطرس بدركاه ايستاده است* ويرا كفتند ديوانهٔ
١٦ وچون تاكيد كرد كه چنين است كفتند كه فرشتهٔ او باشد* امّا پطرس پيوسته
١٧ دررا ميكوبيد پس دررا كشوده اورا ديدند ودر حيرت افتادند* امّا او بدست
خود بسوى ايشان اشاره كرد كه خاموش باشند وبيان نمود كه چكونه خدا اورا
از زندان خلاصى داد وكفت يعقوب وساير برادرانرا از اين امور مطّلع سازيد پس
١٨ بيرون شده بجاى ديكر رفت* وچون روز شد اضطرابى عظيم در سپاهيان افتاد
١٩ كه پطرس‌را چه شد* وهيروديس چون اورا طلبيده نيافت كشيكچيانرا باز خواست
نموده فرمود تا ايشانرا بقتل رسانند وخود از يهوديّه بقيصريّه كوچ كرده در آنجا
٢٠ اقامت نمود* امّا هيروديس با اهل صور وصيدون خشمناك شد پس ايشان
يكدل نزد او حاضر شدند وبَلاستُس ناظر خوابكاه پادشاهرا با خود متّحد ساخته
٢١ طلب مصالحه كردند زيرا كه ديارِ ايشان از مُلك پادشاه معيشت ميبافت* ودر

روزی معیّن هیرودیس لباس ملوکانه در بر کرد و بر مسند حکومت نشسته ایشانرا
۲۲ ۲۳ خطاب میکرد* وخلق ندا میکردند که آواز خداست نه آواز انسان* که در
ساعت فرشتهٔ خداوند اورا زد زیراکه خدارا تمجید ننمود وکِرم اورا خورد که بمرد*
۲۴ ۲۵ امّا کلام خدا نموّ کرده ترقّی یافت* وبرنابا وسولس چون آنخدمترا به انجام
رسانیدند از اورشلیم مراجعت کردند و یوحنّای ملقّب بمرقس‌را همراه خود بردند*

باب سیزدهم

۱ ودر کلیسائی که در اَنطاکیّه بود انبیاء و معلّم چند بودند* برنابا وشمعونِ ملقّب
۲ به نیجر ولوکیوسِ قیروانی ومَناحِم برادر رضاعیٔ هیرودیسِ تِیترارْخْ وسولس* چون
ایشان در عبادت خدا وروزه مشغول می بودند روح القدس کفت بَرْنابا
وسولس‌را برای من جدا سازید از بهر آن عمل که ایشانرا برای آن خوانده‌ام*
۳ ۴ آنکاه روزه کرفته ودعا کرده ودستها بر ایشان کذارده روانه نمودند* پس ایشان
از جانب روح القدس فرستاده شده به سَلوکیّه رفتند واز آنجا از راه دریا بقِپْرُس
۵ آمدند* ووارد سَلامِیس شده در کنایس یهود بکلام خدا موعظه کردند ویوحنّا
۶ ملازم ایشان بود* وچون در تمامیٔ جزیره تا بپافُس کَشتند در آنجا شخص یهودیرا
۷ که جادوکر ونبیّ کاذب بود یافتند که نام او بارْیَشُوع بود* اورفیق سَرْجِیُوس
پولسِ والی بود که مردی فهیم بود* همان بَرْنابا وسَوْلُسْ‌را طلب نموده خواست
۸ کلام خدارا بشنود* امّا عَلیما یعنی آن جادوکر زیرا ترجمهٔ اسمش همچنین
۹ میباشد ایشانرا مخالفت نموده خواست والی‌را از ایمان برکرداند* ولی سولس که
۱۰ پولس باشد پُر از روح القدس شده براو نیك نکریسته* کفت ای پُر از هر نوع
مکر وخباثت ایفرزند ابلیس ودشمن هر راستی باز نمی ایستی از منحرف ساختن طُرُق
۱۱ راستِ خداوند* الحال دست خداوند بر تست وکور شده آفتابرا تا مدّتی نخواهی
دید که در همانساعت غشاوة وتاریکی اورا فرو کرفت ودَور زده راهنمائی طلب
۱۲ میکرد* پس والی چون آن ماجرارا دید از تعلیم خداوند متحیّر شده ایمان آورد*
۱۳ آنکاه پولس ورفقایش از پافس بکشتی سوار شده بپِرْجَهٔ پَمْفِلیّه آمدند امّا یوحنّا از
۱۴ ایشان جدا شده باورشلیم برکشت* وایشان از پِرْجَه عبور نموده به اَنطاکیّهٔ پیسیدیّه

۱۵ آمدند ودر روز سبت بکنیسه درآمده بنشستند* وبعد از تلاوت توراة وصحف
انبیاء رؤسای کنیسه نزد ایشان فرستاده کفتند ای برادران عزیز اکر کلامی نصیحت
۱۶ آمیز برای قوم دارید بکوئید* پس پولس برپا ایستاده بدست خود اشاره
۱۷ کرده کفت ای مردان اسرائیلی وخدا ترسان کوش دهید* خدای این قوم اسرائیل
پدران مارا برکزیده قومرا در غربت ایشان در زمین مصر سرافراز نمود وایشانرا
۱۸ ببازوی بلند از آنجا بیرون آورد* وقریب بچهل سال در بیابان متحمّل حرکات
۱۹ ایشان می بود* وهفت طایفه‌را در زمین کنعان هلاك کرده زمین آنهارا میراث
۲۰ ایشان ساخت تا قریب چهار صد وپنجاه سال* وبعد از آن بدیشان داوران داد
۲۱ تا زمان صَمُوئیلِ نبیّ* واز آنوقت پادشاهی خواستند وخدا شاؤل بن قیس‌را
۲۲ از سبط بن‌یامین تا چهل سال بایشان داد* پس اورا ازمیان برداشته داودرا
برانکیخت تا پادشاه ایشان شود ودر حقّ او شهادت داد که داود بن یَسّی‌را مرغوب
۲۳ دل خود یافته ام که بتمامیٔ ارادهٔ من عمل خواهد کرد* واز ذرّیت او خدا
۲٤ برحسب وعده برای اسرائیل نجات دهندهٔ یعنی عیسی‌را آورد* چون یحیی پیش
۲۵ از آمدن او تمام قوم اسرائیل‌را بتعمید توبه موعظه نموده بود* پس چون یحیی
دَورهٔ خودرا بپایان برد کفت مرا کِه می پندارید من او نیستم لکن اینك بعد از
۲٦ من کسی میآید که لایق کشادن نعلین او نیم* ای برادران عزیز وابنای آل ابراهیم
۲۷ وهرکه از شما خدا ترس باشد مر شمارا کلام این نجات فرستاده شد* زیرا سَکَنهٔ
اورشلیم ورؤسای ایشان چونکه نه اورا شناختند ونه آوازهای انبیاء را که هر سبت
۲۸ خوانده میشود بر وی فتوی دادند وآنهارا به اتمام رسانیدند* وهرچند هیچ
۲۹ علّت قتل در وی نیافتند از پیلاطس خواهش کردند که او کشته شود* پس
چون آنچه در بارهٔ وی نوشته شده بود تمام کردند اورا از صلیب پائین آورده بقبر
۳۰ ۳۱ سپردند* لکن خدا اورا از مردکان بر خیزانید* واو روزهای بسیار ظاهر شد بر
آنانیکه همراه او از جلیل باورشلیم آمده بودند که الحال نزد قوم شهود او میباشند*
۳۲ ۳۳ پس ما بشما بشارت میدهیم بدان وعدهٔ که به پدران ما داده شد* که خدا آنرا
بما که فرزندان ایشان میباشیم وفا کرد وقتیکه عیسی‌را برانکیخت چنانکه در زبور
۳٤ دوّم مکتوبست که تو پسر من هستی من امروز ترا تولید نمودم* ودر آنکه اورا

از مردکان برخیزانید تا دیکر هرکز راجع بفساد نشود چنین کفت که به برکات
۳۵ قدّوس وامین داود برای شما وفا خواهم کرد* بنابرین در جائی دیکر نیز میکوید
۳۶ تو قدّوس خودرا نخواهی کذاشت که فسادرا بیند* زیراکه داود چونکه در
زمان خود ارادهٔ خدارا خدمت کرده بود بخفت وبه پدران خود ملحق شده فسادرا
۳۷ ۳۸ دید* لیکن آنکس که خدا اورا برانکیخت فسادرا ندید* پس ای برادران عزیز
۳۹ شمارا معلوم باد که بوساطت او بشما از آمرزش کناهان اعلام میشود* وبوسیلهٔ او
هرکه ایمان آورد عادل شمرده میشود از هر چیزی که بشریعت موسی نتوانستید
۴۰ عادل شمرده شوید* پس احتیاط کنید مبادا آنچه در صحف انبیاء مکتوبست بر
۴۱ شما واقع شود* که ای حقیر شمارندکان ملاحظه کنید وتعجّب نمائید وهلاك شوید
زیراکه من عملیرا در ایّام شما پدید آرم عملیکه هرچند کسی شمارا ازآن اعلام نماید
۴۲ تصدیق نخواهید کرد* پس چون از کنیسه بیرون میرفتند خواهش نمودند که در
۴۳ سبت آینده هم این سخنانرا بدیشان باز کویند* وچون اهل کنیسه متفرّق شدند
بسیاری از یهودیان وجدیدانِ خدا پرست از عقب پولس وبَرْنابا افتادند وآن
۴۴ دو نفر بایشان سخن کفته ترغیب می نمودند که بفیض خدا ثابت باشید* امّا در
۴۵ سبت دیکر قریب بتمامئ شهر فراهم شدند تا کلام خدارا بشنوند* ولی چون یهود
ازدحام خلق‌را دیدند از حسد پُرکشتند وکفر کفته با سخنان پولس مخالفت کردند*
۴۶ آنکاه پولس وبَرْنابا دلیر شده کفتند واجب بود کلام خدا نخست بشما اِلقا شود
لیکن چون آنرا ردّ کردید وخودرا نا شایستهٔ حیات جاودانی شمردید همانا بسوی
۴۷ اُمّتها توجّه نمائیم* زیرا خداوند بما چنین امر فرمود که ترا نور امّتها ساختم تا الی
۴۸ اقصای زمین منشای نجات باشی* چون اُمّتها اینرا شنیدند شاد خاطر شده کلام
خداوندرا تمجید نمودند وآنانیکه برای حیات جاودانی مقرّر بودند ایمان آوردند*
۴۹ ۵۰ وکلام خدا در تمامِ آن نواحی منتشر کشت* امّا یهودیانْ چند زن دیندار ومتشخّص
واکابر شهررا بشورانیدند وایشانرا بزحمت رسانیدن بر پولس وبَرْنابا تحریض
۵۱ نموده ایشانرا از حدود خود بیرون کردند* وایشان خاك پایهای خودرا بر
۵۲ ایشان افشانده به ایقونیه آمدند* وشاکردان پُر از خوشی وروح القدس کردیدند*

باب چهاردهم

۱ امّا در ایقونیه ایشان با هم بکنیسهٔ یهود در آمدہ بنوعی سخن کفتند که جمعی کثیر
۲ از یهود و یونانیان ایمان آوردند* لیکن یهودیان بی ایمان دلهای امّتهارا اغوا
۳ نمودند وبا برادران بداندیش ساختند* پس مدّت مدیدی توقّف نموده بنام
خداوندیکه بکلام فیض خود شهادت میداد بدلیری سخن میکفتند واو آیات
٤ ومعجزات عطا میکرد که از دست ایشان ظاهر شود* ومردم شهر دو فرقه شدند
٥ کروهی همداستان یهود وجمعی با رسولان بودند* وچون اُمّتها ویهود با رؤسای
٦ خود بر ایشان هجوم می آوردند تا ایشانرا افتضاح نموده سنکسار کنند* آکاهی یافته
۷ بسوی لِسْتَرَه ودِرْبَه شهرهای لیکاؤنیه ودیار آن نواحی فرار کردند* ودر آنجا
۸ بشارت میدادند* ودر لِسْتَرَه مردی نشسته بود که پایهایش بی حرکت بود واز
۹ شکم مادر لنك متولّد شدہ هرکزراه نرفته بود* چون او سخن پولس‌را میشنید او
۱۰ بر وی نیك نکریسته دید که ایمان شفا یافتن‌را دارد* پس بآواز بلند بدو کفت
۱۱ بر پایهای خود راست بایست که در ساعت برجسته خرامان کردید* امّا خلق
چون این عمل پولس‌را دیدند صدای خودرا بزبان لیکاؤنیه بلند کرده کفتند
۱۲ خدایان بصورت انسان نزد ما نازل شدہ اند* پس برْنابارا مشتری وپولس‌را
۱۳ عطارَد خواندند زیرا که او در سخن کفتن مقدّم بود* پس کاهن مشتری که پیش
شهر ایشان بود کاوان وتاجها با کروههائی از خلق بدروازهها آورده خواست که
۱٤ قربانی کذراند* امّا چون آن دو رسول یعنی بَرْنابا وپولس شنیدند جامههای خودرا
۱٥ دریدہ درمیان مردم افتادند وندا کرده* کفتند ای مردمان چرا چنین میکنید
ما نیز انسان وصاحبان علّتها مانند شما هستیم وبشما بشارت میدهیم که از این اباطیل
رجوع کنید بسوی خدای حیّ که آسمان وزمین ودریا وآنچه‌را که در آنها است
۱٦ آفرید* که در طبقات سلف همهٔ اُمّتهارا واکذاشت که در طُرُق خود رفتار کنند*
۱۷ با وجودیکه خودرا بی شهادت نکذاشت چون احسان مینمود واز آسمان باران
بارانیدہ وفصول بارآور بخشیدہ دلهای مارا از خوراك وشادی پُر میساخت*
۱۸ وبدین سخنان خلق‌را از کذرانیدن قربانی برای ایشان بدشواری باز داشتند*

۱۹ امّا یهودیان از انطاکیّه وایقونیه آمده مردمرا با خود متّحد ساخته و پولس را
۲۰ سنکسار کرده از شهر بیرون کشیدند و پنداشتند که مرده است * امّا چون
شاکردان کِرْدِ او ایستادند برخاسته بشهر در آمد و فردای آنروز با بَرْنابا بسوی
۲۱ دِرْبَه روانه شد * و در آن شهر بشارت داده بسیاریرا شاکرد ساخته پس به لِسْتَرَه
۲۲ وایقونیه و اَنطاکیّه مراجعت کردند * و دلهای شاکردانرا تقویت داده پند
میدادند که در ایمان ثابت بمانند و اینکه با مصیبتهای بسیار میباید داخل ملکوت
۲۳ خدا کردیم * و در هر کلیسا بجههٔ ایشان کشیشان معیّن نمودند ودعا وروزه داشته
۲٤ ایشانرا بخداوندی که بدو ایمان آورده بودند سپردند * واز پیسیدیّه کذشته به
۲۵ ۲٦ پَمْفِلِیّه آمدند * و در پِرْجَه بکلام موعظه نمودند و به اَتالیّه فرود آمدند * واز آنجا
بکشتی سوار شده به اَنطاکیّه آمدند که از همانجا ایشانرا بفیض خدا سپرده بودند برای
۲۷ آنکاری که به انجام رسانیده بودند * وچون وارد شهر شدند کلیسا را جمع کرده
ایشانرا مطّلع ساختند از آنچه خدا با ایشان کرده بود وچکونه دروازهٔ ایمان را برای
۲۸ اُمّتها باز کرده بود * پس مدّت مدیدی با شاکردان بسر بردند *

باب پانزدهم

۱ وتنی چند از یهودیّه آمده برادرانرا تعلیم میدادند که اکر برحسب آئین موسی مختون
۲ نشوید ممکن نیست که نجات یابید * چون پولس وبَرْنابارا منازعه و مباحثهٔ بسیار
با ایشان واقع شد قرار بر این شد که پولس وبَرْنابا وچند نفر دیکر از ایشان نزد
۳ رسولان وکشیشان در اورشلیم برای این مسئله بروند * پس کلیسا ایشانرا مشایعت
نموده از فینیقیّهٔ وسامره عبور کرده ایمان آوردن اُمّتهارا بیان کردند وهمهٔ برادرانرا
٤ شادی عظیم دادند * وچون وارد اورشلیم شدند کلیسا ورسولان وکشیشان
۵ ایشانرا پذیرفتند وآنهارا از آنچه خدا با ایشان کرده بود خبر دادند * آنکاه بعضی
از فرقهٔ فریسیان که ایمان آورده بودند برخاسته کفتند اینهارا باید ختنه نمایند وامر
٦ کنند که سنن موسی را نکاه دارند * پس رسولان وکشیشان جمع شدند تا در این
۷ امر مصلحت بینند * وچون مباحثه سخت شد پطرس برخاسته بدیشان کفت ای
برادران عزیز شما آکاهید که از ایّام اوّل خدا ازمیان شما اختیار کرد که اُمّتها

۸ از زبان من کلام بشارترا بشنوند و ایمان آورند* وخدای عارف القلوب بر ایشان
۹ شهادت داد بدینکه روح القدس‌را بدیشان داد چنانکه بما نیز* ودرمیان ما
۱۰ وایشان هیچ فرق نگذاشت بلکه محضِ ایمان دلهای ایشانرا طاهر نمود* پس
اکنون چرا خدارا امتحان میکنید که یوغی برگردن شاگردان مینهید که پدران ما وما
۱۱ نیز طاقت تحمّل آنرا نداشتیم* بلکه اعتقاد داریم که محضِ فیضِ خداوند عیسی
۱۲ مسیح نجات خواهیم یافت همچنانکه ایشان نیز* پس تمام جماعت ساکت شده ببَرنابا
وپولس گوش گرفتند چون آیات ومعجزاترا بیان میکردند که خدا درمیان اُمّتها
۱۳ بوساطت ایشان ظاهر ساخته بود* پس چون ایشان ساکت شدند یعقوب رو
۱٤ آورده گفت ای برادران عزیز مرا گوش گیرید* شمعون بیان کرده است که
۱۵ چگونه خدا اوّل اُمّتهارا تفقّد نمود تا قومی از ایشان بنام خود بگیرد* وکلام انبیاء
۱٦ دراینْ مطابق است چنانکه مکتوب است* که بعد از این رجوع نموده خیمهٔ
داودرا که افتاده است باز بنا می کنم وخرابیهای آنرا باز بنا میکنم وآنرا برپا خواهم
۱۷ کرد* تا بقیّهٔ مردم طالب خداوند شوند وجمیع اُمّتهائیکه برآنها نام من نهاده شده
۱۸ ۱۹ است* اینرا میگوید خداوندیکه این چیزهارا ازبدوِ عالم معلوم کرده است* پس
رای من این است کسانیرا که از اُمّتها بسوی خدا بازگشت میکنند زحمت نرسانیم*
۲۰ مگراینکه ایشانرا حکم کنیم که ازنجاسات بتها وزنا وحیوانات خفه شده وخون
۲۱ بپرهیزند* زیراکه موسی ازطبقات سلف در هر شهر اشخاصی دارد که بدو موعظه
۲۲ میکنند چنانکه در هر سبت در کنایسْ اورا تلاوت میکنند* آنگاه رسولان
وکشیشان با تمامیٔ کلیسا بدین رضا دادند که چند نفر ازمیان خود انتخاب نموده
همراه پولس وبرنابا به انطاکیّه بفرستند یعنی یهودای ملقّب به برسابا وسیلاس که از
۲۳ پیشوایان برادران بودند* وبدست ایشان نوشتند که رسولان وکشیشان وبرادرانْ
۲٤ ببرادرانِ از اُمّتها که در انطاکیّه وسوریّه وقیلیقیّه میباشند سلام میرسانند* چون
شنیده شد که بعضی ازمیان ما بیرون رفته شمارا بسخنان خود مشوّش ساخته دلهای
شمارا منقلب مینمایند ومیگویند که میباید مختون شده شریعت را نگاه بدارید وما
۲۵ بایشان هیچ امرنکردیم* لهذا ما بیك دل مصلحت دیدیم که چند نفررا اختیار نموده
۲٦ همراه عزیزان خود برنابا وپولس بنزد شما بفرستیم* اشخاصیکه جانهای خودرا در

٢٧ راه نام خداوند ما عیسی مسیح تسلیم کرده اند* پس یهودا و سیلاس را فرستادیم
٢٨ وایشان شمارا از این امور زبانی خواهند آکاهانید* زیرا که روح القدس وما
٢٩ صواب دیدیم که باری برشما ننهیم جز این ضروریّات* که از قربانیهای بتها وخون
وحیوانات خفه شده وزنا بپرهیزید که هرکاه از این امور خودرا محفوظ دارید به
٣٠ نیکوئی خواهید پرداخت والسّلام* پس ایشان مرخّص شده به اَنطاکیّه آمدند
٣١ وجماعترا فراهم آورده نامه‌را رسانیدند* چون مطالعه کردند از این تسلّی شاد
٣٢ خاطر کشتند* ویهودا وسیلاس چونکه ایشان هم نبیّ بودند برادرانرا بسخنان بسیار
٣٣ نصیحت وتقویت نمودند* پس چون مدّتی در آنجا بسر بردند بسلامتی از برادران
٣٤ رخصت کرفته بسوی فرستندکان خود توجّه نمودند* امّا پولس وبرنابا در اَنطاکیّه
٣٥ توقّف نموده* با بسیاری دیکر تعلیم وبشارت بکلام خدا میدادند*
٣٦ وبعد از ایّام چند پولس به برنابا کفت بر کردیم وبرادرانرا در هر شهریکه در انها
٣٧ بکلام خداوند اعلام نمودیم دیدن کنیم که چکونه میباشند* امّا برنابا چنان مصلحت
٣٨ دید که یوحنّای ملقّب بمرقس‌را همراه نیزبردارد* لیکن پولس چنین صلاح دانست
که شخصی‌را که از پَمفلیّه از ایشان جدا شده بود وبا ایشان درکار همراهی نکرده بود
٣٩ با خود نبرد* پس نزاعی سخت شد بحدّیکه از یکدیکر جدا شده برنابا مرقس را
٤٠ برداشته بقِپرُس از راه دریا رفت* امّا پولس سیلاس را اختیار کرد واز برادران
٤١ بفیض خداوند سپرده شده رو بسفر نهاد* واز سوریّه وقیلیقیّه عبور کرده کلیساهارا
استوار مینمود*

باب شانزدهم

١ وبه دِربَهْ ولِستَرَه آمد که اینك شاکردی تیموتاؤس نام آنجا بود پسر زن یهودیّهٔ
٢ مؤمنه لیکن پدرش یونانی بود* که برادران در لِستَرَه وایقونیّه بر او شهادت
٣ میدادند* چون پولس خواست اوهمراه وی بیاید اورا کرفته مختون ساخت بسبب
٤ یهودیانیکه در آن نواحی بودند زیرا که همه پدرش‌را میشناختند که یونانی بود* ودر
هرشهری که میکشتند قانونهارا که رسولان وکشیشان دراورشلیم حکم فرموده بودند
٥ بدیشان میسپردند تا حفظ نمایند* پس کلیساها در ایمان استوار میشدند وروز
٦ بروز درشماره افزوده میکشتند* وچون از فرِیجیّه ودیار غَلاطیّه عبور کردند

٧ روح القدس ایشانرا ازرسانیدن کلام بآسیا منع نمود * پس بِمیسیا آمده سعی نمودند
٨ که به بَطِینیا بروند لیکن روح عیسی ایشان را اجازت نداد * واز مِیسِیا کذشته به
٩ تَرْواس رسیدند * شبی پولس را رویائی رخ نمود که شخصی از اهل مَکادُونیه ایستاده
١٠ بدو التماس نموده کفت بمَکادُونیه آمده مارا امداد فرما * چون این رؤیارا دید بی
درنك عازم سفر مکادْونیه شدیم زیرا بیقین دانستیم که خداوند مارا خوانده است
١١ تا بشارت بدیشان رسانیم * پس از تَرْواس بکشتی نشسته براه مستقیم به ساموتراکی
١٢ رفتیم وروز دیکر به نیاپولیس * واز آنجا به فیلِپّی رفتیم که شهر اوّل از سرحدّ
١٣ مَکادُونیه وکَلُونیه است ودر آن شهر چند روز توقّف نمودیم * ودر روز سبت از
شهر بیرون شده وبکنار رودخانه جائیکه نماز میکذاردند نشسته با زنانیکه درانجا جمع
١٤ میشدند سخن راندیم * وزنی لیدیه نام ارغوان فروش که ازشهر طیاتیرا وخدا پرست
١٥ بود میشنید که خداوند دل اورا کشود تا سخنان پولس را بشنود * وچون او واهل
خانه‌اش تعمید یافتند خواهش نموده کفت اکر شمارا یقین است که بخداوند ایمان
١٦ آوردم بخانهٔ من در آمده بمانید ومارا الحاح نمود * وواقع شد که چون ما بمحلّ نماز
میرفتیم کنیزیکه روح تفاؤل داشت واز غیب کوئی منافع بسیار برای آقایان خود پیدا
١٧ مینمود بما برخورد * واز عقب پولس وما آمده ندا کرده میکفت که این مردمان
١٨ خدّام خدای تعالی میباشند که شمارا ازطریق نجات اعلام مینمایند * وچون این کاررا
روزهای بسیار میکرد پولس دل تنك شده برکشت وبروح کفت ترا میفرمایم بنام
١٩ عیسی مسیح ازین دختر بیرون بیا که در ساعت از او بیرون شد * امّا چون
اقایانش دیدند که از کسب خود مأیوس شدند پولس وسیلاس را کرفته در بازار
٢٠ نزد حکّام کشیدند * وایشانرا نزد والیان حاضر ساخته کفتند این دو شخص شهر
٢١ مارا بشورش آورده‌اند واز یهود هستند * ورسومیرا اعلام مینمایند که پذیرفتن وبجا
٢٢ آوردن آنها برما که رومیان هستیم جایز نیست * پس خلق برایشان هجوم آوردند
٢٣ ووالیان جامه‌های ایشانرا کنده فرمودند ایشانرا چوب بزنند * وچون ایشانرا
چوب بسیار زدند بزندان افکندند وداروغهٔ زندانرا تاکید فرمودند که ایشانرا محکم
٢٤ نکاه دارد * وچون او بدین طور امر یافت ایشانرا بزندان درونی انداخت وپایهای
٢٥ ایشانرا د کُنده مضبوط کرد * امّا قریب به نصف شب پولس وسیلاس دعا کرده

۲۶ خدارا تسبیح میخواندند و زندانیان ایشانرا میشنیدند * که ناکاه زلزلهٔ عظیم حادث
کشت بحدّیکه بنیاد زندان بجنبش در آمد و دفعةً همهٔ درها باز شد وزنجیرها از همه
۲۷ فرو ریخت * امّا داروغه بیدار شده چون درهای زندانرا کشوده دید شمشیر خودرا
۲۸ کشیده خواست خودرا بکشد زیرا کمان برد که زندانیان فرارکرده اند * امّا پولس
۲۹ باواز بلند صدا زده کفت خودرا ضرری مرسان زیراکه ما همه دراینجا هستیم * پس
چراغ طلب نموده به اندرون جست ولرزان شده نزد پولس وسیلاس افتاد *
۳۰ ۳۱ وایشانرا بیرون آورده کفت ای آقایان مرا چه باید کرد تا نجات یابم * کفتند
۳۲ بخداوند عیسی مسیح ایمان آور که تو واهل خانه‌ات نجات خواهید یافت * آنکاه
۳۳ کلام خداوندرا برای او وتمامئ اهل بیتش بیان کردند * پس ایشانرا برداشته در
همان ساعت شب زخمهای ایشانرا شست وخود وهمهٔ کسانش فی‌الفور تعمید یافتند *
۳۴ وایشانرا بخانهٔ خود در آورده خوانی پیش ایشان نهاد وبا تمامئ عیال خود بخدا ایمان
۳۵ آورده شاد کردیدند * امّا چون روز شد والیان فرّاشان فرستاده کفتند آن دو
۳۶ شخص را رها نما * آنکاه داروغه پولس را از این سخنان آکاهانید که والیان
۳۷ فرستاده‌اند تا رستکار شوید پس الآن بیرون آمده بسلامتی روانه شوید * لیکن
پولس بدیشان کفت مارا که مردمان رومی میباشیم آشکارا وبی حجّت زده بزندان
انداختند. آیا الآن مارا به پنهانی بیرون مینمایند. نیْ بلکه خود آمده مارا بیرون
۳۸ بیاورند * پس فرّاشان این سخنانرا بوالیان کفتند وچون شنیدند که رومی هستند
۳۹ بترسیدند * وآمده بدیشان التماس نموده بیرون آوردند وخواهش کردند که از شهر
۴۰ بروند * آنکاه از زندان بیرون آمده بخانهٔ لِیدِیَه شتافتند وبا برادران ملاقات
نموده وایشانرا نصیحت کرده روانه شدند *

باب هفدهم

۱ واز اَمْفِیپولِسْ واَپُلُّونِیه کذشته به تَسالونیکی رسیدند که در آنجا کنیسهٔ یهود بود *
۲ پس پولس برحسب عادت خود نزد ایشان داخل شده در سه سبت با ایشان از
۳ کتاب مباحثه میکرد * وواضح ومبیّن میساخت که لازم بود مسیح زحمت بیند واز
۴ مردکان برخیزد وعیسیٔ که خبر اورا به شما میدهم این مسیح است * وبعضی ازایشان

قبول کردند وبا پولس وسیلاس متّحد شدند واز یونانیانِ خدا ترس کروهی عظیم
۵ واز زنان شریف عددی کثیر * امّا یهودیانِ بی ایمان حسد برده چند نفر اشرار از
بازاریهارا برداشته خلق را جمع کرده شهر را بشورش آوردند وبخانهٔ یاسون تاخته
۶ خواستند ایشانرا درمیان مردم ببرند * وچون ایشانرا نیافتند یاسون وچند برادررا
نزد حکّام شهرکشیدند وندا میکردند که آنانیکه ربع مسکونرا شورانیده‌اند حال بدینجا
۷ نیزآمده اند * ویاسون ایشانرا پذیرفته است وهمهٔ اینها برخلاف احکام قیصر
۸ عمل میکنند وقایل براین هستند که پادشاهی دیکرهست یعنی عیسی * پس خلق
۹ وحکّام شهررا ازشنیدن این سخنان مضطرب ساختند * واز یاسون ودیکران
۱۰ کفالت کرفته ایشانرا رها کردند * امّا برادران بیدرنك درشب پولس وسیلاس را
۱۱ بسوی بیریه روانه کردند وایشان بدانجا رسیده بکنیسهٔ یهود درآمدند * واینها از
اهل تسالونیکی نجیب تر بودند چونکه درکمال رضامندی کلام را پذیرفتند وهر
۱۲ روز کتب را تفتیش مینمودند که آیا این همچنین است * پس بسیاری از ایشان
۱۳ ایمان آوردند واز زنان شریف یونانیه واز مردان جمعی عظیم * لیکن چون یهودیان
تسالونیکی فهمیدند که پولس دربیریه نیز بکلام خدا موعظه میکند درآنجا هم رفته
۱۴ خلق را شورانیدند * درساعت برادران پولس را بسوی دریا روانه کردند ولی
۱۵ سیلاس با تیموتاؤس درآنجا توقّف نمودند * ورهنمایانِ پولس اورا به اَطینا آوردند
وحکم برای سیلاس وتیموتاؤس کرفته که بزودی هرچه تمامتر بنزد اوآیند روانه
۱۶ شدند * امّا چون پولس دراَطینا انتظار ایشانرا می کشید روح او دراندرونش
۱۷ مضطرب کشت چون دید که شهر از بتها پراست * پس درکنیسه با یهودیان
۱۸ وخدا پرستان ودر بازار هر روزه با هرکه ملاقات می کرد مباحثه مینمود * امّا
بعضی از فلاسفهٔ اپیکوریّین ورواقیین با او رو برو شده بعضی میکفتند این یاوه کو
چه میخواهد بکوید ودیکران کفتند ظاهراً واعظ بخدایان غریب است زیراکه
۱۹ ایشانرا به عیسی وقیامت بشارت میداد * پس اورا کرفته بکوه مرّیخ بردند وکفتند
۲۰ آیا میتوانیم یافت که این تعلیم تازهٔ که تو میکوئی چیست * چونکه سخنان غریب
۲۱ بکوش ما میرسانی پس میخواهیم بدانیم از اینها چه مقصود است * امّا جمیع اهل
اَطینا وغربائی ساکن آنجا جز برای کفت وشنید در بارهٔ چیزهای تازه فراغتی

٢٢ نمیداشتند * پس پولس در وسط کوه مرّیخ ایستاده کفت ای مردانِ اَطینا شمارا
٢٣ از هر جهة بسیار دیندار یافته ام * زیرا چون سیر کرده معابد شمارا نظاره مینمودم
مذبحی یافتم که بر آن نام خدای نا شناخته نوشته بود پس آنچه را شما نا شناخته
٢٤ میپرستید من به شما اعلام مینمایم * خدائیکه جهان و آنچه در آنست آفرید چونکه او
٢٥ مالك آسمان و زمین است در هیکلهای ساخته شده بدستها ساکن نمیباشد * واز
دست مردم خدمت کرده نمیشود که کویا محتاج چیزی باشد بلکه خود بهمکان
٢٦ حیات و نَفَس و جمیع چیزها می بخشد * و هر امّت انسانرا از یك خون ساخت
تا بر تمامئ روی زمین مسکن کیرند و زمانهای معیّن و حدود مسکنهای ایشانرا
٢٧ مقرّر فرمود * تا خدارا طلب کنند که شاید اورا تفحّص کرده بیابند با آنکه از
٢٨ هیچ یکی از ما دور نیست * زیرا که در او زندکی و حرکت و وجود داریم چنانکه
٢٩ بعضی از شعرای شما نیز کفته اند که از نسل او میباشیم * پس چون از نسل خدا
میباشیم نشاید کمان برد که الوهیّت شباهت دارد بطلا یا نقره یا سنك منقوش
٣٠ بصنعت یا مهارت انسان * پس خدا از زمانهای جهالت چشم پوشیده الآن تمام
٣١ خلق‌را در هر جا حکم میفرماید که توبه کنند * زیرا روزیرا مقرّر فرمود که در آن
ربع مسکون را به انصاف داوری خواهد نمود بآن مردی که معیّن فرمود و همه را
٣٢ دلیل داد باینکه اورا از مردکان برخیزانید * چون ذکر قیامت مردکان شنیدند
بعضی استهزاء نمودند و بعضی کفتند مرتبهٔ دیکر در این امر از تو خواهیم شنید *
٣٣ ٣٤ وهمچنین پولس ازمیان ایشان بیرون رفت * لیکن چند نفر بدو پیوسته ایمان آوردند
که ازجملهٔ ایشان دِیُونیسِیوس آریوپاغی بود وزنی که دامَرِس نام داشت و بعضی
دیکر با ایشان *

باب هجدهم

١ ٢ وبعد از آن پولس از اَطینا روانه شده به قُرِنْتُس آمد * ومرد یهودی اَکِیلا
نام‌را که مولدش پنْطُس بود واز اِیطالیا تازه رسیده بود وزنش پَرِسْکِلَّه‌را یافت
زیرا کَلُودِیُوس فرمان داده بود که همهٔ یهودیان از روم بروند پس نزد ایشان
٣ امد * وچونکه با ایشان هم پیشه بود نزد ایشان مانده بکار مشغول شد وکسب
٤ ایشان خیمه دوزی بود * و هر سبت در کنیسه مکالمه کرده یهودیان و یونانیانرا

۵ مجاب میساخت* امّا چون سِیلاس و تِیمُوتاوُس از مَکادونیه آمدند پولس در
۶ روح مجبور شده برای یهودیان شهادت میداد که عیسی مسیح است* ولی چون
ایشان مخالفت نموده کفر می کفتند دامن خودرا برایشان افشانده کفت خون شما
۷ برسر شما است من بری هستم بعد از این بنزد اُمّتها میروم* پس از آنجا نقل کرده
۸ بخانهٔ شخصی یُوسْتُس نام خدا پرست آمد که خانهٔ او متّصل بکنیسه بود* امّا
کَرِسْپُس رئیس کنیسه با تمامئ اهل بینش بخداوند ایمان آوردند وبسیاری از اهل
۹ قُرِنْتُس چون شنیدند ایمان آورده تعمید یافتند* شبی خداوند در رؤیا به پولس
۱۰ کفت ترسان مباش بلکه سخن بکو وخاموش مباش* زیراکه من با تو هستم وهیچکس
۱۱ ترا اذیّت نخواهد رسانید زیراکه مرا در این شهر خلقِ بسیار است* پس مدّت
۱۲ یکسال وشش ماه توقّف نموده ایشانرا بکلام خدا تعلیم میداد* امّا چون غالیون
والئ اَخائیّه بود یهودیان یکدل شده بر سر پولس تاخته اورا پیش مسند حاکم
۱۳ بردند* وکفتند این شخص مردمرا اغوا میکند که خدارا برخلاف شریعت عبادت
۱۴ کنند* چون پولس خواست حرف زند غالیون کفت ای یهودیان اکر ظلمی یا
۱۵ فسقی فاحش میبود هرآینه شرط عقل میبود که متحمّل شما بشوم* ولی چون
مسئله ایست در بارهٔ سخنان ونامها وشریعت شما پس خود بفهمید من در چنین
۱۶ ۱۷ امور نمیخواهم داوری کنم* پس ایشانرا از پیش مسند براند* وهمه سوستانیس
رئیس کنیسه را کرفته اورا در مقابل مسند والی بزدند وغالیونرا از این امور هیچ
۱۸ پروا نبود* امّا پولس بعد از آن روزهای بسیار در آنجا توقّف نمود پس برادرانرا
وداع نموده به سوریه از راه دریا رفت وپَرِسْکِلّه واکیلا همراه او رفتند ودر
۱۹ کَنخْرِیه موی خودرا چید چونکه نذر کرده بود* وچون به اَفَسُسْ رسید آن دو
۲۰ نفررا در آنجا رها کرده خود بکنیسه در آمده با یهودیان مباحثه نمود* وچون
۲۱ ایشان خواهش نمودند که مدّتی با ایشان بماند قبول نکرد* بلکه ایشانرا وداع
کرده کفت که مرا بهرصورت باید عید آینده را در اورشلیم صرف کنم لیکن اکر
۲۲ خدا بخواهد باز بنزد شما خواهم برکشت پس از اَفَسُسْ روانه شد* وبقیصریّه
۲۳ فرود امده (به اورشلیم) رفت وکلیسارا تحیّت نموده باَنطاکیّه آمد* ومدّتی
در آنجا مانده باز بسفر توجّه نمود ودر مُلك غَلاطیّه وفَرِیجیّه جا بجا میکشت

۲۴ وهمهٔ شاکردانرا استوار می نمود* امّا شخصی یهود اَپُلُّس نام از اهل اِسْکَنْدَرِیّه که
۲۵ مردی فصیح ودر کتاب توانا بود به اَفَسُس رسید* او در طریق خداوند تربیت
یافته ودر روح سرکرم بوده در بارهٔ خداوند بدقّت تکلّم وتعلیم مینمود هرچند
۲۶ جز از تعمید یحیی اطّلاعی نداشت* همان شخص در کنیسه بدلیری سخن آغاز کرد
امّا چون پَرِسْکلّه واکیلا اورا شنیدند نزد خود آوردند و بدقّتِ تمام طریق خدارا
۲۷ بدو آموختند* پس چون او عزیمت سفر اَخائیّه کرد برادران اورا ترغیب نموده
بشاکردان سفارش نامهٔ نوشتند که اورا به پذیرند وچون بدانجا رسید آنانیرا که
۲۸ بوسیلهٔ فیض ایمان آورده بودند اعانت بسیار نمود* زیرا بقوّتِ تمام بر یهود اقامهٔ
حجّت میکرد واز کتب ثابت مینمود که عیسی مسیح است*

باب نوزدهم

۱ وچون اَپُلّس درقرِنْتُس بود پولس در نواحیٔ بالا کردش کرده به اَفَسُسْ رسید
۲ ودرآنجا شاکردِ چند یافته* بدیشان کفت آیا هنکامیکه ایمان آوردید روح القدس‌را
۳ یافتید. بوی کفتند بلکه نشنیدیم که روح القدس هست* بدیشان کفت پس
۴ بچه چیز تعمید یافتید. کفتند بتعمید یحیی* پولس کفت یحیی البتّه تعمید توبه
میداد وبقوم میکفت بآنکسی که بعد از من میآید ایمان بیاورید یعنی بمسیح عیسی*
۵ ۶ چون اینرا شنیدند بنام خداوند عیسی تعمید کرفتند* وچون پولس دست بر
ایشان نهاد روح القدس بر ایشان نازل شد وبزبانها متکلّم کشته نبوّت کردند*
۷ ۸ وجملهٔ آن مردمان تخمیناً دوازده نفر بودند* پس بکنیسه درآمده مدّت سه ماه
بدلیری سخن میراند ودر امور ملکوت خدا مباحثه مینمود وبرهان قاطع میآورد*
۹ امّا چون بعضی سخت دل کشته ایمان نیاوردند وپیش روی خلق طریقت‌را بد
میکفتند از ایشان کناره کزیده شاکردانرا جدا ساخت وهر روزه درمدرسهٔ شخصی
۱۰ طیرانُس نام مباحثه مینمود* وبدین طور دو سال کذشت بقسمیکه تمامیٔ اهل
۱۱ آسیا چه یهود وچه یونانی کلام خداوند عیسی را شنیدند* وخداوند از دست
۱۲ پولس معجزات غیر معتاد بظهور میرسانید* بطوریکه از بدن او دستمالها وفوطها
برده بر مریضان میکذاردند وامراض از ایشان زایل میشد وارواح پلید از ایشان

۱۳ اخراج میشدند* لیکن تنی چند از یهودیان سیّاح عزیمه خوان برآنانیکه ارواح پلید
داشتند نام خداوند عیسی را خواندن گرفتند ومیگفتند شمارا به آن عیسی که پولس
۱٤ باو موعظه میکند قَسم میدهیم* وهفت نفر پسران اِسْکیواء رئیس کَهَنَهٔ یهود این
۱۵ کار میکردند* امّا روح خبیث درجواب ایشان گفت عیسی را می شناسم
۱٦ وپولُس را میدانم لیکن شما کیستید* وآن مرد که روح پلید داشت برایشان
جست وبرایشان زوراور شده غلبه یافت بحدّیکه از آن خانه عریان ومجروح فرار
۱۷ کردند* چون این واقعه برجمیع یهودیان ویونانیانِ ساکن اَفَسُس مشهورگردید
۱۸ خوف بر همهٔ ایشان طاری گشته نام خداوند عیسی را مکرّم میداشتند* وبسیاری
از آنانیکه ایمان آورده بودند آمدند وبه اعمال خود اعتراف کرده آنهارا فاش می
۱۹ نمودند* وجمعی از شعبده بازان کتب خویش‌را آورده در حضور خلق سوزانیدند
۲۰ وچون قیمت آنهارا حساب کردند پنجاه هزار درهم بود* بدین طور کلام
۲۱ خداوند ترقّی کرده قوّت میگرفت* وبعد از تمام شدن این مقدّمات پولس در
روح عزیمت کرد که از مَکادونیه واَخائیه گذشته باورشلیم برود وگفت بعد از رفتنم
۲۲ بآنجا رُوم را نیز باید دید* پس دو نفر از ملازمان خود یعنی تیموتاؤس
۲۳ واَرَسْطوس‌را بمکادونیه روانه کرد وخود درآسیا چندی توقّف نمود* درآن
۲٤ زمان هنگامهٔ عظیم دربارهٔ طریقت برپا شد* زیرا شخصی دیمتریوس نام زرگرکه
تصاویر بتکدهٔ اَرْطامیس از نقره میساخت وبجهة صنعتگران نفع خطیر پیدا مینمود
۲۵ ایشانرا ودیگرانیکه درچنین پیشه اشتغال میداشتند* فراهم آورده گفت ای
۲٦ مردمان شما آگاه هستید که از این شغل فراخئ رزق ما است* ودیده وشنیده اید
که نه تنها در اَفَسُسْ بلکه تقریبًا در تمام آسیا این پولُس خلق بسیاریرا اغوا نموده
منحرف ساخته است ومیگوید اینهائیکه بدستها ساخته میشوند خدایان نیستند*
۲۷ پس خطر است که نه فقط کسب ما ازمیان رود بلکه این هیکل خدای عظیم
اَرطامیس نیز حقیر شمرده شود وعظمت وی که تمام آسیا وربع مسکون اورا
۲۸ میپرستند برطرف شود* چون اینرا شنیدند از خشم پرگشته فریاد کرده میگفتند
۲۹ که بزرگست اَرْطامیس اَفَسُسِیان* وتمامئ شهر بشورش آمده همه متّفقًا بتماشاخانه
تاختند وغایوس وآرِسْتَرْخُس را که ازاهل مَکادونیه وهمراهان پولس بودند با

۳۰ خود میکشیدند * امّا چون پولُس اراده نمود که بمیان مردم در آید شاگردان اورا
۳۱ نگذاشتند * وبعضی از رؤسای آسیا که اورا دوست میداشتند نزد او فرستاده
۳۲ خواهش نمودند که خودرا بتماشاخانه نسپارد * وهر یکی صدائی علیحده میکردند
۳۳ زیرا که جماعت آشفته بود واکثر نمیدانستند که برای چه جمع شده اند * پس
اِسْکَنْدَررا از میان خلق کشیدند که یهودیان اورا پیش انداختند واِسْکَنْدَر بدست
۳٤ خود اشاره کرده خواست برای خود پیش مردم حجّت بیاورد * لیکن چون
دانستند که یهودی است همه بیك آواز قریب بدو ساعت ندا میکردند که بزرگ
۳۵ است اَرطامیس اَفَسُسِیان * پس ازآن مستوفئ شهر خلق‌را ساکت کردانیده کفت
ایمردانِ اَفَسُسی کیست که نمیداند که شهر اَفَسُسِیان ارطامیس خدای عظیم وآن
۳٦ صنمی‌را که از مشتری نازل شد پرستش میکند * پس چون این اموررا نتوان
۳۷ انکار کرد شما میباید آرام باشید وهیچ کاری بتعجیل نکنید * زیراکه این اشخاص‌را
۳۸ آوردید که نه تاراج کنندکان هیکل اند ونه بخدای شما بد کفته اند * پس هرکاه
دیمتریوس وهمکاران وی ادّعائی برکسی دارند ایّام قضا مقرّر است وداوران
۳۹ معیّن هستند با همدیکر مرافعه باید کرد * واکر در امری دیکر طالب چیزی
٤۰ باشید در محکمهٔ شرعی فیصل خواهد پذیرفت * زیرا در خطریم که در خصوص
فتنهٔ امروز از ما باز خواست شود چونکه هیچ علّتی نیست که در بارهٔ آن عذری
٤۱ برای این ازدحام توانیم آورد * اینرا کفته جماعترا متفرّق ساخت *

باب بیستم

۱ وبعد از تمام شدن این هنکامه پولُس شاکردانرا طلبیده ایشانرا وداع نمود وبسمت
۲ مَکادونیه روانه شد * ودرآن نواحی سیر کرده اهل آنجارا نصیحت بسیار نمود
۳ وبه یونانستان آمد * وسه ماه توقّف نمود وچون عزم سفر سوریه کرد ویهودیان
٤ درکمین وی بودند اراده نمود که از راه مَکادونیه مراجعت کند * وسوپاتِرُسْ
از اهل بیریه واَرِسْتَرْخُس وسَکُنْدُس از اهل تَسالونیکی وغایوس از دِرْبَه
۵ وتیموتاؤس واز مردم آسیا تیخیکس وتَرُوفیمُس تا به آسیا همراه او رفتند * وایشان
٦ پیش رفته در تَرْواس منتظر ما شدند * وامّا ما بعد از ایّام فطیر از فیلِپی بکشتی

سوار شدیم وبعد از پنج روز به تَرْواس نزد ایشان رسیده در آنجا هفت روز ماندیم*
٧ ودر اوّل هفته چون شاکردان بجهة شکستن نان جمع شدند وپولُس در فردای
آن روز عازم سفر بود برای ایشان موعظه میکرد وسخن او تا نصف شب طول
٨ ٩ کشید* ودر بالاخانهٔ که جمع بودیم چراغِ بسیار بود* ناکاه جوانیکه اَفْتیخُس نام
داشت نزد دریچه نشسته بود که خواب سنکین اورا در ربود وچون پولُس کلامرا
طول میداد خواب بر او مستولی کشته از طبقهٔ سیّم بزیر افتاد واورا مرده
١٠ برداشتند* آنکاه پولُس بزیر آمده بر او افتاد وویرا در آغوش کشیده کفت
١١ مضطرب مباشید زیرا که جان او در اوست* پس بالا رفته ونانرا شکسته خورد
١٢ وتا طلوع فجر کفتکوی بسیار کرده همچنین روانه شد* وآن جوانرا زنده بردند
١٣ وتسلّئ عظیم پذیرفتند* امّا ما بکشتی سوار شده به اَسوس پیش رفتیم که از آنجا
میبایست پولُس‌را برداریم که بدین طور قرار داد زیرا خواست تا آنجا پیاده رود*
١٤ ١٥ پس چون در اَسوس اورا ملاقات کردیم اورا برداشته به مِتیلینی آمدیم* واز آنجا
بدریا کوچ کرده روز دیکر بمقابل خَیوس رسیدیم وروز سیّم به ساموس وارد شدیم
١٦ ودر تَرُوجیلیون توقّف نموده روز دیکر وارد میلیتُس شدیم* زیرا که پولُس
عزیمت داشت که از محاذئ اَفَسُسْ بکذرد مبادا اورا در آسیا درنکی پیدا شود
١٧ چونکه تعجیل میکرد که اکر ممکن شود تا روز پَنطیکاست باورشلیم برسد* پس
١٨ از میلیتُس به اَفَسُسْ فرستاده کشیشان کلیسارا طلبید* وچون بنزدش حاضر
شدند ایشانرا کفت بر شما معلوم است که از روز اوّل که وارد آسیا شدم چه طور
١٩ هر وقت با شما بسر میبردم* که با کمال فروتنی واشکهای بسیار وامتحانهائی که
٢٠ از مکاید یهود بر من عارض میشد بخدمت خداوند مشغول میبودم* وچکونه
چیزیرا از آنچه برای شما مفید باشد دریغ نداشتم بلکه آشکارا وخانه بخانه شمارا
٢١ اخبار وتعلیم مینمودم* وبیهودیان ویونانیان نیز از توبه بسوی خدا وایمانِ
٢٢ بخداوند ما عیسی مسیح شهادت میدادم* واینک الآن در روح بسته شده باورشلیم
٢٣ میروم واز آنچه در آنجا بر من واقع خواهد شد اطّلاعی ندارم* جز اینکه روح
القدس در هر شهر شهادت داده میکوید که بندها وزحمات برایم مهیّا است*
٢٤ لیکن این چیزهارا بهیچ می شمارم بلکه جان خودرا عزیز نمیدارم تا دَور خودرا

بخوشی به انجام رسانم وآن خدمتیرا که از خداوند عیسی یافته‌ام که به بشارت فیض
٢٥ خدا شهادت دهم* والحال اینرا میدانم که جمیع شما که درمیان شما کشته وبملکوت
٢٦ خدا موعظه کرده‌ام دیکر روی مرا نخواهید دید* پس امروز ازشما کواهی میطلبم
٢٧ که من از خون همه بری هستم* زیراکه از اعلام نمودن شما بتمامئ ارادهٔ خدا کوتاهی
٢٨ نکردم* پس نکاه دارید خویشتن و تمامئ آن کله‌را که روح القدس شمارا بر آن
اُسْقُف مقرّر فرمود تا کلیسای خدارا رعایت کنید که آنرا بخون خود خریده است*
٢٩ زیرا من میدانم که بعد از رحلت من کرکان درنده بمیان شما در خواهند آمد که بر
٣٠ کله ترحّم نخواهند نمود* وازمیان خودِ شما مردمانی خواهند برخاست که سخنان کج
٣١ خواهند کفت تا شاکردانرا در عقب خود بکشند* لهذا بیدار باشید وبیاد آورید
که مدّت سه سال شبانه روز از تنبیه نمودن هر یکی از شما با اشکها باز نه ایستادم*
٣٢ والحال ای برادران شمارا بخدا وبکلام فیض او میسپارم که قادر است شمارا بنا
٣٣ کند ودرمیان جمیع مقدّسین شمارا میراث بخشد* نقره یا طلا یا لباس کسیرا طمع
٣٤ نورزیدم* بلکه خود میدانید که همین دستها در رفع احتیاج خود ورفقایم خدمت
٣٥ میکرد* این همه‌را بشما نمودم که میباید چنین مشقّت کشیده ضعفارا دستکیری
نمائید وکلام خداوند عیسی‌را بخاطر دارید که او کفت دادن از کرفتن فرخنده
٣٦ ٣٧ تر است* این بکفت وزانو زده با همکئ ایشان دعا کرد* وهمه کریهٔ بسیار
٣٨ کردند وبر کردن پولس آویخته اورا میبوسیدند* وبسیار متألّم شدند خصوصاً
بجهة آن سخنی که کفت بعد از این روی مرا نخواهید دید* پس اورا تا بکشتی
مشایعت نمودند*

باب بیست ویکم

١ وچون از ایشان هجرت نمودیم سفر دریا کردیم وبراه راست بکُوس آمدیم وروز
٢ دیکر برُودَس واز آنجا به پاتَرَا* وچون کشتئ یافتیم که عازم فینیقیّه بود بر آن
٣ سوار شده کوچ کردیم* وقِپْرُس‌را بنظر آورده آنرا بطرف چپ رها کرده بسوی
سُوریه رفتیم ودر صُور فرود آمدیم زیرا که در آنجا می بایست بار کشتی‌را فرود
٤ آورند* پس شاکردی چند پیدا کرده هفت روز در آنجا ماندیم وایشان به الهام
٥ روح به پولُس کفتند که باورشلیم نرود* وچون آنروزهارا بسر بردیم روانه کشتیم

وهمه با زنان واطفال تا بیرون شهر مارا مشایعت نمودند وبکنارهٔ دریا زانو زده
٦ دعا کردیم * پس یکدیکررا وداع کرده بکشتی سوار شدیم وایشان بخانه‌های خود
۷ برکشتند * وما سفر دریارا به انجام رسانیده از صُور به پَتُولامِیس رسیدیم وبرادرانرا
۸ سلام کرده با ایشان یکروز ماندیم * در فردای آنروز از آنجا روانه شده بقَیصَرِیّه
۹ آمدیم وبخانهٔ فیلِپُّسِ مبشّرکه یکی از آن هفت بود درآمده نزد او ماندیم * واورا
۱۰ چهار دخترِ باکره بود که نبوّت میکردند * وچون روز چند در آنجا ماندیم نبیٔ
۱۱ آغابوس نام از یهودیه رسید * ونزد ما آمده کمربند پولُس‌را کرفته ودستها وپایهای
خودرا بسته کفت روح القدس میکوید که یهودیان در اورشلیم صاحب این
۱۲ کمربندرا بهمین طور بسته اورا بدستهای اُمّتها خواهند سپرد * پس چون اینرا
۱۳ شنیدیم ما واهل آنجا التماس نمودیم که باورشلیم نرود * پولُس جواب داد چه
میکنید که کریان شده دل مرا میشکنید زیرا من مستعدّم که نه فقط قید شوم بلکه
۱٤ تا در اورشلیم بمیرم بخاطر نام خداوند عیسی * چون او نشنید خاموش شده کفتیم
۱۵ آنچه ارادهٔ خداوند است بشود * وبعد ازآن ایّام تدارك سفر دیده متوجّه اورشلیم
۱٦ شدیم * وتنی چند از شاکردان قیصریّه همراه آمده مارا نزد شخصی مَناسُون نام که
۱۷ از اهل قِپرُس وشاکرد قدیمی بود آوردند تا نزد او منزل نمائیم * وچون
۱۸ وارد اورشلیم کشتیم برادرانْ مارا بخوشنودی پذیرفتند * ودر روز دیکر پولُس
۱۹ مارا برداشته نزد یعقوب رفت وهمهٔ کشیشان حاضر شدند * پس ایشانرا سلام
کرده آنچه خدا بوسیلهٔ خدمت او درمیان اُمّتها بعمل آورده بود مفصّلاً کفت *
۲۰ ایشان چون اینرا شنیدند خدارا تمجید نموده بوی کفتند ای برادر آکاه هستی که
۲۱ چند هزارها از یهودیان ایمان آورده اند وجمیعًا در شریعت غیوراند * ودر بارهٔ
تو شنیده اند که همهٔ یهودیانرا که درمیان اُمّتها می باشند تعلیم میدهی که از موسی
۲۲ انحراف نمایند ومیکوئی نباید اولاد خودرا مختون ساخت وبسنن رفتار نمود * پس
۲۳ چه باید کرد البتّه جماعت جمع خواهند شد زیرا خواهند شنید که تو آمدهٔ * پس
آنچه بتو کوئیم بعمل آور. چهار مرد نزد ما هستند که بر ایشان نذری هست *
۲٤ پس ایشانرا بر داشته خودرا با ایشان تطهیر نما وخرج ایشانرا بده که سرخودرا
بتراشند تا همه بدانند که آنچه در بارهٔ تو شنیده اند اصلی ندارد بلکه خود نیز در

۲۵ محافظت شريعت سلوك مينمائى * ليكن در بارهٔ آنانيكه از اُمّتها ايمان آورده اند ما
فرستاديم وحكم كرديم كه از قربانيهاى بت وخون وحيوانات خفه شده وزنا پرهيز
۲٦ نمايند * پس بولُس آن اشخاص‌را برداشته روز ديكر با ايشان طهارت كرده بهيكل
در آمد واز تكميل ايّام طهارت اطّلاع داد تا هديهٔ براى هر يك از ايشان
۲۷ بكذرانند * وچون هفت روز نزديك به انجام رسيد يهودئ چند از آسيا اورا در
۲۸ هيكل ديده تمامئ قومرا بشورش آوردند ودست بر او انداخته * فرياد برآوردند
كه اى مردان اسرائيلى امداد كنيد. اين است آنكس كه بر خلاف اُمّت وشريعت
واين مكان در هر جا همه‌را تعليم ميدهد بلكه يونانئ چندرا نيز بهيكل در آورده
۲۹ اين مكان مقدّس‌را ملوّث نموده است * زيرا قبل از آن تَرُوفِيمُسِ اَفَسُسِى‌را با
۳۰ وى در شهر ديده بودند ومظنّه داشتند كه پولُس اورا بهيكل آورده بود * پس
تمامئ شهر بحركت آمد وخلق ازدحام كرده پولُس‌را كرفتند واز هيكل بيرون
۳۱ كشيدند وفى الفور درهارا بستند * وچون قصد قتل او ميكردند خبر بمين باشئ
۳۲ سپاه رسيد كه تمامئ اورشليم بشورش آمده است * او بى درنك سپاه ويوزباشى‌هارا
برداشته برسر ايشان تاخت پس ايشان بمجرّد ديدن مين‌باشى وسپاهيان از زدن
۳۳ پولُس دست برداشتند * چون مين‌باشى رسيد اورا كرفته فرمان داد تا اورا بدو
۳٤ زنجير به بندند وپرسيد كه اين كيست وچه كرده است * امّا بعضى از آن كروه
بسخنى وبعضى بسخنى ديكر صدا ميكردند وچون او بسبب شورشْ حقيقت امررا
۳۵ نتوانست فهميد فرمود تا اورا بقلعه بياورند * وچون به زينه رسيد اتّفاق افتاد كه
۳٦ لشكريان بسبب ازدحام مردم اورا بر كرفتند * زيرا كروهى كثير از خلق از عقب
۳۷ او افتاده صدا ميزدند كه اورا هلاك كن * چون نزديك شد كه پولُس‌را بقلعه
در آورند او بمين‌باشى كفت آيا اجازت است كه بتو چيزى كويم كفت آيا زبان
۳۸ يونانى‌را ميدانى * مكر تو آن مصرى نيستى كه چندى پيش از اين فتنه برانكيخته
۳۹ چهار هزار مرد قتّالرا به بيابان برد * پولس كفت من مرد يهودى هستم از طرسوسِ
قيلقيّه شهرى كه بى نام ونشان نيست وخواهش آن دارم كه مرا اذن فرمائى تا
٤۰ بمردم سخن كويم * چون اذن يافت بر زينه ايستاده بدست خود بمردم اشاره كرد
وچون آرامئ كامل پيدا شد ايشانرا بزبان عبرانى مخاطب ساخته كفت *

باب بیست ودوّم

۱ ای برادران عزیز و پدرانْ حجّتیرا که الآن پیش شما میآورم بشنوید* چون
۲ شنیدند که بزبان عبرانی با ایشان تکلّم میکند بیشتر خاموش شدند پس کفت*
۳ من مرد یهودی هستم متولّد طرسوسِ قیلیقیّه امّا تربیت یافته بودم در این شهر در
خدمت غمالائیل ودر دقایق شریعتِ اجداد متعلّم شده در بارهٔ خدا غیور میبودم
٤ چنانکه همکیٔ شما امروز میباشید* واین طریقترا تا بقتل مزاحم میبودم بنوعیکه
٥ مردان وزنانرا بند نهاده بزندان می انداختم* چنانکه رئیس کَهَنَه وتمام اهل
شوری بمن شهادت میدهند که از ایشان نامه‌ها برای برادران کرفته عازم دمشق
٦ شدم تا آنانیرا نیز که در آنجا باشند قید کرده باورشلیم آورم تا سزا یابند* ودر
اثنای راه چون نزدیك بدمشق رسیدم قریب بظهر ناکاه نوری عظیم از آسمان کِرد
۷ من درخشید* پس بر زمین افتاده هاتفیرا شنیدم که بمن میکوید ای شاؤل ای
۸ شاؤل چرا بر من جفا میکنی* من جواب دادم خداوندا تو کیستی• او مرا کفت
۹ من آن عیسیٔ ناصری هستم که تو بر وی جفا میکنی* وهمراهان من نوررا دیده
۱۰ ترسان کشتند ولی آواز آنکسرا که با من سخن کفت نشنیدند* کفتم خداوندا
چکنم• خداوند مرا کفت بر خاسته بدمشق برو که در آنجا ترا مطّلع خواهند
۱۱ ساخت از آنچه برایت مقرّر است که بکنی* پس چون از سطوت آن نور نا بینا
۱۲ کشتم رفقایم دست مرا کرفته بدمشق رسانیدند* آنکاه شخصی متّقی بحسب شریعت
۱۳ حنّانیا نام که نزد همهٔ یهودیانِ ساکن آنجا نیکنام بود* بنزد من آمده وایستاده بمن
۱٤ کفت ای برادر شاؤل بینا شو که در همان ساعت بر وی نکریستم* او کفت
خدای پدران ما ترا برکزید تا ارادهٔ اورا بدانی وآن عادلرا به بینی واز زبانش
۱٥ سخنی بشنوی* زیرا از آنچه دیده وشنیدهٔ نزد جمیع مردم شاهد بر او خواهی شد*
۱٦ وحال چرا تأخیر می نمائی برخیز وتعمید بکیر ونام خداوندرا خوانده خودرا از
۱۷ کناهانت غسل ده* وچون باورشلیم برکشته در هیکل دعا میکردم بیخود شدم*
۱۸ پس اورا دیدم که بمن میکوید بشتاب واز اورشلیم بزودی روانه شو زیرا که شهادت
۱۹ ترا در حقّ من نخواهند پذیرفت* من کفتم خداوندا ایشان میدانند که من در هر

۲۰ کنیسه مؤمنین ترا حبس کرده میزدم* وهنکامیکه خون شهید تو اِستِیفانرا میریختند
۲۱ من نیز ایشتاده رضا بدان دادم وجامه‌های قاتلان اورا نکاه میداشتم* او بمن
۲۲ کفت روانه شو زیرا که من ترا بسوی امتهای بعید میفرستم* پس تا این سخن بدو
کوش کرفتند آنکاه آواز خودرا بلند کرده کفتند چنین شخص‌را از روی زمین
۲۳ بردار که زندهٔ ماندنِ او جایز نیست* وچون غوغا نموده وجامه‌های خودرا
۲۴ افشانده خاك بهوا میریختند* مین‌باشی فرمان داد تا اورا بقلعه در آوردند وفرمود
که اورا بتازیانه امتحان کنند تا بفهمد که بچه سبب اینقدر بر او فریاد میکردند*
۲۵ ووقتیکه اورا به‌ریسمانها می بستند پولُس به یوزباشیٔ که حاضر بود کفت آیا بر شما
۲۶ جایز است که مردی رومیرا بی حجّت هم تازیانه زنید* چون یوزباشی اینرا شنید
نزد مین‌باشی رفته اورا خبر داده کفت چه میخواهی بکنی زیرا این شخص رومی
۲۷ است* پس مین‌باشی آمده بوی کفت مرا بکو که تو رومی هستی. کفت بلی*
۲۸ مین‌باشی جواب داد من این حقوق‌را بمبلغی خطیر تحصیل کردم. پولس کفت
۲۹ امّا من در آن مولود شدم* در ساعت آنانیکه قصد تفتیش او داشتند دست از
او بر داشتند ومین‌باشی ترسان کشت چون فهمید که رومی است از آن سبب که
۳۰ اورا بسته بود* بامدادان چون خواست درست بفهمد که یهودیان بچه علّت
مدّعیٔ او میباشند اورا از زندان بیرون آورده فرمود تا رؤسای کَهَنه وتمامیٔ اهل
شوری حاضر شوند وپولُس‌را پائین آورده درمیان ایشان بر پا داشت*

باب بیست وسیّم

۱ پس پولُس به‌اهل شوری نیك نکریسته کفت ای برادران من تا امروز با کمال
۲ ضمیر صالح در خدمت خدا رفتار کرده ام* آنکاه حنّانیا رئیس کَهَنه حاضرانرا
۳ فرمود تا بدهانش زنند* پولُس بدو کفت خدا ترا خواهد زد ای دیوار سفید
شده. تو نشستهٔ تا مرا برحسب شریعت داوری کنی وبضدّ شریعت حکم بزدنم
۴ میکنی* حاضران کفتند آیا رئیس کَهَنهٔ خدارا دشنام میدهی* پولُس کفت ای
۵ برادران ندانستم که رئیس کَهَنه است زیرا مکتوبست حاکم قوم خودرا بد مکوی*
۶ چون پولُس فهمید که بعضی از صدّوقیان وبعضی از فریسیانند در مجلس ندا در

داد که ای برادرانْ من فریسیٔ پسر فریسی هستم وبرای امید وقیامت مردکان از
۷ من بازپرس می شود* چون اینرا کفت درمیان فریسیان وصدّوقیان منازعه بر
۸ پا شد وجماعت دو فرقه شدند* زیرا که صدّوقیان منکر قیامت وملائکه
۹ وارواح هستند لیکن فریسیان قائل بهر دو* پس غوغای عظیم بر پا شد وکاتبانِ از
فرقهٔ فریسیان برخاسته مخاصمه نموده میکفتند که در این شخص هیچ بدی نیافته ایم
۱۰ واکر روحی یا فرشتهٔ با او سخن کفته باشد با خدا جنك نباید نمود* وچون
منازعه زیادتر میشد مین‌باشی ترسید که مبادا پولُس‌را بدرند پس فرمود تا سپاهیان
۱۱ پائین آمده اورا از میانشان بر داشته بقلعه در آوردند* ودر شبِ همان روز
خداوند نزد او آمده کفت ای پولُس خاطر جمع باش زیرا چنانکه در اورشلیم در
۱۲ حقّ من شهادت دادی همچنین باید در روم نیز شهادت دهی* وچون روز شد
یهودیان با یکدیکر عهد بسته بر خویشتن لعن کردند که تا پولُس‌را نکشند نخورند
۱۳ ونه نوشند* وآنانیکه در بارهٔ این همقسم شدند زیاده از چهل نفر بودند*
۱٤ اینها نزد رؤسای کَهَنَه ومشایخ رفته کفتند بر خویشتن لعنت سخت کردیم که تا
۱۵ پولُس‌را نکُشیم چیزی نچشیم* پس الآن شما با اهل شوری مین‌باشیرا اعلام کنید
که اورا نزد شما بیاورد که کویا اراده دارید دراحوال او نیکوتر تحقیق نمائید
۱٦ وما حاضر هستیم که قبل از رسیدنش اورا بکُشیم* امّا خواهر زادهٔ پولُس از کمین
۱۷ ایشان اطّلاع یافته رفت وبقلعه در آمده پولُسرا آکاهانید* پولُس یکی از
یوزباشیانرا طلبیده کفت این جوانرا نزد مین‌باشی ببر زیرا خبری دارد که باو
۱۸ بکوید* پس اورا برداشته بحضور مین‌باشی رسانیده کفت پولُسِ زندانی مرا
طلبیده خواهش کرد که این جوانرا بخدمت تو بیاورم زیرا چیزی دارد که بتو عرض
۱۹ کند* پس مین‌باشی دستش‌را کرفته بخلوت برد وپرسید چه چیز است که میخواهی
۲۰ بمن خبر دهی* عرض کرد یهودیان متّفق شده‌اند که از تو خواهش کنند تا
پولُس‌را فردا بمجلس شوری در آوری که کویا اراده دارند در حقّ او زیادتر
۲۱ تفتیش نمایند* پس خواهش ایشانرا اجابت مفرما زیراکه بیشتر از چهل نفر از
ایشان درکمین وی‌اند وبسوکند عهد بسته‌اند که تا اورا نکشند چیزی نخورند
۲۲ ونیاشامند والآن مستعدّ ومنتظر وعدهٔ تو میباشند* مین‌باشی آنجوانرا مرخّص

۲۲ فرموده قدغن نمود که به هیچ کس مکو که مرا از این راز مطّلع ساختی٭ پس دو
نفر از یوزباشیانرا طلبیده فرمود که دویست سپاهی وهفتاد سوار ودویست نیزه
۲٤ دار در ساعت سیّم از شب حاضر سازید تا بقیصریه بروند٭ ومرکبی حاضر کنید
۲٥ تا پولُس‌را سوار کرده اورا بسلامتی به نزد فِیلِکْسِ والی برسانند٭ ونامهٔ بدین
۲٦ مضمون نوشت٭ کلُودِیوُس لِیسِیاس بوالیٔ کرامی فِیلِکْسْ سلام میرساند٭
۲۷ یهودیان این شخص‌را کرفته قصد قتل او داشتند پس با سپاه رفته اورا از ایشان
۲۸ کرفتم چون دریافت کرده بودم که رومی است٭ وچون خواستم بفهمم که بچه
۲۹ سبب بر وی شکایت می کنند اورا به مجلس ایشان درآوردم٭ پس یافتم که در
مسائل شریعتِ خود از او شکایت میدارند ولی هیچ شکوهٔ مستوجب قتل یا بند
۳۰ نمیدارند٭ وچون خبر یافتم که یهودیان قصد کمین سازی برای او دارند بی
درنك اورا نزد تو فرستادم ومدّعیان اورا نیز فرمودم تا در حضور تو بر او ادّعا
۳۱ نمایند والسّلام٭ پس سپاهیان چنانکه مأمور شدند پولُس‌را در شب برداشته
۳۲ به اَنْتِیپاترِیس رسانیدند٭ وبامدادان سوارانرا کذاشته که با او بروند خود
۳۳ بقلعه برکشتند٭ وچون ایشان وارد قَیصَرِیه شدند نامه‌را بوالی سپردند
۳٤ وپولُس‌را نیز نزد او حاضر ساختند٭ پس والی نامه‌را ملاحظه فرموده پرسید که
۳٥ از کدام ولایت است چون دانست که از قیلیقیّه است٭ کفت چون مدّعیان تو
حاضر شوند سخن ترا خواهم شنید وفرمود تا اورا در سرای هیرودیس نکاه دارند٭

باب بیست وچهارم

۱ وبعد از پنج روز حنّانیای رئیس کَهَنَه با مشایخ وخطیبی تَرْتُلُّس نام رسیدند
۲ وشکایت از پولُس نزد والی آوردند٭ وچون اورا احضار فرمود تَرْتُلُّس آغاز
ادّعا نموده کفت چون از وجود تو در آسایش کامل هستیم واحسانات عظیمه از
۳ تدابیر تو بدین قوم رسیده است ای فِیلِکْسِ کرامی٭ در هر جا ودر هر وقت اینرا
٤ در کمال شکرکذاری می پذیریم٭ ولیکن تا ترا زیاده مصدّع نشوم مستدعی هستم
٥ که از راه نوازش مختصراً عرض مارا بشنوی٭ زیرا که این شخص‌را مفسد وفتنه
انکیز یافته‌ایم درمیان همهٔ یهودیانِ ساکن ربعِ مسکون واز پیشوایان بدعت

٦ نصاری * وچون او خواست هیکل‌را ملوّث سازد اورا کرفته اراده داشتیم که
٧ بقانون شریعت خود بر او داوری نمائیم * ولی لیسیاسِ مین‌باشی آمده اورا بزور
٨ بسیار از دستهای ما بیرون آورد * وفرمود تا مدّعیانش نزد تو حاضر شوند واز
او بعد از امتحان میتوانی دانست حقیقت همهٔ این اموری که ما بر او ادّعا میکنیم *
٩ ویهودیان نیز با او متّفق شده کفتند که چنین است * چون والی پولُس اشاره نمود
١٠ که سخن بکوید او جواب داد ازآن رو که میدانم سالهای بسیار است که تو حاکم
١١ این قوم میباشی بخوشنودیٔ وافر حجّت در بارهٔ خود میآورم * زیرا تو میتوانی
دانست که زیاده از دوازده روز نیست که من برای عبادت به اورشلیم رفتم *
١٢ ومرا نیافتند که در هیکل با کسی مباحثه کنم ونه در کنایس یا شهر که خلق‌را
١٣ بشورش آورم * وهم آنچه الآن بر من ادّعا میکنند نمیتوانند اثبات نمایند * لیکن
١٤ اینرا نزد تو اقرار میکنم که بطریقتیکه بدعت میکویند خدای پدرانرا عبادت میکنم
١٥ وبآنچه در توراة وانبیاء مکتوبست معتقدم * وبخدا امیدوارم چنانکه ایشان نیز
١٦ قبول دارند که قیامت مردکان از عادلان وظالمان نیز خواهد شد * وخودرا در
این امر ریاضت میدهم تا پیوسته ضمیر خودرا بسوی خدا ومردم بی لغزش نکاه
١٧ دارم * وبعد از سالهای بسیار آمدم تا صدقات وهدایا برای قوم خود بیاورم *
١٨ ودر این امور چند نفر از یهودیانِ آسیا مرا در هیکل مطهّر یافتند بدون هنکامه
١٩ یا شورشی * وایشان می بایست نیز در اینجا نزد تو حاضر شوند تا اکر حرفی بر
٢٠ من دارند ادّعا کنند * یا اینان خود بکویند اکر کناهی از من یافتند وقتیکه در
٢١ حضور اهل شوری ایستاده بودم * مکر آن یك سخن که درمیان ایشان ایستاده
بدان ندا کردم که در بارهٔ قیامت مردکان از من امروز پیش شما بازپرس میشود *
٢٢ آنکاه فیلِکس چون از طریقت نیکوتر آکاهی داشت امر ایشانرا تأخیر انداخته
٢٣ کفت چون لیسیاسِ مین‌باشی آید حقیقت امر شمارا در یافت خواهم کرد * پس
یوزباشیرا فرمان داد تا پولُس‌را نکاه دارد واورا آزادی دهد واحدی از
٢٤ خویشانش‌را از خدمت وملاقات او منع نکند * وبعد از روزی چند فیلِکس با
زوجهٔ خود دَرُوسِلاّ که زنی یهودی بود آمده پولُس‌را طلبیده سخن اورا در بارهٔ ایمانِ
٢٥ مسیح شنید * وچون او در بارهٔ عدالت وپرهیزکاری وداوریٔ آینده خطاب

میکرد فِیلِکس ترسان کشته جواب داد که الحال برو چون فرصت کنم ترا باز خواهم
۲٦ خواند٭ ونیز امید میداشت که پولُس اورا نقدی بدهد تا اورا آزاد سازد واز این
۲۷ جهة مکرّرًا ویرا خواسته با او کفتکو میکرد٭ امّا بعد از انقضای دو سال
پُورکِیُوس فَسْتوس خلیفهٔ ولایت فِیلِکس شد و فِیلِکس چون خواست بر یهود منّت
نهد پولُس‌را در زندان کذاشت٭

باب بیست وپنجم

۱ پس چون فَسْتوس بولایت خود رسید بعد از سه روز از قَیصَرِیّه باورشلیم
۲ رفت٭ ورئیس کَهَنَه واکابر یهود نزد او بر پولُس ادّعاء کردند وبدو التماس
۳ نموده٭ منّتی بر وی خواستند تا اورا باورشلیم بفرستد ودر کمین بودند که اورا
٤ در راه بکُشند٭ امّا فَستوس جواب داد که پولُس‌را باید در قَیصَرِیّه نکاه داشت
٥ زیرا خود اراده داشت بزودی آنجا برود٭ وکفت پس کسانی از شما که میتوانند
٦ همراه بیایند تا اکر چیزی در این شخص یافت شود بر او ادّعا نمایند٭ وچون
بیشتر از ده روز درمیان ایشان توقّف کرده بود بقَیصَرِیّه آمد وبامدادان بر مسند
۷ حکومت برآمده فرمود تا پولُس‌را حاضر سازند٭ چون او حاضر شد یهودیانی
که از اورشلیم آمده بودند بکردِ او ایستاده شکایتهای بسیار وکران بر پولُس آوردند
۸ ولی اثبات نتوانستند کرد٭ او جواب داد که نه بشریعت یهود ونه بهیکل ونه
۹ بقَیصَر هیچ کناه کرده‌ام٭ امّا چون فَسْتوس خواست بر یهود منّت نهد در جواب
پولُس کفت آیا میخواهی باورشلیم آئی تا در آنجا در این امور بحضور من حکم شود٭
۱۰ پولُس کفت در محکمهٔ قَیصَر ایستاده‌ام که درآنجا میباید محاکمهٔ من بشود٭ به یهود
۱۱ هیچ ظلمی نکرده ام چنانکه تو نیز نیکو میدانی٭ پس هرکاه ظلمی یا عملی مستوجب
قتل کرده باشم از مردن دریغ ندارم لیکن اکر هیچ یك از این شکایتهائیکه اینها بر
من می آورند اصلی ندارد کسی نمیتواند مرا بایشان سپارد بقَیصَر رفع دعوی میکنم٭
۱۲ آنکاه فَسْتوس بعد از مکالمه با اهل شوری جواب داد آیا بقَیصَر رفع دعوی
۱۳ کردی بحضور قیصر خواهی رفت٭ وبعد از مرور ایّام چند اَغْرِیپاس پادشاه
۱٤ وبَرنِیکی برای تحیّت فَسْتوس بقَیصَرِیّه آمدند٭ وچون روزی بسیار در آنجا توقّف

نمودند فَسْتوس برای پادشاه مقدّمهٔ پولُس را بیان کرده کفت مردیست که فِیلِکْس
۱۵ اورا در بند کذاشته است ٭ که در بارهٔ او وقتیکه باورشلیم آمدم روٴسای کَهَنه
۱٦ ومشایخ یهود مرا خبر دادند وخواهش نمودند که بر او داوری شود ٭ در جواب
ایشان کفتم که رومیانرا رسم نیست که احدیرا بسپارند قبل ازآنکه مدّعی علیه
مدّعیان خودرا روبرو شود واورا فرصت دهند که ادّعای ایشانرا جواب کوید ٭
۱۷ پس چون ایشان در اینجا جمع شدند بیدرنك در روز دوّم بر مسند نشسته فرمودم
۱۸ تا آن شخص را حاضر کردند ٭ ومدّعیانش بر پا ایستاده از آنچه من کمان میبردم
۱۹ هیچ ادّعاء بر وی نیاوردند ٭ بلکه مسئلهٔ چند بر او ایراد کردند در بارهٔ مذهب
۲۰ خود ودر حقّ عیسی نامیکه مرده است وپولُس میکوید که او زنده است ٭ وچون
من در این کونه مسائل شكّ داشتم از او پرسیدم که آیا می خواهی باورشلیم بروی
۲۱ تا در آنجا این مقدّمه فیصل پذیرد ٭ ولی چون پولُس رفع دعوی کرد که برای
محاکمهٔ اُوغُسْطُس محفوظ ماند فرمان دادم که اورا نکاه بدارند تا اورا بحضور قَیصَر
۲۲ روانه نمایم ٭ اَغْریپاس به فَستوس کفت من نیز میخواهم این شخص‌را بشنوم ٭ کفت
۲۳ فردا اورا خواهی شنید ٭ پس بامدادان چون اَغْرِیپاس وبَرْنیِکی با حشمتی عظیم
آمدند وبدار الأستماع با مین باشیان وبزرکان شهر داخل شدند بفرمان فَسْتوس
۲٤ پولُس را حاضر ساختند ٭ آنکاه فَسْتوس کفت ای اَغْرِیپاس پادشاه وای همهٔ
مردمانی که نزد ما حضور دارید این شخص را می بینید که در بارهٔ او تمامیٔ جماعت
یهود چه در اورشلیم وچه در اینجا فریاد کرده از من خواهش نمودند که دیکر
۲۵ نباید زیست کند ٭ ولیکن چون من در یافتم که او هیچ عملی مستوجب قتل نکرده
۲٦ است وخود به‌اوغُسْطُس رفع دعوی کرد اراده کردم که اورا بفرستم ٭ وچون
چیزی درست ندارم که در بارهٔ او بخداوندکار مرقوم دارم از این جهت اورا نزد
شما وعلی الخصوص درحضور تو ای اَغْرِیپاس پادشاه آوردم تا بعد از تفحّص شاید
۲۷ چیزی یافته بنکارم ٭ زیرا مرا خلاف عقل مینماید که اسیریرا بفرستم وشکایتهائی که
بر اوست معروض ندارم ٭

باب بیست وششم

۱ اَغْرِیپاس به پولُس کفت مرخّصی که کیفیت خودرا بکوئی پس پولُس دست

۲ خودرا دراز کرده حجّت خودرا بیان کرد* که ای اَغْرِیپاس پادشاه سعادت
خودرا در این میدانم که امروز در حضور تو حجّت بیاورم در بارهٔ همهٔ شکایتهائی
۳ که یهود از من میدارند* خصوصًا چون تو در همهٔ رسوم ومسائل یهود عالم
٤ هستی پس از تو مستدعی آنم که تحمّل فرموده مرا بشنوی* رفتار مرا از جوانی
چونکه از ابتداء درمیان قوم خود در اورشلیم بسر میبردم تمامیٔ یهود می دانند*
٥ ومرا از اوّل میشناسند هرگاه بخواهند شهادت دهند که بقانون پارساترین فرقهٔ
٦ دین خود فریسی میبودم* والحال بسبب امید آن وعدهٔ که خدا به اجداد ما داد
۷ برمن ادّعاء میکنند* وحال آنکه دوازده سبط ما شبانه روز بجدّ وجهد عبادت
میکنند محض امید تحصیل همین وعده که بجهة همین امید ای اَغْرِیپاس پادشاه یهود
۸ ۹ برمن ادّعاء میکنند* شما چرا محال میپندارید که خدا مردگانرا برخیزاند* من هم
درخاطر خود می پنداشتم که بنام عیسیٔ ناصری مخالفت بسیار کردن واجب است*
۱۰ چنانکه در اورشلیم هم کردم واز رؤسای کَهَنَه قدرت یافته بسیاری از مقدّسین را
۱۱ در زندان حبس میکردم وچون ایشانرا میکشتند در فتوی شریك میبودم* ودر
همهٔ کنایس بارها ایشانرا زحمت رسانیده مجبور میساختم که کفر گویند وبر ایشان
۱۲ بشدّت دیوانه گشته تا شهرهای بعید تعاقب میکردم* در این میان هنگامیکه با
۱۳ قدرت واجازت از رؤسای کَهَنَه بدمشق میرفتم* در راه ای پادشاه در وقت
ظهر نوریرا از آسمان دیدم درخشنده تر از خورشید که در دَور من ورفقایم تابید*
۱٤ وچون همه بر زمین افتادیم هاتفی را شنیدم که مرا بزبان عبرانی مخاطب ساخته
گفت ای شاؤل شاؤل چرا برمن جفا میکنی ترا بر میخها لگد زدن دشوار است*
۱۵ ۱٦ من گفتم خداوندا تو کیستی • گفت من عیسی هستم که تو برمن جفا میکنی* ولیکن
برخاسته برپا بایست زیراکه برتو ظاهر شدم تا ترا خادم وشاهد مقرّر گردانم برآن
۱۷ چیزهائیکه مرا در انها دیدهٔ وبر آنچه بتو در آن ظاهر خواهم شد* وترا رهائی
خواهم داد از قوم واز امّتهائیکه ترا بنزد آنها خواهم فرستاد* تا چشمان ایشانرا
۱۸ باز کنی تا از ظلمت بسوی نور واز قدرت شیطان بجانب خدا برگردند تا آمرزش
۱۹ گناهان ومیراثی درمیان مقدّسین بوسیلهٔ ایمانیکه برمن است بیابند* آنوقت ای
۲۰ اَغْرِیپاس پادشاه رویای آسمانیرا نافرمانی نورزیدم* بلکه نخست آنانیرا که دردمشق

بودند ودر اورشلیم و در تمامیٔ مرز وبوم یهودیّه وأُمّتهارا نیز اعلام می نمودم که توبه
۲۱ کنند و بسوی خدا بازکشت نمایند واعمال لایقهٔ توبه را بجا آورند* بسبب همین
۲۲ امور یهود مرا در هیکل کرفته قصد قتل من کردند* امّا از خدا اعانت یافته تا
امروز باقی ماندم وخورد وبزرکرا اعلام مینمایم وحرفی نمیکویم جز آنچه انبیاء وموسی
۲۳ کفتند که میبایست واقع شود* که مسیح میبایست زحمت بیند ونوبر قیامت مردکان
۲۴ کشته قوم وامّتهارا بنورْ اعلام نماید* چون او بدین سخنان حجّة خودرا می آورد
فَستوس باواز بلند کفت ای پولُس دیوانه هستی کثرت علم ترا دیوانه کرده است*
۲۵ ۲۶ کفت ای فَستوسِ کرامی دیوانه نیستم بلکه سخنان راستی وهوشیاریرا میکویم* زیرا
پادشاهی که در حضور او بدلیری سخن میکویم از این امور مطّلع است چونکه مرا
یقین است که هیچ یك از این مقدّمات براو مخفی نیست زیراکه این امور در
۲۷ خلوت واقع نشد* ای اَغْرِیپاس پادشاه آیا به انبیاء ایمان آوردهٔ میدانم که ایمان
۲۸ داری* اَغْرِیپاس بپولُس کفت به قلیلْ ترغیب میکنی که من مسیحی بکردم*
۲۹ پولُس کفت از خدا خواهش میداشتم یا بقلیل یا بکثیر نه تنها تو بلکه جمیع این
۳۰ اشخاصیکه امروز سخن مرا می شنوند مثل من کردند جز این زنجیرها* چون اینرا
۳۱ کفت پادشاه ووالی وبَرْنِیکِی وسایر مجلسیان برخاسته* رفتند وبا یکدیکر
کفتکو کرده کفتند این شخص هیچ عملی مستوجب قتل یا حبس نکرده است*
۳۲ واَغْرِیپاس به فَستوس کفت اکر این مرد بقَیصَر رفع دعویٔ خود نمیکرد اورا آزاد
کردن ممکن میبود*

باب بیست وهفتم

۱ چون مقرّر شد که به اِیطالیا برویم پولُس وچند زندانیٔ دیکررا به یوزباشیٔ از سپاه
۲ اُوغُسْطُس که یولیوُس نام داشت سپردند* وبکشتیٔ اَدرامیتینی که عازم بنادر آسیا
بود سوار شدہ کوچ کردیم واَرِستَرْخُس از اهل مَکادونیه از تَسالونیکی همراه ما بود*
۳ روز دیکر بصیدون فرود آمدیم ویولیوُس با پولُس ملاطفت نموده اورا اجازت
۴ داد که نزد دوستان خود رفته از ایشان نوازش یابد* واز آنجا روانه شدہ
۵ زیرقِبْرُس کذشتیم زیراکه باد مخالف بود* واز دریای کنارِ قیلیقیّه وپَمْفِلیّه کذشته
۶ بمیرای لیکیه رسیدیم* درآنجا یوزباشی کشتیٔ اِسْکَنْدَرِیّه‌را یافت که به ایطالیا میرفت

۷ ومارا بر آن سوار کرد* وچند روز باهستکی رفته بقِنیدُس بمشقت رسیدیم وچون
۸ باد مخالف ما میبود در زیر کرِیت نزدیك سَلْمُونی راندیم* وبدشواری از آنجا
۹ کذشته بموضعیکه به بنادر حَسَنَه مسمّی و قریب بشهر لِسائیّه است رسیدیم* وچون
زمان منقضی شد ودر این وقت سفر دریا خطرناك بود زیرا که ایّام روزه کذشته
۱۰ بود* پولُس ایشانرا نصیحت کرده کفت ای مردمان می بینم که در این سفر ضرر
۱۱ وخسران بسیار پیدا خواهد شد نه فقط بار وکشتی را بلکه جانهای مارا نیز* ولی
۱۲ یوزباشی ناخدا وصاحب کشتی را بیشتر از قول پولُس اعتناء نمود* وچون آن
بندر نیکو نبود که زمستانرا در آن بسر برند اکثر چنان مصلحت دانستند که از آنجا
نقل کنند تا اکر ممکن شود خودرا به فینِیکَس رسانیده زمستانرا در آنجا بسر برند که
۱۳ آن بندریست از کرِیت مواجّه مغرب جنوبی ومغرب شمالی* وچون نسیم جنوبی
وزیدن کرفت کمان بردند که بمقصد خویش رسیدند پس لنکر برداشتیم واز کنارهٔ
۱۴ کَریت کذشتیم* لیکن چیزی نه کذشت که بادی شدید که آنرا اُورُکِلیدُون می
۱۵ نامند از بالای آن زدن کرفت* در ساعت کشتی ربوده شده رو بسوی باد
۱۶ نتوانست نهاد پس آنرا ازدست داده بی اختیار رانده شدیم* پس در زیر جزیرهٔ که
کَلوُدِی نام داشت دوان دوان رفتیم وبدشواری زورقرا در قبض خود آوردیم*
۱۷ وآنرا برداشته ومعونات را استعمال نموده کمر کشتی را بستند وچون ترسیدند که
به ریکزارِ سِیرْتِس فرو روند حبال کشتی را فرو کشیدند وهمچنان رانده شدند*
۱۸ وچون طوفان بر ما غلبه مینمود روز دیکر بار کشتی را بیرون انداختند*
۱۹ وروز سیّم بدستهای خود آلات کشتی را بدریا انداختیم* وچون روزهای بسیار
۲۰
آفتاب وستارکانرا ندیدند وطوفانی شدید بر ما می افتاد دیکر هیچ امید نجات برای
۲۱ ما نماند* وبعد از کرسنکئ بسیار پولُس درمیان ایشان ایستاده کفت ای مردمان
نخست میبایست سخن مرا پذیرفته از کَرِیت نقل نکرده باشید تا این ضرر وخسران
۲۲ را نه بینید* اکنون نیز شمارا نصیحت میکنم که خاطر جمع باشید زیرا که هیچ ضرری
۲۳ بجان یکی از شما نخواهد رسید مکر بکشتی* زیرا که دوش فرشتهٔ آن خدائیکه از
۲۴ آن او هستم وخدمت اورا میکنم بمن ظاهر شده* کفت ای پولُس ترسان مباش زیرا
باید تو در حضور قَیصَر حاضر شوی واینك خدا همهٔ هم سفران ترا بتو بخشیده

۲۵ است * پس ای مردمان خوشحال باشید زیرا ایمان دارم که بهمان طور که بمن
۲۶ ۲۷ کفت واقع خواهد شد * لیکن باید در جزیرهٔ بیفتیم * وچون شب چهاردهم شد
وهنوز در دریای اَدْرِیا بهرسو رانده میشدیم در نصف شب ملاّحان کمان بردند که
۲۸ خشکی نزدیکست * پس پیمایش کرده بیست قامت یافتند وقدری پیشتر رفته
۲۹ باز پیمایش کرده پانزده قامت یافتند * وچون ترسیدند که بصخرهها بیفتیم از پشت
۳۰ کشتی چهار لنکر انداخته تمنّاء میکردند که روز شود * امّا چون ملاّحان قصد
داشتند که از کشتی فرار کنند و زورق را بدریا انداختند ببهانهٔ که لنکرها را از پیش
۳۱ کشتی بکَشند * پولُس یوزباشی وسپاهیانرا کفت اکر اینها درکشتی نمانند نجات شما
۳۲ ۳۳ ممکن نباشد * آنکاه سپاهیان ریسمانهای زورقرا بریده کذاشتند که بیفتد * چون روز
نزدیك شد پولُس از همه خواهش نمود که چیزی بخورند پس کفت امروز روز
۳۴ چهاردهم است که انتظار کشیده وچیزی نخورده کرسنه ماندهاید * پس استدعای
من این است که غذا بخورید که عافیت برای شما خواهد بود زیرا که موئی از سر
۳۵ هیچ یك ازشما نخواهد افتاد * این بکفت ودرحضور همه نان کرفته خدارا شکر کفت
۳۶ ۳۷ و پاره کرده خوردن کرفت * پس همه قویّ دل کشته نیز غذا خوردند * وجملهٔ
۳۸ نفوس درکشتی دویست وهفتاد وشش بودیم * چون از غذا سیر شدند کندم را
۳۹ بدریا ریخته کشتیرا سبك کردند * امّا چون روز روشن شد زمینرا نشناختند لیکن
خلیجی دیدند که شاطئ داشت پس رای زدند که اکر ممکن شود کشتیرا بر آن
۴۰ برانند * وبند لنکرهارا بریده آنهارا در دریا کذاشتند وبندهای سکّانرا باز کرده
۴۱ وبادبانرا برای باد کشاده راه ساحل را پیش کرفتند * امّا کشتی را درمجمع بحرَین
به پایاب رانده مقدّم آن فروشده بیحرکت ماند ولی مؤخَّرش از لطمهٔ امواج درهم
۴۲ شکست * آنکاه سپاهیان قصد قتل زندانیان کردند که مبادا کسی شنا کرده
۴۳ بکریزد * لیکن یوزباشی چون خواست پولُس را برهاند ایشانرا از این اراده
باز داشت وفرمود تا هرکه شناوری داند نخست خویشتن را بدریا انداخته
۴۴ بساحل رساند * وبعضی برتختها وبعضی برچیزهای کشتی وهمچنین همه بسلامتی
بخشکی رسیدند *

باب بيست وهشتم

١ وچون رستكار شدند يافتند كه جزيره مَلِيطَه نام دارد* ٢ وآن مردمان بَرْبَرِى
با ما كمال ملاطفت نمودند زيرا بسبب باران كه ميباريد وسرما آتش افروخته همهٔ
٣ مارا پذيرفتند* چون پولُس مقدارى هيزم فراهم كرده برآتش مينهاد بسبب حرارت
٤ افعئ بيرون آمده بر دستش چسپيد* چون بَرْبَرِيان جانوررا از دستش آويخته
ديدند با يكديكر ميكفتند بلا شكٌ اين شخصْ خونى است كه با اينكه از دريا رست
٥ عدل نميكذارد كه زيست كند* امّا آن جانور را درآتش افكنده هيچ ضرر نيافت*
٦ پس منتظر بودند كه او آماس كند يا بغتةً افتاده بميرد ولى چون انتظار بسيار
٧ كشيدند وديدند كه هيچ ضررى بدو نرسيد بركشته كفتند كه خدائيست* و در
آن نواحى املاك رئيس جزيره كه پُوْبليُوس نام داشت بود كه اومارا بخانهٔ خود
٨ طلبيده سه روز بمهربانى مهمانى نمود* از قضا پدر پُوْبلِيُوس را رنج تب واسهال
عارض شده خفته بود پس پولُس نزد وى آمده ودعا كرده ودست بر او كذارده
٩ اورا شفا داد* وچون اين امر واقع شد ساير مريضانيكه درجزيره بودند آمده شفا
١٠ يافتند* و ايشان مارا اكرام بسيار نمودند وچون روانه ميشديم آنچه لازم بود براى
١١ ما حاضر ساختند* وبعد از سه ماه بكشتئ اسكَنْدَرِيّه كه علامت جوزا
١٢ داشت وزمستانرا در جزيره بسر برده بود سوار شديم* وبسَراكُوس فرود آمده سه
١٣ روز توقّف نموديم* واز آنجا دَور زده به رِيغيُوْن رسيديم وبعد از يكروز باد
١٤ جنوبى وزيده روز دوّم وارد پوطيولى شديم* ودر آنجا برادران يافته حسب
١٥ خواهش ايشان هفت روز مانديم وهمچنين به رُوم آمديم* وبرادرانِ آنجا چون از
احوال ما مطّلع شدند به استقبال ما بيرون آمدند تا فُورَنِ اَپِيُوس وسه دكّان
١٦ وپولُس چون ايشانرا ديد خدارا شكر نموده قوىّ دل كشت* وچون به رُوم
رسيديم يوزباشى زندانيانرا بسردار افواج خاصّه سپرد امّا پولُس‌را اجازت دادند كه
١٧ با يك سپاهى كه محافظت او ميكرد در منزل خود بماند* وبعد از سه روز پولُس
بزركان يهودرا طلبيد وچون جمع شدند بايشان كفت اى برادرانِ عزيز با وجوديكه
من هيچ عملى خلاف قوم ورسوم اجداد نكرده بودم همانا مرا در اورشليم بسته

۱۸ بدستهای رومیان سپردند٭ ایشان بعد از تفحّص چون در من هیچ علّت قتل
۱۹ نیافتند اراده کردند که مرا رها کنند٭ ولی چون یهود مخالفت نمودند ناچار شده
۲۰ بقَیصَر رفع دعوی کردم نه تا آنکه از اُمّت خود شکایت کنم٭ اکنون بدین جهة
خواستم شمارا ملاقات کنم وسخن گویم زیراکه بجهة امید اسرائیل بدین زنجیر بسته
۲۱ شدم٭ ویرا گفتند ما هیچ نوشته در حقّ تو از یهودیّه نیافته ایم ونه کسی از برادرانیکه
۲۲ از آنجا آمدند خبری یا سخن بدی در بارهٔ تو گفته است٭ لیکن مصلحت دانستیم از
تو مقصود ترا بشنویم زیرا مارا معلوم است که این فرقه را در هر جا بد میگویند٭
۲۳ پس چون روزی برای وی معیّن کردند بسیاری نزد او بمنزلش آمدند که برای
ایشان به ملکوت خدا شهادت داده شرح مینمود واز توراة موسی وانبیاء از صبح تا
۲٤ شام در بارهٔ عیسی اقامهٔ حجّت میکرد٭ پس بعضی بسخنان او ایمان آوردند وبعضی
۲٥ ایمان نیاوردند٭ وچون با یکدیگر معارضه میکردند از او جدا شدند بعد از آنکه
پولُس این یك سخن را گفته بود که روح القدس بوساطت اِشَعْیای نبیّ به اجداد
۲٦ ما نیکو خطاب کرده٭ گفته است که نزد اینقوم رفته بدیشان بگو بگوش خواهید
۲۷ شنید ونخواهید فهمید و نظرکرده خواهید نگریست ونخواهید دید٭ زیرا دل این
قوم غلیظ شده وبگوشهای سنگین میشنوند وچشمان خودرا برهم نهاده‌اند مبادا
بچشمان به بینند وبگوشها بشنوند وبدل بفهمند وبازگشت کنند تا ایشانرا شفا بخشم٭
۲۸ پس بر شما معلوم باد که نجات خدا نزد اُمّتها فرستاده میشود وایشان خواهند
۲۹ شنید٭ چون اینرا گفت یهودیان رفتند وبا یکدیگر مباحثهٔ بسیار میکردند٭
۳۰ امّا پولُس دو سالِ تمام در خانهٔ اجارهٔ خود ساکن بود وهرکه بنزد وی میآمد می
۳۱ پذیرفت٭ وبملکوت خدا موعظه مینمود وباکمال دلیری در امور عیسی مسیح
خداوند بدون ممانعت تعلیم میداد٭

رسالهٔ پولس رسول برومیان

باب اوّل

۱ پولس غلام عیسی مسیح و رسول خوانده شده وجدا نموده شده برای انجیل خدا*
۲ ۳ که سابقًا وعدهٔ آنرا داده بود بوساطت انبیای خود درکتب مقدّسه* دربارهٔ
۴ پسر خود که بحسب جسم ازنسل داود متولّد شد* وبحسب روح قدّوسیّت پسر
۵ خدا بقوّت معروف گردید از قیامت مردگان یعنی خداوند ما عیسی مسیح* که
۶ باو فیض و رسالترا یافتیم برای اطاعت ایمان در جمیع امّتها بخاطر اسم او* که
۷ درمیان ایشان شما نیز خوانده شدهٔ عیسی مسیح هستید* بهمه که در روم محبوب
خدا وخوانده شده ومقدّسید فیض وسلامتی ازجانب پدر ما خدا وعیسی مسیح
۸ خداوند برشما باد* اوّل شکر میکنم خدای خودرا بوساطت عیسی مسیح دربارهٔ
۹ همگیٔ شما که ایمان شما درتمام عالم شهرت یافته است* زیرا خدائیکه اورا بروح
خود درانجیل پسرش خدمت میکنم مرا شاهد است که چگونه پیوسته شمارا یاد
۱۰ میکنم* ودایمًا دردعاهای خود مسئلت میکنم که شاید الآن آخر بارادهٔ خدا
۱۱ سعادت یافته نزد شما بیایم* زیرا بسیار اشتیاق دارم که شمارا ببینم تا نعمتی
۱۲ روحانی بشما برسانم که شما استوار بگردید* یعنی تا درمیان شما تسلّی یابیم از ایمان
۱۳ یکدیگر ایمان من وایمان شما* لکن ای برادران نمیخواهم که شما بیخبر باشید
ازاینکه مکرّرًا ارادهٔ آمدن نزد شما کردم وتا بحال ممنوع شدم تا ثمری حاصل کنم
۱۴ درمیان شما نیز چنانکه درسایر امّتها* زیراکه یونانیان وبَرْبریان وحکما وجهلارا
۱۵ هم مدیونم* پس همچنین بقدر طاقت خود مستعدّم که شمارا نیز که در روم هستید
۱۶ بشارت دهم* زیراکه از انجیل مسیح عار ندارم چونکه قوّت خداست برای نجات
۱۷ هرکس که ایمان آورد اوّل یهود وپس یونانی* که درآن عدالت خدا مکشوف

میشود از ایمان تا ایمان چنانکه مکتوبست که عادل بایمان زیست خواهد نمود*
١٨ زیرا غضب خدا از آسمان مکشوف میشود برهر بیدینی و ناراستئ مردمانیکه
١٩ راستیرا در ناراستی باز میدارند* چونکه آنچه ازخدا میتوان شناخت در ایشان
٢٠ ظاهر است زیرا خدا آنرا برایشان ظاهر کرده است* زیراکه چیزهای نادیدهٔ او
یعنی قوّت سرمدی والوهیّتش ازحین آفرینش عالم بوسیلهٔ کارهای او فهمیده
٢١ ودیده میشود تا ایشانرا عذری نباشد* زیرا هرچند خدارا شناختند ولی اورا
چون خدا تمجید وشکر نکردند بلکه درخیالات خود باطل کردیده دل بیفهم ایشان
٢٢ ٢٣ تاریك کشت* ادّعای حکمت میکردند واحمق کردیدند* وجلال خدای
غیر فانیرا بشبیه صورت انسان فانی وطیور وبهایم وحشرات تبدیل نمودند*
٢٤ لهذا خدا نیز ایشانرا درشهوات دل خودشان بناپاکی تسلیم فرمود تا درمیان خود
٢٥ بدنهای خویشرا خوار سازند* که ایشان حقّ خدارا بدروغ مبدّل کردند
وعبادت وخدمت نمودند مخلوقرا بعوض خالقیکه تا ابدالآباد متبارکست آمین*
٢٦ ازاین سبب خدا ایشانرا بهوسهای خباثت تسلیم نمود بنوعیکه زنانشان نیز عمل
٢٧ طبیعیرا بآنچه خلاف طبیعت است تبدیل نمودند* وهمچنین مردان هم استعمال
طبیعئ زنانرا ترك کرده ازشهوات خود با یکدیکر سوختند. مرد با مرد مرتکب
٢٨ اعمال زشت شده عقوبت سزاوار تقصیر خودرا درخود یافتند* وچون روا
نداشتند که خدارا دردانش خود نکاه دارند خدا ایشانرا بذهن مردود وا کذاشت
٢٩ تا کارهای ناشایسته بجا آورند* مملوّ ازهر نوع ناراستی و شرارت وطمع وخباثت.
٣٠ پُر ازحسد وقتل وجدال ومکر وبدخوئی* غمّازان وغیبت کنندکان ودشمنان
خدا واهانت کنندکان ومتکبّران ولافزنان ومبدعان شرّ ونامطیعان والدین*
٣١ ٣٢ بیفهم وبیوفا وبی الفت وبیرحم* زیرا هرچند انصاف خدارا میدانند که کنندکان
چنین کارها مستوجب موت هستند نه فقط آنهارا میکنند بلکه کنندکان‌را نیز خوش
میدارند*

باب دوّم

١ لهذا ای آدمی که حکم میکنی هرکه باشی عذری نداری زیراکه بآنچه بردیکری
حکم میکنی فتوی برخود میدهی زیرا تو که حکم میکنی همان کارهارا بعمل میآوری*

٢ ٣ ومیدانیم که حکم خدا برکنندکانِ چنین اعمال برحقّ است* پس ای آدمی که
برکنندکان چنین اعمال حکم میکنی وخود همانرا میکنی آیا کمان میبری که تو ازحکم
٤ خدا خواهی رست* یا آنکه دولت مهربانی وصبر وحلم اورا ناچیز میشماری
٥ ونمیدانی که مهربانئ خدا ترا بتوبه میکشد* وبسبب قساوت ودل نا توبه‌کار خود
٦ غضبرا ذخیره میکنی برای خود در روز غضب وظهور داوریٔ عادلهٔ خدا* که
٧ بهرکس برحسب اعمالش جزا خواهد داد* امّا بآنانیکه با صبر در اعمال نیکو
٨ طالب جلال واکرام وبقایند حیات جاودانیرا* واماّ به‌اهل تعصّب که اطاعت
٩ راستی نمیکنند بلکه مطیع ناراستی میباشند خشم وغضب* وعذاب وضیق برهر
١٠ نَفْس بشری که مرتکب بدی میشود اوّل بریهود وپس بریُونانی* لکن جلال
١١ واکرام وسلامتی برهر نیکوکار نخست بریهود وبر یونانی نیز* زیرا نزد خدا
١٢ طرفداری نیست* زیرا آنانیکه بدون شریعت کناه کنند بیشریعت نیز هلاك
شوند وآنانیکه با شریعت کناه کنند از شریعت برایشان حکم خواهد شد*
١٣ ازآنجهة که شنوندکان شریعت درحضور خدا عادل نیستند بلکه کنندکان شریعت
١٤ عادل شمرده خواهند شد* زیرا هرکاه امّتهائیکه شریعت ندارند کارهای شریعترا
١٥ بطبیعت بجا آرند اینان هرچند شریعت ندارند برای خود شریعت هستند* چونکه
ازایشان ظاهر میشود که عمل شریعت بردل ایشان مکتوب است وضمیر ایشان
نیز کواهی میدهد وافکار ایشان با یکدیکر یا مذمّت میکنند یا عذر میآورند*
١٦ در روزیکه خدا رازهای مردمرا داوری خواهد نمود بوساطت عیسی مسیح برحسب
١٧ بشارت من* پس اکر تو مسمّی بیهود هستی وبر شریعت تکیه میکنی وبخدا فخر
١٨ مینمائی* وارادهٔ اورا میدانی واز شریعت تربیت یافته چیزهای افضلرا میکزینی*
١٩ ٢٠ ویقین داری که خود هادیٔ کوران ونور ظلمتیان* ومؤدّب جاهلان ومعلّم اطفال
٢١ هستی ودر شریعت صورت معرفت وراستیرا داری* پس ای کسیکه دیکرانرا
تعلیم میدهی چرا خودرا نمیآموزی ووعظ میکنی که دزدی نباید کرد آیا خود
٢٢ دزدی میکنی* واز زنا کردن نهی میکنی آیا خود زانی نیستی واز بتها نفرت داری
٢٣ آیا خود معبدهارا غارت نمیکنی* وبشریعت فخر میکنی آیا بتجاوز از شریعت
٢٤ خدارا اهانت نمیکنی* زیراکه بسبب شما درمیان امّتها اسم خدارا کفر میکویند

٢٥ چنانکه مکتوبست* زیرا ختنه سودمند است هرکاه بشریعت عمل نمائی امّا آکر
٢٦ ازشریعت تجاوز نمائی ختنهٔ تو نا مختونی کشته است* پس آکر نا مختونی احکام
٢٧ شریعترا نکاه دارد. آیا نا مختونیٔ او ختنه شمرده نمیشود* ونا مختونیٔ طبیعی هرکاه
شریعترا بجا آرد حکم خواهد کرد بر تو که با وجود کتب وختنه از شریعت تجاوز
٢٨ میکنی* زیرا آنکه درظاهر است یهودی نیست وآنچه درظاهر درجسم است
٢٩ ختنه نی* بلکه یهود آنستکه در باطن باشد وختنه انکه قلبی باشد در روح نه در
حرف که مدح آن نه از انسان بلکه از خداست*

باب سوّم

١ پس برتریٔ یهود چیست ویا از ختنه چه فائده* بسیار از هرجهة اوّل آنکه
٢ بدیشان کلام خدا امانت داده شده است* زیراکه چه بکوئیم آکر بعضی ایمان
٣
٤ نداشتند آیا بی ایمانیٔ ایشان امانت خدارا باطل میسازد* حاشا. بلکه خدا راستکو
باشد وهر انسان دروغکو چنانکه مکتوبست تا اینکه درسخنان خود مصدّق شوی
٥ ودر داوریٔ خود غالب آئی* لکن آکر ناراستیٔ ما عدالت خدارا ثابت میکند
چه کوئیم آیا خدا ظالم است وقتیکه غضب مینماید. بطور انسان سخن میکویم*
٦ حاشا. در این صورت خدا چکونه عالمرا داوری خواهد کرد* زیرا آکر بدروغ
٧
من راستیٔ خدا برای جلال او افزون شود پس چرا بر من نیز چون کناهکار حکم
٨ شود* وچرا نکوئیم چنانکه بعضی برما افترا میزنند وکمان میبرند که ما چنین
میکوئیم بدی بکنیم تا نیکوئی حاصل شود که قصاص ایشان به انصاف است* پس
٩
چه کوئیم آیا برتری داریم. نه بهیچ وجه زیرا پیش ادّعاء وارد آوردیم که یهود
١٠ ویونانیان هر دو بکناه کرفتارند* چنانکه مکتوبست که کسی عادل نیست یکی
١١ هم نی* کسی فهیم نیست کسی طالب خدا نیست* همه کمراه وجمیعًا باطل
١٢
١٣ کردیده‌اند نیکوکاری نیست یکی هم نی* کلوی ایشان کور کشاده است وبزبانهای
١٤ خود فریب میدهند. زهر مار در زیر لب ایشانست* ودهان ایشان پر از لعنت
١٥ وتلخی است* پایهای ایشان برای خون ریختن شتابانست* هلاکت وپریشانی
١٦
١٧ درطریقهای ایشانست* وطریق سلامتیرا ندانسته‌اند* خداترسی درچشمانشان
١٨

١٩ نیست * الآن آگاه هستیم که آنچه شریعت میکوید به اهل شریعت خطاب میکند
٢٠ تا هر دهانی بسته شود وتمام عالم زیر قصاص خدا آیند * از آنجا که به اعمال
شریعت هیچ بشری در حضور او عادل شمرده نخواهد شد چونکه از شریعت
٢١ دانستن کناه است * لکن الحال بدون شریعت عدالت خدا ظاهر شده است
٢٢ چنانکه توراة وانبیاء برآن شهادت میدهند * یعنی عدالت خدا که بوسیلهٔ ایمان
٢٣ بعیسی مسیح است بهمه وکلّ آنانیکه ایمان آورند زیرا که هیچ تفاوتی نیست * زیرا
٢٤ همه کناه کرده‌اند واز جلال خدا قاصر میباشند * وبفیض او مجّانًا عادل شمرده
٢٥ میشوند بوساطت آن فدیهٔ که در عیسی مسیح است * که خدا اورا از قبل معیّن
کرد تا کفّاره باشد بواسطهٔ ایمان بوسیلهٔ خون او تا آنکه عدالت خودرا ظاهر
٢٦ سازد بسبب فرو کذاشتن خطایای سابق درحین تحمّل خدا * برای اظهار عدالت
خود درزمان حاضر تا او عادل شود وعادل شمارد هر کسیرا که بعیسی ایمان
٢٧ آورد * پس جای فخر کجا است • برداشته شده است • بکدام شریعت • آیا بشریعت
٢٨ اعمال نی بلکه بشریعت ایمان * زیرا یقین میدانیم که انسان بدون اعمال شریعت
٢٩ محض ایمان عادل شمرده میشود * آیا او خدای یهود است فقط مکر خدای امّتها
٣٠ هم نیست • البتّه خدای امتها نیز است * زیرا واحد است خدائیکه اهل ختنه‌را
٣١ از ایمان ونا مختونانرا به ایمان عادل خواهد شمرد * پس آیا شریعترا به ایمان باطل
میسازیم • حاشا • بلکه شریعترا استوار میداریم *

باب چهارم

١ ٢ پس چه چیزرا بکوئیم که پدرما ابراهیم بحسب جسم یافت * زیرا اکر ابراهیم
٣ به اعمال عادل شمرده شد جای فخر دارد امّا نه در نزد خدا * زیرا کتاب چه
٤ میکوید ابراهیم بخدا ایمان آورد وآن برای او عدالت محسوب شد * لکن برای
٥ کسیکه عمل میکند مزدش نه از راه فیض بلکه از راه طلب محسوب میشود * وامّا
کسیکه عمل نکند بلکه ایمان آورد باو که بیدینانرا عادل میشمارد ایمان او عدالت
٦ محسوب میشود * چنانکه داود نیز خوش حالئ آنکسرا ذکر میکند که خدا برای
٧ او عدالت محسوب میدارد بدون اعمال * خوشابحال کسانیکه خطایای ایشان

٨ آمرزیده شد وکناهانشان مستور کردید ٭ خوشابحال کسیکه خداوند کناهرا بوی
٩ محسوب نفرماید ٭ پس آیا این خوشحالی براهل ختنه کفته شد یا برای نا مختونان
١٠ نیز زیرا میکوئیم ایمان ابراهیم بعدالت محسوب کشت ٭ پس درچه حالت محسوب
١١ شد وقتیکه او درختنه بود یا در نامختونی ٭ درختنه نی بلکه در نامختونی ٭ وعلامت
ختنه‌را یافت تا مُهر باشد برآن عدالت ایمانیکه در نامختونی داشت تا او همهٔ
١٢ نامختونانرا که ایمان آورند پدر باشد تا عدالت برای ایشان هم محسوب شود ٭ وپدر
اهل ختنه نیز یعنی آنانیرا که نه فقط مختونند بلکه سالك هم میباشند برآثار ایمانی
١٣ که پدر ما ابراهیم در نامختونی داشت ٭ زیرا به ابراهیم وذریّت او وعدهٔ که او
١٤ وارث جهان خواهد بود ازجهة شریعت داده نشد بلکه از عدالت ایمان ٭ زیرا
١٥ اکر اهل شریعت وارث باشند ایمان عاطل شد ووعده باطل ٭ زیراکه شریعت
١٦ باعث غضب است زیرا جائیکه شریعت نیست تجاوز هم نیست ٭ واز اینجهة
از ایمان شد تا محض فیض باشد تا وعده برای همکیٔ ذریّت استوار شود نه مختصّ
١٧ بذریّت شرعی بلکه بذریّت ایمانیٔ ابراهیم نیز که پدر جمیع ما است ٭ (چنانکه
مکتوب است که ترا پدر امّتهای بسیار ساخته‌ام) درحضور آنخدائیکه باو ایمان آورد
١٨ که مردکانرا زنده میکند ونا موجودانرا بوجود میخواند ٭ که او درنا امیدی به امید
ایمان آورد تا پدر امّتهای بسیار شود برحسب آنچه کفته شد که ذریّت تو چنین
١٩ خواهند بود ٭ ودر ایمان کم قوّت نشده نظر کرد ببدن خود که در آنوقت مرده
٢٠ بود چونکه قریب بصد ساله بود وبه رَحِم مردهٔ سارَه ٭ ودر وعدهٔ خدا از بی
٢١ ایمانی شك ننمود بلکه قویّ الایمان کشته خدارا تمجید نمود ٭ ویقین دانست که
٢٢ بوفای وعدهٔ خود نیز قادر است ٭ واز اینجهة برای او عدالت محسوب شد ٭
٢٣ ٢٤ ولکن اینکه برای وی محسوب شد نه برای او فقط نوشته شد ٭ بلکه برای ما نیز
که بما محسوب خواهد شد چون ایمان آوریم باو که خداوند ما عیسی را از مردکان
٢٥ برخیزانید ٭ که بسبب کناهان ما تسلیم کردید وبسبب عادل شدن ما
برخیزانیده شد ٭

باب پنجم

١ پس چونکه بایمان عادل شمرده شدیم نزد خدا سلامتی داریم بوساطت خداوند

۲ ما عیسی مسیح * که بوساطت او دخول نیز یافته‌ایم بوسیلهٔ ایمان درآن فیضیکه
۳ درآن پایداریم وبه امید جلال خدا فخر مینمائیم * ونه این تنها بلکه درمصیبتها هم
٤ فخر میکنیم چونکه میدانیم که مصیبت صبررا پیدا میکند * وصبر امتحانرا وامتحان
٥ امیدرا * وامید باعث شرمساری نمیشود زیراکه محبّت خدا دردلهای ما بروح
٦ القدس که بما عطا شد ریخته شده است * زیرا هنگامیکه ما هنوز ضعیف بودیم
۷ درزمان معیّن مسیح برای بیدینان وفات یافت * زیرا بعید است که برای شخص
عادل کسی بمیرد هرچند در راه مرد نیکو ممکنست کسی نیز جرأت کند که بمیرد *
۸ لکن خدا محبّت خودرا درما ثابت میکند از اینکه هنگامیکه ما هنوز گناهکار
۹ بودیم مسیح در راه ما مرد * پس چه قدر بیشتر الآن که بخون او عادل شمرده
۱۰ شدیم بوسیلهٔ او از غضب نجات خواهیم یافت * زیرا اگر درحالتیکه دشمن بودیم
به وساطت مرگ پسرش با خدا صلح داده شدیم پس چه قدر بیشتر بعد از صلح
۱۱ یافتن بوساطت حیات او نجات خواهیم یافت * ونه همین فقط بلکه درخدا هم
فخر میکنیم بوسیلهٔ خداوند ما عیسی مسیح که بوساطت او الآن صلح یافته‌ایم *
۱۲ لهذا همچنانکه بوساطت یك آدم گناه داخل جهان گردید وبگناه موت ، وباینگونه
۱۳ موت بر همهٔ مردم طاری گشت از آنجا که همه گناه کردند * زیرا قبل ازشریعت گناه
۱٤ درجهان میبود لکن گناه محسوب نمیشود درجائیکه شریعت نیست * بلکه از آدم
تا موسی موت تسلّط میداشت برآنانی نیز که برمثال تجاوز آدم که نمونهٔ آن آینده
۱٥ است گناه نکرده بودند * ونه چنانکه خطا بود همچنان نعمت نیز باشد ، زیرا اگر
بخطای یکشخص بسیاری مردند چه قدر زیاده فیض خدا وآن بخششیکه بفیض
۱٦ یك انسان یعنی عیسی مسیح است برای بسیاری افزون گردید * ونه اینکه مثل
آنچه از یك گناهکار سر زد همچنان بخشش باشد زیرا حکم شد از یك برای قصاص
۱۷ لکن نعمت از خطایای بسیار برای عدالت رسید * زیرا اگر بسبب خطای یك
نفر وبواسطهٔ آن یك موت سلطنت کرد چه قدر بیشتر آنانیکه افزونیٔ فیض
وبخشش عدالترا میپذیرند درحیات سلطنت خواهند کرد بوسیلهٔ یك یعنی عیسی
۱۸ مسیح * پس همچنانکه بیك خطا حکم شد برجمیع مردمان برای قصاص همچنین
۱۹ بیك عمل صالح بخشش شد برجمیع مردمان برای عدالت حیات * زیرا بهمین

قسمیکه از نافرمانیٔ یك شخص بسیاری کناهکار شدند همچنین نیز به اطاعت یك
٢٠ شخص بسیاری عادل خواهند کردید * امّا شریعت درمیان آمد تا خطا زیاده شود
٢١ لکن جائیکه کناه زیاده کشت فیض بینهایت افزون کردید * تا آنکه چنانکه
کناه در موت سلطنت کرد همچنین فیض نیز سلطنت نماید بعدالت برای حیات
جاودانی بوساطت خداوند ما عیسی مسیح *

باب ششم

١ پس چه کوئیم آیا درکناه بمانیم تا فیض افزون کردد * حاشا ۰ ماyانیکه ازکناه مردیم
٢
٣ چکونه دیکر در آن زیست کنیم * یا نمیدانید که جمیع ما که در مسیح عیسی تعمید
٤ یافتیم درموت او تعمید یافتیم * پس چونکه درموت او تعمید یافتیم با او دفن
شدیم تا آنکه بهمین قسمیکه مسیح بجلال پدر ازمردکان برخاست مانیز درتازکیٔ
٥ حیات رفتار نمائیم * زیرا اکر برمثال موت او متّحد کشتیم هرآینه درقیامت وی
٦ نیز چنین خواهیم شد * زیرا اینرا میدانیم که انسانیّت کهنهٔ ما با او مصلوب شد
٧ تا جسد کناه معدوم کشته دیکر کناهرا بندکی نکنیم * زیرا هرکه مُرد ازکناه مبرّا
٨ شده است * پس هرکاه با مسیح مردیم یقین میدانیم که با او زیست هم خواهیم کرد *
٩ زیرا میدانیم که چون مسیح ازمردکان برخاست دیکر نمیمیرد وبعد ازاین موت براو
١٠ تسلّطی ندارد * زیرا بآنچه مرد یکمرتبه برای کناه مرد وبآنچه زندکی میکند برای
١١ خدا زیست میکند * همچنین شما نیز خودرا برای کناه مرده انکارید امّا برای خدا
١٢ درمسیح عیسی زنده * پس کناه درجسم فانیٔ شما حکمرانی نکند تا هوسهای آنرا
١٣ اطاعت نمائید * واعضای خودرا بکناه مسپارید تا آلات ناراستی شوند بلکه
خودرا ازمردکان زنده شده بخدا تسلیم کنید واعضای خودرا تا آلات عدالت برای
١٤ خدا باشند * زیرا کناه برشما سلطنت نخواهد کرد چونکه زیرشریعت نیستید بلکه
١٥ زیر فیض * پس چه کوئیم آیا کناه بکنیم ازآنروکه زیر شریعت نیستیم بلکه زیر
١٦ فیض ۰ حاشا * آیا نمیدانید که اکر خویشتنرا به بندکیٔ کسی تسلیم کرده اورا اطاعت
نمائید شما آنکسرا که اورا اطاعت میکنید بنده هستید خواه کناهرا برای مرك خواه
١٧ اطاعترا برای عدالت * امّا شکر خدارا که هرچند غلامان کناه میبودید لیکن

۱۸ الآن ازدل مطیع آنصورت تعلیم کردیده اید که بآن سپرده شده اید ٭ واز کناه آزاد
۱۹ شده غلامان عدالت کشته‌اید ٭ بطور انسان بسبب ضعف جسم شما سخن میکویم
زیرا همچنانکه اعضای خودرا ببندکیٔ نجاست وکناه برای کناه سپردید همچنین الآن
۲۰ نیز اعضای خودرا ببندکیٔ عدالت برای قدّوسیّت بسپارید ٭ زیرا هنکامیکه
۲۱ غلامان کناه میبودید ازعدالت آزاد میبودید ٭ پس آنوقت چه ثمر داشتید ازآن
۲۲ کارهائیکه الآن ازآنها شرمنده‌اید که انجام انها موت است ٭ امّا الحال چونکه ازکناه
آزاد شده وغلامان خدا کشته‌اید ثمر خودرا برای قدّوسیّت میآورید که عاقبت
۲۳ آن حیات جاودانی است ٭ زیراکه مزد کناه موت است امّا نعمت خدا حیات
جاودانی درخداوند ما عیسی مسیح ٭

باب هفتم

۱ ای برادران آیا نمیدانید (زیراکه با عارفین شریعت سخن میکویم) که مادامیکه
۲ انسان زنده است شریعت بروی حکمرانی دارد ٭ زیرا زن منکوحه برحسب شریعت
بشوهرِ زنده بسته است امّا هرکاه شوهرش بمیرد از شریعتِ شوهرش آزاد شود ٭
۳ پس مادامیکه شوهرش حیات دارد اکر بمرد دیکر پیوندد زانیه خوانده میشود لکن
هرکاه شوهرش بمیرد ازآن شریعت آزاد است که اکر بشوهری دیکر داده شود
۴ زانیه نباشد ٭ بنابرین ای برادرانِ من شما نیز بوساطت جسد مسیح برای شریعت
مرده شدید تا خودرا بدیکری پیوندید یعنی با او که از مردکان برخاست تا بجهة
۵ خدا ثمر آوریم ٭ زیرا وقتیکه درجسم بودیم هوسهای کناهانیکه از شریعت بود
۶ دراعضای ما عمل میکرد تا بجهة موت ثمر آوریم ٭ امّا الحال چون برای آنچیزیکه
درآن بسته بودیم مُردیم ازشریعت آزاد شدیم بحدّیکه درتازکیٔ روح بندکی میکنیم نه
۷ در کُهنکیٔ حرف ٭ پس چه کوئیم آیا شریعت کناه است. حاشا بلکه کناهرا جز
بشریعت ندانستیم زیراکه شهوترا نمیدانستم اکر شریعت نمیکفت که طمع مورز ٭
۸ لکن کناه ازحکم فرصت جسته هرقسم طمعرا درمن پدید آورد زیرا بدون شریعت
۹ کناه مرده است ٭ ومن ازقبل بدون شریعت زنده میبودم لکن چون حکم آمد
۱۰ کناه زنده کشت ومن مردم ٭ وآنحکمیکه برای حیات بود همان مرا باعث موت

۱۱ کردید* زیرا کناه ازحکم فرصت یافته مرا فریب داد وبآن مرا کُشت* خلاصه ۱۲
۱۳ شریعت مقدّس است وحکم مقدّس وعادل؛ ونیکو* پس آیا نیکوئی برای من
موتِ کردید. حاشا. بلکه کناه تا کناه بودنش ظاهر شود بوسیلهٔ نیکوئی برای من
۱٤ باعث مرك شد تا آنکه کناه بسبب حکم بغایت خبیث شود* زیرا میدانیم که
۱۵ شریعت روحانی است لکن من جسمانی وزیر کناه فروخته شده هستم* که آنچه
میکنم نمیدانم زیرا آنچه میخواهم نمیکنم بلکه کاریرا که ازآن نفرت دارم بجا میآورم*
۱٦ پس هرکاه کاریرا که نمیخواهم بجا میآورم شریعترا تصدیق میکنم که نیکو است* والحال ۱۷
۱۸ من دیکر فاعل آن نیستم بلکه آن کناهیکه درمن ساکن است* زیرا میدانم که
درمن یعنی در جسدم هیچ نیکوئی ساکن نیست زیراکه اراده درمن حاضر است
۱۹ امّا صورتِ نیکو کردن نی* زیرا آن نیکوئیرا که میخواهم نمیکنم بلکه بدیرا که
۲۰ نمیخواهم میکنم* پس چون آنچه‌را نمیخواهم میکنم من دیکر فاعل آن نیستم بلکه کناه
۲۱ که درمن ساکنست* لهذا این شریعترا میابم که وقتیکه میخواهم نیکوئی کنم بدی
۲۲ نزد من حاضر است* زیرا برحسب انسانیّت باطنی بشریعت خدا خوشنودم*
۲۳ لکن شریعتی دیکر دراعضای خود میبینم که با شریعت ذهن من منازعه میکند ومرا
۲٤ اسیر میسازد بآن شریعت کناه که دراعضای من است* وای برمن که مرد شقی
۲۵ هستم. کیست که مرا از جسم این موت رهائی بخشد* خدارا شکر میکنم بوساطت
خداوند ما عیسی مسیح. خلاصه اینکه من بذهن خود شریعت خدارا بندکی میکنم
وامّا بجسم خود شریعت کناه‌را*

باب هشتم

۱ پس هیچ قصاص نیست برآنانیکه درمسیح عیسی هستند* زیراکه شریعتِ روح ۲
۳ حیات درمسیح عیسی مرا ازشریعت کناه وموت آزاد کردانید* زیرا آنچه از
شریعت محال بود چونکه بسبب جسم ضعیف بود خدا پسر خودرا در شبیه جسم
٤ کناه وبرای کناه فرستاده برکناه درجسم فتوی داد* تا عدالت شریعت کامل کردد
۵ درمایانیکه نه بحسب جسم بلکه برحسب روح رفتار میکنیم* زیرا آنانیکه برحسب جسم
هستند درچیزهای جسم تفکّر میکنند وامّا آنانیکه برحسب روح هستند درچیزهای

۶ روح * از آنجهة که تفکّر جسم موت است لکن تفکّر روح حیات وسلامتی است *
۷ زانرو که تفکّر جسم دشمنیٔ خدا است چونکه شریعتِ خدارا اطاعت نمیکند زیرا
۸ ۹ نمیتواند هم بکند * وکسانیکه جسمانی هستند نمیتوانند خدارا خوشنود سازند * لکن
شما در جسم نیستید بلکه درروح هرگاه روح خدا درشما ساکن باشد * وهرگاه
۱۰ کسی روح مسیح را ندارد وی ازآن اونیست * واگر مسیح درشما است جسم بسبب
۱۱ گناه مرده است وامّا روح بسبب عدالت حیات است * واگر روح اوکه عیسی را
ازمردگان برخیزانید درشما ساکن باشد اوکه مسیح را از مردگان برخیزانید بدنهای
۱۲ فانیٔ شمارا نیز زنده خواهد ساخت بروح خود که درشما ساکن است * بنابرین
۱۳ ای برادران مدیون جسم نیستیم تا برحسب جسم زیست نمائیم * زیرا اگر برحسب
جسم زیست کنید هرآینه خواهید مرد لکن اگر افعال بدنرا بوسیلهٔ روح بکُشید
۱۴ همانا خواهید زیست * زیرا همهٔ کسانیکه ازروح خدا هدایت میشوند ایشان
۱۵ پسران خدایند * ازآنروکه روح بندگیرا نیافته‌اید تا باز ترسان شوید بلکه روح
۱۶ پسرخواندگیرا یافته‌ایدکه بآن ابّا یعنی ای پدر ندا میکنیم * همان روح برروحهای
۱۷ ما شهادت میدهد که فرزندان خدا هستیم * وهرگاه فرزندانیم وارثان هم هستیم
یعنی وَرَثهٔ خدا وهم ارث با مسیح اگر شریک مصیبتهای او هستیم تا درجلال وی
۱۸ نیز شریک باشیم * زیرا یقین میدانم که دردهای زمان حاضر نسبت بآن جلالیکه
۱۹ درما ظاهر خواهد شد هیچ است * زیراکه انتظار خلقت منتظر ظهور پسران
۲۰ خدا میباشد * زیرا خلقت مطیع بطالت شد نه به ارادهٔ خود بلکه بخاطر او که
۲۱ آنرا مطیع گردانید * درامید که خودِ خلقت نیز ازقید فساد خلاصی خواهد یافت
۲۲ تا درآزادیٔ جلال فرزندان خدا شریک شود * زیرا میدانیم که تمام خلقت تا
۲۳ الآن باهم درآه کشیدن ودرد زه میباشند * ونه این فقط بلکه ما نیز که نوبر
روح را یافته‌ایم درخود آه میکشیم درانتظار پسرخواندگی یعنی خلاصیٔ جسم خود *
۲۴ زیراکه به امید نجات یافتیم لکن چون امید دیده شد دیگر امید نیست زیرا آنچه
۲۵ کسی بیند چرا دیگر درامید آن باشد * امّا اگر امید چیزیرا داریم که نمیبینیم با
۲۶ صبر انتظار آن میکشیم * وهمچنین روح نیز ضعف مارا مدد میکند زیراکه آنچه
دعا کنیم بطوریکه میباید نمیدانیم لکن خود روح برای ما شفاعت میکند بنالهائیکه

۲۷ نمیشود بیان کرد* واو که تفحّص کنندهٔ دلهاست فکر روح‌را میداند زیرا که او برای
۲۸ مقدّسین برحسب ارادهٔ خدا شفاعت میکند* ومیدانیم که بجهة آنانیکه خدارا
دوست میدارند وبحسب ارادهٔ او خوانده شده‌اند همهٔ چیزها برای خیریّت (ایشان)
۲۹ باهم درکار میباشند* زیرا آنانیرا که ازقبل شناخت ایشانرا نیزپیش معیّن فرمود
۳۰ تا بصورت پسرش متشکّل شوند تا او نخستزاده از برادران بسیار باشد* وآنانیرا
که ازقبل معین فرمود ایشانرا هم خواند و آنانیرا که خواند ایشانرا نیز عادل
۳۱ کردانید وآنانیرا که عادل کردانید ایشانرا نیز جلال داد* پس باین چیزها چه
۳۲ کوئیم. هرکاه خدا باما است کیست بضدّ ما* اوکه پسر خودرا دریغ نداشت بلکه
۳۳ اورا درراه جمیع ما تسلیم نمود چکونه باوی همه چیزرا بما نخواهد بخشید* کیست که
۳۴ بر برکزیدکان خدا مدّعی شود. آیا خدا که عادل کننده است* کیست که برایشان
فتوی دهد. آیا مسیح که مُرد بلکه نیز برخاست آنکه بدست راست خدا هم هست
۳۵ ومارا نیز شفاعت میکند* کیست که مارا ازمحبّت مسیح جدا سازد. آیا مصیبت یا
۳۶ دل تنکی یا جفا یا قحط یا عریانی یا خطر یا شمشیر* چنانکه مکتوبست که بخاطر
۳۷ تو تمام روز کُشته ومثل کوسفندان ذبحی شمرده میشویم* بلکه درهمهٔ این امور ازحدّ
۳۸ زیاده نصرت یافتیم بوسیلهٔ اوکه مارا محبّت نمود* زیرا یقین میدانم که نه موت ونه
حیات ونه فرشتکان ونه رؤساء ونه قدرتها ونه چیزهای حال ونه چیزهای آینده*
۳۹ ونه بلندی ونه پستی ونه هیچ مخلوق دیکر قدرت خواهد داشت که مارا ازمحبّت
خدا که درخداوند ما مسیح عیسی است جدا سازد*

باب نهم

۱ درمسیح راست میکویم ودروغ نی وضمیرمن درروح القدس مرا شاهد است*
۲ ۳ که مرا غمی عظیم ودردلم وجع دائمیست* زیرا راضی هم میبودم که خود ازمسیح
۴ محروم شوم درراه برادرانم که بحسب جسم خویشان منند* که ایشان اسرائیلی‌اند
وپسرخواندکی وجلال وعهدها وامانت شریعت وعبادت ووعدها ازآنِ ایشان
۵ است* که پدران ازآن ایشانند وازایشان مسیح بحسب جسم شد که فوق ازهمه
۶ است خدای متبارك تا ابد الآباد. آمین* ولکن چنین نیست که کلام خدا ساقط

٧ شده باشد زیرا همه که ازاسرائیل اند اسرائیلی نیستند* و نه نسل ابراهیم تماماً فرزند
٨ هستند بلکه نسل تو دراسحق خوانده خواهند شد* یعنی فرزندان جسم فرزندان
٩ خدا نیستند بلکه فرزندان وعده ازنسل محسوب میشوند* زیرا کلام وعده این
١٠ است که موافق چنین وقت خواهم آمد وساره را پسری خواهد بود* و نه این
١١ فقط بلکه رِفْقَه نیز چون ازیك شخص یعنی ازپدر ما اسحق حامله شد* زیرا
هنکامیکه هنوز تولّد نیافته بودند وعملی نیك یا بد نکرده تا ارادهٔ خدا برحسب
١٢ اختیار ثابت شود نه ازاعمال بلکه ازدعوت کننده* بدو کفته شد که بزرکتر
١٣ کوچکتررا بندکی خواهد نمود* چنانکه مکتوبست یعقوبرا دوست داشتم اما
١٤ عیصورا دشمن* پس چه کوئیم آیا نزد خدا بی‌انصافی است. حاشا* زیرا
١٥
بموسی میکوید رحم خواهم فرمود برهرکه رحم کنم ورأفت خواهم نمود برهرکه رأفت
١٦ نمایم* لاجرم نه ازخواهش کننده ونه ازشتابنده است بلکه ازخدای رحم کننده*
١٧ زیرا کتاب بفرعون میکوید برای همین ترا برانکیختم تا قوّت خودرا درتو ظاهر سازم
١٨ وتا نام من درتمام جهان ندا شود* بنابرین هرکرا میخواهد رحم میکند وهرکرا
١٩ میخواهد سنکدل میسازد* پس مرا میکوئی دیکر چرا ملامت میکند زیرا کیست
٢٠ که با ارادهٔ او مقاومت نموده باشد* نی بلکه تو کیستی ای انسان که با خدا
٢١ معارضه میکنی آیا مصنوع بصانع میکوید که چرا مرا چنین ساختی* یا کوزه کر
٢٢ اختیار برکِل ندارد که ازیك خمیره ظرفی عزیز وظرفی ذلیل بسازد* واکر خدا
چون اراده نمود که غضب خودرا ظاهر سازد وقدرت خویشرا بشناساند ظروف
٢٣ غضبرا که برای هلاکت آماده شده بود بحلم بسیار متحمّل کردید* وتا دولت
جلال خودرا بشناساند برظروف رحمتیکه آنهارا ازقبل برای جلال مستعدّ نمود*
٢٤ وآنهارا نیز دعوت فرمود یعنی ما نه ازیهود فقط بلکه ازامّتها نیز* چنانکه درهوشع
٢٥
هم میکوید آنانیرا که قوم من نبودند قوم خود خواهم خواند واورا که دوست
٢٦ نداشتم محبوبهٔ خود* وجائیکه بایشان کفته شد که شما قوم من نیستید درآنجا پسران
٢٧ خدای حیّ خوانده خواهند شد* واشعیاء نیز درحقّ اسرائیل ندا میکند که هرچند
٢٨ عدد بنی اسرائیل مانند ریك دریا باشد لکن بقیّهٔ نجات خواهند یافت* زیرا
٢٩ خداوند کلام خودرا تمام ومنقطع ساخته برزمین بعمل خواهد آورد* وچنانکه

اشعیاء پیش اخبار نمود که اکر ربّ الجنود برای ما نسلی نمیکذارد هرآینه مثل سدوم
٣٠ میشدیم ومانند غَمورَه میکشتیم ٭ پس چه کوئیم امّتهائیکه درپی عدالت نرفتند
٣١ عدالترا حاصل نمودند یعنی عدالتیکه ازایمانست ٭ لکن اسرائیل که درپی شریعت
٣٢ عدالت میرفتند بشریعت عدالت نرسیدند ٭ ازچه سبب ۰ ازاینجهة که نه ازراه
ایمان بلکه ازراه اعمالِ شریعت آنرا طلبیدند زیراکه بسنك مصادم لغزش خوردند ٭
٣٣ چنانکه مکتوب است که اینك درصهیون سنکی مصادم وصخرهٔ لغزش مینهم وهر
که براو ایمان آورد خجل نخواهد کردید ٭

باب دهم

١ ای برادران خوشئ دل من ودعای من نزد خدا بجهة اسرائیل برای نجات
٢ ایشانست ٭ زیرا بجهة ایشان شهادت میدهم که برای خدا غیرت دارند لکن نه
٣ ازروی معرفت ٭ زیراکه چون عدالت خدارا نشناخته میخواستند عدالت خودرا
٤ ثابت کنند مطیع عدالت خدا نکشتند ٭ زیراکه مسیح است انجام شریعت بجهة
٥ عدالت برای هرکس که ایمان آورد ٭ زیرا موسی عدالت شریعترا بیان میکند که
٦ هرکه باین عمل کند دراین خواهد زیست ٭ لکن عدالت ایمان بدینطور سخن
میکوید که در خاطر خود مکو کیست که بآسمان صعود کند یعنی تا مسیح را فرود
٧ ٨ آورد ٭ یا کیست که بهاویه نزول کند یعنی تا مسیحرا ازمردکان برآورد ٭ لکن چه
میکوید ۰ اینکه کلام نزد تو ودر دهانت ودرقلب تواست یعنی اینکلام ایمان که
٩ بآن وعظ میکنیم ٭ زیرا اکر بزبان خود عیسی خداوندرا اعتراف کنی ودر دل
١٠ خود ایمان آوری که خدا اورا ازمردکان برخیزانید نجات خواهی یافت ٭ چونکه
١١ بدل ایمان آورده میشود برای عدالت وبزبان اعتراف میشود بجهة نجات ٭ وکتاب
١٢ میکوید هرکه باو ایمان آورد خجل نخواهد شد ٭ زیراکه دریهود ویونانی تفاوتی
نیست که همان خداوند خداوندِ همه است ودولتمند است برای همه که نام اورا
١٣ ١٤ میخوانند ٭ زیرا هرکه نام خداوندرا بخواند نجات خواهد یافت ٭ پس چکونه
بخوانند کسیراکه باو ایمان نیاوردهاند وچکونه ایمان آورند بکسیکه خبر اورا نشنیدهاند
١٥ وچکونه بشنوند بدون واعظ ٭ وچکونه وعظ کنند جز اینکه فرستاده شوند

چنانکه مکتوب است که چه زیبا است پایهای آنانیکه بسلامتی بشارت میدهند
۱٦ وبچیزهای نیکو مژده میدهند* لکن همه بشارت‌را کوش نکرفتند زیرا اِشْعَیاء
۱۷ میکوید خداوندا کیست که اخبار مارا باور کرد* لهذا ایمان از شنیدن است
۱۸ وشنیدن از کلام خدا* لکن میکویم آیا نشنیدند البتّه شنیدند. صوت ایشان
۱۹ در تمام جهان منتشر کردید وکلام ایشان تا اقصای ربع مسکون رسید* ومیکویم
آیا اسرائیل ندانسته‌اند. اوّل موسی میکوید من شمارا بغیرت میآورم بآنکه امّتی نیست
۲۰ وبرقوم بیفهم شمارا خشمکین خواهم ساخت* واِشْعَیاء نیز جرأت کرده میکوید
۲۱ آنانیکه طالب من نبودند مرا یافتند وبکسانیکه مرا نطلبیدند ظاهر کردیدم* امّا
درحقّ اسرائیل میکوید تمام روز دستهای خودرا دراز کردم بسوی قومی نامطیع
ومخالف*

باب یازدهم

۱ پس میکویم آیا خدا قوم خودرا ردّ کرد. حاشا. زیراکه من نیز اسرائیلی از اولاد
۲ ابراهیم از سبط بنیامین هستم* خدا قوم خودرا که از قبل شناخته بود ردّ نفرموده
است. آیا نمیدانید که کتاب در الیاس چه میکوید چکونه براسرائیل ازخدا استغاثه
۳ میکند* که خداوندا انبیای ترا کشته ومذبحهای ترا کنده اند ومن بتنهائی
٤ مانده‌ام ودر قصد جان من نیز میباشند* لکن وَحْی بدو چه میکوید. اینکه هفت
٥ هزار مرد بجهة خود نکاه داشتم که بنزد بَعْل زانو نزده‌اند* پس همچنین در زمان
٦ حاضر نیز بقیّتی بحسب اختیار فیض مانده است* واکر از راه فیض است دیکر
از اعمال نیست وکرنه فیض دیکر فیض نیست. امّا اکر از اعمال است دیکر از فیض
۷ نیست والاّ عمل دیکر عمل نیست* پس مقصود چیست. اینکه اسرائیل آنچه‌را که
میطلبد نیافته است لکن برکزیدکان یافتند وباقی ماندکان سختدل کردیدند*
۸ چنانکه مکتوب است که خدا بدیشان روح خواب آلود داد چشمانیکه نه بیند
۹ وکوشهائیکه نشنود تا امروز* وداود میکوید که مائدهٔ ایشان برای ایشان تله
۱۰ ودام وسنك مصادم وعقوبت باد* چشمان ایشان تار شود تا نبینند وپشت
۱۱ ایشانرا دائمًا خم کردان* پس میکویم آیا لغزش خوردند تا بیفتند. حاشا. بلکه
۱۲ از لغزش ایشان نجات به امّتها رسید تا در ایشان غیرت پدید آوَرَدْ* پس چون

لغزش ایشان دولتمندیٔ جهان کردید ونقصان ایشان دولتمندیٔ امّتها • بچند مرتبه زیادتر
۱۳ پُریٔ ایشان خواهد بود * زیرا بشما ای امّتها سخن میکویم پس از این روی که رسول
۱۴ امّتها میباشم خدمت خودرا تمجید مینمایم * تا شاید ابنای جنس خودرا بغیرت آورم
۱۵ وبعضی از ایشانرا برهانم * زیرا اکر ردّ شدن ایشان مصالحت عالم شد باز یافتن ایشان
۱۶ چه خواهد شد جز حیات از مردکان * وچون نوبر مقدّس است همچنان خمیره
۱۷ وهرکاه ریشه مقدّس است همچنان شاخه‌ها * وچون بعضی از شاخه‌ها بریده شدند
وتوکه زیتون برّی بودی درآنها پیوند کشتی ودر ریشه وچربیٔ زیتون شریک شدی *
۱۸ برشاخه‌ها فخر مکن واکر فخر کنی تو حامل ریشه نیستی بلکه ریشه حامل تواست *
۱۹ ۲۰ پس میکوئی که شاخه‌ها بریده شدند تا من پیوند شوم * آفرین بجهة بی ایمانی بریده
۲۱ شدند وتو محض ایمان پایدار هستی • مغرور مباش بلکه بترس * زیرا اکر خدا
۲۲ برشاخه‌های طبیعی شفقت نفرمود بر تو نیز شفقت نخواهد کرد * پس مهربانی
وسختیٔ خدارا ملاحظه نما امّا سختی برآنانیکه افتادند امّا مهربانی برتو اکر درمهربانی
۲۳ ثابت باشی والاّ تو نیز بریده خواهی شد * واکر ایشان نیز در بی ایمانی نمانند باز
۲۴ پیوند خواهند شد زیرا خدا قادر است که ایشانرا بار دیکر به پیوندد * زیرا اکر
تو از زیتون طبیعیٔ برّی بریده شده برخلاف طبع بزیتون نیکو پیوند کشتی بچند مرتبه
۲۵ زیادتر آنانیکه طبیعی‌اند در زیتون خویش پیوند خواهند شد * زیرا ای برادران
نمیخواهم شما از این سرّ بیخبر باشید که مبادا خودرا دانا انکارید که مادامیکه پریٔ
۲۶ امّتها درنیاید سختدلی بر بعضی از اسرائیل طاری کشته است * وهمچنین همکیٔ
اسرائیل نجات خواهند یافت چنانکه مکتوب است که از صهیون نجات دهنده
۲۷ ظاهر خواهد شد وبیدینیرا از یعقوب خواهد برداشت * واین است عهد من با
۲۸ ایشان درزمانیکه کناهانشانرا بردارم * نظر به انجیل بجهة شما دشمنان اند لکن نظر
۲۹ به‌اختیار بخاطر اجداد محبوبند * زیراکه درنعمتها ودعوت خدا بازکشتن نیست *
۳۰ زیرا همچنانکه شما درسابق مطیع خدا نبودید والآن بسبب نافرمانیٔ ایشان رحمت
۳۱ یافتید * همچنین ایشان نیز الآن نافرمان شدند تا بجهة رحمتیکه برشما است
۳۲ برایشان نیز رحم شود * زیرا خدا همه‌را درنافرمانی بسته است تا برهمه رحم
۳۳ فرماید * زهی عمق دولتمندی وحکمت وعلم خدا چه • قدر بعید از غور رسی است

۳۴ احکام او وفوق ازکاوش است طریقهای وی * زیرا کیست که رای خداوندرا
۳۵ دانسته باشد یا کهِ مشیر او شده * یا کهِ سبقت جسته چیزی بدو داده تا باو
۳۶ بازداده شود * زیراکه ازاو وبه او وتا او همه چیزاست واورا تا ابد الآباد
جلال باد آمین *

باب دوازدهم

۱ لهذا ای برادران شمارا برحمتهای خدا استدعا میکنم که بدنهای خودرا قربانیٔ
۲ زندهٔ مقدّس پسندیدهٔ خدا بکذرانید که عبادت معقول شما است * وهمشکل
اینجهان مشوید بلکه بتازکیٔ ذهن خود صورت خودرا تبدیل دهید تا شما دریافت
۳ کنید که ارادهٔ نیکوی پسندیدهٔ کامل خدا چیست * زیرا بآن فیضیکه بمن عطا
شده است هر یکی از شمارا میکویم که فکرهای بلندتر ازآنچه شایسته است مکنید
بلکه به‌اعتدال فکر نمائید به‌اندازهٔ آن بهرهٔ ایمان که خدا بهر کس قسمت فرموده
۴ است * زیرا همچنانکه دریك بدن اعضای بسیار داریم وهر عضوبرا یك کار
۵ نیست * همچنین ما که بسیاریم یك جسد هستیم درمسیح امّا فرداً اعضای
۶ یکدیکر * پس چون نعمتهای مختلف داریم بحسب فیضیکه بما داده شد خواه
۷ نبوّت برحسب موافقت ایمان * یا خدمت درخدمت کذاری یا معلّم درتعلیم *
۸ ۹ یا واعظ درموعظه یا بخشنده بسخاوت یا پیشوا به‌اجتهاد یا رحم کننده بسرور * محبّت
۱۰ بیریا باشد ازبدی نفرت کنید وبه نیکوئی بپیوندید * با محبّت برادرانه یکدیکررا
۱۱ دوست دارید وهریك دیکریرا بیشتر ازخود اکرام بنماید * در اجتهاد کاهلی
۱۲ نورزید ودر روح سرکرم شده خداوندرا خدمت نمائید * درامید مسرور ودر
۱۳ مصیبت صابر ودر دعا مواظب باشید * مشارکت در احتیاجات مقدّسین کنید
۱۴ ودر مهمانداری ساعی باشید * برکت بطلبید برآنانیکه برشما جفا کنند * برکت
۱۵ ۱۶ بطلبید ولعن مکنید * خوشی کنید با خوشحالان وماتم نمائید با ماتمیان * برای
یکدیکر همان فکر داشته باشید ودر چیزهای بلند فکر مکنید بلکه با ذلیلان مدارا
۱۷ نمائید وخودرا دانا مشمارید * هیچکسرا بعوض بدی بدی مرسانید * پیش جمیع
۱۸ مردم تدارك کارهای نیکو بینید * اکر ممکنست بقدر قوّهٔ خود با جمیع خلق بصلح
۱۹ بکوشید * ای محبوبان انتقام خودرا مکشید بلکه خشمرا مهلت دهید زیرا مکتوب

۲۰ است خداوند میکوید که انتقام ازآن منست من جزا خواهم داد* پس اکر دشمن
تو کرسنه باشد اورا سیر کن واکر تشنه است سیرابش نما زیرا اکر چنین کنی
۲۱ اخکرهای آتش برسرش خواهی انباشت* مغلوب بدی مشو بلکه بدیرا بنیکوئی
مغلوب ساز*

باب سیزدهم

۱ هر شخص مطیع قدرتهای برتر بشود زیراکه قدرتی جز ازخدا نیست وآنهائیکه
۲ هست ازجانب خدا مرتّب شده است* حتّی هرکه با قدرت مقاومت نماید مقاومت
۳ با ترتیب خدا نموده باشد وهرکه مقاومت کند حکم برخود آورد* زیرا ازحکام
عمل نیکورا خوفی نیست بلکه عمل بدرا پس اکر میخواهی که ازآن قدرت ترسان
٤ نشوی نیکوئی کن که ازاو تحسین خواهی یافت* زیرا خادم خداست برای تو
بنیکوئی لکن هرکاه بدی کنی بترس چونکه شمشیررا عبث برنمیدارد زیرا او خادم
٥ خداست وبا غضب انتقام از بدکاران میکشد* لهذا لازمست که مطیع او شوی
٦ نه بسبب غضب فقط بلکه بسبب ضمیر خود نیز* زیراکه باین سبب باج نیز
۷ میدهید چونکه خدّام خدا ومواظب درهمین امر هستند* پس حقّ هرکسرا باو
ادا کنید. باجرا بمستحقّ باج وجزیه‌را بمستحقّ جزیه وترس‌را بمستحقّ ترس وعزّترا
۸ بمستحقّ عزّت* مدیون احدی بچیزی مشوید جز بمحبّت نمودن با یکدیکر زیرا
۹ کسیکه دیکریرا محبّت نماید شریعترا بجا آورده باشد* زیراکه زنا مکن. قتل مکن
دزدی مکن. شهادت دروغ مده. طمع مورز وهر حکمی دیکر که هست همه شامل
۱۰ است در اینکلام که همسایهٔ خودرا چون خود محبّت نما* محبّت به‌همسایهٔ خود
۱۱ بدی نمیکند پس محبّت تکمیل شریعت است* وخصوصاً چون وقترا میدانید که
الحال ساعت رسیده است که مارا باید از خواب بیدار شویم زیراکه الآن نجات
۱۲ ما نزدیکتر است ازآنوقتیکه ایمان آوردیم* شب منقضی شد وروز نزدیك آمد
۱۳ پس اعمال تاریکی‌را بیرون کرده اسلحهٔ نوررا بپوشیم* وبا شایستکی رفتار کنیم
۱٤ چنانکه در روز. نه در بزمها وسکرها وفسق وفجور ونزاع وحسد* بلکه عیسی
مسیح خداوندرا بپوشید وبرای شهوات جسمانی تدارك نبینید*

باب چهاردهم

١ وکسیرا که در ایمان ضعیف باشد بپذیرید لکن نه برای محاجّه در مباحثات *
٢ یکی ایمان دارد که همه چیزرا باید خورد امّا آنکه ضعیف است بُقُول میخورَد *
٣ پس خورنده نا خورندهرا حقیر نشمارد و نا خورنده برخورنده حکم نکند زیرا خدا
٤ اورا پذیرفته است * تو کیستی که بربندهٔ کسی دیکر حکم میکنی او نزد آقای خود
ثابت یا ساقط میشود لیکن استوار خواهد شد زیرا خدا قادر است که اورا ثابت
٥ نماید * یکی یکروزرا از دیکری بهتر میداند ودیکری هر روزرا برابر میشمارد پس
٦ هرکس درذهن خود مثیقّن بشود * آنکه روزرا عزیز میداند بخاطر خداوند
عزیزش میدارد وآنکه روزرا عزیز نمیدارد هم برای خداوند نمیدارد وهرکه
میخورد برای خداوند میخورد زیرا خدارا شکر میکوید وآنکه نمیخورد برای خداوند
٧ نمیخورد وخدارا شکر میکوید * زیرا احدی ازما بخود زیست نمیکند وهیچکس
٨ بخود نمیمیرد * زیرا اکر زیست کنیم برای خداوند زیست میکنیم واکر بمیریم برای
٩ خداوند میمیریم پس خواه زنده باشیم خواه بمیریم ازآن خداوندیم * زیرا برای همین
١٠ مسیح مرد وزنده کشت تا برزندکان ومردکان سلطنت کند * لکن تو چرا بربرادر
خود حکم میکنی یا تو نیز چرا برادر خودرا حقیر میشماری زانروکه همه پیش مسند
١١ مسیح حاضر خواهیم شد * زیرا مکتوبست خداوند میکوید بحیات خودم قسم که
١٢ هر زانوئی نزد من خم خواهد شد وهر زبانی بخدا اقرار خواهد نمود * پس هر یکی
١٣ از ما حساب خودرا بخدا خواهد داد * بنابرین بریکدیکر حکم نکنیم بلکه حکم
١٤ کنید باینکه کسی سنکی مصادم یا لغزشی در راه برادر خود ننهد * میدانم ودر
عیسی خداوند یقین میدارم که هیچ چیز درذات خود نجس نیست جز برای
١٥ آنکسیکه آنرا نجس پندارد برای او نجس است * زیرا هرکاه برادرت بخوراك آزرده
شود دیکر بمحبّت رفتار نمیکنی • بخوراك خود هلاك مساز کسیرا که مسیح در راه او
١٦ ١٧ بمرد * پس مکذارید که نیکوئیٔ شمارا بد کویند * زیرا ملکوت خدا اکل وشرب
١٨ نیست بلکه عدالت وسلامتی وخوشی در روح القدس * زیرا هرکه در این امور
١٩ خدمت مسیح را کند پسندیدهٔ خدا ومقبول مردم است * پس آن اموریرا که منشاء

٢٠ سلامتی وبنای یکدیکر است پیروی نمائید٭ بجهة خوراك کار خدارا خراب مساز
٢١ البتّه همه چیز پاکست لیکن بداست برای آنشخص که برای لغزش میخورد٭ کوشت
نخوردن وشراب ننوشیدن وکاری نکردن که باعث ایذاء یا لغزش یاضعف
٢٢ برادرت باشد نیکو است٭ آیا تو ایمان داری پس برای خودت در حضور خدا
٢٣ آنرا بدار زیرا خوشابحال کسیکه برخود حکم نکند در آنچه نیکو میشمارد٭ لکن
آنکه شكّ دارد اکر بخورد ملزم میشود زیرا بایمان نمیخورد وهر چه از ایمان نیست
کناه است٭

باب پانزدهم

١ وما که توانا هستیم ضعفهای ناتوانانرا متحمّل بشویم وخوشئ خودرا طالب
٢ نباشیم٭ هر یکی ازما همسایهٔ خودرا خوش بسازد در آنچه برای بنا نیکو است٭
٣ زیرا مسیح نیز خوشئ خودرا طالب نمیبود بلکه چنانکه مکتوب است ملامتهای
٤ ملامت کنندکان تو برمن طاری کردید٭ زیرا همهٔ چیزهائیکه از قبل مکتوب
٥ شد برای تعلیم ما نوشته شد تا بصبر وتسلّئ کتاب امیدوار باشیم٭ الآن خدای
صبر وتسلّی شمارا فیض عطا کناد تا موافق مسیح عیسی با یکدیکر یکرای باشید٭
٦ ٧ تا یکدل ویکزبان شده خدا وپدر خداوند ما عیسی مسیحرا تمجید نمائید٭ پس
٨ یکدیکررا بپذیرید چنانکه مسیح نیز مارا پذیرفت برای جلال خدا٭ زیرا میکویم
عیسی مسیح خادم ختنه کردید بجهة راستئ خدا تا وعدهای اجدادرا ثابت کرداند٭
٩ ونا امّتها خدارا تمجید نمایند بسبب رحمت او چنانکه مکتوب است که ازاینجهة
١٠ ترا درمیان امّتها اقرار خواهم کرد وبنام تو تسبیح خواهم خواند٭ ونیز میکوید
١١ ای امّتها با قوم او شادمان شوید٭ وایضًا ای جمیع امّتها خداوندرا حمد کوئید
١٢ وای تمامئ قومها اورا مدح نمائید٭ واِشعَیاء نیز میکوید که ریشهٔ یَسّیٰ خواهد
بود وآنکه برای حکمرانئ امّتها مبعوث شود امید امّتها بروی خواهد بود٭
١٣ الآن خدای امید شمارا ازکمال خوشی وسلامتی در ایمان پر سازد تا بقوّت روح
١٤ القدس در امید افزوده کردید٭ لکن ای برادرانِ منْ خود نیز دربارهٔ شما
یقین میدانم که خود از نیکوئی مملوّ وپر ازکمال معرفت وقادر برنصیحت نمودن
١٥ یکدیکر هستید٭ لیکن ای برادران بسیار جسارت ورزیده من خود نیز بشما جزئی

١٦ نوشتم تا شمارا یاد آوری نمایم بسبب آن فیضیکه خدا بمن بخشیده است * تا خادم
عیسی مسیح شوم برای امّتها وکهانت انجیل خدارا بجا آورم تا هدیهٔ امّتها مقبول
١٧ افتد مقدّس شده بروح القدس * پس بمسیح عیسی درکارهای خدا فخر دارم *
١٨ زیرا جرأت نمیکنم که سخنی بگویم جز در آن اموریکه مسیح بواسطهٔ من بعمل آورد
١٩ برای اطاعت امّتها در قول وفعل * بقوّت آیات ومعجزات وبقوّت روح خدا
٢٠ بحدّیکه از اورشلیم دور زده تا به اَلیرِکُون بشارت مسیحرا تکمیل نمودم * امّا حریص
بودم که بشارت چنان بدهم نه در جائیکه اسم مسیح شهرت یافته بود مبادا بربنیاد
٢١ غیری بنا نمایم * بلکه چنانکه مکتوب است آنانیکه خبر اورا نیافتند خواهند دید
٢٢ وکسانیکه نشنیدند خواهند فهمید * بنابرین بارها از آمدن نزد شما ممنوع شدم *
٢٣ لکن چون الآن مرا در این ممالک دیگر جائی نیست وسالهای بسیار است که
٢٤ مشتاق آمدن نزد شما بوده‌ام * هرگاه به اِسْپانیا سفر کنم بنزد شما خواهم آمد زیرا
امیدوار هستم که شمارا درعبور ملاقات کنم وشما مرا بآنسوی مشایعت نمائید بعد
٢٥ ازآنکه ازملاقات شما اندکی سیر شوم * لکن الآن عازم اورشلیم هستم تا مقدّسینرا
٢٦ خدمت کنم * زیراکه اهل مکادونیه واخائیّه مصلحت دیدند که زکاتی برای مفلسین
٢٧ مقدّسین اورشلیم بفرستند * بدین رضا دادند وبدرستیکه مدیون ایشان هستند
زیراکه چون امّتها از روحانیّات ایشان بهرمند گردیدند لازم شد که درجسمانیّات
٢٨ نیز خدمت ایشانرا بکنند * پس چون اینرا انجام دهم واین ثمررا نزد ایشان ختم
٢٩ کنم از راه شما به اِسْپانیا خواهم آمد * ومیدانم وقتیکه بنزد شما آیم درکمال برکت
٣٠ انجیل مسیح خواهم آمد * لکن ای برادران از شما التماس دارم که بخاطر خداوند
ما عیسی مسیح وبمحبّت روح (القدس) برای من نزد خدا دردعاها جدّ وجهد
٣١ کنید * تا از نافرمانان یهودیه رستکار شوم وخدمت من دراورشلیم مقبول مقدّسین
٣٢ افتد * تا برحسب ارادهٔ خدا با خوشی نزد شما برسم وبا شما استراحت یابم *
٣٣ وخدای سلامتی با همهٔ شما باد آمین *

باب شانزدهم

١ ٢ وخواهر ما فیبیرا که خادمهٔ کلیسای درکَنْخَریا است بشما میسپارم * تا اورا
درخداوند بطور شایستهٔ مقدّسین بپذیرید ودر هر چیزیکه بشما محتاج باشد اورا

٣ اعانت کنید زیراکه او بسیاریرا وخود مرا نیز معاونت مینمود٭ سلام برسانید
٤ به پَرِسْکِلّا واَکِیلا همکاران من در مسیح عیسی٭ که در راه جان من کردنهای
خودرا نهادند ونه من بتنهائی ممنون ایشان هستم بلکه همهٔ کلیساهای امتها٭
٥ کلیسارا که درخانهٔ ایشانست وحبیب من اَپَینِطُسْرا که برای مسیح نوبر آسیاست
٦ سلام رسانید٭ ومریرا که برای شما زحمت بسیار کشید سلام کوئید٭
٧ واَنْدَرُونِیکوس ویونیاس خویشان مرا که با من اسیر میبودند سلام نمائید که
٨ مشهور درمیان رسولان هستند وقبل از من در مسیح شدند٭ واَمْپِلِیاسرا که
٩ درخداوند حبیب من است سلام رسانید٭ واُوربانُس که با ما درکار مسیح
١٠ رفیقست واِسْتَاخِیس حبیب مرا سلام نمائید٭ واَپَلّیس آزموده شدهٔ در مسیحرا
١١ سلام برسانید واهل خانهٔ اَرِسْتُبُولُسْرا سلام برسانید٭ وخویش من هِیرُودِیُونرا
سلام دهید وآنانیرا ازاهل خانهٔ نَرکِسُّوس که در خداوند هستند سلام رسانید٭
١٢ طَرِیفِینا وطَرِیفُوسارا که در خداوند زحمت کشیده‌اند سلام کوئید وپَرْسِیس
١٣ محبوبه‌را که در خداوند زحمت بسیار کشید سلام دهید٭ وروفُس برکزیدهٔ
١٤ درخداوند ومادر او ومرا سلام بکوئید٭ اَسِنْکَرِیطُسرا وفَلِیکون وهرْماس
١٥ وپطْرُوباس وهَرْمِیس وبرادرانیکه با ایشانند سلام نمائید٭ فیلُولِکُسرا وجولیه
ونیریاس وخواهرش واولِمپاس وهمهٔ مقدّسانیکه با ایشانند سلام برسانید٭
١٦ ویکدیکررا ببوسهٔ مقدّسانه سلام نمائید وجمیع کلیساهای مسیح شمارا سلام
١٧ میفرستند٭ لکن ای برادران از شما استدعا میکنم آن کسانیرا که منشاء تفاریق
ولغزشهای مخالف آن تعلیمیکه شما یافته‌اید میباشند ملاحظه کنید واز ایشان
١٨ اجتناب نمائید٭ زیراکه چنین اشخاص خداوند ما عیسی مسیحرا خدمت نمیکنند
بلکه شکم خودرا وبه الفاظ نیکو وسخنان شیرین دلهای ساده دلانرا میفریبند٭
١٩ زیراکه اطاعت شما درجمیع مردم شهرت یافته است پس در بارهٔ شما مسرور
شدم امّا آرزوی این دارم که در نیکوئی دانا ودر بدی ساده دل باشید٭
٢٠ وخدای سلامتی بزودی شیطانرا زیر پایهای شما خواهد سائید. فیض خداوند
٢١ ما عیسی مسیح با شما باد٭ تیموتاوُس همکار من ولوقا وباسون وسوسیپاطِرُس
٢٢ که خویشان منند شمارا سلام میفرستند٭ من طَرْتِیوس کاتب رساله شمارا درخداوند

٢٣ سلام میکویم ☆ قایوس که مرا وتمام کلیسارا میزبان است شمارا سلام میفرستد
٢٤ واَرَسْطُس خزینه‌دار شهر وکُوأرطُس برادر بشما سلام میفرستند ☆ الآن اورا که
قادر است که شمارا استوار سازد برحسب بشارت من وموعظهٔ عیسی مسیح مطابق
٢٥ کشف آن سرّیکه از زمانهای ازلی مخفی بود ☆ لکن درحال مکشوف شد
وبوسیلهٔ کتب انبیاء برحسب فرمودهٔ خدای سرمدی بجمیع امّتها بجهة اطاعت ایمان
٢٦ آشکارا کردید ☆ خدای حکیم وحیدرا بوسیلهٔ عیسی مسیح تاابد الآباد جلال باد
آمین ☆

رسالهٔ اوّل پولس رسول بقرنتیان

باب اوّل

۱ پولس بهارادهٔ خدا رسولِ خوانده شدهٔ عیسی مسیح وسُوسْتانِیس برادر* بکلیسای
۲ خدا که درقُرِنْتُس است از مقدّسین درمسیح عیسی که برای تقدّس خوانده شدهاند
با همهٔ کسانیکه درهر جا نام خداوند ما عیسی مسیحرا میخوانند که (خداوند) ما
۳ و(خداوند) ایشان است* فیض وسلامتی از جانب پدر ما خدا وعیسی مسیح
٤ خداوند برشما باد* خدای خودرا پیوسته شکر میکنم دربارهٔ شما برای آن فیض
٥ خدا که درمسیح عیسی بشما عطا شده است* زیرا شما از هر چیز دروی دولتمند
٦ شدهاید درهر کلام ودر هر معرفت* چنانکه شهادت مسیح درشما استوار کردید*
٧ بحدّیکه درهیچ بخشش ناقص نیستید ومنتظر مکاشفهٔ خداوند ما عیسی مسیح
٨ میباشید* که او نیز شمارا تا باخر استوار خواهد فرمود تا درروز خداوند ما عیسی
٩ مسیح بیملامت باشید* امین است خدائیکه شمارا بشراکت پسر خود عیسی مسیح
۱۰ خداوند ما خوانده است* لکن ای برادران ازشما استدعا دارم بنام خداوند
ما عیسی مسیح که همه یك سخن کوئید وشقاق درمیان شما نباشد بلکه دریك فکر
۱۱ ویك رای کامل شوید* زیراکه ای برادران من ازاهل خانهٔ خَلُوئی دربارهٔ شما
۱۲ خبر بمن رسید که نزاعها درمیان شما پیدا شده است* غرض اینکه هر یکی از شما
۱۳ میکوید که من از پولس هستم ومن از اَپُلُّس ومن ازکیفا ومن از مسیح* آیا مسیح
۱٤ منقسم شد یا پولُس درراه شما مصلوب کردید یا بنام پولس تعمید یافتید* خدارا
۱٥ شکر میکنم که هیچ یکی از شمارا تعمید ندادم جز کَرِسْپُس وقایوس* که مبادا کسی
۱٦ کوید که بنام خود تعمید دادم* وخاندان اِسْتِیفانرا نیز تعمید دادم ودیکر یاد
۱۷ ندارم که کسیرا تعمید داده باشم* زیراکه مسیح مرا فرستاد نه تا تعمید دهم بلکه تا

۱۸ بشارت رسانم. نه بحکمت کلام مبادا صلیب مسیح باطل شود* زیرا ذکر صلیب
۱۹ برای هالکان حماقت است لکن نزد ما که ناجیان هستیم قوّت خداست* زیرا
۲۰ مکتوبست حکمت حکمارا باطل سازم وفهم فهیمانرا نابود کردانم* کجا است حکیم.
کجا کاتب. کجا مباحِث این دنیا. مکر خدا حکمت جهانرا جهالت نکردانیده است*
۲۱ زیراکه چون برحسب حکمتِ خدا جهان از حکمت خود بمعرفت خدا نرسید خدا
۲۲ بدین رضا داد که بوسیلهٔ جهالتِ موعظه ایماندارانرا نجات بخشد* چونکه یهود
۲۳ آیتی میخواهند ویونانیان طالب حکمت هستند* لکن ما بمسیح مصلوب وعظ میکنیم
۲٤ که یهودرا لغزش وامّتهارا جهالت است* لکن دعوت شدکانرا خواه یهود
۲۵ وخواه یونانی مسیح قوّت خدا وحکمت خدا است* زیراکه جهالت خدا ازانسان
۲٦ حکیمتر است وناتوانئ خدا از مردم تواناتر* زیرا ای برادران دعوت خودرا
ملاحظه نمائید که بسیاری بحسب جسم حکیم نیستند وبسیاری توانا نی وبسیاری
۲۷ شریف نی* بلکه خدا جهّال جهانرا برکزید تا حکمارا رسوا سازد وخدا ناتوانان
۲۸ عالمرا برکزید تا توانایانرا رسوا سازد* وخسیسان دنیا ومحقّرانرا خدا برکزید بلکه
۲۹ ۳۰ نیستیهارا نا هستیهارا باطل کرداند* تا هیچ بشری درحضور او فخر نکند* لکن
ازاو شما هستید درعیسی مسیح که ازجانب خدا برای شما حکمت شده است وعدالت
۳۱ قدّوسیّت وفدا* تا چنانکه مکتوبست هرکه فخر کند درخداوند فخر نماید*

باب دوّم

۱ ومن ای برادران چون بنزد شما آمدم با فضیلت کلام یا حکمت نیامدم چون
۲ شمارا بسرّ خدا اعلام مینمودم* زیرا عزیمت نکردم که چیزی درمیان شما دانسته
۳ باشم جزعیسی مسیح واورا مصلوب* ومن درضعف وترس ولرزش بسیار نزد شما
٤ شدم* وکلام ووعظ من بسخنان مقنع حکمت نبود بلکه ببرهان روح وقوّت*
۵ ٦ تا ایمان شما درحکمت انسان نباشد بلکه درقوّت خدا* لکن حکمتی بیان میکنیم نزد
کاملین امّا حکمتیکه ازاین عالم نیست ونه از رؤسای اینعالم که زایل میکردند*
۷ بلکه حکمت خدارا درسرّی بیان میکنیم یعنی آن حکمت مخفیرا که خدا پیش ازدهرها
۸ برای جلال ما مقدّر فرمود* که احدی از رؤسای این عالم آنرا ندانست زیرا

٩ اکر میدانستند خداوند جلالرا مصلوب نمیکردند ✲ بلکه چنانکه مکتوبست
چیزهائیرا که چشمی ندید وکوشی نشنید وبخاطر انسانی خطور نکرد یعنی آنچه خدا
١٠ برای دوست داران خود مهیّا کرده است ✲ امّا خدا آنهارا بروح خود برما کشف
١١ نموده است زیراکه روح همه چیز حتّی عمقهای خدارا نیز تفحّص میکند ✲ زیرا
کیست از مردمان که امور انسانرا بداند جز روح انسان که دروی میباشد همچنین
١٢ نیز امور خدارا هیچکس ندانسته است جز روح خدا ✲ لیکن ما روح جهانرا
١٣ نیافته‌ایم بلکه آنروح که از خداست تا آنچه خدا بما عطا فرموده است بدانیم ✲ که
آنهارا نیز بیان میکنیم نه بسخنان آموخته شدهٔ از حکمت انسان بلکه بآنچه روح القدس
١٤ میآموزد وروحانیهارا با روحانیها جمع مینمائیم ✲ امّا انسان نفسانی امور روح خدارا
نمیپذیرد زیراکه نزد او جهالت است وآنهارا نمیتواند فهمید زیرا حکم آنها از روح
١٥ میشود ✲ لکن شخص روحانی درهمه چیز حکم میکند وکسیرا دراو حکم نیست ✲
١٦ زیرا کیست که فکر خداوندرا دانسته باشد تا اورا تعلیم دهد لکن ما فکر مسیحرا
داریم ✲

باب سوّم

١ ومن ای برادران نتوانستم بشما سخن کویم چون روحانیان بلکه چون جسمانیان
٢ وچون اطفال درمسیح ✲ وشمارا بشیر خوراك دادم نه بکوشت زیراکه هنوز
٣ استطاعت آن نداشتید بلکه الحال نیز ندارید ✲ زیراکه تا بحال جسمانی هستید
چون درمیان شما حسد ونزاع وجدائیها است آیا جسمانی نیستید وبطریق انسان
٤ رفتار نمینمائید ✲ زیرا چون یکی کوید من از پولس ودیکری من از اَپُلّس هستم آیا
٥ انسان نیستید ✲ پس کیست پولس وکیست اَپُلّس جز خادمانیکه بواسطهٔ ایشان
٦ ایمان آوردید وبه اندازهٔ که خداوند بهر کس داد ✲ من کاشتم واَپُلّس آبیاری کرد
٧ لکن خدا نموّ میبخشید ✲ لهذا نه کارنده چیزیست ونه آب دهنده بلکه خدای
٨ رویاننده ✲ وکارنده وسیرآب کننده یك هستند لکن هر یك اجرت خودرا بحسب
٩ مشقّت خود خواهند یافت ✲ زیرا با خدا همکاران هستیم وشما زراعت خدا
١٠ وعمارت خدا هستید ✲ بحسب فیض خدا که بمن عطا شد چون معمار دانا بنیاد
نهادم ودیکری برآن عمارت میسازد لکن هر کس با خبر باشد که چکونه عمارت

۱۱ میکند* زیرا بنیادی دیکر هیچکس نمیتواند نهاد جز آنکه نهاده شده است یعنی
۱۲ عیسی مسیح* لکن اکر کسی برآن بنیاد عمارتی ازطلا یا نقره یا جواهر یا چوب
۱۳ یاکیاه یاکاه بنا کند* کار هر کس آشکار خواهد شد زیراکه آنروز آنرا ظاهر خواهد
نمود چونکه آن بآتش بظهور خواهد رسید وخود آتش عمل هر کسرا خواهد آزمود
۱٤ که چکونه است* اکر کاریکه کسی برآن کذارده باشد بماند اجر خواهد یافت*
۱٥ واکر عمل کسی سوخته شود زیان بدو وارد آید هرچند خود نجات یابد امّا چنانکه
۱٦ از میان آتش* آیا نمیدانید که هیکل خدا هستید وروح خدا درشما ساکنست*
۱۷ اکر کسی هیکل خدارا خراب کند خدا اورا هلاك سازد زیرا هیکل خدا مقدّس
۱۸ است وشما آن هستید* زنهار کسی خودرا فریب ندهد اکر کسی از شما خودرا
۱۹ دراین جهان حکیم پندارد جاهل بشود تا حکیم کردد* زیرا حکمت اینجهان نزد
خدا جهالت است چنانکه مکتوب است حکمارا بمکر خودشان کرفتار میسازد*
۲۰ ۲۱ وایضًا خداوند افکار حکمارا میداند که باطل است* پس هیچکس درانسان فخر
۲۲ نکند زیرا همه چیز ازآنِ شما است* خواه پولس خواه اَپلُّس خواه کیفا خواه دنیا
خواه زندکی خواه موت خواه چیزهای حال خواه چیزهای آینده همه ازآنِ شما
۲۳ است* وشما از مسیح ومسیح از خدا میباشد*

باب چهارم

۱ ۲ هر کس مارا چون خدّام مسیح ووکلای اسرار خدا بشمارد* ودیکر دروکلاء
۳ باز پرس میشود که هر یکی امین باشد* امّا بجههٔ من کمتر چیزیست که از شما یا
٤ ازیوم بشر حکم کرده شوم بلکه برخود نیز حکم نمیکنم* زیراکه درخود عیبی نمیبینم لکن
٥ ازاین عادل شمرده نمیشوم بلکه حکم کنندهٔ من خداوند است* لهذا پیش ازوقت
بچیزی حکم مکنید تا خداوند بیاید که خفایای ظلمترا روشن خواهد کرد ونیّتهای
٦ دلهارا بظهور خواهد آورد آنکاه هر کسرا مدح از خدا خواهد بود* امّا ای
برادران این چیزهارا بطور مَثَل بخود واَپلُّس نسبت دادم بخاطر شما تا دربارهٔ ما
آموخته شوید که ازآنچه مکتوب است تجاوز نکنید وتا هیچ یکی از شما تکبّر نکند
۷ برای یکی بردیکری* زیرا کیست که ترا برتری داد وچه چیز داری که نیافتی

٨ پس چون یافتی چرا فخر میکنی که کویا نیافتی ✲ الحال سیر شده ودولتمند کشتهاید
وبدون ما سلطنت میکنید وکاشکه سلطنت میکردید تا ما نیز با شما سلطنت
٩ میکردیم ✲ زیرا کمان میبرم که خدا ما رسولانرا آخر همه عرضه داشت مثل آنانیکه
فتوای موت برایشان شده است زیراکه جهان وفرشتکان ومردمرا تماشاکاه شدهایم ✲
١٠ ما بخاطر مسیح جاهل هستیم لکن شما درمسیح دانا هستید ما ضعیف لکن شما توانا شما
١١ عزیز امّا ما ذلیل ✲ تا بهمین ساعت کرسنه وتشنه وعریان وکوبیده وآواره هستیم ✲
١٢ وبدستهای خود کار کرده مشقّت میکشیم ودشنام شنیده برکت میطلبیم ومظلوم کردیده
١٣ صبر میکنیم ✲ چون افترا برما میزنند نصیحت میکنیم ومثل قاذورات دنیا وفضلاتِ
١٤ همه چیز شدهایم تا بحال ✲ واینرا نمینویسم تا شمارا شرمنده سازم بلکه چون فرزندان
١٥ محبوب خود تنبیه میکنم ✲ زیرا هرچند هزاران استاد درمسیح داشته باشید لکن
١٦ پدران بسیار ندارید زیراکه من شمارا درمسیح عیسی به‌انجیل تولید نمودم ✲ پس
١٧ ازشما التماس میکنم که بمن اقتدا نمائید ✲ برای همین تیموتاؤس‌را نزد شما فرستادم
که اوست فرزند محبوب من وامین درخداوند تا راههای مرا درمسیح بیاد شما
١٨ بیاورد چنانکه درهر جا ودر هر کلیسا تعلیم میدهم ✲ امّا بعضی تکبّر میکنند بکمان
١٩ انکه من نزد شما نمیآیم ✲ لکن بزودی نزد شما خواهم آمد اکر خداوند بخواهد
٢٠ وخواهم دانست نه سخن متکبّرانرا بلکه قوّت ایشانرا ✲ زیرا ملکوت خدا بزبان نیست
٢١ بلکه درقوّتست ✲ چه خواهش دارید آیا با چوب نزد شما بیایم یا با محبّت
وروح حلم ✲

باب پنجم

١ فی الحقیقه شنیده میشود که درمیان شما زنا پیدا شده است وچنان زنائیکه درمیان
٢ امّتها هم نیست که شخصی زن پدر خودرا داشته باشد ✲ وشما فخر میکنید بلکه ماتم
٣ هم ندارید چنانکه باید تا آنکسیکه اینعملرا کرد ازمیان شما بیرون شود ✲ زیراکه
من هرچند درجسم غایبم امّا درروح حاضرم والآن چون حاضر حکم کردم درحقّ
٤ کسیکه اینرا چنین کرده است ✲ بنام خداوند ما عیسی مسیح هنکامیکه شما با روح
٥ من با قوّت خداوند ما عیسی مسیح جمع شوید ✲ که چنین شخص بشیطان سپرده
٦ شود بجهة هلاکت جسم تا روح درروز خداوند عیسی نجات یابد ✲ فخر شما نیکو

۷ نیست آیا آکاه نیستید که اندك خمیرمایه تمام خمیررا مخمّر میسازد* پس خودرا
از خمیرمایهٔ کُهْنه پاك سازید تا فطیر تازه باشید چنانکه بیخمیرمایه هستید زیراکه
۸ فصح ما مسیح درراه ما ذبح شده است* پس عیدرا نکاه داریم نه بخمیرمایهٔ کُهْنه
۹ ونه بخمیرمایهٔ بدی وشرارت بلکه بفطیر ساده دلی وراستی* درآن رساله بشما
۱۰ نوشتم که با زانیان معاشرت نکنید* لکن نه مطلقا با زانیان اینجهان یا طمعکاران
۱۱ ویا ستمکاران یا بت پرستان که دراین صورت میباید از دنیا بیرون شوید* لکن
الآن بشما مینویسم که اکر کسیکه ببرادر نامیده میشود زانی یا طمّاع یا بت پرست یا
فحّاش یا میکسار یا ستمکر باشد با چنین شخص معاشرت مکنید بلکه غذا هم مخورید*
۱۲ زیرا مرا چه کار است که برآنانیکه خارج‌اند داوری کنم آیا شما براهل داخل داوری
۱۳ نمیکنید* لکن آنانیرا که خارج‌اند خدا داوری خواهد کرد پس ان شریررا ازمیان
خود برانید*

باب ششم

۱ آیا کسی از شما چون بردیکری مدّعی باشد جرأت دارد که مرافعه بَرَد پیش
۲ ظالمان نه نزد مقدّسان* یا نمیدانید که مقدّسانْ دنیارا داوری خواهند کرد واکر
۳ دنیا از شما حکم یابد آیا قابل مقدّماتِ کمتر نیستید* آیا نمیدانید که فرشتکانرا
٤ داوری خواهیم کرد تا چه رسد به امور روزکار* پس چون درمقدّمات روزکار
٥ مرافعه دارید آیا آنانیرا که درکلیسا حقیر شمرده میشوند مینشانید* بجهة انفعال
شما میکویم آیا درمیان شما یکنفر دانا نیست که بتواند درمیان برادران خود حکم
٦ ۷ کند* بلکه برادر با برادر بمحاکمه میرود وآن هم نزد بی‌ایمانان* بلکه الآن شمارا
بالکلّیّه قصوریست که با یکدیکر مرافعه دارید. چرا بیشتر مظلوم نمیشوید وچرا
۸ بیشترمغبون نمیشوید* بلکه شما ظلم میکنید ومغبون میسازید واینرا نیز ببرادران
۹ خود* آیا نمیدانید که ظالمان وارث ملکوت خدا نمیشوند. فریب مخورید زیرا
۱۰ فاسقان وبت پرستان وزانیان ومتنعّمان ولوّاط* ودزدان وطمعکاران ومیکساران
۱۱ وفحّاشان وستمکران وارث ملکوت خدا نخواهند شد* وبعضی از شما چنین
میبودید لکن غسل یافته ومقدّس کردیده وعادل کرده شده‌اید بنام عیسی خداوند
۱۲ وبروح خدای ما* همه چیز برای من جایز است لکن هر چیز مفید نیست.

۱۳ همه چیز برای من رواست لیکن نمیکذارم که چیزی برمن تسلّط یابد * خوراك
برای شکم است وشکم برای خوراك لکن خدا این وآنرا فانی خواهد ساخت . امّا
۱٤ جسم برای زنا نیست بلکه برای خداوند است وخداوند برای جسم * وخدا
۱٥ خداوند را برخیزانید ومارا نیز بقوّت خود خواهد برخیزانید * آیا نمیدانید که
بدنهای شما اعضای مسیح است پس آیا اعضای مسیح را برداشته اعضای فاحشه
۱٦ کردانم . حاشا * آیا نمیدانید که هرکه با فاحشه پیوندد با وی یکتن باشد زیرا
۱۷ میکوید هردو یکتن خواهند بود * لکن کسیکه با خداوند پیوندد یکروح است *
۱۸ اززنا بکریزید هرکناهیکه آدمی میکند بیرون ازبدنست لکن زانی بربدن خود کناه
۱۹ میورزد * یا نمیدانید که بدن شما هیکل روح القدس است که درشما است که
۲۰ ازخدا یافته‌اید وازآن خود نیستید * زیرا که بقیمتی خریده شدید پس خدارا
ببدن خود تمجید نمائید *

باب هفتم

۱ ۲ امّا دربارهٔ آنچه بمن نوشته بودید مردرا نیکو آنست که زنرا لمس نکند * لکن
۳ بسبب زنا هرمرد زوجهٔ خودرا بدارد وهرزن شوهرخودرا بدارد * وشوهر
٤ حقّ زنرا ادا نماید وهمچنین زن حقّ شوهررا * زن بربدن خود مختار نیست بلکه
٥ شوهرش وهمچنین مرد نیزاختیار بدن خود ندارد بلکه زنش * ازیکدیکر جدائی
مکزینید مکر مدّتی برضای طرفین تا برای روزه وعبادت فارغ باشید وباز باهم
٦ پیوندید مبادا شیطان شمارا بسبب ناپرهیزئ شما درتجربه اندازد * لکن اینرا میکویم
۷ بطریق اجازه نه بطریق حکم * امّا میخواهم که همهٔ مردم مثل خودم باشند . لکن
۸ هرکس نعمتی خاصّ ازخدا دارد یکی چنین ودیکری چنان * لکن بمجرّدین
۹ وبیوه‌زنان میکویم که ایشانرا نیکو است که مثل من بمانند * لکن اکر پرهیز ندارند
۱۰ نکاح بکنند زیرا که نکاح ازآتش هوس بهتر است * امّا منکوحانرا حکم میکنم ونه
۱۱ من بلکه خداوند که زن ازشوهر خود جدا نشود * واکر جدا شود مجرّد بماند یا
۱۲ با شوهرخود صلح کند ومرد نیز زن خودرا جدا نسازد * ودیکرانرا من میکویم
نه خداوند که اکر کسی ازبرادران زنی بی‌ایمان داشته باشد وآنزن راضی باشد که با
۱۳ وی بماند اورا جدا نسازد * وزنیکه شوهر بی ایمان داشته باشد واو راضی باشد که

١٤ باوی بماند ازشوهرخود جدا نشود * زیراکه شوهر بی ایمان اززن خود مقدّس میشود
وزن بی ایمان ازبرادرْ مقدّس میکردد و اکرنه اولاد شما ناپاك میبودند لکن الحال
١٥ مقدّسند * امّا اکر بی ایمان جدائی نماید بکذارش که بشود زیرا برادر یا خواهر دراین
١٦ صورت مقیّد نیست وخدا مارا بسلامتی خوانده است * زیراکه تو چه دانی ای زن که
١٧ شوهرترا نجات خواهی داد یا چه دانی ایمرد که زن خودرا نجات خواهی داد * مکر
اینکه بهر طور که خداوند بهرکس قسمت فرموده وبهمان حالت که خدا هرکسرا
١٨ خوانده باشد بدینطور رفتار بکند وهمچنین درهمهٔ کلیساها امر میکنم * اکر کسی
درمختونی خوانده شود نا مختون نکردد واکرکسی درنا مختونی خوانده شود مختون
١٩ نشود * ختنه چیزی نیست ونا مختونی هیچ بلکه نکاه داشتن امرهای خدا *
٢٠ ٢١ هرکس درهر حالتیکه خوانده شده باشد درهمان بماند * اکر درغلامی خوانده شدی
٢٢ ترا باکی نباشد بلکه اکرهم میتوانی آزاد شوی آنرا اولی تر استعمال کن * زیرا
غلامیکه درخداوند خوانده شده باشد آزاد خداوند است وهمچنین شخصی آزاد که
٢٣ ٢٤ خوانده شد غلام مسیح است * بقیمتی خریده شدید غلام انسان نشوید * ای
٢٥ برادران هرکس درهر حالتیکه خوانده شده باشد درآن نزد خدا بماند * امّا دربارهٔ
باکرهها حکمی ازخداوند ندارم لکن چون ازخداوند رحمت یافتم که امین باشم رای
٢٦ میدهم * پس کمان میکنم که بجهة تنکیٔ این زمان انسانرا نیکوآنست که همچنان
٢٧ بماند * اکر با زن بسته شدی جدائی مجوی واکر اززن جدا هستی دیکر زن
٢٨ مخواه * لکن هرکاه نکاح کردی کناه نورزیدی وهرکاه باکره منکوحه کردید کناه
٢٩ نکرد ولی چنین درجسم زحمت خواهند کشید لیکن من برشما شفقت دارم * امّا ای
برادران اینرا میکویم وقت تنك است تا بعد ازاین آنانیکه زن دارند مثل بی زن
٣٠ باشند * وکریانان چون نا کریانان وخوشحالان مثل نا خوشحالان وخریداران
٣١ چون غیر مالکان باشند * واستعمال کنندکان اینجهان مثل استعمال کنندکان
٣٢ نباشند زیراکه صورت اینجهان درکذر است * امّا خواهشِ این دارم که شما
بی اندیشه باشید. شخص مجرّد درامور خداوند میاندیشد که چکونه رضامندیٔ
٣٣ خداوندرا بجوید * وصاحب زن درامور دنیا میاندیشد که چکونه زن خودرا
٣٤ خوش بسازد * درمیان زن منکوحه وباکره نیز تفاوتی است زیرا باکره درامور

خداوند میاندیشد تا هم درتن وهم درروح مقدّس باشد امّا منکوحه درامور دنیا
۳۵ میاندیشد تا شوهر خودرا خوش سازد* امّا اینرا برای نفع شما میکویم نه آنکه
۳۶ دامی برشما بنهم بلکه نظر بشایستکی وملازمت خداوند بی‌تشویش* لکن هرکاه کسی
کمان برد که با باکرهٔ خود ناشایستکی میکند اکر بحدّ بلوغ رسید وناچار است
۳۷ ازچنین شدن آنچه خواهد بکند کناهی نیست بکذارکه نکاح کنند* امّا کسیکه
دردل خود پایدار است واحتیاج ندارد بلکه دراراده‌ٔ خود مختار است ودر دل
۳۸ خود جازم است که باکرهٔ خودرا نکاه دارد نیکو میکند* پس هم کسیکه بنکاح
۳۹ دهد نیکو میکند وکسیکه بنکاح ندهد نیکوتر مینماید* زن مادامیکه شوهرش
زنده است بسته است امّا هرکاه شوهرش مرد آزاد کردید تا بهرکه بخواهد منکوحه
۴۰ شود لیکن درخداوند فقط* امّا بحسب رای من خوشحالتراست اکرچنین بماند
ومن نیزکمان میبرم که روح خدارا دارم*

باب هشتم

۱ امّا دربارهٔ قربانیهای بتها میدانیم که همه علم داریم* علم باعث تکبّر است لکن
۲ محبّت بنا میکند* اکرکسی کمان بَرَد که چیزی میداند هنوز هیچ نمیداند بطوریکه
۳ باید دانست* امّا اکرکسی خدارا محبّت نماید نزد او معروف میباشد* پس
۴ دربارهٔ خوردن قربانیهای بتها میدانیم که بت درجهان چیزی نیست واینکه
۵ خدائی دیکر جز یکی نیست* زیرا هرچند هستند که بخدایان خوانده میشوند چه
۶ درآسمان وچه درزمین چنانکه خدایان بسیار وخداوندان بسیار میباشند* لکن
مارا یك خداست یعنی پدرکه همه چیز ازاوست وما برای اوهستیم ویك خداوند
۷ یعنی عیسی مسیح که همه چیزازاوست وما ازاوهستیم* ولی همه را این معرفت
نیست زیرا بعضی تا بحال به‌اعتقاد اینکه بت هست آنرا چون قربانئ بت میخورند
۸ وضمیر ایشان چون ضعیفست نجس میشود* امّا خوراك مارا مقبول خدا نمیسازد
۹ زیراکه نه بخوردن بهتریم ونه به‌نا خوردن بدتر* لکن احتیاط کنید مبادا اختیار
۱۰ شما باعث لغزش ضعفاء کردد* زیرا اکرکسی تراکه صاحب علم هستی ببیند که
دربتکده نشستهٔ آیا ضمیر آنکس که ضعیفست بخوردن قربانیهای بتها بنا نمیشود*

۱۱ وازعلم تو آن برادر ضعیف که مسیح برای او مرد هلاك خواهد شد* وهمچنین ۱۲
چون ببرادران کناه ورزیدید وضمایر ضعیفشانرا صدمه رسانیدید همانا بمسیح خطا
۱۳ نمودید* بنابرین اکر خوراك باعث لغزش برادر من باشد تا بأبد کوشت نخواهم
خورد تا برادر خودرا لغزش ندهم*

باب نهم

۱ آیا رسول نیستم• آیا آزاد نیستم• آیا عیسی مسیح خداوندِ مارا ندیدم• آیا شما
۲ عمل من درخداوند نیستید* هرکاه دیکرانرا رسول نباشم البتّه شمارا هستم زیراکه
۳ مُهر رسالت من درخداوند شما هستید* حجّة من بجهة آنانیکه مرا امتحان میکنند
٤ این است* که آیا اختیار خوردن وآشامیدن نداریم* آیا اختیار نداریم که ٥
خواهر دینیرا بزنی کرفته همراه خود ببریم مثل سایر رسولان وبرادران خداوند
٦ وکیفا* یا من وبرنابا بتنهائی مختار نیستیم که کار نکنیم* کیست که هرکز ۷
ازخرجیٔ خود جنك کند یا کیست که تاکستانی غرس نموده ازمیوه‌اش نخورد یا
۸ کیست که کلهٔ بچراند واز شیر کله ننوشد* آیا اینرا بطور انسان میکویم یا شریعت
۹ نیز اینرا نمیکوید* زیراکه در توراة موسی مکتوب است که کاورا هنکامیکه خرمنرا
۱۰ خورد میکند دهان مبند• آیا خدا درفکر کاوان میباشد* یا محض خاطر ما اینرا
نمیکوید• بلی برای ما مکتوب است که شخم کننده میباید به‌امید شخم نماید وخورد
۱۱ کنندهٔ خرمن در امیدِ یافتن قسمت خود باشد* چون ما روحانیهارا برای شما
۱۲ کاشتیم آیا امر بزرکیست که ما جسمانیهای شمارا درو کنیم* اکر دیکران دراین
اختیار برشما شریکند آیا نه‌ما بیشتر• لیکن این اختیاررا استعمال نکردیم بلکه هر
۱۳ چیزرا متحمّل میشویم مبادا انجیل مسیحرا تعویق اندازیم* آیا نمیدانید که هرکه
درامور مقدّس مشغول باشد ازهیکل میخورد وهرکه خدمت مذبح کند ازمذبح
۱٤ نصیبی میدارد* وهمچنین خداوند فرمود که هرکه به‌انجیل اعلام نماید ازانجیل
۱٥ معیشت یابد* لیکن من هیچیك ازاینهارا استعمال نکردم واینرا باین قصد ننوشتم
تا با من چنین شود زیراکه مرا مردن بهتر است ازآنکه کسی فخر مرا باطل کرداند*
۱٦ زیرا هرکاه بشارت دهم مرا فخر نیست چونکه مرا ضرورت افتاده است بلکه وای

۱۷ برمن اکر بشارت ندهم * زیرا هرکاه اینرا طوعًا کنم اجرت دارم لکن اکر کرهًا
۱۸ باشد وکالتی بمن سپرده شد * دراین صورت مرا چه اجرت است تا آنکه چون
بشارت میدهم انجیل مسیحرا بیخرج سازم واختیار خودرا درانجیل استعمال نکنم *
۱۹ زیرا با اینکه از همه کس آزاد بودم خودرا غلام همه کردانیدم تا بسیاریرا سود برم *
۲۰ ویهودرا چون یهود کشتم تا یهودرا سود برم واهل شریعترا مثل اهل شریعت تا
۲۱ اهل شریعترا سود برم * وبیشریعتانرا چون بیشریعتان شدم هرچند نزد خدا
۲۲ بیشریعت نیستم بلکه شریعت مسیح درمن است تا بیشریعتانرا سود برم * ضعفارا
ضعیف شدم تا ضعفارا سود برم * همه کسرا همه چیز کردیدم تا بهر نوعی بعضیرا
۲۳ ۲۴ برهانم * امّا همه کاررا بجهة انجیل میکنم تا درآن شریك کردم * آیا نمیدانید
آنانیکه در میدان میدوند همه میدوند لکن یکنفر انعام را میبرد * باینطور شما بدوید
۲۵ تا بکمال ببرید * وهرکه ورزش کند درهر چیز ریاضت میکشد * امّا ایشان تا تاج
۲۶ فانی را بیابند لکن ما تاج غیر فانیرا * پس من چنین میدوم نه چون کسیکه شك
۲۷ دارد ومشت میزنم نه آنکه هوارا بزنم * بلکه تن خودرا زبون میسازم وآنرا در
بندکی میدارم مبادا چون دیکرانرا وعظ نمودم خود محروم شوم *

باب دهم

۱ زیرا ای برادران نمیخواهم شما بیخبر باشید ازانکه پدران ما همه زیر ابر بودند
۲ ۳ وهمه ازدریا عبور نمودند * وهمه بموسی تعمید یافتند درابر و در دریا * وهمه همان
۴ خوراك روحانیرا خوردند * وهمه همان شُرب روحانیرا نوشیدند زیراکه میآشامیدند
۵ ازصخرهٔ روحانیکه ازعقب ایشان میآمد وآن صخره مسیح بود * لیکن از اکثر ایشان
۶ خدا راضی نبود زیراکه دربیابان انداخته شدند * واین امور نمونهها برای ما شد تا
۷ ما خواهشمند بدی نباشیم چنانکه ایشان بودند * ونه بتپرست شوید مثل بعضی
ازایشان چنانکه مکتوب است قوم به اکل وشرب نشستند وبرای لهو ولعب برپا
۸ شدند * ونه زنا کنیم چنانکه بعضی ازایشان کردند ودر یکروز بیست وسه هزار
۹ نفر هلاك کشتند * ونه مسیحرا تجربه کنیم چنانکه بعضی ازایشان کردند واز مارها
۱۰ هلاك کردیدند * ونه همهمه کنید چنانکه بعضی از ایشان کردند و هلاك کنندهٔ

١١ ایشانرا هلاك كرد* واینهمه بطور مَثَل بدیشان واقع شد وبرای تنبیهِ ما مكتوب
١٢ كردید كه اواخر عالم بما رسیده است* پس آنكه كمان بَرَدَ كه قایمست با خبر باشد
١٣ كه نیفتد* هیچ تجربه جز آنكه مناسب بشر باشد شمارا فرو نكرفت امّا خدا امین
است كه نمیكذارد شما فوق طاقت خود آزموده شوید بلكه با تجربه مفرّی نیز میسازد
١٤ تا یارای تحمّل آنرا داشته باشید* لهذا ای عزیزانِ من از بت‌پرستی بكریزید*
١٥ ١٦ به خردمندان سخن میكویم• خود حكم كنید برآنچه میكویم* پیالهٔ بركت كه آنرا
تبرّك میخوانیم آیا شراكت درخون مسیح نیست ونانیرا كه پاره میكنیم آیا شراكت
١٧ دربدن مسیح نی* زیرا ما كه بسیاریم یك نان ویكتن میباشیم چونكه همه ازیكنان
١٨ قسمت میبابیم* اسرائیل جسمانیرا ملاحظه كنید• آیا خورندكان قربانیها شریك
١٩ قربانكاه نیستند* پس چه كویم آیا بت چیزی میباشد یا كه قربانئ بت چیزیست*
٢٠ نی• بلكه آنچه امّتها قربانی میكنند برای دیوها میكذرانند نه برای خدا ونمیخواهم
٢١ شما شریك دیوها باشید* محالست كه هم ازپیالهٔ خداوند وهم ازپیالهٔ دیوها بنوشید
٢٢ وهم ازمایدهٔ خداوند وهم ازمایدهٔ دیوها نمیتوانید قسمت بُرد* آیا خداوندرا
٢٣ بغیرت میآوریم یا ازاو تواناتر میباشیم* همه چیز جایز است لیكن همه مفید نیست•
٢٤ همه رواست لیكن همه بنا نمیكند* هركس نفع خودرا نجوید بلكه نفع دیكریرا*
٢٥ ٢٦ هرآنچه‌را درقصّابخانه میفروشند بخورید وهیچ مپرسید بخاطر ضمیر* زیراكه جهان
٢٧ و پُرئ آن ازآنِ خداوند است* هركاه كسی ازبی ایمانان ازشما وعده خواهد
٢٨ ومیخواهید بروید آنچه نزد شما كذارند بخورید وهیچ مپرسید بجهة ضمیر* امّا اكر
كسی بشما كوید این قربانئ بت است مخورید بخاطر آنكس كه خبر داد وبجهة
٢٩ ضمیر• زیراكه جهان وپرئ آن ازآنِ خداوند است* امّا ضمیر میكویم نه از
خودت بلكه ضمیرِ آن دیكر• زیرا چرا ضمیر دیكری برآزادئ من حكم كند*
٣٠ واكر من بشكر بخورم چرا برمن افتراء زنند بسببِ آن چیزیكه من برای آن شكر
٣١ میكنم* پس خواه بخورید خواه بنوشید خواه هرچه كنید همه‌را برای جلال خدا
٣٢ ٣٣ بكنید* یهودیان و یونانیان وكلیسای خدارا لغزش مدهید* چنانكه من نیز
درهر كاری همه‌را خوش میسازم ونفع خودرا طالب نیستم بلكه نفع بسیاریرا تا نجات
یابند*

باب یازدهم

۱ ۲ پس اقتدا بمن نمائید چنانکه من نیز بمسیح میکنم * امّا ای برادران شمارا تحسین مینمایم
ازاینجهة که درهر چیز مرا یاد میدارید واخباررا بطوریکه بشما سپردم حفظ مینمائید *
۳ ۴ امّا میخواهم شما بدانید که سر هر مرد مسیح است وسرزن مرد وسر مسیح خدا * هر
۵ مردیکه سر پوشیده دعا یا نبوّت کند سر خودرا رسوا مینماید * امّا هرزنیکه سر
برهنه دعا یا نبوّت کند سر خودرا رسوا میسازد زیرا این چنانست که تراشیده
۶ شود * زیرا اگر زن نمیپوشد موی را نیز بِبُرَدْ واگر زنرا موی بریدن یا تراشیدن
۷ قبیح است باید بپوشد * زیراکه مردرا نباید سرخودرا بپوشد چونکه او صورت
۸ وجلال خداست امّا زن جلال مرد است * زیراکه مرداززن نیست بلکه زن
۹ ۱۰ ازمَرد است * ونیزمرد بجهة زن آفریده نشد بلکه زن برای مرد * ازاینجهة زن
۱۱ میباید عزّتی برسرداشته باشد بسبب فرشتگان * لیکن زن ازمرد جدا نیست
۱۲ ومرد هم جدا اززن نیست درخداوند * زیرا چنانکه زن ازمرد است همچنین
۱۳ مرد نیز بوسیلهٔ زن لیکن همه چیز ازخدا * دردل خود انصاف دهید آیا شایسته
۱۴ است که زن نا پوشیده نزد خدا دعا کند * آیا خود طبیعت شمارا نمیآموزد که
۱۵ اگرمرد موی دراز دارد اورا عار میباشد * واگر زن موی دراز دارد اورا فخر
۱۶ است زیراکه موی بجهة پرده بدو داده شد * واگرکسی ستیزه‌گر باشد ما وکلیساهای
۱۷ خدارا چنین عادتی نیست * لیکن چون اینحکمرا بشما میکنم شمارا تحسین
۱۸ نمیکنم زیراکه شما نه ازبرای بهتری بلکه برای بدتری جمع میشوید * زیرا اوّلاً
هنگامیکه شما درکلیسا جمع میشوید میشنوم که درمیان شما شقاقها روی میدهد
۱۹ وقدری ازآنرا باور میکنم * ازآنجهة که لازم است درمیان شما بدعتها نیز باشد تا
۲۰ که مقبولان ازشما ظاهرکردند * پس چون شما دریکجا جمع میشوید ممکن نیست
۲۱ که شام خداوند خورده شود * زیرا دروقت خوردن هرکس شام خودرا پیشتر
۲۲ میگیرد ویکی گرسنه ودیگری مست میشود * مگرخانه‌ها برای خوردن وآشامیدن
ندارید یا کلیسای خدارا تحقیر مینمائید وآنانیرا که ندارند شرمنده میسازید * بشما چه
۲۳ بگویم * آیا دراین امرشمارا تحسین نمایم * تحسین نمینمایم * زیرا من ازخداوند یافتم

آنچه بشما نیز سپردم که عیسی خداوند درشبیکه اورا تسلیم کردند نانرا کرفت *
۲۴ وشکر نموده پاره کرد وکفت بکیرید بخورید• این است بدن من که برای شما پاره
۲۵ میشود• اینرا بیادکاریٔ من بجا آرید* وهمچنین پیاله‌را نیز بعد از شام وکفت
این پیاله عهد جدید است درخون من• هرکاه اینرا بنوشید بیادکاریٔ من بکنید*
۲۶ زیرا هرکاه این نانرا بخورید واین پیاله‌را بنوشید موت خداوندرا ظاهر مینمائید
۲۷ تا هنکامیکه باز آید* پس هرکه بطور ناشایسته نانرا بخورد وپیالهٔ خداوندرا
۲۸ بنوشد مجرم بدن وخون خداوند خواهد بود* امّا هر شخص خودرا امتحان کند
۲۹ وبدینطرر ازآن نان بخورد وازآن پیاله بنوشد* زیرا هرکه میخورد ومینوشد
۳۰ فتوای خودرا میخورد ومینوشد اکر بدن خداوندرا تمیز نمیکند* از این سبب
۳۱ بسیاری از شما ضعیف ومریض اند وبسیاری خوابیده‌اند* امّا اکر برخود حکم
۳۲ میکردیم حکم برما نمیشد* لکن هنکامیکه برما حکم میشود از خداوند تأدیب
۳۳ میشویم مبادا با اهل دنیا برما حکم شود* لهذا ای برادرانِ من چون بجهة
۳۴ خوردن جمع میشوید منتظر یکدیکر باشید* واکر کسی کرسنه باشد درخانه
بخورد مبادا بجهه عقوبت جمع شوید وچون بیایم مابقیرا منتظم خواهم نمود*

باب دوازدهم

۱ ۲ امّا در بارهٔ عطایای روحانی ای برادران نمیخواهم شما بیخبر باشید* میدانید
هنکامیکه امّتها میبودید بسوی بتهای کنك برده میشدید بطوریکه شمارا میبردند*
۳ پس شمارا خبر میدهم که هرکه متکلّم بروح خدا باشد عیسی‌را اَناتیما نمیکوید واحدی
۴ جز بروح القدس عیسی‌را خداوند نمیتواند کفت* ونعمتها انواع است ولی
۵ ۶ روح همان* وخدمتها انواع است امّا خداوند همان* وعملها انواع است لکن
۷ همان خدا همه‌را درهمه عمل میکند* ولی هرکسرا ظهور روح بجهة منفعت عطا
۸ میشود* زیرا یکیرا بوساطت روح کلام حکمت داده میشود ودیکریرا کلام علم
۹ بحسب همان روح* ویکیرا ایمان بهمان روح ودیکریرا نعمتهای شفا دادن بهمان
۱۰ روح* ویکیرا قوّت معجزات ودیکریرا نبوّت ویکیرا تمیز ارواح ودیکریرا اقسام
۱۱ زبانها ودیکریرا ترجمهٔ زبانها* لکن درجمیع اینها همان یکروح فاعل است که

۱۲ هرکسرا فرداً بحسب ارادهٔ خود تقسیم میکند* زیرا چنانکه بدن یکست واعضای
متعدّد دارد وتمامیٔ اعضای بدن اکرچه بسیار است یکتن میباشد همچنین مسیح نیز
۱۳ میباشد* زیرا که جمیع ما بیکروح دریك بدن تعمید یافتیم خواه یهود خواه یونانی
۱٤ خواه غلام خواه آزاد وهمه از یك روح نوشانیده شدیم* زیرا بدن یك عضو
۱٥ نیست بلکه بسیار است* اکر پا کوید چونکه دست نیستم از بدن نمیباشم آیا بدین
۱٦ سبب ازبدن نیست* واکر کوش کوید چونکه چشم نیّم ازبدن نیستم آیا بدین
۱۷ سبب ازبدن نیست* اکر تمام بدن چشم بودی کجا میبود شنیدن واکر همه شنیدن
۱۸ بودی کجا میبود بوئیدن* لکن الحال خدا هریك ازاعضارا دربدن نهاد
۱۹ ۲۰ برحسب ارادهٔ خود* واکر همه یك عضو بودی بدن کجا میبود* امّا الآن
۲۱ اعضا بسیار است لیکن بدن یك* وچشم دسترا نمیتواند کفت که محتاج تو نیستم
۲۲ یا سر پایهارا نیز که احتیاج بشما ندارم* بلکه علاوه براین آن اعضای بدن که
۲۳ ضعیفتر مینمایند لازمتر میباشند* وآنهارا که پست تر اجزای بدن میپنداریم عزیزتر
۲٤ میداریم واجزای قبیح ما جمالِ افضل دارد* لکن اعضای جمیلهٔ مارا احتیاجی
۲٥ نیست بلکه خدا بدنرا مرتّب ساخت بقسمیکه ناقصرا بیشتر حرمت داد* تا که
۲٦ جدائی دربدن نیفتد بلکه اعضا ببرابری درفکر یکدیکر باشند* واکر یك عضو
دردمند کردد سایر اعضا با آن همدرد باشند واکر عضوی عزّت یابد باقیٔ اعضا
۲۷ با او بخوشی آیند* امّا شما بدن مسیح هستید وفردا اعضای آن میباشید*
۲۸ وخدا قرار داد بعضیرا درکلیسا. اوّل رسولان دوّم انبیا سیّم معلّمان بعد قوّات
۲۹ پس نعمتهای شفا دادن واعانات وتدابیر واقسام زبانها* آیا همه رسول هستند
۳۰ یا همه انبیا یا همه معلّمان یا همه قوّات* یا همه نعمتهای شفا دارند یا همه بزبانها
۳۱ متکلّم هستند یا همه ترجمه میکنند* لکن نعمتهای بهتررا بغیرت بطلبید وطریق
افضلتر نیز بشما نشان میدهم*

باب سیزدهم

۱ اکر بزبانهای مردم وفرشتکان سخن کویم ومحبّت نداشته باشم مثل نحاس صدا
۲ دهنده وسنج فغان کننده شده‌ام* واکر نبوّت داشته باشم وجمیع اسرار وهمهٔ علمرا
بدانم وایمان کامل داشته باشم بحدّیکه کوههارا نقل کنم ومحبّت نداشته باشم هیچ

۳ هستم * واکر جمیع اموال خودرا صدقه دهم وبدن خودرا بسپارم تا سوخته شود
٤ ومحبّت نداشته باشم هیچ سود نمیبرم * محبّت حلیم ومهربانست • محبّت حسد نمیبرد •
٥ محبّت کبر وغرور ندارد * اطوار نا پسندیده ندارد ونفع خودرا طالب نمیشود •
٦ خشم نمیکیرد وسوء ظنّ ندارد * از ناراستی خوشوقت نمیکردد ولی با راستی
۷ شادی میکند * در همه چیز صبر میکند وهمه‌را باور مینماید • در همه حال امیدوار
۸ میباشد وهر چیزرا متحمّل میباشد * محبّت هرکز ساقط نمیشود واما اکر نبوّتها
باشد نیست خواهد شد واکر زبانها انتها خواهد پذیرفت واکر علم زایل خواهد
۹ ۱۰ کردید * زیرا جزئی علمی داریم وجزئی نبوّت مینمائیم * لکن هنکامیکه کامل آید
۱۱ جزئی نیست خواهد کردید * زمانیکه طفل بودم چون طفل حرف میزدم وچون
طفل فکر میکردم ومانند طفل تعقّل مینمودم امّا چون مرد شدم کارهای طفلانه‌را
۱۲ ترك کردم * زیراکه الحال در آینه بطور معمّا میبینیم لکن آنوقت روبرو • الآن
۱۳ جزئی معرفتی دارم لکن آنوقت خواهم شناخت چنانکه نیز شناخته شده‌ام * والحال
این سه چیز باقیست یعنی ایمان وامید ومحبّت امّا بزرکتر از اینها محبّت است *

باب چهاردهم

۱ در پی محبّت بکوشید وعطایای روحانیرا بغیرت بطلبید خصوصًا اینکه نبوّت
۲ کنید * زیرا کسیکه بزبانی سخن میکوید نه بمردم بلکه بخدا میکوید زیرا هیچکس
۳ نمیفهمد لیکن در روح به اسرار تکلّم مینماید * امّا آنکه نبوّت میکند مردمرا برای
٤ بنا ونصیحت وتسلّی میکوید * هرکه بزبانی میکوید خودرا بنا میکند امّا آنکه نبوّت
٥ مینماید کلیسارا بنا میکند * وخواهش دارم که همهٔ شما بزبانها تکلّم کنید لکن
بیشتر اینکه نبوّت نمائید زیرا کسیکه نبوّت کند بهتر است از کسیکه بزبانها حرف
٦ زند مکر آنکه ترجمه کند تا کلیسا بنا شود * امّا الحال ای برادران اکر نزد شما
آیم وبزبانها سخن رانم شمارا چه سود میبخشم مکر آنکه شمارا بمکاشفه یا بمعرفت یا
۷ بنبوّت یا بتعلیم کویم * وهمچنین چیزهای بیجان که صدا میدهد چون نی یا بربط
۸ اکر در صداها فرق نکند چکونه آواز نی یا بربط فهمیده میشود * زیرا اکر کرّنا
۹ نیز صدای نا معلوم دهد که خودرا مهیّای جنك میسازد * همچنین شما نیز اکر

بزبان سخنِ مفهوم نکوئید چکونه معلوم میشود آنچیزیکه کفته شد زیراکه بهوا سخن
١٠ خواهید کفت ٭ زیراکه انواع زبانهای دنیا هر قدر زیاده باشد ولی یکی بیمعنی
١١ نیست ٭ پس هرکاه قوّت زبانرا نمیدانم نزد متکلّم بربری میباشم وآنکه سخن کوید
١٢ نزد من بربری میباشد ٭ همچنین شما نیز چونکه غیور عطایای روحانی هستید
١٣ بطلبید اینکه برای بنای کلیسا افزوده شوید ٭ بنابرین کسیکه بزبانی سخن میکوید
١٤ دعا بکند تا ترجمه نماید ٭ زیرا اکر بزبانی دعا کنم روح من دعا میکند لکن عقل
١٥ من برخوردار نمیشود ٭ پس مقصود چیست ٭ بروح دعا خواهم کرد وبعقل نیز
١٦ دعا خواهم نمود بروح سرود خواهم خواند وبعقل نیز خواهم خواند ٭ زیرا اکر
در روح تبرّك میخوانی چکونه آنکسیکه بمنزلتِ امّی است بشکر تو آمین کوید وحال
١٧ آنکه نمیفهمد چه میکوئی ٭ زیرا تو البتّه خوب شکر میکنی لکن آن دیکر بنا
١٨ ١٩ نمیشود ٭ خدارا شکر میکنم که زیادتر از همهٔ شما بزبانها حرف میزنم ٭ لکن
درکلیسا بیشتر میپسندم که پنج کلمه بعقل خود کویم تا دیکرانرا نیز تعلیم دهم ازآنکه
٢٠ هزاران کلمه بزبان بکویم ٭ ای برادران درفهم اطفال مباشید بلکه دربد خوئی
٢١ اطفال باشید ودرفهم رشید ٭ در توراة مکتوبست که خداوند میکوید بزبانهای
بیکانه ولبهای غیر باین قوم سخن خواهم کفت وبا این همه مرا نخواهند شنید ٭
٢٢ پس زبانها نشانی است نه برای ایمان داران بلکه برای بی ایمانان امّا نبوّت برای
٢٣ بی ایمان نیست بلکه برای ایمانداران است ٭ پس اکر تمام کلیسا درجائی جمع
شوند وهمه بزبانها حرف زنند وامّیان یا بی ایمانان داخل شوند آیا نمیکویند که
٢٤ دیوانه اید ٭ ولی اکر همه نبوّت کنند وکسی از بی ایمانان یا امّیان درآید از همه
٢٥ توبیخ مییابد واز همه ملزم میکردد ٭ وخفایای قلب او ظاهر میشود وهمچنین
بروی در افتاده خدارا عبادت خواهد کرد وندا خواهد داد که فی الحقیقه خدا
٢٦ درمیان شما است ٭ پس ای برادران مقصود این است که وقتیکه جمع شوید هر
یکی ازشما سرودی دارد تعلیمی دارد زبانی دارد مکاشفهٔ دارد ترجمهٔ دارد باید همه
٢٧ بجهة بنا بشود ٭ اکر کسی بزبانی سخن کوید دو دو یا نهایت سه سه باشند بترتیب
٢٨ وکسی ترجمه کند ٭ امّا اکر مترجمی نباشد درکلیسا خاموش باشد وبا خود
٢٩ وبا خدا سخن کوید ٭ واز انبیاء دو یا سه سخن بکویند ودیکران تمیز دهند ٭

۳۰ واکر چیزی بدیکری از اهل مجلس مکشوف شود آن اوّل ساکت شود*
۳۱ زیراکه همه میتوانید یکیك نبوّت کنید تا همه تعلیم یابند وهمه نصیحت پذیرند*
۳۲ ۳۳ وارواح انبیاء مطیع انبیاء میباشند* زیراکه او خدای تشویش نیست بلکه خدای
۳۴ سلامتی چنانکه در همهٔ کلیساهای مقدّسان* وزنان شما درکلیساها خاموش
باشند زیراکه ایشانرا حرف زدن جایز نیست بلکه اطاعت نمودن چنانکه توراة نیز
۳۵ میکوید* امّا اکر میخواهند چیزی یاموزند درخانه از شوهران خود بپرسند چون
۳۶ زنانرا درکلیسا حرف زدن قبیح است* آیا کلام خدا از شما صادر شد یا بشما
۳۷ بتنهائی رسید* اکر کسی خودرا نبیّ یا روحانی پندارد اقرار بکند که آنچه بشما
۳۸ مینویسم احکام خداوند است* امّا اکر کسی جاهل است جاهل باشد*
۳۹ پس ای برادران نبوّترا بغیرت بطلبید واز تکلّم نمودن بزبانها منع مکنید*
۴۰ لکن همه چیز بشایستکی وانتظام باشد*

باب پانزدهم

۱ الآن ای برادران شمارا از انجیلیکه بشما بشارت دادم اعلام مینمایم که آنرا هم
۲ پذیرفتید ودر آن هم قایم میباشید* وبوسیلهٔ آن نیز نجات مییابید بشرطیکه آن
۳ کلامیرا که بشما بشارت دادم محکم نکاه دارید والاّ عبث ایمان آوردید* زیراکه
۴ اوّل بشما سپردم آنچه نیز یافتم که مسیح برحسب کتب در راه کناهان ما مرد* واینکه
۵ مدفون شد ودر روز سیّم برحسب کتب برخاست* واینکه بکیفا ظاهر شد
۶ وبعد ازآن بآن دوازده* وپس ازآن بزیاده از پانصد برادر یکبار ظاهر شد که
۷ بیشتر ازایشان تا امروز باقی هستند امّا بعضی خوابیده‌اند* ازآن پس بیعقوب
۸ ظاهرشد وبعد بجمیع رسولان* وآخرِ همه بر من مثل طفل سقط شده ظاهر کردید*
۹ زیرا من کهترین رسولان هستم ولایق نیستم که به رسول خوانده شوم چونکه برکلیسای
۱۰ خدا جفا میرسانیدم* لیکن بفیض خدا آنچه هستم هستم وفیض او که بر من بود
باطل نکشت بلکه بیش از همهٔ ایشان مشقّت کشیدم امّا نه من بلکه فیض خدا که با
۱۱ من بود* پس خواه من وخواه ایشان بدینطریق وعظ میکنیم وباینطور ایمان
۱۲ آوردید* لیکن اکر بمسیح وعظ میشود که از مردکان برخاست چونست که بعضی

۱۳ از شما میکویند که قیامت مردکان نیست * امّا اکر مردکانرا قیامت نیست مسیح نیز
۱٤ برنخاسته است * واکر مسیح برنخاست باطلست وعظ ما وباطلست نیز ایمان شما *
۱۵ وشهود کَذَبَه نیز برای خدا شدیم زیرا دربارهٔ خدا شهادت دادیم که مسیحرا برخیزانید
۱٦ وحال آنکه اورا برنخیزانید درصورتیکه مردکان برنمیخیزند * زیرا هرکاه مردکان
۱۷ برنمیخیزند مسیح نیز برنخاسته است * امّا هرکاه مسیح برنخاسته است ایمان شما باطل
۱۸ است وشما تا کنون درکناهان خود هستید * بلکه آنانی هم که درمسیح خوابیده‌اند
۱۹ هلاك شدند * اکر فقط دراین جهان درمسیح امیدواریم ازجمیع مردم بد بختتریم *
۲۰ ۲۱ لیکن بالفعل مسیح از مردکان برخاسته ونوبر خوابیدکان شده است * زیرا چنانکه
۲۲ بانسان موت آمد بانسان نیز قیامت مردکان شد * وچنانکه درآدم همه میمیرند
۲۳ درمسیح نیز همه زنده خواهند کشت * لیکن هرکس به رتبهٔ خود. مسیح نوبر است
۲٤ وبعد آنانیکه دروقت آمدن او ازآنِ مسیح میباشند * وبعد ازآن انتهاء است وقتیکه
ملکوترا بخدا وپدر سپارد ودر آنزمان تمام ریاست وتمام قدرت وقوّترا نابود خواهد
۲۵ کردانید * زیرا مادامیکه همهٔ دشمنانرا زیر پایهای خود ننهد میباید او سلطنت
۲٦ ۲۷ بنماید * دشمن آخر که نابود میشود موت است * زیرا همه چیزرا زیر پایهای وی
انداخته است امّا چون میکوید که همه چیزرا زیر انداخته است واضح است که او
۲۸ که همه‌را زیر او انداخت مستثنی است * امّا زمانیکه همه مطیع وی شده باشند آنکاه
خود پسر هم مطیع خواهد شد اورا که همه چیزرا مطیع وی کردانید تا آنکه خدا
۲۹ کلّ درکلّ باشد * والّا آنانیکه برای مردکان تعمید مییابند چه کنند. هرکاه مردکان
۳۰ مطلقا برنمیخیزند پس چرا برای ایشان تعمید میکیرند * وما نیز چرا هرساعت خودرا
۳۱ درخطر میاندازیم * بآن فخری دربارهٔ شما که مرا درخداوند ما مسیح عیسی هست
۳۲ قسم که هر روزه مرا مردنی است * چون بطور انسان در افسُس با وحوش جنك
کردم مرا چه سود است. اکر مردکان برنمیخیزند. بخوریم وبیاشامیم چون فردا
۳۳ ۳٤ میمیریم * فریفته مشوید معاشرات بد اخلاق حسنه‌را فاسد میسازد * برای عدالت
بیدار شده کناه مکنید زیرا بعضی معرفت خدارا ندارند. برای انفعال شما میکویم *
۳۵ ۳٦ امّا اکر کسی کوید مردکان چکونه برمیخیزند وبکدام بدن میآیند * ای احمق آنچه
۳۷ تو میکاری زنده نمیکردد جز آنکه بمیرد * وآنچه میکاری نه آنجسمیرا که خواهد

۳۸ شد میکاری بلکه دانهٔ مجرّد خواه ازکندم ویا از دانهای دیکر* لیکن خدا برحسب
۳۹ ارادهٔ خود آنرا جسمی میدهد وبهر یکی از تخمها جسم خودشرا* هر کوشت
ازیکنوع کوشت نیست بلکه کوشت انسان دیکر است وکوشت بهایم دیکر وکوشت
٤۰ مرغان دیکر وکوشت ماهیان دیکر* وجسمهای آسمانی هست وجسمهای زمینی نیز
٤۱ لیکن شان آسمانیها دیکر وشان زمینیها دیکر است* وشان آفتاب دیکر وشان ماه
٤۲ دیکر وشان ستارکان دیکر زیراکه ستاره از ستاره درشان فرق دارد* بهمین نهج
است نیز قیامت مردکان* درفساد کاشته میشود ودر بی فسادی برمیخیزد*
٤۳ درذلّت کاشته میکردد ودر جلال برمیخیزد درضعف کاشته میشود ودر قوّت
٤٤ برمیخیزد* جسم نفسانی کاشته میشود وجسم روحانی برمیخیزد* اکر جسم نفسانی
٤٥ هست هرآینه روحانی نیز هست* وهمچنین نیز مکتوب است که انسان اوّل یعنی
٤٦ آدم نفس زنده کشت امّا آدم آخر روح حیات بخش شد* لیکن روحانی مقدّم نبود
٤۷ بلکه نفسانی وبعد ازآن روحانی* انسان اوّل از زمین است خاکی* انسان
٤۸ دوّم خداوند است از آسمان* چنانکه خاکیست خاکیان نیز چنان هستند وچنانکه
٤۹ آسمانی است آسمانیها همچنان میباشند* وچنانکه صورت خاکی‌را کرفتیم صورت
۵۰ آسمانیرا نیز خواهیم کرفت* لیکن ای برادران اینرا میکویم که کوشت وخون
۵۱ نمیتواند وارث ملکوت خدا شود وفاسد وارث بیفسادی نیز نمیشود* همانا بشما
۵۲ سرّی میکویم که همه نخواهیم خوابید لیکن همه متبدّل خواهیم شد* درلحظهٔ درطرفة
العینی بمجرّد نواختن صور اخیر زیرا کرّنا صدا خواهد داد ومردکان بیفساد خواهند
۵۳ برخاست وما متبدّل خواهیم شد* زیراکه میباید این فاسد بیفسادیرا بپوشد واین
۵٤ فانی ببقا آراسته کردد* امّا چون اینفاسد بیفسادیرا پوشید واین فانی ببقا آراسته
شد آنکاه اینکلامیکه مکتوب است بانجام خواهد رسید که مرك درظفر بلعیده شده
۵۵ ۵٦ است* ای موت نیش توکجا است وای کور ظفر توکجا* نیش موت کناهست
۵۷ وقوّت کناه شریعت* لیکن شکر خداراست که مارا بواسطهٔ خداوند ما عیسی
۵۸ مسیح ظفر میدهد* بنابرین ای برادران حبیب من پایدار وبیتشویش شده پیوسته
در عمل خداوند بیفزائید چون میدانید که زحمت شما در خداوند باطل نیست*

باب شانزدهم

١ امّا در بارهٔ جمع کردن زکات برای مقدّسین چنانکه بکلیساهای غَلاطِیه فرمودم
٢ شما نیز همچنین کنید * در روز اوّل هفته هر یکی از شما بحسب نعمتیکه یافته باشد
٣ نزد خود ذخیره کرده بکذارد تا دروقت امدن من زحمت جمع کردن نباشد * وچون
برسم آنانیرا که اختیار کنید با مکتوبها خواهم فرستاد تا احسان شمارا باورشلیم ببرند *
٤ ٥ واکر مصلحت باشد که من نیز بروم همراه من خواهند امد * وچون از مَکادُونیه عبور
٦ کنم بنزد شما خواهم آمد زیراکه از مَکادُونِیه عبور میکنم * واحتمال دارد که نزد شما
٧ بمانم بلکه زمستانرا نیز بسر برم تا هر جائیکه بروم شما مرا مشایعت کنید * زیراکه الآن
اراده ندارم دربین راه شمارا ملاقات کنم چونکه امیدوارم مدّتی با شما توقّف نمایم اکر
٨ ٩ خداوند اجازت دهد * لیکن من تا پَنْطِیکاسْت در اَفَسُس خواهم ماند * زیراکه
١٠ دروازهٔ بزرك وکارساز برای من باز شد ومعاندین بسیارند * لیکن اکر تِیمُوتاؤس
آید آکاه باشید که نزد شما بیترس باشد زیراکه درکار خداوند مشغول است چنانکه
١١ من نیزهستم * لهذا هیچکس اورا حقیر نشمارد بلکه اورا بسلامتی مشایعت کنید تا نزد
١٢ من آید زیراکه اورا با برادران انتظار میکشم * امّا دربارهٔ اَپلُّسِ برادر از او بسیار
درخواست نمودم که با برادران بنزد شما بیاید لیکن هرکز رضا نداد که الحال بیاید
١٣ ولی چون فرصت یابد خواهد آمد * بیدار شوید * درایمان استوار باشید ومردان
١٤ ١٥ باشید وزورآورشوید * جمیع کارهای شما با محبّت باشد * وای برادران بشما التماس
دارم (شما خانوادهٔ اِسْتِیفانرا میشناسید که نوبر اخائیّه هستند وخویشتنرا بخدمت
١٦ مقدّسین سپرده‌اند) * تا شما نیز چنین اشخاصرا اطاعت کنید وهر کسرا که درکار
١٧ وزحمت شریك باشد * واز آمدن اِسْتِیفان وفَرْتُوناتُس واَخائِیکوُس مرا شادی رخ
١٨ نمود زیراکه آنچه ازجانب شما نا تمام بود ایشان تمام کردند * چونکه روح من وشمارا تازه
١٩ کردند پس چنین اشخاصرا بشناسید * کلیساهای آسیا بشما سلام میرسانند واَکِیلا
٢٠ وپَرِسْکِلاّ با کلیسائیکه درخانهٔ ایشانند بشما سلام بسیار درخداوند میرسانند * همهٔ
٢١ برادران شمارا سلام میرسانند * یکدیکررا ببوسهٔ مقدّسانه سلام رسانید * من پولس از
٢٢ دست خود سلام میرسانم * اکر کسی عیسی مسیح خداوندرا دوست ندارد اَناتیما باد ماران
٢٣ ٢٤ آتا * فیض عیسی مسیح خداوند با شما باد * محبّت من با همهٔ شما درمسیح عیسی باد آمین *

رسالهٔ دوّم پولس رسول بقرنتیان

باب اوّل

۱ پولس بارادهٔ خدا رسولِ عیسی مسیح وتیموُثاوُس برادر بکلیسای خدا که
۲ درقُرِنْتُس میباشد با همهٔ مقدّسینیکه درتمام اَخائیِّهْ هستند ✲ فیض وسلامتی از پدر
۳ ما خدا وعیسی مسیح خداوند بشما باد ✲ متبارك باد خدا وپدر خداوند ما عیسی
٤ مسیح که پدر رحمتها وخدای جمیع تسلّیانست ✲ که مارا درهر تنگیٔ ما تسلّی میدهد
تا ما بتوانیم دیکرانرا درهر مصیبتیکه باشد تسلّی نمائیم بآن تسلّیکه خود ازخدا
٥ یافته‌ایم ✲ زیرا به اندازهٔ که دردهای مسیح درما زیاده شود بهمین قسم تسلّیٔ ما نیز
٦ بوسیلهٔ مسیح میافزاید ✲ امّا خواه زحمت کشیم این است برای تسلّی ونجات شما
وخواه تسلّی پذیریم این هم بجهة تسلّی ونجات شما است که میسّر میشود ازصبر داشتن
۷ درهمین دردهائیکه ما هم میبینیم ✲ وامید ما برای شما استوار میشود زیرا میدانیم که
۸ چنانکه شما شریك دردها هستید همچنین شریك تسلّی نیز خواهید بود ✲ زیرا ای
برادران نمیخواهیم شما بیخبر باشید از تنکیٔ که درآسیا بما عارض کردید که بینهایت
۹ وفوق ازطاقت بار کشیدیم بحدّیکه از جان هم مأیوس شدیم ✲ لکن درخود فتوای
۱۰ موت داشتیم تا برخود توکّل نکنیم بلکه برخدا که مردکانرا برمیخیزاند ✲ که مارا
از چنین موت رهانید ومیرهاند وباو امیدواریم که بعد از این هم خواهد رهانید ✲
۱۱ وشما نیز بدعا درحقّ ما اعانت میکنید تا آنکه برای آن نعمتیکه ازاشخاص بسیاری
۱۲ بما رسید شکرکذاری هم بجهة ما از بسیاری بجا آورده شود ✲ زیراکه فخر ما این
است یعنی شهادت ضمیر ما که بقدّوسیّت واخلاص خدائی نه بحکمت جسمانی بلکه
۱۳ بفیض الهی درجهان رفتار نمودیم وخصوصاً نسبت بشما ✲ زیرا چیزی بشما نمینویسیم
مکر آنچه میخوانید وبآن اعتراف میکنید وامیدوارم که تا بآخر اعتراف هم خواهید

۱۴ کرد* چنانکه بما فی‌الجمله اعتراف کردید که محلّ فخر شما هستیم چنانکه شما نیز مارا
۱۵ میباشید در روز عیسی خداوند* وبدین اعتماد قبل ازاین خواستم بنزد شما آیم تا
۱۶ نعمتی دیکر بیابید* واز راه شما بمکادُونیه بروم وباز ازمکادُونیه نزد شما بیایم وشما
۱۷ مرا بسوی یَهُودِیه مشایعت کنید* پس چون اینرا خواستم آیا سهل انکاری کردم
۱۸ یا عزیمت من عزیمت بشری باشد تا آنکه بنزد من بلی بلی ونی نی باشد* لیکن خدا
۱۹ امین است که سخن ما با شما بلی ونی نیست* زیراکه پسر خدا عیسی مسیح که ما
یعنی من وسِلْوانُس وتِیمُوتاوُس درمیان شما بوی موعظه کردیم بلی ونی نشد بلکه
۲۰ دراو بلی شده است* زیرا چندانکه وعده‌های خدا است همه دراو بلی واز اینجهة
۲۱ دراو امین است تا خدا از ما تمجید یابد* امّا اوکه مارا با شما درمسیح استوار
۲۲ میکرداند ومارا مسح نموده است خداست* که او نیز مارا مُهر نموده وبیعانهٔ روح‌را
۲۳ دردلهای ما عطا کرده است* لیکن من خدارا برجان خود شاهد میخوانم که برای
۲۴ شفقت برشما تا بحال بقرِنتُس نیامدم* نه آنکه برایمان شما حکم کرده باشیم بلکه شادیٔ
شمارا مددکار هستیم زیراکه بایمان قائم هستید*

باب دوّم

۱ امّا دردل خود عزیمت داشتم که دیکر با حزن بنزد شما نیایم* زیرا اکر من
۲ شمارا محزون سازم کیست که مرا شادی دهد جز اوکه از من محزون کشت*
۳ وهمینرا نوشتم که مبادا وقتیکه بیایم محزون شوم از آنانیکه میبایست سبب خوشیٔ
من بشوند چونکه برهمهٔ شما اعتماد میدارم که شادیٔ من شادیٔ جمیع شما است*
۴ زیراکه از حزن ودلتنکیٔ سخت وبا اشکهای بسیار بشما نوشتم نه تا محزون شوید
۵ بلکه تا بفهمید چه محبّت بینهایتی با شما دارم* واکر کسی باعث غم شد مرا محزون
۶ نساخت بلکه فی‌الجمله جمیع شمارا تا بار زیاده ننهاده باشم* کافیست آن کسرا
۷ این سیاستیکه ازاکثر شما بدو رسیده است* پس برعکس شما باید اورا عفو نموده
۸ تسلّی دهید که مبادا افزونیٔ غم چنین شخصرا فرو برد* بنابرین بشما التماس میدارم
۹ که با او محبّت خودرا استوار نمائید* زیراکه برای همین نیز نوشتم تا دلیل شمارا
۱۰ بدانم که درهمه چیز مطیع میباشید* امّا هرکرا چیزی عفو نمائید من نیز میکنم زیراکه

آنچه من عفو کرده‌ام هرگاه چیزیرا عفو کرده باشم بخاطر شما بحضور مسیح کرده‌ام*
۱۱ تا شیطان برما برتری نیابد زیراکه از مکاید او بیخبر نیستیم* امّا چون به‌ترَوْاس
۱۲ بجهة بشارت مسیح آمدم ودروازهٔ برای من درخداوند باز شد* درروح خود
۱۳ آرامی نداشتم ازآنرو که برادر خود تِیطُس‌را نیافتم بلکه ایشانرا وداع نموده بمَکادُونِیه
۱٤ آمدم* لیکن شکر خداراست که مارا درمسیح دائمًا درموکب ظفر خود میبرد وعطر
۱٥ معرفت خودرا درهر جا بوسیلهٔ ما ظاهر میکند* زیرا خدارا عطر خوشبوی مسیح
۱٦ میباشیم هم درناجیان وهم درهالکان* امّا اینهارا عطر موت الی موت وآنهارا
۱۷ عطر حیات الی حیات وبرای این امور کیست که کافی باشد* زیرا مثل بسیاری
نیستیم که کلام خدارا مغشوش سازیم بلکه ازساده دلی واز جانب خدا درحضور
خدا درمسیح سخن میکوئیم*

باب سوّم

۱ آیا باز بسفارش خود شروع میکنیم وآیا مثل بعضی احتیاج بسفارش نامجات
۲ بشما یا ازشما داشته باشیم* شما رسالهٔ ما هستید نوشته شدهٔ دردلهای ما معروف
۳ وخواندهٔ شدهٔ جمیع آدمیان* چونکه ظاهر شده‌اید که رسالهٔ مسیح میباشید خدمت
کرده شده ازما ونوشته شده نه بمرکّب بلکه بروح خدای حیّ* نه برالواح سنك بلکه
٤ برالواح کوشتیٔ دل* اما بوسیلهٔ مسیح چنین اعتماد بخدا داریم* نه آنکه کافی باشیم
٥
٦ که چیزیرا بخود تفکّر کنیم که کویا ازما باشد بلکه کفایت ما ازخداست* که او
مارا هم کفایت داد تا عهد جدیدرا خادم شویم نه حرف‌را بلکه روح‌را زیراکه حرف
۷ میکُشد لیکن روح زنده میکند* امّا اکر خدمت موت که درحرف بود وبرسنکها
تراشیده شده با جلال میبود بحدّیکه بنی اسرائیل نمیتوانستند صورت موسی‌را نظاره
۸ کنند بسبب جلال چهرهٔ او که فانی بود* چکونه خدمت روح بیشتر با جلال
۹ نخواهد بود* زیرا هرگاه خدمتِ قصاص با جلال باشد چند مرتبه زیادتر خدمت
۱۰ عدالت درجلال خواهد افزود* زیراکه آنچه جلال داده شده بود نیز بدین
۱۱ نسبت جلالی نداشت بسبب این جلال فایق* زیرا اکر آن فانی با جلال بودی
۱۲ هرآینه این باقی ازطریق اولی درجلال خواهد بود* پس چون چنین امید داریم
۱۳ با کمال دلیری سخن میکوئیم* ونه مانند موسی که نقابی برچهرهٔ خود کشید تا بنی

١٤ اسرائیل تمام شدن این فانیرا نظر نکنند* بلکه ذهن ایشان غلیظ شد زیراکه تا
امروز همان نقاب درخواندن عهد عتیق باقیست وکشف نشده است زیراکه فقط
١٥ درمسیح باطل میکردد* بلکه تا امروز وقتیکه موسیرا میخوانند نقاب بردل ایشان
١٦ برقرار میماند* لیکن هرگاه بسوی خداوند رجوع کند نقاب برداشته میشود*
١٧ ١٨ امّا خداوند روح است وجائیکه روح خداوند است آنجا آزادی است* لیکن
همهٔ ما چون با چهرهٔ بینقاب جلال خداوندرا درآینه مینگریم ازجلال تاجلال بهمان
صورت متبدّل میشویم چنانکه ازخداوند که روح است*

باب چهارم

١ بنابرین چون این خدمترا داریم چنانکه رحمت یافته ایم خسته خاطر نمیشویم*
٢ بلکه خفایای رسوائی را ترك کرده بمکر رفتار نمیکنیم وکلام خدارا مغشوش نمیسازیم
٣ بلکه به اظهار راستی خودرا بضمیر هرکس درحضور خدا مقبول میسازیم* لیکن
٤ اگر بشارت ما مخفی است برهالکان مخفی است* که درایشان خدای اینجهان
فهمهای بی ایمانشانرا کور کردانیده است که مبادا تجلّیٔ بشارت جلال مسیح که
٥ صورت خداست ایشانرا روشن سازد* زیرا بخویشتن موعظه نمیکنیم بلکه بمسیح
٦ عیسی خداوند امّا بخویشتن که غلام شما هستیم بخاطر عیسی* زیرا خدائیکه کفت
تا نور ازظلمت درخشید همانست که دردلهای ما درخشید تا نور معرفت جلال
٧ خدا درچهرهٔ عیسی مسیح ازما بدرخشد* لیکن این خزینه را درظروف خاکی
٨ داریم تا برتریٔ قوّت ازآن خدا باشد نه ازجانب ما* درهر چیز زحمت کشیده ولی
٩ درشکنجه نیستیم* متحیّر ولی مأیوس نی* تعاقب کرده شده لیکن نه متروك* افکنده
١٠ شده ولی هلاك شده نی* پیوسته قتل عیسی خداوندرا درجسد خود حمل میکنیم
١١ تا حیات عیسی هم دربدن ما ظاهر شود* زیرا ما که زنده ایم دائماً بخاطر عیسی
١٢ بموت سپرده میشویم تا حیات عیسی نیز درجسد فانیٔ ما پدید آید* پس موت درما
١٣ کار میکند ولی حیات درشما* امّا چون همان روح ایمانرا داریم بحسب آنچه مکتوب
است ایمان آوردم پس سخن کفتم ما نیز چون ایمان داریم ازاینرو سخن میکوئیم*
١٤ چون میدانیم او که عیسی خداوند را برخیزانید مارا نیز با عیسی خواهد برخیزانید

١٥ و با شما حاضر خواهد ساخت* زیراکه همه چیز برای شما است تا آن فیضیکه
١٦ بوسیلهٔ بسیاری افزوده شده است شکرگذاریرا برای تمجید خدا بیفزاید* ازاینجهة
خسته خاطر نمیشویم بلکه هرچند انسانیّت ظاهریٔ ما فانی میشود لیکن باطن روز
١٧ بروز تازه میگردد* زیراکه این زحمت سبك ما که برای لحظه ایست بار جاودانیٔ
١٨ جلالرا برای ما زیاده وزیاده پیدا میکند* درحالیکه ما نظر نمیکنیم بچیزهای دیدنی
بلکه بچیزهای نا دیدنی زیرا که آنچه دیدنی است زمانی است ونا دیدنی جاودانی*

باب پنجم

١ زیرا میدانیم که هرگاه اینخانهٔ زمینیٔ خیمهٔ ما ریخته شود عمارتی از خدا داریم خانهٔ
٢ نا ساخته شدهٔ بدستها وجاودانی درآسمانها* زیراکه دراین هم آه میکشیم چونکه
٣ مشتاق هستیم که خانهٔ خودرا که ازآسمانست بپوشیم* اگر فی الواقع پوشیده و نه
٤ عریان یافت شویم* ازآنروکه ما نیز که دراین خیمه هستیم گرانبار شده آه میکشیم
ازآنجهة که نمیخواهیم اینرا بیرون کنیم بلکه آنرا بپوشیم تا فانی درحیات غرق شود*
٥ امّا اوکه مارا برای این درست ساخت خدا است که بیعانهٔ روح را بما میدهد*
٦ پس دائمًا خاطرجمع هستیم ومیدانیم که مادامیکه دربدن متوطّنیم ازخداوند غریب
٧-٨ میباشیم* (زیراکه بایمان رفتار میکنیم نه بدیدار)* پس خاطرجمع هستیم واینرا
٩ بیشتر میپسندیم که ازبدن غربت کنیم وبنزد خداوند متوطّن شویم* لهذا حریص
١٠ هستیم براینکه خواه متوطّن وخواه غریب پسندیدهٔ او باشیم* زیرا لازمست که
همهٔ ما پیش مسند مسیح حاضرشویم تا هرکس اعمال بدنیٔ خودرا بیابد بحسب آنچه
١١ کرده باشد چه نیك چه بد* پس چون ترس خدارا دانستهایم مردمرا دعوت
١٢ میکنیم امّا بخدا ظاهر شدهایم وامیدوارم بضمایر شما هم ظاهرخواهیم شد* زیرا
١٣ بار دیگر برای خود بشما سفارش نمیکنیم بلکه سبب افتخار دربارهٔ خود بشما میدهیم
تا شمارا جوابی باشد برای آنانیکه درظاهر نه دردل فخر میکنند* زیرا اگر بیخود
١٤ هستیم برای خداست واگر هشیاریم برای شما است* زیرا محبّت مسیح مارا فرو
١٥ گرفته است چونکه اینرا دریافتیم که یکنفر برای همه مرد پس همه مردند* وبرای
همه مُرد تا آنانیکه زندهاند ازاین بهبعد برای خویشتن زیست نکنند بلکه برای او که

١٦ برای ایشان مرد وبرخاست * بنابرین ما بعد ازاین هیچکسرا بحسب جسم
نمیشناسیم بلکه هرکاه مسیح را هم بحسب جسم شناخته بودیم الآن دیکر اورا نمیشناسیم*
١٧ پس اکر کسی درمسیح باشد خلقتِ تازه ایست ۰ چیزهای کُهنه درکذشت اینك همه
١٨ چیز تازه شده است * وهمه چیز از خدا که مارا بواسطهٔ عیسی مسیح با خود مصالحه
١٩ داده وخدمت مصالحه‌را بما سپرده است * یعنی اینکه خدا درمسیح بود وجهانرا
با خود مصالحه میداد وخطایای ایشانرا بدیشان محسوب نداشت وکلام مصالحه‌را
٢٠ بما سپرد * پس برای مسیح ایلچی هستیم که کویا خدا بزبان ما وعظ میکند پس
٢١ بخاطر مسیح استدعا میکنیم که با خدا مصالحه کنید * زیرا اورا که کناه نشناخت
درراه ما کناه ساخت تا ما دروی عدالتِ خدا شویم *

باب ششم

١ پس چون همکاران او هستیم التماس مینمائیم که فیض خدارا بیفایده نیافته باشید *
٢ زیرا میکوید دروقتِ مقبول ترا مستجاب فرمودم ودر روزنجات ترا اعانت کردم ۰
٣ اینك الحال زمانِ مقبول است اینك الآن روزنجاتست * درهیچ چیز لغزش
٤ نمیدهیم که مبادا خدمت ما ملامت کرده شود * بلکه درهر امری خودرا ثابت
٥ میکنیم که خدّام خدا هستیم ۰ درصبر بسیار درزحمات درحاجات درتنکیها * در
٦ تازیانه‌ها درزندانها درفتنه‌ها درمحنتها دربیخوابیها درکرسنکیها * درطهارت
٧ درمعرفت درحلم درمهربانی درروح القدس درمحبّت بیریا * درکلام حقّ درقوّت
٨ خدا با اسلحهٔ عدالت برطرف راست وچپ * بعزّت وذلّت وبدنامی ونیکنامی
٩ چون کمراه کنندکان واینك راستکو هستیم * چون مجهُول واینك معروف چون
١٠ درحالت موت واینك زنده هستیم چون سیاست کرده شده امّا مقتول نی * چون
محزون ولی دائمًا شادمان چون فقیر واینك بسیاریرا دولتمند میسازیم چون بیچیز امّا
١١ مالك همه چیز * ای قُرِنْتِیان دهان ما بسوی شما کشاده ودل ما وسیع
١٢ ١٣ شده است * درما تنك نیستید لیکن دراحشای خود تنك هستید * پس درجزای
١٤ این زیرا که بفرزندان خود سخن میکویم شما نیز کشاده شوید * زیر یوغ ناموافق با
بی‌ایمانان مشوید زیرا عدالترا با کناه چه رفاقت ونوررا باظلمت چه شراکت است*

۱۵ ۱۶ ومسیح را با بلیّعال چه مناسبت ومؤمنرا با کافر چه نصیب است * وهیکل خدارا
با بتها چه موافقت زیرا شما هیکل خدای حیّ میباشید چنانکه خدا کفت که
درایشان ساکن خواهم بود ودر ایشان راه خواهم رفت وخدای ایشان خواهم بود
۱۷ وایشان قوم من خواهند بود * پس خداوند میکوید ازمیان ایشان بیرون آئید
۱۸ وجدا شوید وچیز ناپاك را لمس مکنید تا من شمارا مقبول بدارم * وشمارا پدر
خواهم بود وشما مرا پسران ودختران خواهید بود. خداوند قادر مطلق میکوید *

باب هفتم

۱ پس ای عزیزان چون این وعدهارا داریم خویشتن را ازهر نجاست جسم وروح
۲ طاهر بسازیم وقدّوسیترا درخدا ترسی بکمال رسانیم * مارا دردلهای خود
جا دهید. برهیچکس ظلم نکردیم وهیچکسرا فاسد نساختیم وهیچکسرا مغبون ننمودیم *
۳ اینرا ازروی مذمّت نمیکویم زیرا پیش کفتم که دردل ما هستید تا درموت وحیات
۴ باهم باشیم * مرا برشما اعتماد کلّی ودربارهٔ شما فخر کامل است. ازتسلّی سیر کشتهام
۵ ودر هر زحمتی که برما میآید شادئ وافر میکنم * زیرا چون بمکادُونِیه هم رسیدیم
جسم ما آرامی نیافت بلکه درهر چیز زحمت کشیدیم. درظاهر نزاعها ودرباطن ترسها
۶ بود * لیکن خدائیکه تسلّی دهندهٔ افتادکانست مارا بآمدن تیطس تسلّی بخشید *
۷ ونه ازآمدن او تنها بلکه بآن تسلّی نیزکه او درشما یافته بود چون مارا مطّلع ساخت
ازشوق شما ونوحهکرئ شما وغیرتیکه دربارهٔ من داشتید بنوعیکه بیشتر شادمان
۸ کردیدم * زیراکه هرچند شمارا بآن رساله محزون ساختم پشیمان نیستم اکرچه
۹ پشیمان هم بودم زیرا یافتم که آن رساله شمارا اکرهم بساعتی غمکین ساخت * الحال
شادمانم نه ازآنکه غم خوردید بلکه ازاینکه غم شما بتوبه انجامید زیراکه غم شما
۱۰ برای خدا بود تا بهیچ وجه زیانی ازما بشما نرسد * زیرا غمیکه برای خدا است
منشاء توبه میباشد بجهة نجات که ازآن پشیمانی نیست امّا غم دنیوی منشاء موت
۱۱ است * زیرا اینك همینکه غم شما برای خدا بود چکونه کوشش بل احتجاج بل
خشم بل ترس بل اشتیاق بل غیرت بل انتقامرا در شما پدید آورد. درهرچیز
۱۲ خودرا ثابت کردید که دراین امر مبرّا هستید * باری هرکاه بشما نوشتم بجهة ان

۱۲ ظالم یا مظلوم نبود بلکه تا غیرت ما دربارهٔ شما بشما درحضور خدا ظاهرشود* واز
اینجهة تسلی یافتیم لیکن درتسلّئ خود شادئ ما ازخوشئ تیطُس بینهایت زیاده
۱٤ کردید چونکه روح او از جمیع شما آرامی یافته بود* زیرا اکر دربارهٔ شما بدو فخر
کردم خجل نشدم بلکه چنانکه همهٔ سخنانرا بشما براستی کفتیم همچنین فخر ما به تیطس
۱٥ راست شد* وخاطر او بسوی شما زیادتر مایل کردید چونکه اطاعت جمیع شمارا
۱٦ بیاد میآورد که چکونه بترس ولرز اورا پذیرفتید* شادمانم که در هر چیز برشما
اعتماد دارم*

باب هشتم

۱ لیکن ای برادران شمارا مطّلع میسازیم ازفیض خدا که بکلیساهای مکادونیهِ عطا
۲ شده است* زیرا درامتحان شدیدِ زحمتْ فراوانئ خوشئ ایشان ظاهر کردید
۳ واززیادتئ فقر ایشان دولتِ سخاوتِ ایشان افزوده شد* زیراکه شاهد هستم
٤ که بحسب طاقت بلکه فوق ازطاقت خویش به رضامندئ تمام* التماس بسیار نموده
٥ این نعمت وشراکت درخدمت مقدّسینرا ازما طلبیدند* ونه چنانکه امید داشتیم
٦ بلکه اوّل خویشتنرا بخداوند وبما برحسب ارادهٔ خدا دادند* واز این سبب
ازتیطُس استدعا نمودیم که همچنانکه شروع این نعمترا درمیان شما کرد آنرا به انجام هم
۷ برساند* بلکه چنانکه درهر چیز افزونی دارید درایمان وکلام ومعرفت وکمال
۸ اجتهاد ومحبّتیکه با ما میدارید دراین نعمت نیز بیفزائید* اینرا بطریق حکم نمیکویم
۹ بلکه بسبب اجتهاد دیکران وتا اخلاص محبت شمارا بیازمایم* زیراکه فیض
خداوند ما عیسی مسیح را میدانید که هرچند دولتمند بود برای شما فقیر شد تا شما
۱۰ ازفقر او دولتمند شوید* ودراین رای میدهم زیراکه این شمارا شایسته است
چونکه شما درسال کذشته نه درعمل فقط بلکه درارادهٔ نیز اوّل ازهمه شروع کردید*
۱۱ امّا الحال عملرا به انجام رسانید تا چنانکه دلکرمی دراراده بود انجام عمل نیز برحسب
۱۲ آنچه دارید بشود* زیرا هرکاه دلکرمی باشد مقبول می افتد بحسب آنچه کسی دارد
۱۳ نه بحسب آنچه ندارد* ونه اینکه دیکرانرا راحت وشمارا زحمت باشد بلکه بطریق
۱٤ مساواة تا درحال زیادتئ شما برای کمئ ایشان بکار آید* وتا زیادتئ ایشان بجهة
۱٥ کمئ شما باشد ومساواة بشود* چنانکه مکتوب است آنکه بسیار جمع کرد زیادتی

۱٦ نداشت وآنکه اندکی جمع کرد کمی نداشت * امّا شکر خدا راست که این
۱۷ اجتهادرا برای شما دردل تیطُس نهاد * زیرا او خواهش مارا اجابت نمود بلکه
۱۸ بیشتر با اجتهاد بوده به رضامندئ تمام بسوی شما روانه شد * و با وی آن برادررا
۱۹ فرستادیم که مدح او درانجیل درتمامئ کلیساها است * ونه همین فقط بلکه کلیساها
نیز اورا اختیار کردند تا دراین نعمتیکه خدمت آنرا برای تمجید خداوند ودلگرمئ
۲۰ شما میکنیم هم سفر ما بشود * چونکه اجتناب میکنیم که مبادا کسی مارا ملامت کند
۲۱ دربارهٔ این سخاوتیکه خادمان آن هستیم * زیراکه نه درحضور خداوند فقط بلکه
۲۲ درنظر مردم نیز چیزهای نیکورا تدارك میبینیم * وبا ایشان برادر خودرا نیز
فرستادیم که مکرّرًا درامور بسیار اورا با اجتهاد یافتیم والحال بسبب اعتماد کلّی
۲۳ که برشما میدارد بیشتر با اجتهاد است * هرگاه دربارهٔ تیطُس (پرسند)، او درخدمت
شما رفیق وهمکار منست واگر دربارهٔ برادرانِ ما، ایشان رُسُل کلیساها وجلال مسیح
۲٤ میباشند * پس دلیل محبّت خود وفخر مارا دربارهٔ شما درحضور کلیساها بایشان
ظاهر نمائید *

باب نهم

۱ زیراکه درخصوص این خدمتِ مقدّسین زیادتی میباشد که بشما بنویسم * چونکه
۲ دلگرمئ شمارا میدانم که دربارهٔ آن بجهة شما به اهل مَکادُونیه فخر میکنم که ازسال
گذشته اهل اَخائیّه مستعدّ شده‌اند وغیرت شما اکثر ایشانرا تحریض نموده است *
۳ امّا برادرانرا فرستادم که مبادا فخر ما دربارهٔ شما دراین خصوص باطل شود تا
٤ چنانکه گفته‌ام مستعدّ شوید * مبادا اگر اهل مَکادُونیه با من آیند وشمارا نا مستعدّ
٥ یابند نمیگویم شما بلکه ما ازاین اعتمادیکه بآن فخر کردیم خجل شویم * پس لازم
دانستم که برادرانرا نصیحت کنم تا قبل ازما نزد شما آیند وبرکت موعود شمارا مهیّا
٦ سازند تا حاضر باشد ازراه برکت نه ازراه طمع * امّا خلاصه این است هرکه با بخیلی
۷ کارد با بخیلی هم درو کند وهرکه با برکت کارد با برکت نیز درو کند * امّا هرکس
بطوریکه دردل خود اراده نموده است بکند نه بحزن واضطرار زیرا خدا بخشندهٔ
۸ خوش را دوست میدارد * ولی خدا قادر است که هر نعمتیرا برای شما بیفزاید
۹ تا همیشه درهر امری کفایت کامل داشته برای هرعمل نیکو افزوده شوید * چنانکه

۱۰ مکتوبست که پاشید وبفقراء داد وعدالتش تا بأبد باقی میماند * امّا او که برای
برزکر بذر وبرای خورنده نانرا آماده میکند بذر شمارا آماده کرده خواهد افزود
۱۱ وثمرات عدالت شمارا مزید خواهد کرد * تا آنکه درهر چیز دولتمند شده کمال
۱۲ سخاوترا بنمائید که آن منشاء شکر خدا بوسیلهٔ ما میباشد * زیراکه بجا آوردن این
خدمت نه فقط حاجات مقدّسینرا رفع میکند بلکه سپاس خدارا نیز بسیار میافزاید *
۱۳ واز دلیل این خدمت خدارا تمجید میکنند بسبب اطاعت شما دراعتراف انجیل
۱٤ مسیح وسخاوت بخشش شما برای ایشان وهمکان * وایشان بسبب افزونیٔ فیض
۱۵ خدائیکه برشماست دردعای خود مشتاق شما میباشند * خدارا برای عطای ما
لاکلام او شکر باد *

باب دهم

۱ امّا من خود پولس که چون درمیان شما حاضر بودم فروتن بودم لیکن وقتیکه
۲ غایب هستم با شما جسارت میکنم ازشما بحلم ورأفت مسیح استدعا دارم * والتماس
میکنم که چون حاضر شوم جسارت نکنم بدان اعتمادیکه کمان میبرم که جرئت خواهم
۳ کرد با آنانیکه میپندارند که ما بطریق جسم رفتار میکنیم * زیرا هرچند درجسم
٤ رفتار میکنیم ولی بقانون جسی جنك نمینمائیم * زیرا اسلحهٔ جنك ما جسمانی نیست
۵ بلکه نزد خدا قادر است برای انهدام قلعه‌ها * که خیالات وهر بلندیرا که خودرا
بخلاف معرفت خدا میافرازد بزیر میافکنیم وهر فکریرا به اطاعت مسیح اسیر میسازیم *
٦ ۷ ومستعدّ هستیم که ازهر معصیت انتقام جوئیم وقتیکه اطاعت شما کامل شود * آیا
بصورت ظاهری نظر میکنید ۰ اکر کسی برخود اعتماد دارد که ازآنِ مسیح است
اینرا نیز ازخود بداند که چنانکه او ازآنِ مسیح است ما نیز همچنان ازآنِ مسیح هستیم *
۸ زیرا هرچند زیاده هم فخر بکنم دربارهٔ اقتدار خود که خداوند آنرا برای بنا نه برای
۹ خرابیٔ شما بما داده است خجل نخواهم شد * که مبادا معلوم شود که شمارا به‌رساله‌ها
۱۰ میترسانم * زیرا میکویند رساله‌های او کران وزورآور است لیکن حضور جسیٔ
۱۱ او ضعیف وسخنش حقیر * چنین شخص بداند که چنانکه درکلام برساله‌ها درغیاب
۱۲ هستیم همچنین نیز درفعل درحضور خواهیم بود * زیرا جرأت نداریم که خودرا
ازکسانیکه خویشتنرا مدح میکنند بشماریم یا خودرا با ایشان مقابله نمائیم ۰ بلکه

ایشان چون خودرا با خود میپیمایند وخودرا بخود مقابله مینمایند دانا نیستند ٭
١٣ امّا ما زیاده ازاندازه فخر نمیکنیم بلکه بحسب اندازهٔ آن قانونیکه خدا برای ما پیمود
١٤ وآن اندازه ایست که بشما نیز میرسد٭ زیرا ازحدّ خود تجاوز نمیکنیم که کویا بشما
١٥ نرسیده باشیم چونکه درانجیل مسیح بشما هم رسیده‌ایم٭ وازاندازهٔ خود نکذشته
درمحنتهای دیکران فخر نمینمائیم ولی امید داریم که چون ایمان شما افزون شود درمیان
١٦ شما بحسب قانون خود بغایت افزوده خواهیم شد٭ تا اینکه درمکانهای دورتر از
١٧ شما هم بشارت دهیم ودرامور مهیّا شدهٔ بقانونِ دیکران فخر نکنیم٭ امّا هرکه فخر نماید
١٨ بخداوند فخر بنماید٭ زیرا نه آنکه خودرا مدح کند مقبول افتد بلکه آنرا که خداوند
مدح نماید٭

باب یازدهم

١ کاشکه مرا درانداك جهالتی متحمّل شوید ومتحمّل من هم میباشید٭ زیراکه من
٢ برشما غیور هستم بغیرت الهی زیراکه شمارا بیك شوهر نامزد ساختم تا باکرهٔ عفیفه
٣ بمسیح سپارم٭ لیکن میترسم که چنانکه مار بمکر خود حوّارا فریفت همچنین خاطر
٤ شما هم ازسادکیٔ که درمسیح است فاسد کردد٭ زیرا هرکاه آنکه امد وعظ میکرد
به عیسیٔ دیکر غیرازانکه ما بدو موعظه کردیم یا شما روحی دیکررا جزانکه یافته
بودید یا انجیلی دیکررا سوای آنچه قبول کرده بودید میپذیرفتید نیکو میکردید که
٥ متحمّل میشدید٭ زیرا مرا یقین است که از بزرکترین رسولان هرکز کمتر نیستم٭
٦ امّا هرچند درکلام نیز امّی باشم لیکن درمعرفت نی ٭ بلکه درهرامری نزد همه کس
٧ بشما آشکار کردیدیم٭ آیا کناه کردم که خودرا ذلیل ساختم تا شما سرافراز شوید
دراینکه به انجیل خدا شمارا مفت بشارت دادم٭ کلیساهای دیکررا غارت نموده
٨ اجرت کرفتم تا شمارا خدمت نمایم وچون بنزد شما حاضر بوده محتاج شدم
٩ برهیچکس بار ننهادم٭ زیرا برادرانیکه ازمکادونیه آمدند رفع حاجت مرا نمودند
١٠ ودرهرچیز ازبار نهادن برشما خودرا نکاه داشته وخواهم داشت٭ براستیٔ مسیح که
١١ درمن است قسم که این فخر درنواحیٔ اخائیّه ازمن کرفته نخواهد شد٭ ازچه سبب٭
١٢ آیا ازاینکه شمارا دوست نمیدارم٭ خدا میداند٭ لیکن آنچه میکنم هم خواهم کرد تا
ازجویندکانِ فرصت فرصت را منقطع سازم تا درآنچه فخر میکنند مثل ما نیز یافت

١٣ شوند* زیراکه چنین اشخاص رسولان کَذَبَه وعَمَلَهٔ مکّار هستند که خویشتنرا
١٤ برسولان مسیح مشابه میسازند* وعجب نیست چونکه خودِ شیطان هم خویشتنرا
١٥ بفرشتهٔ نور مشابه میسازد* پس امر بزرك نیست که خدّام وی خویشتنرا بخدّام
١٦ عدالت مشابه سازند که عاقبت ایشان برحسب اعمالشان خواهد بود* باز
میکویم کسی مرا بیفهم نداند والاّ مرا چون بیفهمی بپذیرید تا من نیز اندکی افتخار
١٧ کنم* آنچه میکویم ازجانب خداوند نمیکویم بلکه ازراه بیفهمی دراین اعتمادیکه
١٨ فخرما است* چونکه بسیاری ازطریق جسمانی فخر میکنند من هم فخر مینمایم*
١٩ ٢٠ زیرا چونکه خود فهیم هستید بیفهمانرا بخوشی متحمّل میباشید* زیرا متحمّل میشوید
هرکاه کسی شمارا غلام سازد یا کسی شمارا فرو خورد یا کسی شمارا کرفتار کند یا
٢١ کسی خودرا بلند سازد یا کسی شمارا بررخسار طپانچه زند* ازروی استحقار میکویم
که کویا ما ضعیف بوده‌ایم امّا درهرچیزیکه کسی جرأت دارد ازراه بیفهمی میکویم
٢٢ من نیز جرأت دارم* آیا عبرانی هستند من نیز هستم* اسرائیلی هستند من نیزهستم
٢٣ از ذرّیت ابراهیم هستند من نیز میباشم* آیا خدّام مسیح هستند* چون دیوانه
حرف میزنم من بیشتر هستم* در محنتها افزونتر درتازیانه‌ها زیادتر درزندانها بیشتر
٢٤ ٢٥ درمرکها مکرّر* ازیهودیان پنج مرتبه ازچهل یك کم تازیانه خوردم* سه مرتبه
مرا چوب زدند یك دفعه سنکسار شدم سه کرّت شکسته کشتی شدم شبانه روزی
٢٦ دردریا بسر بردم* درسفرها بارها درخطرهای نهرها درخطرهای دزدان در
خطرها ازقوم خود ودرخطرها ازامّتها درخطرها درشهر درخطرها دربیابان
٢٧ درخطرها دردریا درخطرها درمیان برادران کَذَبَه* درمحنت ومشقّت در
٢٨ بیخوابیها بارها درکرسنکی وتشنکی در روزه‌ها بارها درسرما وعریانی* بدون آنچه علاوه
٢٩ براینها است آن باریکه هرروزه برمن است یعنی اندیشه برای همهٔ کلیساها* کیست
٣٠ ضعیف که من ضعیف نمیشوم* که لغزش میخورد که من نمیسوزم* اکر فخر میباید
٣١ کرد ازآنچه بضعف من تعلّق دارد فخر میکنم* خدا وپدر عیسی مسیح خداوند که
٣٢ تا بأبد متبارك است میداند که دروغ نمیکویم* دردمشق والئ حارث پادشاه
٣٣ شهر دمشقیانرا برای کرفتن من محافظت مینمود* ومرا ازدریچه در زنبیلی ازبارهٔ
قلعه پائین کردند وازدستهای وی رستم*

باب دوازدهم

۱ لابدّ است که فخر کنم هرچند شایستهٔ من نیست لیکن برؤیاها ومکاشفات
۲ خداوند میآیم* شخصی را درمسیح میشناسم چهارده سال قبل ازاین آیا درجسم
نمیدانم وآیا بیرون ازجسم نمیدانم خدا میداند. چنین شخصیکه تا آسمان سیّم ربوده
۳ شد* وچنین شخصرا میشناسم خواه درجسم وخواه جدا ازجسم نمیدانم خدا
۴ میداند* که بفردوس ربوده شد وسخنان ناکفتنی شنید که انسانرا جایز نیست
۵ بآنها تکلّم کند* ازچنین شخص فخر خواهم کرد لیکن ازخود جز ازضعفهای
۶ خویش فخر نمیکنم* زیرا اکر بخواهم فخر بکنم بیفهم نمیباشم چونکه راست میکویم لیکن
اجتناب میکنم مبادا کسی درحقّ من کمانی برد فوق ازآنچه درمن بیند یا ازمن
۷ شنود* وتا آنکه اززیادتیٔ مکاشفات زیاده سرافرازی ننمایم خاری درجسم
۸ من داده شد فرشتهٔ شیطان تا مرا لطمه زند مبادا زیاده سرافرازی نمایم* ودر
۹ بارهٔ آن ازخداوند سه دفعه استدعا نمودم تا ازمن برود* مرا کفت فیض من ترا
کافی است زیراکه قوّت من درضعف کامل میکردد پس بشادیٔ بسیار ازضعفهای
۱۰ خود بیشتر فخر خواهم نمود تا قوّت مسیح درمن ساکن شود* بنابرین ازضعفهای
ورسوائیها واحتیاجات وزحمات وتنکیها بخاطر مسیح شادمانم زیراکه چون ناتوانم
۱۱ آنکاه توانا هستم* بیفهم شدهام شما مرا مجبور ساختید زیرا میبایست شما مرا مدح
کرده باشید ازآنرو که من ازبزرکترین رسولان بهیچ وجه کمتر نیستم هرچند هیچ
۱۲ هستم* بدرستیکه علامات رسول درمیان شما باکمال صبر ازآیات ومعجزات
۱۳ وقوّات پدید کشت* زیرا کدام چیز است که درآن ازسایر کلیساها قاصر
۱۴ بودید مکر اینکه من برشما بار ننهادم این بی انصافیرا ازمن ببخشید* اینك مرتبهٔ
سیّم مهیّا هستم که نزد شما بیایم وبرشما بار نخواهم نهاد ازآنرو که نه مال شما بلکه خود
شمارا طالبم زیراکه نمیباید فرزندان برای والدین ذخیره کنند بلکه والدین برای
۱۵ فرزندان* امّا من بکمال خوشی برای جانهای شما صرف میکنم وصرف کرده خواهم
۱۶ شد واکر شمارا بیشتر محبّت نمایم آیا کمتر محبّت بینم* امّا باشد من برشما بار ننهادم
۱۷ بلکه چون حیلهکر بودم شمارا بمکر بچنك آوردم* آیا بیکی ازآنانیکه نزد شما فرستادم

۱۸ نفع ازشما بردم * بنیطُس التماس نمودم وبا وی برادررا فرستادم آیا تیطُس ازشما نفع
۱۹ برد مکر بیك روح و یك رَوِش رفتار ننمودیم * آیا بعدازاین مدّت کمان میکنید که
نزد شما حجّت میآوریم بحضور خدا درمسیح سخن میکوئیم لیکن همه چیزای عزیزان
۲۰ برای بنای شما است * زیرا میترسم که چون آیم شمارا نه چنانکه میخواهم بیابم وشما مرا
بیابید چنانکه نمیخواهید که مبادا نزاع وحسد وخشمها وتعصّب و بهتان ونمّامی وغرور
۲۱ وفتنهها باشد * وچون باز آیم خدای من مرا نزد شما فروتن سازد وماتم کنم برای
بسیاری ازآنانیکه پیشتر کناه کردند واز ناپاکی وزنا وفجوریکه کرده بودند توبه ننمودند *

باب سیزدهم

۱
۲ این مرتبهٔ سیّم نزد شما میآیم. بکواهئ دو سه شاهد هرسخن ثابت خواهد شد * پیش
کفتم وپیش میکویم که کویا دفعهٔ دوّم حاضر بودهام هرچند الآن غایب هستم آنانرا
۳ که قبل ازاین کناه کردند وهمهٔ دیکرانرا که اکر باز آیم مسامحه نخواهم نمود * چونکه
دلیل مسیح راکه درمن سخن میکوید میجوئید که او نزد شما ضعیف نیست بلکه درشما
٤ توانا است * زیرا هرکاه از ضعف مصلوب کشت لیکن ازقوّت خدا زیست میکند.
چونکه ما نیز دروی ضعیف هستیم لیکن با او ازقوّت خدا که بسوی شما است زیست
۵ خواهیم کرد * خودرا امتحان کنید که درایمان هستید یانه. خودرا بازیافت کنید آیا
خودرا نمیشناسید که عیسی مسیح درشما است اکرمردود نیستید * امّا امیدوارم که خواهید
٦ دانست که ما مردود نیستیم * وازخدا مسئلت میکنم که شما هیچ بدی نکنید. نه تا ظاهر
شود که ما مقبول هستیم بلکه تا شما نیکوئی کرده باشید هرچند ما کویا مردود باشیم *
۷
۸ زیراکه هیچ نمیتوانیم بخلاف راستی عمل نمائیم بلکه برای راستی * وشادمانیم وقتیکه ما
۹ نا توانیم وشما توانائید ونیز برای این دعا میکنیم که شما کامل شوید * ازاینجهة اینرا
درغیاب مینویسم تا هنکامیکه حاضرشوم سختی نکنم بحسب آن قدرتیکه خداوند بجهة
۱۰ بنا نه برای خرابی بمن داده است * خلاصه ای برادران شاد باشید. کامل شوید
تسلّی پذیرید. یك رای وبا سلامتی بوده باشید وخدای محبّت وسلامتی با شما خواهد
۱۱
۱۲ بود * یکدیکررا ببوسهٔ مقدّسانه تحیّت نمائید * جمیع مقدّسان بشما سلام میرسانند *
۱۳ فیض عیسی مسیح خداوند ومحبّت خدا وشرکت روح القدس باجمیع شما باد آمین *

رسالهٔ پولس رسول بغلاطیان

باب اوّل

۱ پولس رسول نه ازجانب انسان ونه بوسیلهٔ انسان بلکه به عیسی مسیح وخدای
۲ پدرکه اورا از مردکان برخیزانید٭ وهمهٔ برادرانیکه با من میباشند بکلیساهای
۳ غلاطیه٭ فیض وسلامتی ازجانب خدای پدر وخداوند ما عیسی مسیح با شما باد٭
٤ که خودرا برای کناهان ما داد تا مارا ازین عالمَ حاضرِ شریر بحسب ارادهٔ خدا
۵ ۶ وپدر ما خلاصی بخشد٭ که اورا تا ابدالآباد جلال باد آمین٭ تعجّب میکنم
که بدین زودی ازآن کس که شمارا بفیض مسیح خوانده است برمیکردید بسوی
۷ انجیلی دیکر٭ که (انجیل) دیکر نیست لکن بعضی هستند که شمارا مضطرب
۸ میسازند ومیخواهند انجیل مسیحرا تبدیل نمایند٭ بلکه هرکاه ما هم یا فرشتهٔ از آسمان
۹ انجیلی غیر ازآنکه ما بآن بشارت دادیم بشما رساند اَناتیما باد٭ چنانکه پیش کفتیم
۱۰ الآن هم باز میکویم اکر کسی انجیلی غیر ازآنکه پذیرفتید بیاورد اَناتیما باد٭ آیا
الحال مردمرا در رای خود میاورم یا خدارا یا رضامندئ مردمرا میطلبم اکر تا
۱۱ بحال رضامندئ مردمرا میخواستم غلام مسیح نمیبودم٭ امّا ای برادران شمارا اعلام
۱۲ میکنم از انجیلیکه من بدان بشارت دادم که بطریق انسان نیست٭ زیراکه من آنرا
۱۳ از انسان نیافتم ونیاموختم مکر بکشف عیسی مسیح٭ زیرا سرکذشت سابق مرا در
دین یهود شنیده‌اید که برکلیسای خدا بینهایت جفا مینمودم وآنرا ویران میساختم٭
۱٤ ودر دین یهود ازاکثر همسالان قوم خود سبقت میجستم ودرتقالید اجداد خود
۱۵ به غایت غیور میبودم٭ امّا چون خدا که مرا از شکم مادرم برکزید وبفیض خود
۱٦ مرا خواند رضا بدین داد٭ که پسر خودرا در من آشکار سازد تا درمیان امّتها
۱۷ بدو بشارت دهم درآنوقت با جسم وخون مشورت نکردم٭ وبه اورشلیم هم نزد

آنانیکه قبل از من رسول بودند نرفتم بلکه بعَرَب شدم وباز بدمشق مراجعت
۱۸ کردم * پس بعد از سه سال برای ملاقات پطرس به اورشلیم رفتم وپانزده روز
۱۹ با وی بسر بردم * امّا ازسایر رسولان جز یعقوب برادر خداوندرا ندیدم * امّا
۲۰ دربارهٔ آنچه بشما مینویسم اینك در حضور خدا دروغ نمیگویم * بعد ازآن بنواحیٔ
۲۱ سُوریه وقِیلِیقِیه آمدم * وبکلیساهای یهودیه که درمسیح بودند صورةً غیر معروف
۲۲ بودم * جز اینکه شنیده بودند که آنکه پیشتر برما جفا مینمود الحال بشارت میدهد
۲۴ بهمان ایمانیکه قبل ازین ویران میساخت * وخدارا در من تمجید نمودند *

باب دوّم

۱ پس بعد ازچهارده سال با بَرْنابا باز به اورشلیم رفتم وتیطُس‌را همراه خود بردم *
۲ ولی به الهام رفتم وانجیلرا که درمیان امّتها بدان موعظه میکنم بایشان عرضه داشتم
۳ امّا درخلوت بمعتبرین مبادا عبث بدوم یا دویده باشم * لیکن تیطُس نیزکه همراه
۴ من ویونانی بود مجبور نشد که مختون شود * واین بسبب برادران کَذَبَه بود که
ایشانرا خفیةً درآوردند وخفیةً درآمدند تا آزادیٔ مارا که درمسیح عیسی داریم
۵ جاسوسی کنند وتا مارا ببندگی درآورند * که ایشانرا یك ساعت هم به اطاعت
۶ دراین امر تابع نشدیم تا راستیٔ انجیل درشما ثابت ماند * امّا ازآنانیکه معتبراند
که چیزی میباشند هرچه بودند مرا تفاوتی نیست خدا برصورت انسان نگاه نمیکند
۷ زیرا آنانیکه معتبراند بمن هیچ نفع نرسانیدند * بلکه بخلاف آن چون دیدند که
۸ بشارت نامختونان بمن سپرده شد چنانکه بشارت مختونان بپطرس * زیرا اوکه
۹ برای رسالت مختونان درپطرس عمل کرد درمن هم برای امّتها عمل کرد * پس
چون یعقوب وکیفا ویوحنّا که معتبر به ارکان بودند آن فیضیراکه بمن عطا شده
بود دیدند دست رفاقت بمن وبَرْنابا دادند تا ما بسوی امتها برویم چنانکه ایشان
۱۰ بسوی مختونان * جزآنکه فقراءرا یاد بداریم وخود نیز غیور بکردن این کار
۱۱ بودم * امّا چون پِطْرُس به‌اَنْطاکِیه آمد اورا روبرو مخالفت نمودم زیراکه
۱۲ مستوجب ملامت بود * چونکه قبل ازآمدنِ بعضی ازجانب یعقوب با امّتها غذا
میخورد ولی چون آمدند ازآنانیکه اهل ختنه بودند ترسیده باز ایستاد وخویشتنرا

۱۳ جدا ساخت* وسایر یهودیان هم با وی نفاق کردند بحدّیکه بَرْنابا نیز درنفاق
۱٤ ایشان گرفتار شد* ولی چون دیدم که براستیٔ انجیل به استقامت رفتار نمیکنند
پیش روی همه پطرس‌را گفتم اگر تو که یهود هستی بطریق امّتها ونه بطریق یهود
۱۵ زیست میکنی چونستکه امّتهارا مجبور میسازی که بطریق یهود رفتار کنند* ما که
۱٦ طبعًا یهود هستیم ونه گناهکاران از امّتها* امّا چونکه یافتیم که هیچکس از اعمال
شریعت عادل شمرده نمیشود بلکه به ایمان بعیسی مسیح ما هم بمسیح عیسی ایمان
آوردیم تا از ایمان بمسیح ونه از اعمال شریعت عادل شمرده شویم زیراکه از اعمال
۱۷ شریعت هیچ بشری عادل شمرده نخواهد شد* امّا اگر چون عدالت درمسیح‌را
۱۸ میطلبیم خود هم گناهکار یافت شویم آیا مسیح خادم گناه است. حاشا* زیرا اگر
باز بنا کنم آنچه‌را که خراب ساختم هرآینه ثابت میکنم که خود متعدّی هستم*
۱۹ زانروکه من بواسطهٔ شریعت نسبت بشریعت مُرِدَمْ تا نسبت بخدا زیست کنم*
۲۰ با مسیح مصلوب شده‌ام ولی زندگی میکنم لیکن نه من بعد از این. بلکه مسیح درمن
زندگی میکند وزندگانیٔ که الحال درجسم میکنم به ایمانِ بر پسر خدا میکنم که مرا
۲۱ محبّت نمود وخودرا برای من داد* فیض خدارا باطل نمیسازم زیرا اگر عدالت
بشریعت میبود هرآینه مسیح عبث مرد*

باب سوّم

۱ ای غلاطیانِ بیفهم کیست که شمارا افسون کرد تا راستیرا اطاعت نکنید که پیش
۲ چشمان شما عیسی مسیح مصلوب شده مبین گردید* فقط اینرا میخواهم از شما بفهمم
۳ که روح‌را از اعمال شریعت یافته‌اید یا ازخبر ایمان* آیا اینقدر بیفهم هستید که
٤ بروح شروع کرده الآن بجسم کامل میشوید* آیا اینقدر زحماترا عبث کشیدید
۵ اگر فی الحقیقه عبث باشد* پس آنکه روح‌را بشما عطا میکند وقوّات درمیان
٦ شما بظهور میآورد آیا از اعمال شریعت یا ازخبر ایمان میکند* چنانکه ابراهیم
۷ بخدا ایمان آورد وبرای او عدالت محسوب شد* پس آگاهید که اهل ایمان
۸ فرزندان ابراهیم هستند* وکتاب چون پیش دید که خدا امّتهارا از ایمان عادل
خواهد شمرد به ابراهیم بشارت داد که جمیع امّتها از تو برکت خواهند یافت*
۹ ۱۰ بنابرین اهل ایمان با ابراهیمِ ایمان دار برکت مییابند* زیرا جمیع آنانیکه از اعمال

شریعت هستند زیر لعنت میباشند زیرا مکتوبست ملعونست هرکه ثابت نماند درتمام
۱۱ نوشتهای کتاب شریعت تا آنهارا بجا آرد* امّا واضح است که هیچ کس درحضور
خدا از شریعت عادل شمرده نمیشود زیراکه عادل به ایمان زیست خواهد نمود*
۱۲ امّا شریعت از ایمان نیست بلکه آنکه بآنها عمل میکند در آنها زیست خواهد نمود*
۱۳ مسیح مارا از لعنت شریعت فدا کرد چونکه در راه ما لعنت شد چنانکه مکتوب
۱۴ است ملعونست هرکه بردار آویخته شود* تا برکت ابراهیم درمسیح عیسی برامّتها
۱۵ آید وتا وعدهٔ روح‌را بوسیلهٔ ایمان حاصل کنیم* ای برادران بطریق انسان سخن
میکویم زیرا عهدیرا که از انسان نیز استوار میشود هیچکس باطل نمیسازد ونمیافزاید*
۱۶ امّا وعدها به ابراهیم وبنسل او کفته شد ونمیکوید بنسلها که کویا در بارهٔ بسیاری
۱۷ باشد بلکه در بارهٔ یکی وبنسل تو که مسیح است* ومقصود اینست عهدیرا که
از خدا بمسیح بسته شده بود شریعتیکه چهار صد وسی سال بعد ازآن نازل شد
۱۸ باطل نمیسازد بطوریکه وعده نیست شود* زیرا اکر میراث از شریعت بودی
۱۹ دیکر ازوعده نبودی لیکن خدا آنرا به ابراهیم از وعده داد* پس شریعت
چیست. برای تقصیرها برآن افزوده شد تا هنکام آمدن آن نسلیکه وعده بدو
۲۰ داده شد وبوسیلهٔ فرشتکان بدست متوسّطی مرتّب کردید* امّا متوسّط از یك
۲۱ نیست امّا خدا یك است* پس آیا شریعت بخلاف وعدهای خداست. حاشا.
زیرا اکر شریعتی داده میشد که تواند حیات بخشد هرآینه عدالت از شریعت
۲۲ حاصل میشد* بلکه کتاب همه چیزرا زیر کناه بست تا وعدهٔ که از ایمانِ بعیسی
۲۳ مسیح است ایماندارانرا عطا شود* امّا قبل ازآمدن ایمان زیر شریعت نکاه داشته
۲۴ بودیم وبرای آن ایمانیکه میبایست مکشوف شود بسته شده بودیم* پس شریعت لالای
۲۵ ما شد تا بمسیح برساند تا از ایمان عادل شمرده شویم* لیکن چون ایمان آمد دیکر
۲۶ زیر دست لالا نیستیم* زیرا همکیٔ شما بوسیلهٔ ایمان درمسیح عیسی پسران خدا
۲۷ ۲۸ میباشید* زیرا همهٔ شما که درمسیح تعمید یافتید مسیح‌را در بر کرفتید* هیچ
ممکن نیست که یهود باشد یا یونانی ونه غلام ونه آزاد ونه مرد ونه زن زیراکه همهٔ
۲۹ شما درمسیح عیسی یك میباشید* امّا اکر شما ازآنِ مسیح میباشید هرآینه نسل
ابراهیم وبرحسب وعده وارث هستید*

باب چهارم

۱ ولی میکویم مادامیکه وارث صغیر است ازغلام هیچ فرق ندارد هرچند مالك
۲ همه باشد* بلکه زیردست ناظران ووکلاء میباشد تا روزیکه پدرش تعیین کرده
۳ باشد* همچنین ما نیز چون صغیر میبودیم زیر اصول دنیوی غلام میبودیم*
٤ لیکن چون زمان بکمال رسید خدا پسر خودرا فرستاد که از زن زائیده شد وزیر
٥ شریعت متولّد* تا آنانیراکه زیر شریعت باشند فدیه کند تا آنکه پسر خواندکی را
٦ بیابیم* امّا چونکه پسر هستید خدا روح پسر خودرا دردلهای شما فرستاد که ندا
۷ میکند یا ابّا یعنی ای پدر* لهذا دیکر غلام نیستی بلکه پسر وچون پسر هستی
۸ وارث خدا نیز بوسیلهٔ مسیح* لیکن درآن زمان چون خدارا نمیشناختید آنانیرا
۹ که طبیعةً خدایان نبودند بندکی میکردید* امّا الحال که خدارا میشناسید بلکه
خدا شمارا میشناسد چکونه باز برمیکردید بسوی آن اصول ضعیف وفقیر که دیکر
۱۰ میخواهید از سر نو آنهارا بندکی کنید* روزها وماهها وفصلها وسالهارا نکاه
۱۱ میدارید* دربارهٔ شما ترس دارم که مبادا برای شما عبث زحمت کشیده باشم*
۱۲ ای برادران از شما استدعا دارم که مثل من بشوید چنانکه من هم مثل شما شده‌ام.
۱۳ بمن هیچ ظلم نکردید* امّا آکاهید که بسبب ضعف بدنی اوّل بشما بشارت دادم*
١٤ وان امتحانِ مرا که درجسم من بود خوار نشمردید ومکروه نداشتید بلکه مرا چون
۱٥ فرشتهٔ خدا ومثل مسیح عیسی پذیرفتید* پس کجا است آن مبارك بادیٔ شما زیرا
۱٦ بشما شاهدم که اکر ممکن بودی چشمان خودرا بیرون آورده بمن میدادید* پس
۱۷ چون بشما راست میکویم آیا دشمن شما شده‌ام* شمارا بغیرت میطلبند لیکن نه
به خیر بلکه میخواهند دررا برروی شما ببندند تا شما ایشانرا بغیرت بطلبید*
۱۸ لیکن غیرت در امر نیکو در هر زمان نیکو است نه تنها چون من نزد شما حاضر
۱۹ باشم* ای فرزندان من که برای شما باز درد زه دارم تا صورت مسیح درشما بسته
۲۰ شود* باری خواهش میکردم که الان نزد شما حاضر میبودم تا سخن خودرا تبدیل
۲۱ کنم زیراکه دربارهٔ شما متحیّر شده‌ام* شما که میخواهید زیر شریعت باشید مرا بکوئید
۲۲ آیا شریعترا نمیشنوید* زیرا مکتوبست ابراهیمرا دو پسر بود یکی از کنیز ودیکری

۲۳ از آزاد* لیکن پسر کنیز بحسب جسم تولّد یافت و پسر آزاد برحسب وعده*
۲٤ واین امور بطور مثل کفته شد زیراکه این دو زن دو عهد میباشند یکی از کوه
۲۵ سینا برای بندکی میزاید وآن هاجر است* زیراکه هاجر کوه سینا است درعَرَب
ومطابق است با اورشلیمیکه موجود است زیراکه با فرزندانش در بندکی میباشد*
۲٦ ۲۷ لیکن اورشلیم بالا آزاد است که مادرِ جمیع ما میباشد* زیرا مکتوب است ای
نازاد که نزائیدهٔ شاد باش. صدا کن وفریاد برآور ای تو که درد زه ندیدهٔ زیراکه
۲۸ فرزندان زن بی کس از اولاد شوهر دار بیشتراند* لیکن ما ای برادران چون
۲۹ اسحق فرزندان وعده میباشیم* بلکه چنانکه آنوقت آنکه برحسب جسم تولّد
۳۰ یافت بر وی که برحسب روح بود جفا میکرد همچنین الآن نیز هست* لیکن
کتاب چه میکوید. کنیز و پسر اورا بیرون کن زیرا پسر کنیز با پسر آزاد میراث
۳۱ نخواهد یافت* خلاصه ای برادران فرزندان کنیز نیستیم بلکه از زنِ آزادیم*

باب پنجم

۱ پس بآن آزادی که مسیح مارا بآن آزاد کرد استوار باشید وباز در یوغ بندکی
۲ کرفتار مشوید* اینك من پولس بشما میکویم که اکر مختون شوید مسیح برای شما
۳ هیچ نفع ندارد* بلی باز بهرکس که مختون شود شهادت میدهم که مدیون است
٤ که تمامیٔ شریعترا بجا آورد* همهٔ شما که از شریعتْ عادل میشوید از مسیح باطل
۵ واز فیض ساقط کشته‌اید* زیراکه ما بواسطهٔ روح از ایمان مترقّب امیدِ عدالت
٦ هستیم* ودر مسیح عیسی نه ختنه فایده دارد ونه نامختونی بلکه ایمانیکه بمحبّت عمل
۷ میکند* خوب میدویدید پس کیست که شمارا ازاطاعت راستی منحرف ساخته
۸ ۹ است* این ترغیب ازاو که شمارا خوانده است نیست* خمیرمایهٔ اندك تمام
۱۰ خمیررا مخمّر میسازد* من درخداوند برشما اعتماد دارم که هیچ رای دیکر نخواهید
داشت لیکن آنکه شمارا مضطرب سازد هرکه باشد قصاص خودرا خواهد یافت*
۱۱ امّا ای برادران اکر من تا بحال بختنه موعظه میکردم چرا جفا میدیدم زیراکه در
۱۲ این صورت لغزش صلیب برداشته میشد* کاش آنانیکه شمارا مضطرب میسازند
۱۳ خویشتنرا منقطع میساختند* زیراکه شما ای برادران به آزادی خوانده شده‌اید

امّا زنهار آزادئ خودرا فرصت جسم مگردانید بلکه بمحبّت یکدیگررا خدمت
١٤ کنید* زیراکه تمامئ شریعت دریك کلمه کامل میشود یعنی دراینکه همسایهٔ خودرا
١٥ چون خویشتن محبّت نما* امّا اگر همدیگررا بگزید وبخورید با حذر باشید که
١٦ مبادا از یکدیگر هلاك شوید* امّا میگویم بروح رفتار کنید پس شهوات جسمرا
١٧ بجا نخواهید آورد* زیرا خواهش جسم بخلاف روح است وخواهش روح بخلاف
١٨ جسم واین دو با یکدیگر منازعه میکنند بطوریکه آنچه میخواهید نمیکنید* امّا اگر
١٩ از روح هدایت شدید زیر شریعت نیستید* واعمال جسم آشکار است یعنی زنا
٢٠ وفسق وناپاکی وفجور* وبُت پرستی وجادوگری ودشمنی ونزاع وکینه وخشم
٢١ وتعصّب وشقاق وبدعتها* وحسد وقتل ومستی ولهب ولعب وامثال اینها که
شمارا خبر میدهم چنانکه قبل از این دادم که کنندگان چنین کارها وارث ملکوت
٢٢ خدا نمیشوند* لیکن ثمرهٔ روح محبّت وخوشی وسلامتی وحلم ومهربانی ونیکوئی
٢٣ وایمان وتواضع وپرهیزکاری است* که هیچ شریعت مانع چنین کارها نیست*
٢٤ وآنانیکه از آنِ مسیح میباشند جسمرا با هوسها وشهواتش مصلوب ساختهاند*
٢٥ ٢٦ اگر بروح زیست کنیم بروح هم رفتار بکنیم* لاف زن مشویم تا یکدیگررا به خشم
آوریم وبر یکدیگر حسد بریم*

باب ششم

١ امّا ای برادران اگر کسی بخطائی گرفتار شود شما که روحانی هستید چنین شخصرا
بروح تواضع اصلاح کنید وخودرا ملاحظه کن که مبادا تو نیز در تجربه افتی*
٢ بارهای سنگین یکدیگررا متحمّل شوید وبدین نوع شریعت مسیحرا بجا آرید*
٣ زیرا اگر کسی خودرا شخصی گمان برد وحال آنکه چیزی نباشد خودرا میفریبد*
٤ امّا هرکس عمل خودرا امتحان بکند آنگاه فخر درخود بتنهائی خواهد داشت نه در
٥ ٦ دیگری* زیرا هرکس حامل بار خود خواهد شد* امّا هرکه در کلام تعلیم یافته
٧ باشد معلّم خودرا در همهٔ چیزهای خوب مشارك بسازد* خودرا فریب مدهید
خدارا استهزاء نمیتوان کرد زیراکه آنچه آدمی بکارد همانرا درو خواهد کرد*
٨ زیرا هرکه برای جسم خود کارد از جسم فسادرا درو کند وهرکه برای روح کارد

٩ از روح حیات جاودانی خواهد دروید* لیکن از نیکو کاری خسته نشویم زیراکه
١٠ درموسم آن درو خواهیم کرد اکر ملول نشویم* خلاصه بقدریکه فرصت داریم
١١ با جمیع مردم احسان بنمائیم علی الخصوص با اهل بیت ایمان* ملاحظه کنید
١٢ چه حروف جلّی بدست خود بشما نوشتم* آنانیکه میخواهند صورتی نیکو درجسم
نمایان سازند ایشان شمارا مجبور میسازند که مختون شوید محض اینکه برای صلیب
١٣ مسیح جفا نبینند* زیرا ایشان نیز که مختون میشوند خود شریعترا نکاه نمیدارند
١٤ بلکه میخواهند شما مختون شوید تا درجسم شما فخر کنند* لیکن حاشا از من که فخر
کنم جز ازصلیب خداوند ما عیسی مسیح که بوسیلهٔ او دنیا برای من مصلوب شد
١٥ ومن برای دنیا* زیراکه درمسیح عیسی نه ختنه چیزیست ونه نا مختونی بلکه
١٦ خلقت تازه* وآنانیکه بدین قانون رفتار میکنند سلامتی ورحمت برایشان باد
١٧ وبر اسرائیل خدا* بعد از این هیچکس مرا زحمت نرساند زیراکه من دربدن خود
١٨ داغهای خداوند عیسی‌را دارم* فیض خداوند ما عیسی مسیح با روح شما باد ای
برادران آمین*

رسالهٔ پولس رسول به‌اَفَسُسِیان

باب اوّل

۱ پولس به‌ارادهٔ خدا رسول عیسی مسیح بمقدّسینیکه دراَفَسُسْ میباشند وایماندااران
۲ درمسیح عیسی * فیض وسلامتی از جانب پدر ما خدا وعیسی مسیح خداوند برشما
۳ باد * متبارك باد خدا وپدر خداوند ما عیسی مسیح که مارا مبارك ساخت بهر
۴ برکت روحانی درجایهای آسمانی درمسیح * چنانکه مارا پیش از بنیاد عالم دراو
۵ برگزید تا درحضور او درمحبّت مقدّس و بیعیب باشیم * که مارا ازقبل تعیین نمود
تا اورا پسر خوانده شویم بوساطت عیسی مسیح برحسب خوشنودئ ارادهٔ خود *
۶ ۷ برای ستایش جلال فیض خود که مارا بآن مستفیض گردانید درآن حبیب * که
دروی بسبب خون او فدیه یعنی آمرزش گناهانرا به‌اندازهٔ دولت فیض او یافته‌ایم *
۸ ۹ که آنرا بما بفراوانی عطا فرمود درهر حکمت وفطانت * چونکه سرّ ارادهٔ خودرا
۱۰ بما شناسانید برحسب خوشنودئ خود که درخود عزم نموده بود * برای انتظام
کمال زمانها تا همه چیزرا خواه آنچه درآسمان وخواه آنچه برزمین است درمسیح جمع
۱۱ کند یعنی دراو * که ما نیز دروی میراث او شده‌ایم چنانکه پیش معیّن گشتیم
۱۲ برحسب قصد او که همهٔ چیزهارا موافق رای ارادهٔ خود میکند * تا ازما که اوّل
۱۳ امیدوار بمسیح میبودیم جلال او ستوده شود * ودر وی شما نیز چون کلام راستی
یعنی بشارت نجات خودرا شنیدید دروی چون ایمان آوردید از روح قدّوسِ
۱۴ وعده مختوم شدید * که بیعانهٔ میراث ما است برای فدای آن مِلْكِ خاصّ
۱۵ او تا جلال او ستوده شود * بنابرین من نیز چون خبر ایمان شمارا درعیسی
۱۶ خداوند ومحبّت شمارا با همهٔ مقدّسین شنیدم * باز نمایستم ازشکر نمودن برای شما
۱۷ واز یاد آوردن شما در دعاهای خود * تا خدای خداوند ما عیسی مسیح که پدر

۱۸ ذوالجلال است روح حکمت وکشفرا درمعرفت خود بشما عطا فرماید* تا
چشمان دل شما روشن کشته بدانید که امید دعوت او چیست وکدام است دولت
۱۹ جلال میراث او در مقدّسین* وچه مقدار است عظمت بینهایت قوّت او نسبت
۲۰ بما مؤمنین برحسب عمل توانائی قوّت او* که درمسیح عمل کرد چون اورا
۲۱ ازمردکان برخیزانید وبدست راست خود در جایهای آسمانی نشانید* بالاتر ازهر
ریاست وقدرت وقوّت وسلطنت وهر نامیکه خوانده میشود نه دراین عالم فقط
۲۲ بلکه درعالم آینده نیز* وهمه چیزرا زیر پایهای او نهاد واورا سر همه چیز بکلیسا
۲۳ داد* که بدن اوست یعنی پری او که همه‌را درهمه پر میسازد*

باب دوّم

۱ وشمارا که درخطایا وکناهان مرده بودید زنده کردانید* که درآنها قبل رفتار
۲ میکردید برحسب دورهٔ اینجهان بروفق رئیس قدرت هوا یعنی آن روحیکه الحال
۳ درفرزندان معصیت عمل میکند* که درمیان ایشان همهٔ ما نیز درشهوات جسمانی
خود قبل از این زندکی میکردیم وهوسهای جسمانی وافکار خودرا بعمل میآوردیم
۴ وطبعاً فرزندان غضب بودیم چنانکه دیکران* لیکن خدا که دررحمانیّت دولتمند
۵ است ازحیثیّت محبّت عظیم خود که با ما نمود* مارا نیز که درخطایا مرده بودیم با
۶ مسیح زنده کردانید زیراکه محض فیض نجات یافته‌اید* وبا او برخیزانید ودر جایهای
۷ آسمانی درمسیح عیسی نشانید* تا درعالمهای آینده دولت بینهایت فیض خودرا
۸ بلطفیکه برما درمسیح عیسی دارد ظاهر سازد* زیراکه محض فیض نجات یافته‌اید
۹ بوسیلهٔ ایمان واین از شما نیست بلکه بخشش خداست* ونه از اعمال تا هیچکس
۱۰ فخر نکند* زیراکه صنعت او هستیم آفریده شده درمسیح عیسی برای کارهای نیکو
۱۱ که خدا قبل مهیّا نمود تا درآنها سلوك نمائیم* لهذا بیاد آورید که شما درزمان سلف
(ای امّتهای درجسم که آنانیکه به‌اهل ختنه نامیده میشوند امّا ختنهٔ ایشان درجسم
۱۲ وساخته شدهٔ بدست است شمارا نامختون میخوانند)* که شما درآن زمان از مسیح
جدا واز وطنیّت خاندان اسرائیل اجنبی واز عهدهای وعده بیکانه وبی امید وبی
۱۳ خدا دردنیا بودید* لیکن الحال درمسیح عیسی شما که درآن وقت دور بودید

۱۴ بخون مسیح نزدیك شده‌اید * زیراكه او سلامتئ ما است كه هر دورا یك كردانید
۱۵ ودیوار جدائی‌را كه درمیان بود منهدم ساخت * وعداوت یعنی شریعت احكامرا
كه درفرایض بود بجسم خود نابود ساخت تا كه مصالحه كرده از هر دو یك انسان
۱۶ جدید درخود بیافریند * وتا هر دورا دریك جسد با خدا مصالحه دهد بوساطت
۱۷ صلیب خود كه برآن عداوترا كُشت * وآمده بشارت مصالحه‌را رسانید بشما كه دور
۱۸ بودید ومصالحه‌را بآنانیكه نزدیك بودند * زیراكه بوسیلهٔ او هر دو نزد پدر
۱۹ دریك روح دخول داریم * پس از این ببعد غریب واجنبی نیستید بلكه هموطن
۲۰ مقدّسین هستید واز اهل خانهٔ خدا * وبر بنیاد رسولان وانبیاء بنا شده‌اید كه
۲۱ خود عیسی مسیح سنك زاویه است * كه دروی تمامئ عمارت باهم مرتّب شده بهیكل
۲۲ مقدّس درخداوند نموّ میكند * ودر وی شما نیز باهم بنا كرده میشوید تا درروح
مسكن خدا شوید *

باب سوّم

۱ ۲ ازاین سبب، من كه پولس هستم واسیر مسیح عیسی برای شما ای امّتها * اكر شنیده
۳ باشید تدبیر فیض خدارا كه بجهة شما بمن عطا شده است * كه این سرّ ازراه كشف
۴ برمن اعلام شد چنانكه مختصرًا پیش نوشتم * واز مطالعهٔ آن میتوانید ادراك مرا
۵ درسرّ مسیح بفهمید * كه آن درقرنهای كذشته ببنی آدم آشكار نشده بود بطوریكه
۶ الحال بررسولان مقدّس وانبیای او بروح مكشوف كشته است * كه امّتها درمیراث
۷ ودر بدن ودربهرهٔ وعدهٔ او در مسیح بوساطت انجیل شریك هستند * كه خادم
آن شدم بحسب عطای فیض خدا كه برحسب عمل قوّت او بمن داده شده است *
۸ یعنی بمن كه كمتر ازكمترین همهٔ مقدّسینم این فیض عطا شد كه درمیان امّتها بدولت
۹ بیقیاس مسیح بشارت دهم * وهمه‌را روشن سازم كه چیست انتظام آن سرّیكه
۱۰ ازبنای عالمها مستور بود درخدائیكه همه چیزرا بوسیلهٔ عیسی مسیح آفرید * تا آنكه
الحال برارباب ریاستها وقدرتها درجایهای آسمانی حكمتِ كوناكون خدا بوسیلهٔ
۱۱ ۱۲ كلیسا معلوم شود * برحسب تقدیر ازلی كه در خداوند ما مسیح عیسی نمود * كه
۱۳ دروی جسارت ودخولِ با اعتماد داریم بسبب ایمان وی * لهذا استدعا دارم كه
۱۴ از زحمات من بجهة شما خسته خاطر مشوید كه آنها فخر شما است * از این سبب

۱۵ زانو میزنم نزد آن پدر * که ازاو هر خانوادهٔ درآسمان وبر زمین مسمّی میشود *
۱٦ که بحسب دولت جلال خود بشما عطا کند که در انسانیّت باطنیٔ خود ازروح او
۱۷ ۱۸ بقوّت زورآور شوید * تا مسیح بوساطت ایمان دردلهای شما ساکن شود * ودر
محبّت ریشه کرده وبنیاد نهاده استطاعت یابید که با تمامیٔ مقدّسین ادراك کنید که
۱۹ عرض وطول وعمق وبلندی چیست * وعارف شوید بمحبّت مسیح که فوق ازمعرفت
۲۰ است تا پر شوید تا تمامیٔ پریٔ خدا * الحال اورا که قادر است که بکند بینهایت
۲۱ زیادتر ازهرآنچه بخواهیم یا فکر کنیم بحسب آن قوّتیکه درما عمل میکند * مر اورا
درکلیسا ودر مسیح عیسی تا جمیع قرنها تا ابدالآباد جلال باد آمین *

باب چهارم

۱ لهذا من که درخداوند اسیر میباشم ازشما استدعا دارم که بشایستگیٔ آن دعوتیکه
۲ بآن خوانده شده‌اید رفتار کنید * با کمال فروتنی وتواضع وحلم ومتحمّل یکدیگر
۳ درمحبّت باشید * وسعی کنید که یگانگیٔ روح‌را دررشتهٔ سلامتی نگاه دارید *
٤ یك جسد هست ویك روح چنانکه نیز دعوت شده‌اید دریك امیدِ دعوت
۵ ٦ خویش * یك خداوند یك ایمان یك تعمید * یك خدا وپدر همه که فوق همه
۷ ودرمیان همه ودر همهٔ شما است * لیکن هر یکی از مارا فیض بخشیده شد بحسب
۸ اندازهٔ بخشش مسیح * بنابراین میکوید چون او به‌اعلی علّیّین صعود نمود اسیری‌را
۹ به‌اسیری بُرد وبخششها بمردم داد * امّا این صعود نمود چیست جز اینکه اوّل
۱۰ نزول هم کرد به‌اسفل زمین * آنکه نزول نمود همانست که صعود نیز کرد بالاتر
۱۱ ازجمیع افلاك تا همهٔ چیزهارا پُر کند * واو بخشید بعضی رسولان وبعضی انبیاء
۱۲ وبعضی مبشّرین وبعضی شبانان ومعلّمانرا * برای تکمیل مقدّسین برای کار خدمت
۱۳ برای بنای جسد مسیح * تا همه بیگانگیٔ ایمان ومعرفت تامّ پسر خدا وبه‌انسان
۱٤ کامل به‌اندازهٔ قامت پریٔ مسیح برسیم * تا بعد ازاین اطفال متموّج ورانده شده
ازباد هر تعلیم نباشیم از دغابازیٔ مردمان درحیله اندیشی برای مکرهای کمراهی *
۱۵ بلکه درمحبّت پیرویٔ راستی نموده درهر چیز ترقّی نمائیم دراوکه سر است یعنی
۱٦ مسیح * که ازاو تمام بدن مرکّب ومرتّب کشته بمدد هر مفصلی وبر حسب عمل

۱۷ به‌اندازهٔ هر عضوی بدنرا نموّ میدهد برای بنای خویشتن درمحبّت * پس اینرا
میکویم ودر خداوند شهادت میدهم که شما دیکر رفتار منمائید چنانکه امّتها دربطالت
۱۸ ذهن خود رفتار مینمایند * که درعقل خود تاریك هستند واز حیات خدا محروم
۱۹ بسبب جهالتیکه بجهة سخت دلئ ایشان در ایشانست * که بی‌فکر شده خودرا بفجور
۲۰ تسلیم کرده‌اند تا هر قسم ناپاکیرا بحرص بعمل آورند * لیکن شما مسیح‌را باینطور
۲۱ نیاموخته‌اید * هرکاه اورا شنیده‌اید ودر او تعلیم یافته‌اید بنهجیکه راستی درعیسی
۲۲ است * تا آنکه شما ازجهة رفتار کذشتهٔ خود انسانیّت کهنه‌را که از شهوات
۲۳ فریبنده فاسد میکردد از خود بیرون کنید * وبروح ذهن خود تازه شوید *
۲٤ وانسانیّت تازه‌را که بصورت خدا درعدالت وقدّوسیّت حقیقی آفریده شده است
۲۵ بپوشید * لهذا دروغ‌را ترك کرده هرکس با همسایهٔ خود راست بکوید زیراکه ما
۲٦ اعضای یکدیکریم * خشم کیرید وکناه مورزید. خورشید برغیظ شما غروب نکند *
۲۷ ۲۸ ابلیس‌را مجال ندهید * دزد دیکر دزدی نکند بلکه بدستهای خود کار نیکو
۲۹ کرده زحمت بکشد تا بتواند نیازمندیرا چیزی دهد * هیچ سخن بد از دهان
شما بیرون نیاید بلکه آنچه بحسب حاجت وبرای بنا نیکو باشد. تا شنوندکانرا
۳۰ فیض رساند * وروح قدّوس خدارا که باو تا روز رستکاری مختوم شده‌اید
۳۱ محزون مسازید * وهر قسم تلخی وغیظ وخشم وفریاد وبدکوئی وخباثترا ازخود
۳۲ دور کنید * وبا یکدیکر مهربان باشید ورحیم وهمدیکررا عفو نمائید چنانکه خدا
درمسیح شمارا هم آمرزیده است *

باب پنجم

۱ ۲ پس چون فرزندان عزیز بخدا اقتدا کنید * ودرمحبّت رفتار نمائید چنانکه مسیح
هم مارا محبّت نمود وخویشتنرا برای ما بخدا هدیه وقربانی برای عطر خوشبوی
۳ کذرانید * امّا زنا وهر ناپاکی وطمع درمیان شما هرکز مذکور هم نشود چنانکه
٤ مقدّسین‌را میشاید * ونه قباحت وبیهوده کوئی وچرب زبانی که اینها شایسته
۵ نیست بلکه شکرکذاری * زیرا اینرا یقین میدانید که هیچ زانی یا ناپاك یا طمّاع
٦ که بت‌پرست باشد میراثی درملکوت مسیح وخدا ندارد * هیچکس شمارا بسخنان

باطل فریب ندهد زیراکه بسبب اینها غضب خدا برابنای معصیت نازل میشود *
۷ ۸ بس با ایشان شریك مباشید * زیراکه پیشتر ظلمت بودید لیکن الحال درخداوند
۹ نور میباشید پس چون فرزندان نور رفتار کنید * زیراکه میوهٔ نور درکمال نیکوئی
۱۰ ۱۱ وعدالت وراستی است * وتحقیق نمائید که پسندیدهٔ خداوند چیست * ودر
۱۲ اعمال بی‌ثمر ظلمت شریك مباشید بلکه آنهارا مذمّت کنید * زیرا کارهائیکه ایشان
۱۳ درخفا میکنند حتّی ذکر انها هم قبیح است * لیکن هر چیزیکه مذمّت شود از نور
۱٤ ظاهر میگردد زیراکه هرچه ظاهر میشود نور است * بنابراین میگوید ای تو که
۱۵ خوابیدهٔ بیدار شده از مردگان برخیز تا مسیح برتو درخشد * پس با خبر باشید که
۱٦ چگونه بدقّت رفتار نمائید نه چون جاهلان بلکه چون حکیمان * ووقترا دریابید
۱۷ زیرا اینروزها شریر است * ازانجهة بیفهم مباشید بلکه بفهمید که ارادهٔ خداوند
۱۸ ۱۹ چیست * ومست شراب مشوید که درآن فجور است بلکه ازروح پرشوید * وبا
یکدیگر بمزامیر وتسبیحات وسرودهای روحانی گفتگو کنید ودر دلهای خود
۲۰ بخداوند بسرائید وترنّم نمائید * وپیوسته بجهة هرچیز خدا وپدررا بنام خداوند ما
۲۱ ۲۲ عیسی مسیح شکر کنید * همدیگرا درخداترسی اطاعت کنید * ای زنان شوهران
۲۳ خودرا اطاعت کنید چنانکه خداوندرا * زیراکه شوهر سر زن است چنانکه
۲٤ مسیح نیز سر کلیسا واو نجات دهندهٔ بدنست * لیکن همچنانکه کلیسا مطیع مسیح
۲۵ است همچنین زنان نیز شوهران خودرا درهر امری باشند * ای شوهران زنان
خودرا محبّت نمائید چنانکه مسیح هم کلیسارا محبّت نمود وخویشتنرا برای آن داد *
۲٦ ۲۷ تا آنرا بغسل آب بوسیلهٔ کلام طاهر ساخته تقدیس نماید * تا کلیسای مجیدرا
بنزد خود حاضر سازد که لکّه وچین یا هیچ چیز مثل آن نداشته باشد بلکه تا
۲۸ مقدّس وبیعیب باشد * بهمین طور باید مردان زنان خویشرا مثل بدن خود
۲۹ محبّت نمایند زیرا هرکه زوجهٔ خودرا محبّت نماید خویشتنرا محبّت مینماید * زیرا
هیچکس هرگز جسم خودرا دشمن نداشته است بلکه آنرا تربیت ونوازش میکند
۳۰ چنانکه خداوند نیز کلیسارا * زانروکه اعضای بدن وی میباشیم ازجسم واز
۳۱ استخوانهای او * ازاینجاست که مرد پدر ومادررا رها کرده با زوجهٔ خویش
۳۲ خواهد پیوست وآن دو یکتن خواهند بود * این سرّ عظیم است لیکن من

۳۳ دربارهٔ مسیح وکلیسا سخن میکویم * خلاصه هر یکی از شما نیز زن خودرا مثل نَفْس
خود محبّت بنماید وزن شوهر خودرا باید احترام نمود *

باب ششم

۱ ای فرزندان والدین خودرا درخداوند اطاعت نمائید زیراکه این انصاف
۲ ۳ است * پدر ومادر خودرا احترام نما که این حکم اوّل با وعده است * تا ترا
٤ عافیت باشد وعمر دراز برزمین کنی * وای پدران فرزندان خودرا بخشم میاورید
٥ بلکه ایشانرا بتأدیب ونصیحت خداوند تربیت نمائید * ای غلامان آقایان بشرئ
٦ خودرا چون مسیح با ترس ولرز با ساده‌دلی اطاعت کنید * نه بخدمت حضور
مثل طالبان رضامندئ انسان بلکه چون غلامان مسیح که ارادهٔ خدارا ازدل بعمل
۷ ۸ میاورند * وبه‌نیّت خالص خداوندرا بندکی میکنند نه انسانرا * ومیدانند هر
کس که عمل نیکو کند مکافات آنرا از خداوند خواهد یافت خواه غلام وخواه
۹ آزاد * وای آقایان با ایشان بهمین نسق رفتار نمائید واز تهدید کردن احتراز
کنید چونکه میدانید که خود شمارا هم آقائی هست درآسمان واورا نظر بظاهر
۱۰ نیست * خلاصه ای برادران من درخداوند ودر توانائئ قوّتِ او زورآور
۱۱ شوید * اسلحهٔ تمام خدارا بپوشید تا بتوانید با مکرهای ابلیس مقاومت کنید *
۱۲ زیراکه مارا کُشتی کرفتن با خون وجسم نیست بلکه با ریاستها وقدرتها وجهان
۱۳ داران این ظلمت وبا فوجهای روحانئ شرارت درجایهای آسمانی * لهذا
اسلحهٔ تامّ خدارا بردارید تا بتوانید در روز شریر مقاومت کنید وهمه کاررا بجا
۱٤ آورده بایستید * پس کمر خودرا براستی بسته وجوشن عدالترا دربر کرده
۱۵ ۱٦ بایستید * ونعلین استعداد انجیل سلامتیرا درپا کنید * وبر روی این همه سپر
۱۷ ایمانرا بکشید که بآن بتوانید تمامئ تیرهای آتشین شریررا خاموش کنید * وخُودِ
۱۸ نجات وشمشیر روح‌را که کلام خداستَ بردارید * وبا دعا والتماس تمام درهر وقت
درروح دعا کنید وبرای همین به‌اصرار والتماسِ تمام بجهة همهٔ مقدّسین بیدار
۱۹ باشید * وبرای من نیز تا کلام بمن عطا شود تا با کشادکئ زبان سرّ انجیل‌را
۲۰ بدلیری اعلام نمایم * که برای آن در زنجیرها ایلچیکری میکنم تا درآن بدلیری

۲۱ سخن کویم بطوریکه میباید کفت * امّا تا شما هم از احوال من واز آنچه میکنم مطّلع
شوید تیخیکُس که برادر عزیز وخادم امین درخداوند است شمارا از هر چیز
۲۲ خواهد آکاهانید * که اورا بجههٔ همین بنزد شما فرستادم تا ازاحوال ما آکاه باشید
۲۳ واو دلهای شمارا تسلّی بخشد * برادرانرا سلام ومحبّت با ایمان ازجانب خدای پدر
۲٤ وعیسی مسیح خداوند باد * با همهٔ کسانیکه بمسیح عیسی خداوند محبّت دربی فسادی
دارند فیض باد آمین *

رسالهٔ پولس رسول بفیلپّیان

باب اوّل

١ پولس وتیموتاؤس غلامان عیسی مسیح بهمهٔ مقدّسین در مسیح عیسی که
٢ در فیلپّی میباشند با اُسقُفان وشَمّاسان ٭ فیض وسلامتی ازجانب پدر ما خدا
٣ وعیسی مسیح خداوند برشما باد ٭ در تمامئ یادکاریٔ شما خدای خودرا شکر
٤ میکذارم ٭ وپیوسته درهر دعای خود برای جمیع شما بخوشی دعا میکنم ٭ بسبب
٥
٦ مشارکت شما برای انجیل از روز اوّل تا بحال ٭ چونکه باین اعتماد دارم که اوکه
عمل نیکورا در شما شروع کرد آنرا تا روز عیسی مسیح بکمال خواهد رسانید ٭
٧ چنانکه مرا سزاور است که در بارهٔ همهٔ شما همین فکر کنم زیراکه شمارا دردل خود
میدارم که در زنجیرهای من ودر حجّت واثبات انجیل همهٔ شما با من شریك در این
٨ نعمت هستید ٭ زیرا خدا مرا شاهد است که چه قدر در احشای عیسی مسیح
٩ مشتاق همهٔ شما هستم ٭ وبرای این دعا میکنم تا محبّت شما در معرفت وکمال فهم
١٠ بسیار افزونتر شود ٭ تا چیزهای بهتررا برکزینید ودر روز مسیح بی غشّ وبیلغزش
١١ باشید ٭ وپر شوید از میوهٔ عدالت که بوسیلهٔ عیسی مسیح برای تمجید وحمد
١٢ خداست ٭ امّا ای برادران میخواهم شما بدانید که آنچه بر من واقع کشت برعکس
١٣ بترقّئ انجیل انجامید ٭ بحدّیکه زنجیرهای من آشکارا شد در مسیح در تمام فوج
١٤ خاصّ وبهمهٔ دیکران ٭ واکثراز برادرانِ در خداوند از زنجیرهای من اعتماد
١٥ بهم رسانیده بیشتر جرأت میکنند که کلام خدارا بیترس بکویند ٭ امّا بعضی ازحسد
١٦ ونزاع بمسیح موعظه میکنند ولی بعضی هم از خوشنودی ٭ امّا آنان از تعصّب نه
از اخلاص بمسیح اعلام میکنند وکمان میبرند که بزنجیرهای من زحمت میافزایند ٭
١٧ ولی اینان از راه محبّت چونکه میدانند که من بجههٔ حمایت انجیل معیّن شده‌ام ٭

۱۸ پس چه • جز اینکه بهر صورت خواه ببهانه وخواه براستی بمسیح موعظه میشود واز
۱۹ این شادمانم بلکه شادی هم خواهم کرد * زیرا میدانم که بنجات من خواهد انجامید
۲۰ بوسیلهٔ دعای شما وتأیید روح عیسی مسیح * برحسب انتظار وامید من که در هیچ
چیز خجالت نخواهم کشید بلکه درکمال دلیری چنانکه همیشه الآن نیز مسیح دربدن
۲۱ من جلال خواهد یافت خواه درحیات وخواه درموت * زیراکه مرا زیستن
۲۲ مسیح است ومردن نفع * ولیکن اگر زیستن در جسم همان ثمر کار من است پس
۲۳ نمیدانم کدامرا اختیار کنم * زیرا درمیان این دو سخت گرفتار هستم چونکه خواهش
۲۴ دارم که رحلت کنم وبا مسیح باشم زیرا این بسیار بهتر است * لیکن درجسم ماندن
۲۵ برای شما لازمتر است * وچون این اعتمادرا دارم میدانم که خواهم ماند ونزد همهٔ
۲۶ شما توقّف خواهم نمود بجهة ترقّی وخوشئ ایمان شما * تا فخر شما در مسیح عیسی درمن
۲۷ افزوده شود بوسیلهٔ آمدن من بار دیگر نزد شما * باری بطور شایستهٔ انجیل مسیح
رفتار نمائید تا خواه آیم وشمارا بینم وخواه غایب باشم احوال شمارا بشنوم که بیك
۲۸ روح برقرارایدو بیك نفس برای ایمان انجیل مجاهده میکنید * ودر هیچ امری
از دشمنان ترسان نیستید که همین برای ایشان دلیل هلاکت است امّا شمارا دلیل
۲۹ نجات واین از خداست * زیراکه بشما عطا شد بخاطر مسیح نه فقط ایمان آوردن
باو بلکه زحمت کشیدن هم برای او وشمارا همان مجاهده است که در من دیدید
والآن هم میشنوید که در من است *

باب دوّم

۱ بنابرین اگر نصیحتی درمسیح یا تسلّئ محبّت یا شراکت در روح یا شفقت ورحمت
۲ هست * پس خوشئ مرا کامل گردانید تا باهم یك فکر کنید وهمان محبّت نموده
۳ یك دل بشوید ویك فکر داشته باشید * وهیچ چیزرا از راه تعصّب وعُجْب
۴ مکنید بلکه با فروتنی دیگرانرا ازخود بهتر بدانید * وهر یك از شما ملاحظهٔ
۵ کارهای خودرا نکند بلکه هر کدام کارهای دیگرانرا نیز * پس همین فکر در شما
۶ باشد که درمسیح عیسی نیز بود * که چون درصورت خدا بود با خدا برابر
۷ بودنرا غنیمت نشمرد * لیکن خودرا خالی کرده صورت غلامرا پذیرفت ودر

۸ شباهت مردمان شد * وچون در شکل انسان یافت شد خویشتنرا فروتن ساخت
۹ وتا بموت بلکه تا بموت صلیب مطیع کردید * از اینجهة خدا نیز اورا بغایت سرافراز
۱۰ نمود ونامیرا که فوق از جمیع نامها است بدو بخشید * تا بنام عیسی هر زانوئی
۱۱ از آنچه در آسمان وبر زمین وزیر زمین اسبت خم شود * وهر زبانی اقرار کند که
۱۲ عیسی مسیح خداوند است برای تمجید خدای پدر * پس ای عزیزانِ من چنانکه
همیشه مطیع میبودید نه در حضور من فقط بلکه بسیار زیادتر الآن وقتیکه غایبم
۱۳ نجات خودرا بترس ولرز بعمل آورید * زیرا خداست که در شما برحسب
۱۴ رضامندئ خود هم اراده وهم فعل‌را بعمل ایجاد میکند * وهر کاریرا بدون همهمه
۱۵ ومجادله بکنید * تا بیعیب وساده دل وفرزندان خدا بیملامت باشید درمیان
۱۶ قومی کج رو وکردنکش که درآن میان چون نیّرها درجهان میدرخشید * وکلام
حیاترا برمیافرازید بجههٔ فخر من در روز مسیح تا آنکه عبث ندویده وعبث زحمت
۱۷ نکشیده باشم * بلکه هرکاه برقربانی وخدمت ایمان شما ریخته شوم شادمان هستم
۱۸ وبا همهٔ شما شادی میکنم * وهمچنین شما نیز شادمان هستید وبا من شادی میکنید *
۱۹ ودر عیسی خداوند امیدوارم که تیموتاؤسرا بزودی نزد شما بفرستم تا من نیز
۲۰ ازاحوال شما مطّلع شده تازه روح کردمر * زیرا کسی دیکررا همدل ندارم که
۲۱ به اخلاص در بارهٔ شما اندیشد * زانروکه همه نفع خودرا میطلبند نه امور عیسی
۲۲ مسیح‌را * امّا دلیل اورا میدانید زیرا چنانکه فرزند پدررا خدمت میکند او با من
۲۳ برای انجیل خدمت کرده است * پس امیدوارم که چون دیدم کار من چه
۲۴ طور میشود اورا بیدرنك بفرستم * امّا در خداوند اعتماد دارم که خود هم
۲۵ بزودی بیایم * ولی لازم دانستم که اَپَفْرُودِتُس‌را بسوی شما روانه نمایم که مرا
۲۶ برادر وهمکار وهمجنك میباشد امّا شمارا رسول وخادم حاجت من * زیراکه
مشتاق همهٔ شما بود وغمکین شد از اینکه شنیده بودید که او بیمار شده بود *
۲۷ وفی الواقع بیمار ومشرف برموت بود لیکن خدا بروی ترحّم فرمود ونه براو
۲۸ فقط بلکه بر من نیز تا مرا غمی برغم نباشد * پس بسعی بیشتر اورا روانه
۲۹ نمودم تا از دیدنش باز شاد شوید وحزن من کمترشود * پس اورا درخداوند
۳۰ با کمال خوشی بپذیرید وچنین کسانرا محترم بدارید * زیرا درکار مسیح مشرف

برموت شد وجان خودرا بخطر انداخت تا نقص خدمت شمارا برای من بکمال
رساند *

باب سوّم

۱ خلاصه ای برادران من درخداوند خوش باشید همان مطالبرا بشما نوشتن
۲ برمن سنکین نیست وایمنیٔ شما است * ازسکها با حذر باشید ازعاملان شریر
۳ احتراز نمائید ازمقطوعان بپرهیزید * زیرا مختونان ما هستیم که خدارا در روح
۴ عبادت میکنیم وبمسیح عیسی فخر میکنیم وبرجسم اعتماد نداریم * هرچند مرا درجسم
نیز اعتماد است آکر کسی دیکر کمان برد که درجسم اعتماد دارد من بیشتر *
۵ روز هشتم مختون شده واز قبیلهٔ اسرائیل ازسبط بنیامین عبرانیٔ از عبرانیان ازجهة
۶ شریعت فریسی * ازجهة غیرت جفا کننده برکلیسا ازجهة عدالتِ شریعتی بیعیب *
۷ ۸ امّا آنچه مرا سود میبود آنرا بخاطر مسیح زیان دانستم * بلکه همه چیزرا نیز بسبب
فضیلت معرفت خداوند خود مسیح عیسی زیان میدانم که بخاطر او همه چیزرا
۹ زیان کردم وفضله شمردم تا مسیح را دریابم * ودر وی یافت شوم نه با عدالتِ
خود که ازشریعت است بلکه با آن که بوسیلهٔ ایمان مسیح میشود یعنی عدالتیکه
۱۰ ازخدا بر ایمان است * وتا اورا وقوّت قیامت ویرا وشراکت در رنجهای ویرا
۱۱ بشناسم وبا موت او مشابه کردم * مکر بهر وجه بقیامتِ ازمردکان برسم *
۱۲ نه اینکه تا بحال بچنك آورده یا تا بحال کامل شده باشم ولی درپی آن میکوشم
۱۳ بلکه شاید آنرا بدست آورم که برای آن مسیح نیز مرا بدست آورد * ای برادران
کمان نمیبرم که من بدست آورده‌ام لیکن یك چیز میکنم که آنچه درعقب است
۱۴ فراموش کرده وبسوی آنچه درپیش است خویشتنرا کشیده * درپی مقصد میکوشم
۱۵ بجهة انعام دعوت بلند خدا که درمسیح عیسی است * پس جمیع ما که کامل
هستیم اینفکر داشته باشیم وآکر فی الجمله فکر دیکر دارید خدا اینرا هم برشما کشف
۱۶ خواهد فرمود * امّا بهر مقامیکه رسیده‌ایم بهمان قانون رفتار باید کرد *
۱۷ ای برادران باهم بمن اقتدا نمائید وملاحظه کنید آنانیرا که بحسب نمونهٔ که درما
۱۸ دارید رفتار میکنند * زیراکه بسیاری رفتار مینمایند که ذکر ایشانرا بارها برای
۱۹ شما کرده‌ام وحال نیز با کریه میکنم که دشمنان صلیب مسیح میباشند * که انجام

ایشان هلاکت است وخدای ایشان شکم ایشان وفخر ایشان درننك ایشان
۲۰ وچیزهای دنیویرا اندیشه میکنند * امّا وطن ما در آسمانست که از آنجا نیز نجات
۲۱ دهنده یعنی عیسی مسیح خداوندرا انتظار میکشیم * که شکل جسد ذلیل مارا
تبدیل خواهد نمود تا بصورت جسد مجید او مصوّر شود برحسب عمل قوّت
خود که همه چیزرا مطیع خود بکرداند *

باب چهارم

۱ بنابرین ای برادران عزیز ومورد اشتیاق من وشادی وتاج من بهمینطور
۲ درخداوند استوار باشید ای عزیزان * از اَفُودیّه استدعا دارم وبِسِنتیخی التماس
۳ دارم که درخداوند یك رای باشند * واز تو نیز ای همقطار خالص خواهش
میکنم که ایشانرا امداد کنی زیرا در جهاد انجیل با من شریك میبودند با اَکْلِیمِنْتُسْ
٤ نیز وسایر همکاران من که نام ایشان دردفتر حیاتست * درخداوند دائمًا شاد
٥ باشید وباز میکویم شاد باشید * اعتدال شما برجمیع مردم معروف بشود • خداوند
٦ نزدیك است * برای هیچ چیز اندیشه مکنید بلکه درهر چیز با صلوة ودعا با
۷ شکرکذاری مسئولات خودرا بخدا عرض کنید * وسلامتئ خدا که فوق از تمامئ
۸ عقل است دلها وذهنهای شمارا درمسیح عیسی نکاه خواهد داشت * خلاصه
ای برادران هرچه راست باشد وهرچه مجید وهرچه عادل وهرچه پاك وهر
چه جمیل وهرچه نیك نام است وهر فضیلت وهر مدحی که بوده باشد درآنها
۹ تفکّر کنید * وآنچه درمن آموخته وپذیرفته وشنیده ودیده‌اید آنهارا بعمل آرید
۱۰ وخدای سلامتی با شما خواهد بود * ودر خداوند بسیار شاد کردیدم که الآن
آخرْ فکر شما برای من شکوفه آورد ودر این نیز تفکّر میکردید لیکن فرصت نیافتید *
۱۱ نه آنکه در بارهٔ احتیاج سخن میکویم زیراکه آموخته‌ام که درهر حالتیکه باشم قناعت
۱۲ کنم * وذلّترا میدانم ودولتمندیرا هم میدانم درهر صورت ودر همه چیز سیری
۱۳ وکرسنکی ودولتمندی وافلاسرا یاد کرفته‌ام * قوّت هر چیزرا دارم درمسیح که
۱٤ ۱٥ مرا تقویت میبخشد * لیکن نیکوئی کردید که درتنکئ من شریك شدید * امّا ای
فیلپّیان شما هم آکاهید که در ابتدای انجیل چون از مکادونیه روانه شدم هیچ

١٦ کلیسا در امر دادن وگرفتن با من شراکت نکرد جز شما وبس* زیراکه در
١٧ تَسّالونیکی هم یك دو دفعه برای احتیاج من فرستادید* نه آنکه طالب بخشش
١٨ باشم بلکه طالب ثمری هستم که بحساب شما بیفزاید* ولی همه چیز بلکه بیشتر
از کفایت دارم• پُر گشته‌ام چونکه هدایای شمارا ازاَپَفْرُودِتُس یافته‌ام که عطر
١٩ خوشبوی وقربانئ مقبول وپسندیدهٔ خداست* امّا خدای من همهٔ احتیاجات شمارا
٢٠ برحسب دولت خود درجلال درمسیح عیسی رفع خواهد نمود* وخدا وپدر
٢١ مارا تا ابد الآباد جلال باد آمین* هر مقدّسرا درمسیح عیسی سلام برسانید
٢٢ وبرادرانیکه با من میباشند بشما سلام میفرستند* جمیع مقدسان بشما سلام میرسانند
٢٣ علی الخصوص آنانیکه ازاهل خانهٔ قیصر هستند* فیض خداوند ما عیسی مسیح
با جمیع شما باد آمین*

رسالهٔ پولس رسول به کولسیان

باب اوّل

۱ ۲ پولس به ارادهٔ خدا رسول مسیح عیسی وتیموتاؤس برادر ٭ بمقدّسان درکولسی
وبرادران امین درمسیح فیض وسلامتی ازجانب پدر ما خدا وعیسی مسیح خداوند
۳ برشما باد ٭ خدا وپدر خداوند خود عیسی مسیح را شکر میکنیم وپیوسته برای
٤ شما دعا مینمائیم ٭ چونکه ایمان شمارا درمسیح عیسی ومحبّترا که با جمیع مقدّسان
٥ مینمائید شنیدیم ٭ بسبب امیدیکه بجهة شما درآسمان کذاشته شده است که خبرآنرا
٦ درکلام راستئ انجیل سابقاً شنیدید ٭ که بشما وارد شد چنانکه درتمامئ عالم نیز
ومیوه میاورد ونموّ میکند چنانکه درمیان شما نیز ازروزیکه آنرا شنیدید وفیض خدارا
۷ درراستی دانسته‌اید ٭ چنانکه ازاپفراس تعلیم یافتید که همخدمت عزیز ما وخادم
۸ امین مسیح برای شما است ٭ واو مارا نیز ازمحبّت شما که درروح است خبرداد ٭
۹ وازآن جهة ما نیز ازروزیکه اینرا شنیدیم بازنمایستیم ازدعا کردن برای شما ومسئلت
۱۰ نمودن تا ازکمال معرفت ارادهٔ او درهر حکمت وفهم روحانی پرشوید ٭ تا شما
بطریق شایستهٔ خداوند بکمال رضامندی رفتار نمائید ودرهر عمل نیکو بارآورید
۱۱ وبمعرفت کامل خدا نموّ کنید ٭ وبه‌اندازهٔ توانائئ جلال او بقوّت تمام زورآور
۱۲ شوید تا صبرکامل وتحمّلرا با شادمانی داشته باشید ٭ . وپدررا شکر کذارید که
۱۳ مارا لایق بهرهٔ میراث مقدّسان درنور کردانیده است ٭ ومارا ازقدرت ظلمت
۱٤ رهانیده بملکوت پسر محبّت خود منتقل ساخت ٭ که دروی فدیهٔ خود یعنی آمرزش
۱٥ کناهان خویشرا یافته‌ایم ٭ واو صورت خدای نا دیده است نخستزادهٔ تمامئ
۱٦ آفریدکان ٭ زیراکه دراو همه چیز آفریده شد آنچه درآسمان وآنچه برزمین است
ازچیزهای دیدنی ونا دیدنی وتختها وسلطنتها وریاسات وقوّات ٭ همه بوسیلهٔ او

۱۷ وبرای او آفریده شد ٭ واو قبل ازهمه است ودر وی همه چیز قیام دارد ٭ واو ۱۸
بدن یعنی کلیسارا سر است زیراکه او ابتداء است ونخستزاده ازمردکان تا درهمه
۱۹ چیز او مقدّم شود ٭ زیرا خدا رضا بدین داد که تمامیٔ پُری دراو ساکن شود ٭
۲۰ واینکه بوساطت او همه چیزرا با خود مصالحه دهد چونکه بخون صلیب وی
سلامتیرا پدید آورده بلی بوسیلهٔ او خواه آنچه برزمین وخواه انچه درآسمان است ٭
۲۱ وشمارا که سابقًا ازنیّت دل دراعمال بد خویش اجنبی ودشمن بودید بالفعل
۲۲ مصالحه داده است ٭ دربدن بشریٔ خود بوسیلهٔ موت تا شمارا درحضور خود
۲۳ مقدّس وبیعیب وبیملامت حاضر سازد ٭ بشرطیکه درایمان بنیاد نهاده وقایم
بمانید وجنبش نخورید ازامید انجیل که درآن تعلیم یافته‌اید وبتمامیٔ خلقتِ زیر
۲٤ آسمان بدان موعظه شده است ومن پولس خادم آن شده‌ام ٭ الآن اززحمتهای خود
درراه شما شادی میکنم ونقصهای زحمات مسیحرا دربدن خود بکمال میرسانم برای
۲٥ بدن او که کلیسا است ٭ که من خادم آن کشته‌ام برحسب نظارت خدا که بمن
۲٦ برای شما سپرده شد تا کلام خدارا بکمال رسانم ٭ یعنی آنسرّیکه ازدهرها وقرنها
۲۷ مخفی داشته شده بود لیکن الحال بمقدّسان او مکشوف کردید ٭ که خدا اراده نمود
تا بشناساند که چیست دولت جلال این سِرّ درمیان امّتها که آن مسیح درشما وامید
۲۸ جلال است ٭ وما اورا اعلان مینمائیم درحالتیکه هر شخصرا تنبیه میکنیم وهر
۲۹ کسرا بهر حکمت تعلیم میدهیم تا هرکسرا کامل درمسیح عیسی حاضر سازیم ٭ وبرای
این نیز محنت میکشم ومجاهده مینمایم بحسب عمل او که درمن بقوّت عمل میکند ٭

باب دوّم

۱ زیرا میخواهم شما اکاه باشید که مرا چه نوع اجتهاد است برای شما واهل
۲ لَاَوُدِکِیه وآنانیکه صورت مرا درجسم ندیده‌اند ٭ تا دلهای ایشان تسلّی یابد وایشان
۳ درمحبّت پیوند شده بدولت یقین فهم تمام وبمعرفت سرّ خدا برسند ٭ یعنی سرّمسیح
٤ که دروی تمامیٔ خزائن حکمت وعلم مخفی است ٭ امّا اینرا میکویم تا هیچکس شمارا
٥ بسخنان دلاویز اغوا نکند ٭ زیراکه هر چند درجسم غایبم لیکن درروح با شما بوده
٦ شادی میکنم ونظم واستقامت ایمانتانرا درمسیح نظاره میکنم ٭ پس چنانکه مسیح عیسی

۷ خداوندرا پذیرفتید دروی رفتار نمائید* که دراو ریشه کرده و بنا شده ودر ایمان
۸ راسخ کشته‌اید بطوریکه تعلیم یافته‌اید ودرآن شکرکذاری بسیار مینمائید* با خبر
باشید که کسی شمارا نرباید بِفَلْسَفَه ومکرباطل برحسب تقلید مردم وبرحسب اصول
۹ دنیوی نه برحسب مسیح* که دروی ازجهة جسم تمامیٔ پُریٔ الوهیّت ساکن است*
۱۰ ۱۱ وشما دروی تکمیل شده‌اید که سر تمامیٔ ریاست وقدرتست* ودروی مختون
شده‌اید بختنهٔ نا ساختهٔ بدست یعنی بیرون کردن بدن جسمانی بوسیلهٔ اختتان
۱۲ مسیح* وبا وی درتعمید مدفون کشتید که درآن هم برخیزانیده شدید به ایمانِ برعمل
۱۳ خدا که اورا ازمردکان برخیزانید* وشمارا که درخطایا ونامختونیٔ جسم خود مرده
۱٤ بودید با او زنده کردانید چونکه همهٔ خطابای شمارا آمرزید* وآن دستخطّیرا که
ضدّ ما ومشتمل برفرائض وبخلاف ما بود محو ساخت وآنرا بصلیب خود میخ زده
۱۵ ازمیان برداشت* واز خویشتن ریاسات وقوّاترا بیرون کرده آنهارا علانیةً آشکار
۱٦ نمود چون درآن برآنها ظفر یافت* پس کسی دربارهٔ خوردن ونوشیدن ودربارهٔ
۱۷ عید وهلال وسبت برشما حکم نکند* زیراکه اینها سایهٔ چیزهای آینده است لیکن
۱۸ بدن ازآنِ مسیح است* وکسی اِنْعام شمارا نرباید ار رغبت بفروتنی وعبادت فرشتکان
ومداخلت درامورپکه دیده است که ازذهن جسمانیٔ خود بیجا مغرور شده است*
۱۹ وبسرْ متمسّك نشده که ازآن تمامیٔ بدن بتوسّط مفاصل وبندها مدد یافته وباهم
۲۰ پیوند شده نموّ میکند بنموّیکه ازخداست* چونکه با مسیح ازاصول دنیوی مردید
۲۱ چکونه است که مثل زندکانِ دردنیا برشما فرایض نهاده میشود* که لمس مکن
۲۲ ومچش بلکه دست مکذار* (که همهٔ اینها محض استعمال فاسد میشود) برحسب
۲۳ تقالید وتعالیم مردم* که چنین چیزها هرچند درعبادت نافله وفروتنی وآزار بدن
صورت حکمت دارد ولی فائدهٔ برای رفع تن پروری ندارد*

باب سوّم

۱ پس چون با مسیح برخیزانیده شدید آنچه‌را که دربالا است بطلبید درآنجائیکه
۲ مسیح است بدست راست خدا نشسته* درآنچه بالا است تفکّر کنید نه درآنچه
۳ ٤ برزمین است* زیراکه مردید وزندکیٔ شما با مسیح درخدا مخفی است* چون

مسیح که زندگئ ما است ظاهر شود آنگاه شما هم با وی درجلال ظاهر خواهید
۵ شد* پس اعضای خودرا که برزمین است مقتول سازید زنا وناپاکی وهوا
۶ وهوس وشهوت قبیح وطمع که بت پرستی است* که بسبب اینها غضب خدا
۷ برابنای معصیت وارد میآید* که شما نیز سابقًا دراینها رفتار میکردید هنگامیکه
۸ درآنها زیست مینمودید* لیکن الحال شما همهرا ترك کنید یعنی خشم وغیظ وبدخوئی
۹ وبدگوئی وفحشرا اززبان خود* یکدیگر دروغ مگوئید چونکه انسانیّت کهنهرا
۱۰ با اعمالش ازخود بیرون کردهاید* وتازهرا پوشیدهاید که بصورت خالق خویش
۱۱ تا بمعرفت کامل تازه میشود* که درآن نه یونانیست نه یهود نه ختنه نه نامختونی
۱۲ نه بَرْبَری نه سَکیتی نه غلام ونه آزاد بلکه مسیح همه ودرهمه است* پس مانند
برگزیدگان مقدّس ومحبوب خدا احشای رحمت ومهربانی وتواضع وتحمّل وحلمرا
۱۳ بپوشید* ومتحمّل یکدیگر شده هم دیگررا عفو کنید هرگاه بردیگری ادّعائی داشته
۱۴ باشید* چنانکه مسیح شمارا آمرزید شما نیز چنین کنید* وبراین همه محبّترا که کمربند
۱۵ کمالست بپوشید* وسلامتئ خدا دردلهای شما مسلّط باشد که بآن هم دریك بدن
۱۶ خوانده شدهاید وشاکر باشید* کلام مسیح درشما بدولتمندی وبکمال حکمت ساکن
بشود ویکدیگررا تعلیم ونصیحت کنید بمزامیر وتسبیحات وسرودهای روحانی وبا
۱۷ فیض دردلهای خود خدارا بسرائید* وآنچه کنید درقول وفعل همهرا بنام عیسی
۱۸ خداوند بکنید وخدای پدررا بوسیلهٔ او شکر کنید* ای زنان شوهران
۱۹ خودرا اطاعت نمائید چنانکه درخداوند میشاید* ای شوهران زوجهای خودرا
۲۰ محبّت نمائید وبا ایشان تلخی مکنید* ای فرزندان والدین خودرا درهمه چیز
۲۱ اطاعت کنید زیراکه این پسندیده است درخداوند* ای پدران فرزندان خودرا
۲۲ خشمگین مسازید مبادا شکسته دل شوند* ای غلامان آقایان جسمانئ خودرا
درهرچیز اطاعت کنید نه بخدمت حضور مثل جویندگان رضامندئ مردم بلکه
۲۳ به اخلاص قلب واز خداوند بترسید* وآنچه کنید ازدل کنید بخاطر خداوند نه
۲۴ بخاطر انسان* چون میدانید که ازخداوند مکافات میراثرا خواهید یافت چونکه
۲۵ مسیح خداوندرا بندگی میکنید* زیرا هرکه ظلم کند آن ظلمیرا که کرد خواهد
یافت وظاهر بینی نیست*

باب چهارم

۱ ای آقایان با غلامان خود عدل وانصافرا بجا آرید چونکه میدانید شمارا نیز اقائی
۲ هست درآسمان ٭ در دعا مواظب باشید ودر آن با شکرگذاری بیدار باشید ٭
۳ ودربارهٔ ما نیز دعا کنید که خدا درِ کلامرا بروی ما بکشاید تا سرّ مسیح را که بجهة
٤ آن درقید هم افتاده‌ام بگویم ٭ وآنرا بطوریکه میباید تکلّم کنم ومبیّن سازم ٭ زمانرا
٥ ٦ دریافته پیش اهل خارج بحکمت رفتار کنید ٭ گفتگوی شما همیشه با فیض باشد
۷ واصلاح شدهٔ بنمك تا بدانید هرکسرا چگونه جواب باید داد ٭ تیخیکُس برادر
۸ عزیز وخادم امین وهمخدمت من درخداوند ازهمهٔ احوال من شمارا خواهد آگاهانید ٭
که اورا بهمین جهة نزد شما فرستادم تا ازحالات شما آگاه شود ودلهای شمارا
۹ تسلّی دهد ٭ با اُنیسِیمُس برادرِ امین وحبیب که از خود شما است شمارا ازهمهٔ
۱۰ گذارش اینجا آگاه خواهند ساخت ٭ اَرِسْتَرْخُس همزندان من شمارا سلام میرساند
ومرقس عموزادهٔ بَرْنابا که دربارهٔ او حکم یافته‌اید هرگاه نزد شما آید اورا بپذیرید ٭
۱۱ ویَسُوعِ ملقّب به یُسْطُس که ایشان تنها ازاهل ختنه برای ملکوت خدا همخدمت
۱۲ شده باعث تسلّیٔ من گردیدند ٭ اَپِفْراس بشما سلام میرساند که یکی ازشما وغلام
مسیح است وپیوسته برای شما در دعاهای خود جدّ وجهد میکند تا درتمامیٔ ارادهٔ
۱۳ خدا کامل ومتیقّن شوید ٭ وبرای او گواهی میدهم که دربارهٔ شما واهل لاَوُدکیه
۱٤ واهل هیراپولِس بسیار محنت میکشد ٭ ولوقای طبیب حبیب ودیماس بشما سلام
۱۵ میرسانند ٭ برادرانِ درلاَوُدِکیه ونِیمْفاس وکلیسائیرا که درخانهٔ ایشان است
۱٦ سلام رسانید ٭ وچون این رساله برای شما خوانده شد مقرّر دارید که درکلیسای
۱۷ لاَودکیان نیز خوانده شود ورسالهٔ ازلاَودِکیه‌را هم شما بخوانید ٭ وبه اَرْخِپُّس گوئید
۱۸ با خبر باش تا آنخدمتیرا که درخداوند یافتهٔ بکمال رسانی ٭ تحیّت من پولس
بدست خودم ٭ زنجیرهای مرا بخاطر دارید ٭ فیض با شما باد آمین ٭

رسالهٔ اوّل پولس رسول بتَسّالونیکیان

باب اوّل

۱ پولس وسِلْوانُس وتیموتاؤس بکلیسای تَسّالونیکیان که درخدای پدر وعیسی
مسیح خداوند میباشید فیض وسلامتی ازجانب پدر ما خدا وعیسی مسیح خداوند
۲ با شما باد* پیوسته دربارهٔ جمیع شما خدارا شکر میکنیم ودائمًا دردعاهای خود
۳ شمارا ذکر مینمائیم* چون اعمال ایمان شما ومحنت محبّت وصبر امید شمارا درخداوند
۴ ما عیسی مسیح در حضور خدا وپدر خود یاد میکنیم* زیراکه ای برادران وای
۵ عزیزانِ خدا از برگزیده شدن شما مطّلع هستیم* زیراکه انجیل ما برشما محض
سخن وارد نشده بلکه با قوّت وروح القدس ویقین کامل چنانکه میدانید که
۶ درمیان شما بخاطر شما چگونه مردمان شدیم* وشما بما وبخداوند اقتدا نمودید
۷ وکلامرا در زحمت شدید با خوشئ روح القدس پذیرفتید* بحدّیکه شما جمیع
۸ ایمانداران مَکادُونیه واَخائِیّه‌را نمونه شدید* بنوعیکه ازشما کلام خداوند نه
فقط درمَکادُونِیه واَخائِیّه نواخته شد بلکه در هر جا ایمان شما بخدا شیوع یافت
۹ بقسمیکه احتیاج نیست که ما چیزی بگوئیم* زیرا خود ایشان در بارهٔ ما خبر
میدهند که چه قسم وارد بشما شدیم وبچه نوع شما از بتها بسوی خدا بارگشت
۱۰ کردید تا خدای حیِّ حقیقیرا بندگی نمائید* وتا پسر اورا ازآسمان انتظار بکشید
که اورا ازمردگان برخیزانید یعنی عیسی که مارا ازغضب آینده میرهاند*

باب دوّم

۱ زیرا ای برادران خود میدانید که ورود ما درمیان شما باطل نبود* بلکه
۲ هرچند قبل ازآن درفِیلِپّی زحمت کشیده وبی احترامی دیده بودیم چنانکه اطّلاع

دارید لیکن درخدای خود دلیری کردیم تا انجیل خدارا با جدّ وجهد شدید بشما
۳ ۴ اعلام نمائیم * زیراکه نصیحت ما ازکمراهی وخباثت وریا نیست * بلکه چنانکه
مقبول خدا کشتیم که وکلای انجیل بشویم همچنین سخن میکوئیم وطالب رضامندئ
۵ مردم نیستیم بلکه رضامندئ خدائیکه دلهای مارا میآزماید * زیرا هرکز سخن تملّق آمیز
۶ نکفتیم چنانکه میدانید ونه بهانهٔ طمع کردیم خدا شاهد است * ونه بزرکی ازخلق
جستیم نه ازشما ونه از دیکران هرچند چون رسولان مسیح بودیم میتوانستیم سنکین
۷ باشیم * بلکه درمیان شما بملایمت بسر میبردیم مثل دایهٔ که اطفال خودرا میپرورد *
۸ بدین طرز شائق شما شده راضی میبودیم که نه همان انجیل خدارا بشما دهیم بلکه
۹ جانهای خودرا نیز ازبسکه عزیز ما بودید * زانروکه ای برادران محنت ومشقّت
مارا یاد میدارید زیراکه شبانه روز درکار مشغول شده به انجیل خدا شمارا موعظه
۱۰ میکردیم که مبادا برکسی ازشما بار نهیم * شما شاهد هستید وخدا نیزکه بچه نوع
۱۱ با قدّوسیّت وعدالت وبیعیبی نزد شماکه ایماندار هستید رفتار نمودیم * چنانکه
میدانید که هریکی ازشمارا چون پدر فرزندان خودرا نصیحت ودلداری مینمودیم *
۱۲ ووصیّت میکردیم که رفتار بکنید بطور شایستهٔ خدائیکه شمارا بملکوت وجلال خود
۱۳ میخواند * واز اینجهة ما نیز دائمًا خدارا شکر میکنیم که چون کلام خداراکه ازما
شنیده بودید یافتید آنرا کلام انسانی نه پذیرفتید بلکه چنانکه فی الحقیقه است کلام
۱۴ خداکه در شماکه ایماندار هستید عمل میکند * زیراکه ای برادران شما اقتدا نمودید
بکلیساهای خدا که در یَهُودِیه درمسیح عیسی میباشند زیراکه شما ازقوم خود همان
۱۵ زحماترا کشیدید که ایشان نیز ازیهود دیدند * که عیسیٰ خداوند وانبیای خودرا
۱۶ کشتند وبرما جفا کردند وایشان ناپسند خدا هستند ومخالف جمیع مردم * ومارا
منع میکنند که به امّتها سخن بکوئیم تا نجات یابند وهمیشه کناهان خودرا لبریز میکنند
۱۷ امّا مُنتهای غضبْ ایشانرا فرو کرفته است * لیکن ما ای برادران چون بقدر ساعتی
درظاهر نه دردل ازشما مهجور شدیم به اشتیاق بسیار زیادتر کوشیدیم تا روی شمارا
۱۸ ببینیم * وبدینجهة یك دو دفعه خواستیم نزد شما بیائیم یعنی من پولس لیکن شیطان
۱۹ مارا نکذاشت * زیراکه چیست امید وسرور وتاج فخر ما. مکر شما نیستید
۲۰ درحضور خداوند ما عیسی درهنکام ظهوراو * زیراکه شما جلال وخوشئ ما هستید *

باب سوّم

١ پس چون دیگر شکیبائی نداشتیم رضا بدین دادیم که مارا در اَتِینا تنها
٢ واگذارند * وتیموتاؤس را که برادر ما وخادم خدا درانجیل مسیح است فرستادیم
٣ تا شمارا استوار سازد ودر خصوص ایمانتان شمارا نصیحت کند * تا هیچ کس از این
٤ مصائب متزلزل نشود زیرا خود میدانید که برای همین مقرّر شده‌ایم * زیرا هنگامیکه
نزد شما بودیم شمارا پیش خبر دادیم که میباید زحمت بکشیم چنانکه واقع شد
٥ ومیدانید * لهذا من نیزچون دیگر شکیبائی نداشتم فرستادم تا ایمان شمارا تحقیق
٦ کنم مبادا که آن تجربه کنندهٔ شمارا تجربه کرده باشد ومحنت ما باطل گردد * امّا
الحال چون تیموتاؤس از نزد شما بما رسید ومژدهٔ ایمان ومحبّت شمارا بما رسانید
واینکه شما پیوسته مارا نیکو یاد میکنید ومشتاق ملاقات ما میباشید چنانکه ما نیز
٧ شایق شما هستیم * لهذا ای برادران درهمهٔ ضیق ومصیبتیکه داریم ازشما بسبب
٨ ایمانتان تسلّی یافتیم * چونکه الآن زیست میکنیم اگرشما درخداوند استوار
٩ هستید * زیرا چه شکرگذاری بخدا توانیم نمود بسبب این همه خوشیٔ که بحضور
١٠ خدا دربارهٔ شما داریم * که شبانه روز بیشمار دعا میکنیم تا شمارا روبرو ملاقات
١١ کنیم ونقص ایمان شمارا بکمال رسانیم * امّا خود خدا یعنی پدر ما وخداوند ما
١٢ عیسی مسیح راه مارا بسوی شما راست بیاورد * وخداوند شمارا نموّ دهد ودر
١٣ محبّت با یکدیگر وبا همه افزونی بخشد چنانکه ما شمارا محبّت مینمائیم * تا دلهای
شمارا استوار سازد بیعیب در قدّوسیّت بحضور خدا وپدر ما در هنگام ظهور
خداوند ما عیسی مسیح باجمیع مقدّسین خود *

باب چهارم

١ خلاصه ای برادران از شما در عیسی خداوند استدعا والتماس میکنیم که چنانکه
از ما یافته‌اید که بچه نوع باید رفتار کنید وخدارا راضی سازید بهمان طور زیادتر
٢ ٣ ترقی نمائید * زیرا میدانید چه احکام ازجانب عیسی خداوند بشما دادیم * زیرا که
٤ این است ارادهٔ خدا یعنی قدّوسیّت شما تا از زنا بپرهیزید * تا هرکسی از شما

٥ بداند چکونه باید ظرف خویشتنرا در قدّوسیّت وعزّت دریابد * ونه درهوس
٦ شهوت مثل امّتهائیکه خدارا نمیشناسند * وتا کسی در این امر دست تطاول یا
طمع بربرادر خود دراز نکند زیرا خداوند از تمامیٔ چنین کارها انتقام کشندهٔ است *
٧ چنانکه سابقًا نیز بشما کفته وحکم کردهایم زیرا خدا مارا بناپاکی نخواندهٔ است بلکه
٨ بقدّوسیّت * لهذا هرکه حقیر شمارد انسانرا حقیر نمیشمارد بلکه خدارا که روح قدّوس
٩ خودرا بشما عطا کرده است * امّا در خصوص محبّت برادرانه لازم نیست که بشما
١٠ بنویسم زیرا خود شما ازخدا آموخته شدهاید که یکدیکررا محبّت نمائید * وچنین هم
میکنید با همهٔ برادرانیکه درتمام مَکادُونِیه میباشند لیکن ای برادران از شما التماس داریم
١١ که زیاد تر ترقّی کنید * وحریص باشید در اینکه آرام شوید وبکارهای خود مشغول
١٢ شدهٔ بدستهای خویش کسب نمائید چنانکه شمارا حکم کردیم * تا نزد آنانیکه خارجاند
١٣ بطور شایسته رفتار کنید وبهیچ چیز محتاج نباشید * امّا ای برادران نمیخواهیم شما
ازحالت خوابیدکان بیخبر باشید که مبادا مثل دیکران که امید ندارند محزون شوید *
١٤ زیرا اکر باور میکنیم که عیسی مرد وبرخاست بهمین طور نیز خدا آنانیرا که در
١٥ عیسی خوابیدهاند با وی خواهد آورد * زیرا اینرا بشما ازکلام خدا میکوئیم که ما که
١٦ زندهٔ وتا آمدن خداوند باقی باشیم برخوابیدکان سبقت نخواهیم جست * زیرا خود
خداوند با صدا وبا آواز رئیس فرشتکان وَبا صور خدا ازآسمان نازل خواهد شد
١٧ ومردکان در مسیح اوّل خواهند برخاست * آنکاه ما که زندهٔ وباقی باشیم با ایشان
در ابرها ربوده خواهیم شد تا خداوندرا درهوا استقبال کنیم وهمچنین همیشه با
١٨ خداوند خواهیم بود * پس بدین سخنان همدیکررا تسلی دهید *

باب پنجم

١ امّا ای برادران درخصوص وقتها وزمانها احتیاج ندارید که بشما بنویسم * زیرا
٢ خود شما بتحقیق آکاهید که روز خداوند چون دزد درشب میآید * زیرا هنکامیکه
٣ میکویند سلامتی وامانست آنکاه هلاکتْ ایشانرا ناکهان فرو خواهد کرفت چون
٤ درد زه زن حامله‌را وهرکز رستکار نخواهند شد * لیکن شما ای برادران درظلمت
٥ نیستید تا آنروز چون دزد بر شما آید * زیرا جمیع شما پسران نور وپسران روز

٦ هستید از شب وظلمت نیستیم* بنابرین مثل دیگران بخواب نرویم بلکه بیدار
٧ وهشیار باشیم* زیرا خوابیدگان درشب میخوابند ومستان درشب مست میشوند*
٨ لیکن ما که از روز هستیم هشیار بوده جوشن ایمان ومحبّت وخُودِ امید نجات‌را
٩ بپوشیم* زیرا خدا مارا تعیین نکرد برای غضب بلکه بجههٔ تحصیل نجات بوسیلهٔ
١٠ خداوند ما عیسی مسیح* که برای ما مرد تا خواه بیدار باشیم وخواه خوابیده همراه
١١ وی زیست کنیم* پس همدیگررا تسلی دهید ویکدیگررا بنا کنید چنانکه هم
١٢ میکنید* امّا ای برادران بشما التماس داریم که بشناسید آنانیرا که درمیان شما
١٣ زحمت میکشند وپیشوایان شما در خداوند بوده شمارا نصیحت میکنند* وایشانرا
١٤ درنهایت محبّت بسبب عملشان محترم دارید وبا یکدیگر صلح کنید* لیکن ای
برادران از شما استدعا داریم که سرکشانرا تنبیه نمائید وکوتاه دلانرا دلداری دهید
١٥ وضعفارا حمایت کنید وبا جمیع مردم تحمّل کنید* زنهار کسی با کسی بسزای بدی
١٦ بدی نکند بلکه دائمًا با یکدیگر وبا جمیع مردم در پی نیکوئی بکوشید* پیوسته
١٧ ١٨ شادمان باشید* همیشه دعا کنید* درهر امری شاکر باشید که این است ارادهٔ
١٩ ٢٠ خدا درحقّ شما در مسیح عیسی* روح‌را اطفاء مکنید* نبوّتهارا خوار
٢١ مشمارید* همه چیزرا تحقیق کنید* وبآنچه نیکو است متمسّك باشید*
٢٢ ٢٣ از هر نوع بدی احتراز نمائید* امّا خودِ خدای سلامتی شمارا بالکلّ مقدّس
گرداناد وروح ونَفْس وبدن شما تمامًا بیعیب محفوظ باشد دروقت آمدن
٢٤ خداوند ما عیسی مسیح* امین است دعوت کنندهٔ شما که اینرا هم خواهد کرد*
٢٥ ٢٦ ای برادران برای ما دعا کنید* جمیع برادرانرا ببوسهٔ مقدّسانه تحیّت نمائید*
٢٧ شمارا بخداوند قسم میدهم که این رساله برای جمیع برادران مقدّس خوانده شود*
٢٨ فیض خداوند ما عیسی مسیح با شما باد آمین*

رسالهٔ دوّم پولس رسول بتَسّالونیکیان

باب اوّل

۱ پولس وسِلْوانُس وتیموتاؤس بکلیسای تَسّالونیکیان که درخدای پدر مَا وعیسی
۲ مسیح خداوند میباشید * فیض وسلامتی ازجانب پدر ما خدا وعیسی مسیح خداوند
۳ برشما باد * ای برادران میباید همیشه بجهة شما خدارا شکر کنیم چنانکه سزاوار
است ازآنجا که ایمان شما بغایت نموّ میکند ومحبّت هر یکی ازشما جمیعًا با همدیکر
٤ میافزاید * بحدّیکه خود ما در خصوص شما درکلیساهای خدا فخر میکنیم بسبب
٥ صبر وایمانتان در همهٔ مصائب شما وعذابهائیکه متحمّل آنها میشوید * که دلیل
است برداوریٔ عادلِ خدا تا شما مستحقّ ملکوت خدا بشوید که برای آن هم زحمت
٦ میکشید * زیراکه این انصافست نزد خدا که عذاب کنندکان شمارا عذاب
۷ دهد * وشمارا که عذاب میکشید با ما راحت بخشد در هنکامیکه عیسی خداوند
۸ ازآسمان با فرشتکان قوّت خود ظهور خواهد نمود * درآتش مشتعل وانتقام
خواهد کشید ازآنانیکه خدارا نمیشناسند وانجیل خداوند ما عیسی مسیح را اطاعت
۹ نمیکنند * که ایشان بقصاص هلاکت جاودانی خواهند رسید از حضور خداوند
۱۰ وجلال قوّت او * هنکامیکه آید تا در مقدّسان خود جلال یابد ودر همهٔ
ایمانداران ازاو تعجّب کنند درآن روز زیراکه شما شهادت مارا تصدیق کردید *
۱۱ وبرای این هم پیوسته بجهة شما دعا میکنیم که خدای ما شمارا مستحقّ این دعوت
۱۲ شمارد وتمام مسرّت نیکوئی وعمل ایمانرا با قوّتْ کامل کرداند * تا نام خداوند
ما عیسی مسیح در شما تمجید یابد وشما دروی بحسب فیض خدای ما وعیسی مسیح
خداوند *

باب دوّم

۱ امّا ای برادران از شما استدعا میکنیم در بارهٔ آمدن خداوند ما عیسی مسیح وجمع
۲ شدن ما بنزد او * که شما از هوش خود بزودی متزلزل نشوید ومضطرب نکردید
نه از روح ونه از کلام ونه از رسالهٔ که کویا از ما باشد بدین مضمون که روز
۳ مسیح رسیده است * زنهار کسی بهیچ وجه شمارا نفریبد زیراکه تا آن ارتدادْ اوّل
۴ واقع نشود وآنمرد شریر یعنی فرزند هلاکت ظاهر نکردد آنروز نخواهد آمد * که
او مخالفت میکند وخودرا بلند تر میسازد از هر چه بخدا یا بمعبودْ مسمّیٰ شود بحدّیکه
۵ مثل خدا درهیکل خدا نشسته خودرا مینماید که خداست * آیا یاد نمیکنید که
۶ هنکامیکه هنوز نزد شما میبودم اینرا بشما میکفتم * والآن آنچه‌را که مانع است
۷ میدانید تا او در زمان خود ظاهر بشود * زیراکه آن سرّ بیدینی الآن عمل میکند
۸ فقط تا وقتیکه آنکه تا بحال مانع است ازمیان برداشته شود * آنکاه آن بیدین
ظاهر خواهد شد که عیسی خداوند اورا بنفس دهان خود هلاك خواهد کرد
۹ وبتجلّیٔ ظهور خویش اورا نا بود خواهد ساخت * که ظهور او بعمل شیطانست باهر
۱۰ نوع قوّت وآیات وعجائب دروغ * وبهر قسم فریب ناراستی برای هالکین ازآنجا
۱۱ که محبّت راستیرا نپذیرفتند تا نجات یابند * وبدین جهة خدا به ایشان عمل کمراهی
۱۲ میفرستد تا دروغرا باور کنند * وتا فتوائی شود برهمهٔ کسانیکه راستیرا باور نکردند
۱۳ بلکه بناراستی شاد شدند * امّا ای برادران وای عزیزانِ خداوند میباید ما همیشه
برای شما خدارا شکر نمائیم که از ابتداء خدا شمارا برکزید برای نجات بتقدیس روح
۱۴ وایمانِ براستی * وبرای آن شمارا دعوت کرد بوسیلهٔ بشارت ما برای تحصیل
۱۵ جلال خداوند ما عیسی مسیح * پس ای برادران استوار باشید وآن روایاترا که
۱۶ خواه از کلام وخواه از رسالهٔ ما آموخته‌اید نکاه دارید * وخود خداوند ما
عیسی مسیح وخدا وپدر ما که مارا محبّت نمود وتسلّیٔ ابدی وامید نیکورا بفیض
۱۷ خود بما بخشید * دلهای شمارا تسلّی عطا کناد وشمارا درهر فعل وقول نیکو
استوار کرداناد *

باب سوّم

۱ خلاصه ای برادران برای ما دعا کنید تا کلام خداوند جاری شود وجلال
۲ یابد چنانکه درمیان شما نیز٭ وتا ازمردم ناشایستهٔ شریر برهیم زیراکه همه‌را ایمان
۳ نیست٭ امّا امین است آنخداوندی که شمارا استوار واز شریر محفوظ خواهد
٤ ساخت٭ امّا برشما درخداوند اعتماد داریم که آنچه بشما امر کنیم بعمل میاورید
۵ ونیز خواهید آورد٭ وخداوند دلهای شمارا بمحبّت خدا وبصبر مسیح هدایت
٦ کناد٭ ولی ای برادران شمارا بنام خداوند خود عیسی مسیح حکم میکنیم که ازهر
برادری که بی نظم رفتار میکند ونه برحسب آن قانونیکه ازما یافته‌اید اجتناب
۷ نمائید٭ زیرا خود آگاه هستید که بچه قسم بما اقتداء میباید نمود چونکه درمیان شما
۸ بینظم رفتار نکردیم٭ ونان هیچکسرا مفت نخوردیم بلکه بمحنت ومشقّت شبانه روز
۹ بکار مشغول میبودیم تا براحدی از شما بار ننهیم٭ نه آنکه اختیار نداریم بلکه تا
۱۰ خودرا نمونه برای شما سازیم تا بما اقتداء نمائید٭ زیرا هنگامیکه نزد شما هم میبودیم
۱۱ اینرا بشما امر فرمودیم که اگر کسی خواهد کار نکند خوراك هم نخورد٭ زیرا
شنیدیم که بعضی درمیان شما بینظم رفتار میکنند که کاری نمیکنند بلکه فضول
۱۲ هستند٭ امّا چنین اشخاصرا درخداوند ما عیسی مسیح حکم ونصیحت میکنیم که بآرامی
۱۳ کار کرده نان خودرا بخورند٭ امّا شما ای برادران از نیکوکاری خسته خاطر
۱٤ مشوید٭ ولی اگر کسی سخن مارا دراین رساله اطاعت نکند براو نشانه گذارید
۱۵ وبا وی معاشرت مکنید تا شرمنده شود٭ امّا اورا دشمن مشمارید بلکه چون برادر
۱٦ اورا تنبیه کنید٭ امّا خود خداوندِ سلامتی شمارا پیوسته درهر صورت سلامتی عطا
۱۷ کناد وخداوند با همگیٔ شما باد٭ تحیّت بدست من پولس که علامت درهر رساله
۱۸ است بدین طور مینویسم٭ فیض خداوند ما عیسی مسیح با جمیع شما باد امین٭

رسالهٔ اوّل پولس رسول به تیموتاؤس

باب اوّل

۱ پولس رسول عیسی مسیح بحکم نجات دهندهٔ ما خدا ومسیح عیسی خداوند که امید
۲ ما است* بفرزند حقیقیٔ خود در ایمان تیموتاؤس فیض ورحم وسلامتی از جانب
۳ خدای پدر وخداوند ما مسیح عیسی بر تو باد* چنانکه هنگامیکه عازم مکادونیه
بودم بشما التماس نمودم که در اَفَسُس بمانی تا بعضیرا امر کنی که تعلیمی دیگر ندهند*
٤ وافسانه‌ها ونسب‌نامه‌های نامتناهیرا اصغا ننمایند که اینها مباحثات‌را نه آن تعمیر
٥ الهیرا که در ایمانست پدید میآورد* امّا غایت حکم محبّت است از دل پاك
٦ وضمیر صالح وایمان بی ریا* که ازین امور بعضی منحرف گشته به بیهوده گوئی
۷ توجّه نموده اند* ومیخواهند معلّمان شریعت بشوند وحال آنکه نمیفهمند انچه
۸ میگویند ونه آنچه بتأکید اظهار مینمایند* لیکن میدانیم که شریعت نیکو است اگر
۹ کسی آنرا برحسب شریعت بکار بَرَد* واین بداند که شریعت بجهة عادل
موضوع نمی شود بلکه برای سرکشان وطاغیان وبی دینان وگناه‌کاران وناپاکان
۱۰ وحرامکاران وقاتلان پدر وقاتلان مادر وقاتلان مردم* وزانیان ولوّاطان
ومردم دزدان ودروغ گویان وقسم دروغ خوران وبرای هر عمل دیگری که بر
۱۱ خلاف تعلیم صحیح باشد* برحسب انجیل جلال خدای متبارك که بمن سپرده شده
۱۲ است* وشکر میکنم خداوند خود مسیح عیسیرا که مرا تقویت داد چونکه امین
۱۳ شمرده باین خدمتم ممتاز فرمود* که سابقًا کفرگو ومضرّ وسفطگو بودم لیکن
١٤ رحم یافتم ازآنرو که از جهالت در بی ایمانی کردم* امّا فیض خداوند ما بی نهایت
١٥ افزود با ایمان ومحبّتی که در مسیح عیسی است* این سخن امین است ولایق قبول
تامّ که مسیح عیسی بدنیا آمد تا گناه‌کارانرا نجات بخشد که من بزرگترین انها

۱٦ هستم* بلکه ازینجهة بر من رحم شد تا اوّل در من مسیح عیسی کمال حلمرا
ظاهر سازد تا آنانیرا که بجهة حیات جاودانی بوی ایمان خواهند آورد نمونه باشم*
۱۷ باری پادشاه سرمدی وباقی ونا دیده‌را خدای حکیم وحیدرا آکرام وجلال
۱۸ تا ابد الآباد باد آمین* ای فرزند تیموتاؤس این وصیّت‌را بتو میسپارم بر
۱۹ حسب نبوّتهائی که سابقًا بر تو شد تا در آنها جنك نیکو کنی* وایمان وضمیر
صالح را نکاه داری که بعضی اینرا از خود دور انداخته مر ایمان‌را شکسته
۲۰ کشتی شدند* که از آنجمله هیمیناؤس واسکندر میباشند که ایشانرا بشیطان
سپردم تا تأدیب شده دیکر کفر نکویند*

باب دوّم

۱ پس از همه چیز اوّل سفارش میکنم که صلوات ودعاها ومناجات وشکرهارا
۲ برای جمیع مردم بجا آورند* بجهة پادشاهان وجمیع صاحبان منصب تا بآرامی
۳ واستراحت وبا کمال دین داری ووقار عمر خودرا بسر بریم* زیرا که این نیکو
٤ وپسندیده است در حضور نجات دهندهٔ ما خدا* که میخواهد جمیع مردم نجات
۵ یابند وبمعرفت راستی کرایند* زیرا خدا واحد است ودرمیان خدا وانسان یك
٦ متوسِّطی است یعنی انسانی که مسیح عیسی باشد* که خودرا در راه همه فدا داد
۷ شهادتی در زمان معیّن* وبرای این من واعظ ورسول ومعلّم امّتها در ایمان
۸ وراستی مقرّر شدم* در مسیح راست میکویم ودروغ نی* پس ارزوی این دارم که
مردان دست های مقدّس‌را بدون غیظ وجدال بر افراخته در هر جا دعا کنند*
۹ وهم چنین زنان خویشتن‌را بیارایند بلباس مزیّن بحیا وپرهیز نه بزلفها وطلا
۱۰ ومروارید ورخت کران بها* بلکه چنانکه زنانی‌را میشاید که دعوای دین داری
۱۱ ۱۲ میکنند به اعمال صالحه* زن با سکوت بکمال اطاعت تعلیم کیرد* وزن‌را اجازت
۱۳ نمیدهم که تعلیم دهد یا بر شوهر مسلّط شود بلکه در سکوت بماند* زیرا که ادم
۱٤ اوّل ساخته شد وبعد حوّا* وآدم فریب نخورد بلکه زن فریب خورده در تقصیر
۱۵ کرفتار شد* امّا بزائیدن رستکار خواهد شد اکر در ایمان ومحبّت وقدّوسیّت
وتقوی ثابت بمانند*

باب سیّم

١ این سخن امین است که اکر کسی منصب اُسقُفی‌را بخواهد کار نیکو میطلبد ٭
٢ پس اُسقُف باید بی ملامت وصاحب یك زن وهوشیار وخردمند وصاحب نظام
٣ ومهمان نواز وراغب بتعلیم باشد ٭ نه مَیکسار یا زننده یا طمّاع سود قبیح بلکه
٤ حلیم ونه جنك جو ونه زرپرست ٭ مدبّر اهل خانهٔ خود به نیکوئی وفرزندان
٥ خویش‌را درکمال وقار مطیع کرداند ٭ زیرا هرکاه کسی نداند که اهل خانهٔ
٦ خودرا تدبیر کند چکونه کلیسای خدارا نکاهبانی مینماید ٭ ونه جَدیدُالایمان
٧ که مبادا غرور کرده بحکم ابلیس بیفتد ٭ امّا لازمست که نزد آنانیکه خارج اند هم
٨ نیك نام باشد که مبادا در رسوائی ودام ابلیس کرفتار شود ٭ همچنین شمّاسان
٩ با وقار باشند نه دو زبان ونه راغب بشراب زیاده ونه طمّاع سود قبیح ٭ دارندکان
١٠ سرّ ایمان درضمیر پاك ٭ امّا باید اوّل ایشان آزموده شوند وچون بی عیب یافت
١١ شدند کار شمّاسی‌را بکنند ٭ وبهمین طور زنان نیز باید با وقار باشند ونه غیبت کو بلکه
١٢ هوشیار ودر هر امری امین ٭ وشمّاسان صاحب یك زن باشند وفرزندان واهل خانهٔ
١٣ خویشرا نیکو تدبیر نمایند ٭ زیرا آنانیکه کار شمّاسی را نیکو کرده باشند درجهٔ خوب
١٤ برای خویشتن تحصیل می کنند وجلادتِ کامل در ایمانیکه بمسیح عیسی است ٭ این
١٥ بتو مینویسم به امید آنکه بزودی نزد تو آیم ٭ لیکن اکر تأخیر اندازم تا بدانی که
چکونه باید در خانهٔ خدا رفتار کنی که کلیسای خدای حیّ وستون وبنیاد راستی
١٦ است ٭ وبالاجماع سرّ دینداری عظیم است که خدا در جسم ظاهر شد ودر روح
تصدیق کرده شد وبفرشتکان مشهود کردید وبه امّتها موعظه کرده ودر دنیا ایمان
آورده وبجلال بالا برده شد ٭

باب چهارم

١ ولیکن روح صریحًا میکوید که در زمانِ آخر بعضی از ایمان بر کشته به ارواح
٢ مضلّ وتعالیم شیاطین اصغا خواهند نمود ٭ بریاکارئ دروغ کویان که ضمایر خودرا
٣ داغ کرده اند ٭ که از مزاوجت منع می کنند وحکم مینمایند به احتراز از خوراك
هائیکه خدا آفرید برای مؤمنین وعارفین حقّ تا آنهارا بشکر کذاری بخورند ٭

٤ زیرا که هر مخلوق خدا نیکو است وهیچ چیزرا ردّ نه باید کرد اکر بشکر کذاری
٥ ٦ پذیرند* زیرا که از کلام خدا ودعا تقدیس میشود* اکر این اموررا به برادران
بسپاری خادم نیکوی مسیح عیسی خواهی بود تربیت یافته در کلام ایمان وتعلیم خوب
٧ که پیروئ آنرا کردهٔ* لیکن از افسانه‌های حرام عجوزها احتراز نما ودر دین‌داری
٨ ریاضت بکش* که ریاضت بدنی اندك فائدهٔ دارد لیکن دینداری برای هر چیز
مفید است که وعدهٔ زندکئ حال وآینده‌را دارد* این سخن امین است ولایق قبول
٩ تامّ* زیرا که برای این زحمت وبی احترامی میکشیم زیرا امید داریم بخدای زنده
١٠ که جمیع مردمان علی الخصوص مؤمنین‌را نجات دهنده است* این امور را حکم
١١ وتعلیم فرما* هیچکس جوانئ ترا حقیر نشمارد بلکه مؤمنین‌را در کلام وسیرت
١٢ ومحبّت وایمان وعصمت نمونه باش* تا مادامیکه نه آیم خودرا بقرائت ونصیحت
١٣ وتعلیم بسپار* زنهار از آن کرامتی که در تو است که بوسیلهٔ نبوّت با نهادن دستهای
١٤ کشیشان بتو داده شد بی اعتنائی منما* در این امور تأمّل نما ودر اینها راسخ باش تا
١٥ ترقّئ تو بر همه ظاهر شود* خویشتن‌را وتعلیم‌را احتیاط کن ودر این امور قائم باش
که هرکاه چنین کنی خویشتن را وشنوندکان خویش‌را نیز نجات خواهی داد*

باب پنجم

١ مرد پیررا توبیخ منما بلکه چون پدر اورا نصیحت کن وجوانانرا چون برادران*
٢ ٣ زنان پیررا چون مادران وزنان جوانرا مثل خواهران با کمال عفّت* بیوه زنانرا
٤ اکر فی الحقیقه بیوه باشند محترم دار* امّا اکر بیوه زنی فرزندان یا نواده‌ها دارد
آموخته بشوند که خانهٔ خودرا با دینداری نکاه دارند وحقوق اجداد خودرا ادا
٥ کنند که این در حضور خدا نیکو وپسندیده است* امّا زنیکه فی الحقیقه بیوه وبی
کس است بخدا امیدوار است ودر صلوات ودعاها شبانروز مشغول میباشد*
٦ ٧ لیکن زن عیّاش درحال حیات مرده است* وباین معانی امر فرما تا بی ملامت
٨ باشند* ولی اکر کسی برای خویشان وعلی الخصوص اهل خانهٔ خود تدبیر نکند
٩ منکر ایمان وپست تر از بی ایمانست* بیوه زنیکه کمتر از شصت ساله نباشد ویك
١٠ شوهر کرده باشد باید نام او ثبت کردد* که در اعمال صالح نیك نام باشد اکر

فرزندانرا پرورده وغرباءرا مهمانی نموده وپایهای مقدّسین‌را شُسته وزحمت کشانرا
۱۱ اعانتی نموده وهرکار نیکورا پیروی کرده باشد * امّا بیوه‌های جوانتر از این‌را قبول
۱۲ مکن زیرا که چون از مسیح سرکش شوند خواهش نکاح دارند * وملزم میشوند
۱۳ از اینکه ایمان نخست‌را برطرف کرده اند * وعلاوه بر این خانه بخانه کردش کرده
آموخته میشوند که بیکار باشند ونه فقط بی کار بلکه بیهوده کو وفضول هم که
۱٤ حرفهای ناشایسته میزنند * پس رائ من این است که زنان جوان نکاح شوند
۱٥ واولاد بزایند وکدبانو شوند وخصم‌را مجال مذمّت ندهند * زیرا که بعضی برکشتند
۱٦ بعقب شیطان * اکر مردیازنِ مؤمن بیوه‌ها دارد ایشانرا بپرورد وبار برکلیسا ننهد
۱۷ تا آنانیرا که في الحقیقه بیوه باشند پرورش نماید * کشیشانیکه نیکو پیشوائی کرده
اند مستحقّ حرمت مضاعف میباشند علی الخصوص آنانیکه درکلام وتعلیم محنت
۱۸ میکشند * زیرا کتاب میکوید کاورا وقتیکه خرمن‌را خورد میکند دهن مبند
۱۹ ومزدور مستحقّ اجرت خود است * ادّعای بریکی از کشیشان جز بزبان دو یاسه
۲۰ شاهد مپذیر * آنانیکه کناه کنند پیش همه توبیخ فرما تا دیکران بترسند * درحضور
۲۱ خدا ومسیح عیسی وفرشتکان برکزیده ترا قسم میدهم که این امور‌را بدون غرض
۲۲ نکاه داری وهیچ کاری از روی طرف‌داری مکن * ودستها بزودی بر هیچکس
۲۳ مکذار ودرکناهان دیکران شریك مشو بلکه خودرا طاهر نکاه دار * دیکر
آشامندهٔ آب فقط مباش بلکه بجهة شکمت وضعفهای بسیار خود شرابی کم میل فرما *
۲٤ کناهان بعضی آشکاراست وپیش روی ایشان بداوری میخرامد امّا بعضی‌را تعاقب
۲٥ میکند * وهمچنین اعمال نیکو واضح است وآنهائیکه دیکر کون باشد نتوان
مخفی داشت *

باب ششم

۱ آنانیکه غلامان زیر یوغ میباشند آقایان خویش‌را لایق کمال احترام بدانند که
۲ مبادا نام وتعلیم خدا بد کفته شود * امّا کسانیکه آقایان مؤمن دارند ایشانرا تحقیر
ننمایند از آنجا که برادرانند بلکه بیشتر خدمت کنند از آنروکه آنانیکه در این
۳ احسان مشارك اند مؤمن ومحبوبند وباین معانی تعلیم ونصیحت فرما * واکر کسی
بطور دیکر تعلیم دهد وکلام صحیح خداوند ما عیسی مسیح وآن تعلیمی‌را که بطریق

٤ دینداری است قبول ننماید* از غرور مست شده هیچ نمیداند بلکه در مباحثات
ومجادلات دیوانه کشته است که از آنها پدید میآید حسد ونزاع وکفر وظنون شرّ*
٥ ومنازعات مردم فاسد العقل ومرتدّ از حقّ که می پندارند دین داری سود است.
٦ از چنین اشخاص اعراض نما* لیکن دینداری با قناعت سود عظیمی است*
٧ زیراکه در این دنیا هیچ نیاوردیم وواضح است که ازآن هیچ نمیتوانیم برد* پس
٨
٩ اکر خوراك وپوشاك داریم بآنها قانع خواهیم بود* امّا آنانیکه میخواهند دولتمند
شوند کرفتار میشوند در تجربه ودام وانواع شهوات بی فهم ومضرّ که مردمرا به
١٠ تباهی وهلاکت غرق میسازند* زیراکه طمع ریشهٔ همهٔ بدیها است که بعضی چون
١١ در پی آن میکوشیدند از ایمان کمراه کشته خودرا به اقسام دردها سفتند* ولی تو
ای مرد خدا از اینها بکریز وعدالت ودینداری وایمان ومحبّت وصبر وتواضعرا
١٢ پیروی نما* وجنك نیکوی ایمان رابکن وبدست آور آن حیات جاودانیرا که برای
١٣ آن دعوت شدی واعتراف نیکو کردی در حضور کواهان بسیار* ترا وصیّت
میکنم بحضور آنخدائیکه همه‌را زندکی میبخشد ومسیح عیسی که در پیش پنطیوس
١٤ پیلاطُس اعتراف نیکو نمود* که تو وصیّت‌را بی داغ وملامت حفظ کن تا بظهور
١٥ خداوند ما عیسی مسیح* که آنرا آن متبارك وقادر وحید وملك الملوك وربّ الارباب
١٦ در زمان معیّن بظهور خواهد آورد* که تنها لایموت وساکن در نوریست که
نزدیك آن نتوان شد واحدی از انسان اورا ندیده ونمیتواند دید اورا تا ابد الآباد
١٧ اکرام وقدرت باد آمین* دولتمندان این جهانرا امر فرما که بلند پروازی
نکنند وبدولت نا پایدار امید ندارند بلکه بخدای زنده که همه چیزرا دولتمندانه
١٨ برای تمتّع بما عطا می کند* که نیکو کار بوده در اعمال صالحه دولتمند وسخی وکشاده
١٩ دست باشند* وبرای خود اساس نیکو بجهة عالم آینده نهند تا حیات جاودانی‌را
٢٠ بدست آرند* ای تیموتاؤس توآن امانت‌را محفوظ دار واز بیهوده کوئیهای
٢١ حرام واز مباحثات معرفت دروغ عراض نما* که بعضی چون ادّعای آن کردند
از ایمان منحرف کشتند. فیض با تو باد آمین*

رسالهٔ دوّم پولس رسول به تیموتاؤس

باب اوّل

١ پولس به ارادهٔ خدا رسول مسیح عیسی برحسب وعدهٔ حیاتی که در مسیح عیسی
٢ است* فرزند حبیب خود تیموتاؤس‌را فیض ورحمت وسلامتی از جانب خدای
٣ پدر وخداوند ما عیسی مسیح باد* شکر میکنم آنخدائیرا که از اجداد خود بضمیر
خالص بندگیٔ اورا میکنم چونکه دائمًا در دعاهای خود ترا شبانروز یاد میکنم*
٤ ومشتاق ملاقات تو هستم چونکه اشکهای ترا بخاطر میدارم تا از خوشی سیر شوم*
٥ زیرا که یاد میدارم ایمان بی ریای ترا که نخست در جدّه‌ات لوئیس ومادرت افنیکی
٦ ساکن می بود ومرا یقین است که در تو نیز هست* لهذا بیاد تو میآورم که ان
٧ عطای خدارا که بوسیلهٔ گذاشتن دستهای من بر تو است برافروزی* زیرا خدا
٨ روح جبن‌را بما نداده است بلکه روح قوّت ومحبّت وتأدیب‌را* پس از شهادت
خداوند ما عار مدار ونه از من که اسیر او میباشم بلکه در زحمات انجیل شریك
٩ باش برحسب قوّت خدا* که مارا نجات داد وبدعوت مقدّس خواند نه بحسب
اعمال ما بلکه برحسب ارادهٔ خود وآن فیضیکه قبل از قدیم الایّام در مسیح عیسی
١٠ بما عطا شد* امّا الحال آشکار گردید بظهور نجات دهندهٔ ما عیسی مسیح که
١١ موت‌را نیست ساخت وحیات وبی فسادیرا روشن گردانید بوسیلهٔ انجیل* که
١٢ برای آن من واعظ ورسول ومعلّم امّتها مقرّر شده‌ام* واز اینجهة این زحماترا
میکشم بلکه عار ندارم چون میدانم به کِه ایمان آوردم ومرا یقین است که او قادر
١٣ است که امانت مرا تا بآن روز حفظ کند* نمونهٔ بگیر از سخنان صحیح که از من
١٤ شنیدی در ایمان ومحبّتی که در مسیح عیسی است* آن امانت نیکورا بوسیلهٔ روح
١٥ القدس که در ما ساکن است حفظ کن* از این آگاه هستی که همهٔ آنانیکه در آسیا

۱۶ هستند از من رخ تافته اند که از آنجمله فیجِلُس و هَرْمُوجَنِس میباشند٭ خداوند
اهل خانهٔ اُنیسیفورُس‌را ترحّم کناد زیرا که او بارها دل مرا تازه کرد واز زنجیر من
۱۷ عار نداشت٭ بلکه چون به رُوم رسید مرا بکوشش بسیار تفحّص کرده پیدا نمود٭
۱۸ (خداوند بدو عطا کناد که در آنروز در حضور خداوند رحمت یابد)
وخدمتهائیرا که در اَفَسُس کرد تو بهتر میدانی٭

باب دوّم

۱ پس تو ای فرزند من در فیضیکه در مسیح عیسی است زورآور باش٭ وآنچه
۲ بشهود بسیار از من شنیدی بمردمان امین بسپار که قابل تعلیم دیگران هم باشند٭
۳ چون سپاهیٔ نیکوی مسیح عیسی در تحمّل زحمات شریك باش٭ هیچ سپاهی خودرا
۴ در امور روزکار کرفتار نمیسازد تا رضایت آنکه اورا سپاهی ساخت بجوید٭ واکر
۵ کسی نیز پهلوانی کند تاج‌را بدو نمیدهند اکر بقانون پهلوانی نکرده باشد٭ برزکری
۶ که محنت میکشد باید اوّل نصیبی از حاصل ببرد٭ در آنچه میکویم تفکّر کن زیرا
۷ خداوند ترا در همه چیز فهم خواهد بخشید٭ عیسی مسیح‌را بخاطر دار که از نسل
۸ داود بوده از مردکان بر خاست برحسب بشارت من٭ که دران چون بدکار
۹ تا به بندها زحمت میکشم لیکن کلام خدا بسته نمیشود٭ واز اینجهة همهٔ زحمات‌را
۱۰ بخاطر برکزیدکان متحمّل میشوم تا ایشان نیز نجاتیرا که در مسیح عیسی است با
۱۱ جلال جاودانی تحصیل کنند٭ این سخن امین است زیرا اکر با وی مردیم با او
۱۲ زیست هم خواهیم کرد٭ واکر تحمّل کنیم با او سلطنت هم خواهیم کرد وهرکاه
۱۳ اورا انکار کنیم او نیز مارا انکار خواهد کرد٭ اکر بی ایمان شویم او امین میماند
۱۴ زیرا خودرا انکار نمیتواند نمود٭ این چیزهارا به یاد ایشان آور ودر حضور
خداوند قدغن فرما که مجادله نکنند زیرا هیچ سود نمی بخشد بلکه باعث هلاکت
۱۵ شنوندکان میباشد٭ وسعی کن که خودرا مقبول خدا سازی عاملی که خجل نشود
۱۶ وکلام خدارا بخوبی انجام دهد٭ واز یاوه کوئیهای حرام اعراض نما زیرا که تا
۱۷ به فزونیٔ بی دینی ترقّی خواهد کرد٭ وکلام ایشان چون آکله میخورد واز
۱۸ آنجمله هیمیناؤس وفِلِیطُس میباشند٭ که ایشان از حقّ بر کشته می کویند که

۱۹ قیامت الآن شده است وبعضی‌را از ایمان منحرف میسازند* ولیکن بنیاد ثابت
خدا قائم است واین مُهررا دارد که خداوند کسان خودرا میشناسد وهرکه نام
۲۰ مسیح‌را خواند از نا راستی کناره جوید* امّا در خانهٔ بزرك نه فقط ظروف طلا
۲۱ ونقره میباشد بلکه چوبی وکلی نیز امّا انها برای عزّت واینها برای ذلّت* پس
اکر کسی خویشتن‌را از اینها طاهر سازد ظرف عزّت خواهد بود مقدّس ونافع
۲۲ برای مالك خود ومستعدّ برای هر عمل نیکو* امّا ازشهوات جوانی بکریز وبا
آنانیکه از قلب خالص نام خداوندرا میخوانند عدالت وایمان ومحبّت وسلامتی‌را
۲۳ تعاقب نما* لیکن از مسائل بیهوده وبی تأدیب اعراض نما چون میدانیکه نزاعها
۲٤ پدید میآورد* امّا بندهٔ خدا نباید نزاع کند بلکه با همه کس ملایم وراغب بتعلیم
۲۵ وصابر در مشقّت باشد* وبا حلم مخالفین‌را تأدیب نماید که شاید خدا ایشانرا
۲٦ توبه بخشد تا راستی‌را بشناسند* تا از دام ابلیس باز بهوش آیند که بحسب ارادهٔ
او صید او شده اند*

باب سیّم

۱ امّا این‌را بدان که در ایّام آخر زمانهای سخت پدید خواهد آمد* زیرا که ۲
مردمانْ خود پرست خواهند بود وطمّاع ولاف زن ومتکبّر وبدکو ونا مطیع
۳ والدین ونا سپاس ونا پاك* وبی الفت وکینه دل وغیبت کو ونا پرهیز وبی
٤ مروّت ومتنفّر از نیکوئی* وخیانت‌کار وتند مزاج ومغرور که عشرت‌را بیشتر
۵ از خدا دوست میدارند* که صورت دینداری دارند لیکن قوّت آنرا انکار میکنند
٦ از ایشان اعراض نما* زیرا که از اینها هستند آنانیکه بحیله داخل خانه‌ها کشته
زنان کم عقل‌را اسیر میکنند که بار کناهانرا میکشند وبه انواع شهوات ربوده
۷ میشوند* ودائمًا تعلیم میکیرند لکن هرکز بمعرفت راستی نمیتوانند رسید* وهم ۸
چنانکه یَنِّیس و یَمْبریس با موسی مقاومت کردند ایشان نیز با راستی مقاومت
۹ میکنند که مردم فاسدالعقل ومردود از ایمانند* لیکن بیشتر ترقّی نخواهند کرد
زیرا که حماقت ایشان بر جمیع مردم واضح خواهد شد چنانکه حماقت آنها نیز
۱۰ شد* لیکن تو تعلیم وسیرت وقصد وایمان وحلم ومحبّت وصبر مرا پیروی
۱۱ نمودی* وزحمات وآلام مرا مثل آنهائیکه در انطاکیه وایقونیه ولِسْتَرَه بر من

۱۱ واقع شد چکونه زحماترا تحمّل مینمودم وخداوند مرا از همه رهائی داد* وهمهٔ
کسانیکه میخواهند در مسیح عیسی بدینداری زیست کنند زحمت خواهند کشید*
۱۳ لیکن مردمان شریر ودغاباز در بدی ترقّی خواهند کرد که فریبنده وفریب خورده
۱٤ میباشند* امّا تو در آنچه آموختی وایمان آوردی قایم باش چونکه میدانی از چه
۱۵ کسان تعلیم یافتی* واینکه از طفولیّت کتب مقدّسه‌را دانستهٔ که میتواند ترا
۱٦ حکمت آموزد برای نجات بوسیلهٔ ایمانیکه بر مسیح عیسی است* تمامئ کتب از الهام
۱۷ خدا است وبجهة تعلیم وتنبیه واصلاح وتربیت در عدالت مفید است* تا مرد
خدا کامل وبجهة هر عملِ نیکو آراسته بشود*

باب چهارم

۱ ترا در حضور خدا ومسیح عیسی که بر زندکان ومردکان داوری خواهد کرد
۲ قسم میدهم وبظهور وملکوت او* که بکلام موعظه کنی ودر فرصت وغیر فرصت
۳ مواظب باشی وتنبیه وتوبیخ ونصیحت نمائی با کمال تحمّل وتعلیم* زیرا ایّامی میآید
که تعلیم صحیح‌را متحمّل نخواهند شد بلکه بر حسب شهوات خود خارش کوشها
٤ داشته معلّمانرا بر خود فراهم خواهند آورد* وکوشهای خودرا از راستی بر
۵ کردانیده بسوی افسانه‌ها خواهند کرائید* لیکن تو در همه چیز هشیار بوده متحمّل
٦ زحمات باش وعمل مبشّررا بجا آور وخدمت خودرا بکمال رسان* زیرا که من
۷ الآن ریخته میشوم ووقت رحلت من رسیده است* بجنك نیکو جنك کرده ام
۸ ودورهٔ خود را بکمال رسانیده ایمانرا محفوظ داشته ام* بعد از این تاج عدالت
برای من حاضر شده است که خداوندِ داورِ عادل در آن روز بمن خواهد داد ونه
۹ بمن فقط بلکه نیز بهمهٔ کسانیکه ظهور اورا دوست میدارند* سعی کن که بزودی
۱۰ نزد من آئی* زیرا که دیماس برای محبّت این جهانِ حاضر مرا ترك کرده به
۱۱ تسّالونیکی رفته است وکَرِیسکیس به غلاطیه وتیطُس به دلماطیه* لوقا تنها با من
۱۲ است• مَرْقُس را بر داشته با خود بیاور زیرا که مرا بجهة خدمت مفید است* امّا
۱۳ تیخیکُس را به اَفَسُسْ فرستادم* ردائیرا که در تَرْواس نزد کرْپُس کذاشتم وقت
۱٤ آمدنت بیاور وکتب‌را نیز وخصوصًا رقوق‌را* اِسْکَنْدَر مِسْکَر با من بسیار بدیها

١٥ کرد خداوند اورا بحسب افعالش جزا خواهد داد* وتو هم از او با حذر باش
١٦ زیرا که با سخنان ما بشدّت مقاومت نمود* در محاجّهٔ اوّل من هیچکس با من
١٧ حاضر نشد بلکه همه مرا ترك کردند. مباد که این بر ایشان محسوب شود* لیکن
خداوند با من ایستاده بمن قوّت داد تا موعظه بوسیلهٔ من بکمال رسد وتمامئ امّتها
١٨ بشنوند واز دهان شیر رستم* وخداوند مرا از هرکار بد خواهد رهانید وتا
بملکوت آسمانئ خود نجات خواهد داد. اورا تا ابدالآباد جلال باد آمین*
١٩ ٢٠ فِرِسْکا واَکیلا واهل خانهٔ اُنیسیفورُس‌را سلام رسان* اَرَسْتُس در قُرِنْتُسْ ماند
٢١ امّا تَرُوفیمُس‌را در میلیتُس بیمار واگذاردم* سعی کن که قبل از زمستان بیائی
٢٢ اَفبُولُس وپُودِیس ولینُس وکَلادیه وهمهٔ برادران ترا سلام میرسانند* عیسی
مسیح خداوند با روح تو باد. فیض بر شما باد آمین*

رسالهٔ پولس رسول بتیطُس

باب اوّل

۱ پولس غلام خدا ورسول عیسی مسیح برحسب ایمان برگزیدگانِ خدا ومعرفت
۲ آن راستیکه در دینداری است * به امید حیات جاودانی که خدائیکه دروغ نمیتواند
۳ گفت از زمانهای ازلی وعدهٔ آنرا داد * امّا در زمان معیّن کلام خودرا ظاهر
۴ کرد بموعظهٔ که برحسب حکم نجات دهندهٔ ما خدا بمن سپرده شد * تیطُسرا که
فرزند حقیقیٔ من برحسب ایمان عامّ است فیض ورحمت وسلامتی ازجانب خدای
۵ پدر ونجات دهندهٔ ما عیسی مسیح خداوند باد * بدینجهة ترا در کَرِیت واگذاشتم
تا آنچهرا که باقی ماندهٔ است اصلاح نمائی وچنانکه من بتو امر نمودم کشیشان درهر
۶ شهر مقرّر کنی * اگر کسی بیملامت وشوهر یك زن باشد که فرزندان مؤمن دارد
۷ بری از تهمتِ فجور وتمرّد * زیراکه اُسْقُفْ میباید چون وکیل خدا بیملامت باشد
۸ وخودرای یا تند مزاج یا میگسار یا زنندهٔ یا طمّاع سود قبیح نباشد * بلکه مهمان
۹ دوست وخیر دوست وخرداندیش وعادل ومقدّس وپرهیزکار * ومتمسّك
بکلام امین برحسب تعلیمیکه یافته تا بتواند بتعلیم صحیح نصیحت کند ومخالفانرا
۱۰ توبیخ نماید * زیراکهَ یاوه گویان وفریبندگانْ بسیار ومتمرّد میباشند علی الخصوص
۱۱ آنانیکه از اهل ختنه هستند * که دهان ایشانرا باید بست زیرا خانههارا بالکلّ
۱۲ واژگون میسازند وبرای سود قبیح تعالیم ناشایسته میدهند * یکی از ایشان که نبیٔ
خاصّ ایشان است گفته است که اهل کریت همیشه دروغگو ووحوش شریر وشکم
۱۳ پرست بیکاره میباشند * این شهادت راست است ازینجهة ایشانرا بسختی توبیخ
۱۴ فرما تا در ایمان صحیح باشند * وگوش نگیرند به افسانههای یهود واحکام مردمانیکه
۱۵ از راستی انحراف میجویند * هرچیز برای پاکان پاك است لیکن آلودگان وبی

١٦ ایمانرا هیچ چیز پاك نیست بلکه فهم وضمیر ایشان نیز ملوّث است * مدّعیٔ معرفت
خدا میباشند امّا به افعال خود اورا انکار میکنند چونکه مکروه ومتمرّد هستند
وبجهة هر عمل نیکو مردود *

باب دوّم

١ امّا تو سخنان شایستهٔ تعلیم صحیحرا بگو * که مردان پیر هشیار وبا وقار وخرداندیش
۲
۳ ودر ایمان ومحبّت وصبر صحیح باشند * همچنین زنان پیر در سیرتْ متّقی باشند
٤ ونه غیبت گو ونه بندهٔ شراب زیاده بلکه معلّمات تعلیم نیکو * تا زنان جوانرا
٥ خرد بیاموزند که شوهر دوست وفرزند دوست باشند * وخرداندیش وعفیفه
٦ وخانه نشین ونیکو ومطیع شوهران خود که مبادا کلام خدا متّهم شود * وبهمین
٧ نسق جوانانرا نصیحت فرما تا خرداندیش باشند * وخودرا در همه چیز نمونهٔ اعمال
٨ نیکو بساز ودر تعلیم خود صفا ووقار واخلاص‌را بکار بر * وکلام صحیح بیعیب‌را
٩ تا دشمن چونکه فرصت بد گفتن درحقّ ما نیابد خجل شود * غلامانرا نصیحت نما
که آقایان خودرا اطاعت کنند ودر هر امر ایشانرا راضی سازند ونقیض گو نباشند *
١٠ ودزدی نکنند بلکه کمال دیانترا ظاهر سازند تا تعلیم نجات دهندهٔ ما خدارا درهر
١١ چیز زینت دهند * زیراکه فیض خدا که برای همهٔ مردم نجات بخش است ظاهر
١٢ شده * مارا تأدیب میکند که بیدینی وشهوات دنیویرا ترك کرده با خرداندیشی
١٣ وعدالت ودینداری در این جهان زیست کنیم * وآن امید مبارك وتجلّیٔ جلال
١٤ خدای عظیم ونجات دهندهٔ خود ما عیسی مسیح‌را انتظار کشیم * که خودرا در راه
ما فدا ساخت تا مارا ازهر ناراستی برهاند وامّتی برای خود طاهر سازد که مِلك
١٥ خاصّ او وغیور در اعمال نیکو باشند * اینرا بگو ونصیحت فرما ودر کمال اقتدار
توبیخ نما وهیچکس ترا حقیر نشمارد *

باب سوّم

١ بیاد ایشان آور که حکّام وسلاطینرا اطاعت کنند وفرمانبرداری نمایند وبرای
۲ هرکار نیکو مستعدّ باشند * وهیچکسرا بد نگویند وجنگجو نباشند بلکه ملایم وکمال
۳ حلمرا با جمیع مردم بجا آورند * زیراکه ما نیز سابقًا بیفهم ونا فرمانبردار وگمراه

وبندهٔ انواع شهوات ولذّات بوده درخبث وحسد بسر میبردیم که لایق نفرت بودیم
٤ وبر یکدیگر بغض میداشتیم * لیکن چون مهربانی ولطف نجات دهندهٔ ما خدا ظاهر
٥ شد * نه بسبب اعمالیکه ما بعدالت کرده بودیم بلکه محض رحمت خود مارا نجات
٦ داد بغسل تولّد تازه وتازگیٔ که از روح القدس است * که اورا به ما بدولتمندی
٧ افاضه نمود بتوسّط نجات دهندهٔ ما عیسی مسیح * تا بفیض او عادل شمرده شده
٨ وارث کردیم بحسب امید حیات جاودانی * این سخن امین است ودر این امور
میخواهم تو قدغن بلیغ فرمائی تا آنانیکه بخدا ایمان آوردند بکوشند که دراعمال نیکو
٩ مواظبت نمایند زیراکه این امور برای انسان نیکو ومفید است * واز مباحثات
نامعقول ونسب نامه‌ها ونزاعها وجنکهای شرعی اعراض نما زیراکه بی ثمر وباطل
١٠ است * واز کسیکه ازاهل بدعت باشد بعد ازیك دو نصیحت اجتناب نما *
١١ چون میدانی که چنین کس مرتدّ واز خود ملزم شده درکناه رفتار میکند * وقتیکه
١٢ اَرْتیماس یا تیخیکُس را نزد تو فرستم سعی کن که در نیکوپولیس نزد من آئی زیراکه
١٣ عزیمت دارم زمستانرا درآنجا بسر برم * زیناس خطیب واَپَلُّسرا درسفر ایشان
١٤ بسعی امداد کن تا محتاج هیچ چیز نباشند * وکسان ما نیز تعلیم بکیرند که درکارهای
١٥ نیکو مشغول باشند برای رفع احتیاجات ضروری تا بی ثمر نباشند * جمیع رفقای
من ترا سلام میرسانند وآنانیرا که از روی ایمان مارا دوست میدارند سلام رسان •
فیض با همکیٔ شما باد آمین *

رسالهٔ پولس رسول بفِلیمون

١ ٢ پولس اسیر مسیح عیسی وتیموتاؤس برادر به فِلیمون عزیز وهمکار ما * وبه اَپْفِیّهٔ
٣ محبوبه واَرْخِپُّس همسپاه ما وبکلیسائیکه در خانهات میباشد * فیض وسلامتی
٤ ازجانب پدر ما خدا وعیسی مسیح خداوند با شما باد * خدای خودرا شکر میکنم
٥ وپیوسته ترا در دعاهای خود یاد میاورم * چونکه ذکر محبّت وایمان ترا شنیدهام
٦ که بعیسی خداوند وبهمهٔ مقدّسین داری * تا شراکت ایمانت موءثّر شود
٧ درمعرفتِ کاملِ هر نیکوئی که درما است برای مسیح عیسی * زیراکه مرا خوشئ
کامل وتسلّی رخ نمود از محبّت تو از آنروکه دلهای مقدّسین از تو ای برادر
٨ استراحت میپذیرند * بدینجهة هرچند در مسیح کمال جسارترا دارم که بآنچه مناسب
٩ است ترا حکم دهم * لیکن برای محبّت سزاوارتر آنست که التماس نمایم هرچند
١٠ مردی چون پولسِ پیر والآن اسیر مسیح عیسی نیز میباشم * پس ترا التماس میکنم
١١ دربارهٔ فرزند خود اُنیسیمُس که در زنجیرهای خود اورا تولید نمودم * که سابقًا او
١٢ برای تو بیفایده بود لیکن الحال ترا ومرا فائدهمند میباشد * که اورا نزد تو پس
١٣ میفرستم پس تو اورا بپذیر که جان من است * ومن میخواستم که اورا نزد خود
١٤ نکاه دارم تا بعوض تو مرا در زنجیرهای انجیل خدمت کند * امّا نخواستم کاری
بدون رای تو کرده باشم تا احسان تو از راه اضطرار نباشد بلکه از روی اختیار *
١٥ ١٦ زیراکه شاید بدینجهة ساعتی ازتو جدا شد تا اورا تا بأبد دریابی * لیکن بعد
ازاین نه چون غلام بلکه فوق ازغلام یعنی برادر عزیز خصوصًا بمن امّا چند
١٧ مرتبه زیادتر بتو هم درجسم وهم درخداوند * پس هرکاه مرا رفیق میدانی اورا
١٨ چون من قبول فرما * امّا اکر ضرری بتو رسانیده باشد یا طلبی ازاو داشته
١٩ باشی آنرا برمن محسوب دار * من که پولس هستم بدست خود مینویسم خود ادا

۲۰ خواهم کرد تا بتو نگویم که بجان خود نیز مدیون من هستی* بلی ای برادر تا من
۲۱ از تو در خداوند برخوردار شوم پس جان مرا در مسیح تازگی بده* چون
براطاعت تو اعتماد دارم بتو مینویسم از آنجهة که میدانم بیشتر از آنچه میگویم هم
۲۲ خواهی کرد* معهذا منزلی نیز برای من حاضر کن زیراکه امیدوارم از دعاهای
۲۳ شما بشما بخشیده شوم* اَپِفْراس که در مسیح عیسی همزندان من است ومرقُس*
۲۴ ۲۵ واَرِسْتَرْخُس ودیماس ولوقا همکاران من ترا سلام میرسانند* فیض خداوند ما
عیسی مسیح با روح شما باد آمین*

رساله بعبرانیان

باب اوّل

۱ خدا که درزمان سلف به اقسام متعدّد وطریقهای مختلف بوساطت انبیاء
۲ بپدران ما تکلّم نمود* دراین ایّامِ آخر بما بوساطت پسرخود متکلّم شد که اورا
۳ وارث جمیع موجودات قرار داد وبوسیلهٔ او عالمهارا آفرید* که فروغ جلالش
وخاتم جوهرش بوده وبکلمهٔ قوّت خود حامل همهٔ موجودات بوده چون طهارت
٤ کناهانرا به اتمام رسانید بدست راست کبریاء دراعلی علیّین بنشست* واز فرشتکان
٥ افضال کردید بمقدار آنکه اسمی بزرکتر از ایشان بمیراث یافته بود* زیرا بکدام
یك ازفرشتکان هرکز کفت که تو پسرمن هستی من امروز ترا تولید نمودم وایضًا
٦ من اورا پدرخواهم بود واو پسر من خواهد بود* وهنکامیکه نخستزاده‌را باز
۷ بجهان میاوَرَد میکوید که جمیع فرشتکان خدا اورا پرستش کنند* ودرحقّ
فرشتکان میکوید که فرشتکان خودرا بادها میکرداند وخادمان خودرا شعلهٔ آتش*
۸ امّا درحقّ پسر ای خدا تخت تو تا ابدالآباد است وعصای ملکوت تو عصای راستی
۹ است* عدالترا دوست وشرارترا دشمن میداری بنابرین خدا خدای تو ترا
۱۰ بروغن شادمانی بیشتر ازرفقایت مسح کرده است* و (نیزمیکوید) تو ای خداوند
۱۱ درابتداء زمینرا بنا کردی وافلاك مصنوع دستهای تست* آنها فانی لکن تو باقی
۱۲ هستی وجمیع آنها چون جامه مندرس خواهد شد* ومثل ردا آنهارا خواهی
۱۳ پیچید وتغییرخواهند یافت لکن تو همان هستی وسالهای تو تمام نخواهد شد* وبکدام
یك ازفرشتکان هرکز کفت بنشین بدست راست من تا دشمنان ترا پای انداز
١٤ تو سازم* آیا همکیٔ ایشان روحهای خدمتکذار نیستند که برای خدمت آنانیکه
وارث نجات خواهند شد فرستاده میشوند*

باب دوّم

۱ لهذا لازمست که بدقّت بلیغ تر آنچه‌را شنیدیم کوش دهیم مبادا که ازآن ربوده
۲ شویم * زیرا هرگاه کلامیکه بوساطت فرشتگان گفته شد برقرار گردید بقسمیکه
۳ هر تجاوز وتغافلیرا جزای عادل میرسید * پس ما چگونه رستکار گردیم اگر
ازچنین نجاتی عظیم غافل باشیم که درابتداء تکلّم بان ازخداوند بود وبعد کسانیکه
۴ شنیدند برما ثابت گردانیدند * درحالتیکه خدا نیز با ایشان شهادت میداد
بآیات ومعجزات وانواع قوّات وعطایای روح القدس برجسب ارادهٔ خود *
۵ ۶ زیرا عالم آیندهٔرا که ذکر آنرا میکنیم مطیع فرشتگان نساخت * لکن کسی درموضعی
شهادت داده گفت چیست انسان که اورا بخاطر آوری یا پسرِ انسان که ازاو
۷ تفقد نمائی * اورا ازفرشتگان اندکی پستتر قرار دادی وتاج جلال واکرامرا برسر
۸ او نهادی واورا براعمال دستهای خود گماشتی * همه چیزرا زیر پایهای او نهادی
پس چون همه چیزرا مطیع او گردانید هیچ چیزرا نگذاشت که مطیع او نباشد
۹ لکن الآن هنوز نمیبینیم که همه چیز مطیع وی شده باشد * امّا اورا که اندکی
ازفرشتگان کمتر شد میبینیم یعنی عیسی را که بزحمت موت تاج جلال واکرام
۱۰ برسروی نهاده شد تا بفیض خدا برای همه ذائقهٔ موترا بچشد * زیرا اورا که
بخاطر وی همه وازوی همه چیز میباشد چون فرزندان بسیاررا وارد جلال
۱۱ میگرداند شایسته بود که رئیسِ نجات ایشانرا به دردها کامل گرداند * زانرو که
چون مقدّس کننده ومقدّسان همه ازیك میباشند ازاینجهة عار ندارد که ایشانرا
۱۲ برادر بخواند * چنانکه میگوید اسم ترا ببرادران خود اعلام میکنم ودرمیان
۱۳ کلیسا ترا تسبیح خواهم خواند * وایضًا من بروی توکّل خواهم نمود ونیز اینك
۱۴ من وفرزندانیکه خدا بمن عطا فرمود * پس چون فرزندان درخون وجسم
شراکت دارند او نیز همچنان دراین هردو شریك شد تا بوساطت موت صاحب
۱۵ قدرت موت یعنی ابلیسرا تباه سازد * وآنانیرا که ازترس موت تمام عمر خود
۱۶ گرفتار بندگی میبودند آزاد گرداند * زیرا که درحقیقت فرشتگانرا دستگیری
۱۷ نمینماید بلکه نسل ابراهیمرا دستگیری مینماید * ازاینجهة میبایست درهر امری

مشابه برادران خود شود تا در امور خدا رئیس کَهَنَهٔ کریم وامین شده کفّارهٔ کناهان
۱۸ قومرا بکند* زیرا که چون خود عذاب کشیده تجربه دید استطاعت دارد که
تجربه شدکانرا اعانت فرماید*

باب سوّم

۱ بنابرین ای برادران مقدّس که دردعوت سماوی شریك هستید در رسول
۲ ورئیس کَهَنَهٔ اعتراف ما یعنی عیسی تأمّل کنید* که نزد او که ویرا معیّن فرمود
۳ امین بود چنانکه موسی نیز درتمام خانهٔ او بود* زیراکه این شخص لایق اکرامی
بیشتر ازموسی شمرده شد بآن اندازهٔ که سازندهٔ خانه‌را حرمت بیشتر ازخانه است*
۴ ۵ زیرا هرخانهٔ بدست کسی بنا میشود لکن بانیٔ همه خداست* وموسی مثل خادم
درتمام خانهٔ او امین بود تا شهادت دهد برچیزهائیکه میبایست بعد کفته شود*
۶ وامّا مسیح مثل پسر برخانهٔ او* وخانهٔ او ماهستیم بشرطیکه تا به‌انتهاء بدلیری وفخر امید
۷ خود متمسّك باشیم* پس چنانکه روح القدس میکوید امروز اکر آواز اورا بشنوید*
۸ دل خودرا سخت مسازید چنانکه دروقت حنبش دادن خشم او در روز امتحان
۹ دربیابان* جائیکه پدران شما مرا امتحان وآزمایش کردند واعمال مرا تا مدّت
۱۰ چهل سال میدیدند* از اینجهة بآن کروه خشم کرفته کفتم ایشان پیوسته در
۱۱ دلهای خُود کمراه هستند وراههای مرا نشناختند* تا درخشم خود قسم خوردم که
۱۲ بآرامیٔ من داخل نخواهند شد* ای برادران با حذر باشید مبادا دریکی ازشما
۱۳ دل شریر وبی ایمان باشد که ازخدای حیّ مرتدّ شوید* بلکه هر روزه همدیکررا
نصیحت کنید مادامیکه امروز خوانده میشود مبادا احدی ازشما بفریب کناه سخت
۱۴ دل کردد* ازآنرو که درمسیح شریك کشته‌ایم اکر به ابتدای اعتماد خود تا به انتهاء
۱۵ سخت متمسّك شویم* چونکه کفته میشود امروز اکر آواز اورا بشنوید دل خودرا
۱۶ سخت مسازید چنانکه دروقت جنبش دادن خشم او* پس کِه بودند که شنیدند
وخشم اورا جنبش دادند* آیا تمام آن کروه نبودند که بواسطهٔ موسی ازمصر بیرون
۱۷ آمدند* وبه کِه تا مدّت چهل سال خشمکین میبود آیا نه بآن عاصیانیکه بدنهای
۱۸ ایشان درصحرا ریخته شد* ودربارهٔ کِه قسم خورد که بآرامیٔ من داخل نخواهند شد مکر
۱۹ آنانیرا که اطاعت نکردند* پس دانستیم که بسبب بی ایمانی نتوانستند داخل شوند*

باب چهارم

١ پس بترسیم مبادا با آنکه وعدهٔ دخول درآرامیٔ وی باقی میباشد ظاهر شود که
٢ احدی ازشما قاصر شده باشد* زیراکه بما نیز بمثال ایشان بشارت داده شد لکن
کلامیکه شنیدند بدیشان نفع نبخشید ازاینرو که با شنوندکان به ایمان متّحد نشدند*
٣ زیرا ما که ایمان آوردیم داخل آن آرامی میکردیم چنانکه کفته است درخشم خود
قسم خوردم که بآرامیٔ من داخل نخواهند شد وحال آنکه اعمال او ازآفرینش
٤ عالم به اتمام رسیده بود* ودر مقامی دربارهٔ روز هفتم کفت که درروز هفتم خدا
٥ ازجمیع اعمال خود آرامی کرفت* وباز دراین مقام که به آرامیٔ من داخل نخواهند
٦ شد* پس چون باقی است که بعضی داخل آن بشوند وآنانیکه پیش بشارت
٧ یافتند بسبب نافرمانی داخل نشدند* باز روزی معیّن میفرماید چونکه بزبان
داود بعد ازمدّت مدیدی امروز کفت چنانکه پیش مذکور شد که امروز اکر
٨ آوازاورا بشنوید دل خودرا سخت مسازید* زیرا اکر یوشع ایشانرا آرامی داده
٩ بود بعد ازآن دیکررا ذکر نمیکرد* پس برای قوم خدا آرامیٔ سبت باقی میماند*
١٠ زیرا هرکه داخل آرامیٔ او شد او نیز ازاعمال خود بیارامید چنانکه خدا ازاعمال
١١ خویش* پس جدّ وجهد بکنیم تا بآن آرامی داخل شویم مبادا کسی درآن نافرمانیٔ
١٢ عبرت آمیز بیفتد* زیرا کلام خدا زنده ومقتدر وبرنده تراست ازهر شمشیر دودَم
وفرو رونده تا جدا کند نَفْس وروح ومفاصل ومغزرا وممیّز افکار ونیّتهای قلب
١٣ است* وهیچ خلقت ازنظر او مخفی نیست بلکه همه چیز درچشمان او که کار ما
١٤ با وی است برهنه ومنکشف میباشد* پس چون رئیس کَهَنَهٔ عظیمی
داریم که ازآسمانها درکذشته است یعنی عیسی پسر خدا اعتراف خودرا محکم بداریم*
١٥ زیرا رئیس کَهَنَهٔ نداریم که نتواند همدرد ضعفهای ما بشود بلکه آزموده شدهٔ درهر
١٦ چیز بمثال ما بدون کناه* پس با دلیری نزدیك بتخت فیض بیائیم تا رحمت بیابیم
وفیضیرا حاصل کنیم که دروقت ضرورت (مارا) اعانت کند*

باب پنجم.

١ زیراکه هر رئیس کَهَنَه ازمیان آدمیان کرفته شده برای آدمیان مقرّر میشود

۲ درامور الهی تا هدایا وقربانیها برای کناهان بکذراند * که با جاهلان وکمراهان
۳ میتواند ملایمت کند چونکه او نیز در کمزوری کرفته شده است * وبسبب این
کمزوری اورا لازمست چنانکه برای قوم همچنین برای خویشتن نیز قربانی برای
٤ کناهان بکذراند * وکسی این مرتبه‌را برای خود نمیکیرد مکر وقتیکه خدا اورا
٥ بخواند چنانکه هارونرا * وهمچنین مسیح نیز خودرا جلال نداد که رئیس کَهَنَه
٦ بشود بلکه اوکه بوی کفت تو پسر من هستی • من امروز ترا تولید نمودم * چنانکه
۷ درمقام دیکر نیز میکوید تو تا بأبد کاهن هستی بر رتبهٔ ملْکیصِدِق * واو درایّام
بشریّت خود چونکه با فریاد شدید واشکها نزد اوکه برهانیدنش ازموت قادر
۸ بود تضرّع ودعای بسیار کرد وبسبب تقوای خویش مستجاب کردید * هرچند
۹ پسر بود بمصیبتهائیکه کشید اطاعترا آموخت * وکامل شده جمیع مطیعان خودرا
۱۰ سبب نجات جاودانی کشت * وخدا اورا برئیس کَهَنَه مخاطب ساخت برتبهٔ
۱۱ ملْکیصِدِق * که دربارهٔ او مارا سخنان بسیار است که شرح آنها مشکل
۱۲ میباشد چونکه کوشهای شما سنکین شده است * زیراکه هرچند با اینطول زمان
شمارا میباید معلّمان باشید باز محتاجید که کسی اصول ومبادئ الهامات خدارا
۱۳ بشما بیاموزد ومحتاج شیر شدید نه غذای قویّ * زیرا هرکه شیرخواره باشد
١٤ درکلام عدالت ناآزموده است چونکه طفل است * امّا غذای قویّ ازآنِ بالغان
است که حواسّ خودرا بموجب عادت ریاضت داده‌اند تا تمیز نیك وبدرا بکنند *

باب ششم

۱ بنابرین ازکلام ابتدای مسیح درکذشته بسوی کمال سبقت بجوئیم وبار دیکر بنیاد
۲ توبه ازاعمال مرده وایمان بخدا ننهیم * وتعلیم تعمیدها ونهادن دستها وقیامت
۳ مردکان وداورئ جاودانی‌را * واینرا بجا خواهیم آورد هرکاه خدا اجازت دهد *
٤ زیرا آنانیکه یکبار منوّر کشتند ولذّت عطای سماویرا چشیدند وشریك روح القدس
٥ ٦ کردیدند * ولذّت کلام نیکوی خدا وقوّات عالم آینده را چشیدند * اکر بیفتند
محال است که ایشانرا باردیکر برای توبه تازه سازند درحالتیکه پسر خدارا برای
۷ خود باز مصلوب میکنند واورا بیحرمت میسازند * زیرا زمینیکه بارانیرا که بارها

برآن میافتد میخورد ونباتات نیکو برای فلّاحان خود میرویاند ازخدا برکت
۸ مییابد* لکن اکر خار وخسك میرویاند متروك وقرین بلعنت ودرآخر سوخته
۹ میشود* امّا ای عزیزان درحقّ شما چیزهای بهتر وقرین نجاترا یقین میداریم
۱۰ هرچند بدینطور سخن میکوئیم* زیرا خدا بی انصاف نیست که عمل شما وآن
محبّترا که باسم او ازخدمت مقدّسین که درآن مشغول بوده وهستید ظاهر کردهاید
۱۱ فراموش کند* لکن آرزوی این داریم که هریك ازشما همین جدّ وجهدرا برای
۱۲ یقین کامل امید تا به انتهاء ظاهر نمائید* وکاهل مشوید بلکه اقتداء کنید آنانیرا
۱۳ که به ایمان وصبر وارث وعدهها میباشند* زیرا وقتیکه خدا به ابراهیم وعده داد
۱۴ چون ببزرکتر ازخود قسم نتوانست خورد بخود قسم خورده کفت* هرآینه من
۱۵ ترا برکت عظیمی خواهم داد وترا بینهایت کثیر خواهم کردانید* وهمچنین چون
۱٦ صبر کرد آن وعدهرا یافت* زیرا مردم بآنکه بزرکتر است قسم میخورند ونهایت
۱۷ هرمخاصمهٔ ایشان قسم است تا اثبات شود* ازاینرو چون خدا خواست که عدم
تغییر ارادهٔ خودرا بوارثان وعده بتأکید بیشمار ظاهر سازد قسم درمیان آورد*
۱۸ تا به دو امر بی تغییر که ممکن نیست خدا درآنها دروغ کوید تسلّئ قویّ حاصل
شود برای ما که پناه بردیم تا بآن امیدیکه درپیش ما کذارده شده است تمسّك
۱۹ جوئیم* وآنرا مثل لنکری برای جان خود ثابت وپایدار داریم که دردرون
۲۰ حجاب داخل شده است* جائیکه آن پیشرو برای ما داخل شد یعنی عیسی که
بر رتبهٔ ملکیصدِق رئیس کَهَنه کردید تا ابدالآباد*

باب هفتم

۱ زیرا این ملکیصدِق پادشاه سالیم وکاهن خدای تعالی هنکامیکه ابراهیم ازشکست
۲ دادن ملوك مراجعت میکرد اورا استقبال کرده بدو برکت داد* وابراهیم نیز
ازهمهٔ چیزها دهیك بدو داد که او اوّل ترجمه شده پادشاه عدالت است وبعد
۳ ملك سالیم نیز یعنی پادشاه سلامتی* بی پدر وبیمادر وبینسب نامه وبدون ابتدای
٤ ایّام وانتهای حیات بلکه بشبیه پسر خدا شده کاهن دائمی میماند* پس ملاحظه
کنید که اینشخص چه قدر بزرك بود که ابراهیم پاتریارخ نیز از بهترین غنایم دهیك

۵ بدو داد* واما ازاولاد لاوی کسانیکه کهانترا مییابند حکم دارند که ازقوم
بحسب شریعت دهیك بگیرند یعنی ازبرادران خود با آنکه ایشان نیز ازصلب
۶ ابراهیم پدید آمدند* لکن آنکس که نسبتی بدیشان نداشت ازابراهیم دهیك
۷ گرفته وصاحب وعدهارا برکت داده است* وبدون هرشبه کوچك ازبزرك
۸ برکت داده میشود* ودر اینجا مردمان مردانی دهیك میگیرند اما درآنجا کسیکه
۹ برزنده بودن وی شهادت داده میشود* حتی آنکه گویا میتوان گفت که بوساطت
۱۰ ابراهیم ازهمان لاوی که دهیك میگیرد دهیك گرفته شد* زیراکه هنوز درصلب
۱۱ پدرخود بود هنگامیکه ملکیصدق اورا استقبال کرد* ودیگر اگر از
کهانت لاوی کمال حاصل میشد (زیرا قوم شریعترا برآن یافتند) بازچه احتیاج
میبود که کاهنی دیگر بررتبهٔ ملکیصدق مبعوث شود ومذکور شود که بررتبهٔ
۱۲ هارون نیست* زیرا هرگاه کهانت تغییر مپذیرد البته شریعت نیز تبدیل مییابد*
۱۳ زیرا اوکه اینسخنان درحق وی گفته میشود ازسبط دیگر ظاهر شده است که احدی
۱۴ ازآن خدمت قربانگاه‌را نکرده است* زیرا واضح است که خداوند ما ازسبط
۱۵ یهودا طلوع فرمود که موسی درحق آنسبط ازجهة کهانت هیچ نگفت* ونیز
۱۶ بیشتر مبین است ازاینکه بمثال ملکیصدق کاهنی بطور دیگر باید ظهور نماید* که
۱۷ بشریعت واحکام جسمی مبعوث نشود بلکه بقوت حیات غیرفانی* زیرا شهادت
۱۸ داده شد که تو تا بأبد کاهن هستی بررتبهٔ ملکیصدق* زیراکه حاصل میشود هم
۱۹ نسخ حکم سابق بعلت ضعف وعدم فایدهٔ آن* (ازآنجهة که شریعت هیچ چیزرا
۲۰ کامل نمیگرداند) وهم برآوردن امید نیکوتر که بآن تقرب بخدا میجوئیم* وبقدر
۲۱ آنکه این بدون قسم نمیباشد* زیرا ایشان بیقسم کاهن شده‌اند ولیکن این با قسم
ازاوکه بوی میگوید خداوند قسم خورد وتغییر اراده نخواهد داد که تو کاهن ابدی
۲۲ هستی بررتبهٔ مَلکیصدق* بهمین قدر نیکوتر است آن عهدیکه عیسی ضامن آن
۲۳ گردید* وایشان کاهنان بسیار میشوند ازجهة آنکه موت ازباقی بودن ایشان
۲۴ ۲۵ مانع است* لکن وی چون تا بأبد باقی است کهانت بیزوال دارد* ازاینجهة
نیز قادر است که آنانیرا که بوسیلهٔ وی نزد خدا آیند نجات بینهایت بخشد چونکه
۲۶ دائما زنده است تا شفاعت ایشانرا بکند* زیراکه مارا چنین رئیس کَهَنه شایسته

است قدّوس و بی آزار و بیعیب و از گناهکاران جدا شده و از آسمانها بلندتر گردیده ☆
۲۷ که هر روز محتاج نباشد بمثال آن رؤسای کَهَنَه که اوّل برای گناهان خود و بعد
برای قوم قربانی بگذراند چونکه اینرا یکبار فقط بجا آورد هنگامیکه خودرا بقربانی
۲۸ گذرانید ☆ ازآنروکه شریعت مردمانیرا که کمزوری دارند کاهن میسازد لکن
کلام قسم که بعد ازشریعت است پسررا که تا ابدالآباد کامل شده است ☆

باب هشتم

۱ پس مقصود عمده ازاینکلام این است که برای ما چنین رئیس کَهَنَهٔ هست که
۲ درآسمانها بدست راست تخت کبریاء نشسته است ☆ که خادم مکان اقدس وآنخیمهٔ
۳ حقیقی است که خداوند آنرا برپا نمود نه انسان ☆ زیرا که هر رئیس کَهَنَه مقرّر
میشود تا هدایا وقربانیها بگذراند وازینجهة واجب است که اورا نیز چیزی باشد
۴ که بگذراند ☆ پس اگر بر زمین میبود کاهن نمیبود چون کسانی هستند که بقانون
۵ شریعت هدایارا میگذرانند ☆ وایشان شبیه وسایهٔ چیزهای آسمانی را خدمت
میکنند چنانکه موسی ملهم شد هنگامیکه عازم بود که خیمه‌را بسازد زیرا بدو میگوید
۶ آگاه باش که همه چیزرا بآن نمونهٔ که درکوه بتو نشان داده شد بسازی ☆ لکن
الآن او خدمت نیکوتر یافته است بمقداریکه متُوَسِّط عهد نیکوتر نیز هست که بر
۷ وعده‌های نیکوتر مرتّب است ☆ زیرا اگر آن اوّل بیعیب میبود جائی برای
۸ دیگری طلب نمیشد ☆ چنانکه ایشانرا ملامت کرده میگوید خداوند میگوید اینك
ایّامی میآید که با خاندان اسرائیل وخاندان یهودا عهدی تازه استوار خواهم نمود ☆
۹ نه مثل آن عهدیکه با پدران ایشان بستم درروزیکه من ایشانرا دستگیری نمودم تا از
زمین مصر برآوردم زیرا که ایشان درعهد من ثابت نماندند پس خداوند میگوید
۱۰ من ایشانرا واگذاردم ☆ وخداوند میگوید این است آن عهدیکه بعد ازآن ایّام با
خاندان اسرائیل استوار خواهم داشت که احکام خودرا درخاطر ایشان خواهم
نهاد و بر دل ایشان مرقوم خواهم داشت وایشانرا خدا خواهم بود وایشان مرا قوم
۱۱ خواهند بود ☆ ودیگر کسی همسایه و برادر خودرا تعلیم نخواهد داد ونخواهد
۱۲ گفت خداوندرا بشناس زیرا که همه ازخورد وبزرك مرا خواهند شناخت ☆ زیرا

۱۲ برتقصیرهای ایشان ترحم خواهم فرمود وکناهانشانرا دیکر بیاد نخواهم آورد* پس
چون تازه کفت اولرا کهنه ساخت وآنچه کهنه وپیر شده است مشرف برزوال است*

باب نهم

۱ خلاصه آن عهد اول را نیز فرایض خدمت وقدس دنیوی بود* زیرا خیمهٔ
۲ اول نصب شد که درآن بود چراغدان ومیز ونان تقدمه وآن بقدس مسمی
۳ کردید* ودرپشت پردهٔ دوم بود آن خیمهٔ که بقدس الاقداس مسمی است*
۴ که درآن بود مجمرهٔ زرین وتابوت شهادت که همهٔ اطرافش بطلا آراسته بود ودر
آن بود حقهٔ طلا که پرازمن بود وعصای هارون که شکوفه آورده بود ودو لوح
۵ عهد* وبرزبر آن کروبیان جلال که برتخت رحمت سایه کستر میبودند واکنون
۶ جای تفصیل انها نیست* پس چون این چیزها بدینطور آراسته شد کهنه بجهة
۷ ادای لوازم خدمت پیوسته بخیمهٔ اول درمیآیند* لکن دردوم سالی یکمرتبه
رئیس کهنه تنها داخل میشود وآن هم نه بدون خونیکه برای خود وبرای جهالات
۸ قوم میکذراند* که باین همه روح القدس اشاره مینماید براینکه مادامیکه خیمهٔ
۹ اول برپاست راه مکان اقدس ظاهر نمیشود* واین مثلی است برای زمان حاضر
که بحسب آن هدایا وقربانیهارا میکذرانند که قوت ندارد که عبادت کنندهرا
۱۰ ازجهة ضمیر کامل کرداند* چونکه اینها با چیزهای خوردنی وآشامیدنی وطهارات
۱۱ مختلفه فقط فرایض جسدی است که تا زمان اصلاح مقرر شده است* لیکن
مسیح چون ظاهر شد تا رئیس کهنهٔ نعمتهای آینده باشد بخیمهٔ بزرکتر وکاملتر ونا
۱۲ ساخته شدهٔ بدست یعنی که ازاین خلقت نیست* ونه بخون بزها وکوسالها بلکه
۱۳ بخون خود یکمرتبه فقط بمکان اقدس داخل شد وفدیهٔ ابدیرا یافت* زیرا هرکاه
خون بزها وکاوان وخاکستر کوساله چون برآلودکان پاشیده میشود تا بطهارت
۱۴ جسمی مقدس میسازد* پس آیا چند مرتبه زیاده خون مسیح که بروح ازلی
خویشتنرا بیعیب بخدا کذرانید ضمیر شمارا ازاعمال مرده طاهر نخواهد ساخت تا
۱۵ خدای زندهرا خدمت نمائید* وازاینجهة اومتوسط عهد تازه ایست تاچون موت
برای کفارهٔ تقصیرات عهد اول بوقوع آمد خوانده شدکان وعدهٔ میراث ابدیرا

۱٦ بیابند* زیرا درهر جائیکه وصیتی است لابدّ است که موتِ وصیّت کننده‌را تصوّر
۱۷ کنند* زیراکه وصیّت بعد ازموت ثابت میشود• زیرا مادامیکه وصیّت کننده
۱۸ زنده است استحکامی ندارد* واز اینرو آن اوّل نیز بدون خون برقرار نشد*
۱۹ زیراکه چون موسی تمامیٔ احکامرا بحسب شریعت بسمع قوم رسانید خون کوساله‌ها
وبزهارا با آب وپشم قرمز و زوفا کرفته آنرا برخود کتاب وتمامیٔ قوم پاشید*
۲۰ ۲۱ وکفت این است خون آنعهدیکه خدا با شما قرار داد* وهمچنین خیمه وجمیع
۲۲ آلات خدمترا نیز بخون بیالود* وبحسب شریعت تقریباً همه چیز بخون طاهر میشود
۲۳ وبدون ریختن خون آمرزش نیست* پس لازم بود که مَثَلْهای چیزهای سماوی
به اینها طاهر شود لکن خودِ سماویّات بقربانیهای نیکوتر ازاینها* زیرا مسیح بقدسِ
۲٤ ساخته شدهٔ بدست داخل نشد که مثال مکان حقیقی است بلکه بخود آسمان تا
آنکه الآن درحضور خدا بجهة ما ظاهرشود* ونه آنکه جان خودرا بارها
۲٥ قربانی کند مانند آن رئیس کَهَنَه که هرسال با خون دیکری بمکان اقدس داخل
۲٦ میشود* زیرا دراین صورت میبایست که او ازبنیاد عالم بارها زحمت کشیده باشد
۲۷ لکن الآن یکمرتبه دراواخر عالم ظاهر شد تا بقربانیٔ خودکناهرا محو سازد* وچنانکه
۲۸ مردمرا یك بار مردن وبعد ازآن جزا یافتن مقرّر است* همچنین مسیح نیز چون
یکبار قربانی شد تا کناهان بسیاریرا رفع نماید بار دیکر بدون کناه برای کسانیکه
منتظر او میباشند ظاهر خواهد شد بجهة نجات*

باب دهم

۱ زیرا که چون شریعترا سایهٔ نعمتهای آینده است نه نفس صورت آن چیزها آن
هرکز نمیتواند هرسال بهمان قربانیهائیکه پیوسته میکذرانند تقرّب جویندکان را
۲ کامل کرداند* والاّ آیا کذرانیدن آنها موقوف نمیشد چونکه عبادت کنندکان
۳ بعد ازآنکه یکبار پاك شدند دیکر حِسّ کناهانرا درضمیر نمیداشتند* بلکه دراینها
٤ هرسال یادکاریٔ کناهان میشود* زیرا محال است که خون کاوها وبزها رفع
٥ کناهانرا بکند* لهذا هنکامیکه داخل جهان میشود میکوید قربانی وهدیه‌را
٦ نخواستی لکن جسدی برای من مهیّا ساختی* بقربانیهای سوختنی وقربانیهای کناه

۷ رغبت نداشتی * آنگاه گفتم اینك میآیم (درطومار کتاب درحقّ من مکتوب است)
۸ تا ارادهٔ ترا ایخدا بجا آورم * چون پیش میگوید هدایا وقربانیها وقربانیهای
سوختنی وقربانیهای گناهرا نخواستی وبآنها رغبت نداشتی که آنهارا بحسب شریعت
۹ میگذرانند * بعد گفت که اینك میآیم تا ارادهٔ ترا ایخدا بجا آورم پس اوّلرا
۱۰ برمیدارد تا دوّمرا استوار سازد * وباین اراده مقدّس شدهایم بقربانیٔ جسد عیسی
۱۱ مسیح یکمرتبه فقط * وهرکاهن هرروزه بخدمت مشغول بوده میایستد وهمان
۱۲ قربانیهارا مکرّرًا میگذراند که هرگز رفع گناهان را نمیتواند کرد * لکن او چون
۱۳ یك قربانی برای گناهان گذرانید بدست راست خدا بنشست تا ابدالآباد * وبعد
۱۴ ازآن منتظر است تا دشمنانش پای انداز او شوند * ازآنروکه بیك قربانی مقدّسانرا
۱۵ کامل گردانیده است تا ابدالآباد * وروح القدس نیز برای ما شهادت میدهد زیرا
۱۶ بعد ازآنکه گفته بود * این است آنعهدیکه بعد از آن ایّام با ایشان خواهم بست
خداوند میگوید احکام خودرا دردلهای ایشان خواهم نهاد وبرذهن ایشان
۱۷ مرقوم خواهم داشت * (باز میگوید) وگناهان وخطایای ایشانرا دیگر بیاد نخواهم
۱۸ آورد * امّا جائیکه آمرزش اینها هست دیگر قربانیٔ گناهان نیست *
۱۹ پس ای برادران چونکه بخون عیسی دلیری داریم تا بمکان اقدس داخل شویم *
۲۰ ازطریق تازه وزنده که آنرا بجهة ما ازمیان پرده یعنی جسم خود مهیّا نموده است *
۲۱ ۲۲ وکاهنی بزرك را برخانهٔ خدا داریم * پس بدل راست دریقین ایمان دلهای خودرا
۲۳ ازضمیر بد پاشیده وبدنهای خودرا بآب پاك غسل داده نزدیك بیائیم * واعتراف
۲۴ امیدرا محکم نگاه داریم زیرا که وعده دهنده امین است * وملاحظهٔ یکدیگررا بنمائیم
تا بمحبّت واعمال نیکو ترغیب نمائیم * واز باهم آمدن درجماعت غافل نشویم چنانکه
۲۵ بعضیرا عادت است بلکه یکدیگررا نصیحت کنیم وزیادتر بهاندازهٔ که میبینید که
۲۶ آنروز نزدیك میشود * زیرا که بعد ازپذیرفتن معرفت راستی اگر عمداً گناهکار
۲۷ شویم دیگر قربانیٔ گناهان باقی نیست * بلکه انتظار هولناك عذاب وغیرت آتشی که
۲۸ مخالفانرا فرو خواهد برد * هرکه شریعت موسیرا خوار شمرد بدون رحم بدو یا سه
۲۹ شاهد کشته میشود * پس بچه مقدار گمان میکنید که آنکس مستحقّ عقوبت سختتر
شمرده خواهد شد که پسر خدارا پایمال کرد وخون عهدیرا که بآن مقدّس گردانیده

٣٠ شد ناپاك شمرد وروح نعمترا بیحرمت كرد * زیرا میشناسیم اورا كه كفته است خداوند
میكوید انتقام ازآنِ من است. من مكافات خواهم داد وایضاً خداوند قوم خودرا
٣١ ٣٢ داوری خواهد نمود * افتادن بدستهای خدای زنده چیزی هولناك است * ولیكن
ایّام سلفرا بیاد آورید كه بعد ازآنكه منوّر كردیدید متحمّل مجاهدهٔ عظیم ازدردها
٣٣ شدید * چه ازاینكه ازدشنامها وزحمات تماشای مردم میشدید وچه ازآنكه شریك
٣٤ باكسانی میبودید كه درچنین چیزها بسر میبردند * زیراكه با اسیران نیز هم درد
میبودید وتاراج اموال خودرا نیز بخوشی میپذیرفتید چون دانستید كه خود شمارا
٣٥ درآسمان مال نیكوتر وباقی است * پس ترك مكنید دلیریٔ خودرا كه مقرون بمجازات
٣٦ عظیم میباشد * زیراكه شمارا صبر لازمست تا ارادهٔ خدارا بجا آورده وعدهرا
٣٧ ٣٨ بیابید * زیراكه بعد ازاندك زمانی آن آینده خواهد آمد وتأخیر نخواهد نمود * لكن
عادل بهایمان زیست خواهد نمود واكر مرتدّ شود نفس من باوی خوش نخواهد شد *
٣٩ لكن ما ازمُرتدّان نیستیم تا هلاك شویم بلكه ازایمانداران تا جان خودرا دریابیم *

باب یازدهم

١ پس ایمانْ اعتماد برچیزهای امید داشته شده است وبرهان چیزهای نا دیده *
٢ ٣ زیراكه باین برای قدماء شهادت داده شد * بهایمان فهمیدهایم كه عالمها بكلمهٔ خدا
٤ مرتّب كردید حتّی آنكه چیزهای دیدنی ازچیزهای نادیدنی ساخته شد * بهایمان
هابیل قربانیٔ نیكوتر ازقائن را بخدا كذرانید وبسبب آن شهادت داده شد كه عادل
است بآنكه خدا بهدایای او شهادت میدهد وبسبب همان بعد ازمردن هنوز كوینده
٥ است * به ایمان خنوخ منتقل كشت تا موت را نه بیند ونایاب شد چراكه خدا اورا
منتقل ساخت زیرا قبل از انتقال وی شهادت داده شد كه رضامندیٔ خدارا حاصل
٦ كرد * لیكن بدون ایمان تحصیل رضامندیٔ او محال است زیرا هركه تقرّب بخدا
جوید لازمست كه ایمان آورد براینكه او هست وجویندكان خودرا جزا میدهد *
٧ بهایمان نوح چون دربارهٔ اموریكه تا آن وقت دیده نشده الهام یافته بود خدا ترس شده
كشتیٔ بجهة اهل خانهٔ خود بساخت وبآنْ دنیارا ملزم ساخته وارث آن عدالتیكه ازایمان
٨ است كردید * به ایمان ابراهیم چون خوانده شد اطاعت نمود وبیرون رفت بسمت

۹ آنمکانیکه میبایست بمیراث یابد پس بیرون آمد ونمیدانست بکجا میرود* و به ایمان
درزمین وعده مثل زمین بیکانه غربت پذیرفت ودر خیمه‌ها با اسحق ویعقوب که
۱۰ درمیراث همین وعده شریك بودند مسکن نمود* زانروکه مترقّب شهری با بنیاد بود
۱۱ که معمار وسازندهٔ آن خداست* به‌ایمان خودِ ساره نیز قوّتِ قبول نسل یافت وبعد
۱۲ ازانقضای وقت زائید چونکه وعده دهنده‌را امین دانست* وازاین سبب ازیك
نفروآنهم مرده مثل ستارکان آسمان کثیر ومانند ریکهای کنار دریا بیشمار زائیده شدند*
۱۳ درایمان همهٔ ایشان فوت شدند درحالیکه وعده‌هارا نیافته بودند بلکه آنهارا ازدور
۱٤ دیده تحیّت کفتند واقرار کردند که برروی زمین بیکانه وغریب بودند* زیرا
۱۵ کسانیکه همچنین میکویند ظاهر میسازند که درجستجوی وطنی هستند* واکر جائیرا
که ازآن بیرون آمدند بخاطر میآوردند هرآینه فرصت میداشتند که (بدآنجا)
۱٦ برکردند* لکن الحال مشتاق وطنی نیکوتر یعنی (وطنِ) سماوی هستند واز اینرو
خدا ازایشان عار ندارد که خدای ایشان خوانده شود چونکه برای ایشان شهری
۱۷ مهیّا ساخته است* به ایمان ابراهیم چون امتحان شد اسحق‌را کذرانید وآنکه
۱۸ وعده‌هارا پذیرفته بود پسر یکانهٔ خودرا قربانی میکرد* که باو کفته شده بود که
۱۹ نسل تو به‌اسحق خوانده خواهد شد* چونکه یقین دانست که خدا قادر بربرانکیزانیدن
۲۰ ازاموات است وهمچنین اورا در مَثَلی ازاموات نیز باز یافت* به ایمان اسحق نیز
۲۱ یعقوب وعیسورا درامور آینده برکت داد* به‌ایمان یعقوب دروقت مردن خود هر
۲۲ یکی ازپسران یوسفرا برکت داد وبرسر عصای خود سجده کرد* به‌ایمان یوسف
درحین وفات خود ازخروج بنی اسرائیل اخبار نمود ودر بارهٔ استخوانهای خود
۲۳ وصیّت کرد* به‌ایمان موسی چون متولّد شد والدینش اورا طفلی جمیل یافته سه
۲٤ ماه پنهان کردند وازحکم پادشاه بیم نداشتند* به‌ایمان چون موسی بزرك شد ابا
۲۵ نمود ازاینکه پسر دختر فرعون خوانده شود* وذلیل بودن با قوم خدارا پسندیده‌تر
۲٦ داشت ازآنکه لذّت اندك زمانیٔ کناهرا ببرد* وعار مسیحرا دولتی بزرکتر ازخزائن
۲۷ مصر پنداشت زیراکه بسوی مجازات نظر میداشت* به ایمانْ مصررا ترك کرد واز
۲۸ غضب پادشاه نترسید زیراکه چون آن نادیده‌را بدید استوار ماند* به ایمانْ عید
فصح وپاشیدن خونرا بعمل آورد تا هلاك کنندهٔ نخستزادکان برایشان دست

٢٩ نکذارد ٭ به ایمانْ ازبحر قلزم بخشکی عبور نمودند واهل مصر قصد آن کرده غرق
٣٠ شدند ٭ به ایمانْ حصار اَرِیحا چون هفت روز آنرا طواف کرده بودند بزیر افتاد ٭
٣١ به‌ایمانْ راحاب فاحشه باعاصیان هلاك نشد زیراکه جاسوسانرا بسلامتی پذیرفته بود ٭
٣٢ ودیکر چه کویم زیراکه وقت مرا کفاف نمیدهد که ازجِدْعُون وباراق وشَمْشُون
٣٣ ویَفْتاح وداود وسموئیل وانبیاء اخبار نمایم ٭ که ازایمان تسخیر ممالك کردند وبه‌اعمال
٣٤ صالحه پرداختند ووعده‌هارا پذیرفتند ودهان شیرانرا بستند ٭ سَورت آتشرا
خاموش کردند وازدم شمشیرها رستکار شدند واز ضعف توانائی یافتند ودر جنك
٣٥ شجاع شدند ولشکرهای غرباءرا منهزم ساختند ٭ زنانْ مردکانِ خودرا بقیامتی باز
یافتند لکن دیکران معذّب شدند وخلاصیرا قبول نکردند تا بقیامتِ نیکوتر برسند ٭
٣٦ ٣٧ ودیکران ازاستهزاها وتازیانه‌ها بلکه ازبندها وزندان آزموده شدند ٭ سنکسار
کردیدند وبا ارّه دو پاره کشتند ٭ تجربه کرده شدند وبشمشیر مقتول کشتند ٭ در
٣٨ پوستهای کوسفندان وبزها محتاج ومظلوم وذلیل آواره شدند ٭ آنانیکه جهان لایق
٣٩ ایشان نبود ٭ درصحراها وکوهها ومغاره‌ها وشکافهای زمین پراکنده کشتند ٭ پس
٤٠ جمیع ایشان با اینکه ازایمان شهادت داده شدند وعده‌را نیافتند ٭ زیرا خدا
برای ما چیزی نیکوتر مهیّا کرده است تا آنکه بدون ما کامل نشوند ٭

باب دوازدهم

١ بنابرین چونکه ما نیز چنین ابر شاهدانرا کرداکرد خود داریم هر بار کران
وکناهیرا که مارا سخت میپیچد دور بکنیم وبا صبر درآن میدان که پیش روی ما
٢ مقرّر شده است بدویم ٭ وبسوی پیشوا وکامل کنندهٔ ایمان یعنی عیسی نکران باشیم
که بجهة آن خوشی که پیش او موضوع بود بیحرمتیرا ناچیز شمرده متحمّل صلیب
٣ کردید وبدست راست تخت خدا نشسته است ٭ پس تفکّر کنید دراو که متحمّل
چنین مخالفتی بود که ازکناهکاران باو پدید آمد مبادا درجانهای خود ضعف کرده
٤ ٥ خسته شوید ٭ هنوز درجهادِ با کناه تا بحدّ خون مقاومت نکرده‌اید ٭ ونصیحتیرا
فراموش نموده‌اید که با شما چون با پسران مکالمه میکند که ای پسر من تأدیب
٦ خداوندرا خوار مشمار ووقتیکه ازاو سرزنش یابی خسته خاطر مشو ٭ زیرا هر

کرا خداوند دوست میدارد توبیخ میفرماید وهر فرزندِ مقبول خودرا بتازیانه میزند٭
٧ اکر متحمّل تأدیب شوید خدا با شما مثل با پسران رفتار مینماید زیرا کدام پسر
٨ است که پدرش اورا تأدیب نکند٭ لکن اکر بی‌تأدیب میباشید که همه ازآن
٩ بهره یافتند پس شما حرام زادکانید نه پسران٭ ودیکر پدرانِ جسم خودرا وقتی
داشتیم که مارا تأدیب مینمودند وایشانرا احترام مینمودیم آیا ازطریق اولی پدر
١٠ روحهارا اطاعت نکنیم تا زنده شویم٭ زیراکه ایشان اندك زمانی موافق صوابدید
١١ خود مارا تأدیب کردند لکن او بجهة فایده تا شریك قدّوسیّت او کردیم٭ لکن
هر تأدیب درحالْ نه ازخوشیها بلکه ازدردها مینماید امّا درآخر میوهٔ عدالت
١٢ سلامتیرا برای آنانیکه ازآن ریاضت یافته‌اند بار میآورد٭ لهذا دستهای افتاده
١٣ وزانوهای سُست شده‌را استوار نمائید٭ وبرای پایهای خود راههای راست
١٤ بسازید تا کسیکه لنك باشد ازطریق منحرف نشود بلکه شفا یابد٭ ودرپی سلامتی
١٥ باهمه بکوشید وتقدّسیکه بغیر ازآن هیچ کس خداوندرا نخواهد دید٭ ومترصّد
باشید مبادا کسی ازفیض خدا محروم شود وریشهٔ مرارت نموّ کرده اضطراب بار
١٦ آورد وجمعی ازآن آلوده کردند٭ مبادا شخصی زانی یا بی مبالات پیدا شود مانند
١٧ عیسو که، برای طعامی نخستزادکئ خودرا بفروخت٭ زیرا میدانید که بعد ازآن
نیز وقتیکه خواست وارث برکت شود مردود کردید (زیراکه جای توبه پیدا ننمود)
١٨ با آنکه با اشکها درجستجوی آن بکوشید٭ زیرا تقرّب نجسته‌اید بکوهیکه میتوان
١٩ لمس کرد وبآتش افروخته ونه بتاریکی وظلمت وباد سخت٭ ونه باواز کرّنا وصدای
٢٠ کلامیکه شنوندکان التماس کردند که آن کلامْ دیکر بدیشان کفته نشود٭ زیراکه
متحمّل آن قدغن نتوانستند شد که اکر حیوانی نیز کوهرا لمس کند سنکسار یا بنیزه
٢١ زده شود٭ وآن رؤیت بحدّی ترسناك بود که موسی کفت بغایت ترسان ولرزانم٭
٢٢ بلکه تقرّب جسته‌اید بجبل صَهْیُون وشهر خدای حیّ یعنی اورُشلیم سماوی وبجنود
٢٣ بیشمارهٔ ازمحفل فرشتکان٭ وکلیسای نخستزادکانیکه درآسمان مکتوبند وبخدای
٢٤ داور جمیع وبه ارواح عادلانِ مکمّل٭ وبعیسیٔ مُتَوَسِّطِ عهد جدید وبخون پاشیده
٢٥ شده که متکلّم است بمعنیٔ نیکوتر ازخون هابیل٭ زنهار ازآنکه سخن میکوید رو
مکردانید زیرا اکر آنانیکه ازآنکه برزمین سخن کفت روکردانیدند نجات نیافتند

پس ما چکونه نجات خواهیم یافت اکر ازاو که ازآسمان سخن میکوید روکردانیم *
٢٦ که آواز او درآنوقت زمینرا جنبانید لکن الآن وعده داده است که یکمرتبهٔ دیکر
٢٧ نه فقط زمین بلکه آسمانرا نیز خواهم جنبانید * واین قول او یکمرتبهٔ دیکر اشاره
٢٨ است ازتبدیل چیزهائیکه جنبانیده میشود مثل آنهائیکه ساخته شد تا آنهائیکه
جنبانیده نمیشود باقی ماند * پس چون ملکوتیرا که نمیتوان جنبانید میابیم شکر
٢٩ بجا بیاوریم تا بخشوع وتقوی خدارا عبادت پسندیده نمائیم * زیرا خدای ما آتش
فروبرنده است *

باب سیزدهم

۱ ۲ محبّت برادرانه برقرار باشد * واز غریب نوازی غافل مشوید زیراکه بآن بعضی
۳ نادانسته فرشتکانرا ضیافت کردند * اسیرانرا بخاطر آرید مثل همزندان ایشان
٤ ومظلومانرا چون شما نیز درجسم هستید * نکاح بهر وجه محترم باشد وبسترش
٥ غیرنجس زیراکه فاسقان وزانیانرا خدا داوری خواهد فرمود * سیرت شما ازمحبّتِ
نقره خالی باشد وبآنچه دارید قناعت کنید زیراکه او کفته است ترا هرکز رها نکنم
٦ وترا ترك نخواهم نمود * بنابرین ما با دلیریٔ تمام میکوئیم خداوند مدد کنندهٔ من
٧ است وترسان نخواهم بود. انسان بمن چه میکند * مرشدان خودرا که کلام خدارا
بشما بیان کردند بخاطر دارید وانجام سیرت ایشانرا ملاحظه کرده به ایمان ایشان
٨ ٩ اقتداء نمائید * عیسی مسیحْ دیروز وامروز وتا ابدالآباد همان است * ازتعلیمهای
مختلف وغریب ازجا برده مشوید زیرا بهتر آنستکه دل شما بفیض استوار شود ونه
۱۰ به خوراکهائیکه آنانیکه درآنها سلوك نمودند فائده نیافتند * مذبحی داریم که خدمت
۱۱ کذارانِ آنخیمه اجازت ندارند که ازآن بخورند * زیراکه جسدهای آن حیواناتیکه
رئیس کَهَنَه خون آنهارا به قدس الاقداس برای کناه میبرَد بیرون ازلشکرکاه
۱۲ سوخته میشود * بنابرین عیسی نیز تا قومرا بخون خود تقدیس نماید بیرون دروازه
۱۳ ۱٤ عذاب کشید * لهذا عار اورا برکرفته بیرون ازلشکرکاه بسوی او برویم * زانروکه
۱٥ دراینجا شهری باقی نداریم بلکه آینده‌را طالب هستیم * پس بوسیلهٔ او قربانیٔ تسبیح‌را
۱٦ بخدا بکذرانیم یعنی ثمرهٔ لبهائیرا که باسم او معترف باشند * لکن از نیکوکاری
۱۷ وخیرات غافل مشوید زیرا خدا بهمین قربانیها راضی است * مرشدان خودرا

اطاعت وانقیاد نمائید زیراکه ایشان پاسبانئ جانهای شمارا میکنند چونکه حساب
۱۸ خواهند داد تا آنرا بخوشی نه بناله بجا آورند زیراکه این شمارا مفید نیست * برای
ما دعا کنید زیرا مارا یقین است که ضمیر خالص داریم ومیخواهیم درهرامر رفتار
۱۹ نیکو نمائیم * و بیشتر التماس دارم که چنین کنید تا زودتر بنزد شما باز آورده شوم *
۲۰ پس خدای سلامتی که شبان اعظم کوسفندان یعنی خداوند ما عیسیرا بخون
۲۱ عهد ابدی ازمردکان برخیزانید * شمارا درهر عمل نیکو کامل کرداناد تا ارادهٔ
اورا بجا آورید وآنچه منظور نظر او باشد درشما بعمل آوَرَدْ بوساطت عیسی مسیح
۲۲ که اورا تا ابدالآباد جلال باد آمین * لکن ای برادران ازشما التماس دارم که این
۲۳ کلام نصیحت آمیزرا متحمّل شوید زیرا مختصری نیز بشما نوشته‌ام * بدانید که برادر
ما تیموتاؤس رهائی یافته است واکر زود آید به‌اتّفاق او شمارا ملاقات خواهم نمود *
۲٤ همهٔ مرشدان خود وجمیع مقدّسینرا سلام برسانید وآنانیکه ازایتالیا هستند بشما سلام
۲۵ میرسانند * همکئ شمارا فیض باد آمین *

رسالهٔ یعقوب

باب اوّل

۱ یعقوب که غلامِ خدا وعیسی مسیح خداوند است بدوازده سبط که پراکنده
۲ هستند خوش باشید* ای برادرانِ من وقتیکه در تجربه‌های کوناکون مبتلا شوید
۳ کمال خوشی دانید* چونکه میدانید که امتحان ایمان شما صبررا پیدا میکند*
۴ لکن صبررا عمل تامّ خود باشد تا کامل وتمام شوید ومحتاج هیچ چیز نباشید*
۵ واکر ازشما کسی محتاج بحکمت باشد سؤآل بکند ازخدائیکه هرکسرا بسخاوت
۶ عطا میکند وملامت نمینماید وباو داده خواهد شد* لکن به‌ایمان سؤآل بکند
وهرکز شکّ نکند زیرا هرکه شکّ کند مانند موج دریاست که ازباد رانده ومتلاطم
۷ ۸ میشود* زیرا چنین شخص کمان نبرد که ازخداوند چیزی خواهد یافت* مرد
۹ دو دل درتمام رفتار خود نا پایدار است* لکن برادر مسکین بسرافرازئ خود
۱۰ ۱۱ فخر بنماید* ودولتمند ازمسکنت خود زیرا مثل کُلِ علف درکذر است* ازآنرو
که آفتاب باکرمی طلوع کرده علفرا خشکانید وکُلَش بزیر افتاده حُسن صورتش
زائل شد بهمین طور شخص دولتمند نیز در راههای خود پژمرده خواهد کردید*
۱۲ خوشا بحال کسیکه متحمّل تجربه شود زیراکه چون ازموده شد آن تاج حیاتیرا که
۱۳ خداوند بمحبّان خود وعده فرموده است خواهد یافت* هیچ کس چون درتجربه
افتد نکوید خدا مرا تجربه میکند زیرا خدا هرکز از بدیها تجربه نمیشود واو هیچ
۱۴ کسرا تجربه نمیکند* لکن هرکس درتجربه میافتد وقتیکه شهوت وی اورا
۱۵ میکَشَدْ وفریفته میسازد* پس شهوتْ آبستن شده کناهرا میزاید وکناه به انجام
۱۶ ۱۷ رسیده موترا تولید میکند* ای برادران عزیزِ من کمراه مشوید* هر بخشندکئ
نیکو وهر بخشش کامل ازبالا است ونازل میشود از پدر نورها که نزد او هیچ

۱۸ تبدیل وسایهٔ کردش نیست * او محض ارادهٔ خود مارا بوسیلهٔ کلمهٔ حقّ تولید
۱۹ نمود تا ما چون نوبر مخلوقات او باشیم * بنابرین ای برادران عزیز من هر کس
۲۰ درشنیدن تند ودر کفتن آهسته ودر خشم سُست باشد * زیرا خشم انسان عدالت
۲۱ خدارا بعمل نمیآورد * پس هر نجاست وافزونیٔ شرّرا دور کنید وبا فروتنی کلامِ
۲۲ کاشته شده‌را بپذیرید که قادر است که جانهای شمارا نجات بخشد * لکن
۲۳ کنندکان کلام باشید نه فقط شنوندکان که خودرا فریب میدهند * زیرا اکر کسی
کلامرا بشنود وعمل نکند شخصیرا ماند که صورت طبیعیٔ خودرا در آینه مینکرد *
۲٤ زیرا خودرا نکریست ورفت وفورًا فراموش کرد که چه طور شخصی بود *
۲۵ لکن کسیکه بر شریعتِ کاملِ آزادی چشم دوخت ودر آن ثابت ماند او چون
شنوندهٔ فراموشکار نمیباشد بلکه کنندهٔ عمل پس او در عمل خود مبارك خواهد
۲٦ بود * اکر کسی از شما کمان برد که پرستندهٔ خدا است وعنان زبان خودرا نکشد
۲۷ بلکه دل خودرا فریب دهد پرستش او باطل است * پرستش صاف وبیعیب
نزد خدا وپدر این است که یتیمان وبیوه زنان‌را در مصیبت ایشان تفقّد کنند
وخودرا از آلایش دنیا نکاه دارند *

باب دوّم

۱ ای برادرانِ من ایمان خداوند ما عیسی مسیح ربّ الجلالرا با ظاهر بینی مدارید *
۲ زیرا اکر بکنیسهٔ شما شخصی با انکشتریٔ زرّین ولباس نفیس داخل شود وفقیری
۳ نیز با پوشاك ناپاك درآید * وبصاحب لباس فاخر متوجّه شده کوئید اینجا نیکو
٤ بنشین وبفقیر کوئید تو در آنجا بایست یا زیر پای انداز من بنشین * آیا درخود
٥ متردّد نیستید وداوران خیالات فاسد نشده‌اید * ای برادران عزیز کوش دهید *
آیا خدا فقیران اینجهانرا برنکزیده است تا دولتمند درایمان ووارث آن ملکوتی
٦ که بمحبّان خود وعده فرموده است بشوند * لکن شما فقیررا حقیر شمرده‌اید آیا
۷ دولتمندان برشما ستم نمیکنند وشمارا در محکمه‌ها نمیکشند * آیا ایشان بآن نام نیکو
۸ که برشما نهاده شده است کفر نمیکویند * امّا اکر آنشریعت ملوکانه‌را برحسب
۹ کتاب بجا آورید یعنی همسایهٔ خودرا مثل نفس خود محبّت نما نیکو میکنید * لکن

۱۰ اکر ظاهر بینی کنید کناه میکنید وشریعت شمارا بخطاکاری ملزم میسازد* زیرا
۱۱ هرکه تمام شریعترا نکاه دارد ودر یك جزو بلغزد ملزم همه میباشد* زیرا او که
کفت زنا مکن نیز کفت قتل مکن پس هرچند زنا نکنی اکر قتل کردی از شریعت
۱۲ تجاوز نمودی* همچنین سخن کوئید وعمل نمائید مانند کسانیکه برایشان داوری
۱۳ بشریعت آزادی خواهد شد* زیرا آن داوری بیرحم خواهد بود برکسیکه رحم
۱۴ نکرده است ورحم برداوری مفتخر میشود* ای برادران من چه سود دارد
اکر کسی کوید ایمان دارم وقتیکه عمل ندارد آیا ایمان میتواند اورا نجات بخشد*
۱۵ ۱۶ پس اکر برادری یا خواهری برهنه ومحتاج خوراك روزینه باشد* وکسی از شما
بدیشان کوید بسلامتی بروید وکرم وسیر شوید لیکن مایحتاج بدنرا بدیشان ندهد
۱۷ ۱۸ چه نفع دارد* همچنین ایمان نیز اکر اعمال ندارد درخود مرده است* بلکه
کسی خواهد کفت تو ایمان داری ومن اعمال دارم• ایمان خودرا بدون اعمال بمن
۱۹ بنما ومن ایمان خودرا ازاعمال خود بتو خواهم نمود* تو ایمان داری که خدا واحد
۲۰ است• نیکو میکنی شیاطین نیز ایمان دارند ومیلرزند* ولیکن ای مرد باطل آیا
۲۱ میخواهی دانست که ایمان بدون اعمال باطل است* آیا پدر ما ابراهیم به اعمال
۲۲ عادل شمرده نشد وقتیکه پسر خود اسحقرا بقربانکاه کذرانید* میبینی که ایمان
۲۳ با اعمال او عمل کرد وایمان از اعمال کامل کردید* وآن نوشته تمام کشت که
میکوید ابراهیم بخدا ایمان آورد وبرای او به عدالت محسوب کردید ودوست خدا
۲۴ نامیده شد* پس میبینید که انسان ازاعمال عادل شمرده میشود نه از ایمان تنها*
۲۵ وهمچنین آیا راحاب فاحشه نیز ازاعمال عادل شمرده نشد وقتیکه قاصدانرا
۲۶ پذیرفته براهی دیکر روانه نمود* زیرا چنانکه بدن بدون روح مرده است همچنین
ایمان بدون اعمال نیز مرده است*

باب سوم

۱ ای برادرانِ من بسیار معلّم نشوید چونکه میدانید که برما داوریٔ سختتر خواهد
۲ شد* زیرا همکیٔ ما بسیار میلغزیم واکر کسی درسخن کفتن نلغزد او مرد کامل
۳ است ومیتواند عنان تمام جسد خودرا بکشد* واینك لکامرا بردهان اسبان

٤ میزنیم تا مطیع ما شوند وتمام بدن آنهارا برمیکردانیم * اینك کشتیها نیزچه قدر
بزرك است واز بادهای سخت رانده میشود لکن با سکّان کوچك بهر طرفی که
٥ ارادهٔ ناخدا باشد برکردانیده میشود * همچنان زبان نیز عضوی کوچك است
٦ وسخنان کبرآمیز میکوید. اینك آتش کمی چه جنکل عظیمیرا میسوزاند * وزبان
آتشی است. آنعالَمِ ناراستی درمیان اعضای ما زبان است که تمام بدنرا میاآلاید
٧ ودائرهٔ کائناترا میسوزاند واز جهنّم سوخته میشود * زیرا که هر طبیعتی ازوحوش
وطیور وحشرات وحیوانات بحری ازطبیعت انسان رام میشود ورام شده است *
٨ لکن زبانرا کسی از مردمان نمیتواند رام کند. شرارتی سرکش وپر از زهر قاتل
٩ است * خدا وپدررا بآن متبارك میخوانیم وبهمان مردمانرا که بصورت خدا
١٠ آفریده شده‌اند لعن میکوئیم * از یك دهان برکت ولعنت بیرون میاید. ای برادران
١١ شایسته نیست که چنین شود * آیا چشمه از یك شکاف آب شیرین وشور جاری
١٢ میسازد * یا میشود ای برادران من که درخت انجیر زیتون یا درخت مَو انجیر
١٣ بار آورد وچشمهٔ شور نمیتواند آب شیرینرا موجود سازد * کیست درمیان شما
که حکیم وعالم باشد پس اعمال خودرا ازسیرت نیکو بتواضع حکمت ظاهر بسازد *
١٤ لکن اکر دردل خود حسدِ تلخ وتعصّب دارید فخر مکنید وبضدّ حقّ دروغ
١٥ مکوئید * این حکمت از بالا نازل نمیشود بلکه دنیوی ونفسانی وشیطانی است *
١٦ زیرا هر جائیکه حسد وتعصّب است در آنجا فتنه وهر امر زشت موجود میباشد *
١٧ لکن آنحکمت که ازبالا است اوّل طاهر است وبعد صلح آمیز وملایم ونصیحت
١٨ پذیر وپر ازرحمت ومیوهای نیکو وبیتردّد وبیریا * ومیوهٔ عدالت درسلامتی
کاشته میشود برای انانیکه سلامتیرا بعمل میاورند *

باب چهارم

١ ازکجا درمیان شما جنکها وازکجا نزاعها پدید میاید آیا نه ازلذّتهای شما که در
٢ اعضای شما جنك میکند * طمع میورزید وندارید. میکُشید وحسد مینمائید
ونمیتوانید بچنك آرید وجنك وجدال میکنید وندارید ازانجهة که سؤآل نمیکنید *
٣ وسؤآل میکنید ونمییابید ازینرو که بنیّت بد سؤآل میکنید تا درلذّات خود صرف

٤ نمائید* ای زانیات آیا نمیدانید که دوستئ دنیا دشمنئ خداست پس هرکه میخواهد
٥ دوست دنیا باشد دشمن خدا کردد* آیا کمان دارید که کتاب عبث میکوید روحیکه
٦ اورا درما ساکن کرده است تا بغیرت برما اشتیاق دارد* لیکن او فیضِ زیاده
میبخشد. بنابرین میکوید خدا متکبّرانرا مخالفت میکند امّا فروتنانرا فیض میبخشد*
٧ ٨ پس خدارا اطاعت نمائید وبا ابلیس مقاومت کنید تا ازشما بکریزد* وبخدا نقرّب
جوئید تا بشما نزدیکی نماید. دستهای خودرا طاهر سازید ای کناهکاران ودلهای
٩ خودرا پاك كنید ای دو دلان* خودرا خوار سازید وناله وکریه نمائید وخندهٔ
١٠ شما بماتم وخوشئ شما بغم مبدّل شود* درحضور خدا فروتنی کنید تا شمارا سرافراز
١١ فرماید* ای برادران یکدیکررا ناسزا مکوئید زیرا هرکه برادر خودرا ناسزا کوید
وبراو حکم کند شریعترا ناسزا کفته وبرشریعت حکم کرده باشد لکن اکر برشریعت
١٢ حکم کنی عامل شریعت نیستی بلکه داور هستی* صاحب شریعتْ وداورْ یکی است
که بر رهانیدن وهلاك كردن قادر میباشد. پس تو کیستی که برهمسایهٔ خود داوری
١٣ میکنی* هان ای کسانیکه میکوئید امروز وفردا بفلان شهر خواهیم رفت ودر
١٤ آنجا یکسال بسر خواهیم برد وتجارت خواهیم کرد ونفع خواهیم بُرد* وحال آنکه
نمیدانید که فردا چه میشود ازآنروکه حیات شما چیست مکر بخاری نیستید که
١٥ اندك زمانی ظاهر است وبعد ناپدید میشود* بعوض آنکه باید کفت که اکر خدا
١٦ بخواهد زنده میمانیم وچنین وچنان میکنیم* امّا الحال بعُجب خود فخر میکنید وهر
١٧ چنین فخر بداست* پس هرکه نیکوئی کردن بداند وبعمل نیاورد اورا کناه است*

باب پنجم

١ هان ای دولتمندان بجهة مصیبتهائیکه برشما وارد میآید کریه وولوِله نمائید*
٢ ٣ دولت شما فاسد ورخت شما بید خورده میشود* طلا ونقرهٔ شمارا زنك میخورد
وزنكِ آنها برشما شهادت خواهد داد ومثل آتش کوشت شمارا خواهد خورد. شما
٤ درزمان آخر خزانه اندوختهاید* اینك مزد عملههائیکه کشتهای شمارا درویدهاند
وشما آنرا بفریب نکاه داشتهاید فریاد برمیآورد ونالههای دروکران بکوشهای ربّ
٥ الجنود رسیده است* برروی زمین بناز وکامرانی مشغول بوده دلهای خودرا دریوم

٦ قتل پروردید * برمرد عادل فتوی دادید واورا بقتل رسانیدید وبا شما مقاومت
٧ نمیکند * پس ای برادران تا هنکام آمدن خداوند صبر کنید اینك دهقان انتظار
میکشد برای محصول کرانبهای زمین وبرایش صبر میکند تا باران اوّلین وآخرینرا
٨ بیابد * شما نیز صبر نمائید ودلهای خودرا قویّ سازید زیراکه آمدن خداوند نزدیك
٩ است * ای برادران از یکدیکر شکایت مکنید مبادا بر شما حکم شود اینك داور
١٠ بردر ایستاده است * ای برادران نمونهٔ زحمت وصبررا بکیرید ازانبیائیکه بنام
١١ خداوند تکلّم نمودند * اینك صابرانرا خوشحال میکوئیم وصبر ایّوبرا شنیده‌اید وانجام
١٢ کار خداوندرا دانسته‌اید زیراکه خداوند بغایت مهربان وکریم است * لکن
اوّلِ همه ای برادرانِ من قسم مخورید نه بآسمان ونه بزمین ونه بهیچ سوکند دیکر بلکه
١٣ بلیِ شما بلی باشد ونیِ شما نی مبادا در تحکّم بیفتید * اکر کسی از شما مبتلای بلائی
١٤ باشد دعا بنماید واکر کسی خوشحال باشد سرود بخواند * وهرکاه کسی ازشما بیمار
باشد کشیشان کلیسارا طلب کند تا برایش دعا نمایند واورا بنام خداوند بروغن
١٥ تدهین کنند * ودعای ایمانْ مریضرا شفا خواهد بخشید وخداوند اورا خواهد
١٦ برخیزانید واکر کناه کرده باشد ازاو آمرزیده خواهد شد * نزدِ یکدیکر بکناهان
خود اعتراف کنید وبرای یکدیکر دعا کنید تا شفا یابید زیرا دعای مرد عادل
١٧ درعملْ قوّت بسیار دارد * الیاس مردی بود صاحب حواسّ مثل ما وبتمامِ دل
١٨ دعا کرد که باران نبارد وتا مدّت سه سال وششَ ماه نبارید * وباز دعا کرد
١٩ وآسمان بارید وزمین ثمر خودرا رویانید * ای برادران من اکر کسی از شما
٢٠ ازراستی منحرف شود وشخصی اورا بازکرداند * بداند هرکه کناهکاررا ازضلالت
راه او برکرداند جانیرا ازموت رهانیده وکناهان بسیاررا پوشانیده است *

رسالهٔ اوّل پِطْرُسِ رسول

باب اوّل

۱ پطرُس رسول عیسی مسیح بغریبانیکه پراکنده‌اند در پَنطُسْ وغَلاطیه وقپَدوقیه
۲ وآسیا وبطانیه * برکزیدکان برحسب علم سابق خدای پدر بتقدیس روح برای
۳ اطاعت وپاشیدن خون عیسی مسیح • فیض وسلامتی برشما افزون باد * متبارك
باد خدا وپدر خداوند ما عیسی مسیح که بحسب رحمت عظیم خود مارا بوساطت
٤ برخاستن عیسی مسیح ازمردکان از نو تولید نمود برای امید زنده * بجهة میراث
بیفساد وبی آلایش ونا پژمرده که نکاه داشته شده است درآسمان برای شما *
٥ که بقوّت خدا محروس هستید به ایمان برای نجاتیکه مهیّا شده است تا در ایّام آخر
٦ ظاهر شود * ودرآن وجد مینمائید هرچند درحال اندکی ازراه ضرورت
٧ درتجربه‌های کوناکون محزون شده‌اید * تا آزمایش ایمان شما که ازطلای فانی با
آزموده شدن درآتشْ کرانبهاتر است برای تسبیح وجلال واکرام یافت شود
٨ درحین ظهور عیسی مسیح * که اورا اکرچه ندیده‌اید محبّت مینمائید والآن اکرچه
اورا نمیبینید لکن براو ایمان آورده وجد مینمائید با خرّمیٔ که نمیتوان بیان کرد وپر
۹ ۱۰ ازجلال است * وانجام ایمان خود یعنی نجات جان خویشرا مییابید * که دربارهٔ
این نجاتْ انبیائیکه ازفیضیکه برای شما مقرّر بود اخبار نمودند تفتیش وتفحّص
۱۱ میکردند * ودریافت مینمودند که کدام وچکونه زمان است که روح مسیح که
درایشان بود ازآن خبر میداد چون از زحماتیکه برای مسیح مقرّر بود وجلالهائیکه
۱۲ بعدازآنها خواهد بود شهادت میداد * وبدیشان مکشوف شد که نه بخود بلکه بما
خدمت میکردند درآن اموریکه شما اکنون ازآنها خبر یافته‌اید ازکسانیکه بروح
القدس که ازآسمان فرستاده شده است بشارت داده‌اند وفرشتکان نیز مشتاق

۱۳ هستند که درآنها نظر کنند* لهذا کمر دلهای خودرا ببندید وهوشیار شده امید
۱٤ کامل آن فیضیرا که درمکاشفهٔ عیسی مسیح بشما عطا خواهد شد بدارید* وچون
ابنای اطاعت هستید مشابه مشوید بدان شهوانیکه در ایّام جهالت میداشتید*
۱٥ بلکه مثل آن قدّوس که شمارا خوانده است خود شما نیز در هر سیرتْ مقدّس
۱٦ ۱۷ باشید* زیرا مکتوبست مقدّس باشید زیراکه من قدّوسم* وچون اورا پدر
میخوانید که بدون ظاهر بینی برحسب اعمال هرکس داوری مینماید پس هنکام
۱۸ غربت خودرا با ترس صرف نمائید* زیرا میدانید که خریده شده‌اید از سیرت
۱۹ باطلی که از پدران خود یافته‌اید نه بچیزهای فانی مثل نقره وطلا* بلکه بخون
۲۰ کرانبها چون خون برّهٔ بیعیب وبیداغ یعنی خون مسیح* که پیش از بنیاد عالم
۲۱ معیّن شد لکن درزمان آخر برای شما ظاهر کردید* که بوساطت او شما
برآن خدائیکه اورا از مردکان برخیزانید واورا جلال داد ایمان آورده اید تا ایمان
۲۲ وامید شما برخدا باشد* چون نَفْسهای خودرا به اطاعتِ راستی طاهر ساخته‌اید
تا محبّت برادرانهٔ بیریا داشته باشید پس یکدیکررا ازدل بشدّت محبّت بنمائید*
۲۳ ازآنرو که تولّد تازه یافتید نه از تخم فانی بلکه ازغیر فانی یعنی بکلام خدا که زنده
۲٤ وتا ابد الآباد باقی است* زیراکه هر بشری مانند کیاه است وتمام جلال او چون
۲٥ کُلِ کیاه* کیاه پژمرده شد وکُلش ریخت* لکن کلمهٔ خدا تا ابد الآباد باقی است
واینست آن کلامیکه بشما بشارت داده شده است*

باب دوم

۱ ۲ لهذا هر نوع کینه وهر مکر وریا وحسد وهر قسم بدکوئی‌را ترک کرده* چون
۳ اطفالِ نو زاده مشتاق شیر روحانی وبیغش باشید تا ازآن برای نجات نموّ کنید* اکر
٤ فی الواقع چشیده‌اید که خداوند مهربان است* وباو تقرّب جسته یعنی بآن سنک
٥ زندهٔ ردّ شدهٔ ازمردم لکن نزد خدا برکزیده ومکرّم* شما نیز مثل سنکهای زنده
بنا کرده میشوید بعمارت روحانی وکهانت مقدّس تا قربانیهای روحانی ومقبول
٦ خدارا بواسطهٔ عیسی مسیح بکذرانید* بنابرین درکتاب مکتوب است که اینک
مینهم در صَهْیُون سنکی سر زاویهٔ برکزیده ومکرّم وهرکه بوی ایمان آوَرَدْ خجل نخواهد

۷ شد * پس شمارا که ایمان دارید اکرام است لکن آنانیرا که ایمان ندارند آن سنکی
۸ که معماران ردّ کردند همان سر زاویه کردید * وسنك لغزش دهنده وصخرهٔ مصادم
۹ زیراکه اطاعت کلام نکرده لغزش میخورند که برای همین معیّن شده‌اند * لکن شما
قبیلهٔ برکزیده وکهانت ملوکانه وامّت مقدّس وقومیکه مِلْك خاصّ خدا باشد هستید
تا فضائل اورا که شمارا ازظلمت بنور عجیب خود خوانده است اعلام نمائید *
۱۰ که سابقاً قومی نبودید والآن قوم خدا هستید ٭ آنوقت از رحمتْ محروم امّا الحال
۱۱ رحمت کرده شده‌اید * ای محبوبان استدعا دارم که چون غریبان وبیکانکان
۱۲ ازشهوات جسمی که با نفس درنزاع هستند اجتناب نمائید * وسیرت خودرا
درمیان امّتها نیکو دارید تا درهمان امریکه شمارا مثل بدکاران بد میکویند
۱۳ ازکارهای نیکوی شما که ببینند در روزِ تفقّدْ خدارا تمجید نمایند * لهذا هر منصب
۱۴ بَشَریرا بخاطر خداوند اطاعت کنید خواه پادشاهرا که فوق همه است * وخواه
حکّامرا که رسولان وی هستند بجهة انتقام کشیدن از بدکاران وتحسین نیکوکاران *
۱۵ زیراکه همین است ارادهٔ خدا که بنیکوکاریٔ خود جهالت مردمان بیفهمرا ساکت
۱۶ نمائید * مثل آزادکان امّا نه مثل آنانیکه آزادیٔ خودرا پوشش شرارت میسازند
۱۷ بلکه چون بندکان خدا * همهٔ مردمانرا احترام کنید برادرانرا محبّت نمائید ازخدا
۱۸ بترسید پادشاهرا احترام نمائید * ای نوکران مطیع آقایان خود باشید با کمال ترس
۱۹ ونه فقط صالحان ومهربانرا بلکه کج خُلقانرا نیز * زیرا این ثواب است که کسی
بجهة ضمیریکه چشم برخدا دارد در وقتیکه ناحقّ زحمت میکشد دردهارا متحمّل
۲۰ شود * زیرا چه فخر دارد هنکامیکه کناه کار بوده تازیانه خورید ومتحمّل آن شوید
لکن اکر نیکوکار بوده زحمت کشید وصبر کنید این نزد خدا ثواب است *
۲۱ زیراکه برای همین خوانده شده‌اید چونکه مسیح نیزبرای ما عذاب کشید وشمارا
۲۲ نمونهٔ کذاشت تا دراثر قدمهای وی رفتار نمائید * که هیچ کناه نکرد ومکر
۲۳ درزبانش یافت نشد * چون اورا دشنام میدادند دشنام پس نمیداد وچون
۲۴ عذاب میکشید تهدید نمینمود بلکه خویشتنرا بداور عادل تسلیم کرد * که
خودْ کناهان مارا در بدن خویش بردار متحمّل شد تا ازکناه مرده شده
۲۵ بعدالت زیست نمائیم که بضربهای او شفا یافته‌اید * ازآنرو که مانند

کوسفندانِ کمشده بودید لکن الحال بسوی شبان واُسقُفِ جانهای خود برکشته‌اید *

باب سوّم

۱ همچنین ای زنان شوهران خودرا اطاعت نمائید تا اکر بعضی نیز مطیع کلام
۲ نشوند سیرت زنانْ ایشانرا بدون کلام دریابد * چونکه سیرتِ طاهر وخداترس
۳ شمارا بینند * وشمارا زینت ظاهری نباشد ازبافتن موی ومحلّی شدن بطلا
٤ و پوشیدن لباس * بلکه انسانیّت باطنیٔ قلبی درلباس غیر فاسدِ روح حلیم وآرام
٥ که نزد خدا کرانبهاست * زیرا بدینکونه زنانِ مقدّسه درسابق نیزکه متوکّل بخدا بودند خویشتنرا زینت مینمودند وشوهران خودرا اطاعت میکردند *
٦ مانند ساره که ابراهیمرا مطیع میبود واورا آقا میخواند وشما دختران او شده‌اید
۷ اکر نیکوئی کنید واز هیچ خوف ترسان نشوید * وهمچنین ای شوهرانْ با فطانت با ایشان زیست کنید چون با ظروف ضعیفترِ زنانه وایشانرا محترم دارید چون
۸ با شما وارث فیض حیات نیز هستند تا دعاهای شما باز داشته نشود * خلاصه
۹ همهٔ شما یکرای وهمدرد وبرادر دوست ومشفق وفروتن باشید * وبدی بعوض بدی ودشنام بعوض دشنام مدهید بلکه برعکس برکت بطلبید زیراکه
۱۰ میدانید برای این خوانده شده‌اید تا وارث برکت شوید * زیرا هرکه میخواهد حیاترا دوست دارد وایّام نیکو بیند زبان خودرا ازبدی ولبهای خودرا ازفریب
۱۱ کفتن باز بدارد * ازبدی اعراض نماید ونیکوئیرا بجا آوَرَدْ * سلامتیرا بطلبد
۱۲ وآنرا تعاقب نماید * ازآنروکه چشمان خداوند برعادلان است وکوشهای
۱۳ او بسوی دعای ایشان لکن روی خداوند بربدکاران است * واکر برای
۱٤ نیکوئی غیور هستید کیست که بشما ضرری برساند * بلکه هرکاه برای عدالت زحمت کشیدید خوشابحال شما پس ازخوف ایشان ترسان ومضطرب مشوید *
۱٥ بلکه خداوند مسیحرا دردل خود تقدیس نمائید وپیوسته مستعدّ باشید تا هرکه سبب امیدیراکه دارید از شما بپرسد اورا جواب دهید لیکن با حلم وترس *
۱٦ وضمیر خودرا نیکو بدارید تا انانیکه برسیرت نیکوی شما درمسیح طعن میزنند
۱۷ درهمان چیزیکه شمارا بد میکویند خجالت کشند * زیرا اکر ارادهٔ خدا چنین است

۱۸ نیکوکار بودن وزحمت کشیدن بهتر است از بدکردار بودن* زیراکه مسیح نیز
برای کناهان یکبار زحمت کشید یعنی عادلی برای ظالمان تا مارا نزد خدا بیاورد
۱۹ درحالیکه بحسب جسم مُرد لکن بحسب روح زنده کشت* وبآن روح نیز رفت
۲۰ وموعظه نمود به ارواحیکه درزندان بودند* که سابقًا نافرمانبردار بودند
هنکامیکه حلم خدا درایّام نوح انتظار میکشید وقتیکه کشتی بنا میشد که درآن
۲۱ جماعتی قلیل یعنی هشت نفر بآب نجات یافتند* که نمونهٔ آن یعنی تعمید اکنون
مارا نجات میبخشد (نه دور کردن کثافت جسم بلکه امتحان ضمیر صالح بسوی
۲۲ خدا) بواسطهٔ برخاستن عیسی مسیح* که باسمان رفت وبدست راست خدا است
وفرشتکان وقدرتها وقوّات مطیع او شده‌اند*

باب چهارم

۱ لهذا چون مسیح بحسب جسم برای ما زحمت کشید شما نیز بهمان نیّت مسلّح
۲ شوید زیرا آنکه بحسب جسم زحمت کشید ازکناه باز داشته شده است* تا آنکه
بعد ازآن مابقیٔ عُمررا درجسم نه بحسب شهوات انسانی بلکه موافق ارادهٔ
۳ خدا بسر بَرَدْ* زیراکه عُمر کذشته کافی است برای عمل نمودن بخواهش امّتها
ودر فجور وشهوات ومیکساری وعیّاشی وبزمها وبُتْپرستیهای حرام رفتار نمودن*
٤ ودر این متعجّب هستند که شما همراه ایشان بسوی همین اسرافِ اَوْباشی نمیشتابید
٥ وشمارا دشنام میدهند* وایشان حساب خواهند داد بدو که مستعدّ است
٦ تا زندکان ومردکانرا داوری نماید* زیراکه از اینجهة نیز بمردکان بشارت داده
شد تا برایشان موافق مردم بحسب جسم حکم شود وموافق خدا بحسب روح
۷ زیست نمایند* لکن انتهای همه چیز نزدیك است پس خرداندیش وبرای دعا
۸ هوشیار باشید* واوّلِ همه با یکدیکر بشدّت محبّت نمائید زیراکه محبّت کثرت
۹ کناهانرا میپوشاند* ویکدیکررا بدون همهمه مهمانی کنید* وهریك بحسب
۱۰ نعمتیکه یافته باشد یکدیکررا درآن خدمت نماید مثل وکلاء امین فیض کوناکون
۱۱ خدا* اکر کسی سخن کوید مانند اقوال خدا بکوید واکر کسی خدمت کند
برحسب توانائیکه خدا بدو داده باشد بکند تا درهمه چیزْ خدا بواسطهٔ عیسی مسیح

۱۲ جلال یابد که اورا جلال و توانائی تا ابد الآباد هست آمین * ای حبیبان
تعجّب منمائید ازاین آتشیکه درمیان شماست وبجهة امتحان شما میآید که کویا چیزی
۱۳ غریب برشما واقع شده باشد * بلکه بقدریکه شریك زحمات مسیح هستید خوشنود
۱٤ شوید تا درهنکام ظهور جلال وی شادی ووجد نمائید * اکر بخاطر نام مسیح
رسوائی میکشید خوشابحال شما زیراکه روح جلال وروح خدا برشما آرام
۱٥ میکیرد * پس زنهار هیچ یکی ازشما چون قاتل یا دزد یا شریر یا فضول عذاب
۱٦ نکشد * لکن اکر چون مسیحی عذاب بکشد پس شرمنده نشود بلکه باین اسم
۱۷ خدارا تمجید نماید * زیرا اینزمان است که داوری ازخانهٔ خدا شروع شود واکر
شروع آن ازماست پس عاقبتِ کسانیکه انجیل خدارا اطاعت نمیکنند چه
۱۸ خواهد شد * واکر عادل بدشواری نجات یابد بیدین وکناهکار کجا یافت
۱۹ خواهد شد * پس کسانی نیزکه برحسب ارادهٔ خدا زحمت کشند جانهاے
خودرا درنیکوکاری بخالق امین بسپارند *

باب پنجم

۱ پیرانرا درمیان شما نصیحت میکنم من که نیز با شما پیر هستم وشاهد برزحمات
۲ مسیح وشریك درجلالیکه مکشوف خواهد شد * کلهٔ خدارا که درمیان شما است
بچرانید ونظارت آنرا بکنید نه بزور بلکه برضامندی ونه بجهة سود قبیح بلکه
۳ برغبت * ونه چنانکه برقسمتهای خود خداوندی بکنید بلکه بجهة کله نمونه
٤ باشید * تا دروقتیکه رئیس شبانان ظاهر شود تاج ناپژمردهٔ جلالرا بیابید *
٥ همچنین ای جوانان مطیع پیران باشید بلکه همه با یکدیکر فروتنیرا برخود ببندید
٦ زیرا خدا با متکبّران مقاومت میکند وفروتنانرا فیض میبخشد * پس زیرِ دست
۷ زورآور خدا فروتنی نمائید تا شمارا دروقت معیّن سرافراز نماید * وتمام اندیشهٔ
۸ خودرا بوی واکذارید زیراکه او برای شما فکر میکند * هوشیار وبیدار باشید
زیراکه دشمن شما ابلیس مانند شیر غرّان کردش میکند وکسیرا میطلبد تا ببلعد *
۹ پس به ایمان استوار شده با او مقاومت کنید چون آکاه هستید که همین زحمات
۱۰ بر برادران شما که دردنیا هستند میآید * وخدای همهٔ فیضها که مارا بجلال

ابدیٔ خود در عیسی مسیح خوانده است شمارا بعد از کشیدن زحمتی قلیل کامل
١١ واستوار وتوانا خواهد ساخت ✡ اورا تا ابدالآباد جلال و توانائی باد آمین ✡
١٢ بتوسّط سِلْوانُس که اورا برادر امین شما میشمارم مختصری نوشتم ونصیحت وشهادت
١٣ میدهم که همین است فیض حقیقیٔ خدا که برآن قائم هستید ✡ خواهر برگزیدهٔ با
١٤ شما که در بابِل است وپسر من مرقُس بشما سلام میرسانند ✡ یکدیگررا
ببوسهٔ محبّتانه سلام نمائید وهمهٔ شمارا که درمسیح عیسی هستید سلام باد
آمین ✡

رسالهٔ دوّم پطرس رسول

باب اوّل

۱ شمعون پطرس غلام ورسول عیسی مسیح بآنانیکه ایمان گرانبهارا بمساوئ ما
۲ یافته‌اند درعدالت خدای ما وعیسی مسیح نجات دهنده * فیض وسلامتی درمعرفت
۳ خدا وخداوند ما عیسی برشما افزون باد * چنانکه قوّت الهیهٔ او همهٔ چیزهائیرا
که برای حیات ودینداری لازم است بما عنایت فرموده است بمعرفت او که مارا
۴ بجلال وفضیلت خود دعوت نموده * که بوساطت آنها وعده‌های بینهایت عظیم
وگرانبها بما داده شد تا شما باینها شریك طبیعت الهی گردید واز فسادیکه
۵ از شهوت درجهان است خلاصی یابید * وبهمین جهة کمال سعی نموده در ایمان
۶ خود فضیلت پیدا نمائید * ودر فضیلت علم ودر علم عفّت ودر عفّت صبر ودر
۷ صبر دینداری * ودر دینداری محبّت برادران ودر محبّت برادران محبّترا *
۸ زیرا هرگاه اینها درشما یافت شود وبیفزاید شمارا نمیگذارد که درمعرفت
۹ خداوند ما عیسی مسیح کاهل یا بی ثمر بوده باشید * زیرا هرکه اینهارا ندارد کور
۱۰ وکوتاه نظر است وتطهیر گناهان گذشتهٔ خودرا فراموش کرده است * لهذا
ای برادران بیشتر جدّ وجهد کنید تا دعوت وبرگزیدگئ خودرا ثابت نمائید
۱۱ زیرا اگر چنین کنید هرگز لغزش نخواهید خورد * وهمچنین دخول در ملکوت
جاودانئ خداوند ونجات دهندهٔ ما عیسی مسیح بشما بدولتمندی داده خواهد
۱۲ شد * لهذا از پیوسته یاد دادن شما از این امور غفلت نخواهم ورزید
۱۳ هرچند آنهارا میدانید ودرآن راستی که نزد شما است استوار هستید * لکن
اینرا صواب میدانم مادامیکه در این خیمه هستم شمارا بیاد آوری برانگیزانم *
۱۴ چونکه میدانم که وقت بیرون کردن خیمهٔ من نزدیك است چنانکه خداوند ما

۱۵ عیسی مسیح نیز مرا آگاهانید* وبرای این نیز کوشش میکنم تا شما درهر وقت
۱۶ بعد از رحلت من بتوانید این اموررا یاد آورید* زیراکه درپی افسانه‌های
جعلی نرفتیم چون از قوّت وآمدن خداوند ما عیسی مسیح شمارا اعلام دادیم
۱۷ بلکه کبریائیٔ اورا دیده بودیم* زیرا ازخدای پدر اکرام وجلال یافت هنکامیکه
آوازی ازجلال کبریائی باو رسید که اینست پسر حبیب من که ازوی خوشنودم*
۱۸ واین آوازرا ما زمانیکه با وی درکوه مقدّس بودیم شنیدیم که ازآسمان آورده
۱۹ شد* وکلام انبیاءرا نیز محکمتر داریم که نیکو میکنید اکر درآن اهتمام کنید مثل
چراغی درخشنده درمکان تاریك تا روز بشکافد وستارهٔ صبح دردلهای شما طلوع
۲۰ کند* واینرا نخست بدانید که هیچ نبوّتِ کتاب از تفسیر خود نبیّ نیست*
۲۱ زیراکه نبوّت به ارادهٔ انسان هرکز آورده نشد بلکه مردمان بروح القدس مجذوب
شده ازجانب خدا سخن کفتند*

باب دوّم

۱ لکن درمیان قوم انبیای کَذَبَه نیز بودند چنانکه درمیان شما هم معلّمان کَذَبَه
خواهند بود که بدعتهای مهلك‌را خُفْیَةً خواهند آورد وآن آقائیرا که ایشانرا
۲ خرید انکار خواهند نمود وهلاکت سریعرا برخود خواهند کشید* وبسیاری
فجور ایشانرا متابعت خواهند نمود که بسبب ایشان طریق حقّ مورد ملامت
۳ خواهد شد* وازراه طمع بسخنان جعلی شمارا خرید وفروش خواهند کرد
که عقوبت ایشان از مدّت مدید تأخیر نمیکند وهلاکت ایشان خوابیده نیست*
۴ زیرا هرکاه خدا برفرشتکانیکه کناه کردند شفقت ننمود بلکه ایشانرا بجهنّم انداخته
۵ بزنجیرهای ظلمت سپرد تا برای داوری نکاه داشته شوند* وبرعالم قدیم
شفقت نفرمود بلکه نوح واعظ عدالترا با هفت نفر دیکر محفوظ داشته طوفانرا
۶ برعالم بیدینان آورد* وشهرهای سدوم وعموره‌را خاکستر نموده حکم به واژکون
شدن آنها فرمود وآنهارا برای آنانیکه بعد ازاین بیدینی خواهند کرد عبرتی
۷ ساخت* ولوطِ عادل‌را که از رفتار فاجرانهٔ بیدینان رنجیده بود رهانید*
۸ زیراکه آنمرد عادل درمیانشان ساکن بوده از آنچه میدید ومیشنید دل صالح

۹ خودرا بکارهای قبیح ایشان هر روزه رنجیده میداشت* پس خداوند میداند که
عادلانرا از تجربه رهائی دهد وظالمانرا تا بروز جزا درعذاب نگاه دارد*
۱۰ خصوصًا آنانیکه درشهوات نجاست درپی جسم میروند وخداوندیرا حقیر میدانند*
۱۱ اینها جسور ومتکبّرند واز تهمت زدن بربزرگان نمیلرزند* وحال آنکه
فرشتگانیکه درقدرت وقوّت افضل هستند پیش خداوند برایشان حکم افترا
۱۲ نمیزنند* لکن اینها چون حیوانات غیر ناطق که برای صید وهلاکت طبعًا
متولّد شده‌اند ملامت میکنند برآنچه نمیدانند ودرفساد خود هلاك خواهند
۱۳ شد* ومزد ناراستیٔ خودرا خواهند یافت که عیش وعشرت یك روزه‌را سرور
خود میدانند* لکّه‌ها وعیبها هستند که درضیافتهای محبّتانهٔ خود عیش وعشرت
۱۴ مینمایند وقتیکه با شما شادی میکنند* چشمهای پر اززنا دارند که ازگناه باز
داشته نمیشود* وکسان نا پایداررا بدام میکشند* ابنای لعنت که قلب خودرا
۱۵ برای طمع ریاضت داده‌اند* وراه مستقیم‌را ترك کرده گمراه شدند وطریق بَلْعَام
۱۶ بن بَصُوررا که مزد نا راستیرا دوست میداشت متابعت کردند* لکن او
ازتقصیر خود توبیخ یافت که حمار گنك بزبان انسان متنطّق شده دیوانگیٔ نبیّ‌را
۱۷ توبیخ نمود* اینها چشمه‌های بی آب ومِه‌های رانده شدهٔ بباد شدید هستند که
۱۸ برای ایشان ظلمت تاریکیٔ جاودانی مقرّر است* زیراکه سخنان تکبّرآمیز وباطل
میگویند وآنانیرا که ازاهل ضلالت تازه رستگار شده‌اند در دام شهوات بفجور
۱۹ جِسمی میکَشَنْد* وایشانرا بآزادی وعده میدهند وحال آنکه خود غلام فساد
۲۰ هستند زیرا هر چیزیکه برکسی غلبه یافته باشد او نیز غلام آنست* زیرا هرگاه
بمعرفت خداوند ونجات دهندهٔ ما عیسی مسیح ازآلایش دنیوی رستند وبعد ازآن
بار دیگر گرفتار ومغلوب آن گشتند اواخر ایشان از اوایل بدتر میشود*
۲۱ زیراکه برای ایشان بهتر میبود که راه عدالت‌را ندانسته باشند ازاینکه بعد
۲۲ ازدانستن بار دیگر ازآن حکم مقدّس که بدیشان سپرده شده بود برگردند* لکن
معنیٔ مَثَل حقیقی برایشان راست آمد که سگ به‌قیّ خود رجوع کرده است وخنزیرِ
شسته شده بغلطیدن درگِل*

باب سوّم

١ این رسالهٔ دوّمرا ای حبیبان الآن بشما مینویسم که باین هر دو دل پاك شمارا
٢ بطریق یادکاری برمیانکیزانم * تا بخاطر آرید کلماتیکه انبیای مقدّس پیش
٣ کفته‌اند وحکم خداوند ونجات دهنده‌را که برسولان شما داده شد * ونخست
اینرا میدانید که در ایّام آخر مُستهزئین با استهزا ظاهر خواهند شد که بروفق
٤ شهوات خود رفتار نموده * خواهند کفت کجاست وعدهٔ آمدن او زیرا
از زمانیکه پدران بخواب رفتند هر چیز بهمین طوریکه از ابتدای آفرینش بود
٥ باقی است * زیراکه ایشان عمدًا از این غافل هستند که بکلام خدا آسمانها
٦ از قدیم بود وزمین از آب وبآب قائم کردید * وباین هر دو عالمیکه آنوقت بود
٧ در آب غرق شده هلاك کشت * لکن آسمان وزمین الآن بهمان کلام برای
آتش ذخیره شده وتا روز داوری وهلاكتْ مردم بیدین نکاه داشته شده‌اند *
٨ لکن ای حبیبان این یك چیز از شما مخفی نماند که یکروز نزد خدا چون هزار
٩ سال است وهزار سال چون یکروز * خداوند دروعدهٔ خود تأخیر نمینماید
چنانکه بعضی تأخیر میپندارند بلکه برشما تحمّل مینماید چون نمیخواهد که کسی
١٠ هلاك کردد بلکه همه بتوبه کِرایَنْد * لکن روز خداوند چون دزد خواهد
آمد که در آن آسمانها بصدای عظیم زائل خواهند شد وعناصر سوخته شده
١١ از هم خواهد پاشید وزمین وکارهائیکه در آنست سوخته خواهد شد * پس
چون جمیع اینها متفرّق خواهند کردید شما چه طور مردمان باید باشید درهر
١٢ سیرت مقدّس ودینداری * وآمدن روز خدارا انتظار بکشید وآنرا بشتابانید
که در آن آسمانها سوخته شده از هم متفرّق خواهند شد وعناصر ازحرارت
١٣ کداخته خواهد کردید * ولی بحسب وعدهٔ او منتظر آسمانهای جدید وزمین
١٤ جدید هستیم که در آنها عدالت ساکن خواهد بود * لهذا ای حبیبان چون
انتظار این چیزهارا میکشید جدّ وجهد نمائید تا نزد او بیداغ وبیعیب درسلامتی
١٥ یافت شوید * وتحمّل خداوندِ مارا نجات بدانید چنانکه برادر حبیب ما پولس
١٦ نیز برحسب حکمتیکه بوی داده شد بشما نوشت * وهمچنین درسایر رساله‌های

خود این چیزهارا بیان مینماید که در آنها بعضی چیزها است که فهمیدن آنها
مشکل است ومردمانِ بیعلم و ناپایدار آنهارا مثل سایر کتب تحریف میکنند تا
١٧ بهلاکت خود برسند ٭ پس شما ای حبیبان چون این اموررا از پیش میدانید
با حذر باشید که مبادا بگمراهئ بیدینان ربوده شده از پایداریٔ خود بیفتید ٭
١٨ بلکه درفیض ومعرفت خداوند ونجات دهندهٔ ما عیسی مسیح ترقّی کنید که اورا
ازکنون تا ابد الآباد جلال باد آمین ٭

رسالهٔ اوّل یوحنّای رسول

باب اوّل

۱ آنچه ازابتداء بود وآنچه شنیده‌ایم وبچشم خود دیده • آنچه برآن نکریستیم ودستهای
۲ ما لمس کرد دربارهٔ کلمهٔ حیات ٭ وحیات ظاهر شد وآنرا دیده‌ایم وشهادت میدهیم
۳ وبشما خبرمیدهیم ازحیات جاودانی که نزد پدر بود وبرما ظاهرشد ٭ ازآنچه
دیده وشنیده‌ایم شمارا اعلام مینمائیم تا شما هم با ما شراکت داشته باشید واماّ شراکت
٤ ما با پدر وبا پسرش عیسی مسیح است ٭ واینرا بشما مینویسم تا خوشئ ما کامل
٥ کردد ٭ واین است پیغامیکه ازاو شنیده‌ایم وبشما اعلام مینمائیم که خدا نور است
٦ وهیچ ظلمت دروی هرکز نیست ٭ اکر کوئیم که با وی شراکت داریم درحالیکه
۷ درظلمت سلوك مینمائیم دروغ میکوئیم وبراستی عمل نمیکنیم ٭ لکن اکر درنور
سلوك مینمائیم چنانکه او درنور است با یکدیکر شراکت داریم وخون پسراو عیسی
۸ مسیح مارا ازهرکناه پاك میسازد ٭ اکرکوئیم که کناه نداریم خودرا کمراه میکنیم وراستی
۹ درما نیست ٭ اکر بکناهان خود اعتراف کنیم او امین وعادل است تا کناهان
۱۰ مارا بیامرزد ومارا ازهر ناراستی پاك سازد ٭ اکرکوئیم که کناه نکرده‌ایم اورا
دروغ کو میشماریم وکلام او درما نیست ٭

باب دوّم

۱ ای فرزندانِ من اینرا بشما مینویسم تا کناه نکنید واکر کسی کناهی کند شفیعی
۲ داریم نزد پدر یعنی عیسی مسیح عادل ٭ واواست کفّاره بجهة کناهان ما ونه کناهان
۳ ما فقط بلکه بجهة تمام جهان نیز ٭ وازاین میدانیم که اورا میشناسیم اکراحکام
٤ اورا نکاه داریم ٭ کسیکه کوید اورا میشناسم واحکام اورا نکاه ندارد دروغکو

۵ است ودروی راستی نیست* لکن کسیکه کلام اورا نگاه دارد فی الواقع محبّت
٦ خدا دروی کامل شده است وازاین میدانیم که دروی هستیم* هرکه گوید که دروی
۷ میمانم بهمین طریقیکه اوسلوك مینمود او نیز باید سلوك کند* ای حبیبان حکمی تازه
بشما نمینویسم بلکه حکمی کهنه که آنرا ازابتداء داشتید وحکم کهنه آنکلام است که
۸ ازابتداء شنیدید* ونیزحکمی تازه بشما مینویسم که آن دروی ودرشما حقّ است
۹ زیرا که تاریکی درگذر است ونور حقیقی الآن میدرخشد* کسیکه میگوید که درنور
۱۰ است وازبرادر خود نفرت دارد تا حال درتاریکی است* وکسیکه برادرخودرا
۱۱ محبّت نماید درنور ساکن است ولغزش دروی نیست* امّا کسیکه ازبرادر خود
نفرت دارد درتاریکی است ودرتاریکی راه میرود ونمیداند کجا میرود زیرا که تاریکی
۱۲ چشمانشرا کور کرده است* ای فرزندان بشما مینویسم زیراکه گناهان شما بخاطر اسم
۱۳ او آمرزیده شده است* ای پدران بشما مینویسم زیرا اورا که ازابتداء است میشناسید.
ای جوانان بشما مینویسم ازآنجا که برشریر غالب شده اید. ای بچه ها بشما نوشتم
۱٤ زیراکه پدررا میشناسید* ای پدران بشما نوشتم زیرا اورا که ازابتداء است
میشناسید. ای جوانان بشما نوشتم ازآنجهة که توانا هستید وکلام خدا درشما ساکن
۱۵ است وبرشریر غلبه یافته اید* دنیارا وآنچه دردنیاست دوست مدارید زیرا اگر
۱٦ کسی دنیارا دوست دارد محبّت پدر دروی نیست* زیراکه آنچه دردنیاست از
شهوت جسم وخواهش چشم وغرور زندگانی ازپدر نیست بلکه ازجهان است*
۱۷ ودنیا وشهوات آن درگذر است لکن کسیکه بهارادهٔ خدا عمل میکند تا بأبد باقی
۱۸ میماند* ای بچه ها این ساعت آخراست وچنانکه شنیده اید که دجّال
میآید الحال هم دجّالان بسیار ظاهر شده اند واز این میدانیم که ساعتِ آخراست*
۱۹ ازما بیرون شدند لکن ازما نبودند زیرا اگر ازما میبودند با ما میماندند لکن بیرون
۲۰ رفتند تا ظاهر شود که همهٔ ایشان ازما نیستند* وامّا شما ازآن قدّوس مسحرا یافته اید
۲۱ وهرچیزرا میدانید* ننوشتم بشما ازاینجهة که راستی را نمیدانید بلکه ازاینرو که آنرا
۲۲ میدانید واینکه هیچ دروغ ازراستی نیست* دروغگو کیست جزآنکه مسیح بودن
۲۳ عیسی را انکار کند. آن دجّال است که پدر وپسررا انکار مینماید* کسیکه پسررا
۲٤ انکار کند پدررا هم ندارد وکسیکه اعتراف بپسر نماید پدررا نیز دارد* وامّا شما

آنچه ازابتداء شنیدید درشما ثابت بماند زیرا اکر آنچه ازاوّل شنیدید درشما ثابت
۲۵ بماند شما نیز درپسر ودر پدر ثابت خواهید ماند * واینست آنوعدهٔ که او بما داده
۲۶ است یعنی حیات جاودانی * واینرا بشما نوشتم دربارهٔ آنانیکه شمارا کمراه میکنند *
۲۷ وامّا درشما آن مسح که ازاو یافته‌اید ثابت است وحاجت ندارید که کسی شمارا
تعلیم دهد بلکه چنانکه خود آن مسح شمارا ازهمه چیز تعلیم میدهد وحقّ است ودروغ
۲۸ نیست پس بطوریکه شمارا تعلیم داد دراو ثابت میمانید * الآن ای فرزندان دراو
ثابت بمانید تا چون ظاهر شود اعتماد داشته باشیم ودر هنکام ظهورش ازوی خجل
۲۹ نشویم * اکر فهمیده‌اید که او عادلست پس میدانید که هرکه عدالترا بجا آوَرَد
ازوی تولّد یافته است *

باب سوّم

۱ ملاحظه کنید چه نوع محبّت پدر بما داده است تا فرزندان خدا خوانده شویم
۲ وچنین هستیم وازینجهة دنیا مارا نمیشناسد زیراکه اورا نشناخت * ای حبیبان الآن
فرزندان خدا هستیم وهنوز ظاهر نشده است آنچه خواهیم بود لکن میدانیم که چون
۳ او ظاهر شود مانند او خواهیم بود زیرا اورا چنانکه هست خواهیم دید * وهرکس
۴ که این امیدرا بروی دارد خودرا پاك میسازد چنانکه او پاکست * وهرکه
کناهرا بعمل میاَوَرَدْ برخلاف شریعت عمل میکند زیرا کناه مخالفت شریعت است *
۵ ۶ ومیدانید که او ظاهر شد تا کناهانرا بردارد و دروی هیچ کناه نیست * هرکه دروی
۷ ثابت است کناه نمیکند وهرکه کناه میکند اورا ندیده است ونمیشناسد * ای فرزندان
کسی شمارا کمراه نکند. کسیکه عدالترا بجا میاورد عادلست چنانکه او عادلست *
۸ وکسیکه کناه میکند ازابلیس است زیراکه ابلیس ازابتداء کناهکار بوده است
۹ وازاینجهة پسر خدا ظاهر شد تا اعمال ابلیسرا باطل سازد * هرکه ازخدا مولود
شده است کناه نمیکند زیرا تخم او دروی میماند واو نمیتواند کناه‌کار بوده باشد زیراکه
۱۰ ازخدا تولّد یافته است * فرزندان خدا وفرزندان ابلیس ازاین ظاهر میکردند.
هرکه عدالترا بجا نمیاورد ازخدا نیست وهمچنین هرکه برادر خودرا محبّت نمینماید *
۱۱ ۱۲ زیرا همین است آن پیغامیکه ازاوّل شنیدید که یکدیکررا محبّت نمائیم * نه مثل
قائن که ازآن شریر بود وبرادر خودرا کشت وازچه سبب اورا کشت. ازاین سبب

۱۲ که اعمال خودش قبیح بود واعمال برادرش نیکو* ای برادرانِ من تعجّب مکنید
۱٤ اکر دنیا ازشما نفرت کیرد* ما میدانیم که ازموت کذشته داخل حیات کشته‌ایم
ازاینکه برادرانرا محبّت مینمائیم. هرکه برادر خودرا محبت نمینماید درموت ساکن است*
۱۵ هرکه ازبرادر خود نفرت نماید قاتل است ومیدانید که هیچ قاتلْ حیات جاودانی
۱٦ درخود ثابت ندارد* ازاین امر محبّترا دانسته‌ایم که اوجان خودرا درراه ما نهاد
۱۷ وما باید جان خودرا درراه برادران بنهیم* لکن کسیکه معیشت دنیوی دارد
وبرادر خودرا محتاج بیند ورحمت خودرا از او باز دارد چکونه محبّت خدا دراو
۱۸ ساکن است* ای فرزندان محبّترا بجا آریم نه درکلام وزبان بلکه درعمل وراستی*
۱۹ وازاین خواهیم دانست که ازحقّ هستیم ودلهای خودرا درحضور او مطمئنّ خواهیم
۲۰ ساخت* یعنی درهر چه دل ما مارا مذمّت میکند زیرا خدا ازدل ما بزرکتر است
۲۱ وهر چیزرا میداند* ای حبیبان هرکاه دل ما مارا مذمّت نکند درحضور خدا
۲۲ اعتماد داریم* وهرچه سؤال کنیم ازاو مییابیم ازآنجهة که احکام اورا نکاه میداریم
وبآنچه پسندیدهٔ اوست عمل مینمائیم واین است حکم او که باسم پسر او عیسی مسیح
۲۳ ایمان آوریم ویکدیکررا محبّت نمائیم چنانکه بما امر فرمود* وهرکه احکام اورا نکاه
دارد دراو ساکن است واو دروی وازاین میشناسیم که درما ساکن است یعنی
ازآن روح که بما داده است*

باب چهارم

۱ ای حبیبان هر روح‌را قبول مکنید بلکه روحهارا بیازمائید که ازخدا هستند یانه
۲ زیراکه انبیای کَذَبَهٔ بسیار بجهان بیرون رفته‌اند* باینْ روح خدارا میشناسیم. هر
۳ روحیکه بعیسی مسیح مجسّم شده اقرار نماید ازخداست* وهر روحیکه عیسی مسیح
مجسّم شده‌را انکار کند ازخدا نیست واینست روح دجّال که شنیده‌اید که او میآید
٤ والآن هم درجهان است* ای فرزندان شما ازخدا هستید وبر ایشان غلبه یافته‌اید
۵ زیرا او که درشما است بزرکتر است ازآنکه درجهانست* ایشان ازدنیا هستند
٦ ازاینجهة سخنان دنیوی میکویند ودنیا ایشانرا میشنود* ما ازخدا هستیم وهرکه خدارا
میشناسد مارا میشنود وآنکه ازخدا نیست مارا نمیشنود. روح حقّ وروح ضلالترا
۷ ازاین تمیز میدهیم* ای حبیبان یکدیکررا محبّت بنمائیم زیراکه محبّت ازخداست

۸ وهرکه محبّت مینماید ازخدا مولود شده است وخدارا میشناسد* وکسیکه محبّت
۹ نمینماید خدارا نمیشناسد زیرا خدا محبّت است* ومحبّت خدا بما ظاهر شده است
۱۰ به‌اینکه خدا پسر یکانهٔ خودرا بجهان فرستاده است تا بوی زیست نمائیم* ومحبّت
درهمین است نه آنکه ما خدارا محبّت نمودیم بلکه اینکه او مارا محبّت نمود وپسر
۱۱ خودرا فرستاد تا کفّارهٔ کناهان ما شود* ای حبیبان اکر خدا با ما چنین محبّت
۱۲ نمود ما نیز میباید یکدیکررا محبّت نمائیم* کسی هرکز خدارا ندید* اکر یکدیکررا
۱۳ محبّت نمائیم خدا درما ساکن است ومحبّت او درما کامل شده است* ازاین میدانیم
١٤ که دروی ساکنیم واو درما زیراکه ازروح خود بما داده است* وما دیده‌ایم
١٥ وشهادت میدهیم که پدر پسررا فرستاد تا نجات دهندهٔ جهان بشود* هرکه اقرار
١٦ میکند که عیسی پسر خداست خدا دروی ساکن است واو درخدا* وما دانسته
وباورکرده‌ایم آن محبّتیرا که خدا با ما نموده است خدا محبّت است وهرکه درمحبّت
۱۷ ساکن است درخدا ساکنست وخدا دروی* محبّت درهمین با ما کامل شده است
تا درروز جزا مارا دلاوری باشد زیرا چنانکه او هست ما نیز دراین جهان همچنین
۱۸ هستیم* درمحبّت خوف نیست بلکه محبّتِ کامل خوف‌را بیرون میاندازد زیرا
۱۹ خوف عذاب دارد وکسیکه خوف دارد درمحبّت کامل نشده است* ما اورا
۲۰ محبّت مینمائیم زیراکه او اوّل مارا محبّت نمود* اکر کسی کوید که خدارا محبّت
مینمایم واز برادر خود نفرت کند دروغکو است زیرا کسیکه برادریرا که دیده
۲۱ است محبّت ننماید چکونه ممکن است خدائیرا که ندیده است محبّت نماید* واین
حکمرا ازوی یافته‌ایم که هرکه خدارا محبّت مینماید برادر خودرا نیز محبّت بنماید*

باب پنجم

۱ هرکه ایمان دارد که عیسی مسیح است ازخدا مولود شده است وهرکه والدرا
۲ محبّت مینماید مولود اورا نیز محبّت مینماید* ازاین میدانیم که فرزندان خدارا
۳ محبّت مینمائیم چون خدارا محبّت مینمائیم واحکام اورا بجا میاوریم* زیرا همین
٤ است محبّت خدا که احکام اورا نکاه داریم واحکام اوکران نیست* زیرا آنچه
ازخدا مولود شده است بردنیا غلبه میابد وغلبهٔ که دنیارا مغلوب ساخته است ایمان

٥ ماراست * کیست آنکه بردنیا غلبه یابد جز آنکه ایمان دارد که عیسی پسر
٦ خداست * همین است او که بآب وخون آمد یعنی عیسی مسیح. نه بآب فقط بلکه
٧ بآب وخون. و روح است آنکه شهادت میدهد زیرا که روح حقّ است * زیرا
٨ سه هستند که شهادت میدهند * یعنی روح وآب وخون واین سه یك هستند *
٩ اکر شهادت انسانرا قبول کنیم شهادت خدا بزرکتر است زیرا این است شهادت
١٠ خدا که دربارهٔ پسر خود شهادت داده است * آنکه بپسر خدا ایمان آورد
درخود شهادت دارد وآنکه بخدا ایمان نیاورد اورا دروغکو شمرده است زیرا
١١ بشهادتیکه خدا دربارهٔ پسر خود داده است ایمان نیاورده است * وآن شهادت
این است که خدا حیات جاودانی بما داده است واین حیات درپسر اوست *
١٢ آنکه پسررا دارد حیات را دارد وآنکه پسر خدارا ندارد حیاترا نیافته است *
١٣ اینرا نوشتم بشما که باسم پسر خدا ایمان آوردهاید تا بدانید که حیات جاودانی دارید وتا
١٤ باسم پسرِ خدا ایمان بیاورید * واینست آن دلیری که نزد وی داریم که هرچه برحسب
١٥ ارادهٔ او سؤآل نمائیم مارا میشنود * واکر دانیم که هرچه سؤآل کنیم مارا میشنود
١٦ پس میدانیم که آنچه ازاو درخواست کنیم میبابیم * اکر کسی برادر خودرا بیند که
کناهیرا که منتهی بموت نباشد میکند دعا بکند واورا حیات خواهد بخشید بهرکه
کناهی منتهی بموت نکرده باشد. کناهی منتهی بموت هست. بجهة آن نمیکویم که دعا
١٧ باید کرد * هر ناراستی کناه است ولی کناهی هست که منتهی بموت نیست *
١٨ ومیدانیم که هرکه ازخدا مولود شده است کناه نمیکند بلکه کسیکه ازخدا تولّد یافت
١٩ خودرا نکاه میدارد وآنشریر اورا لمس نمیکند * ومیدانیم که ازخدا هستیم وتمام دنیا
٢٠ درشریر خوابیده است * امّا آکاه هستیم که پسر خدا آمده است وبما بصیرت داده
است تا حقّ را بشناسیم ودر حقّ یعنی درپسر او عیسی مسیح هستیم. اوست خدای
٢١ حقّ وحیات جاودانی * ای فرزندان خودرا از بتها نکاه دارید آمین *

رسالهٔ دوّم یوحنّای رسول

۱ من که پیرم بخاتون برکزیده وفرزندانش که ایشانرا در راستی محبّت مینمایم ونه من
۲ فقط بلکه همهٔ کسانیکه راستیرا میدانند ٭ بخاطر آنراستی که درما ساکن است و با ما
۳ تا بأبد خواهد بود ٭ فیض ورحمت وسلامتی ازجانب خدای پدر وعیسی مسیح
۴ خداوند وپسر پدر درراستی ومحبّت با ما خواهد بود ٭ بسیار مسرور شدم چونکه
بعضی از فرزندان ترا یافتم که درراستی رفتار میکنند چنانکه ازپدر حکم یافتیم ٭
۵ والآن ایخاتون ازتو التماس دارم نه آنکه حکمی تازه بتو بنویسم بلکه همانرا که ازابتداء
٦ داشتیم که یکدیکررا محبّت بنمائیم ٭ واینست محبّت که موافق احکام او سلوك
۷ بنمائیم وحکم همانست که ازاوّل شنیدید تا درآن سلوك نمائیم ٭ زیرا کمراه کنندکانِ
بسیار به دنیا بیرون شدند که عیسی مسیح ظاهر شدهٔ درجسمرا اقرار نمیکنند۰ آنست
۸ کمراه کننده ودجّال ٭ خودرا نکاه بدارید مبادا آنچه‌را که عمل کردیم برباد دهید
۹ بلکه تا اجرت کامل بیابید ٭ هرکه پیشوائی میکند ودر تعلیم مسیح ثابت نیست
۱۰ خدارا نیافته است۰ امّا آنکه درتعلیم مسیح ثابت ماند او هم پدر وپسررا دارد ٭ اکر
کسی بنزد شما آید واین تعلیمرا نیاوَرَدْ اورا بخانهٔ خود مپذیرید واورا تحیّت
۱۱ ۱۲ مکوئید ٭ زیرا هرکه اورا تحیّت کوید درکارهای قبیحش شریك کردد ٭ چیزهای
بسیار دارم که بشما بنویسم لکن نخواستم که بکاغذ ومرکّب بنویسم بلکه امیدوارم که
۱۳ بنزد شما بیایم وزبانی کفتکو نمایم تا خوشئ ما کامل شود ٭ فرزندان خواهر
برکزیدهٔ تو بتو سلام میرسانند۰ آمین ٭

رسالهٔ سیم یوحنّای رسول

١ ٢ من که پیرم به غایُس حبیب که اورا درراستی محبّت مینمایم* ای حبیب دعا میکنم
٣ که درهروجه کامیاب وتندرست بوده باشی چنانکه جان تو کامیاب است* زیراکه
بسیار شاد شدم چون برادران آمدند وبرراستیٔ تو شهادت دادند چنانکه تو
٤ درراستی سلوك مینمائی* مرا بیش ازاین شادی نیست که بشنوم که فرزندانم
٥ درراستی سلوك مینمایند* ای حبیب آنچه میکنی ببرادران وخصوصًا بغریبان
٦ به امانت میکنی* که درحضور کلیسا بر محبّت تو شهادت دادند وهرگاه ایشانرا
بطور شایستهٔ خدا بدرقه کنی نیکوئی مینمائی زیراکه بجهة اسم او بیرون رفتند واز
٧ امّتها چیزی نمیگیرند* پس برما واجب است که چنین اشخاصرا بپذیریم تا شریك
٨ راستی بشویم* بکلیسا چیزی نوشتم لکن دِیوُتْرَفِیس که سرداری برایشانرا دوست
٩ میدارد مارا قبول نمیکند* لهذا اگرآیم کارهائیرا که او میکند بیاد خواهم آورد
زیرا بسخنان ناشایسته برما یاوه گوئی میکند وبه این قانع نشده برادرانرا خود نمیپذیرد
١٠ وکسانیرا نیزکه میخواهند مانع ایشان میشود وازکلیسا بیرون میکند* ای حبیب
ببدی اقتداء منما بلکه بنیکوئی زیرا نیکوکردار ازخداست وبدکردار خدارا ندیده
١١ است* همهٔ مردم وخودِ راستی نیز بر دِیمِیتْرِیوُس شهادت میدهند وما هم شهادت
١٢ میدهیم وآگاهید که شهادت ما راست است* مرا چیزهای بسیار بود که بتو
١٣ بنویسم لکن نمیخواهم بمرکّب وقلم بتو بنویسم* لکن امیدوارم که بزودی ترا خواهم
١٤ دید وزبانی گفتگو کنیم* سلام برتو باد* دوستان بتو سلام میرسانند* سلام
مرا بدوستان نام بنام برسان*

رسالهٔ یهودا

١ یهودا غلام عیسی مسیح وبرادر یعقوب بخوانده شدکانیکه درخدای پدر حبیب
٢ وبرای عیسی مسیح محفوظ میباشید * رحمت وسلامتی ومحبّت برشما افزون باد *
٣ ای حبیبان چون شوق تمام داشتم که دربارهٔ نجات عامّ بشما بنویسم ناچار شدم که
الآن بشما بنویسم ونصیحت دهم تا شما مجاهده کنید برای آن ایمانیکه یکبار بمقدّسین
٤ سپرده شد * زیراکه بعضی اشخاص درخفا درآمده‌اند که ازقدیم برای این قصاص
مقرّر شده بودند ، مردمان بیدین که فیض خدای مارا بفجور تبدیل نموده وعیسی
٥ مسیح آقای واحد وخداوند مارا انکار کرده‌اند * پس میخواهم شمارا یاد دهم هرچند
همه چیزرا دفعةً میدانید که بعد ازآنکه خداوند قومرا اززمین مصر رهائی بخشیده
٦ بود بار دیکر بی ایمانانرا هلاك فرمود * وفرشتکانیرا که ریاست خودرا حفظ
نکردند بلکه مسکن حقیقیٔ خودرا ترك نمودند درزنجیرهای ابدی درتحت ظلمت
٧ بجههٔ قصاص یوم عظیم نکاه داشته است * وهمچنین سدوم وغموره وسایر بلدان
نواحیٔ آنها مثل ایشان چونکه زناکار شدند ودرپی بشر دیکر افتادند درعقوبت
٨ آتش ابدی کرفتار شده بجههٔ عبرت مقرّر شدند * لیکن با وجود این همه این خواب
بینندکان نیز جسد خودرا نجس میسازند وخداوندیرا خوار میشمارند وبر بزرکان
٩ تهمت میزنند * امّا میکائیل رئیس ملائکه چون دربارهٔ جسد موسی با ابلیس منازعه
میکرد جرأت ننمود که حکم افتراء براو بزند بلکه کفت خداوند ترا توبیخ فرماید *
١٠ لکن این اشخاص برآنچه نمیدانند افتراء میزنند ودرآنچه مثل حیوان غیرناطق بالطّبع
١١ فهمیده‌اند خودرا فاسد میسازند * وای برایشان زیراکه براه قائن رفته‌اند ودر
کمراهیٔ بلعام بجههٔ اُجرت غرق شده‌اند ودر مشاجرتِ قورَح هلاك کشته‌اند *
١٢ اینها درضیافتهای محبّانهٔ شما صخره‌ها هستند چون با شما شادی میکنند وشبانانیکه

خویشتنرا بیخوف میپرورند وابرهای بیآب از بادها رانده شده ودرختان صیفیٔ بیمیوه
۱۲ دو باره مرده واز ریشه کنده شده * وامواج جوشیدهٔ دریا که رسوائیٔ خودرا مثل
کف برمیآورند وستارکان آواره هستند که برای ایشان تاریکیٔ ظلمت جاودانی مقرّر
۱۴ است * لکن خنوخ که هفتم ازآدم بود دربارهٔ همین اشخاص خبر داده کفت اینك
۱۵ خداوند با هزاران هزار ازمقدّسین خود آمد * تا برهمه داوری نماید وجمیع بیدینانرا
ملزم سازد برهمهٔ کارهای بیدینی که ایشان کردند وبر تمامیٔ سخنان زشت که کناهکاران
۱۶ بیدین بخلاف او کفتند * اینانند همهمه کنان وکِلهمندان که برحسب شهوات خود
سلوك مینمایند وبزبان خود سخنان تکبّرآمیز میکویند وصورتهای مردمرا بجهة سود
۱۷ میپسندند * امّا شما ای حبیبان بخاطر آورید آن سخنانیکه رسولان خداوند ما عیسی
۱۸ مسیح پیش کفتهاند * چون بشما خبر دادند که درزمان آخر مستهزئین خواهند
۱۹ آمد که برحسب شهوات بیدینیٔ خود رفتار خواهند کرد * اینانند که تفرقهها پیدا
۲۰ میکنند ونفسانی هستند که روحرا ندارند * امّا شما ای حبیبان خودرا بهایمان اقدس
۲۱ خود بنا کرده ودر روح القدس عبادت نموده * خویشتنرا درمحبّت خدا محفوظ
دارید ومنتظر رحمت خداوند ما عیسی مسیح برای حیات جاودانی بوده باشید *
۲۲ ۲۳ وبعضی را که مجادله میکنند ملزم سازید * وبعضیرا ازآتش بیرون کشیده برهانید
۲۴ وبربعضی با خوف رحمت کنید واز لباس جسم آلود نفرت نمائید * الآن اورا که
قادر است که شمارا ازلغزش محفوظ دارد ودرحضور جلال خود شمارا بیعیب
۲۵ بفرحی عظیم قایم فرماید * یعنی خدای واحد ونجات دهندهٔ مارا جلال وعظمت
وتوانائی وقدرت باد الآن وتا ابدالآباد آمین *

مکاشفهٔ یوحنّای رسول

باب اوّل

١ مکاشفهٔ عیسی مسیح که خدا باو داد تا اموریرا که میباید زود واقع شود برغلامان
خود ظاهر سازد و بوسیلهٔ فرشتهٔ خود فرستاده آنرا ظاهر نمود برغلام خود یوحنّا *
٢ ٣ که کواهی داد بکلام خدا وبشهادت عیسی مسیح در اموریکه دیده بود * خوشا بحال
کسیکه میخواند وآنانیکه میشنوند کلام این نبوّت‌را وآنچه در این مکتوب است
٤ نکاه میدارند چونکه وقت نزدیك است * یوحنّا بهفت کلیسائیکه درآسیا
هستند فیض وسلامتی برشما باد ازاو که هست وبود ومیآید واز هفت روح که
٥ پیش تخت وی هستند * واز عیسی مسیح که شاهد امین ونخستزادهٔ از مردکان
ورئیس پادشاهان جهان است • مراورا که مارا محبّت مینماید ومارا ازکناهان ما
٦ بخون خود شست * ومارا نزد خدا وپدر خود پادشاهان وکَهَنه ساخت • اورا
٧ جلال وتوانائی باد تا ابد الآباد آمین * اینك با ابرها میآید وهر چشمی اورا
خواهد دید وآنانیکه اورا نیزه زدند وتمامیٔ امّتهای جهان برای وی خواهند نالید •
٨ بلی آمین * من هستم الف ویا • اوّل وآخر میکوید آن خداوند خدا که هست
٩ وبود ومیآید قادر علی الاطلاق * من یوحنّا که برادر شما وشریك در مصیبت
وملکوت وصبر درعیسی مسیح هستم بجههٔ کلام خدا وشهادت عیسی مسیح درجزیرهٔ
١٠ مسمّی بپَطْمُسْ شدم * ودر روز خداوند در روح شدم وازعقب خود آوازی بلند
١١ چون صدای صور شنیدم * که میکفت من الف ویا واوّل وآخر هستم • آنچه
میبینی درکتابی بنویس وآنرا بهفت کلیسائیکه درآسیا هستند یعنی به اَفَسُسْ واِسْمِیرنا
١٢ وپَرْغامُسْ وطیاتیرا وسارْدِس وفیلادَلْفِیه ولاوُدِکِیه بفرست * پس رو برکردانیدم
تا آن آوازیرا که با من تکلّم مینمود بنکرم وچون رو کردانیدم هفت چراغدان

۱۳ طلا دیدم* ودرمیان هفت چراغدان شبیه پسرِ انسانرا که ردای بلند دربر
۱۴ داشت وبرسینهٔ وی کمربندی طلا بسته بود* وسر وموی او سفید چون پشم
۱۵ مثل برف سفید بود وچشمان او مثل شعلهٔ آتش* وپایهایش مانند برنج صیقلی
۱۶ که درکوره تابیده شود وآواز او مثل صدای آبهای بسیار* ودر دست راست
خود هفت ستاره داشت واز دهانش شمشیری دو دمهٔ تیز بیرون میآمد وچهره‌اش
۱۷ چون آفتاب بود که درقوّتش میتابد* وچون اورا دیدم مثل مرده پیش پایهایش
افتادم ودست راست خودرا برمن نهاده گفت ترسان مباش* من هستم اوّل وآخر
۱۸ وزنده* ومرده شدم واینك تا ابد الآباد زنده هستم وکلیدهای موت وعالم اموات
۱۹ نزد من است* پس بنویس چیزهائیرا که دیدی وچیزهائیکه هستند وچیزهائیرا
۲۰ که بعد ازاین خواهند شد* سرّ هفت ستاره‌را که در دست راست من دیدی
وهفت چراغدان طلارا* امّا هفت ستاره فرشتگان هفت کلیسا هستند وهفت
چراغدان هفت کلیسا میباشند*

باب دوّم

۱ بفرشتهٔ کلیسای دراَفَسُسْ بنویس که اینرا میگوید او که هفت ستاره‌را بدست
۲ راست خود دارد ودرمیان هفت چراغدان طلا میخرامد* میدانم اعمال ترا
ومشقّت وصبر ترا واینکه متحمّل اشرار نمیتوانی شد وآنانیرا که خودرا رسولان میخوانند
۳ ونیستند آزمودی وایشانرا دروغگو یافتی* وصبر داری وبخاطر اسم من تحمّل
۴ کردی وخسته نگشتی* لکن بحثی برتو دارم که محبّت نخستین خودرا ترك کردهٔ*
۵ پس بخاطر آر که ازکجا افتادهٔ وتوبه کن واعمال نخسترا بعمل اور والّا بزودی نزد
۶ تو میآیم وچراغدانترا ازمکانش نقل میکنم اگر توبه نکنی* لکن اینرا داری که
۷ اعمال نِقُولاوِیانرا دشمن داری چنانکه من نیز ازآنها نفرت دارم* آنکه گوش
دارد بشنود که روح بکلیساها چه میگوید* هرکه غالب آید باو اینرا خواهم بخشید
۸ که ازدرخت حیاتیکه دروسط فردوس خداست بخورد* وبفرشتهٔ کلیسای
دراِسْمِیرنا بنویس که اینرا میگوید آن اوّل وآخر که مرده شد وزنده گشت*
۹ اعمال وتنگی ومفلسیٔ ترا میدانم لکن دولتمند هستی وکفر آنانیرا که خودرا یهود
۱۰ میگویند ونیستند بلکه ازکنیسهٔ شیطانند* ازآن زحماتیکه خواهی کشید مترس

اینك ابلیس بعضی ازشمارا در زندان خواهد انداخت تا تجربه کرده شوید ومدّت
۱۱ ده روز زحمت خواهید کشید لکن تا بمرك امین باش تا تاج حیاترا بتو دهم٭ آنکه
کوش دارد بشنود که روح بکلیساها چه میکوید٭ هرکه غالب آید ازموت ثانی
۱۲ ضرر نخواهد یافت٭ وبفرشتهٔ کلیسای در پَرْغامُس بنویس٭ اینرا میکوید او
۱۳ که شمشیر دو دمهٔ تیزرا دارد٭ اعمال ومسکن ترا میدانم که تخت شیطان درآنجا
است واسم مرا محکم داری وایمان مرا انکار ننمودی نه هم در ایّامیکه اَنْطِپاسِ
۱٤ شهیدِ امینِ من درمیان شما درجائیکه شیطان ساکن است کُشته شد٭ لکن بحث
کمی برتو دارم که درآنجا اشخاصیرا داری که متمسّکند بتعلیم بلعام که بالاقرا آموخت
که درراه بنی اسرائیل سنکی مصادم بیندازد تا قربانیهای بتهارا بخورند وزنا کنند٭
۱۵ ۱٦ وهمچنین کسانیرا داری که تعلیم نِقُولاوِیانرا پذیرفته‌اند٭ پس توبه کن والاّ بزودی
۱۷ نزد تو میآیم وبشمشیر زبان خود با ایشان جنك خواهم کرد٭ آنکه کوش دارد
بشنود که روح بکلیساها چه میکوید وآنکه غالب آید ازمَنِّ مخفی بوی خواهم داد
وسنکی سفید باو خواهم بخشید که برآن سنك اسمی جدید مرقوم است که احدی
۱۸ آنرا نمیداند جز آنکه آنرا یافته باشد٭ وبفرشتهٔ کلیسای درطیاتیرا بنویس
اینرا میکوید پسر خدا که چشمان او چون شعلهٔ آتش وپایهای او چون برنج
۱۹ صیقلی است٭ اعمال ومحبّت وخدمت وایمان وصبر ترا میدانم واینکه اعمال آخر
۲۰ تو بیشتر از اوّل است٭ لکن بحثی برتو دارم که آنزن ایزابل نامیرا راه
میدهی که خودرا نبیّه میکوید وبندکان مرا تعلیم داده اغوا میکند که مرتکب زنا
۲۱ وخوردن قربانیهای بتها بشوند٭ وباو مهلت دادم تا توبه کند امّا نمیخواهد از زنای
۲۲ خود توبه کند٭ اینك اورا بربستری میاندازم وآنانیرا که با او زنا میکنند بمصیبتی
۲۳ سخت مبتلا میکردانم اکر ازاعمال خود توبه نکنند٭ واولادشرا بقتل خواهم رسانید
آنکاه همهٔ کلیساها خواهند دانست که منم امتحان کنندهٔ جکرها وقلوب وهریکی
۲٤ ازشمارا برحسب اعمالش خواهم داد٭ لکن باقی ماندکان شمارا که درطیاتیرا
هستید واین تعلیمرا نپذیرفته‌اید واعمقهای شیطانرا چنانکه میکویند نفهمیده‌اید بار
۲۵ دیکری برشما نمیکذارم٭ جز آنکه بآنچه دارید تا هنکام آمدن من تمسّك جوئید٭
۲٦ وهرکه غالب آید واعمال مرا تا انجام نکاه دارد اورا برامّتها قدرت خواهم بخشید٭

۲۷ تا ایشارا بعصای آهنین حکمرانی کند ومثل کوزهای کوزه‌کر خورد خواهند شد
۲۸ چنانکه من نیز ازپدر خود یافته‌ام٭ وباو ستارهٔ صبح‌را خواهم بخشید٭ آنکه
۲۹ کوش دارد بشنود که روح بکلیساها چه میکوید٭

باب سوّم

۱ وبفرشتهٔ کلیسای درسارْدِسْ بنویس اینرا میکوید او که هفت روح خدا وهفت
۲ ستاره‌را دارد. اعمال ترا میدانم که نام داری که زندهٔ ولی مرده هستی٭ بیدار شو
ومابقی‌را که نزدیك بفناء است استوار نما زیراکه هیچ عمل ترا درحضور خدا کامل
۳ نیافتم٭ پس بیاد آور چکونه یافتهٔ وشنیدهٔ وحفظ کن وتوبه نما زیرا هرکاه بیدار نباشی
مانند دزد برتو خواهم آمد واز ساعت آمدن من برتو مطّلع نخواهی شد٭ لکن
۴ درسارْدِسْ اسمهای چند داری که لباس خودرا نجس نساخته‌اند ودر لباس سفید با من
۵ خواهند خرامید زیراکه مستحقّ هستند٭ هرکه غالب آید بجامهٔ سفید ملبّس خواهد شد
واسم اورا ازدفتر حیات محو نخواهم ساخت بلکه بنام وی درحضور پدرم وفرشتکانِ
۶ او اقرار خواهم نمود٭ آنکه کوش دارد بشنود که روح بکلیساها چه میکوید٭
۷ وبفرشتهٔ کلیسای درفیلادِلْفِیه بنویس که اینرا میکوید آن قدّوس وحقّ که کلید
داودرا دارد که میکشاید وهیچ کس نخواهد بست ومیبندد وهیچ کس نخواهد
۸ کشود٭ اعمال ترا میدانم. اینك دری کشاده پیش روی تو کذارده‌ام که کسی آنرا
نتواند بست زیرا اندك قوّتی داری وکلام مرا حفظ کرده اسم مرا انکار ننمودی٭
۹ اینك میدهم آنانیرا از کنیسهٔ شیطان که خودرا یهود مینامند ونیستند بلکه دروغ
میکویند. اینك ایشانرا مجبور خواهم نمود که بیایند وپیش پایهای تو سجده کنند
۱۰ وبدانند که من ترا محبّت نموده‌ام٭ چونکه کلام صبر مرا حفظ نمودی من نیز ترا
محفوظ خواهم داشت ازساعت امتحان که برتمام ربع مسکون خواهد آمد تا تمامیِ
۱۱ ساکنان زمینرا بیازماید٭ بزودی میآیم پس آنچه داری حفظ کن مبادا کسی تاج ترا
۱۲ بکیرد٭ هرکه غالب آید اورا درهیکل خدای خود ستونی خواهم ساخت و دیکر
هرکز بیرون نخواهد رفت ونام خدای خودرا ونام شهر خدای خود یعنی اورشلیم
جدیدرا که ازآسمان ازجانب خدای من نازل میشود ونام جدید خودرا بروی

١٣ خواهم نوشت * آنکه کوش دارد بشنود که روح بکلیساها چه میکوید * وبفرشتهٔ
١٤ کلیسای در لَاؤُدِکیه بنویس که اینرا میکوید آمین وشاهد امین وصدّیق که ابتدای
١٥ خلقت خداست * اعمال ترا میدانم که نه سرد ونه کرم هستی. کاشکه سرد بودی یا
١٦ کرم * لهذا چون فاتر هستی یعنی نه کرم ونه سرد ترا ازدهان خود قیّ خواهم
١٧ کرد * زیرا میکوئی دولتمند هستم ودولت اندوختهام وبهیچ چیز محتاج نیستم
١٨ ونمیدانیکه تو مستمند ومسکین هستی وفقیر وکور وعریان * ترا نصیحت میکنم که
زر مصفّئ بآتشرا از من بخری تا دولتمند شوی ورخت سفیدرا تا پوشانیده شوے
١٩ وننك عریانئ تو ظاهر نشود وسرمهرا تا بچشمان خود کشیده بینائی یابی * هر کرا
٢٠ من دوست میدارم توبیخ وتأدیب مینمایم پس غیور شو وتوبه نما * اینك بردر
ایستاده میکوبم. اکر کسی آواز مرا بشنود ودررا باز کند بنزد او درخواهم آمد وبا
٢١ وی شام خواهم خورد واو نیز با من * آنکه غالب آید اینرا بوی خواهم داد که
برتخت من با من بنشیند چنانکه من غلبه یافتم وبا پدر خود برتخت او نشستم *
٢٢ هرکه کوش دارد بشنود که روح بکلیساها چه میکوید *

باب چهارم

١ بعد ازاین دیدم که ناکاه دروازهٔ درآسمان باز شده است وآن آواز اوّلرا که شنیده
بودم که چون کرّنا با من سخن میکفت دیکر باره میکوید باینجا صعود نما تا اموریرا
٢ که بعد ازاین باید واقع شود بتو بنمایم * فی الفور در روح شدم ودیدم که تختی
٣ درآسمان قائم است وبرآن تخت نشینندهٔ * وآن نشیننده درصورت مانند سنك
یشم وعقیق است وقوس قزحی درکرد تخت که بمنظر شباهت بزمرّد دارد *
٤ وکرداکرد تخت بیست وچهار تخت است وبرآن تختها بیست وچهار پیر که جامهٔ
٥ سفید دربر دارند نشسته دیدم وبر سر ایشان تاجهای زرّین * واز تخت برقها
وصداها ورعدها برمیآید وهفت چراغ آتشین پیش تخت افروخته که هفت روح
٦ خدا میباشند * ودر پیش تخت دریائی ازشیشه مانند بلّور ودرمیان تخت وکرداکرد
٧ تخت چهار حیوان که ازپیش وپس بچشمان پر هستند * وحیوان اوّل مانند شیر
بود وحیوان دوّم مانند کوساله وحیوان سیّم صورتی مانند انسان داشت وحیوان

٨ چهارم مانند عقاب پرنده * وآن چهار حیوان که هریکی ازآنها شش بال دارد
گرداگرد ودرون بچشمان پرهستند وشبانه روز باز نمایستند ازگفتن قدّوس قدّوس
٩ قدّوس خداوند خدای قادر مطلق که بود وهست ومیآید * وچون آن حیوانات
١٠ جلال وتکریم وسپاس بآن تخت نشینیکه تا ابد الآباد زنده است میخوانند * آنگاه
آن بیست وچهار پیر میافتند درحضور آن تخت نشین واورا که تا ابد الآباد زنده
١١ است عبادت میکنند وتاجهای خودرا پیش تخت انداخته میگویند * ایخداوند
مستحقّیکه جلال واکرام وقوّترا بیابی زیراکه تو همهٔ موجوداترا آفریدهٔ ومحض ارادهٔ
تو بودند وآفریده شدند *

باب پنجم

١ ودیدم بردست راست تخت نشین کتابیرا که مکتوب است ازدرون وبیرون
٢ ومختوم بهفت مُهر * وفرشتهٔ قویّرا دیدم که باواز بلند ندا میکند که کیست
٣ مستحقّ اینکه کتابرا بکشاید ومُهرهایشرا بردارد * وهیچ کس درآسمان ودر زمین
٤ ودر زیر زمین نتوانست آن کتابرا بازکند یا برآن نظرکند * ومن بشدّت
میگریستم زیرا هیچکس که شایستهٔ گشودن کتاب یا خواندن آن یا نظر کردن برآن
٥ باشد یافت نشد * ویکی ازآن پیران بمن میگوید گریان مباش اینك آن شیریکه
ازسبط یهودا وریشهٔ داود است غالب آمده است تا کتاب وهفت مُهرشرا
٦ بگشاید * ودیدم درمیان تخت وچهار حیوان ودر وسط پیران برّهٔ چون ذبح
شده ایستاده است وهفت شاخ وهفت چشم دارد که هفت روح خُدایند که بتمامیٔ
٧ جهان فرستاده میشوند * پس آمد وکتابرا ازدست راست تخت نشین گرفته
٨ است * وچون کتابرا گرفت آن چهار حیوان وبیست وچهار پیر بحضور برّه
افتادند وهریکی ازایشان بربطی وکاسههای زرّین پر از بخور دارند که دعاهای
٩ مقدّسین است * وسرودی جدید میسرایند ومیگویند مُستحقّ گرفتن کتاب
وگشودن مُهرهایش هستی زیراکه ذبح شدی ومردمانرا برای خدا بخون خود ازهر
١٠ قبیله وزبان وقوم وامّت خریدی * وایشانرا برای خُدای ما پادشاهان وکَهَنَه
١١ ساختی وبر زمین سلطنت خواهند کرد * ودیدم وشنیدم صدای فرشتگان
بسیاررا که گرداگرد تخت وحیوانات وپیران بودند وعدد ایشان کرورها کرور

١٢ وهزاران هزار بود* که بآواز بلند میکویند مستحقّ است برّهٔ ذبح شده که قوّت
١٣ ودولت وحکمت وتوانائی واکرام وجلال وبرکترا بیابد* وهر مخلوقی که
درآسمان وبرزمین وزیر زمین ودر دریاست وآنچه درآنها میباشد شنیدم که میکویند
١٤ تخت نشین وبرّه را برکت وتکریم وجلال وتوانائی باد تا ابدالآباد* وچهار
حیوان کفتند آمین وآن پیران بروی درافتادند وسجده نمودند*

باب ششم

١ ودیدم چون برّه یکی ازآن هفت مهررا کشود وشنیدم یکی ازآن چهار حیوان
٢ بصدائی مثل رعد میکوید بیا (وببین)* ودیدم که ناکاه اسبی سفید که سوارش
کمانی دارد وتاجی بدو داده شد وبیرون آمد غلبه کننده وتا غلبه نماید*
٣ ٤ وچون مهر دوّمرا کشود حیوان دوّمرا شنیدم که میکوید بیا (وببین)* واسبی
دیکر آتشکون بیرون آمد وسوارشرا توانائی داده شده بود که سلامتیرا اززمین
٥ بردارد وتا یکدیکررا بکُشند وبوی شمشیری بزرك داده شد* وچون مهر سیّمرا کشود
حیوان سیّمرا شنیدم که میکوید بیا (وببین) ودیدم اینك اسبی سیاه که سوارش ترازوئی
٦ بدست خود دارد* وازمیان چهار حیوان آوازیرا شنیدم که میکوید یك هشت
یك کندم بیك دینار وسه هشت یك جو بیك دینار وبروغن وشراب ضرر مرسان*
٧ وچون مهر چهارمرا کشود حیوان چهارمرا شنیدم که میکوید بیا (وببین)*
٨ ودیدم که اینك اسبی زرد وکسی برآن سوار شده که اسم او موت است وعالم
اموات ازعقب او میآید وبآن دو اختیار بریك ربع زمین داده شد تا بشمشیر
٩ وقحط وموت وبا وحوشِ زمین بکُشند* وچون مُهر پنجمرا کشود درزیر
مذبح دیدم نفوس آنانیرا که برای کلام خدا وشهادتیکه داشتند کشته شده بودند*
١٠ که بآواز بلند صدا کرده میکفتند ای خداوند قدّوس وحقّ تا بکی انصاف نمینمائی
١١ وانتقام خون مارا ازساکنان زمین نمیکشی* وبهر یکی ازایشان جامهٔ سفید داده
شد وبایشان کفته شد که اندکی دیکر آرامی نمایند تا عدد همقطاران که مثل ایشان
١٢ کشته خواهند شد تمام شود* وچون مُهر ششمرا کشود دیدم که زلزلهٔ
عظیم واقع شد وآفتاب چون پلاس پشمی سیاه کردید وتمام ماه چون خون

۱۳ کشت ✲ وستارکان آسمان برزمین فرو ریختند مانند درخت انجیریکه ازباد سخت
۱۴ بحرکت آمده میوه‌های نارس خودرا میافشاند ✲ وآسمان چون طوماری پیچیده
۱۵ شده ازجا برده شد وهرکوه وجزیره ازمکان خود منتقل کشت ✲ وپادشاهان
زمین وبزرکان وسپه سالاران ودولتمندان وجبّاران وهر غلام وآزاد خودرا
۱۶ درمغاره‌ها وصخره‌های کوهها پنهان کردند ✲ وبکوهها وصخره‌ها میکویند که برما
۱۷ بیفتید ومارا مخفی سازید ازروی آن تخت نشین واز غضب برّه ✲ زیرا روز عظیم
غضب او رسیده است وکیست که میتواند ایستاد ✲

باب هفتم

۱ وبعد ازآن دیدم چهار فرشته برچهار کوشهٔ زمین ایستاده چهار باد زمینرا باز
۲ میدارند تا باد برزمین وبر دریا وبر هیچ درخت نوزد ✲ وفرشتهٔ دیکری دیدم
که ازمطلع آفتاب بالا میآید ومُهر خدای زنده‌را دارد وبآن چهار فرشتهٔ که بدیشان
۳ داده شد که زمین ودریارا ضرر رسانند بآواز بلند ندا کرده ✲ میکوید هیچ ضرری
بزمین ودریا و درختان مرسانید تا بندکان خدای خودرا برپیشانیٔ ایشان مُهر زنیم ✲
۴ وعدد مهر شدکانرا شنیدم که ازجمیع اسباط بنی اسرائیل صد وچهل وچهار
۵ هزار مُهر شدند ✲ وازسبط یَهُودا دوازده هزار مهر شدند وازسبط رَاوُبِین دوازده
۶ هزار واز سبط جاد دوازده هزار ✲ وازسبط اَشِیر دوازده هزار واز سبط نَفْتالیم
۷ دوازده هزار واز سبط مَنَسّی دوازده هزار ✲ واز سبط شَمْعُون دوازده هزار واز
۸ سبط لَاوِی دوازده هزار واز سبط یَسّاکار دوازده هزار ✲ از سبط زَبولون دوازده
هزار واز سبط یُوسَف دوازده هزار واز سبط بنیامین دوازده هزار مُهر شدند ✲
۹ وبعد ازاین دیدم که اینك کروهی عظیم که هیچکس ایشانرا نتواند شمرد ازهر امّت
وقبیله وقوم وزبان در پیش تخت ودرحضور برّه بجامه‌های سفید آراسته وشاخه‌های
۱۰ نخل بدست کرفته ایستاده‌اند ✲ وبآواز بلند ندا کرده میکویند نجات خدای مارا که
۱۱ برتخت نشسته است وبرّه‌را است ✲ وجمیع فرشتکان درکرد تخت وپیران وچهار
۱۲ حیوان ایستاده بودند ودرپیش تخت بروی درافتاده خدارا سجده کردند ✲ وکفتند
آمین ۰ برکت وجلال وحکمت وسپاس واکرام وقوّت وتوانائی خدای مارا باد تا

١٣ ابدالاباد. آمین* ویکی از پیران متوجّه شده بمن کفت این سفید پوشان کیانند
١٤ وازکجا آمده اند* من اورا کفتم خداوندا تو میدانی. مرا کفت ایشان کسانی
میباشند که ازعذابِ سخت بیرون میآیند ولباس خودرا بخون برّه شستوشو کرده
١٥ سفید نموده‌اند* ازینجهة پیش روی تخت خدایند وشبانه روز درهیکل او ویرا
١٦ خدمت میکنند وآن تخت نشین خیمهٔ خودرا برایشان برپا خواهد داشت* ودیکر
١٧ هرکز کرسنه وتشنه نخواهند شد وآفتاب وهیچ کرما برایشان نخواهد رسید* زیرا
برّهٔ که درمیان تخت است شبان ایشان خواهد بود وبچشمه‌های آب حیات ایشانرا
راهنمائی خواهد نمود وخدا هراشکیرا ازچشمانِ ایشان پاك خواهد کرد*

باب هشتم

١ وچون مُهر هفتمرا کشود خاموشی قریب بنیم ساعت درآسمان واقع شد*
٢ ودیدم هفت فرشته‌را که درحضور خدا ایستاده‌اند که بایشان هفت کرّنا داده
٣ شد* وفرشتهٔ دیکر آمده نزد مذبح بایستاد با مجمری طلا وبخور بسیار بدو داده
٤ شد تا آنرا بدعاهای جمیع مقدّسین برمذبح طلا که پیش تخت است بدهد* ودود
٥ بخور ازدست فرشته با دعاهای مقدّسین درحضور خدا بالا رفت* پس آن
فرشته مجمررا کرفته ازآتش مذبح آنرا پرکرد وبسوی زمین انداخت وصداها ورعدها
٦ وبرقها وزلزلهٔ حادث کردید* وهفت فرشتهٔ که هفت کرّنارا داشتند
٧ خودرا مستعدِ نواختن نمودند* وچون اوّلی بنواخت تکرك وآتش با خون
آمیخته شده واقع کردید وبسوی زمین ریخته شد وثلث درختان سوخته وهرکیاه
٨ سبز سوخته شد* وفرشتهٔ دوّم بنواخت که ناکاه مثال کوهی بزرك باتش
٩ افروخته شده بدریا افکنده شد وثلث دریا خون کردید* وثلث مخلوقات دریائیکه
١٠ جان داشتند بمردند وثلث کشتیها تباه کردید* وچون فرشتهٔ سیّم نواخت
ناکاه ستارهٔ عظیم چون چراغی افروخته شده ازآسمان فرود آمد وبرثلث نهرها
١١ وچشمه‌های آب افتاد* واسم آن ستاره‌را اَفسِنْتین میخوانند وثلث آبها به اَفسَنْتین
١٢ مبدّل کشت ومردمان بسیار ازآبهائیکه تلخ شده بود مردند* وفرشتهٔ
چهارم بنواخت وبثلث آفتاب وثلث ماه وثلث ستارکان صدمه رسید تا ثلث آنها

۱۳ تاریك کردید و ثلث روز و ثلث شب همچنین بینور شد * وعقابیرا دیدم وشنیدم
که دروسط آسمان میپرد و باآواز بلند میکوید وای وای وای برساکنان زمین بسبب
صداهای دیکر کرّنای آن سه فرشتهٔ که میباید بنوازند *

باب نهم

۱ وچون فرشتهٔ پنجم نواخت ستارهٔرا دیدم که برزمین افتاده بود وکلید چاه
۲ هاویه بدو داده شد * وچاهِ هاویه‌را کشاد ودودی چون دود تنوری عظیم ازچاه
۳ بالا آمد وآفتاب وهوا ازدود چاه تاریك کشت * وازمیان دود ملخها بزمین
۴ برآمدند وبآنها قوّتی چون قوّت عقربهای زمین داده شد * وبدیشان کفته شد
که ضرر نرسانند نه بکیاه زمین ونه بهیچ سبزی ونه بدرختی بلکه بآن مردمانیکه
۵ مُهر خدارا بر پیشانیٔ خود ندارند * وبآنها داده شد که ایشانرا نکشند بلکه تا
مدّت پنج ماه معذّب بدارند واذیّت آنها مثل اذیّت عقرب بود وقتیکه کسیرا
۶ نیش زند * ودرآن ایّام مردم طلب موت خواهند کرد وآنرا نخواهند یافت
۷ وتمنّای موت خواهند داشت امّا موت ازایشان خواهد کریخت * وصورت ملخها
چون اسبهای آراسته شدهٔ برای جنك بود وبرسر ایشان مثل تاجهای شبیه طلا
۸ وچهره‌های ایشان شبیه صورت انسان بود * وموئی داشتند چون موی زنان
۹ ودندانهایشان مانند دندانهای شیران بود * وجوشنها داشتند چون جوشنهای
آهنین وصدای بالهای ایشان مثل صدای عرابه‌های اسبهای بسیار که بجنك همی
۱۰ تازند * ودُمها چون عقربها با نیشها داشتند ودر دُم آنها قدرت بود که تا مدّت
۱۱ پنج ماه مردمرا اذیّت نمایند * وبرخودْ پادشاهی داشتند که مَلَكُ الهاویه است که
۱۲ درعبرانی به‌اَبَدّون مسمّی است ودر یونانی اورا اَپُلِّیُون خوانند * یك وای
۱۳ کذشته است اینك دو وای دیکر بعد ازین میآید * وفرشتهٔ ششم بنواخت
۱۴ که ناکاه آوازی ازمیان چهار شاخ مذبح طلائیکه درحضور خداست شنیدم * که
بآن فرشتهٔ ششم که صاحب کرنا بود میکوید آن چهار فرشته‌را که برنهر عظیم فرات
۱۵ بسته‌اند خلاص کن * پس آن چهار فرشته که برای ساعت وروز وماه وسالِ
۱۶ معیّن مهیّا شده‌اند تا اینکه ثلث مردمرا بکُشند خلاصی یافتند * وعدد جنود

١٧ سواران دویست هزار هزار بود که عدد ایشانرا شنیدم* وباینطور اسبان
وسواران ایشانرا دررؤیا دیدم که جوشنهای آتشین وآسمانجونی وکبریتی دارند
وسرهای اسبان چون سر شیران است وازدهانشان آتش ودود وکبریت بیرون
١٨ میاید* ازاین سه بلاء یعنی آتش ودود وکبریت که ازدهانشان برمیآید ثلث مردم
١٩ هلاك شدند* زیراکه قدرت اسبان دردهان ودُم ایشان است زیراکه دُمهای
٢٠ آنها چون مارهاست که سرها دارد وبآنها اذیّت میکنند* وسائر مردم که باین
بلایا کُشته نکشتند ازاعمال دستهای خود توبه نکردند تا آنکه عبادت دیوها
وبتهای طلا ونقره وبرنج وسنك وچوبرا که طاقت دیدن وشنیدن وخرامیدن
٢١ ندارند ترك کنند* وازقتلها وجادوگریها وزنا ودزدیهای خود توبه نکردند*

باب دهم

١ ودیدم فرشتهٔ زورآور دیگریرا که ازآسمان نازل میشود که ابری دربر دارد
وقوس قزحی برسرش وچهرهاش مثل آفتاب وپایهایش مثل ستونهای آتش*
٢ ودردست خود کتابچهٔ گشوده دارد وپای راست خودرا بردریا وپای چپ
٣ خودرا برزمین نهاد* وباواز بلند چون غرّش شیر صدا کرد وچون صدا کرد
٤ هفت رعد بصداهای خود سخن گفتند* وچون هفت رعد سخن گفتند حاضر
شدم که بنویسم آنگاه آوازی ازآسمان شنیدم که میگوید آنچه هفت رعد گفتند مُهر
٥ کن وآنهارا منویس* وآن فرشتهٔرا که بردریا وزمین ایستاده دیدم دست راست
٦ خودرا بسوی آسمان بلند کرده* قسم خورد باو که تاابدالآباد زنده است که
آسمان وآنچهرا که درآن است وزمین وآنچهرا که درآن است ودریا وآنچهرا که
٧ درآن است آفرید که بعد ازین زمانی نخواهد بود* بلکه درایّام صدای فرشتهٔ
هفتم چون کرّنارا میباید بنوازد سرّ خدا به اتمام خواهد رسید چنانکه بندگان خود
٨ انبیاءرا بشارت داد* وآن آوازی که ازآسمان شنیده بودم بار دیگر شنیدم که مرا
خطاب کرده میگوید برو وکتابچهٔ کشادهرا ازدست فرشتهٔ که بردریا وزمین
٩ ایستاده است بگیر* پس بنزد فرشته رفته بوی گفتم که کتابچهرا بمن بدهد* او
مرا گفت بگیر وبخور که اندرونترا تلخ خواهد نمود لکن دردهانت چون عسل

١٠ شیرین خواهد بود٭ پس کتابچه را ازدست فرشته کرفته خوردم که دردهانم
١١ مثل عسل شیرین بود ولی چون خورده بودم درونم تلخ کردید٭ ومرا کفت که
میباید تو اقوام وامّتها وزبانها وپادشاهان بسیاررا نبوّت کنی٭

باب یازدهم

١ ونئ مثل عصا بمن داده شد ومرا کفت برخیز وقدس خدا ومذبح وآنانیرا که
٢ درآن عبادت میکنند پیمایش نما٭ وصحن خارج قدسرا بیرون انداز وآنرا مپیما
زیراکه بهامّتها داده شده است وشهر مقدّسرا چهل ودو ماه پایمال خواهند نمود٭
٣ وبه دو شاهد خود خواهم داد که پلاس در برکرده مدّت هزار ودویست
٤ وشصت روز نبوّت نمایند٭ اینانند دودرخت زیتون ودوچراغدان که درحضور
٥ خداوند زمین ایستادهاند٭ واکر کسی بخواهد بدیشان اذیّت رساند آتشی
ازدهانشان بدرشده دشمنان ایشانرا فرو میکیرد وهرکه قصد اذیّت ایشان دارد
٦ بدینکونه باید کشته شود٭ اینها قدرت ببستن آسمان دارند تا درایّام نبوّت ایشان
باران نبارد وقدرت برآبها دارند که آنهارا بخون تبدیل نمایند وجهانرا هرکاه
٧ بخواهند بهانواع بلایا مبتلا سازند٭ وچون شهادت خودرا به اتمام رسانند آن
وحش که ازهاویه برمیآید با ایشان جنك کرده غلبه خواهد یافت وایشانرا خواهد
٨ کشت٭ وبدنهای ایشان درشارع عامّ شهرعظیم که بمعنئ روحانی بسدوم ومصر
٩ مسمّی است جائیکه خداوند ایشان نیز مصلوب کشت خواهد ماند٭ وکروهی
ازاقوام وقبائل وزبانها وامّتها بدنهای ایشانرا سه روز ونیم نظاره میکنند واجازت
١٠ نمیدهند که بدنهای ایشانرا بقبرسپارند٭ وساکنان زمین برایشان خوشی وشادی
میکنند ونزد یکدیکرهدایا خواهند فرستاد ازآنروکه این دو نبیّ ساکنان زمینرا
١١ مُعذّب ساختند٭ وبعد ازسه روز ونیم روح حیات ازخدا بدیشان درآمد که
١٢ برپایهای خود ایستادند وبینندکان ایشانرا خوفی عظیم فرو کرفت٭ وآوازی
بلند ازآسمان شنیدند که بدیشان میکوید باینجا صَعُود نمائید پس درابربآسمان
١٣ بالا شدند ودشمنانشان ایشانرا دیدند٭ ودرهمان ساعت زلزلهٔ عظیم حادث
کشت که ده یك ازشهر مُنهدم کردید وهفت هزار نفراززلزله هلاك شدند وباقی

۱۴ ماندکان ترسان کشته خدای آسمانرا تمجید کردند٭ وای دوّم درکذشته است اینك
۱۵ وای سیّم بزودی میاید٭ وفرشتهٔ بنواخت که ناکاه صداهای بلند درآسمان
واقع شد که میکفتند سلطنت جهان ازآنِ خداوند ما ومسیح او شد وتا ابدالآباد
۱۶ حکمرانی خواهد کرد٭ وآن بیست وچهار پیر که درحضور خدا برتختهای خود
۱۷ نشسته‌اند بروی درافتاده خدارا سجده کردند٭ وکفتند ترا شکر میکنیم ای خداوند
خدای قادر مطلق که هستی وبودی زیراکه قوّت عظیم خودرا بدست کرفته
۱۸ بسلطنت پرداختی٭ وامّتها خشمناك شدند وغضب تو ظاهر کردید ووقت
مردکان رسید تا برایشان داوری شود وتا بندکان خود یعنی انبیاء ومُقدّسان
وترسندکان نام خودرا چه کوچك وچه بزرك اجرت دهی ومُفسدان زمین‌را فاسد
۱۹ کردانی٭ وقدس خدا درآسمان مفتوح کشت وتابوت عهد نامهٔ او درقدس او
ظاهر شد وبرقها وصداها ورعدها وزلزله وتکرك عظیمی حادث شد٭

باب دوازدهم

۱ وعلامتی عظیم درآسمان ظاهر شد٭ زنیکه آفتابرا دربر دارد وماه زیر پایهایش
۲ وبرسرش تاجی ازدوازده ستاره است٭ وآبستن بوده ازدردِ زه وعذاب زائیدن
۳ فریاد برمیاورد٭ وعلامتی دیکر درآسمان پدید آمد که اینك اژدهای بزرك
۴ آتشکون که اورا هفت سر وده شاخ بود وبر سرهایش هفت افسر٭ ودُمش ثلث
ستارکان آسمانرا کشیده آنهارا برزمین ریخت واژدها پیش آنزن که میزائید بایستاد
۵ تا چون بزاید فرزند اورا ببلعد٭ پس پسر نرینه‌را زائید که همهٔ امّتهای زمینرا
بعصای آهنین حکمرانی خواهد کرد وفرزندش بنزد خدا وتخت او ربوده شد٭
۶ وزن بببابان فرار کرد که درآنجا مکانی برای وی ازخدا مُهیّا شده است تا اورا
۷ مدّت هزار ودویست وشصت روز بپرورند٭ ودر آسمان جنك شد٭ میکائیل
۸ وفرشتکانش با اژدها جنك کردند واژدها وفرشتکانش جنك کردند٭ ولی غلبه
۹ نیافتند بلکه جای ایشان دیکر درآسمان یافت نشد٭ واژدهای بزرك انداخته
شد یعنی آن مار قدیمیکه بهابلیس وشیطان مسمّی است که تمام ربع مسکون‌را میفریبد٭
۱۰ او برزمین انداخته شد وفرشتکانش با وی انداخته شدند٭ وآوازی بلند

درآسمان شنیدم که میکوید اکنون نجات وقوّت وسلطنتِ خدای ما وقدرت مسیح
او ظاهر شد زیراکه آن مدّعیٔ برادران ما که شبانه روز درحضور خدای ما
۱۱ برایشان دعوی میکند بزیر افکنده شد٭ وایشان بوساطت خون برّه وکلام
۱۲ شهادت خود براو غالب آمدند وجان خودرا دوست نداشتند٭ ازاین جهة
ای آسمانها وساکنان آنها شاد باشید٭ وای برزمین ودریا زیراکه ابلیس بنزد
۱۳ شما فرود شده است با خشم عظیم چون میداند که زمانی قلیل دارد٭ وچون اژدها
۱٤ دید که برزمین افکنده شد برآن زن که فرزند نرینه‌را زائیده بود جفا کرد٭ ودو
بال عقاب بزرك بزن داده شد تا بییابان بمکان خود پرواز کند جائیکه اورا ازنظر
۱٥ آن مار زمانی ودو زمان ونصف زمان پرورش میکنند٭ ومار ازدهان خود
۱٦ درعقب زن آبی چون رودی ریخت تا سیلْ اورا فرو کیرد٭ وزمین زنرا حمایت
کرد وزمین دهان خودرا کشاده آن رودرا که اژدها ازدهان خود ریخت فرو
۱۷ برد٭ واژدها برزن غضب نموده رفت تا با باقی ماندکانِ ذریّت او که احکام
خدارا حفظ میکنند وشهادت عیسی را نکاه میدارند جنك کند٭

باب سیزدهم

۱ واو برریك دریا ایستاده بود ودیدم وَحْشی ازدریا بالا میاید که ده شاخ وهفت
۲ سر دارد وبرشاخهایش ده افسر وبرسرهایش نامهای کفر است٭ وآن وحشرا
که دیدم مانند پلنك بود وپایهایش مثل پای خرس ودهانش مثل دهان شیر
۳ واژدها قوّت خویش وتخت خود وقوّت عظیمی بوی داد٭ ویکی ازسرهایشرا
دیدم که تا بموت کشته شد واز آن زخم مهلك شفا یافت وتمامیٔ جهان درپی این
٤ وحش درحیرت افتادند٭ وآن اژدهارا که قدرت بوحش داده بود پرستش
کردند ووحشرا سجده کرده کفتند که کیست مثل وحش وکیست که با وی میتواند
٥ جنك کند٭ وبوی دهانی داده شد که بکبر وکفر تکلّم میکند وقدرتی باو عطا
٦ شد که مدّت چهل ودو ماه عمل کند٭ پس دهان خودرا بکفرهای برخدا کشود
۷ تا براسم او وخیمهٔ او وسَکَنَهٔ آسمان کفر کوید٭ وبوی داده شد که با مقدّسین
جنك کند وبرایشان غلبه یابد وتسلّط برهر قبیله وقوم وزبان وامّت بدو عطا

٨ شد* وجمیع ساکنانِ جهان جز آنانیکه نامهای ایشان دردفتر حیات برّهٔ که
٩ ازبنای عالم ذبح شده بود مکتوب است اورا خواهند پرستید* اکر کسی کوش
١٠ دارد بشنود* اکرکسی اسیر نماید بهاسیری رود واکرکسی بشمشیر قتل کند میباید
١١ او بشمشیر کشته کردد. دراینجاست صبر وایمان مقدّسین* ودیدم وحش
دیکربرا که از زمین بالا میآید ودو شاخ مثل شاخهای برّه داشت ومانند اژدها
١٢ تکلّم مینمود* وبا تمام قدرتِ وحش نخست درحضور وی عمل میکند وزمین
وسَکَنهٔ آنرا براین وا میدارد که وحش نخسترا که اززخم مهلك شفا یافت
١٣ بپرستند* ومعجزات عظیمه بعمل میآورد تا آتشرا نیز ازآسمان درحضور مردم
١٤ بزمین فرود آورَد* وساکنان زمینرا کمراه میکند بآن معجزاتیکه بوی داده شد که
آنهارا درحضور وحش بنماید وبساکنان زمین میکوید که صورتیرا ازآن وحش که
١٥ بعد ازخوردن زخم شمشیر زیست نمود بسازند* وبوی داده شد که آنصورت
وحشرا روح بخشد تا که صورت وحش سخن کوید وچنان کند که هرکه صورت
١٦ وحشرا پرستش نکند کشته کردد* وهمهرا ازکبیر وصغیر ودولتمند وفقیر وغلام
وآزاد براین وا میدارد که بردست راست یا برپیشانئ خود نشانی کذارند*
١٧ واینکه هیچکس خرید وفروش نتواند کرد جز کسیکه نشان یعنی اسم یا عدد اسم
١٨ وحشرا داشته باشد* دراینجا حکمت است پس هرکه فهم دارد عدد وحشرا
بشمارد زیراکه عدد انسان است وعددش ششصد وشصت وشش است*

باب چهاردهم

١ ودیدم که اینك برّه برکوه صهیون ایستاده است وبا وی صد وچهل وچهار
٢ هزار نفرکه اسم او واسم پدر اورا برپیشانئ خود مرقوم میدارند* وآوازی
ازآسمان شنیدم مثل آواز آبهای بسیار ومانند آواز رعد عظیم وآن آوازیکه
٣ شنیدم مانند آواز بربط نوازان بود که بربطهای خودرا بنوازند* ودر حضور
تخت وچهار حیوان وپیران سرودی جدید میسرایند وهیچکس نتوانست آن
سرودرا بیاموزد جز آنصد وچهل وچهار هزارکه ازجهان خریده شده بودند*
٤ اینانند آنانیکه با زنان آلوده نشدند زیراکه باکره هستند وآنانند که برّهرا هرکجا

میرود متابعت میکنند وازمیان مردم خریده شده‌اند تا نوبر برای خدا وبرّه باشند*
٥ ٦ ودردهان ایشان دروغی یافت نشد زیراکه بیعیب هستند* وفرشتهٔ
دیکررا دیدم که دروسط آسمان پرواز میکند وانجیل جاودانیرا دارد تا ساکنان
٧ زمینرا ازهر امّت وقبیله وزبان وقوم بشارت دهد* وبآواز بلند میکوید ازخدا
بترسید واورا تمجید نمائید زیراکه زمان داوریٔ او رسیده است پس اورا که آسمان
٨ وزمین ودریا وچشمه‌های آبرا آفرید پرستش کنید* وفرشتهٔ دیکر
ازعقب او آمده کفت منهدم شد بابلِ عظیم که ازخمر غضب زنای خود جمیع
٩ امّتهارا نوشانید* وفرشتهٔ سیّم ازعقب این دو آمده بآواز بلند میکوید اکر کسی
وحش وصورت اورا پرستش کند ونشان اورا برپیشانی یا دست خود پذیرد*
١٠ او نیز ازخمر غضب خدا که درپیالهٔ خشم وی بیغشّ آمیخته شده است خواهد
نوشید ودر نزد فرشتکان مقدّس ودر حضور برّه بآتش وکبریت معذّب خواهد
١١ شد* ودود عذاب ایشان تا ابدالآباد بالا میرود پس آنانیکه وحش وصورت
اورا پرستش میکنند وهرکه نشان اسم اورا پذیرد شبانه روز آرامی ندارند*
١٢ در اینجاست صبر مقدّسین که احکام خدا وایمان عیسی را حفظ مینمایند*
١٣ واوازیرا ازآسمان شنیدم که میکوید بنویس که ازکنون خوشحالند مردکانیکه
درخداوند میمیرند وروح میکوید بلی٭ تا اززحمات خود آرامی یابند واعمال
١٤ ایشان ازعقب ایشان میرسد* ودیدم که اینك ابری سفید پدید آمد
وبرابر کسی مثل پسر انسان نشسته که تاجی ازطلا دارد ودر دستش داسی
١٥ تیز است* وفرشتهٔ دیکر ازقدس بیرون آمده بآواز بلند آن ابر نشینرا ندا
میکند که داس خودرا پیش بیاور ودرَو کن زیرا هنکام حصاد رسیده وحاصل
١٦ زمین خشك شده است* وابر نشین داس خودرا برزمین آورد وزمین
١٧ درویده شد* وفرشتهٔ دیکر ازقدسیکه درآسمان است بیرون آمد واو نیز
١٨ داسی تیز داشت* وفرشتهٔ دیکر که برآتش مسلّط است ازمذبح بیرون شده
باواز بلند ندا درداده صاحب داس تیزرا کفت داس تیزخودرا پیش آور
١٩ وخوشه‌های مَوِ زمینرا بچین زیرا انکورهایش رسیده است* پس آن فرشته
داس خودرا برزمین آورد ومَوْهای زمینرا چیده آنرا درچَرْخُشْت عظیم غضب

٢٠ خدا ریخت * وچَرْخُشْترا بیرون شهر بپا بیفشردند وخون از چَرْخشْت تا بدهن
اسبان بمسافت هزار وششصد تیر پرتاب جاری شد *

باب پانزدهم

١ وعلامت دیگرِ عظیم وعجیبی درآسمان دیدم یعنی هفت فرشتهٔ که هفت بلائی
٢ دارند که آخرین هستند زیراکه بآنها غضب الٓهی به انجام رسیده است * ودیدم مثال
دریائی ازشیشهٔ مخلوط بهآتش وکسانیراکه بروحش وصورت او وعدد اسم او غلبه
٣ مییابند بردریای شیشه ایستاده وبربطهای خدارا بدست کرفته * سرود موسی
بندهٔ خداوسرود برّهرا میخوانند ومیکویند عظیم وعجیب است اعمال تو ایخداوند
٤ خدای قادر مطلق • عدل وحقّ است رادهای تو ای پادشاه امّتها * کیست که
ازتو نترسد خداوندا وکیست که نام ترا تمجید ننماید زیراکه توتنها قدّوس هستی وجمیع
امّتها آمده درحضور تو پرستش خواهند کرد زیراکه احکام تو ظاهر کردیده است *
٥ ٦ وبعد ازاین دیدم که قدس خیمهٔ شهادت درآسمان کشوده شد * وهفت فرشتهٔ
که هفت بلا داشتند کتانی پاك وروشن دربر کرده وکمر ایشان بکمربند زرّین بسته
٧ بیرون آمدند * ویکی ازآن چهار حیوان بآن هفت فرشته هفت پیالهٔ زرّین داد
٨ پر ازغضب خدا که تا ابد الاباد زنده است * وقدس ازجلال خدا وقوّت او پر
٩ دود کردید * وتا هفت بلای آن هفت فرشته به انجام نرسید هیچ کس نتوانست
بقدس درآید *

باب شانزدهم

١ وآوازی بلند شنیدم که ازمیان قدس بآن هفت فرشته میکوید که بروید هفت
٢ پیالهٔ غضب خدارا برزمین بریزید * واوّلی رفته پیالهٔ خودرا برزمین ریخت
ودمّل زشت وبد برمردمانیکه نشان وحش دارند وصورت اورا میپرستند بیرون
٣ آمد * ودوّمین پیالهٔ خودرا بدریا ریخت که آن بخون مثل خون مرده مبدّل
٤ کشت وهر نفس زنده از چیزهائیکه در دریا بود بمرد * وسیّمین پیالهٔ خودرا
٥ درنهرها وچشمههای آب ریخت وخون شد * وفرشتهٔ آبهارا شنیدم که میکوید
٦ عادلی تو که هستی وبودی ای قدّوس زیراکه چنین حکم کردی * چونکه خون

مقدّسین وانبیاء را ریختند وبدیشان خون دادی که بنوشند زیراکه مستحقّند ☆
٧ وشنیدم که مذبح میکوید ای خداوند خدای قادر مطلق داوریهای تو حقّ وعدل
٨ است ☆ وچهارمین پیالهٔ خودرا برآفتاب ریخت وبآن داده شد که مردمرا
٩ بآتش بسوزاند ☆ ومردم بحرارت شدید سوخته شدند وباسم آن خدا که براین
١٠ بلایا قدرت دارد کفر کفتند وتوبه نکردند تا اورا تمجید نمایند ☆ وپنجمین پیالهٔ
خودرا برتخت وحش ریخت ومملکت او تاریك کشت وزبانهای خودرا از درد
١١ میکزیدند ☆ وبخدای آسمان بسبب دردها ودمّلهای خود کفر میکفتند واز اعمال
١٢ خود توبه نکردند ☆ وششمین پیالهٔ خودرا برنهرعظیم فرات ریخت وآبش
١٣ خشکید تا راه پادشاهانیکه ازمشرق آفتاب میآیند مهیّا شود ☆ ودیدم که ازدهان
اژدها واز دهان وحش واز دهان نبیّ کاذب سه روح خبیث چون وزغها بیرون
١٤ میآیند ☆ زیراکه آنها ارواح دیوها هستند که معجزات ظاهر میسازند وبر پادشاهان
تمام ربع مسکون خروج میکنند تا ایشانرا برای جنك آنروز عظیم خدای قادر
١٥ مطلق فراهم آورند ☆ اینك چون دزد میآیم خوشابحال کسیکه بیدار شده رخت
١٦ خودرا نکاه دارد مبادا عریان راه رود ورسوائیٔ اورا به بینند ☆ وایشانرا
١٧ بموضعیکه آنرا درعبرانی حار مَجِدّون میخوانند فراهم آوردند ☆ وهفتمین پیالهٔ
خودرا برهوا ریخت وآوازی بلند ازمیان قدس آسمان ازتخت بدرآمده کفت که
١٨ تمام شد ☆ وبرقها وصداها ورعدها حادث کردید وزلزلهٔ عظیم شد آنچنانکه
١٩ ازحین آفرینش انسان برزمین زلزلهٔ باین شدّت وعظمت نشده بود ☆ وشهر بزرك
به سه قسم منقسم کشت وبلدان امّتها خراب شد وبابل بزرك درحضور خدا بیاد
٢٠ امد تا پیالهٔ خمر غضب آلود خشم خودرا بدو دهد ☆ وهر جزیره کریخت وکوهها
٢١ نایاب کشت ☆ وتکرك بزرك که کویا بوزن یك من بود ازآسمان برمردم بارید
ومردم بسبب صدمهٔ تکرك خدارا کفر کفتند زیراکه صدمه‌اش بینهایت سخت بود ☆

باب هفدهم

١ ویکی ازآن هفت فرشتهٔ که هفت پیاله‌را داشتند آمد وبمن خطاب کرده کفت
بیا تا قضای آن فاحشهٔ بزرك‌را که برآبهای بسیار نشسته است بتو نشان دهم ☆

٢ که پادشاهان جهان با او زنا کردند وساکنان زمین از خمر زنای او مست شدند *
٣ پس مرا در روح به بیابان برد و زنیرا دیدم بروحش قرمزی سوار شده که ازنامهای
٤ کفر پر بود وهفت سر وده شاخ داشت * وآن زن به ارغوانی وقرمز ملبّس بود
وبطلا وجواهر ومروارید مزیّن وپیالهٔ زرّین بدست خود پر ازخبائث ونجاسات
٥ زنای خود داشت * وبر پیشانیش این اسم مرقوم بود سرّ وبابلِ عظیم ومادر
٦ فواحش وخبائث دنیا * وآن زنرا دیدم مست ازخون مقدّسین وازخون شهداء
٧ عیسی واز دیدن او بینهایت تعجّب نمودم * وفرشته مرا کفت چرا متعجّب شدی ٭
من سرّ زن وآن وحش‌را که هفت سر وده شاخ دارد که حامل اوست بتو بیان
٨ مینمایم * آن وحش که دیدی بود ونیست واز هاویه خواهد برآمد وبهلاکت
خواهد رفت وساکنان زمین جز آنانیکه نامهای ایشان ازبنای عالم دردفتر حیات
مرقوم است درحیرت خواهند افتاد ازدیدن آن وحش که بود ونیست وظاهر
٩ خواهد شد * اینجاست ذهنیکه حکمت دارد ٭ این هفت سر هفت کوه میباشد که
١٠ زن برآنها نشسته است * وهفت پادشاه هستند که پنج افتاده‌اند ویکی هست
١١ ودیکری هنوز نیامده است وچون آید میباید اندکی بماند * وآن وحش که بود
١٢ ونیست هشتمین است وازآن هفت است وبهلاکت میرود * وآن ده شاخ که
دیدی ده پادشاه هستند که هنوز سلطنت نیافته‌اند بلکه یکساعت با وحش چون
١٣ پادشاهان قدرت مییابند * اینها یکرای دارند وقوّت وقدرت خودرا بوحش
١٤ میدهند * ایشان با برّه جنك خواهند نمود وبرّه برایشان غالب خواهد آمد زیراکه
او ربّ الارباب وپادشاه پادشاهان است وآنانی نیزکه با وی هستند که خوانده
١٥ شده وبرکزیده وامینند * ومرا میکوید آبهائیکه دیدی آنجائیکه فاحشه نشسته است
١٦ قومها وجماعتها وامّتها وزبانها میباشد * وامّا ده شاخ که دیدی ووحش اینها
فاحشه‌را دشمن خواهند داشت واورا بینوا وعریان خواهند نمود وکوشتشرا
١٧ خواهند خورد واورا بآتش خواهند سوزانید * زیرا خدا دردل ایشان نهاده است
که ارادهٔ اورا بجا آرند ویکرای شده سلطنت خودرا بوحش بدهند تا کلام خدا
١٨ تمام شود * وزنیکه دیدی آنشهر عظیم است که بر پادشاهان جهان سلطنت
میکند *

باب هجدهم

۱ بعد ازآن دیدم فرشتهٔ دیگر ازآسمان نازل شد که قدرت عظیم داشت وزمین
۲ بجلال او منوّر شد * وبآواز زورآور ندا کرده کفت منهدم شد بابلِ
عظیم، واو مسکن دیوها وملاذ هر روح خبیث وملاذ هر مرغ ناپاك ومکروه کردیده
۳ است * زیراکه ازخمر غضب آلود زنای او همهٔ امّتها نوشیده‌اند وپادشاهان
جهان با وی زنا کرده‌اند وتجّار جهان ازکثرت عیاشیٔ او دولتمند کردیده‌اند *
٤ وصدائی دیکر از آسمان شنیدم که میکفت ای قوم من ازمیان او بیرون آئید مبادا
٥ درکناهانش شریك شده از بلاهایش بهره مند شوید * زیرا کناهانش تا بفلك رسیده
٦ وخدا ظلمهایشرا بیاد آورده است * بدو ردّ کنید آنچه‌را که او داده است
وبحسب کارهایش دو چندان بدو جزا دهید ودر پیالهٔ که او آمیخته است اورا دو
۷ چندان بیامیزید * به‌اندازهٔ که خویشتنرا تمجید کرد وعیاشی نمود بآنقدر عذاب وماتم
بدو دهید زیراکه دردل خود میکوید بمقام ملکه نشسته‌ام وبیوه نیستم وماتم هرکز
۸ نخواهم دید * لهذا بلایای او ازمرك وماتم وقحط دریك روز خواهد آمد وبآتش
سوخته خواهد شد زیراکه زورآور است خداوند خدائیکه براو داوری میکند *
۹ آنکاه پادشاهان دنیاکه با او زنا وعیاشی نمودند چون دود سوختن اورا بینند
۱۰ کریه وماتم خواهند کرد * وازخوف عذابش دور ایستاده خواهند کفت وای
وای ای شهر عظیم ای بابل بلدهٔ زورآور زیراکه در یکساعت عقوبت تو آمد *
۱۱ وتجّار جهان برای او کریه وماتم خواهند نمود زیراکه ازاین پس بضاعت ایشانرا
۱۲ کسی نمیخرد * بضاعت طلا ونقره وجواهر ومروارید وکتان نازك وارغوانی وابریشم
وقرمز وعود قماری وهر ظرف عاج وظروف چوب کرانبها ومس وآهن ومرمر *
۱۳ ودارچینی وحماما وخشبویها ومرّ وکندر وشراب وروغن وآرد میده وکندم ورمه‌ها
۱٤ وکله‌ها واسبان وعرابها واجساد ونفوس مردم * وحاصل شهوت نفس تو ازتو
کُمشد وهر چیزِ فربه وروشن از تو نابود کردید ودیکر آنهارا نخواهی یافت *
۱۵ وتاجران این چیزها که ازوی دولتمند شده‌اند ازترس عذابش دور ایستاده کریان
۱٦ وماتم کنان * خواهند کفت وای وای ای شهر عظیم که بکتان وارغوانی وقرمز

ملبّس میبودی وبطلا وجواهر ومروارید مزیّن زیرا دریك ساعت اینقدر دولتِ
١٧ عظیم خراب شد ✲ وهر ناخدا وکلّ جماعتیکه برکشتیها میباشند وملّاحان وهرکه
١٨ شغل دریا میکند دور ایستاده ✲ چون دود سوختن آنرا دیدند فریاد کنان کفتند
١٩ کدام شهراست مثل این شهر بزرك ✲ وخاك برسر خود ریخته کریان وماتم کنان
فریاد برآورده میکفتند وای وای برآنشهر عظیم که ازآن هرکه در دریا صاحب
٢٠ کشتی بود ازنفائس او دولتمند کردید که دریك ساعت ویران کشت ✲ پس ای
آسمان ومقدّسان ورسولان وانبیاء شادی کنید زیرا خدا انتقام شمارا ازاو کشیده
٢١ است ✲ ویك فرشتهٔ زورآور سنکی چون سنك آسیای بزرك کرفته بدریا
انداخت وکفت چنین بیك صدمه شهر بزرك بابِل منهدم خواهد کردید ودیکر
٢٢ هرکز یافت نخواهد شد ✲ وصوت بربط زنان ومغنّیان ونی زنان وکرّنا نوازان
بعد ازاین درتو شنیده نخواهد شد وهیچ صنعتکر ازهر صناعتی درتو دیکر پیدا
٢٣ نخواهد شد وباز صدای آسیا درتو شنیده نخواهد کردید ✲ ونور چراغ درتو دیکر
نخواهد تابید وآواز عروس وداماد باز درتو شنیده نخواهد کشت زیراکه تجّار تو
٢٤ اکابر جهان بودند واز جادوکریٔ تو جمیع امّتها کمراه شدند ✲ ودرآن خون انبیاء
ومقدّسین وتمامیٔ مقتولان روی زمین یافت شد ✲

باب نوزدهم

١ وبعد ازآن شنیدم چون آوازی بلند ازکروهی کثیر درآسمان که میکفتند
٢ هَلِّلویاه ۰ نجات وجلال واکرام وقوّت ازآنِ خدای ما است ✲ زیراکه احکام او
راست وعدل است چونکه داوری نمود برفاحشهٔ بزرك که جهانرا بزنای خود
٣ فاسد میکردانید وانتقام خون بندکان خودرا ازدست اوکشید ✲ وبار دیکر کفتند
٤ هَلِّلویاه ودودش تا ابد الآباد بالا میرود ✲ وآن بیست وچهار پیر وچهار حیوان
بروی درافتاده خدائیرا که برتخت نشسته است سجده نمودند وکفتند آمین هَلِّلویاه ✲
٥ وآوازی ازتخت بیرون آمده کفت حمد نمائید خدای مارا ای تمامیٔ بندکان او
٦ وترسندکان او چه کبیر وچه صغیر ✲ وشنیدم چون آواز جمعی کثیر وچون آواز
آبهای فراوان وچون آواز رعدهای شدید که میکفتند هَلِّلویاه زیرا خداوند

۷ خدای ما قادر مطلق سلطنت کرفته است ٭ شادی و وجد نمائیم واورا تمجید کنیم
۸ زیراکه نکاح برّه رسیده است وعروس او خودرا حاضر ساخته است ٭ وباو داده
شد که بکتان پاك وروشن خودرا بپوشاند زیراکه آن کتان عدالتهای مقدّسین
۹ است ٭ ومرا کفت بنویس خوشا بحال آنانیکه ببزم نکاح برّه دعوت شده‌اند ونیز
۱۰ مرا کفت که این است کلام راست خدا ٭ ونزد پایهایش افتادم تا اورا سجده کنم •
او بمن کفت زنهار چنین نکنی زیراکه من با تو همخدمت هستم وبا برادرانت که
شهادت عیسی‌را دارند • خدارا سجده کن زیراکه شهادت عیسی روح نبوّت است ٭
۱۱ ودیدم آسمانرا کشوده وناکاه اسبی سفید که سوارش امین وحقّ نام دارد وبعدل
۱۲ داوری وجنك مینماید ٭ وچشمانش چون شُعلهٔ آتش وبر سرش افسرهای بسیار
۱۳ واسمی مرقوم دارد که جز خودش هیچکس آنرا نمیداند ٭ وجامهٔ خون آلود دربر
۱٤ دارد ونام اورا کلمهٔ خدا میخوانند ٭ ولشکرهائیکه در آسمانند براسبهای سفید
۱۵ وبکتان سفید وپاك ملبّس ازعقب او میآمدند ٭ واز دهانش شمشیری تیز بیرون
میآید تا بآن امّتهارا بزند وآنهارا بعصای آهنین حکمرانی خواهد نمود واو چرخُشْت
۱٦ خمر غضب وخشم خدای قادر مطلق‌را زیر پای خود میافشرد ٭ وبر لباس
۱۷ وران او نامی مرقوم است یعنی پادشاه پادشاهان وربّ الارباب ٭ ودیدم
فرشته‌را در آفتاب ایستاده که بآواز بلند تمامئ مرغانیرا که در آسمان پرواز میکنند
۱۸ ندا کرده میکوید بیائید وبجهة ضیافت عظیم خدا فراهم شوید ٭ تا بخورید کوشت
پادشاهان وکوشت سپه سالاران وکوشت جبّاران وکوشت اسبها وسواران آنها
۱۹ وکوشت همکنانرا چه آزاد وچه غلام چه صغیر وچه کبیر ٭ ودیدم وحش
وپادشاهان زمین ولشکرهای ایشان‌را که جمع شده بودند تا با اسب سوار ولشکر
۲۰ او جنك کنند ٭ ووحش کرفتار شد ونبئ کاذب با وی که پیش او معجزات
ظاهر میکرد تا بآنها آنانیرا که نشان وحش‌را دارند وصورت اورا میپرستند کمراه
۲۱ کند • این هر دو زنده بدریاچهٔ آتش افروخته شده بکبریت انداخته شدند ٭ وباقیان
بشمشیریکه ازدهان اسب سوار بیرون میآمد کشته شدند وتمامئ مرغان ازکوشت
ایشان سیر کردیدند ٭

باب بیستم

۱ ودیدم فرشتهٔرا که ازآسمان نازل میشود وکلید هاویه‌را دارد وزنجیری بزرك
۲ بردست وی است* واژدها یعنی مار قدیمرا که ابلیس وشیطان میباشد کرفتار
۳ کرده اورا تا مدّت هزار سال دربند نهاد* واورا بهاویه انداخت ودررا براو
بسته مهرکرد تا امّتهارا دیکر کمراه نکند تا مدّت هزار سال به انجام رسد وبعد
۴ ازآن میباید اندکی خلاصی یابد* وتختها دیدم وبرآنها نشستند وبایشان
حکومت داده شد ودیدم نفوس آنانیرا که بجهة شهادت عیسی وکلام خدا سر
بریده شدند وآنانیرا که وحش وصورتشرا پرستش نکردند ونشان اورا برپیشانی
۵ ودست خود نپذیرفتند که زنده شدند وبا مسیح هزار سال سلطنت کردند* وسائر
۶ مردکان زنده نشدند تا هزار سال به اتمام رسید. اینست قیامت اوّل* خوشحال
ومقدّس است کسیکه ازقیامت اوّل قسمتی دارد. براینها موت ثانی تسلّط ندارد
بلکه کاهنان خدا ومسیح خواهند بود وهزار سال با او سلطنت خواهند کرد*
۷ وچون هزار سال به انجام رسد شیطان از زندان خود خلاصی خواهد یافت*
۸ تا بیرون رود وامّتهائیرا که درچهار زاویهٔ جهانند یعنی جوج وماجوج‌را کمراه
کند وایشانرا بجهة جنك فراهم آورد که عدد ایشان چون ریك دریاست*
۹ وبرعرصهٔ جهان برآمده لشکرکاه مقدّسین وشهر محبوب‌را محاصره کردند پس آتش
۱۰ ازجانب خدا ازآسمان فرو ریخته ایشانرا بلعید* وابلیس که ایشانرا کمراه میکند
بدریاچهٔ آتش وکبریت انداخته شد جائیکه وحش ونبیّ کاذب هستند وایشان
۱۱ تا ابد الآباد شبانه روز عذاب خواهند کشید* ودیدم تختی بزرك سفید
وکسی‌را برآن نشسته که ازروی وی آسمان وزمین کریخت وبرای آنها جائی یافت
۱۲ نشد* ومردکانرا خورد وبزرك دیدم که پیش تخت ایستاده بودند ودفترهارا
کشودند پس دفتری دیکر کشوده شد که دفتر حیات است وبر مردکان داوری
۱۳ شد بحسب اعمال ایشان ازآنچه در دفترها مکتوب است* ودریا مردکانیرا که
درآن بودند باز داد وموت وعالم اموات مردکانیرا که درآنها بودند باز دادند
۱۴ وهریکی بحسب اعمالش حکم یافت* وموت وعالم اموات بدریاچهٔ آتش انداخته

۱۵ شد. اینست موت ثانی یعنی دریاچهٔ آتش * وهرکه دردفتر حیات مکتوب یافت
نشد بدریاچهٔ آتش افکنده کردید *

باب بیست ویکم

۱ ودیدم آسمانی جدید وزمینی جدید چونکه آسمان اوّل وزمین اوّل درکذشت
۲ ودریا دیکر نمیباشد * وشهر مقدّس اورشلیم جدیدرا دیدم که ازجانب خدا
ازآسمان نازل میشود حاضر شده چون عروسی که برای شوهر خود آراسته است *
۳ وآوازی بلند ازآسمان شنیدم که میکفت اینك خیمهٔ خدا با آدمیان است وبا
ایشان ساکن خواهد بود وایشان قومهای او خواهند بود وخود خدا با ایشان
۴ خدای ایشان خواهد بود * وخدا هر اشکی ازچشمان ایشان پاك خواهد کرد
وبعد ازآن موت نخواهد بود وماتم وناله. ودرد دیکر رو نخواهد نمود زیراکه
۵ چیزهای اوّل درکذشت * وآن تخت نشین کفت الحال همه چیزرا نو میسازم
۶ وکفت بنویس زیراکه این کلام امین وراست است * باز مرا کفت تمام شد من
الف ویا وابتداء وانتهاء هستم. من بهرکه تشنه باشد ازچشمهٔ آب حیات مفت
۷ خواهم داد * وهرکه غالب آید وارث همه چیز خواهد شد واورا خدا خواهم بود
۸ واو مرا پسر خواهد بود * لکن ترسندکان وبی ایمانان وخبیثان وقاتلان وزانیان
وجادوکران وبتپرستان وجمیع دروغکویان نصیب ایشان در دریاچهٔ افروخته شده
۹ بآتش وکبریت خواهد بود. این است موت ثانی * ویکی ازآن هفت فرشته
که هفت پیالهٔ پر ازهفت بلای آخرین‌را دارند آمد ومرا مخاطب ساخته کفت بیا
۱۰ تا عروس منکوحهٔ برّه‌را بتو نشان دهم * آنکاه مرا در روح بکوهی بزرك بلند
برد وشهر مقدّس اورشلیم‌را بمن نمود که ازآسمان ازجانب خدا نازل میشود *
۱۱ ۱۲ وجلال خدارا دارد ونورش مانند جواهر کرانبها چون یشم بلورین * ودیواری
بزرك وبلند دارد ودوازده دروازه دارد وبر سر دروازها دوازده فرشته واسمها
۱۳ برایشان مرقوم است که نامهای دوازده سبط بنی اسرائیل باشد * ازمشرق سه
دروازه واز شمال سه دروازه واز جنوب سه دروازه. واز مغرب سه دروازه *
۱۴ ودیوار شهر دوازده اساس دارد وبر آنها دوازده اسم دوازده رسول برّه است *

١٥ وآنکس که با من تکلّم میکرد نیٔ طلا داشت تا شهر ودروازهایش ودیوارشرا
١٦ بپیماید * وشهر مربّع است که طول وعرضش مساوی است وشهررا بآن نی پیموده
١٧ دوازده هزار تیر پرتاب یافت وطول وعرض وبلندیش برابر است * ودیوارشرا
١٨ صد وچهل وچهار ذراع پیمود موافق ذراع انسان یعنی فرشته * وبنای دیوار
١٩ آن ازیشم بود وشهر اززر خالص چون شیشهٔ مصفّی بود * وبنیاد دیوار شهر بهر
نوع جواهر کرانبها مزیّن بود که بنیاد اوّل یشم ودوّم یاقوت کبود وسیّم عقیق
٢٠ سفید وچهارم زمرّد * وپنجم جزع عقیقی وششم عقیق وهفتم زبرجد وهشتم زمرّد
سلقی ونهم طوپاز ودهم عقیق اخضر ویازدهم آسمانجونی ودوازدهم یاقوت بود *
٢١ ودوازده دروازه دوازده مروارید بود هر دروازه ازیك مروارید وشارع عامّ شهر
٢٢ اززر خالص چون شیشهٔ شفّاف * ودرآن هیچ قدس ندیدم زیرا خداوند خدای
٢٣ قادر مطلق وبرّه قدس آن است * وشهر احتیاج ندارد که آفتاب یا ماه آنرا
٢٤ روشنائی دهد زیراکه جلال خدا آنرا منوّر میسازد وچراغش برّه است * وامّتها
درنورش سالك خواهند بود وپادشاهان جهان جلال واکرام خودرا بآن خواهند
٢٥ درآورد * ودروازهایش در روز بسته نخواهد بود زیراکه شب درآنجا نخواهد
٢٦ ٢٧ بود * وجلال وعزّت امّتهارا بآن داخل خواهند ساخت * وچیزی ناپاك یا
کسیکه مرتکب عمل زشت یا دروغ شود هرگز داخل آن نخواهد شد مگر آنانیکه
دردفتر حیات برّه مکتوب اند *

باب بیست ودوّم

١ ونهری ازآب حیات بمن نشان داد که درخشنده بود مانند بلّور واز تخت خدا
٢ وبرّه جاری میشود * ودر وسط شارع عامّ آن وبر هر دو کنارهٔ نهر درخت حیاترا
که دوازده میوه میاورد یعنی هر ماه میوهٔ خودرا میدهد وبرکهای آن درخت برای
٣ شفای امّتها میباشد * ودیگر هیچ لعنت نخواهد بود وتخت خدا وبرّه درآن خواهد
٤ بود وبندکانش اورا عبادت خواهند نمود * وچهرهٔ اورا خواهند دید واسم وی
٥ برپیشانیٔ ایشان خواهد بود * ودیگر شب نخواهد بود واحتیاج بچراغ ونور آفتاب
ندارند زیرا خداوند خدا برایشان روشنائی میبخشد وتا ابد الآباد سلطنت خواهند
٦ کرد * ومرا گفت این کلامْ امین وراست است وخداوند خدای ارواح انبیاء

فرشتهٔ خودرا فرستاد تا ببندکان خود آنچه را که زود میباید واقع شود نشان دهد ☆
۷ ۸ واینك بزودی میآیم خوشابحال کسیکه کلام نبوّت این کتابرا نکاه دارد☆ ومن
یوحنّا این امورا شنیدم ودیدم وچون شنیدم ودیدم افتادم تا پیش پایهای آن
۹ فرشتهٔ که این امورا بمن نشان داد سجده کنم ☆ او مرا کفت زنهار نکنی زیرا که
همخدمت با تو هستم وبا انبیاء یعنی برادرانت وبا آنانیکه کلام این کتابرا نکاه
۱۰ دارند٭ خدارا سجده کن☆ ومرا کفت کلام نبوّت این کتابرا مُهر مکن زیرا که
۱۱ وقت نزدیك است☆ هرکه ظالم است باز ظالم کند وهرکه خبیث است باز خبیث
بماند وهرکه عادل است باز عدالت کند وهرکه مقدّس است باز مقدّس بشود☆
۱۲ واینك بزودی میآیم واجرت من با من است تا هرکسیرا بحسب اعمالش جزا دهم☆
۱۳ ۱۴ من الف ویاء وابتداء وانتهاء واوّل وآخر هستم☆ خوشابحال آنانیکه رختهای
خودرا میشویند تا بر درخت حیات اقتدار یابند وبدروازهای شهر درآیند☆
۱۵ زیرا که سکان وجادوکران وزانیان وقاتلان وبتپرستان وهرکه دروغرا دوست
۱۶ دارد وبعمل آورد بیرون میباشند☆ من عیسی فرشتهٔ خودرا فرستادم تا شمارا
درکلیساها بدین امور شهادت دهم٭ من ریشه ونسل داود وستارهٔ درخشندهٔ صبح
۱۷ هستم☆ وروح وعروس میکویند بیا وهرکه میشنود بکوید بیا وهرکه تشنه باشد
۱۸ بیاید وهرکه خواهش دارد ازآب حیات بیقیمت بکیرد☆ زیرا هرکسرا که کلام
نبوّت این کتابرا بشنود شهادت میدهم که اکر کسی برآنها بیفزاید خدا بلایای
۱۹ مکتوب دراین کتابرا بروی خواهد افزود☆ وهرکاه کسی ازکلام این نبوّت
چیزی کَم کند خدا نصیب اورا ازدرخت حیات واز شهر مقدّس واز چیزهائیکه
۲۰ دراین کتاب نوشته است منقطع خواهد کرد☆ اوکه براین اُمور شاهد است
۲۱ میکوید بلی٭ بزودی میآیم٭ آمین٭ بیا ای خداوند عیسی☆ فیض خداوند ما
عیسی مسیح با همهٔ شما باد آمین☆

Printed in Great Britain by
Lowe and Brydone (Printers) Ltd., London.